



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

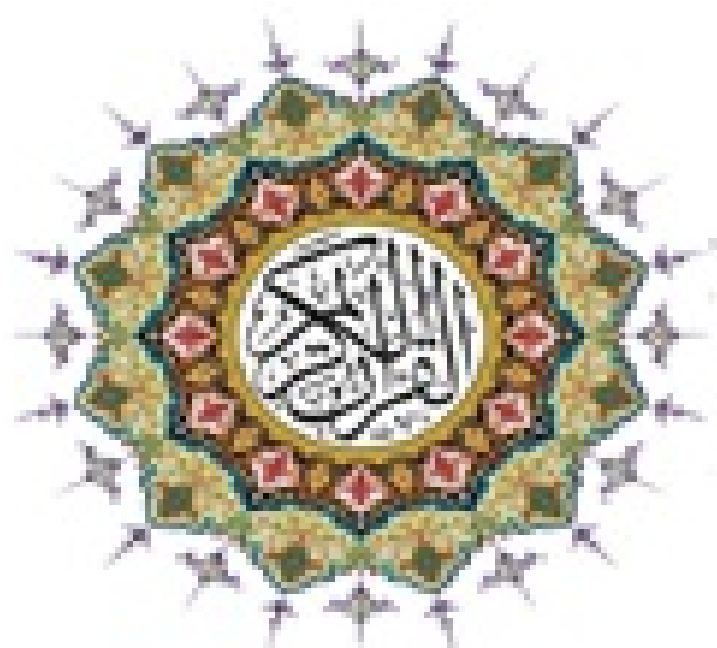
.com

.org

.net

.ir

علم مفاهیم شناسی در قرآن



جلد ۴۵

رسول ملکیان اصفهانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

علم مفاهيم شناسي در قرآن سري جديد جلد 45

نويسنده:

رسول ملكيان اصفهاني

ناشر چاپي:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶۱	علم مفاهیم شناسی در قرآن سری جدید جلد ۴۵
۶۱	مشخصات کتاب
۶۱	۱- خانواده
۶۱	۱- خانواده
۶۱	۲- آثار اذیت خانواده شوهر
۶۱	۳- آثار انحطاط خانواده
۶۳	۴- آثار پاکی خانواده لوط(ع)
۶۳	۵- آثار تباهی خانواده
۶۳	۶- آثار تبعیض در خانواده
۶۵	۷- آثار عفت خانواده لوط(ع)
۶۵	۸- آثار علاقه به خانواده
۶۵	۹- آثار عواطف خانوادگی
۶۷	۱۰- آرامش در خانواده
۶۷	۱۱- آزادی در خانواده شعیب(ع)
۶۷	۱۲- آشتی در خانواده
۶۹	۱۳- احسان در خانواده
۶۹	۱۴- احکام خانواده
۷۳	۱۵- احیای خانواده ایوب(ع)
۷۳	۱۶- اختلاف خانوادگی
۷۵	۱۷- اختلاف در خانواده
۷۶	۱۸- اخلاص خانواده نوح(ع)
۷۷	۱۹- ارزش خانواده
۷۷	۲۰- ارزش عواطف خانوادگی

۷۷	۲۱- ازدیاد خانواده ایوب(ع)
۷۹	۲۲- استغفار برای خانواده
۷۹	۲۳- استغفار برای خانواده نوح(ع)
۷۹	۲۴- اصلاح خانواده
۷۹	۲۵- اصلاح در خانواده
۸۱	۲۶- اضطراب خانواده ابراهیم(ع)
۸۳	۲۷- اطمینان به خانواده موسی(ع)
۸۳	۲۸- اعطای خانواده به ایوب(ع)
۸۳	۲۹- امکان حق ناپذیری خانواده پاکان
۸۳	۳۰- امکان فساد خانواده پاکان
۸۵	۳۱- امکان کفر خانواده پاکان
۸۵	۳۲- امتیّت در خانواده
۸۵	۳۳- امیدواری به خانواده موسی(ع)
۸۵	۳۴- انبیا و خانواده
۸۵	۳۵- اندوه خانواده نوح(ع)
۸۷	۳۶- اهمیت اصلاح خانواده
۸۷	۳۷- اهمیت تربیت خانواده
۸۷	۳۸- اهمیت تربیت دینی خانواده
۸۹	۳۹- اهمیت تفاهم خانوادگی
۸۹	۴۰- اهمیت حفظ خانواده
۹۰	۴۱- اهمیت حل اختلاف خانوادگی
۹۱	۴۲- اهمیت خانواده
۹۱	۴۳- اهمیت روابط خانوادگی
۹۵	۴۴- اهمیت سعادت خانواده
۹۵	۴۵- اهمیت عواطف خانوادگی
۹۷	۴۶- اهمیت محافظت از خانواده

- ۴۷- اهمیت مشاوره در خانواده ۹۷
- ۴۸- ایمان خانواده صالح(ع) ۹۸
- ۴۹- ایمان خانواده لوط(ع) ۹۹
- ۵۰- ایمان خانواده نوح(ع) ۱۰۱
- ۵۱- بازگشت خانواده ۱۰۱
- ۵۲- بازگشت خانواده ایوب(ع) ۱۰۱
- ۵۳- برگزیدگی خانواده نوح(ع) ۱۰۲
- ۵۴- بشارت نجات خانواده نوح(ع) ۱۰۳
- ۵۵- پاکی خانواده لوط(ع) ۱۰۳
- ۵۶- پاکیزگی در خانواده ۱۰۳
- ۵۷- تأمین معاش خانواده شعیب(ع) ۱۰۳
- ۵۸- تأمین نیازهای خانواده ۱۰۵
- ۵۹- تداوم روابط خانوادگی ۱۰۵
- ۶۰- ترس خانواده ابراهیم(ع) ۱۰۵
- ۶۱- تشکیل خانواده ۱۰۶
- ۶۲- تعیین جمعیت خانواده ۱۰۷
- ۶۳- تفاهم در خانواده ۱۰۷
- ۶۴- تقوا در خانواده ۱۰۸
- ۶۵- تکذیب شایعه علیه خانواده محمد(صلی الله علیه و آله) ۱۰۹
- ۶۶- تنزیه خانواده لوط(ع) ۱۰۹
- ۶۷- توطئه تبعید خانواده لوط(ع) ۱۱۱
- ۶۸- توطئه علیه خانواده محمد(صلی الله علیه و آله) ۱۱۱
- ۶۹- جرم خانواده لوط(ع) ۱۱۲
- ۷۰- چوپان خانواده شعیب(ع) ۱۱۳
- ۷۱- حفظ خانواده ۱۱۳
- ۷۲- حقوق خانواده ۱۱۳

- ۷۳- حکمیت در خانواده ۱۱۵
- ۷۴- حل اختلاف خانوادگی ۱۱۶
- ۷۵- حل اختلاف خانواده ۱۱۷
- ۷۶- حمایت از خانواده ۱۲۰
- ۷۷- خانواده برادران یوسف ۱۲۱
- ۷۸- خانواده کافران ۱۲۱
- ۷۹- خانواده لوط(ع) ۱۲۱
- ۸۰- خانواده لوط(ع) و گناه ۱۲۳
- ۸۱- خانواده متقین ۱۲۳
- ۸۲- خانواده محمد(صلی الله علیه و آله) ۱۲۳
- ۸۳- خانواده موسی(ع) ۱۲۵
- ۸۴- خانواده موسی(ع) در صحرای سینا ۱۲۶
- ۸۵- خانواده موسی(ع) در کوه طور ۱۲۷
- ۸۶- خانواده مؤمنان ۱۲۷
- ۸۷- خانواده مؤمنان در بهشت ۱۲۷
- ۸۸- خانواده مهاجران به مکه ۱۲۸
- ۸۹- خانواده نوح(ع) ۱۲۹
- ۹۰- خانواده نوح(ع) در کشتی ۱۲۹
- ۹۱- خیرخواهی برای خانواده ۱۳۱
- ۹۲- دامداری خانواده شعیب(ع) ۱۳۱
- ۹۳- درخواست صبر از خانواده موسی(ع) ۱۳۱
- ۹۴- درخواست نجات خانواده لوط(ع) ۱۳۱
- ۹۵- دشمنی با خانواده صالح(ع) ۱۳۳
- ۹۶- دعا برای خانواده ۱۳۳
- ۹۷- دعوت از خانواده نوح(ع) ۱۳۳
- ۹۸- دلداری به خانواده موسی(ع) ۱۳۳

- ۹۹- دوستی اعضای خانواده ۱۳۵
- ۱۰۰- رحمت بر خانواده ابراهیم(ع) ۱۳۵
- ۱۰۱- رعایت حقوق خانوادگی ۱۳۵
- ۱۰۲- رفع اندوه خانواده نوح(ع) ۱۳۷
- ۱۰۳- روابط خانوادگی ۱۳۷
- ۱۰۴- روابط خانواده ۱۳۷
- ۱۰۵- روابط در خانواده ۱۳۹
- ۱۰۶- روابط عاطفی در خانواده شعیب(ع) ۱۴۱
- ۱۰۷- روانشناسی خانواده ۱۴۱
- ۱۰۸- زمینه انحراف خانواده انبیا ۱۴۱
- ۱۰۹- زمینه حل اختلاف خانوادگی ۱۴۱
- ۱۱۰- زمینه کفر خانواده انبیا ۱۴۳
- ۱۱۱- زمینه نفاق خانواده انبیا ۱۴۳
- ۱۱۲- زیان به خانواده ۱۴۴
- ۱۱۳- سازگاری در خانواده ۱۴۵
- ۱۱۴- سرگردانی خانواده موسی(ع) ۱۴۵
- ۱۱۵- سرنوشت خانواده ظالمان ۱۴۷
- ۱۱۶- سرنوشت خانواده گمراهان ۱۴۷
- ۱۱۷- سلامتی روانی خانواده ۱۴۷
- ۱۱۸- شکرگزاری خانواده لوط(ع) ۱۴۷
- ۱۱۹- عبودیت خانواده نوح(ع) ۱۴۷
- ۱۲۰- عجز از بازگشت به خانواده ۱۴۹
- ۱۲۱- عجز از تأمین خانواده ۱۴۹
- ۱۲۲- عدالت در خانواده ۱۴۹
- ۱۲۳- عفت خانواده لوط(ع) ۱۵۰
- ۱۲۴- عفت در خانواده ۱۵۱

- ۱۲۵- عفو در خانواده ۱۵۱
- ۱۲۶- علاقه به خانواده ۱۵۱
- ۱۲۷- علایق خانوادگی ۱۵۱
- ۱۲۸- عمل صالح خانواده نوح(ع) ۱۵۳
- ۱۲۹- عواطف خانوادگی ۱۵۳
- ۱۳۰- عوامل اختلاف خانوادگی ۱۵۵
- ۱۳۱- عوامل انحطاط خانواده ۱۵۵
- ۱۳۲- عوامل اندوه خانواده نوح(ع) ۱۵۵
- ۱۳۳- عوامل تباهی خانواده ۱۵۵
- ۱۳۴- عوامل تحکیم خانواده ۱۵۷
- ۱۳۵- عوامل زیانکاری خانواده ظالمان ۱۵۷
- ۱۳۶- عوامل سعادت خانواده ۱۵۷
- ۱۳۷- عوامل سلامتی خانواده ۱۵۹
- ۱۳۸- عوامل شقاوت خانواده ۱۵۹
- ۱۳۹- عوامل مؤثر در تربیت خانواده ۱۵۹
- ۱۴۰- عوامل مؤثر در زندگی خانوادگی ۱۵۹
- ۱۴۱- عوامل مؤثر در سلامتی خانواده ۱۶۱
- ۱۴۲- عوامل نجات خانواده لوط(ع) ۱۶۱
- ۱۴۳- فراق ایوب(ع) از خانواده ۱۶۱
- ۱۴۴- فضایل خانواده لوط(ع) ۱۶۲
- ۱۴۵- فضایل خانواده موسی(ع) ۱۶۳
- ۱۴۶- فضایل خانواده نوح(ع) ۱۶۳
- ۱۴۷- کافران خانواده نوح(ع) ۱۶۵
- ۱۴۸- کتمان رازهای خانوادگی ۱۶۵
- ۱۴۹- کفر خانواده نوح(ع) ۱۶۵
- ۱۵۰- کیفیت هجرت خانواده لوط(ع) ۱۶۵

- ۱۵۱- گناه اختلاف فکنی در خانواده ها ۱۶۷
- ۱۵۲- محدوده خانواده ۱۶۷
- ۱۵۳- محدوده مسؤولیت سرپرست خانواده ۱۶۷
- ۱۵۴- مدیریت خانواده ۱۶۷
- ۱۵۵- مدیریت در خانواده ۱۶۹
- ۱۵۶- مسافرت خانواده موسی(ع) ۱۷۱
- ۱۵۷- مسافرت شبانه خانواده موسی(ع) ۱۷۱
- ۱۵۸- مسوول رفع مشکلات خانواده ۱۷۱
- ۱۵۹- مسؤولیت خانواده لوط(ع) ۱۷۳
- ۱۶۰- مسؤولیت سرپرست خانواده ۱۷۳
- ۱۶۱- مسیر هجرت خانواده لوط(ع) ۱۷۳
- ۱۶۲- مشاوره در خانواده ۱۷۴
- ۱۶۳- مشورت در خانواده ۱۷۵
- ۱۶۴- مقامات خانواده ابراهیم(ع) ۱۷۵
- ۱۶۵- مقامات خانواده محمد(صلی الله علیه و آله) ۱۷۵
- ۱۶۶- مکر علیه خانواده صالح(ع) ۱۷۷
- ۱۶۷- ملاک روابط خانوادگی ۱۷۷
- ۱۶۸- ملاک مشاوره در خانواده ۱۷۷
- ۱۶۹- ملائکه و خانواده لوط ۱۷۷
- ۱۷۰- منشأ نجات خانواده لوط(ع) ۱۷۹
- ۱۷۱- منشأ نجات خانواده نوح(ع) ۱۷۹
- ۱۷۲- منیت خانواده لوط(ع) ۱۷۹
- ۱۷۳- ناپایداری روابط خانوادگی ۱۷۹
- ۱۷۴- ناسازگاری در خانواده ۱۸۱
- ۱۷۵- نجات خانواده لوط(ع) ۱۸۱
- ۱۷۶- نجات خانواده لوط(ع) از عذاب ۱۸۵

- ۱۷۷- نجات خانواده نوح(ع)----- ۱۸۵
- ۱۷۸- نظام خانواده ----- ۱۸۷
- ۱۷۹- نظام خانواده در جاهلیت ----- ۱۸۸
- ۱۸۰- نعمت خانواده ----- ۱۸۹
- ۱۸۱- نعمت نجات خانواده نوح(ع)----- ۱۸۹
- ۱۸۲- نعمتهای خانواده لوط(ع)----- ۱۸۹
- ۱۸۳- نقش اصالت خانوادگی ----- ۱۹۱
- ۱۸۴- نقش خانواده ----- ۱۹۱
- ۱۸۵- نقش سرپرست خانواده ----- ۱۹۳
- ۱۸۶- نوح(ع) و نجات خانواده ----- ۱۹۳
- ۱۸۷- نهی به خانواده لوط(ع)----- ۱۹۵
- ۱۸۸- نیازهای خانواده موسی(ع)----- ۱۹۵
- ۱۸۹- نیازهای مادی خانواده شعیب(ع)----- ۱۹۵
- ۱۹۰- ورود ملاتکه بر خانواده لوط(ع)----- ۱۹۵
- ۱۹۱- وعده نجات خانواده نوح(ع)----- ۱۹۷
- ۱۹۲- وقت نجات خانواده لوط(ع)----- ۱۹۷
- ۱۹۳- هجرت خانواده لوط(ع)----- ۱۹۷
- ۱۹۴- هجرت خانواده موسی(ع)----- ۱۹۹
- ۱۹۵- هجرت شبانه خانواده لوط(ع)----- ۱۹۹
- ۱۹۶- همنشینی اخروی با خانواده ----- ۲۰۱
- ۱۹۷- همنشینی دنیوی با خانواده ----- ۲۰۱
- ۲- خانه سازی ----- ۲۰۳
- ۱- بنی اسرائیل و خانه سازی ----- ۲۰۳
- ۲- تاریخ خانه سازی ----- ۲۰۳
- ۳- خانه سازی ----- ۲۰۳
- ۴- خانه سازی در قوم ثمود ----- ۲۰۴

- ۵- خانه سازی در کوه ۲۰۴
- ۶- خانه سازی قوم ثمود ۲۰۴
- ۷- خانه سازی قوم عاد ۲۰۶
- ۸- فلسفه خانه سازی ۲۰۷
- ۹- نعمت خانه سازی ۲۰۸
- ۱۰- ویژگیهای خانه سازی قوم ثمود ۲۰۸
- ۱۱- خانه همگانی ۲۰۸
- ۳- خانه ۲۱۰
- ۱- آثار علاقه به خانه ۲۱۰
- ۲- آداب حضور در خانه محمد(صلی الله علیه و آله) ۲۱۰
- ۳- آداب ورود به خانه ۲۱۰
- ۴- آداب ورود به خانه دیگران ۲۱۲
- ۵- آداب ورود به خانه محمد(صلی الله علیه و آله) ۲۱۵
- ۶- آرامش در خانه ۲۱۵
- ۷- ابزار ساخت خانه های سبک ۲۱۶
- ۸- اتاقهای خانه محمد(صلی الله علیه و آله) ۲۱۷
- ۹- اجازه ورود به خانه محمد(صلی الله علیه و آله) ۲۱۷
- ۱۰- اخراج مطلقه از خانه ۲۱۸
- ۱۱- استحکام خانه های قوم عاد ۲۱۹
- ۱۲- استیذان هنگام ورود به خانه دیگران ۲۲۱
- ۱۳- اقامت طولانی در خانه محمد(صلی الله علیه و آله) ۲۲۱
- ۱۴- امنیت خانه مجاهدان غزوه احزاب ۲۲۲
- ۱۵- اهمیت آسایش در خانه ۲۲۳
- ۱۶- اهمیت امنیت در خانه ۲۲۳
- ۱۷- اهمیت عاریه اثاث خانه ۲۲۳
- ۱۸- بنی اسرائیل و خانه سازی ۲۲۳

- ۱۹- پلکان خانه کافران ۲۲۵
- ۲۰- تاریخ خانه سازی ۲۲۵
- ۲۱- تخریب خانه های بنی نضیر ۲۲۵
- ۲۲- تخریب خانه های قوم عاد ۲۲۵
- ۲۳- تلاوت آیات خدا در خانه همسران محمد(صلی الله علیه و آله) ۲۲۷
- ۲۴- تلاوت حکمت در خانه همسران محمد(صلی الله علیه و آله) ۲۲۷
- ۲۵- تمثیل به خانه عنکبوت ۲۲۷
- ۲۶- تملک خانه های یهود بنی قریظه ۲۲۷
- ۲۷- توقف در کنار خانه دیگران ۲۲۹
- ۲۸- تهیه اثاث خانه ۲۲۹
- ۲۹- حفاظ خانه های محمد(صلی الله علیه و آله) ۲۲۹
- ۳۰- خانه اسماعیل(ع) ۲۲۹
- ۳۱- خانه داری مادر موسی(ع) ۲۳۱
- ۳۲- خانه سازی ۲۳۱
- ۳۳- خانه سازی در قوم ثمود ۲۳۱
- ۳۴- خانه سازی در کوه ۲۳۳
- ۳۵- خانه سازی قوم ثمود ۲۳۳
- ۳۶- خانه سازی قوم عاد ۲۳۵
- ۳۷- خانه نشینی همسران محمد(صلی الله علیه و آله) ۲۳۵
- ۳۸- خانه نوح(ع) ۲۳۵
- ۳۹- خانه های اخروی مجاهدان ۲۳۷
- ۴۰- خانه های بهشت ۲۳۷
- ۴۱- خانه های رفیع ۲۳۷
- ۴۲- خانه های سنگی ۲۳۹
- ۴۳- خانه های سنگی قوم ثمود ۲۳۹
- ۴۴- خانه های فرعونیان ۲۴۱

- ۴۵- خانه های قوم ثمود ۲۴۱
- ۴۶- خانه های قوم عاد ۲۴۱
- ۴۷- خانه های مرتفع قوم عاد ۲۴۳
- ۴۸- خانه های منافقان مدینه ۲۴۳
- ۴۹- خانه های همسران محمد(صلی الله علیه و آله) ۲۴۴
- ۵۰- خروج مطلقه از خانه ۲۴۵
- ۵۱- خوردن از خانه برادر ۲۴۵
- ۵۲- خوردن از خانه پدر ۲۴۷
- ۵۳- خوردن از خانه خاله ۲۴۷
- ۵۴- خوردن از خانه خواهر ۲۴۷
- ۵۵- خوردن از خانه خویشاوندان ۲۴۹
- ۵۶- خوردن از خانه دایی ۲۴۹
- ۵۷- خوردن از خانه دوست ۲۴۹
- ۵۸- خوردن از خانه عمو ۲۵۱
- ۵۹- خوردن از خانه عمه ۲۵۱
- ۶۰- خوردن از خانه فرزند ۲۵۳
- ۶۱- خوردن از خانه مادر ۲۵۳
- ۶۲- خوردن از خانه موکل ۲۵۳
- ۶۳- خوردن از خانه همسر ۲۵۵
- ۶۴- درب خانه های کافران ۲۵۵
- ۶۵- درب خانه های مکه ۲۵۷
- ۶۶- درخواست خانه بهشتی ۲۵۷
- ۶۷- درخواست خانه طلایی ۲۵۷
- ۶۸- رفعت خانه تسبیح گویان خدا ۲۵۷
- ۶۹- رفعت خانه ذاکران خدا ۲۵۹
- ۷۰- رفعت خانه مؤدیان زکات ۲۵۹

- ۲۵۹ ----- ۷۱- رفعت خانه نمازگزاران
- ۲۶۱ ----- ۷۲- زمینه تخریب خانه های بنی نضیر
- ۲۶۱ ----- ۷۳- سستی خانه عنکبوت
- ۲۶۱ ----- ۷۴- سستی خانه های قوم عاد
- ۲۶۳ ----- ۷۵- سقف نقره ای خانه کافران
- ۲۶۳ ----- ۷۶- سلام هنگام ورود به خانه
- ۲۶۳ ----- ۷۷- سلام هنگام ورود به خانه دیگران
- ۲۶۵ ----- ۷۸- صرف غذا در خانه محمد(صلی الله علیه و آله)
- ۲۶۵ ----- ۷۹- عاریه اثاث خانه
- ۲۶۷ ----- ۸۰- عبادت در شرق خانه
- ۲۶۷ ----- ۸۱- عظمت خانه های قوم عاد
- ۲۶۷ ----- ۸۲- فلسفه خانه سازی
- ۲۶۷ ----- ۸۳- قبول عذرخواهی صاحب خانه
- ۲۶۹ ----- ۸۴- کیفیت حضور در خانه
- ۲۶۹ ----- ۸۵- گفتگو در خانه محمد(صلی الله علیه و آله)
- ۲۶۹ ----- ۸۶- لانه سازی بر روی خانه ها
- ۲۷۱ ----- ۸۷- مسلمانان و خانه محمد(صلی الله علیه و آله)
- ۲۷۱ ----- ۸۸- نابودی خانه قارون
- ۲۷۱ ----- ۸۹- نعمت خانه سازی
- ۲۷۱ ----- ۹۰- نقش خانه
- ۲۷۳ ----- ۹۱- نقش خانه لوط(ع)
- ۲۷۳ ----- ۹۲- نهی از اجاره خانه های مکه
- ۲۷۳ ----- ۹۳- ورود به خانه از پشت
- ۲۷۵ ----- ۹۴- ورود به خانه دیگران در جاهلیت
- ۲۷۵ ----- ۹۵- ورود به خانه محمد(صلی الله علیه و آله)
- ۲۷۵ ----- ۹۶- ورود حاجیان به خانه

- ۹۷- ویرانی خانه دشمنان دین - ۲۷۷
- ۹۸- ویرانی خانه های قوم ثمود - ۲۷۷
- ۹۹- ویژگی خانه محمد(صلی الله علیه و آله) - ۲۷۸
- ۱۰۰- ویژگی خانه های قوم ثمود - ۲۷۹
- ۱۰۱- ویژگیهای خانه سازی قوم ثمود - ۲۷۹
- ۱۰۲- ویژگیهای خانه محمد(صلی الله علیه و آله) - ۲۸۰
- ۱۰۳- ویژگیهای خانه های قوم ثمود - ۲۸۱
- ۱۰۴- یوسف(ع) در خانه عزیز مصر - ۲۸۱
- ۴- خائنان - ۲۸۴
- ۱- خائنان - ۲۸۴
- ۲- آموزش خائنان - ۲۸۵
- ۳- اغواگری خائنان - ۲۸۵
- ۴- توطئه خائنان - ۲۸۵
- ۵- حفظ منافع خائنان - ۲۸۷
- ۶- حمایت از خائنان - ۲۸۷
- ۷- خائنان اهل کتاب - ۲۸۹
- ۸- خائنان به اسلام - ۲۹۰
- ۹- خائنان به محمد(صلی الله علیه و آله) - ۲۹۱
- ۱۰- خائنان به یوسف(ع) - ۲۹۱
- ۱۱- خائنان در جهنم - ۲۹۳
- ۱۲- خائنان در قیامت - ۲۹۳
- ۱۳- خائنان گناهکار - ۲۹۵
- ۱۴- خائنان مکار - ۲۹۵
- ۱۵- خائنان و قاضی - ۲۹۵
- ۱۶- خائنان و محمد(صلی الله علیه و آله) - ۲۹۵
- ۱۷- خدا و مکر خائنان - ۲۹۷

- ۲۹۷ ۱۸- ذلت خائنان
- ۲۹۷ ۱۹- شکست خائنان
- ۲۹۸ ۲۰- شکست مکر خائنان
- ۲۹۹ ۲۱- صحنه سازی خائنان
- ۲۹۹ ۲۲- عذاب اخروی خائنان
- ۲۹۹ ۲۳- عذاب خائنان
- ۳۰۱ ۲۴- عقیده خائنان
- ۳۰۱ ۲۵- فرجام خائنان
- ۳۰۱ ۲۶- کفران خائنان
- ۳۰۱ ۲۷- کیفر خائنان
- ۳۰۳ ۲۸- مبغوضیت خائنان
- ۳۰۳ ۲۹- محرومیت خائنان
- ۳۰۳ ۳۰- محمد(صلی الله علیه و آله) و خائنان
- ۳۰۳ ۳۱- مرگ خائنان
- ۳۰۵ ۳۲- مؤاخذة خائنان
- ۳۰۵ ۳۳- هشدار به خائنان
- ۳۰۶ ۵- خیانت
- ۳۰۶ ۱- آثار خیانت
- ۳۰۶ ۲- خیانت خوک
- ۳۰۷ ۳- خیانت خون
- ۳۰۷ ۴- خیانت ذبیحه بی بسمله
- ۳۰۷ ۵- خیانت قربانی بت ها
- ۳۰۷ ۶- خیانت کافران
- ۳۰۹ ۷- خیانت متجاوزان
- ۳۰۹ ۸- خیانت محرّمات
- ۳۰۹ ۹- خیانت مردار

۳۱۰	۱۰- خیانت مفسدان
۳۱۱	۱۱- خیانت موجودات
۳۱۱	۱۲- نشانه های خیانت
۳۱۱	۱۳- اجتناب از خیانت
۳۱۳	۱۴- ارزش خیانت
۳۱۳	۱۵- استفاده از خیانت
۳۱۵	۱۶- استفاده مسیحیان از خیانت
۳۱۵	۱۷- استفاده یهود از خیانت
۳۱۵	۱۸- انفاق از خیانت
۳۱۷	۱۹- تحریم خیانت
۳۱۸	۲۰- حرمت خیانت
۳۱۹	۲۱- عوامل تشخیص خیانت
۳۱۹	۲۲- گرایش به خیانت
۳۲۰	۶- خبر
۳۲۰	۱- آثار اعتماد به خبر فاسق
۳۲۰	۲- آثار اهمیت خبر فاسق
۳۲۰	۳- آگاهی در نقل خبر
۳۲۱	۴- بررسی خبر فاسق
۳۲۱	۵- بهترین خبر
۳۲۱	۶- تبیین خبر های مفید
۳۲۳	۷- حجیت خبر عادل
۳۲۳	۸- حجیت خبر واحد
۳۲۳	۹- خبر از توحید
۳۲۵	۱۰- خبر از رسالت محمد(صلی الله علیه و آله)
۳۲۵	۱۱- خبر از قیامت
۳۲۷	۱۲- خبر فاسق

- ۱۳- خبر ولید بن عقبه ۳۲۷
- ۱۴- خبر های آسمانی ۳۲۷
- ۱۵- خبر های غیبی ۳۲۹
- ۱۶- خبر های مفید ۳۲۹
- ۱۷- خبر هدهد ۳۲۹
- ۱۸- زیان خبر فاسق ۳۳۱
- ۱۹- شرایط بررسی خبر فاسق ۳۳۲
- ۲۰- شرایط نقل خبر ۳۳۳
- ۲۱- شیوع خبر معجزه موسی(ع) ۳۳۳
- ۲۲- حجیت خبر واحد ۳۳۳
- ۷- خجالت ۳۳۵
- ۱- خجالت اخروی ۳۳۵
- ۲- خجالت اخروی گناهکاران ۳۳۵
- ۳- خجالت اخروی مکذبان لقاءالله ۳۳۵
- ۴- خجالت در قیامت ۳۳۶
- ۵- خجالت قوم ابراهیم ۳۳۶
- ۶- خجالت کافران ۳۳۶
- ۷- عوامل خجالت ۳۳۸
- ۸- خداپرستان ۳۳۹
- ۱- خداپرستان ۳۳۹
- ۲- استقامت خداپرستان ۳۳۹
- ۳- ادعای خداپرستی کافران صدراسلام ۳۳۹
- ۴- اقوام پیشین و خداپرستی ۳۴۰
- ۵- خداپرستی آزر ۳۴۰
- ۶- خداپرستی قوم ابراهیم ۳۴۰
- ۷- خداپرستی قوم زکریا ۳۴۲

- ۳۴۲ ۸- خداپرستی مریم(س)
- ۳۴۲ ۹- دعوت به خداپرستی
- ۳۴۲ ۱۰- شرایط خداپرستی کافران
- ۳۴۴ ۱۱- شرایط خداپرستی کافران صدراسلام
- ۳۴۴ ۱۲- فطرت خداپرستی
- ۳۴۵ ۹- خداترسان
- ۳۴۵ ۱- آرامش اخروی خداترسان
- ۳۴۵ ۲- آسایش اخروی خداترسان
- ۳۴۶ ۳- آموزش خداترسان
- ۳۴۶ ۴- انذار از خداترسان
- ۳۴۶ ۵- اهمیت شخصیت خداترسان
- ۳۴۶ ۶- اهمیت همنشینی با خداترسان
- ۳۴۸ ۷- ایمان خداترسان
- ۳۴۸ ۸- باغهای اخروی خداترسان
- ۳۴۸ ۹- بهشت خداترسان
- ۳۴۹ ۱۰- پاداش اخروی خداترسان
- ۳۵۰ ۱۱- پاداش خداترسان
- ۳۵۰ ۱۲- پاکی خداترسان
- ۳۵۲ ۱۳- پیروزی خداترسان
- ۳۵۲ ۱۴- تذکر اخروی خداترسان
- ۳۵۲ ۱۵- ترک اعراض از خداترسان
- ۳۵۲ ۱۶- تعدد باغهای اخروی خداترسان
- ۳۵۲ ۱۷- تنزیه خداترسان
- ۳۵۴ ۱۸- حسن فرجام خداترسان
- ۳۵۴ ۱۹- حق پذیری خداترسان
- ۳۵۴ ۲۰- خداترسان در بهشت

- ۳۵۸ ۲۱- خداترسان در قیامت
- ۳۵۸ ۲۲- خداترسان و انذارهای محمد(صلی الله علیه و آله)
- ۳۵۹ ۲۳- خداترسان و دنیاطلبی
- ۳۶۰ ۲۴- رستگاری خداترسان
- ۳۶۰ ۲۵- زمینه ترس خداترسان
- ۳۶۰ ۲۶- سعادت خداترسان
- ۳۶۱ ۲۷- سهولت تعلیم خداترسان
- ۳۶۲ ۲۸- شکوه اخروی خداترسان
- ۳۶۲ ۲۹- صورت اخروی خداترسان
- ۳۶۲ ۳۰- عبرت پذیری خداترسان
- ۳۶۴ ۳۱- علایق خداترسان
- ۳۶۴ ۳۲- فرجام اخروی خداترسان
- ۳۶۴ ۳۳- فضایل خداترسان
- ۳۶۸ ۳۴- مدح خداترسان
- ۳۶۸ ۳۵- مصونیت اخروی خداترسان
- ۳۶۹ ۳۶- مقامات خداترسان
- ۳۷۰ ۳۷- نعمتهای اخروی خداترسان
- ۳۷۰ ۳۸- نورانیت اخروی خداترسان
- ۳۷۰ ۳۹- ویژگیهای باغهای اخروی خداترسان
- ۳۷۲ ۴۰- هدایت پذیری خداترسان
- ۳۷۲ ۴۱- هدایت خداترسان
- ۳۷۲ ۴۲- همسران بهشتی خداترسان
- ۳۷۴ ۴۳- آثار خداترسی
- ۳۷۴ ۴۴- ادعای خداترسی
- ۳۷۴ ۴۵- خداترسی انبیا
- ۳۷۴ ۴۶- خداترسی شیطان

- ۳۷۶ ----- ۴۷- خداترسی عبدالله بن ام مکتوم
- ۳۷۶ ----- ۴۸- خداترسی موحدان
- ۳۷۷ ----- ۱۰- خدانشناسی
- ۳۷۷ ----- ۱- آثار خدانشناسی
- ۳۷۸ ----- ۲- آثار خدانشناسی ناقص
- ۳۷۸ ----- ۳- آثار خدانشناسی یعقوب(ع)
- ۳۷۸ ----- ۴- اهتمام یوسف(ع) به خدانشناسی
- ۳۸۰ ----- ۵- اهمیت خدانشناسی
- ۳۸۰ ----- ۶- تعقل در خدانشناسی
- ۳۸۰ ----- ۷- توفیق خدانشناسی
- ۳۸۰ ----- ۸- خدانشناسی ایلیس
- ۳۸۲ ----- ۹- خدانشناسی اصحاب کهف
- ۳۸۲ ----- ۱۰- خدانشناسی اعراب
- ۳۸۲ ----- ۱۱- خدانشناسی اعضای بدن
- ۳۸۲ ----- ۱۲- خدانشناسی انبیا
- ۳۸۴ ----- ۱۳- خدانشناسی انسان
- ۳۸۴ ----- ۱۴- خدانشناسی انسان ها
- ۳۸۶ ----- ۱۵- خدانشناسی اهل انطاکیه
- ۳۸۶ ----- ۱۶- خدانشناسی اهل مدین
- ۳۸۸ ----- ۱۷- خدانشناسی اهل یقین
- ۳۸۸ ----- ۱۸- خدانشناسی برادران یوسف
- ۳۹۰ ----- ۱۹- خدانشناسی بندگان خدا
- ۳۹۰ ----- ۲۰- خدانشناسی پرندگان
- ۳۹۰ ----- ۲۱- خدانشناسی جادوگران فرعون
- ۳۹۰ ----- ۲۲- خدانشناسی جن
- ۳۹۲ ----- ۲۳- خدانشناسی حق طلبان

- ۳۹۲ ۲۴- خدانشناسی در آفرینش
- ۳۹۲ ۲۵- خدانشناسی در انسان های نخستین
- ۳۹۲ ۲۶- خدانشناسی در تاریخ
- ۳۹۴ ۲۷- خدانشناسی در طبیعت
- ۳۹۵ ۲۸- خدانشناسی شیطان
- ۳۹۶ ۲۹- خدانشناسی طبیعت
- ۳۹۶ ۳۰- خدانشناسی عاقلان
- ۳۹۶ ۳۱- خدانشناسی عقلی
- ۳۹۸ ۳۲- خدانشناسی فرعون
- ۳۹۸ ۳۳- خدانشناسی فرعونیان
- ۴۰۰ ۳۴- خدانشناسی فطری
- ۴۰۰ ۳۵- خدانشناسی قوم ثمود
- ۴۰۰ ۳۶- خدانشناسی قوم عاد
- ۴۰۰ ۳۷- خدانشناسی قوم نوح
- ۴۰۲ ۳۸- خدانشناسی کافران
- ۴۰۲ ۳۹- خدانشناسی کافران صدراسلام
- ۴۰۳ ۴۰- خدانشناسی کوه ها
- ۴۰۴ ۴۱- خدانشناسی متفکران
- ۴۰۴ ۴۲- خدانشناسی مخلصین
- ۴۰۵ ۴۳- خدانشناسی مردم مقارن بعثت
- ۴۰۶ ۴۴- خدانشناسی مسیحیان
- ۴۰۶ ۴۵- خدانشناسی مسیحیان صدر اسلام
- ۴۰۶ ۴۶- خدانشناسی مشرکان
- ۴۱۰ ۴۷- خدانشناسی مشرکان جاهلیت
- ۴۱۰ ۴۸- خدانشناسی مشرکان صدر اسلام
- ۴۱۰ ۴۹- خدانشناسی مشرکان مقارن بعثت

- ۴۱۲ ۵۰- خدائشناسی مشرکان مکه
- ۴۱۴ ۵۱- خدائشناسی مصریان باستان
- ۴۱۴ ۵۲- خدائشناسی منافقان
- ۴۱۵ ۵۳- خدائشناسی موجودات
- ۴۱۷ ۵۴- خدائشناسی موسی(ع)
- ۴۱۸ ۵۵- خدائشناسی مؤمن آل فرعون
- ۴۱۸ ۵۶- خدائشناسی مؤمنان
- ۴۱۸ ۵۷- خدائشناسی مؤمنان در بهشت
- ۴۱۸ ۵۸- خدائشناسی ناقص
- ۴۲۰ ۵۹- خدائشناسی ناقص کافران
- ۴۲۰ ۶۰- خدائشناسی ناقص مشرکان
- ۴۲۰ ۶۱- خدائشناسی ناقص یهود
- ۴۲۱ ۶۲- خدائشناسی نوح(ع)
- ۴۲۲ ۶۳- خدائشناسی هابیل
- ۴۲۲ ۶۴- خدائشناسی یعقوب(ع)
- ۴۲۴ ۶۵- خدائشناسی یوسف(ع)
- ۴۲۴ ۶۶- خدائشناسی یهود
- ۴۲۴ ۶۷- خدائشناسی یهود صدر اسلام
- ۴۲۴ ۶۸- دلایل خدائشناسی
- ۴۲۶ ۶۹- راههای خدائشناسی
- ۴۲۶ ۷۰- روش خدائشناسی
- ۴۲۷ ۷۱- روش خدائشناسی فرعون
- ۴۲۸ ۷۲- زمینه خدائشناسی
- ۴۳۰ ۷۳- زمینه خدائشناسی جن
- ۴۳۰ ۷۴- فطرت خدائشناسی
- ۴۳۰ ۷۵- منشأ خدائشناسی انسان

- ۴۳۲ ۷۶- آثار تداوم خداجویی
- ۴۳۲ ۷۷- خداجویی بهشتیان
- ۴۳۲ ۷۸- خداجویی متقین
- ۴۳۴ ۷۹- فطرت خداجویی
- ۴۳۷ ۱۱- خدمات
- ۴۳۷ ۱- اجاره خدمات
- ۴۳۷ ۲- خدمات اجتماعی مؤمنان
- ۴۳۷ ۳- خدمات انبیا
- ۴۳۸ ۴- خدمات جادوگران
- ۴۳۸ ۵- خدمات عدالتخواهان
- ۴۳۸ ۶- زمینه خدمات متقابل در جامعه
- ۴۴۰ ۷- عوامل تاثیر خدمات دیگران
- ۴۴۰ ۸- یوسف(ع) و خدمات زلیخا
- ۴۴۰ ۹- تشکر از خدمتگزاران دینی
- ۴۴۱ ۱۰- دعا برای خدمتگزاران دینی
- ۴۴۳ ۱۲- خرافات
- ۴۴۳ ۱- آثار ترویج خرافات
- ۴۴۳ ۲- آثار خرافات
- ۴۴۴ ۳- آثار عقیده به خرافات
- ۴۴۴ ۴- اجتناب از خرافات
- ۴۴۴ ۵- استهزای خرافات
- ۴۴۴ ۶- اسلام و خرافات
- ۴۴۵ ۷- اهمیت مبارزه با خرافات
- ۴۴۵ ۸- بی حرمتی خرافات
- ۴۴۵ ۹- تبری از خرافات
- ۴۴۵ ۱۰- خرافات در اهل انطاکیه

- ۴۴۷ ۱۱- خرافات در جاهلیت
- ۴۴۷ ۱۲- خرافات در صدر اسلام
- ۴۴۷ ۱۳- خرافات در قوم ابراهیم
- ۴۴۸ ۱۴- خرافات در مسیحیان
- ۴۴۹ ۱۵- خرافات در یهود
- ۴۵۰ ۱۶- زمینه خرافات
- ۴۵۱ ۱۷- زمینه گرایش به خرافات
- ۴۵۱ ۱۸- سرزنش عقیده به خرافات
- ۴۵۱ ۱۹- عقیده به خرافات
- ۴۵۱ ۲۰- قرآن و خرافات
- ۴۵۳ ۲۱- کتب آسمانی و خرافات
- ۴۵۳ ۲۲- مبارزه با خرافات
- ۴۵۶ ۲۳- محمد(صلی الله علیه و آله) و خرافات
- ۴۵۷ ۲۴- منشأ خرافات
- ۴۵۷ ۲۵- موانع خرافات
- ۴۵۹ ۲۶- موجبات نجات از خرافات
- ۴۶۰ ۱۳- خرما
- ۴۶۰ ۱- آثار ذکر رویش درخت خرما
- ۴۶۰ ۲- ارزش خرما
- ۴۶۱ ۳- اهمیت خرما
- ۴۶۲ ۴- اهمیت درخت خرما
- ۴۶۳ ۵- باغهای خرما
- ۴۶۳ ۶- پوشش خوشه های خرما
- ۴۶۳ ۷- تشبیه به تنه درخت خرما
- ۴۶۳ ۸- تشبیه به خوشه خرما
- ۴۶۵ ۹- تشبیه به درخت خرما

- ۴۶۵ ۱۰- تنوع فرآورده های خرما
- ۴۶۵ ۱۱- تهیه خمیر از خرما
- ۴۶۵ ۱۲- خالق درخت خرما
- ۴۶۷ ۱۳- خرما از آیات خدا
- ۴۶۷ ۱۴- خرما خوردن مریم(س)
- ۴۶۷ ۱۵- خوشه های درخت خرما
- ۴۶۹ ۱۶- درختان خرما
- ۴۶۹ ۱۷- زمینه رشد درخت خرما
- ۴۶۹ ۱۸- عبرت از خوشه های خرما
- ۴۶۹ ۱۹- فرآورده های خرما
- ۴۷۱ ۲۰- فواید خرما
- ۴۷۳ ۲۱- منشأ رویش درخت خرما
- ۴۷۴ ۲۲- نعمت خرما
- ۴۷۵ ۲۳- نعمت درخت خرما
- ۴۷۵ ۲۴- نقش خرما
- ۴۷۵ ۲۵- نقش درخت خرما
- ۴۷۷ ۲۶- ویژگیهای درختان خرما
- ۴۷۸ ۱۴- خروس
- ۴۷۸ ۱- خروس
- ۴۷۸ ۲- خروس بازی در قوم لوط
- ۴۷۹ ۱۵- خسارت
- ۴۷۹ ۱- خسارت اخروی
- ۴۷۹ ۲- خسارت انفاق
- ۴۷۹ ۳- خسارت به فرزندان
- ۴۸۱ ۴- خسارت به گواه
- ۴۸۲ ۵- خسارت کافران

- ۴۸۲ ۶- عوامل خسارت
- ۴۸۵ ۱۶- خشکسالی
- ۴۸۵ ۱- آثار خشکسالی
- ۴۸۵ ۲- بارش باران در خشکسالی
- ۴۸۵ ۳- ترس از خشکسالی
- ۴۸۶ ۴- خشکسالی در مصرباستان
- ۴۸۶ ۵- زمین‌ خشکسالی
- ۴۸۶ ۶- عجز از دفع خشکسالی
- ۴۸۸ ۷- عذاب با خشکسالی
- ۴۸۸ ۸- عوامل خشکسالی
- ۴۸۸ ۹- خشکی نخل قصه مریم(س)
- ۴۸۸ ۱۰- صید خشکی
- ۴۹۰ ۱۱- فلسفه خلقت خشکی ها
- ۴۹۰ ۱۲- منشأ راهیابی در خشکی
- ۴۹۱ ۱۳- نقش خشکی ها
- ۴۹۲ ۱۴- فلسفه خلقت خشکی ها
- ۴۹۲ ۱۵- نقش خشکی ها
- ۴۹۳ ۱۷- خشنودی
- ۴۹۳ ۱- خشنودی
- ۴۹۵ ۲- آثار خشنودی منافقان متخلف
- ۴۹۵ ۳- بی ارزشی خشنودی کافران
- ۴۹۵ ۴- خشنودی اخروی اصحاب یمین
- ۴۹۷ ۵- خشنودی از ترک جهاد
- ۴۹۷ ۶- خشنودی از عمل
- ۴۹۷ ۷- خشنودی اهل کتاب
- ۴۹۷ ۸- خشنودی در برزخ

۴۹۹	۹- خشنودی شهیدان
۵۰۱	۱۰- خشنودی منافقان
۵۰۱	۱۱- خشنودی ناپسند
۵۰۱	۱۲- عوامل خشنودی
۵۰۲	۱۳- عوامل خشنودی در یانوردان
۵۰۳	۱۸- خشونت
۵۰۳	۱- اجتناب از خشونت در سخن
۵۰۳	۲- خشونت آزر
۵۰۴	۳- خشونت اخروی با مکذبان
۵۰۴	۴- خشونت با کافران
۵۰۴	۵- خشونت جایز
۵۰۶	۶- خشونت در امر به معروف
۵۰۶	۷- خشونت در سخن
۵۰۶	۸- خشونت در نهی از منکر
۵۰۸	۹- خشونت رهبری
۵۰۸	۱۰- خشونت طلبی قوم ابراهیم
۵۰۹	۱۱- زن و خشونت
۵۱۰	۱۲- سرزنش خشونت
۵۱۰	۱۳- ناپسندی خشونت در سخن
۵۱۱	۱۹- خشیت
۵۱۱	۱- آثار اخروی خشیت
۵۱۱	۲- آثار ترک خشیت
۵۱۱	۳- آثار خشیت
۵۱۶	۴- آثار خشیت از خدا
۵۱۸	۵- آثار خشیت پنهانی
۵۱۸	۶- آموزش اهل خشیت

- ۷- ارزش خشیت ۵۱۸
- ۸- ارزش خشیت پنهانی ۵۲۰
- ۹- ارزش خشیت در خلوت ۵۲۰
- ۱۰- ارزش خلاص در خشیت ۵۲۰
- ۱۱- اهمیت خشیت ۵۲۲
- ۱۲- بشارت به اهل خشیت ۵۲۲
- ۱۳- پاداش اهل خشیت ۵۲۲
- ۱۴- پاداش خشیت پنهانی ۵۲۲
- ۱۵- تأثیر قرآن در اهل خشیت ۵۲۴
- ۱۶- خشیت از خدا ۵۲۴
- ۱۷- خشیت اولواالالباب ۵۲۶
- ۱۸- خشیت بندگان خدا ۵۲۷
- ۱۹- خشیت پنهانی ۵۲۸
- ۲۰- خشیت صالحان ۵۲۸
- ۲۱- خشیت طبیعت ۵۲۸
- ۲۲- خشیت علما ۵۳۰
- ۲۳- خشیت قلب ۵۳۰
- ۲۴- خشیت متقین ۵۳۰
- ۲۵- خشیت معصومان ۵۳۲
- ۲۶- خشیت مقربان ۵۳۲
- ۲۷- خشیت ملائکه ۵۳۲
- ۲۸- خشیت مؤمنان ۵۳۲
- ۲۹- دعوت به خشیت از خدا ۵۳۴
- ۳۰- زمینه خشیت ۵۳۵
- ۳۱- زمینه خشیت از خدا ۵۳۶
- ۳۲- عوامل خشیت ۵۳۷

- ۳۳- عوامل خشیت علمای راستین ۵۳۸
- ۳۴- فضایل اهل خشیت ۵۳۸
- ۳۵- فضیلت خشیت ۵۴۰
- ۳۶- محرومان از خشیت خدا ۵۴۰
- ۳۷- مراتب خشیت ۵۴۰
- ۳۸- موانع خشیت از خدا ۵۴۰
- ۳۹- نشانه های خشیت ۵۴۲
- ۴۰- ویژگیهای خشیت ملائکه ۵۴۳
- ۴۱- هدایت پذیری اهل خشیت ۵۴۴
- ۲۰- خضر ۵۴۵
- ۱- آثار پیروی از خضر(ع) ۵۴۵
- ۲- آثار سوراخ کشتی قصه خضر(ع) ۵۴۵
- ۳- احترام خضر(ع) ۵۴۵
- ۴- استمهال از خضر(ع) ۵۴۶
- ۵- اطاعت از خضر(ع) ۵۴۶
- ۶- اعتراض به خضر(ع) ۵۴۶
- ۷- انقیاد خضر(ع) ۵۴۸
- ۸- انقیاد والدین نوجوان قصه خضر(ع) ۵۴۸
- ۹- اهالی شهر قصه خضر(ع) ۵۴۸
- ۱۰- اهمیت ملاقات موسی(ع) با خضر(ع) ۵۵۰
- ۱۱- ایمان والدین نوجوان قصه خضر(ع) ۵۵۰
- ۱۲- بازسازی دیوار قصه خضر(ع) ۵۵۰
- ۱۳- بی گناهی نوجوانان قصه خضر(ع) ۵۵۲
- ۱۴- بیان راز عمل خضر(ع) ۵۵۲
- ۱۵- بینش خضر(ع) ۵۵۴
- ۱۶- پدر مالک دیوار قصه خضر(ع) ۵۵۴

- ۱۷- پیروی از خضر(ع) ۵۵۴
- ۱۸- پیشگویی خضر(ع) ۵۵۵
- ۱۹- تحقق پیشگویی خضر(ع) ۵۵۶
- ۲۰- تعالیم خضر(ع) ۵۵۶
- ۲۱- تعالیم قصه خضر(ع) ۵۵۸
- ۲۲- تعلم از خضر(ع) ۵۵۸
- ۲۳- توصیه های خضر(ع) ۵۵۸
- ۲۴- جدایی موسی(ع) و خضر(ع) ۵۶۰
- ۲۵- جستجوی خضر(ع) ۵۶۰
- ۲۶- حکومت دوران خضر(ع) ۵۶۲
- ۲۷- خرابی دیوار قصه خضر(ع) ۵۶۲
- ۲۸- خضر(ع) در کشتی ۵۶۳
- ۲۹- خضر(ع) در مجمع البحرین ۵۶۴
- ۳۰- خضر(ع) در ناصره ۵۶۴
- ۳۱- خواسته های خضر(ع) ۵۶۴
- ۳۲- درخواست غذای خضر(ع) ۵۶۶
- ۳۳- ذکر قصه خضر(ع) ۵۶۶
- ۳۴- راز عمل خضر(ع) ۵۶۶
- ۳۵- رد درخواست غذای خضر(ع) ۵۶۸
- ۳۶- زمینه تعلم از خضر(ع) ۵۶۸
- ۳۷- سرزنشهای خضر(ع) ۵۶۹
- ۳۸- سوراخ کشتی قصه خضر(ع) ۵۷۰
- ۳۹- شرایط تعلم از خضر(ع) ۵۷۱
- ۴۰- شرایط همنشینی با خضر(ع) ۵۷۲
- ۴۱- شگفتی عمل خضر(ع) ۵۷۲
- ۴۲- شهر قصه خضر(ع) ۵۷۳

- ۴۳- صبر در همنشینی با خضر(ع) ----- ۵۷۴
- ۴۴- ظلم پادشاه قصه خضر(ع) ----- ۵۷۴
- ۴۵- عبودیت خضر(ع) ----- ۵۷۵
- ۴۶- عذرخواهی از خضر(ع) ----- ۵۷۶
- ۴۷- عصمت خضر(ع) ----- ۵۷۶
- ۴۸- علم خضر(ع) ----- ۵۷۶
- ۴۹- علم غیب خضر(ع) ----- ۵۷۸
- ۵۰- علم لدنی خضر(ع) ----- ۵۷۸
- ۵۱- عمل به تکلیف خضر(ع) ----- ۵۸۱
- ۵۲- عوامل محرومیت از همراهی با خضر(ع) ----- ۵۸۲
- ۵۳- عهد موسی(ع) و خضر(ع) ----- ۵۸۲
- ۵۴- عهدشکنی با خضر(ع) ----- ۵۸۲
- ۵۵- عهدشکنی باخضر(ع) ----- ۵۸۲
- ۵۶- غارتگری پادشاه قصه خضر(ع) ----- ۵۸۴
- ۵۷- غصب کشتیها در دوران خضر(ع) ----- ۵۸۴
- ۵۸- فضایل خضر(ع) ----- ۵۸۴
- ۵۹- فقر مالکان کشتی قصه خضر(ع) ----- ۵۸۶
- ۶۰- فلسفه اعتراض به خضر(ع) ----- ۵۸۶
- ۶۱- فلسفه بازسازی دیوار قصه خضر(ع) ----- ۵۸۷
- ۶۲- فلسفه سوراخ کشتی قصه خضر(ع) ----- ۵۸۸
- ۶۳- فلسفه قتل نوجوان قصه خضر(ع) ----- ۵۸۸
- ۶۴- فلسفه ملاقات موسی(ع) با خضر(ع) ----- ۵۹۰
- ۶۵- قبول خواسته های خضر(ع) ----- ۵۹۰
- ۶۶- قتل نوجوان قصه خضر(ع) ----- ۵۹۲
- ۶۷- قصه خضر(ع) ----- ۵۹۲
- ۶۸- کفر نوجوان قصه خضر(ع) ----- ۶۱۲

- ۶۹- کفرستیزی خضر(ع) ۶۱۳
- ۷۰- گرسنگی خضر(ع) ۶۱۴
- ۷۱- گلایه از خضر(ع) ۶۱۴
- ۷۲- گنج قصه خضر(ع) ۶۱۴
- ۷۳- مالک دیوار قصه خضر(ع) ۶۱۶
- ۷۴- محافظت از گنج قصه خضر(ع) ۶۱۶
- ۷۵- محرومیت مالکان کشتی قصه خضر(ع) ۶۱۸
- ۷۶- مزد بازسازی دیوار قصه خضر(ع) ۶۱۸
- ۷۷- مسافران کشتی قصه خضر(ع) ۶۱۸
- ۷۸- مسافرت خضر(ع) ۶۲۰
- ۷۹- مسافرت موسی(ع) با خضر(ع) ۶۲۱
- ۸۰- مسؤولیت پذیری خضر(ع) ۶۲۲
- ۸۱- مسؤولیت خضر(ع) ۶۲۲
- ۸۲- معذوریت خضر(ع) ۶۲۲
- ۸۳- معلم خضر(ع) ۶۲۴
- ۸۴- مقامات خضر(ع) ۶۲۴
- ۸۵- مکان ملاقات موسی(ع) با خضر(ع) ۶۲۴
- ۸۶- مکان ملاقات موسی(ع) و خضر(ع) ۶۲۶
- ۸۷- ملاقات با خضر(ع) ۶۲۶
- ۸۸- ملاقات خضر(ع) با اهل ناصره ۶۲۶
- ۸۹- ملاقات خضر(ع) با نوجوان ۶۲۸
- ۹۰- ملاقات موسی(ع) با خضر(ع) ۶۲۸
- ۹۱- ملاقات یوشع(ع) با خضر(ع) ۶۳۰
- ۹۲- منشأ عمل خضر(ع) ۶۳۰
- ۹۳- منشأ قصه خضر(ع) ۶۳۰
- ۹۴- موانع غصب کشتی قصه خضر(ع) ۶۳۰

- ۹۵- ناپسندی عمل خضر(ع) ۶۳۲
- ۹۶- نبوت خضر(ع) ۶۳۲
- ۹۷- نسل والدین نوجوان قصه خضر(ع) ۶۳۲
- ۹۸- نشانه های مکان ملاقات با خضر(ع) ۶۳۳
- ۹۹- نعمتهای خضر(ع) ۶۳۴
- ۱۰۰- نقش خضر(ع) ۶۳۴
- ۱۰۱- نقش نوجوان قصه خضر(ع) ۶۳۶
- ۱۰۲- والدین نوجوان قصه خضر(ع) ۶۳۶
- ۱۰۳- وسعت علم خضر(ع) ۶۳۸
- ۱۰۴- وعده های خضر(ع) ۶۳۸
- ۱۰۵- هشدارهای خضر(ع) ۶۳۸
- ۱۰۶- همراهی موسی(ع) با خضر(ع) ۶۳۸
- ۱۰۷- یتیمی مالک دیوار قصه خضر(ع) ۶۴۱
- ۲۱- خط ۶۴۳
- ۱- آثار قبول خط مشی منافقان ۶۴۳
- ۲- تاریخ خط ۶۴۳
- ۳- تبیین خط مشی صالحان ۶۴۳
- ۴- تبیین خط مشی مجرمان ۶۴۴
- ۵- خط در دوران سلیمان(ع) ۶۴۴
- ۶- خط مشی منافقان ۶۴۴
- ۷- خط مشی مؤمنان ۶۴۶
- ۲۲- خطا ۶۴۷
- ۱- آثار خطا ۶۴۷
- ۲- آثار قتل خطا ۶۴۷
- ۳- اقرار به خطا ۶۴۷
- ۴- اقسام خطا ۶۴۹

- ۵- انبیا و خطا ۶۴۹
- ۶- انتساب خطا به دیگران ۶۵۱
- ۷- اندوه از خطا ۶۵۱
- ۸- ایمان و خطا ۶۵۱
- ۹- پشیمانی از خطا ۶۵۳
- ۱۰- پیشگامان در ایمان و خطا ۶۵۳
- ۱۱- تقوا و خطا ۶۵۳
- ۱۲- توبه از قضاوت خطا ۶۵۳
- ۱۳- تهمت خطا به یعقوب(ع) ۶۵۵
- ۱۴- حقیقت قتل خطا ۶۵۵
- ۱۵- خطا در ارزشگذاری ۶۵۵
- ۱۶- خطا در ارزیابی ۶۵۷
- ۱۷- خطا های قابل بخشش ۶۵۷
- ۱۸- خطا های قبل از اسلام ۶۵۷
- ۱۹- خطای آشکار ۶۵۹
- ۲۰- خطای بزرگ ۶۵۹
- ۲۱- خطای نابخشودنی ۶۵۹
- ۲۲- داود(ع) و خطا ۶۵۹
- ۲۳- دیه قتل خطا ۶۶۱
- ۲۴- زمینه خطا ۶۶۳
- ۲۵- عصمت از خطا ۶۶۵
- ۲۶- عفو از خطا ۶۶۶
- ۲۷- عفو خطا ۶۶۹
- ۲۸- عوامل خطا ۶۶۹
- ۲۹- فرجام خطا ۶۶۹
- ۳۰- فرصت اقرار به خطا ۶۷۱

- ۳۱- قتل خطا ۶۷۱
- ۳۲- قرآن و خطا ۶۷۱
- ۳۳- كفاره قتل خطا ۶۷۱
- ۳۴- محمد(صلی الله علیه و آله) و خطا ۶۷۳
- ۳۵- مصونیت از خطا ۶۷۵
- ۳۶- ملائکه و خطا ۶۷۵
- ۳۷- موارد خطا ۶۷۵
- ۳۸- موانع خطا ۶۷۷
- ۳۹- مؤمنان و خطا ۶۷۷
- ۴۰- نوح(ع) و خطا ۶۷۷
- ۴۱- یعقوب(ع) و خطا ۶۷۷
- ۴۲- خطاکار ۶۷۹
- ۴۳- عفو خطاکار ۶۷۹
- ۴۴- خطاکاران ۶۷۹
- ۴۵- آثار عفو از خطاکاران ۶۷۹
- ۴۶- آخرت فروشی خطاکاران ۶۸۱
- ۴۷- آمرزش خطاکاران ۶۸۱
- ۴۸- ابراهیم(ع) و خطاکاران ۶۸۱
- ۴۹- ارزیابی عمل خطاکاران ۶۸۱
- ۵۰- استغفار برای خطاکاران ۶۸۳
- ۵۱- بی ارزشی عمل خطاکاران ۶۸۳
- ۵۲- بینش غلط خطاکاران ۶۸۴
- ۵۳- پشیمانی اخروی خطاکاران ۶۸۵
- ۵۴- پناهگاه خطاکاران ۶۸۵
- ۵۵- ترک رابطه با خطاکاران ۶۸۵
- ۵۶- تشبیه خطاکاران ۶۸۵

- ۵۷- تفاوت صالحان و خطاکاران ۶۸۷
- ۵۸- تنبیه اخروی خطاکاران ۶۸۷
- ۵۹- حسابرسی خطاکاران ۶۸۷
- ۶۰- حسرت اخروی خطاکاران ۶۸۷
- ۶۱- حسرت خطاکاران ۶۸۹
- ۶۲- خطاکاران در جهنم ۶۸۹
- ۶۳- خطاکاران در قیامت ۶۸۹
- ۶۴- دعا برای خطاکاران ۶۹۱
- ۶۵- دنیاطلبی خطاکاران ۶۹۳
- ۶۶- روش برخورد با خطاکاران ۶۹۳
- ۶۷- سبکی عمل خطاکاران ۶۹۵
- ۶۸- طعام خطاکاران ۶۹۵
- ۶۹- عذاب خطاکاران ۶۹۵
- ۷۰- عفو از خطاکاران ۶۹۵
- ۷۱- عفو خطاکاران ۶۹۷
- ۷۲- قبول عذر خطاکاران ۶۹۹
- ۷۳- مؤاخذه خطاکاران ۶۹۹
- ۷۴- مهلت به خطاکاران ۶۹۹
- ۷۵- هدایت خطاکاران ۷۰۱
- ۷۶- خطای باصره ۷۰۱
- ۷۷- خطای باصره ۷۰۱
- ۲۳- خطر ۷۰۳
- ۱- آثار احساس خطر ۷۰۳
- ۲- آثار خطر مسافرت دریایی ۷۰۳
- ۳- آثار نجات از خطر ۷۰۴
- ۴- احساس خطر اشراف قوم نوح ۷۰۴

- ۵- احساس خطر در قیامت ۷۰۴
- ۶- احساس خطر رهبران شرک ۷۰۶
- ۷- احساس خطر رهبران کفر ۷۰۶
- ۸- احساس خطر فرعون ۷۰۶
- ۹- احساس خطر قارون ۷۰۸
- ۱۰- احساس خطر متخلفان از مسافرت به حدیبیه ۷۰۸
- ۱۱- احساس خطر مرگ ۷۰۸
- ۱۲- احساس خطر ملکه سبا ۷۱۰
- ۱۳- احساس خطر مؤمنان ۷۱۰
- ۱۴- احساس خطر نوح(ع) ۷۱۲
- ۱۵- احساس خطر هامان ۷۱۲
- ۱۶- احساس خطر یعقوب(ع) ۷۱۲
- ۱۷- احساسات خطر برای بنیامین ۷۱۲
- ۱۸- امکان عذاب نجات یافتگان از خطر ۷۱۴
- ۱۹- انذار نجات یافتگان از خطر ۷۱۴
- ۲۰- انسان پس از رفع خطر ۷۱۴
- ۲۱- انسان های ناسپاس هنگام خطر ۷۱۴
- ۲۲- اهمیت پیش بینی خطر ۷۱۶
- ۲۳- اهمیت مصونیت از خطر ۷۱۶
- ۲۴- حاکمان هنگام خطر ۷۱۶
- ۲۵- خطر اختلاف ۷۱۶
- ۲۶- خطر اختلاف بنی اسرائیل ۷۱۸
- ۲۷- خطر ارتجاع ۷۱۸
- ۲۸- خطر ارتداد ۷۱۸
- ۲۹- خطر ارتکاب گناه ۷۱۸
- ۳۰- خطر ازدیاد جمعیت بنی اسرائیل ۷۱۸

- ۳۱- خطر استکبار ۷۲۰
- ۳۲- خطر اغواگری ابلیس ۷۲۰
- ۳۳- خطر اغواگری شیطان ۷۲۰
- ۳۴- خطر التقاط در دین ۷۲۰
- ۳۵- خطر انحراف ۷۲۲
- ۳۶- خطر انحراف در ادیان ۷۲۲
- ۳۷- خطر انحراف در شهر نشینی ۷۲۲
- ۳۸- خطر انحراف زنان مؤمن ۷۲۴
- ۳۹- خطر انحراف مردان مؤمن ۷۲۴
- ۴۰- خطر انعطاف پذیری رهبران دینی ۷۲۴
- ۴۱- خطر انقراض جوامع ۷۲۴
- ۴۲- خطر بدفهمی دین ۷۲۶
- ۴۳- خطر بلایای طبیعی ۷۲۶
- ۴۴- خطر بی احترامی به والدین ۷۲۶
- ۴۵- خطر پیروی از بدعت گزاران ۷۲۶
- ۴۶- خطر پیروی از منحرفان ۷۲۸
- ۴۷- خطر تجاوز تاتار ها ۷۲۸
- ۴۸- خطر تجاوز مأجوج ۷۲۸
- ۴۹- خطر تجاوز مغولان ۷۲۸
- ۵۰- خطر تجاوز یأجوج ۷۳۰
- ۵۱- خطر تحریف دین ۷۳۰
- ۵۲- خطر تزویر ۷۳۰
- ۵۳- خطر تصرف در مال یتیم ۷۳۰
- ۵۴- خطر تضییع حقوق مردم ۷۳۲
- ۵۵- خطر تکبر ثروتمندان ۷۳۲
- ۵۶- خطر تکبر مؤمنان ۷۳۲

- ۷۳۴ ۵۷- خطر تهمت به ادیان
- ۷۳۴ ۵۸- خطر تهمت به انبیا
- ۷۳۴ ۵۹- خطر جادوگران
- ۷۳۴ ۶۰- خطر جنگ در دوران داود(ع)
- ۷۳۶ ۶۱- خطر حق ناپذیری
- ۷۳۶ ۶۲- خطر حوادث
- ۷۳۶ ۶۳- خطر در کشتی قصه یونس(ع)
- ۷۳۸ ۶۴- خطر دریا
- ۷۳۸ ۶۵- خطر دشمنان
- ۷۳۸ ۶۶- خطر دنیاطلبی
- ۷۳۸ ۶۷- خطر دنیاطلبی محمد(صلی الله علیه و آله)
- ۷۳۹ ۶۸- خطر دین فروشی
- ۷۴۰ ۶۹- خطر رشوه خواری
- ۷۴۰ ۷۰- خطر رفاه طلبی در مسلمانان صدراسلام
- ۷۴۰ ۷۱- خطر ریا
- ۷۴۰ ۷۲- خطر سختی
- ۷۴۲ ۷۳- خطر سنگساری اصحاب کهف
- ۷۴۲ ۷۴- خطر شرک
- ۷۴۴ ۷۵- خطر شیاطین
- ۷۴۴ ۷۶- خطر شیاطین انس
- ۷۴۵ ۷۷- خطر شیاطین جن
- ۷۴۶ ۷۸- خطر شیطان
- ۷۴۶ ۷۹- خطر عبادت غیر خدا
- ۷۴۶ ۸۰- خطر عجب ثروتمندان
- ۷۴۸ ۸۱- خطر عجب مؤمنان
- ۷۴۸ ۸۲- خطر عذاب

- ۸۳- خطر عذاب دنیوی ----- ۷۴۸
- ۸۴- خطر عذاب دنیوی کافران ----- ۷۵۰
- ۸۵- خطر عذاب دنیوی گمراهان ----- ۷۵۰
- ۸۶- خطر عذاب دنیوی معرضان از قرآن ----- ۷۵۰
- ۸۷- خطر عذاب کافران ----- ۷۵۰
- ۸۸- خطر عذاب کفران کنندگان ----- ۷۵۲
- ۸۹- خطر عذاب مرفهان ----- ۷۵۲
- ۹۰- خطر عذاب مسلمانان صدراسلام ----- ۷۵۲
- ۹۱- خطر عصیان از خدا ----- ۷۵۲
- ۹۲- خطر عصیان انسان ها ----- ۷۵۴
- ۹۳- خطر علمای مسیحیت ----- ۷۵۴
- ۹۴- خطر علمای یهود ----- ۷۵۴
- ۹۵- خطر غریزه جنسی ----- ۷۵۴
- ۹۶- خطر غفلت ----- ۷۵۶
- ۹۷- خطر غفلت از خدا ----- ۷۵۶
- ۹۸- خطر غفلت از قیامت ----- ۷۵۶
- ۹۹- خطر غلو ----- ۷۵۸
- ۱۰۰- خطر فرعونیان ----- ۷۵۸
- ۱۰۱- خطر فقر ----- ۷۵۸
- ۱۰۲- خطر قتل موسی(ع) ----- ۷۶۰
- ۱۰۳- خطر کافران ----- ۷۶۰
- ۱۰۴- خطر کفر ----- ۷۶۱
- ۱۰۵- خطر کفران کنندگان ----- ۷۶۲
- ۱۰۶- خطر گرایش به شرک ----- ۷۶۲
- ۱۰۷- خطر گرگ در سرزمین کنعان ----- ۷۶۲
- ۱۰۸- خطر گرگها در دوران یعقوب(ع) ----- ۷۶۲

- ۱۰۹- خطر گمراهی ۷۶۴
- ۱۱۰- خطر گمراهی انسان ها ۷۶۴
- ۱۱۱- خطر گمراهی مهتدین ۷۶۴
- ۱۱۲- خطر گناه زنان مؤمن ۷۶۶
- ۱۱۳- خطر گناه مردان مؤمن ۷۶۶
- ۱۱۴- خطر گناهکاران ۷۶۶
- ۱۱۵- خطر لغزش انسان ها ۷۶۶
- ۱۱۶- خطر مرگ یعقوب(ع) ۷۶۸
- ۱۱۷- خطر مسافرت به حدیبیه ۷۶۸
- ۱۱۸- خطر مسافرت دریایی ۷۷۰
- ۱۱۹- خطر مسیحیان ۷۷۰
- ۱۲۰- خطر مشرکان ۷۷۰
- ۱۲۱- خطر مصیبت ۷۷۲
- ۱۲۲- خطر منافقان ۷۷۲
- ۱۲۳- خطر نفاق در شهر نشینی ۷۷۴
- ۱۲۴- خطر وسوسه ۷۷۴
- ۱۲۵- خطر وسوسه انسان ها ۷۷۴
- ۱۲۶- خطر وسوسه جن ۷۷۶
- ۱۲۷- خطر وسوسه های شیطان ۷۷۶
- ۱۲۸- خطر هلاکت ۷۷۸
- ۱۲۹- خطر هلاکت ظالمان ۷۷۸
- ۱۳۰- خطر هلاکت کافران ۷۷۸
- ۱۳۱- خطر هلاکت معرضان از قرآن ۷۷۸
- ۱۳۲- خطر هواپرستی ۷۷۹
- ۱۳۳- خطر هوای نفس ۷۸۰
- ۱۳۴- خطر یهود ۷۸۰

- ۷۸۲ ۱۳۵- زمینه خطر
- ۷۸۵ ۱۳۶- شرک نجات یافتگان از خطر
- ۷۸۶ ۱۳۷- شگفتی شرک نجات یافتگان از خطر
- ۷۸۶ ۱۳۸- عوامل نجات از خطر
- ۷۸۶ ۱۳۹- غرق نجات یافتگان از خطر
- ۷۸۸ ۱۴۰- منافقان مدینه و خطر مرگ
- ۷۸۸ ۱۴۱- منشأ نجات از خطر
- ۷۸۸ ۱۴۲- ناپسندی شرک نجات یافتگان از خطر
- ۷۸۹ ۲۴- خلافت
- ۷۸۹ ۱- آثار خلافت انسان
- ۷۸۹ ۲- خلافت آدم(ع)
- ۷۹۰ ۳- خلافت انبیا
- ۷۹۱ ۴- خلافت انسان
- ۷۹۴ ۵- خلافت داود(ع)
- ۷۹۴ ۶- خلافت در زمین
- ۷۹۶ ۷- خلافت صالحان
- ۷۹۶ ۸- خلافت لقمان
- ۷۹۸ ۹- خلافت مؤمنان
- ۷۹۸ ۱۰- زمینه خلافت خدا
- ۷۹۸ ۱۱- فلسفه خلافت انسان
- ۷۹۸ ۱۲- فلسفه خلافت مؤمنان
- ۸۰۰ ۱۳- ملائکه و خلافت انسان
- ۸۰۱ ۱۴- منشأ خلافت
- ۸۰۲ ۱۵- نعمت خلافت
- ۸۰۲ ۱۶- وعده خلافت صالحان
- ۸۰۲ ۱۷- وعده خلافت مؤمنان

- ۱۸- خلیفه خدا ۸۰۴
- ۱۹- خلیفه خدا ۸۰۶
- ۲۰- شؤون خلیفه خدا ۸۰۸
- ۲۱- قضاوت خلیفه خدا ۸۰۸
- ۲۵- خلقت ۸۱۰
- ۱- آثار تفکر در خلقت انسان ۸۱۰
- ۲- آثار خلقت آسمان ۸۱۰
- ۳- آثار خلقت آسمان ها ۸۱۰
- ۴- آثار خلقت آفرینش ۸۱۱
- ۵- آثار خلقت ابتدایی موجودات ۸۱۳
- ۶- آثار خلقت انسان ۸۱۳
- ۷- آثار خلقت انسان ها ۸۱۵
- ۸- آثار خلقت برجهای آسمان ۸۱۵
- ۹- آثار خلقت روز ۸۱۵
- ۱۰- آثار خلقت زمین ۸۱۷
- ۱۱- آثار خلقت شب ۸۱۷
- ۱۲- آثار خلقت موجودات ۸۱۷
- ۱۳- آثار ذکر خلقت آسمان ۸۱۹
- ۱۴- آثار ذکر خلقت آسمانها ۸۱۹
- ۱۵- آثار ذکر خلقت انسان ۸۱۹
- ۱۶- آثار ذکر خلقت انسان ها ۸۲۳
- ۱۷- آثار ذکر خلقت دره ها ۸۲۳
- ۱۸- آثار ذکر خلقت راهها ۸۲۵
- ۱۹- آثار ذکر خلقت زمین ۸۲۵
- ۲۰- آثار ذکر خلقت کوهها ۸۲۵
- ۲۱- آثار ذکر مراحل خلقت انسان ۸۲۷

- ۲۲- آثار ذکر مراحل خلقت زمین ۸۲۷
- ۲۳- آثار غفلت از خلقت انسان ۸۲۷
- ۲۴- آثار مطالعه خلقت آسمان ۸۲۷
- ۲۵- آثار مطالعه مراحل خلقت زمین ۸۲۹
- ۲۶- آسانی خلقت موجودات ۸۲۹
- ۲۷- آغاز خلقت آسمان ۸۲۹
- ۲۸- آغاز خلقت آسمان ها ۸۲۹
- ۲۹- آغاز خلقت آفرینش ۸۳۱
- ۳۰- آغاز خلقت روز ۸۳۱
- ۳۱- آغاز خلقت زمین ۸۳۱
- ۳۲- آغاز خلقت شب ۸۳۳
- ۳۳- ابلیس هنگام خلقت انسان ۸۳۳
- ۳۴- اتقان خلقت آسمان ها ۸۳۳
- ۳۵- اتقان خلقت زمین ۸۳۵
- ۳۶- ارزش خلقت انسان ۸۳۵
- ۳۷- ارزش عنصر خلقت انسان ۸۳۵
- ۳۸- ارزشمندی خلقت آسمان ها ۸۳۷
- ۳۹- ارزشمندی خلقت زمین ۸۳۷
- ۴۰- استمرار خلقت موجودات ۸۳۷
- ۴۱- اعجاز خلقت شتر صالح(ع) ۸۳۷
- ۴۲- انسان در بدو خلقت ۸۳۹
- ۴۳- انسان قبل از خلقت ۸۳۹
- ۴۴- انسان ها در بدو خلقت ۸۳۹
- ۴۵- اهداف خلقت انسان ۸۴۱
- ۴۶- اهمیت خلقت آسمان ۸۴۱
- ۴۷- اهمیت خلقت آسمان ها ۸۴۱

- ۴۸- اهمیت خلقت آفرینش ۸۴۳
- ۴۹- اهمیت خلقت انسان ۸۴۳
- ۵۰- اهمیت خلقت انسان ها ۸۴۶
- ۵۱- اهمیت خلقت حیوانات ۸۴۷
- ۵۲- اهمیت خلقت خورشید ۸۴۸
- ۵۳- اهمیت خلقت زمین ۸۴۹
- ۵۴- اهمیت خلقت ماه (گردون) ۸۵۰
- ۵۵- برتری خلقت آفرینش ۸۵۱
- ۵۶- بهترین خلقت انسان ۸۵۱
- ۵۷- بی ارزشی عنصر خلقت انسان ۸۵۱
- ۵۸- بینش پوچی خلقت انسان ۸۵۳
- ۵۹- پرسش از خلقت آسمان ها ۸۵۳
- ۶۰- پرسش از خلقت زمین ۸۵۳
- ۶۱- پوچ انگاری خلقت انسان ۸۵۵
- ۶۲- تاریخ خلقت آدم(ع) ۸۵۵
- ۶۳- تاریخ خلقت آسمان ها ۸۵۷
- ۶۴- تاریخ خلقت ابلیس ۸۵۷
- ۶۵- تاریخ خلقت انسان ۸۵۷
- ۶۶- تاریخ خلقت جن ۸۵۹
- ۶۷- تاریخ خلقت حوا ۸۵۹
- ۶۸- تاریخ خلقت خورشید ۸۶۱
- ۶۹- تاریخ خلقت زمین ۸۶۱
- ۷۰- تاریخ خلقت کلاغ ۸۶۱
- ۷۱- تاریخ خلقت کوه ها ۸۶۱
- ۷۲- تاریخ خلقت ماه (گردون) ۸۶۳
- ۷۳- تاریخ خلقت ملانکه ۸۶۳

- ۷۴- تداوم خلقت ۸۶۴
- ۷۵- تداوم خلقت خدا ۸۶۵
- ۷۶- تذکر خلقت انسان ۸۶۵
- ۷۷- تذکر خلقت زکریا(ع) ۸۶۵
- ۷۸- تشابه خلقت انسان ها ۸۶۷
- ۷۹- تشبیه به آغاز خلقت انسان ۸۶۷
- ۸۰- تشبیه به خلقت ابتدایی ۸۶۷
- ۸۱- تشبیه به خلقت انسان ۸۶۷
- ۸۲- تشبیه به خلقت گیاهان ۸۶۹
- ۸۳- تشبیه خلقت انسان ۸۶۹
- ۸۴- تشویق به مطالعه خلقت انسان ۸۶۹
- ۸۵- تعقل در خلقت آسمان های هفتگانه ۸۷۱
- ۸۶- تعقل در خلقت آفرینش ۸۷۱
- ۸۷- تعقل در خلقت انسان ۸۷۱
- ۸۸- تعقل در خلقت چهارپایان ۸۷۳
- ۸۹- تعقل در خلقت خورشید ۸۷۴
- ۹۰- تعقل در خلقت روز ۸۷۵
- ۹۱- تعقل در خلقت شب ۸۷۵
- ۹۲- تعقل در خلقت شتر ۸۷۶
- ۹۳- تعقل در خلقت گاو ۸۷۷
- ۹۴- تعقل در خلقت گوسفند ۸۷۷
- ۹۵- تعقل در خلقت ماه ۸۷۷
- ۹۶- تعقل در خلقت موجودات ۸۷۹
- ۹۷- تعقل در عنصر خلقت انسان ۸۷۹
- ۹۸- تفکر در خلقت آفرینش ۸۷۹
- ۹۹- تفکر در خلقت انسان ۸۷۹

۸۸۱	۱۰۰- تقدیر خلقت انسان
۸۸۱	۱۰۱- تکامل خلقت انسان
۸۸۳	۱۰۲- تکامل خلقت موجودات
۸۸۳	۱۰۳- جهش در خلقت انسان
۸۸۴	۱۰۴- حسن خلقت موجودات
۸۸۵	۱۰۵- حقانیت خلقت آسمان
۸۸۵	۱۰۶- حقانیت خلقت آسمان ها
۸۸۷	۱۰۷- حقانیت خلقت آفرینش
۸۸۹	۱۰۸- حقانیت خلقت زمین
۸۹۱	۱۰۹- حقانیت خلقت موجودات
۸۹۱	۱۱۰- حکمت خلقت چهارپایان
۸۹۲	۱۱۱- خلقت آب
۸۹۳	۱۱۲- خلقت آخرت
۸۹۳	۱۱۳- خلقت آدم(ع)
۸۹۶	۱۱۴- خلقت آسمان
۹۰۰	۱۱۵- خلقت آسمان ها
۹۱۱	۱۱۶- خلقت آسمان های هفتگانه
۹۱۱	۱۱۷- خلقت آسمانها
۹۱۱	۱۱۸- خلقت آفرینش
۹۱۹	۱۱۹- خلقت آهن
۹۱۹	۱۲۰- خلقت ابتدایی انسان
۹۲۱	۱۲۱- خلقت ابتدایی انسان ها
۹۲۳	۱۲۲- خلقت ابتدایی موجودات
۹۲۳	۱۲۳- خلقت ابلیس
۹۲۳	۱۲۴- خلقت اخروی انسان
۹۲۳	۱۲۵- خلقت از آب

- ۹۲۵ ۱۲۶- خلقت از آتش
- ۹۲۵ ۱۲۷- خلقت از خاک
- ۹۲۹ ۱۲۸- خلقت از دود
- ۹۲۹ ۱۲۹- خلقت از علقه
- ۹۳۰ ۱۳۰- خلقت از گل
- ۹۳۳ ۱۳۱- خلقت از گل چسبنده
- ۹۳۳ ۱۳۲- خلقت از گل خشک
- ۹۳۳ ۱۳۳- خلقت از مایعات
- ۹۳۵ ۱۳۴- خلقت از منی
- ۹۳۵ ۱۳۵- خلقت از نطفه
- ۹۳۷ ۱۳۶- خلقت انسان
- ۹۵۶ ۱۳۷- خلقت انسان ها
- ۹۵۸ ۱۳۸- خلقت اولیه انسان ها
- ۹۵۹ ۱۳۹- خلقت بدن انسان
- ۹۵۹ ۱۴۰- خلقت بهشت
- ۹۶۱ ۱۴۱- خلقت تاریکی
- ۹۶۱ ۱۴۲- خلقت تدریجی آدم(ع)
- ۹۶۱ ۱۴۳- خلقت تدریجی آسمان ها
- ۹۶۳ ۱۴۴- خلقت تدریجی آفرینش
- ۹۶۵ ۱۴۵- خلقت تدریجی انسان
- ۹۶۷ ۱۴۶- خلقت تدریجی زمین
- ۹۶۹ ۱۴۷- خلقت تدریجی موجودات
- ۹۶۹ ۱۴۸- خلقت جن
- ۹۶۹ ۱۴۹- خلقت جنبندهگان
- ۹۷۱ ۱۵۰- خلقت جهنم
- ۹۷۱ ۱۵۱- خلقت چوب آتش زا

- ۱۵۲- خلقت چهارپایان ۹۷۱
- ۱۵۳- خلقت حوا ۹۷۳
- ۱۵۴- خلقت حورالعین ۹۷۵
- ۱۵۵- خلقت خاک ۹۷۵
- ۱۵۶- خلقت خورشید ۹۷۵
- ۱۵۷- خلقت در عالم ذر ۹۷۹
- ۱۵۸- خلقت درخت آتش زا ۹۷۹
- ۱۵۹- خلقت دریا ها ۹۸۰
- ۱۶۰- خلقت روح ۹۸۱
- ۱۶۱- خلقت روح انسان ۹۸۱
- ۱۶۲- خلقت روز ۹۸۱
- ۱۶۳- خلقت زمین ۹۸۳
- ۱۶۴- خلقت زن ۹۹۷
- ۱۶۵- خلقت زندگی دنیوی ۹۹۷
- ۱۶۶- خلقت سایه دار ۹۹۸
- ۱۶۷- خلقت ستارگان ۹۹۹
- ۱۶۸- خلقت شب ۱۰۰۱
- ۱۶۹- خلقت شتر ۱۰۰۳
- ۱۷۰- خلقت شیاطین ۱۰۰۳
- ۱۷۱- خلقت طبیعت ۱۰۰۴
- ۱۷۲- خلقت ظلمت ۱۰۰۵
- ۱۷۳- خلقت عالمانه آسمان ها ۱۰۰۵
- ۱۷۴- خلقت عالمانه آفرینش ۱۰۰۵
- ۱۷۵- خلقت عرش ۱۰۰۵
- ۱۷۶- خلقت عیسی(ع) ۱۰۰۷
- ۱۷۷- خلقت کشتی ۱۰۰۹

- ۱۷۸- خلقت کوه ها ۱۰۰۹
- ۱۷۹- خلقت گاو ۱۰۱۱
- ۱۸۰- خلقت گوسفند ۱۰۱۱
- ۱۸۱- خلقت ماه ۱۰۱۱
- ۱۸۲- خلقت ماه (گردون) ۱۰۱۳
- ۱۸۳- خلقت مراتع ۱۰۱۵
- ۱۸۴- خلقت مرد ۱۰۱۵
- ۱۸۵- خلقت ملانکه ۱۰۱۷
- ۱۸۶- خلقت موجودات ۱۰۱۷
- ۱۸۷- خلقت موجودات سایه دار ۱۰۲۷
- ۱۸۸- خلقت موجودات ظریف ۱۰۲۷
- ۱۸۹- خلقت نخستین آسمان ۱۰۲۸
- ۱۹۰- خلقت نخستین آفرینش ۱۰۲۹
- ۱۹۱- خلقت نعمت ها ۱۰۲۹
- ۱۹۲- خلقت نور ۱۰۳۰
- ۱۹۳- دعوت به مطالعه خلقت انسان ۱۰۳۱
- ۱۹۴- دلایل خلقت موجودات ۱۰۳۱
- ۱۹۵- ذکر خلقت آسمان ۱۰۳۱
- ۱۹۶- ذکر خلقت انسان ۱۰۳۳
- ۱۹۷- ذکر خلقت انسان بر محمد(صلی الله علیه و آله) ۱۰۳۳
- ۱۹۸- ذکر خلقت انسانها ۱۰۳۳
- ۱۹۹- ذکر خلقت زمین ۱۰۳۵
- ۲۰۰- ذکر عنصر خلقت انسان ۱۰۳۵
- ۲۰۱- ذکر مبدأ خلقت انسانها ۱۰۳۵
- ۲۰۲- زمان خلقت آب ۱۰۳۶
- ۲۰۳- زمینه بینش پوچی خلقت انسان ۱۰۳۷

- ۲۰۴- زمينه خلقت آفرينش ۱۰۳۷
- ۲۰۵- زمينه خلقت فرزند ۱۰۳۷
- ۲۰۶- زمينه خلقت موجودات ۱۰۳۸
- ۲۰۷- زمينه خلقت نيروهاي آفرينش ۱۰۳۹
- ۲۰۸- زيبايي خلقت انسان ۱۰۳۹
- ۲۰۹- سختي خلقت آسمان ها ۱۰۴۱
- ۲۱۰- سختي خلقت آفرينش ۱۰۴۱
- ۲۱۱- سختي خلقت زمين ۱۰۴۱
- ۲۱۲- سوگند به خلقت آسمان ۱۰۴۳
- ۲۱۳- سهولت خلقت موجودات ۱۰۴۳
- ۲۱۴- شگفتي خلقت آسمان ۱۰۴۴
- ۲۱۵- شگفتي خلقت از مني ۱۰۴۵
- ۲۱۶- شگفتي خلقت انسان ۱۰۴۵
- ۲۱۷- شگفتي خلقت زمين ۱۰۴۵
- ۲۱۸- شگفتي خلقت شتر ۱۰۴۷
- ۲۱۹- شناخت مراحل خلقت انسان ۱۰۴۷
- ۲۲۰- عبرت از خلقت آفرينش ۱۰۴۷
- ۲۲۱- عبرت از خلقت جانداران ۱۰۴۷
- ۲۲۲- عبرت از خلقت روز ۱۰۴۹
- ۲۲۳- عبرت از خلقت شب ۱۰۴۹
- ۲۲۴- عجز از خلقت موجودات ۱۰۴۹
- ۲۲۵- عظمت خلقت آسمان ۱۰۵۱
- ۲۲۶- عظمت خلقت آسمان ها ۱۰۵۱
- ۲۲۷- عظمت خلقت آفرينش ۱۰۵۳
- ۲۲۸- عظمت خلقت انسان ۱۰۵۵
- ۲۲۹- عظمت خلقت زمين ۱۰۵۵

- ۲۳۰- عظمت خلقت زن ۱۰۵۷
- ۲۳۱- عظمت خلقت مذکر ۱۰۵۷
- ۲۳۲- عظمت خلقت مرد ۱۰۵۷
- ۲۳۳- عظمت خلقت ملائکه ۱۰۵۸
- ۲۳۴- عظمت خلقت موجودات آسمانی ۱۰۵۹
- ۲۳۵- عظمت خلقت مؤنث ۱۰۵۹
- ۲۳۶- عنصر خلقت آدم(ع) ۱۰۵۹
- ۲۳۷- عنصر خلقت آسمان ۱۰۶۳
- ۲۳۸- عنصر خلقت آسمان ها ۱۰۶۳
- ۲۳۹- عنصر خلقت ابلیس ۱۰۶۳
- ۲۴۰- عنصر خلقت انسان ۱۰۶۵
- ۲۴۱- عنصر خلقت انسان ها ۱۰۸۰
- ۲۴۲- عنصر خلقت جانداران ۱۰۸۱
- ۲۴۳- عنصر خلقت جن ۱۰۸۱
- ۲۴۴- عنصر خلقت زمین ۱۰۸۳
- ۲۴۵- عنصر خلقت زن ۱۰۸۵
- ۲۴۶- عنصر خلقت گیاهان ۱۰۸۵
- ۲۴۷- عنصر خلقت مرد ۱۰۸۶
- ۲۴۸- عنصر خلقت همسر ۱۰۸۷
- ۲۴۹- عیسی(ع) و خلقت پرنده ۱۰۸۷
- ۲۵۰- غفلت از کیفیت خلقت انسان ۱۰۸۷
- ۲۵۱- غفلت از کیفیت خلقت جن ۱۰۸۷
- ۲۵۲- فلسفه خلقت آسمان ۱۰۸۹
- ۲۵۳- فلسفه خلقت آسمان ها ۱۰۸۹
- ۲۵۴- فلسفه خلقت آفرینش ۱۰۸۹
- ۲۵۵- فلسفه خلقت اسب ۱۰۹۱

- ۲۵۶- فلسفه خلقت استر ۱۰۹۱
- ۲۵۷- فلسفه خلقت الاغ ۱۰۹۱
- ۲۵۸- فلسفه خلقت انسان ۱۰۹۱
- ۲۵۹- فلسفه خلقت انسان ها ۱۱۰۰
- ۲۶۰- فلسفه خلقت جن ۱۱۰۳
- ۲۶۱- فلسفه خلقت جنیان ۱۱۰۳
- ۲۶۲- فلسفه خلقت چشمه ها ۱۱۰۳
- ۲۶۳- فلسفه خلقت چهارپایان ۱۱۰۵
- ۲۶۴- فلسفه خلقت حوا ۱۱۰۷
- ۲۶۵- فلسفه خلقت حیوانات ۱۱۰۹
- ۲۶۶- فلسفه خلقت خشکی ها ۱۱۰۹
- ۲۶۷- فلسفه خلقت درخت آتش زا ۱۱۰۹
- ۲۶۸- فلسفه خلقت دریا ها ۱۱۰۹
- ۲۶۹- فلسفه خلقت راه ها ۱۱۱۱
- ۲۷۰- فلسفه خلقت روز ۱۱۱۱
- ۲۷۱- فلسفه خلقت روزی ۱۱۱۳
- ۲۷۲- فلسفه خلقت زمین ۱۱۱۳
- ۲۷۳- فلسفه خلقت زینت ها ۱۱۱۷
- ۲۷۴- فلسفه خلقت ستارگان ۱۱۱۷
- ۲۷۵- فلسفه خلقت شب ۱۱۱۷
- ۲۷۶- فلسفه خلقت شتر ۱۱۱۹
- ۲۷۷- فلسفه خلقت طبیعت ۱۱۲۳
- ۲۷۸- فلسفه خلقت عوامل طبیعی ۱۱۲۳
- ۲۷۹- فلسفه خلقت کوه ها ۱۱۲۳
- ۲۸۰- فلسفه خلقت گاو ۱۱۲۵
- ۲۸۱- فلسفه خلقت گوسفند ۱۱۲۷

- ۲۸۲- فلسفه خلقت گیاهان ۱۱۲۸
- ۲۸۳- فلسفه خلقت ماه ۱۱۲۹
- ۲۸۴- فلسفه خلقت موجودات ۱۱۲۹
- ۲۸۵- فلسفه خلقت نعمت ۱۱۳۱
- ۲۸۶- فلسفه خلقت نعمت ها ۱۱۳۱
- ۲۸۷- فلسفه خلقت نهر ها ۱۱۳۲
- ۲۸۸- قانونمندی خلقت آسمان ۱۱۳۳
- ۲۸۹- قانونمندی خلقت آسمان ها ۱۱۳۳
- ۲۹۰- قانونمندی خلقت انسان ۱۱۳۵
- ۲۹۱- قانونمندی خلقت انسان ها ۱۱۳۵
- ۲۹۲- قانونمندی خلقت خورشید ۱۱۳۵
- ۲۹۳- قانونمندی خلقت زمین ۱۱۳۵
- ۲۹۴- قانونمندی خلقت کوه ها ۱۱۳۷
- ۲۹۵- قانونمندی خلقت ماه (قمر) ۱۱۳۷
- ۲۹۶- قانونمندی خلقت موجودات ۱۱۳۹
- ۲۹۷- قانونمندی خلقت موجودات فضا ۱۱۳۹
- ۲۹۸- کیفیت خلقت آدم(ع) ۱۱۳۹
- ۲۹۹- کیفیت خلقت انسان ۱۱۴۱
- ۳۰۰- کیفیت خلقت موجودات ۱۱۴۳
- ۳۰۱- مبدأ خلقت انسان ۱۱۴۳
- ۳۰۲- مبدأ خلقت انسان ها ۱۱۴۵
- ۳۰۳- مبدأ خلقت زن ۱۱۴۵
- ۳۰۴- مبدأ خلقت مرد ۱۱۴۵
- ۳۰۵- متفکران و خلقت انسان ۱۱۴۵
- ۳۰۶- مجادله درباره خلقت انسان ۱۱۴۷
- ۳۰۷- مدت خلقت آسمان ۱۱۴۷

- ۳۰۸- مدت خلقت آسمان ها - ۱۱۴۷
- ۳۰۹- مدت خلقت آفرینش - ۱۱۴۹
- ۳۱۰- مدت خلقت زمین - ۱۱۴۹
- ۳۱۱- مدت خلقت موجودات فضا - ۱۱۵۱
- ۳۱۲- مراحل خلقت آدم(ع) - ۱۱۵۲
- ۳۱۳- مراحل خلقت آسمان - ۱۱۵۳
- ۳۱۴- مراحل خلقت آسمان ها - ۱۱۵۳
- ۳۱۵- مراحل خلقت آفرینش - ۱۱۵۵
- ۳۱۶- مراحل خلقت انسان - ۱۱۵۷
- ۳۱۷- مراحل خلقت زمین - ۱۱۶۹
- ۳۱۸- مراحل خلقت زن - ۱۱۷۱
- ۳۱۹- مراحل خلقت کوه ها - ۱۱۷۱
- ۳۲۰- مراحل خلقت مرد - ۱۱۷۳
- ۳۲۱- مراحل خلقت موجودات - ۱۱۷۳
- ۳۲۲- مطالعه خلقت انسان - ۱۱۷۳
- ۳۲۳- مطالعه خلقت زمین - ۱۱۷۵
- ۳۲۴- مطالعه در خلقت آسمان ها - ۱۱۷۵
- ۳۲۵- مطالعه در خلقت زمین - ۱۱۷۵
- ۳۲۶- مطالعه مبدأ خلقت انسان - ۱۱۷۵
- ۳۲۷- مطالعه مراحل خلقت انسان - ۱۱۷۷
- ۳۲۸- مطالعه منشأ خلقت انسان - ۱۱۷۹
- ۳۲۹- معبودان باطل و خلقت - ۱۱۷۹
- ۳۳۰- معبودان باطل و خلقت آفرینش - ۱۱۸۰
- ۳۳۱- ملائکه و خلقت انسان - ۱۱۸۱
- ۳۳۲- منافع خلقت شتر - ۱۱۸۱
- ۳۳۳- منشأ استبعاد خلقت عیسی(ع) - ۱۱۸۳

- ۱۱۸۳ - منشأ خلقت ۳۳۴
- ۱۱۸۳ - منشأ خلقت آسمان ها ۳۳۵
- ۱۱۸۵ - منشأ خلقت انسان ۳۳۶
- ۱۱۹۰ - منشأ خلقت انسان ها ۳۳۷
- ۱۱۹۱ - منشأ خلقت پسر ۳۳۸
- ۱۱۹۱ - منشأ خلقت تاجکستان ۳۳۹
- ۱۱۹۱ - منشأ خلقت جن ۳۴۰
- ۱۱۹۲ - منشأ خلقت دختر ۳۴۱
- ۱۱۹۳ - منشأ خلقت زمین ۳۴۲
- ۱۱۹۳ - منشأ خلقت عیسی (ع) ۳۴۳
- ۱۱۹۳ - منشأ خلقت مراتع ۳۴۴
- ۱۱۹۳ - منشأ خلقت ملائکه ۳۴۵
- ۱۱۹۵ - منشأ خلقت موجودات ۳۴۶
- ۱۱۹۵ - منشأ خلقت نخلستان ۳۴۷
- ۱۱۹۷ - نعمت خلقت انسان ۳۴۸
- ۱۱۹۷ - نقش خلقت انسان ۳۴۹
- ۱۱۹۷ - نقش عنصر خلقت ۳۵۰
- ۱۱۹۹ - وقت خلقت آدم (ع) ۳۵۱
- ۱۱۹۹ - ویژگی خلقت عیسی (ع) ۳۵۲
- ۱۱۹۹ - ویژگیهای خلقت آدم (ع) ۳۵۳
- ۱۲۰۱ - ویژگیهای خلقت آفرینش ۳۵۴
- ۱۲۰۱ - ویژگیهای خلقت انسان ۳۵۵
- ۱۲۰۳ - ویژگیهای خلقت انسان ها ۳۵۶
- ۱۲۰۳ - ویژگیهای خلقت حوا ۳۵۷
- ۱۲۰۳ - ویژگیهای خلقت خورشید ۳۵۸
- ۱۲۰۳ - ویژگیهای خلقت روح ۳۵۹

- ۳۶۰- ویژگیهای خلقت زمین - ۱۲۰۵
- ۳۶۱- ویژگیهای خلقت شتر - ۱۲۰۶
- ۳۶۲- ویژگیهای خلقت طبیعت - ۱۲۰۷
- ۳۶۳- ویژگیهای خلقت عیسی(ع) - ۱۲۰۷
- ۳۶۴- ویژگیهای خلقت ماه - ۱۲۰۹
- ۳۶۵- هدفداری خلقت آسمان ها - ۱۲۰۹
- ۳۶۶- هدفداری خلقت آفرینش - ۱۲۱۲
- ۳۶۷- هدفداری خلقت انسان - ۱۲۱۵
- ۳۶۸- هدفداری خلقت انسان ها - ۱۲۱۵
- ۳۶۹- هدفداری خلقت زمین - ۱۲۱۵
- ۳۷۰- هدفداری خلقت شتر - ۱۲۱۹
- ۳۷۱- هدفداری خلقت موجودات - ۱۲۱۹
- درباره مرکز - ۱۲۲۲

مشخصات کتاب

نام کتاب: علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد 45

تحقیق و تالیف: رسول ملکیان اصفهانی - 1400 ش

ناشر دیجیتال: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ص: 1

1- خانواده

1- خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 229 - 15

15 - ترس از عدم رعایت حدود الهی در خانواده، مجوز توافق زن و شوهر بر طلاق، با بخشیدن مالی از سوی زن

فان خفتم الا یقیما حدود الله فلا جناح علیهما فیما افتدت به

2- آثار اذیت خانواده شوهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 1 - 65 - 27

27 - « عن الرضا (ع) فی قول الله عزوجل: « لاتخرجهن من بیوتهن ولا یرجنن الا ان یأتین بفاحشه مبینه » قال: اذاها لأهل الرجل و سوء خلقها;

از امام رضا(ع) درباره سخن خداوند عزوجل «لاتخرجهن من بیوتهن ولا یرجنن الا ان یأتین بفاحشه مبینه» روایت شده که فرمود: [مراد از فاحشه مبینه] آزار دادن زن به خانواده شوهر و بد خلقی او است».

3- آثار انحطاط خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 15 - 5

5 - کسانی که سرمایه عمر خویش و بهره های بایسته از خانواده خود را از دست بدهند ، در قیامت از زیانکاران واقعی محسوب

ص: 1

خواهند شد .

إِنَّ الْخٰسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ

4- آثار پاکی خانواده لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 56 - 6

6- گرایش به پاکی و ارزش ها ، تنها جرم لوط (ع) و خاندانش در نظر آن جامعه فسادزده

قالوا أخرجوا آل لوط من قريبتكم إنيهم أناس يتطهرون

عبارت «إنيهم أناس» تعلیل برای حکم اخراج است.

5- آثار تباهی خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 16 - 4

4- خسارت و از دست دادن سرمایه عمر و خانواده ، موجب آتش شدید و فراگیر دوزخ

الذین خسروا .. لهم من فوقهم ظلل من النار و من تحتهم ظلل

6- آثار تبعیض در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 8 - 7، 6

6- همه فرزندان یعقوب محبت افزون تر او به یوسف (ع) و بنیامین را احساس می کردند و بر آن رشک می بردند .

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب إلی أینا منا

ضمیر در «قالوا» به «إخوته» در آیه قبل بر می گردد ؛ یعنی ، همه آنان چنین گفتند و بر این نظر اتفاق داشتند.

7- محبت و علاقه افزون تر یعقوب (ع) به دو فرزندش یوسف (ع) و بنیامین ، برانگیزنده حسادت دیگر فرزندان وی نه اطلاعشان از

رؤیای یوسف (ع)

إذ قالوا ليوسف وأخوه أحب إلى أبينا منا

چنان چه یوسف(ع) رؤیای خویش را برای برادرانش نقل کرده بود و آن باعث حسادت و توطئه علیه او شده بود ، سخن از بنیامین به میان نمی آوردند و تنها به ذکر یوسف(ع) اکتفا می کردند.

ص: 2

7- آثار عفت خانواده لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 56 - 6

6 - گرایش به پاکی و ارزش ها ، تنها جرم لوط (ع) و خاندانش در نظر آن جامعه فسادزده

قالوا أخرجوا آل لوط من قريتكم إنيهم أناس يتطهرون

عبارت «إنيهم أناس» تعلیل برای حکم اخراج است.

8- آثار علاقه به خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 11 - 16

16 - دلبستگی به مال و خانواده ، بازدارنده انسان از راه خدا و تکالیف دین

سيقول لك المخلفون من الأعراب شغلتنا أموالنا وأهلونا... يقولون بألسنتهم

برداشت بالا بر این اساس است که اعراب در بیان «شغلتنا أموالنا وأهلونا» صادق به شمار آیند؛ ولی در گفتن «فاستغفرلنا» - که حاکی از ندامت درونی آنان است - کاذب باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 14 - 4

4 - جاودانه پنداشتن دنیا و بعید شمردن معاد ، ریشه دل خوشی های نابجا و دلبستگی به خانواده و خاندان است .

إنه كان في أهله مسرورًا . إنه ظن أن لن يحور

حرف «إن» در «إنه ظن» ، برای بیان علت سُروری است که در «كان في أهله مسرورًا» بیان شده است.

9- آثار عواطف خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 3 - 3

3- عواطف خانوادگی و خویشاوندی، از زمینه های انحراف و تمایل به دشمنان خداوند

تَسْرُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمُودَّةِ... لَنْ تَنْفَعَكُمْ أَرْحَامِكُمْ وَلَا أَوْلَادِكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- یوسف - 12 - 85 - 1

1- یعقوب (ع)، همواره به یاد فرزندش یوسف (ع) و دردمند فراق او بود.

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف

ص: 3

«تفتوا» از افعال ناقصه و به تقدیر «لا» ی نافیه است. بنابراین «تفتوا تذکر یوسف» ؛ یعنی ، پیوسته یوسف(ع) را یاد می کنی.

10- آرامش در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 128 - 6

6 - اهمیت حفظ آرامش و امنیت در خانواده و تقدم آن بر حقوق شخصی زن و شوهر

و این امر اخافت .. ان يصلحا بينهما صلحاً و الصلح خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 21 - 11

11 - آرامش خانواده و پایداری آن در پرتو مودت و مهربانی است .

لتسكنوا إليها و جعل بینكم مودّه و رحمه

11- آزادی در خانواده شعيب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 26 - 2

2 - وجود رابطه صمیمی و فضای آزاد برای گفت و گو میان شعيب(ع) و دختران وی

قالت إحدیهما یأبت استئجره .. القویّ الأمين

از این که دختر شعيب پیشنهاد خودش را بدون هیچ تکلفی با پدر در میان گذاشت و آزادانه به ستایش موسی(ع) پرداخت مطلب بالا استفاده می شود.

12- آشتی در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 129 - 12

12 - برقرار کردن توافق در خانواده ، مصداق تقواست . *

وإن تصلحوا و تتقوا فإن الله كان غفوراً رحيماً

بنابر اینکه «و تتقوا»، عطف تفسیری باشد بر «تصلحوا».

ص: 4

13- احسان در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 128 - 18

18 - رعایت کنندگان تقوا و احسان در محیط خانواده، از پاداش الهی برخوردار خواهند شد.

وإن تحسنوا و تتقوا فإنّ الله كان بما تعملون خبيراً

جمله «فان الله...» در مقام تشویق به احسان و تقواست. و چون علم خدا به احسان و تقوا، معمولاً تأثیری برای انجام آن ندارد؛ بنابراین باید کنایه از پاداش دهی الهی باشد.

14- احکام خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 34 - 12, 20, 21, 24, 25, 26, 27, 28, 29

12 - ضرورت توجه به قوانین تکوین و تشریح در جعل مقررات حاکم بر خانواده

الرّجال قوامون على النساء بما فضّل الله... و بما انفقوا

چون خداوند در توجیه جعل مدیریت برای مردان به دو جهت تصریح فرمود: یکی برتری مردان بر زنان، که یک مسأله تکوینی است و دیگری عهده دار بودن نفقه، که یک حکم تشریحی است.

20 - خداوند، حافظ حقوق زنان، با جعل قوانین خانواده

بما حفظ الله

مراد از «ما»، حقوق زنان است که خداوند با جعل قوانین، مانند الزام به تأمین زندگی و... آن را حفظ کرده است.

21 - مسؤلیت زن در حفظ حقوق شوهر و اطاعت از او، در چهارچوب قوانین الهی است.*

قانتات حافظات للغيب بما حفظ الله

بر این مبنا که مراد از «ما حفظ الله» قوانین الهی و «باء» در «بما حفظ الله» برای مصاحبت باشد، معنای آیه چنین می شود: زنان باید با رعایت قوانین الهی، از شوهران خویش اطاعت و حقوق آنان را حفظ کنند.

24 - پرهیز شوهر از همخوابگی با همسر، اقدامی برای جلوگیری از نشوز وی

والتی تخافون نشوزهنّ . . . واهجروهنّ فی المضاجع

در برداشت فوق «فی المضاجع» متعلق به «اهجروهنّ» گرفته شده است.

25- همخوابگی ، از حقوق زنان بر همسران خویش

و اهجروهنّ فی المضاجع

گویا لزوم همخوابگی با همسران را بر عهده شوهران فرض کرده است و در حال نشوز، ترک آن را مجاز شمرده است. جمله «فلا تبغوا...» پس از فرض اطاعت زنان، لزوم همخوابگی را تأیید می کند.

26- زدن ، آخرین اقدام برای جلوگیری از نشوز زن

والتی تخافون نشوزهنّ . . . و اضربوهنّ

27- بروز علائم نشوز زن ، مجوز تدابیر لازم (ترک همخوابگی ، زدن و . . .) برای جلوگیری از آن

والتی تخافون نشوزهنّ . . . و اضربوهنّ

ص: 5

چون موضوع حکم را خوفِ نشوز (تخافون) قرار داده است و نه تحقق نشوز. و خوف نشوز، همان بروز علائم آن است.

28 - ضرورت به کارگیری روش ها و تدبیر های لازم برای پیشگیری از مفاسد و گناه ، قبل از تحقق آن

والتی تخافون نشوزهنّ

اگر چه آیه در مورد نشوز زنان است، ولی می توان از آن استنباط کرد که اهل ایمان باید قبل از وقوع مفاسد، چاره اندیشی کنند.

29 - لزوم به کارگیری تدابیر لازم برای جلوگیری از رسیدن زن به مرحله نشوز

والتی تخافون نشوزهنّ . . . و اضربوهنّ

به نظر می رسد راههای پیشنهاد شده خصوصیتی نداشته باشد؛ بلکه مراد، بازداشتن زن از ناشزه شدن است؛ هر چند منجر به ترک برخی از حقوق وی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 35 - 2,4,5,6,7,8,9,17

2 - لزوم تلاش برای حفظ خانواده و سالم سازی محیط آن و پیشگیری از بروز ناسازگاری زن و شوهر

و ان خفتم شقاق بینهما فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلها

4 - لزوم گزینش و فرستادن دو داور از خانواده زن و شوهر برای حلّ اختلاف بین آن دو

و ان خفتم شقاق بینهما فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلها

5 - مسؤولیت بیشتر خویشاوندان زن و شوهر ، در نظارت بر سلامت خانواده و حلّ اختلاف های آنان

فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلها

6 - ضرورت اطاعت زن و شوهر از نظر و پیشنهاد داوران تحکیم در اختلافات میان آنان

و ان خفتم شقاق بینهما فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلها

اگر تبعیت از داوران لازم نبود، موکول کردن حل اختلاف به آنان لغو بود. علاوه بر اینکه انتخاب کلمه «حکّم» به معنای حاکم، بیانگر لزوم تبعیت است.

7 - داوران تحکیم ، دارای اختیار در حکم به سازش یا جدایی بین زن و مرد و یا تعیین شروط بر هر یک از آن دو

و ان خفتم شقاق بينهما فابعثوا حكماً من اهله و حكماً من اهلها

کلمه «حکم» بیانگر این است که داور می تواند بر اساس آنچه به مصلحت زن و شوهر است، حکم کند.

8 - قصد قاضیان تحکیم بر اصلاح بین زن و شوهر ، موجب سازگار شدن آنان

ان یریدا اصلاحاً یوقّق الله بینهما

بنابر اینکه مراد از فاعل در «یریدا» حکمین باشد و ضمیر در «بینهما» به زن و شوهر برگردد.

9 - نقش اصلاح طلبی قاضیان تحکیم در اراده الهی به ایجاد سازش بین زن و شوهر

ان یریدا اصلاحاً یوقّق الله بینهما

17 - قوانین الهی در مورد خانواده و روابط زن و شوهر ، برخاسته از علم کامل و آگاهی دقیق خداوند

الرجال قوامون... و ان خفتم... انّ الله کان علیماً خبیراً

ص: 6

15- احیای خانواده ایوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 84 - 20

20- « عن أبي عبد الله (ع) : ردّ الله سبحانه عليه [أيوب (ع)] أهله الذين هلكوا بأعيانهم و أعطاه مثلهم معهم و كذلك ردّ الله عليه أمواله و مواشيه بأعيانها و أعطاه مثلها معها ;

از امام صادق(ع) روایت شده که: خداوند سبحان خانواده ایوب(ع) را که هلاک شده بودند، به او برگرداند و مانند آنان را نیز به وی عطا کرد. و هم چنین خداوند، عین اموال و چهارپایان او را به او برگرداند و مانند آنها را نیز به همان مقدار به او عطا کرد».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 43 - 1

1 - خداوند ، خانواده از دست رفته ایوب را زنده کرد و به او بازگرداند .

و وهبنا له أهله

در این که مقصود از «و وهبنا له أهله» چیست؛ میان مفسران دو دیدگاه وجود دارد: 1- برخی برآنند که خانواده ایوب، مرده بودند و خداوند آنان را زنده کرد و به او بازگردانید. 2- برخی دیگر برآنند که خانواده ایوب(ع) زنده بودند؛ ولی از اطراف او - که به امراض و بلیه های گوناگون مبتلا بود - پراکنده شده بودند. اما خداوند با شفا دادن ایوب(ع) و رفع گرفتاری از آن حضرت، آنان را به او بازگردانید. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه اول است.

16- اختلاف خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 102 - 31

31 - جدایی انداختن بین زن و شوهر ، امری نکوهیده و حرام است .

ما يفرقون به بين المرء و زوجته و ما هم بضارين . . . إلا ياذن الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 128 - 1,9

1 - لزوم پیشگیری از به هم خوردن سلامت خانواده ، در صورت ناسازگاری شوهر و وظیفه ای بر عهده زنان

وإن امراه خافت من بعلها .. فلا جناح عليهما ان يصلحا بينهما صلحاً

کلمه «خافت»، بیانگر ترس از وقوع است، نه خود وقوع.

9- لزوم پرهیز از اشاعه اختلافات همسران به بیرون از محیط خانه *

فلا جناح عليهما ان يصلحا بينهما صلحاً

از این که فعل «یصلحا» به خود زن و شوهر نسبت داده شده است و همچنین از تعبیر «بینهما» استفاده می شود که حل و فصل مسایل خانوادگی میان خود همسران، بهتر است از مطرح ساختن نزد دیگران.

ص: 7

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 227 - 4

4 - طلاق، آخرین راه حل مشکل ناسازگاری میان زن و شوهر است .

لذین یؤلون . . . و ان عزموا الطلاق فان الله سمیع علیم

تأخیر ذکری امر طلاق، می تواند اشاره باشد به این که باید از طلاق، برای حل مشکل در آخرین مرحله استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 228 - 23

23 - عدم مراعات حقوق متقابل زن و شوهر، از عوامل طلاق

و المطلقات یتربصن بانفسهن ثلثه قروء . . . و لهنّ مثل الذی علیهنّ

17- اختلاف در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 35 - 8,9

8 - قصد قاضیان تحکیم بر اصلاح بین زن و شوهر، موجب سازگار شدن آنان

ان یریدا اصلاحاً یوقّق الله بینهما

بنابر اینکه مراد از فاعل در «یریدا» حکمین باشد و ضمیر در «بینهما» به زن و شوهر برگردد.

9 - نقش اصلاح طلبی قاضیان تحکیم در اراده الهی به ایجاد سازش بین زن و شوهر

ان یریدا اصلاحاً یوقّق الله بینهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 36 - 3

3 - تحقق احکام و مقررات الهی در خانواده و پرهیز زن و شوهر از ناسازگاری، زمینه ساز عبادت خداوند *

الرجال قوامون . . . و ان خفتم . . . و اعبدوا الله

امر به عبادت و پرستش خداوند پس از بیان احکام خانواده، اشاره به این دارد که عبادت خالصانه خداوند در پرتو تنظیم صحیح روابط خانوادگی امکان پذیر است.

18- اخلاص خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 76 - 6

6- نوح (ع) و خاندانش، از بندگان مخلص و برگزیده خدا بودند.

ص: 8

إلّا عباد الله المخلصين . ولقد نادينا نوح... ونجّينه وأهله من الكرب العظيم

ذکر داستان نوح(ع) و خاندانش پس از یاد کردن از بندگان خالص خدا در طول تاریخ، می تواند به منظور بیان الگو و نمونه ای از آن بندگان مخلص باشد.

19- ارزش خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 229 - 17، 25

17 - ارزش حفظ خانواده ، تا آنجاست که حدود الهی به واسطه آن به مخاطره نیفتد .

الّا ان یخافا الّا یقیما حدود الله

25 - اهمیّت کانون خانواده و حفظ آن

المطلّقات یتربصن بانفسهن .. الطلاق مرّتان ... فاولئک هم الظالمون

20- ارزش عواطف خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 15 - 32

32- روابط و عواطف خانوادگی ، امری اصیل و ارزشمند و مورد توجه دین

و أصلح لی فی ذرّیتی

تعبیر «أصلح لی...» گرچه در متن آیه به صورت گزارش از دعاهای انسان کامل نقل شده است؛ اما در حقیقت دستوری است که خداوند، با بیانی ویژه انسان را به سوی آنها رهنمون ساخته است و این نشان می دهد که دعا برای والدین و فرزندان و نسل و دلسوزی برای آنها، امری اصیل و پذیرفته شده در بینش الهی است.

21- ازدیاد خانواده ایوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 43 - 3، 6

3 - خداوند ، بر تعداد خانواده ایوب (ع) پس از شفا و بهبود یافتنش دو چندان افزود .

ووهبنا له أهله و مثلهم معهم

6- بازگشت و ازدیاد خانواده ایوب (ع)، تبلور رحمت خدا به ایشان

ووهبنا له أهله .. رحمة متّ

ص: 9

22- استغفار برای خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 28 - 12

12 - دعا و آمرزش خواهی برای پدر و مادر ، اعضای خانواده و عموم مردان و زنان مؤمن ، عملی پسندیده و شایسته

ربّ اغفر لی و لولدی . و للمؤمنین و المؤمنات

23- استغفار برای خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 28 - 4

4 - آمرزش خواهی نوح (ع) ، از درگاه الهی برای اعضای مؤمن خاندان خویش

ربّ اغفر لی . . . و لمن دخل بیّتی مؤمناً

24- اصلاح خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 232 - 20

20 - قوانین الهی ، برای اصلاح و پاکسازی خانواده و جامعه

فلا تعضلوهنّ ان ینکحن . . . ذلکم ازکی لکم و اطهر و اللّٰه یعلم و انتم لا تعلمون

25- اصلاح در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 228 - 21، 11، 10

10 - حق رجوع شوهر به همسر مطلقه خویش ، مشروط به قصد اصلاح در زندگی خانوادگی است .

و بعولتھن احق بردهن فی ذلک ان ارادوا اصلاحاً

یعنی اگر شوهر - مثلاً - در رجوع خویش قصد دارد که زن هنگامی که از عدّه خارج نشده است به وی رجوع کند و پس از رجوع، دوباره

اورا طلاق دهد تا بدین وسیله به او آزار رساند، رجوع با چنین قصدی به حکم ظاهر آیه مشروع نیست.

11 - عده، فرصتی برای بازسازی مجدد خانواده *

والمطلقات یتربّصن . . . وبعولتهن احق بردهن فی ذلک ان ارادوا اصلاحاً

با توجه به اینکه متعاقب حکم تربّص ایّام عده، سخن از رجوع برای اصلاح در آن ایام به میان آمده است.

ص: 10

21 - تصمیم به رعایت حقوق متعارف زن مُطلَّقه ، شرط حق رجوع شوهر به او

ان ارادوا اصلاحاً و لهنّ مثل الذی علیهنّ بالمعروف

بیان حقوق زنان بر مردان پس از مقید کردن حق رجوع به اصلاح، این نتیجه را در بردارد که از مصادیق اراده اصلاح (ارادوا اصلاحاً)، تصمیم مرد بر رعایت حقوق زن مُطلَّقه خویش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 35 - 12، 13، 14، 8، 5

5 - مسؤولیت بیشتر خویشاوندان زن و شوهر ، در نظارت بر سلامت خانواده و حلّ اختلاف های آنان

فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلها

8 - قصد قاضیان تحکیم بر اصلاح بین زن و شوهر ، موجب سازگار شدن آنان

ان یریدا اصلاحاً یوقّق الله بینهما

بنابر اینکه مراد از فاعل در «یریدا» حکمین باشد و ضمیر در «بینهما» به زن و شوهر برگردد.

9 - نقش اصلاح طلبی قاضیان تحکیم در اراده الهی به ایجاد سازش بین زن و شوهر

ان یریدا اصلاحاً یوقّق الله بینهما

12 - صلح و سازش بین زن و شوهر ، به توفیق الهی است .

ان یریدا اصلاحاً یوقّق الله بینهما

13 - قصد اصلاح رفتار از سوی زن و شوهر ، شرط بهره مندی آنان از توفیق الهی در سازگاری با یکدیگر *

ان یریدا اصلاحاً یوقّق الله بینهما

14 - ترغیب قاضیان تحکیم به اراده اصلاح بین زن و شوهر

ان یریدا اصلاحاً یوقّق الله بینهما

26- اضطراب خانواده ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- ابراهیم (ع) و خانواده وی با مشاهده ورود مهمانان (فرشتگان) به محضر ایشان ، هراسناک و مضطرب شدند .

إذ دخلوا عليه .. قال إنا منكم وجلون

با اینکه ملائکه بر شخص حضرت ابراهیم(ع) وارد شدند (دخلوا علیه) اما آن حضرت هراس و اضطراب را به صورت جمع (إنا منكم وجلون) بیان کرده است و این نشان دهنده هراس خود او و خانواده اش می باشد. لازم به ذکر است که «وجل» به آن ترسی گفته می شود که سراپای وجود انسان را فراگیرد (مفردات راغب).

ص: 11

27- اطمینان به خانواده موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 7 - 7 - 7

7- آرامش موسی (ع) در شرایط سخت و بحرانی و تلاش وی جهت ایجاد امید و اطمینان در خانواده خود .

إِنِّي ءَانَسْتُ نَارًا سَنَاتِيكُمْ .. لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ

28- اعطای خانواده به ایوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 84 - 20

20- « عن أبي عبد الله (ع) : ردّ الله سبحانه عليه [أيوب (ع)] أهله الذين هلكوا بأعيانهم وأعطاه مثلهم معهم و كذلك ردّ الله عليه أمواله و مواشيه بأعيانها و أعطاه مثلها معها ;

از امام صادق(ع) روایت شده که: خداوند سبحان خانواده ایوب(ع) را که هلاک شده بودند، به او برگرداند و مانند آنان را نیز به وی عطا کرد. و هم چنین خداوند، عین اموال و چهارپایان او را به او برگرداند و مانند آنها را نیز به همان مقدار به او عطا کرد».

29- امکان حق ناپذیری خانواده پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 60 - 7

7- امکان نفوذ کفر و فساد و حق ناپذیری در افراد خانواده پاکان

إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَرْنَا إِنهَآ لَمِنَ الْغَیْبِیْنِ

30- امکان فساد خانواده پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 60 - 7

7- امکان نفوذ کفر و فساد و حق ناپذیری در افراد خانواده پاکان

إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَرْنَا إِنهَآ لَمِنَ الْغَیْبِیْنِ

31- امکان کفر خانواده پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 60 - 7

7- امکان نفوذ کفر و فساد و حق ناپذیری در افراد خانواده پاکان

إلا امرأته قدّرتنا إنها لمن الغبرین

32- امنیت در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 128 - 6

6 - اهمیت حفظ آرامش و امنیت در خانواده و تقدم آن بر حقوق شخصی زن و شوهر

وإن امرأه خافت .. ان يصلحا بينهما صلحاً و الصلح خير

33- امیدواری به خانواده موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 7 - 7

7- آرامش موسی (ع) در شرایط سخت و بحرانی و تلاش وی جهت ایجاد امید و اطمینان در خانواده خود .

إني ءانست نارا سناتیکم .. لعلکم تصطلون

34- انبیا و خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 38 - 6

6- پیامبر بودن با داشتن زن و فرزند (زندگانی بشری و عادی) منافات ندارد .

و جعلنا لهم أزواجاً و ذریه

35- اندوه خانواده نوح (ع)

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

11 - انبیاء - 21 - 76 - 6

ص: 13

6- حضرت نوح (ع) و خاندانش، گرفتار غمی شدید و اندوهی بزرگ در مسیر انجام رسالت خویش .

و نوحًا إذ نادى .. فتجینه و أهله من الكرب العظیم

«کرب» به معنای غم و اندوه شدید است (مفردات راغب).

36- اهمیت اصلاح خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 55 - 5

5- اصلاح خانواده و بستگان ، دارای اهمیت ویژه و مورد اهتمام پیامبران الهی

و كان يأمر أهله بالصلوة و الزكوة

37- اهمیت تربیت خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 6 - 3.7

3 - خیرخواهی برای اعضای خانواده و تربیت دینی آنان ، تکلیفی بایسته برعهده سرپرست و مدیر خانواده

قوا .. أهلیکم نارا

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که مصداق اصلی تلاش برای حفاظت اعضای خانواده از دوزخی شدن آنان، تربیت دینی آنان و گزینش راه و روش خیرخواهانه در این راستا است.

7 - اصلاح و تربیت دینی اعضای خانواده ، زیر بنا و خشت اول اصلاحات در جامعه

قوا أنفسکم و أهلیکم نارا

از فرمان خداوند به مؤمنان، مبنی بر تربیت و اصلاح اعضای خانواده خود - با آن که آنان وظیفه جهاد با کافران و منافقان را نیز برعهده دارند (آیه 9 همین سوره) - می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

38- اهمیت تربیت دینی خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 132 - 2

2- ضرورت پرداختن به تربیت دینی و معنوی خانواده و مراقبت بر آن

وأمر أهلک بالصلوه

ص: 14

39- اهمیت تفاهم خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 10 - 21

21 - محیط خانواده، نیازمند تفاهم عقیدتی و سلامت دینی

*

و لاجناح علیکم أن تنکحوهنّ... و لاتمسکوا بعصم الکوافر

حکم «لاتمسکوا...» می تواند از آن جهت باشد که وجود همسر کافر در زندگی مؤمن، محیط خانواده را ناسالم و ناامن می سازد.

40- اهمیت حفظ خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 128 - 16, 9, 6, 3, 1

1 - لزوم پیشگیری از به هم خوردن سلامت خانواده، در صورت ناسازگاری شوهر و وظیفه ای بر عهده زنان

وإن امراه خافت من بعلها... فلاجناح علیهما ان یصلحا بینهما صلحاً

کلمه «خافت»، بیانگر ترس از وقوع است، نه خود وقوع.

3 - لزوم کوشش زن و شوهر در حفظ کانون خانواده

وإن امراه خافت... فلاجناح علیهما ان یصلحا بینهما صلحاً و الصلح خیر

6 - اهمیت حفظ آرامش و امنیت در خانواده و تقدم آن بر حقوق شخصی زن و شوهر

وإن امراه خافت... ان یصلحا بینهما صلحاً و الصلح خیر

9 - لزوم پرهیز از اشاعه اختلافات همسران به بیرون از محیط خانه *

فلاجناح علیهما ان یصلحا بینهما صلحاً

از این که فعل «یصلحا» به خود زن و شوهر نسبت داده شده است و همچنین از تعبیر «بینهما» استفاده می شود که حل و فصل مسایل خانوادگی میان خود همسران، بهتر است از مطرح ساختن نزد دیگران.

16 - نقش سازنده گذشت ، در بقای کانون خانواده و تحکیم بنای همسری

ان يصلحا بينهما صلحاً و الصلح خیر و احضرت الانفس الشح و إن تحسنوا و تتقوا

41- اهمیت حل اختلاف خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 6 - 16

16 - سیاست اسلام در اختلاف و نزاع میان همسران ، کوتاه کردن مدت آن و یا رفع کامل آن است .

فإن أرضعن لكم فاتوهن أجورهنّ و أتمروا بینکم بمعروف و إن تعاسرتم فسترضع له أخ

برداشت یاد شده، از آن جا است که خداوند - پس از توصیه به خوش رفتاری با زنان مطلقه و پرداختن اجرت شیردادن نوزادان به آنان - فرمان داد که در صورت بالا گرفتن اختلاف میان همسران، آنان به مشورت و هم فکری پردازند و در صورت عدم توافق،

ص: 15

بدون فوت وقت از دایگان مدد گیرند.

42- اهمیت خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 35 - 2,3

2- لزوم تلاش برای حفظ خانواده و سالم سازی محیط آن و پیشگیری از بروز ناسازگاری زن و شوهر

و ان خفتم شقاق بینهما فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلها

3- مسؤولیت تمامی افراد جامعه در برابر اختلافات خانوادگی زن و شوهر

و ان خفتم شقاق .. فابعثوا

ظاهراً مراد از مخاطبان جمله «فابعثوا»، عموم مسلمانان هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 5 - 18

18 - اهتمام اسلام به خانواده و سلامت اعتقادی و روانی آن

و المحصنت من المؤمنت و المحصنت من الذین اوتوا الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 84 - 10

10- از دست دادن خانواده (زن و فرزندان) ، مهم ترین رنج و ناراحتی انسان است .

فکشفنا ما به من ضرّ وءاتینه أهله و مثلهم معهم

43- اهمیت روابط خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 19 - 14,17

14 - اساس زندگی خانوادگی و مصالح آن ، نباید دستخوش تمایلات مرد قرار گیرد .

فان کرهتموهنّ فعسی ان تکرهوا شیئاً و يجعل الله فيه خيراً كثيراً

17 - احتمال وجود خیر فراوان ، در تداوم زندگی با زنانی که ناخوشایند انسان هستند .

فان کرهتموهنّ فعسی ان تکرهوا شیئاً و يجعل الله فيه خيراً كثيراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 21 - 3

ص: 16

3 - توجه به پیوند زناشویی و اتحاد و یگانگی حاصل از آن ، مانعی برای اجحاف به همسر و بازپس گیری مهریه

و کیف تأخذونه و قد افضی بعضکم الی بعض

«افضی» از مصدر «افضاء» به معنای اتصال است و در آیه می تواند کنایه از اتحاد و یگانگی زوجین باشد، نه کنایه از خصوص آمیزش؛ و گر نه می فرمود: «وقد افضیتم الیهن».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 128 - 19، 20، 10، 5

5 - جواز صرف نظر کردن زن از بعض حقوق خود ، برای جلب نظر شوهر و جلوگیری از نشوز وی

و إن امراه خافت من بعلها نشوزاً .. ان یصلحا بینهما صلحاً و الصلح خیر

جمله «و احضرت الانفس الشح» حکایت از آن دارد که مصالحه عنوان شده در آیه، منوط به گذشت از حقوق شخصی است.

10 - گذشت از حقوق شخصی برای استمرار و استحکام روابط همسری ، بهتر از پافشاری بر استیفای آن حقوق

و الصلح خیر و احضرت الانفس الشح

19 - مصالحه زن و شوهر در حقوق همسری در صورتی ارزشمند است که بر پایه احسان و تقوا باشد .

و الصلح خیر .. و إن تحسنوا و تقوا فإن الله کان بما تعملون خبیراً

20 - جواز گذشت زن از برخی حقوق خویش ، به انگیزه جلوگیری از ناسازگاری شوهر و رخ ندادن طلاق

و إن امراه خافت من بعلها نشوزاً او اعراضاً

امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از معنای آیه فوق فرمود: هذا تكون عنده المراه لاتعجهه فیرید طلاقها فتقول له: امسکنی و لاتطلقنی و ادع لک ما علی ظهرک و اعطیک من مالی و احللک من یومی و لیلتی فقد طاب ذلک له کله .

کافی، ج 6، ص 145، ح 3؛ نورالثقلین، ج 1، ص 558، ح 600.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 15 - 8

8 - حفظ روابط خانوادگی و خوبشاوندی ، امری بس مهم و شایان توجه است .

ووصینا الإنسن بولدیه .. أن اشکرلی و لولدیک... إن جهداک علی أن شرک بی ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 2 - 11

11 - نقش سازنده ایمان به خدا و روز قیامت ، در ایجاد رابطه صحیح و شایسته میان همسران و رعایت شدن حقوق متقابل بین آنان

إذا طلّتم النساء .. ذلکم یوعظ به من کان یؤمن باللّٰه و الیوم الآخر

یادآوری ایمان به خدا و روز قیامت - به دنبال موعظه های الهی در مسائل مربوط به همسران - می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 17

11 - نقش سازنده تقوای پیشگی، در حفظ کانون گرم خانواده ها و رعایت شدن حقوق همسران

إذا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ... وَ اتَّقُوا اللَّهَ... مِنْ يَتَّقِ... يَعِظُمُ لَهُ أَجْرًا

برداشت یاد شده، از آن جا است که خداوند در ضمن پنج آیه مربوط به مسائل طلاق و اختلافات خانوادگی، چهاربار، به رعایت تقوا توصیه فرموده است.

12 - اهمیت مسائل خانوادگی (ازدواج، طلاق، حقوق همسران و...)، در میان موضوعات اسلامی و آموزه های قرآنی

إذا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ... اتَّقُوا اللَّهَ... مِنْ يَتَّقِ اللَّهُ... يَعِظُمُ لَهُ أَجْرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - سیاست اسلام در اختلاف و نزاع میان همسران، کوتاه کردن مدت آن و یا رفع کامل آن است.

فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَارْحَمْنَ وَأُجْرُهُنَّ بِأُجْرِهِمْ وَأَنْ يَرْضَعْنَ لَكُمْ فَارْحَمْنَ وَأُجْرُهُنَّ بِأُجْرِهِمْ وَأَنْ يَرْضَعْنَ لَكُمْ فَارْحَمْنَ وَأُجْرُهُنَّ بِأُجْرِهِمْ

برداشت یاد شده، از آن جا است که خداوند - پس از توصیه به خوش رفتاری با زنان مطلقه و پرداختن اجرت شیردادن نوزادان به آنان - فرمان داد که در صورت بالا گرفتن اختلاف میان همسران، آنان به مشورت و هم فکری پردازند و در صورت عدم توافق، بدون فوت وقت از دایگان مدد گیرند.

44- اهمیت سعادت خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - اهتمام تقوای پیشگان به سعادت اخروی خانواده خویش و خیر خواهی شدید نسبت به آنان

قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلَ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ

45- اهمیت عواطف خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - ضرورت معاشرت نزدیک و تنگاتنگ فرزندان نابالغ با پدر و مادر خود و مشقت اجازه خواستن ، فلسفه و دلیل عدم لزوم اذن خواستن از والدین ، برای رفت و آمد نزدیک با آنان در غیر از سه وقت مقرر است .

لیستندکم .. ثلث عورت لکم لیس علیکم و لا علیهم جناح بعدهنّ طوفون علیکم بعضکم

جمله «طوفون علیکم ..» جمله ای است تعلیلیه که بیانگر علت و فلسفه جواز رفت و آمد نزدیک فرزندان با پدر و مادرشان در اتاق ها و محل استراحت آنان است؛ یعنی، چون فرزندان باید با پدر و مادرشان رفت و آمد نزدیک داشته باشند و اجازه خواستن برای این کار، برای فرزندان مشقت بار است، پس اذن طلبیدن لازم نیست.

ص: 18

17 - اهتمام اسلام به رفت و آمد و معاشرت نزدیک و تنگاتنگ پدران و مادران با فرزندان نابالغ و ممیز خویش در محیط خانه

طُوفُونَ عَلَيْكُمْ بِعِضِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 15 - 5

5- اسلام ، احیاکننده ارزش ها و عواطف انسانی و استحکام بخش بنیاد های خانواده و جامعه بشری

و وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا

سفارش خداوند نسبت به ارج و مقام والدین، بیانگر این حقیقت است که اسلام دینی محدود به ابعاد عبادی و فردی نیست؛ بلکه به تمامی ابعاد حیات انسان توجه دارد؛ از جمله تقویت عواطف انسانی که نهایتاً به تحکیم بنیاد خانواده و جامعه منتهی می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 3 - 5

5 - ارزش های دینی ، مقدّم بر روابط خویشاوندی و عواطف خانوادگی

لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي ... لَنْ تَنْفَعَكُم أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

46- اهمیت محافظت از خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 6 - 2

2 - توصیه خداوند به مؤمنان ، مبنی بر مراقبت از اعضای خانواده خود در برابر عوامل و موجبات بدبختی و دوزخی شدن آنان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا ... أَهْلِيكُمْ نَارًا

47- اهمیت مشاوره در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 6 - 8

8 - مردان و زنان مطلّقه ، باید درباره شیر دادن و کیفیت نگه داری نوزادانشان ، به مشاوره و هم فکری بپردازند .

وَأْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ

48- ایمان خانوادہ صالح (ع)

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

ص: 19

5- خانواده صالح ، جملگی مؤمنان به وی و مورد خشم عمیق کافران

لنبيته و أهله

49- ایمان خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 81 - 12

12- از میان قوم لوط ، تنها خانواده اش به او ایمان آورده و از تبه کاری ها و گناهان آن قوم منزّه بودند .

كانوا يعملون السيئات .. فأسر بأهلك بقطع من اليل ... إلا امرأتك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 169 - 5

5- خانواده و کسان لوط (ع) ، تنها مؤمنان به وی و پیراسته از کردار زشت قوم لوط

ربّ نجّني و أهلي ممّا يعملون

از این که لوط(ع) تنها برای خود و کسانش در خواست نجات کرد، روشن می شود که تنها آنان به وی ایمان آورده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 56 - 3،4

3- خاندان لوط ، هم عقیده با وی ، پاکدامن و مخالف انحراف های جامعه خویش

قالوا أخرجوا آل لوط من قريتك

4- ایمان نیاوردن هیچ فردی از جامعه به لوط (ع) ، جز افراد خانواده وی

قالوا أخرجوا آل لوط من قريتك

مخالفان لوط به جای این که بگویند: پیروان لوط را اخراج کنید، گفتند: خانواده وی را بیرون کنید و این نشان می دهد که جز خانواده اش کسی به وی ایمان نیاورده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 135 - 3

3 - تمامی اعضای خاندان لوط ، به جز همسر او ، مؤمن بودند .

إذ نجّيناه وأهله أجمعين . إلا عجوزاً في الغبرين

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که عذاب به جهت کفر است، پس نجات خاندان لوط دلیل ایمان شان و عذاب همسر لوط به نشانه کفر او است.

ص: 20

50- ایمان خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 76 - 9

9- خاندان نوح از مؤمنان به رسالت نوح (ع) و بهره مند از لطف ویژه خداوند

فنجینه و أهله من الكرب العظيم

نجات خاندان نوح(ع)، بیانگر عنایت ویژه خداوند به ایشان و نیز حاکی از ایمان آنان به رسالت نوح(ع) است؛ زیرا اگر آنان مانند قوم نوح کافر بودند، نجات نمی یافتند. گفتنی است آیه بعد (و نصرناه من القوم الذین کذبوا...) مؤید همین نکته است.

51- بازگشت خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 43 - 7

7- بازگشت خانواده (زن و فرزند)، تبلور رحمت الهی برای مردان

و وهبنا له أهله .. رحمة متا

52- بازگشت خانواده ایوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 43 - 2,4,6,8

2- با عنایت خداوند، خانواده پراکنده و متفرق ایوب (ع) به سوی آن حضرت بازگشتند.

و وهبنا له أهله

4- بازگشت خانواده ایوب (ع) و دو چندان شدن آنها، موهبت الهی برای آن حضرت

و وهبنا له أهله و مثلهم معهم

6- بازگشت و ازدیاد خانواده ایوب (ع)، تبلور رحمت خدا به ایشان

و وهبنا له أهله .. رحمة متا

8- استجابت دعای ایوب (ع) از سوی خداوند، با بهبود دادن او و بازگرداندن خانواده اش

إذ نادى رَبَّهُ . . . هذا مغتسل بارد و شراب . و وهبنا له أهله و مثلهم معهم

53- برگزیدگی خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 76 - 6

ص: 21

6- نوح (ع) و خاندانش، از بندگان مخلص و برگزیده خدا بودند.

إلّا عباد الله المخلصين . ولقد نادينا نوح... و نجّينه و أهله من الكرب العظيم

ذکر داستان نوح(ع) و خاندانش پس از یاد کردن از بندگان خالص خدا در طول تاریخ، می تواند به منظور بیان الگو و نمونه ای از آن بندگان مخلص باشد.

54- بشارت نجات خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 45 - 3

3- خداوند، نوح (ع) را به نجات افراد خانواده اش نوید داده بود.

إن ابني من أهلي وإن وعدك الحق

مصدق مورد نظر برای «وعدک» نجات خانواده نوح از حادثه طوفان است که جمله «قلنا احمل . . . و أهلك» بیانگر نوید به آن بود.

55- پاکي خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 59 - 3

3- پاکي خاندان لوط (ع) و دوری از هرگونه جرم و تبه کاری، عامل نجات همه آنان از عذاب الهی

إنّا أرسلنا إلى قوم مجرمين . إلّا آل لوط إنّا لمنجّوهم أجمعين

56- پاکیزگی در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 15 - 15

15 - ارزش و اهمیت پاکیزگی و پاکدامنی، در زندگی و روابط خانوادگی

و ازواج مطهره

57- تأمین معاش خانواده شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 23 - 16

ص: 22

16 - ارتزاق خانواده شعیب از راه دامداری

و وجد من دونهم امرأتین تذودان .. قالتا لانسقی حتی یصدر الرعاء

58- تأمین نیازهای خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 10 - 7

7- خدمت به همسر و خانواده و تلاش برای رفع نیازمندی های آنان ، رفتاری پسندیده است .

فقال لأهله امكثوا .. لعلی ءاتیکم منها بقبس

59- تداوم روابط خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 14 - 1

1 - اهل دوزخ در دنیا ، می پنداشتند زندگی شاداب آنان دگرگون نشده و الفت های خانوادگی شان هرگز از هم نخواهد گسست .

إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ

«حَوْر»، رجوع از چیزی و به چیزی می باشد. اصل معنای آن بازگشت به کم بود است و با ضمّه «حاء» به معنای هلاکت خواهد بود (لسان العرب). فعل «یحور» از هر کدام مشتق باشد، برداشت یاد شده قابل استفاده است.

60- ترس خانواده ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 52 - 3

3- ابراهیم (ع) و خانواده وی با مشاهده ورود مهمانان (فرشتگان) به محضر ایشان ، هراسناک و مضطرب شدند .

إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ .. قَالَ إِنَّا مِنْكُمْ وَجَلُونَ

با اینکه ملائکه بر شخص حضرت ابراهیم(ع) وارد شدند (دخلوا علیه) اما آن حضرت هراس و اضطراب را به صورت جمع (إنا منكم وجلون) بیان کرده است و این نشان دهنده هراس خود او و خانواده اش می باشد. لازم به ذکر است که «وجل» به آن ترسی گفته می شود که سراپای وجود انسان را فراگیرد (مفردات راغب).

61- تشكيل خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 23

17 - ایمان به خدا، اعتقاد به وحی و رسالت و عفت و پاکدامنی، از ارزش های والا در انتخاب همسر و تشکیل خانواده

والمحصنت... و المحصنت

62- تعیین جمعیت خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 50 - 6

6 - حاکمیت مطلق و بلامنازع خدا در صحنه هستی، پشتوانه اجرای مشیت او در میزان جمعیت و نوع جنسیت فرزندان خانواده

لله ملك السموت... و يجعل من يشاء عقيماً

63- تفاهم در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 129 - 16، 10، 9

9 - صلح و سازش و رعایت تقوا در محیط خانواده بویژه با داشتن چند همسر، موجب غفران و رحمت الهی

فلا تميلوا كل الميل... و إن تصلحوا و تتقوا فإن الله كان غفوراً رحيماً

10 - تأکید و ترغیب خداوند به برقراری توافق و آشتی بین زن و شوهر

و لن تستطيعوا ان تعدلوا بين النساء... و إن تصلحوا و تتقوا

16 - عدم رعایت عدالت نسبی بین همسران، گناه و آمرزش آن در گرو بازگشت به عدالت و رعایت تقواست.

و لن تستطيعوا ان تعدلوا بين النساء... و إن تصلحوا و تتقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 130 - 2

2 - عدم لزوم حفظ کانون خانواده در صورت ناتوانی زن و یا شوهر بر سازش و رعایت تقوا در محیط خانواده

و إن امراه خافت من بعلها نشوزاً أو اعراضاً... و إن يفرقا يغن الله

پیشنهاد طلاق، بلکه ترغیب به آن در مواردی خاص، دلالت بر عدم لزوم حفظ کانون خانواده در آن شرایط دارد.

64- تقوا در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 128 - 18

ص: 24

18 - رعایت کنندگان تقوا و احسان در محیط خانواده ، از پاداش الهی برخوردار خواهند شد .

وإن تحسنوا و تتقوا فإن الله كان بما تعملون خبيراً

جمله «فان الله ..» در مقام تشویق به احسان و تقواست. و چون علم خدا به احسان و تقوا، معمولاً تأثیری برای انجام آن ندارد؛ بنابراین باید کنایه از پاداش دهی الهی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 129 - 11، 9

9 - صلح و سازش و رعایت تقوا در محیط خانواده بویژه با داشتن چند همسر ، موجب غفران و رحمت الهی

فلا تمیلوا کل المیل . . . و إن تصلحوا و تتقوا فإن الله كان غفوراً رحیماً

11 - ترغیب شوهران از سوی خداوند به رعایت تقوا در محیط خانواده

وإن تصلحوا و تتقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 130 - 2

2 - عدم لزوم حفظ کانون خانواده در صورت ناتوانی زن و یا شوهر بر سازش و رعایت تقوا در محیط خانواده

وإن امراه خافت من بعلها نشوزاً او اعراضاً . . . و إن یترقا یغن الله

پیشنهاد طلاق، بلکه ترغیب به آن در مواردی خاص، دلالت بر عدم لزوم حفظ کانون خانواده در آن شرایط دارد.

65- تکذیب شایعه علیه خانواده محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 12 - 2

2 - مؤمنان صدر اسلام ، وظیفه دار تکذیب شایعه های بی اساس بدخواهان علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) و خانواده آن حضرت

لولا إذ سمعتموه ظن المؤمنون و المؤمنت بأنفسهم خیراً و قالوا هذا إفک مبین

66- تنزیه خانواده لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 81 - 12

12- از میان قوم لوط ، تنها خانواده اش به او ایمان آورده و از تبه کاری ها و گناهان آن قوم منزه بودند .

كانوا يعملون السيئات .. فأسر بأهلك بقطع من الليل ... إلا امرأتك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 25

1- خاندان لوط (ع)، از هرگونه جرم و تبه کاری منزه و پاک بودند .

إنا أرسلنا إلى قوم مجرمين . إلاء آل لوط

3- پاکی خاندان لوط (ع) و دوری از هرگونه جرم و تبه کاری ، عامل نجات همه آنان از عذاب الهی

إنا أرسلنا إلى قوم مجرمين . إلاء آل لوط إنا لمنجّوهم أجمعين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 169 - 5

5 - خانواده و کسان لوط (ع) ، تنها مؤمنان به وی و پیراسته از کردار زشت قوم لوط

ربّ نجّی و اهلی ممّا يعملون

از این که لوط(ع) تنها برای خود و کسانش در خواست نجات کرد، روشن می شود که تنها آنان به وی ایمان آورده بودند.

67- توطئه تبعید خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 56 - 2

2 - تصمیم قوم لوط مبنی بر اخراج و تبعید لوط (ع) و خانواده اش ، تنها پاسخ آنان به هشدار های خیرخواهانه او

فما كان جواب قومه إلا أن قالوا أخرجوا آل لوط من قريتك

68- توطئه علیه خانواده محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 11 - 2

2 - هم دستی و تشکل تنی چند از منافقان عصر بعثت ، برای تهمت زنی و شایعه سازی علیه خانواده پیامبر (صلی الله علیه و آله)

إنّ الذین جاءو بالإنفک عصبه منکم

بیشتر مفسران بر این باورند که گروه بهتان زننده (عصبه منکم) از منافقان بودند.

69- جرم خانواده لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 56 - 6

6- گرایش به پاکی و ارزش ها ، تنها جرم لوط (ع) و خاندانش در نظر آن جامعه فسادزده

ص: 26

قالوا أخرجوا آل لوط من قريبتكم إنهم أناس يتطهرون

عبارت «إنهم أناس» تعلیل برای حکم اخراج است.

70- چوپان خانواده شعيب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 26 - 5

5- نیاز خانواده شعيب به اجیر کردن مردی جهت نگه داری گوسفندانشان

قالت إحدیهما یأبت استئجره

با توجه به آیات پیشین، مراد از «استئجره» استیجار برای نگه داری گوسفندان شعيب می باشد.

71- حفظ خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 130 - 2

2- عدم لزوم حفظ کانون خانواده در صورت ناتوانی زن و یا شوهر بر سازش و رعایت تقوا در محیط خانواده

وإن امراه خافت من بعلها نشوزاً أو اعراضاً .. و إن یتفرقا یغن الله

پیشنهاد طلاق، بلکه ترغیب به آن در مواردی خاص، دلالت بر عدم لزوم حفظ کانون خانواده در آن شرایط دارد.

72- حقوق خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 223 - 16، 13

13 - هشدار الهی به مردان، نسبت به رعایت احکام الهی در محیط خانواده

نساؤکم حرث لکم .. و اتقوا الله و اعلموا انکم ملاقوه

امر به تقوا و توجه دادن انسانها به ملاقات خدا (روز پاداش و کیفر) پس از بیان احکامی درباره زندگی خانوادگی، می تواند هشدار می باشد به آنان که احکام الهی را مراعات نمی کنند.

16 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مأمور بشارت به مؤمنانی که تقوا و حدود الهی را در زندگی زناشویی و محیط خانواده مراعات می کنند و با یکدیگر رفتاری پسندیده دارند .

نساؤکم حرث لکم . . . و اعلموا انکم ملاقوه و بشر المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 27

16 - احتمال و ترس معقول و متعارف از مراعات نکردن حدود الهی در خانواده، مُجَوِّز طلاق خُلَع *

فان خفتم ألاّ یقیموا حدود الله

با توجه به اینکه «ان خفتم»، خطاب به عموم مردم است، معلوم می شود نگرانی زن و شوهر باید به نحوی باشد که عموم مردم نیز در صورت آگاهی، این نگرانی را داشته باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 233 - 7

7 - تأمین نیازها و پوشاک مادران به مقدار متعارف، وظیفه شرعی پدر

و علی المولود له زرقهنّ و کسوتهنّ بالمعروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 34 - 17

17 - لزوم اطاعت زن از شوهر و حفظ حقوق وی، مشروط به تأمین زندگی او از سوی مرد

و بما انفقوا من اموالهم فالصّالحات قانتات حافظات

ظاهراً «فالصّالحات ..» نتیجه ای است مترتب بر جمله «الرجال ... بما انفقوا». بنابراین اطاعت زن از شوهر در موردی است که شوهر، زندگی او را تأمین کند.

73- حکمیت در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 35 - 1

1 - لزوم تعیین داورانی برای حکمیت، در صورت بروز علائم ناسازگاری و دشمنی بین زن و شوهر

و ان خفتم شقاق بینهما فابعثوا حکماً

«شقاق»، به معنی دشمنی و اختلاف است. برداشت فوق را فرمایش امام باقر (ع) تأیید می کند که فرمود: ... و اذا نشز الرجل مع نشوز المرأه فهو الشقاق.

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 240، ح 122؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 368، ح 7.

74- حل اختلاف خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 128 - 8، 15، 4

4 - تردید مسلمانان صدر اسلام در جواز مصالحه زن و شوهر نسبت به حقوق یکدیگر

ص: 28

وإن امراه خافت .. فلا جناح عليهما ان يصلحا

کلمه «لا جناح» حاکی است که مسلمانان صدر اسلام بر آن گمان بودند که حقوق تعیین شده برای زن و شوهر، قابل مصالحه و گذشت نیست.

8 - حسن حل و فصل مسایل خانوادگی ، توسط خود زن و شوهر

فلا جناح عليهما ان يصلحا بينهما صلحاً و الصلح خير

در آیه فوق، صلح به خود خانواده واگذار شده و نه به افراد خارج آن. کلمه «بینهما»، بیانگر این مسأله است.

15 - انتخاب صلح در مسائل و اختلافات خانوادگی ، از مصادیق احسان و تقواست . *

و الصلح خير .. و إن تحسنوا و تقوا

سفارش به تقوا و احسان، پس از ارزشمند شمردن صلح و مسالمت، می رساند که صلح در مسایل همسری، نمودی از احسان و تقواست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 130 - 1

1 - طلاق ، آخرین راه برای شکستن بن بست اختلافات مسالمت ناپذیر خانوادگی

وإن يفرقا يغن الله

پس از به نتیجه نرسیدن راه حلهای قبلی که در آیات قبل اشاره شد، طلاق به عنوان راه پایان اختلافات پیشنهاد شده است.

75- حل اختلاف خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 35 - 1,3,4,5,6,7,10,13,19,20,21

1 - لزوم تعیین داورانی برای حکمیت ، در صورت بروز علائم ناسازگاری و دشمنی بین زن و شوهر

و ان خفتم شقاق بينهما فابعثوا حكماً

«شقاق»، به معنی دشمنی و اختلاف است. برداشت فوق را فرمایش امام باقر (ع) تأیید می کند که فرمود: ... و اذا نشز الرجل مع نشوز المرأه فهو الشقاق.

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 240، ح 122؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 368، ح 7.

3- مسؤولیت تمامی افراد جامعه در برابر اختلافات خانوادگی زن و شوهر

و ان خفتم شقاق .. فابعثوا

ظاهراً مراد از مخاطبان جمله «فابعثوا»، عموم مسلمانان هستند.

4- لزوم گزینش و فرستادن دو داور از خانواده زن و شوهر برای حلّ اختلاف بین آن دو

و ان خفتم شقاق بینهما فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلها

5- مسؤولیت بیشتر خویشاوندان زن و شوهر، در نظارت بر سلامت خانواده و حلّ اختلاف های آنان

فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلها

ص: 29

6 - ضرورت اطاعت زن و شوهر از نظر و پیشنهاد داوران تحکیم در اختلافات میان آنان

و ان خفتم شقاق بینهما فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلها

اگر تبعیت از داوران لازم نبود، موکول کردن حل اختلاف به آنان لغو بود. علاوه بر اینکه انتخاب کلمه «حکم» به معنای حاکم، بیانگر لزوم تبعیت است.

7 - داوران تحکیم، دارای اختیار در حکم به سازش یا جدایی بین زن و مرد و یا تعیین شروط بر هر یک از آن دو

و ان خفتم شقاق بینهما فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلها

کلمه «حکم» بیانگر این است که داور می تواند بر اساس آنچه به مصلحت زن و شوهر است، حکم کند.

10 - قصد اصلاح از سوی زن و شوهر، موجب موفقیت قاضیان تحکیم در حل اختلافات آنان است.

و ان خفتم شقاق بینهما .. ان یریدا اصلاحاً یوقّ الله بینهما

بنابر اینکه ضمیر در «یریدا» به زن و شوهر برگردد و ضمیر در «بینهما» به حکمین.

13 - قصد اصلاح رفتار از سوی زن و شوهر، شرط بهره مندی آنان از توفیق الهی در سازگاری با یکدیگر *

ان یریدا اصلاحاً یوقّ الله بینهما

19 - نفوذ حکم داوران برگزیده به سازش یا جدایی زن و شوهر، در گرو تقویض اختیار داور از سوی زن و شوهر به آنان

فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلها

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از آیه فوق فرمود: لیس للحکمین ان یفرقا حتی .. و یشرط علیهما: ان شئنا جمعنا و ان شئنا فرقنا.

کافی، ج 6، ص 146، ح 2؛ نورالثقلین، ج 1، ص 478، ح 233؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 367، ح 1؛ تفسیر عیاشی، ج 1، ص 241، ح 126.

20 - نفوذ حکم دو داور برگزیده بر جدایی زن و شوهر، در گرو توافق هر دو داور بر آن حکم است.

فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلها

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از نفوذ حکم یکی از حکمین به جدایی زن و شوهر فرمود: لا-یکون تفریق حتی یجتمعاً جمیعاً علی التفریق فاذا اجتمعاً علی التفریق جاز تفریقهما.

کافی، ج 6، ص 147، ح 4؛ نورالثقلین، ج 1، ص 478، ح 235.

21 - حاکم، وظیفه دار برگزیدن دو داور برای حل اختلاف میان زن و شوهر

فابعثوا حکماً

از ائمه معصومین (ع) در مورد تعیین مخاطب آیه فوق آمده است: هو السلطان الذی یترافعان الیه.

تفسیر تبیان، ج 3، ص 192؛ مجمع البیان، ج 3، ص 70.

76- حمایت از خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 3 - 4

ص: 30

4- توجه به گسسته شدن روابط خانوادگی در قیامت، مانع از دست زدن انسان به کارهای خلاف، به انگیزه حمایت از خانواده و خویشان

لن تنفعکم أرحامکم و لا أولدکم یوم القیمه

77- خانواده برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 88 - 6

6- پسران یعقوب، دارای اهل و عیال (زن، فرزند و...)

مسنّا و أهلنا الضر

«أهل الرجل» به زن فرزند و دیگر وابستگان او گفته می شود.

78- خانواده کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 31 - 1,2

1 - کافران، از خاطره های دیدار خود با مؤمنان، طنز ساخته و در جمع خانواده خویش به لطیفه گویی و خندانند یکدیگر می پردازند.

و إذا انقلبوا إلى أهلهم انقلبوا فکھین

«فکّه» (صفت مشبّه) به معنای خوش دل و خندان یا به معنای کسی است که با همراهان خود سخنی گوید که آنان را بخندانند (قاموس). در برداشت یاد شده، معنای دوم مورد نظر است.

2 - کافرانی که مؤمنان را مسخره کرده اند، هنگام مراجعت نزد خانواده خویش، از پوزخندها و اشاره های طعنه آمیز خود، غرق شادمانی می شوند.

یضحکون... یتغامزون. و إذا انقلبوا إلى أهلهم انقلبوا فکھین

در این برداشت، «فکّه» به معنای «مرد خوش دل و خندان» دانسته شده است. تکرار «انقلبوا» در آیه شریفه، برای مجسم ساختن حالت بازگشت کافران به خانه خویش است.

79- خانواده لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 81 - 11

11- فرشتگان ، از لوط (ع) خواستند تا خانواده خویش را شبانه از منطقه قومش خارج سازد .

ص: 31

فأسر بأهلك بقطع من الليل

«اسراء» (مصدر أسر) به معنای کوچ کردن شبانه است و «باء» در «بأهلك» برای تعدیه می باشد و «ال» در «اللیل» عهد حضوری است. بنابراین معنای جمله «فأسر...» چنین می شود: [ای لوط!] خانواده خویش را در پاره ای از این شب کوچ ده.

80- خانواده لوط (ع) و گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 59 - 1

1- خاندان لوط (ع)، از هرگونه جرم و تبه کاری منزه و پاک بودند.

إننا أرسلنا إلى قوم مجرمين . إلا آل لوط

81- خانواده متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 26 - 4

4- اهتمام تقوایپیشگان به سعادت اخروی خانواده خویش و خیر خواهی شدید نسبت به آنان

قالوا إنا كنا قبل في أهلنا مشفقين

82- خانواده محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 132 - 1

1- فرمان دادن و فراهوانی خانواده و خویشاوندان به نماز، از جمله وظایف الهی پیامبر (صلی الله علیه و آله)

وأمر أهلك بالصلوة

اهل هر شخصی، عشیره و خویشاوندان او هستند و نیز به کسانی که وابستگی بیشتری به شخص داشته باشند «أهل» گفته می شود (لسان العرب) و چون سوره «طه» در مکه نازل شده است، بستگان آن حضرت در مکه (علی (ع)، خدیجه (س) و ..) مورد نظر هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 12 - 2

2 - سفر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان به سوی مکه قبل از حدیبیه ، بدون همراهی خانواده هایشان *

بل ظننتم أن لن ينقلب الرسول والمؤمنون إلى أهليهم

ص: 32

تعبیر «إلى أهليهم»، این احتمال را تقویت می کند که خانواده سپاه اسلام در مدینه باقی مانده و در سفر همراهشان نبوده اند.

83- خانواده موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 10 - 4,6

4 - خانواده و همراهان موسی (ع) در بیابان، آتشی را که موسی (ع) مشاهده کرد، ندیدند.*

فقال لأهله امكثوا إني ءانست نارًا

از گفته موسی (ع) که فرمود: «من آتشی را دیدم» می توان احتمال داد که دیگر همراهان موسی (ع) آن آتش را ندیده بودند. و گرنه دیدن را به خود اختصاص نمی داد.

6 - موسی (ع) از خانواده اش خواست که در جای خود منتظر وی بمانند و با او به مکان آتش نیایند.

فقال لأهله امكثوا إني ءانست نارًا

«مکث» به معنای درنگ کردن و انتظار کشیدن است (قاموس).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 7 - 12

12 - موسی (ع)، درصدد آوردن پاره ای آتش برای گرم کردن خانواده اش

أوءاتیکم بشهاب قیس لعلکم تصطلون

«شهاب» به شعله آتش و «قیس» به شعله برگرفته از آتش گفته می شود. «اصطلاء» (مصدر «تصطلون») نیز به معنای گرم شدن است؛ یعنی، یا شعله ای از آتش برگیرم و بیاورم تا با آن، آتش برافروزم، باشد که گرم شوید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 29 - 5,7

5 - موسی (ع) خانواده اش را از وجود آتش در وادی طور آگاه کرد.

قال لأهله امكثوا إني ءانست نارًا

7- تصمیم موسی (ع) به آوردن آتش از وادی طور، برای گرم کردن خانواده اش

قال لأهله امکتوا .. أو جذوه من النار لعلکم تصطلون

«إصطلاء» (مصدر «تصطلون») به معنای خود را گرم کردن است.

84- خانواده موسی (ع) در صحرای سینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 29 - 9

ص: 33

9- تحیر و سرگردانی موسی (ع) و خانواده اش، در صحرای سینا به خاطر گم کردن راه

لعلی ءاتیکم منها بخبر

تعبیر آیه ده سوره «طه» در این مورد (لعلی ءاتیکم منها بقبس أو أجد علی النار هدی) به روشنی، دلالت بر مطلب یاد شده دارد.

85- خانواده موسی (ع) در کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 7 - 1

1 - سرگذشت موسی و خانواده اش در وادی طور، شایان ذکر و یادآوری

إذ قال موسی لأهله

«إذ» اسم زمان در محل نصب و مفعولاً به برای فعل محذوف است؛ یعنی، «اذکر إذ قال موسی لأهله...؛ زمانی را که موسی به کسانش گفت... به یادآور».

86- خانواده مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 12 - 2

2- سفر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان به سوی مکه قبل از حدیبیه، بدون همراهی خانواده هایشان *

بل ظننتم أن لن ینقلب الرسول و المؤمنون إلی أهلیهم

تعبیر «إلی أهلیهم»، این احتمال را تقویت می کند که خانواده سپاه اسلام در مدینه باقی مانده و در سفر همراهشان نبوده اند.

87- خانواده مؤمنان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 21 - 7

7- الحاق اعضای مؤمن خانواده بهشتیان به ایشان، تبلور لطف و فضل الهی در حق آنان

و الذین ءامنوا و اتبعتهم ذرّیتهم بیامن ألحقنا بهم ذرّیتهم

88- خانواده مهاجران به مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 7 - 3

ص: 34

3- رفع نگرانی از مؤمنان مدینه از سوی خداوند ، نسبت به آینده بازماندگان ایشان در مکه

عسی الله . . . موده

با توجه به این که شأن نزول آیات پیشین، حرکتی بود که از حاطب بن ابی بلتعہ - به انگیزه مصونیت دادن خانواده اش در مکه - صورت گرفته بود؛ خداوند پس از نفی شیوه وی، با این نوید به او و امثالش، نوعی اطمینان بخشیده است.

89- خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- هود - 11 - 46 - 2,3,6

2- فرزند ناصالح نوح ، در پیشگاه خداوند از خانواده و اهل بیت او محسوب نمی شد .

إنه لیس من أهلك

3- فسادپیشگی فرزند نوح ، موجب محسوب نشدن وی از خانواده نوح (ع) در پیشگاه خداوند

إنه لیس من أهلك إنه عمل غیر صلح

جمله «إنه عمل . . .» علت برای «إنه لیس من أهلك» می باشد؛ یعنی ، چون فرزندی دارای عمل ناشایست است ، ما او را از خانواده تو به حساب نمی آوریم.

6- نوح (ع) ناآگاه به گسستن پیوند فرزندی کنعان با او بر اثر اعمال ناشایستش

إن ابنی من أهلی . . . إنه لیس من أهلك

90- خانواده نوح(ع) در کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- هود - 11 - 40 - 11

11- نوح (ع) از ناحیه خداوند به نجات خانواده خویش و سوار کردن آنان به کشتی موظف شد .

قلنا احمل فیها . . . أهلك

کلمه «أهل» در «أهلك» عطف بر «زوجین» و در حقیقت مفعول برای «احمل» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- نوح (ع)، مأمور جای دادن حیوانات و مؤمنان خاندانش در کشتی، با ظهور اولین نشانه های طوفان

فإذا جاء أمرنا .. فاسلك فيها من كل زوجين اثنين وأهلك إلا من سبق عليه القول

ص: 35

91- خیرخواهی برای خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 6 - 3

3 - خیرخواهی برای اعضای خانواده و تربیت دینی آنان ، تکلیفی بایسته برعهده سرپرست و مدیر خانواده

قوا .. أهلیکم نارًا

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که مصداق اصلی تلاش برای حفاظت اعضای خانواده از دوزخی شدن آنان، تربیت دینی آنان و گزینش راه و روش خیرخواهانه در این راستا است.

92- دامداری خانواده شعیب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 23 - 16

16 - ارتزاق خانواده شعیب از راه دامداری

و وجد من دونهم امرأتین تذودان .. قالتا لانسقی حتی یصدر الرعاء

93- درخواست صبر از خانواده موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 29 - 8

8 - موسی (ع) از خانواده اش خواست که تا بازگشت وی از وادی طور درنگ کنند .

قال لأهله امکنوا .. لعلی ءاتیکم منها بخبر أو جذوه من النار

94- درخواست نجات خانواده لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 169 - 2،7

2 - التجای لوط (ع) به درگاه پروردگار ، برای نجات خود و نزدیکانش از شر کردار منحرفان

رَبِّ نَجْنِي وَ أَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ

7- دعا والتجای حضرت لوط (ع) به درگاه پروردگار، برای نجات خود و کسانش از پی آمد های سوء کردار قوم خود (عذاب)

رَبِّ نَجْنِي وَ أَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که مضافی در تقدیر باشد (من و اهل ما یعملون)؛ یعنی، پروردگارا! من و کسانم را از وزر و وبال عمل آنان نجات بخش. گفتنی است آیه بعد - که نجات لوط و اهلش را از عذاب مطرح می کند - تأیید کننده همین

ص: 36

برداشت است.

95- دشمنی با خانواده صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 49 - 5

5 - خانواده صالح ، جملگی مؤمنان به وی و مورد خشم عمیق کافران

لنبيته و أهله

96- دعا برای خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 28 - 12

12 - دعا و آمرزش خواهی برای پدر و مادر ، اعضای خانواده و عموم مردان و زنان مؤمن ، عملی پسندیده و شایسته

ربّ اغفر لی و لولدی . و للمؤمنین و المؤمنات

97- دعوت از خانواده نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 41 - 1

1- نوح (ع) ، پس از شروع طوفان و انجام مقدمات حرکت ، از پیروان و خانواده اش خواست تا بر کشتی سوار شوند .

وقال اركبوا فيها

به نظر می رسد جمله «قال اركبوا . . .» عطف بر جملاتی مقدر باشد که به خاطر دخالت نداشتن آنها در هدفهای نقل ماجرا بیان نشده است؛ یعنی: قلنا احمل فيها ... ففعل كذا و كذا و قال اركبوا فيها و لذا در برداشت «انجام مقدمات حرکت» آورده شد.

98- دلداری به خانواده موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 7 - 6

6- قرار گرفتن خانواده موسی در شرایط نیاز به دلگرمی و امید

إذ قال موسى لأهله .. سئآتیکم منها بخبر... تصطلون

از تعبیر «إتی آنست ناراً» و «سأتیکم» - که جمله اول به صورت مؤکد به «إنّ» و جمله دوم به صورت مؤکد با حرف تنفیس

ص: 37

آمده است - استفاده می شود که خانواده موسی در شرایط اضطراب آور و دلهره آمیزی قرار داشتند که موسی می بایست به آنان دلگرمی می داد و امید می بخشید.

99- دوستی اعضای خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 21 - 9

9- وجود عواطف دوستانه میان اعضای خانواده و نیز مهرورزی آنها به هم از آیات الهی است .

و جعل بینکم مودّه و رحمه

احتمال دارد عبارت «و جعل بینکم ..» ادامه عبارت پیشین و ناظر به شفقت و مهر و ترحمی باشد که از ناحیه والدین به فرزندان، و بر عکس اعمال می گردد.

100- رحمت بر خانواده ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 73 - 4,5

4- ابراهیم (ع) و خانواده او ، همواره مشمول رحمت و برکات خاص خداوند بودند .

رحمت الله و برکتہ علیکم اهل البيت

5- اسحاق و یعقوب ، رحمت و برکتی از ناحیه خداوند برای ابراهیم (ع) و خانواده او

فبشرنہا یاسحق .. رحمت الله و برکتہ علیکم اهل البيت

101- رعایت حقوق خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 2 - 11

11 - نقش سازنده ایمان به خدا و روز قیامت ، در ایجاد رابطه صحیح و شایسته میان همسران و رعایت شدن حقوق متقابل بین آنان

إذا طلقتم النساء .. ذلکم یوعظ به من کان یؤمن باللّٰه و الیوم الآخر

یادآوری ایمان به خدا و روز قیامت - به دنبال موعظه های الهی در مسائل مربوط به همسران - می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

102- رفع اندوه خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 76 - 7

7- خداوند، نوح (ع) و خاندانش را از غم شدید و اندوه بزرگ ناشی از انجام رسالت خویش نجات داد.

فنجینه و أهله من الكرب العظيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 76 - 1,9

1 - نوح (ع) و خاندانش، به عنایت خداوند از اندوه بزرگ نجات یافتند.

ونجینه و أهله من الكرب العظيم

9- نجات نوح (ع) و خاندانش از غمی بزرگ، از نعمت ها و الطاف الهی به آن حضرت

و لقد نادینا نوح... و نجینه و أهله من الكرب العظيم

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های اعطا شده به حضرت نوح(ع) و امتنان بر ایشان است.

103- روابط خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 19

19 - نابینایان، لنگ ها و مریضان، می توانند با دیگر اعضای خانواده خود و نیز با خویشاوندان و دوستان خویش باهم (بر سر یک سفره) و یا جداگانه، غذا میل کنند.

لیس علی الأعمی حرج... ولا علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم... أ

104- روابط خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 34 - 12,24

12 - ضرورت توجه به قوانین تکوین و تشریح در جعل مقررات حاکم بر خانواده

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ... وَبِمَا انْفَقُوا

چون خداوند در توجیه جعل مدیریت برای مردان به دو جهت تصریح فرمود: یکی برتری مردان بر زنان، که یک مسأله تکوینی است و دیگری عهده دار بودن نفقه، که یک حکم تشریحی است.

24 - پرهیز شوهر از همخوابگی با همسر، اقدامی برای جلوگیری از نشوز وی

وَالَّتِي تَخَافُونَ نَشْوَزَهُنَّ... وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ

در برداشت فوق «فی المضاجع» متعلق به «اهجروهن» گرفته شده است.

ص: 39

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 35 - 17

17 - قوانین الهی در مورد خانواده و روابط زن و شوهر ، برخاسته از علم کامل و آگاهی دقیق خداوند

الرجال قوامون... و ان خفتن... ان الله كان عليماً خبيراً

105- روابط در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 229 - 18

18 - لزوم و اهميت حفظ حدود الهی در روابط زناشویی

فان خفتن آلا يقيما حدود الله فلا جناح... تلك حدود الله فلا تعتدوها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 230 - 10،11

10 - لزوم و اهميت حفظ حدود الهی در روابط زناشویی

فلا جناح عليهما ان يتراجعا ان ظننا ان يقيما حدود الله

11 - حفظ حدود الهی ، شرط اساسی تشکیل کانون خانواده

فلا جناح عليهما ان يتراجعا ان ظننا ان يقيما حدود الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 237 - 18

18 - لزوم توجه به نظارت خداوند در طلاق و مهریه (روابط خانوادگی)

وان طلقتموهن... ان الله بما تعملون بصير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 36 - 4،5

4 - عمل به قوانین الهی در مورد خانواده و روابط زن و شوهر ، عبادت خداوند است . *

الرجال قوامون .. فان اطعنكم فلا تبغوا ... و ان خفتم ... و اعبدوا الله

به مقتضای ارتباط بین آیه مورد بحث و آیات گذشته، می توان گفت از مصادیق عبادت، عمل کردن به قوانینی است که در آیات گذشته مطرح شده است.

5 - عبادت خالصانه خداوند و پرهیز از هر گونه شرک ، زمینه دور ماندن زندگی زناشویی از هر گونه ناسازگاری *

و ان خفتم شقاق بینهما .. و اعبدوا الله

به مقتضای ارتباط بین آیات می توان احتمال داد که آیه مورد بحث در حقیقت بیانگر راه حلی است برای جلوگیری از ناسازگاری

ص: 40

106- روابط عاطفی در خانواده شعیب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 26 - 2

2- وجود رابطه صمیمی و فضای آزاد برای گفت وگو میان شعیب (ع) و دختران وی

قالت إحدیهما یأبت استتجره .. القویّ الأمين

از این که دختر شعیب پیشنهاد خودش را بدون هیچ تکلفی با پدر در میان گذاشت و آزادانه به ستایش موسی (ع) پرداخت مطلب بالا استفاده می شود.

107- روانشناسی خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 5 - 15

15- علاقه به فرزندان ، خصالتی نیکو و اظهار آن امری پسندیده است .

یأبت .. قال بینی لا تقصص

108- زمینه انحراف خانواده انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 10 - 12

12 - امکان نفوذ جریان انحراف ، کفر و نفاق ، در میان اعضای بهترین خانواده (همچون پیامبران)

امرات نوح و امرأت لوط ... فخانتهما ... وقیل ادخلا النار مع الدخلین

109- زمینه حل اختلاف خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 1 - 7,20

7- نقش سازنده خداترسی و تقوایبشگی ، در تضمین حقوق همسران و رفع اختلاف های آنان

إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ . . . وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ

مطلب یاد شده، از توصیه خداوند به تقوایبشگی در بیان اولین حکم مربوط به طلاق استفاده می شود.

ص: 41

20 - بشارت و امید دادن خداوند به همسران مؤمن ، مبنی بر پایان یافتن مناقشات آنان و پدید آمدن زمینه های رجوع و بازگشت آنها به زندگی مشترک خویش در ایام عدّه

فَطَلَّقُوهُنَّ لَعَدَّتِهِنَّ . . . لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا

برداشت یاد شده، از آن جا است که ذیل آیه شریفه، درصدد دلداری به همسران و ایجاد امید در جان و روح آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 2 - 13

13 - خداترسی و تقوایشگی مردان و زنان مطلقه ، موجب رهایی آنان از مشکلات در روابط زناشویی و خروج از تنگنا های زندگی

إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ . . . وَ مِنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 4 - 10

10 - خداترسی و تقوایشگی از مردان و زنان مطلقه ، موجب رهایی آنان از مشکلات زناشویی و آسان شدن زندگی برای آنها

وَالَّتِي يُسِّنْ مِنَ الْمَحِيضِ . . . وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا

110- زمینه کفر خانواده انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 10 - 12

12 - امکان نفوذ جریان انحراف ، کفر و نفاق ، در میان اعضای بهترین خانواده (همچون پیامبران)

امرات نوح و امرأت لوط . . . فخانتاهما . . . وقيل ادخلا النار مع الداخلين

111- زمینه نفاق خانواده انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 10 - 12

12 - امکان نفوذ جریان انحراف ، کفر و نفاق ، در میان اعضای بهترین خانواده (همچون پیامبران)

امرات نوح و امرات لوط ... فحانتاهما ... وقيل ادخلا النار مع الدخلين

112- زيان به خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 42

16 - ستمکاران ، عامل خسران و بدبختی خود و محرومیت از خانواده خویش

إِنَّ الْخُسْرَيْنَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «خسروا .. اهلیم» به معنای از دست دادن خانواده باشد.

113- سازگاری در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 36 - 5

5 - عبادت خالصانه خداوند و پرهیز از هر گونه شرک ، زمینه دور ماندن زندگی زناشویی از هر گونه ناسازگاری *

و ان خفتم شقاق بینهما .. و اعبدوا الله

به مقتضای ارتباط بین آیات می توان احتمال داد که آیه مورد بحث در حقیقت بیانگر راه حلی است برای جلوگیری از ناسازگاری بین زن و شوهر.

114- سرگردانی خانواده موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 10 - 20 - 1

1 - موسی (ع) و خانواده اش در سیری شبانه و در بیابان ، دچار سرگردانی شده و راه را گم کردند .

إِذْ رَأَوْا نَارًا... بِقَبْسٍ أَوْ أَجْدَ عَلَى النَّارِ هَدَى

جمله «أجد على النار هدى» دلالت می کند که موسی (ع) و همراهانش راه را گم کرده بودند و از نبود آتش فهمیده می شود که آنها در بیابانی سرگردان بودند. دیدن آتش از فاصله ای نسبتاً دور که حتی با احتمال وجود آتش، تصمیم به حرکت جمعی به سوی آن نگرفتند، حاکی از شب بودن و تاریکی منطقه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 29 - 9

9 - تحیر و سرگردانی موسی (ع) و خانواده اش ، در صحرای سینا به خاطر گم کردن راه

لعلی آتیکم منها بخبر

تعبیر آیه ده سوره «طه» در این مورد (لعلی آتیکم منها بقبس أو أجد علی النار هدی) به روشنی، دلالت بر مطلب یاد شده دارد.

ص: 43

115- سرنوشت خانواده ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 45 - 14

14 - تأثیر منفی و زیانبار گمراهان و ستمکاران ، بر سرنوشت خود و خانواده خویش

خسروا انفسهم و اهلیهم

116- سرنوشت خانواده گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 45 - 14

14 - تأثیر منفی و زیانبار گمراهان و ستمکاران ، بر سرنوشت خود و خانواده خویش

خسروا انفسهم و اهلیهم

117- سلامتی روانی خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 5 - 18

18 - اهتمام اسلام به خانواده و سلامت اعتقادی و روانی آن

و المحصنت من المؤمنت و المحصنت من الذین اوتوا الکتب

118- شکرگزاری خانواده لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 35 - 2

2 - شکرگزاری لوط (ع) و خاندان مؤمن ایشان ، عامل برخوردار شدن آنان از نعمت و لطف ویژه خداوند و نجات یافتن از مهلکه عذاب

نجینهم ... نعمه من عندنا

119- عبودیت خانواده نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 44

6- نوح (ع) و خاندانش، از بندگان مخلص و برگزیده خدا بودند.

إلاّ عباد الله المخلصين . ولقد نادينا نوح... ونجّينه وأهله من الكرب العظيم

ذکر داستان نوح(ع) و خاندانش پس از یاد کردن از بندگان خالص خدا در طول تاریخ، می تواند به منظور بیان الگو و نمونه ای از آن بندگان مخلص باشد.

120- عجز از بازگشت به خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 50 - 2

2- با فرارسیدن زمان برپایی قیامت بر اثر صیحه و فریاد مرگ بار، انسان ها از مراجعه به کسان خود ناتوان خواهند بود.

صیحه وحده تأخذهم .. فلا يستطيعون توصيه ولا إلى أهلهم يرجعون

121- عجز از تأمین خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 91 - 3

3- عدم قدرت بر تأمین نیازهای ضروری خانواده، در صورت رفتن به جهاد، سبب معافیت از جنگ است.

ولا على الذين لا يجدون ما ينفقون حرج

منظور از انفاق در «ینفقون» می تواند انفاق بر افراد تحت تکفل و واجب النفقه باشد.

122- عدالت در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- نساء - 4 - 3 - 7

7- اهمیت رعایت عدالت در روابط خانوادگی

وان خفتم الاّ تقسطوا فان خفتم الاّ تعدلوا فواحدة

123- عفت خانواده لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 56 - 3

ص: 45

3 - خاندان لوط ، هم عقیده با وی ، پاکدامن و مخالف انحراف های جامعه خویش

قالوا أخرجوا آل لوط من قريتهم

124- عفت در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 15 - 15

15 - ارزش و اهمیت پاکیزگی و پاکدامنی ، در زندگی و روابط خانوادگی

و ازواج مطهره

125- عفو در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 237 - 12

12 - گذشت مالی ، راهی مناسب برای رسیدن به تقوا ، در مسائل خانوادگی

و ان تعفوا اقرب للتقوی

با توجه به مورد آیه که گذشت مالی است و بنابر اینکه مراد از «تقوا» با توجه به مورد، تقوا در مسائل خانوادگی باشد.

126- علاقه به خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 50 - 6

6 - علاقه و اشتیاق شدید انسان ها به دیدار خانواده و کسان خود ، به وقت رو به رو شدن با مرگ

فلا یستطیعون توصیه و لا إلی أھلھم یرجعون

127- علایق خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 106 - 18

18 - مال پرستی و وابستگی های خانوادگی از جمله عوامل لغزش و خیانت در شهادت

لانشری به ثمناً و لوکان ذاقربی

ص: 46

128- عمل صالح خانواده نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 46 - 13

13- اعمال صالح خانواده نوح (پرستش خدا و . . .) مایه نجات آنان از حادثه طوفان بود نه انتسابشان به حضرت نوح (ع) .

إنه لیس من أهلك إنه عمل غیر صلح

تصریح خداوند به این که «هلاکت فرزند نوح به خاطر اعمال ناصالحش بوده است» ، اشاره به این معنا دارد که: نجات دیگر اعضای خانواده نوح ، به خاطر انتسابشان به آن حضرت نبوده؛ بلکه منزه بودنشان از اعمال ناشایست ، مایه نجاتشان بوده است.

129- عواطف خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 21 - 9

9- وجود عواطف دوستانه میان اعضای خانواده و نیز مهرورزی آنها به هم از آیات الهی است .

و جعل بینکم مودّه و رحمه

احتمال دارد عبارت «و جعل بینکم ..» ادامه عبارت پیشین و ناظر به شفقت و مهر و ترحمی باشد که از ناحیه والدین به فرزندان، و بر عکس اعمال می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 5 - 15

15- علاقه به فرزندان ، خصلتی نیکو و اظهار آن امری پسندیده است .

یأبت . . . قال یبنتی لا تقصص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 8 - 2

2- یعقوب (ع) همه فرزندان خویش را گرامی می داشت و به همه آنان محبت می کرد .

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب إلی أئینا منّا

افعل تفضیل (أحبّ) گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 24 - 8

8- توجه انسان به ضعف ها و نیاز های دوران کودکی و خدمات و زحمات پدر و مادر ، برانگیزنده عواطف وی نسبت به آنان است .

وقل ربّ ارحمهما کما ربّیانی صغیراً

ص: 47

130- عوامل اختلاف خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 102 - 24

24 - مردم بابل از هاروت و ماروت سحری را آموختند که بتوانند با آن بین زن و شوهرش جدایی افکنند .

فیتعلمون منهما ما یفرقون به بین المرء و زوجته

131- عوامل انحطاط خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 15 - 8

8 - تباه کردن سرمایه عمر و از کف دادن بهره از خانواده ، خسروانی روشن و تردیدناپذیر

الذین خسروا أنفسهم و أهلهم یوم القیمه ألا ذلک هو الخسران المبین

132- عوامل اندوه خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 76 - 8

8- قوم بی ایمان نوح ، مایه غم شدید و اندوه بزرگ برای حضرت نوح و خاندانش بودند .

فنجینہ و أهلہ من الکرب العظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 76 - 3

3 - نوح (ع) و خاندانش به وسیله قوم خود ، گرفتار غم بزرگ و مشکلات اندوه بار شدند .

و نجینہ و أهلہ من الکرب العظیم

133- عوامل تباهی خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

21 - گوش نسپردن به سخنان و پیروی نکردن از بهترین آنها، موجب خسران و تباهی عمر و خانواده است.

ص: 48

إِنَّ الْخُسْرَيْنَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ .. الَّذِينَ يَسْتَمْعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ

آیات گذشته در توصیف خاسران بود و آیه مورد بحث، درباره کسانی است که در قطب مخالف زیان کنندگان قرار داشته و در سایه گوش فرا دادن به سخنان و گزینش بهترین آنها، به سعادت نایل شده اند. بنابراین از ارتباط میان آیات یاد شده، به دست می آید که استماع سخنان و گزینش بهترین آنها موجب سعادت و ترک آن سبب خسران و بدبختی است.

134- عوامل تحکیم خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 37 - 7

7- تقوا، موجب تحکیم پیوند خانوادگی است .

أمسک علیک زوجک و اتق الله

امر «إتق» می تواند ذکر عام بعد از امر خاص «أمسک» باشد. در این صورت، سفارش به تقوا پس از توصیه به نگهداری همسر و طلاق ندادن وی، در واقع، سفارش به امری است که مراعات آن، می تواند عین نگهداری همسر بوده و می تواند موجب آن باشد.

135- عوامل زیانکاری خانواده ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 45 - 16

16 - ستمکاران، عامل خسران و بدبختی خود و محرومیت از خانواده خویش

إِنَّ الْخُسْرَيْنَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «خسروا.. اهلیم» به معنای از دست دادن خانواده باشد.

136- عوامل سعادت خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 74 - 11

11 - تأثیر مثبت و سازنده دعای همسران در حق یکدیگر و در سرنوشت و سعادتشان

و الذين يقولون ربنا هب لنا من أزوجنا وذريتنا قره أعین

دعای عباد الرحمن در حق همسران و فرزندان‌شان، حاکی از تأثیر مثبت دعا در سرنوشت همسر و فرزند است؛ زیرا اگر دعا مؤثر نبود، خداوند به آن توصیه نمی فرمود.

ص: 49

137- عوامل سلامتی خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 56 - 5

5 - نقش عمیق سرپرست خانواده در مصون داشتن آنان از فساد فراگیر جامعه

قالوا أخرجوا آل لوط من قريتكم

عبارت «أخرجوا آل لوط» (خانواده لوط را از شهرتان بیرون کنید) نشان می دهد که در جامعه فاسدی چون جامعه قوم لوط، تنها خانواده ای که از فساد ایمن مانده بود، خانواده تحت سرپرستی لوط(ع) بوده است.

138- عوامل شقاوت خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 6 - 2

2 - توصیه خداوند به مؤمنان ، مبنی بر مراقبت از اعضای خانواده خود در برابر عوامل و موجبات بدبختی و دوزخی شدن آنان

يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا .. أَهْلِيكُمْ نَارًا

139- عوامل مؤثر در تربیت خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 6 - 5

5 - سرپرست خانواده ، دارای نقشی سازنده و سرنوشت ساز ، در حیات معنوی و تربیت دینی اعضای خانواده

يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا

140- عوامل مؤثر در زندگی خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 5 - 10

10 - نقش مثبت و سازنده اسلام ، ایمان ، فرمانبری ، توبه و روزه داری در زندگی مشترک میان زنان و مردان

أَنْ يَبْدُلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكَ مَسْلَمَتٍ . . . سُنَّت

یادآوری اوصاف یاد شده برای زنان شایسته، در خلال نقل ماجرای نزاع میان پیامبر(صلی الله علیه و آله) و همسرانش، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

ص: 50

141- عوامل مؤثر در سلامتی خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 57 - 6

6 - تأثیر جدی جامعه فاسد و منحرف بر سلامت خانواده

فأنجینه و أهله إلا امرأته

خانواده لوط با این که تحت اشراف نیرومند وی، از هجوم فساد فراگیر جامعه در امان ماندند؛ اما جامعه فاسد سرانجام تأثیر مخرب خود را گذاشت و همسر وی را از او جدا ساخت.

142- عوامل نجات خانواده لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 59 - 3

3- پاکی خاندان لوط (ع) و دوری از هرگونه جرم و تبه کاری، عامل نجات همه آنان از عذاب الهی

إنا أرسلنا إلى قوم مجرمين . إلا ءال لوط إنا لمنجّوهم أجمعين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 35 - 2

2- شکرگزاری لوط (ع) و خاندان مؤمن ایشان، عامل برخوردار شدن آنان از نعمت و لطف ویژه خداوند و نجات یافتن از مهلکه عذاب

نجّينهم . . . نعمه من عندنا

143- فراق ایوب (ع) از خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 84 - 8

8- ایوب (ع)، به گرفتاری فراق و از دست دادن خانواده اش مبتلا شده بود .

و ءاتیناه أهله

144- فضائل خانواده لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 61 - 2

ص: 51

2- خاندان حضرت لوط (ع) ، برخوردار از عنایت ویژه خداوند

فلما جاء آل لوط المرسلون

از ورود فرشتگان به عنوان مهمان بر خاندان لوط(ع) و نه بر خود لوط(ع) بیانگر عنایت خاص خداوند به آنان و جایگاه بلند ایشان است.

145- فضایل خانواده موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 29 - 5

5- در بین اعضای خانواده موسی (ع) برای همگامی با او در ابلاغ رسالت های الهی ، افرادی شایسته ای وجود داشتند .

واجعل لی وزیراً من أهلی

موسی(ع) در خواسته خود ابتدا نام هارون را ذکر نکرد، بلکه به صورت کلی وزیری خواست که از خاندان او باشد، این بیان نشان می دهد که او افراد دیگری را نیز در بین خاندان خویش، شایسته آن کار می دید وگرنه از همان ابتدا نام هارون را در خواسته خود ذکر می کرد.

146- فضایل خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 76 - 9

9- خاندان نوح از مؤمنان به رسالت نوح (ع) و بهره مند از لطف ویژه خداوند

فنجینه و أهله من الكرب العظيم

نجات خاندان نوح(ع)، بیانگر عنایت ویژه خداوند به ایشان و نیز حاکی از ایمان آنان به رسالت نوح(ع) است؛ زیرا اگر آنان مانند قوم نوح کافر بودند، نجات نمی یافتند. گفتنی است آیه بعد (و نصرناه من القوم الذین کذبوا...) مؤید همین نکته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 76 - 6

6- نوح (ع) و خاندانش ، از بندگان مخلص و برگزیده خدا بودند .

إلا عباد الله المخلصین . ولقد نادینا نوح... و نجینه و أهله من الكرب العظيم

ذکر داستان نوح(ع) و خاندانش پس از یاد کردن از بندگان خالص خدا در طول تاریخ، می تواند به منظور بیان الگو و نمونه ای از آن بندگان

مخلص باشد.

ص: 52

147- کافران خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 27 - 12

12 - وجود فرد یا افراد کافر ، در میان خاندان نوح (ع)

فاسلک فیها .. إلا من سبق علیه القول منهم

148- کتمان رازهای خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 3 - 15

15 - لزوم حفظ و نگهداری اسرار خانوادگی و زناشویی از دیگران ، حتی از برخی از اعضای خانواده

و إذ أسرّ النبیّ إلى بعض أزوجه حدیثاً .. تتأنی العلیم الخبیر

149- کفر خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 28 - 5

5 - ایمان نیاوردن برخی از اعضای خاندان نوح (ع)

و لمن دخل بیتی مؤمناً

مطلب یاد شده، از قید «مؤمناً» استفاده می شود.

150- کیفیت هجرت خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 65 - 5

5- حرکت حضرت لوط (ع) و خاندانش از شهر ، حرکتی دسته جمعی ، سریع ، به دور از انظار مردم و محرمانه بود .

فأسر بأهلک بقطع من الیل .. و امضوا حیث تؤمرون

نظارت حضرت لوط(ع) بر حرکت خاندانش (و اتّبع أديبارهم) بیانگر حرکت دسته جمعی، و حرکت در ظرف زمانی محدود (بقطع من اللیل) نشانگر حرکت سریع، و سیر شبانه در پاسی از شب دلیل محرمانه رفتن از شهر است.

ص: 53

151- گناه اختلاف فکنی در خانواده ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 102 - 28

28 - جدایی انداختن بین زن و شوهر به وسیله سحر، گناهی در حد کفر است .

إنما نحن فتنه فلا تکفر فیتعلمون منهما ما یفرقون به بین المرء و زوجته

152- محدوده خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 60 - 8

8- همسر، جزو آل و خاندان مرد است .

ءال لوط .. إلا امرأته

153- محدوده مسؤولیت سرپرست خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 6 - 15

15 - « ابی بصیر قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله : « قوا أنفسكم وأهلیکم ناراً وقودها الناس و الحجاره » قلت : هذه نفسی أقیها فكیف أقی أهلی ؟ قال : تأمرهم بما أمرهم الله و تنهاهم عما نهاهم الله عنه فإن أطاعوك كنت قد وقیتهم و إن عصوك فکنت قد قضیت ما علیک ;

ابی بصیر 47 گوید: از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند: «قوا أنفسکم و أهلیکم ناراً..» سؤال کردم و گفتم: نفس خود را از آتش حفظ می کنم؛ چگونه خانواده خود را حفظ کنم؟ فرمود: آنان را به آنچه خداوند امر فرموده، امر کن و از آنچه خدا نهی فرموده، نهی کن. پس اگر از تو پیروی کردند، تو آنان را حفظ نموده ای و اگر نافرمانی کردند، تو تکلیف خود را انجام داده ای».

154- مدیریت خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 229 - 26

الطلاق مرتان فامساک بمعروف او تسریح باحسان و لا یحل لکم . . . فاولئک هم الظالمون

چون حفظ و از هم پاشیدن بنای خانواده به دست مردان است، بنابراین سرپرستی و مدیریت خانواده به عهده اوست.

ص: 54

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 34 - 18، 11، 6، 2، 1

1 - مدیریت و سرپرستی زنان هر جامعه بر عهده مردان است .

الرجال قوامون على النساء

در برداشت فوق، کلمه «الرجال» و «النساء»، مطلق مردان و زنان گرفته شده، نه خصوص شوهران و همسران آنان. قوام به کسی گفته می شود که تدبیر و اصلاح دیگری را بر عهده دارد.

2 - شوهران، وظیفه دار سرپرستی و مدیریت همسران خویش

الرجال قوامون على النساء

به قرینه «بما انفقوا»، مراد از «الرجال» شوهران و «النساء» همسران آنان خواهد بود؛ زیرا هزینه زندگی زنان بر عهده شوهران خویش است و نفقه مطلق زنان بر عهده مردان نیست.

6 - برتری مردان بر زنان، فلسفه تشریح حق سرپرستی و مدیریت آنان بر همسران خویش

الرجال قوامون على النساء بما فضل الله بعضهم على بعض

11 - تأمین هزینه های زندگی از سوی مردان، فلسفه تشریح حق مدیریت و سرپرستی آنان بر همسران خویش

الرجال قوامون على النساء .. و بما انفقوا من اموالهم

18 - سلامت خانواده در گرو مدیریت مرد، تأمین زندگی از سوی او، و اطاعت و حفظ حقوق شوهر از سوی زن است .

الرجال قوامون على النساء .. و بما انفقوا ... فالصالحات قانتات حافظات للغيب

چون در ذیل آیه و آیات بعد به مسأله اختلافات خانوادگی پرداخته است، معلوم می شود که توصیه ها و قوانین مطرح شده برای جلوگیری از اختلافات و به خطر افتادن سلامت خانواده است.

155- مدیریت در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 128 - 1

1 - لزوم پیشگیری از به هم خوردن سلامت خانواده، در صورت ناسازگاری شوهر وظیفه ای بر عهده زنان

وإن امراه خافت من بعلها .. فلا جناح عليهما ان يصلحا بينهما صلحاً

كلمه «خافت»، بيانگر ترس از وقوع است، نه خود وقوع.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - يوسف - 12 - 63 - 10

10- تسلط و مدیریت یعقوب (ع) بر خانواده و فرزندان خویش

يأبانا منع منا الكيل فأرسل معنا أخانا نكتل

ص: 55

156- مسافرت خانواده موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 7 - 4,5

4- همراهی خانواده موسی (همسر و فرزندان) با وی در سفر از «مدین»

إذ قال موسى لأهله... لعلكم تصطلون

تعبیر «سناتیکم» و «لعلكم تصطلون» (با ضمائر جمع) نشان می دهد که همراهیان موسی بیش از یک نفر بوده اند و تعبیر «أهل» بیانگر آن است که همه آنان از نزدیکان (همسر و فرزندان) او بوده اند.

5- گرفتاری موسی (ع) و خانواده اش در سردی هوا، تاریکی شب و گم کردن راه در مسیر سفر

إذ قال موسى لأهله... سناتیکم منها بخبر... لعلكم تصطلون

157- مسافرت شبانه خانواده موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 10 - 1

1 - موسی (ع) و خانواده اش در سیری شبانه و در بیابان، دچار سرگردانی شده و راه را گم کردند.

إذ رءنا نارا... بقبس أو أجد علی النار هدی

جمله «أجد علی النار هدی» دلالت می کند که موسی (ع) و همراهانش راه را گم کرده بودند و از نبود آتش فهمیده می شود که آنها در بیابانی سرگردان بودند. دیدن آتش از فاصله ای نسبتاً دور که حتی با احتمال وجود آتش، تصمیم به حرکت جمعی به سوی آن نگرفتند، حاکی از شب بودن و تاریکی منطقه است.

158- مسوول رفع مشکلات خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 117 - 15

15 - شوهران باید برای رفع رنج ها و سختی های همسران خویش تلاش کنند.

فلا یخرجنكما من الجنة فتشقی

با توجه به این که دشمنی شیطان با آدم(ع) و حوا یکسان بوده است و وی در صدد آن بوده که هر دو را از بهشت بیرون کند و به مشقت اندازد؛ ولی با این حال فعل «تشقی» به صورت مفرد آمده است. بنابراین رفع رنج و سختی های حوا نیز، بر دوش آدم(ع) بوده است.

ص: 56

159- مسؤولیت خانواده لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 65 - 6

6- حضرت لوط (ع) و خاندانش ، مأمور شدند تنها به سوی مکانی که تعیین خواهد شد ، حرکت کنند و حق انتخاب مکان دیگری را نداشتند .

فأسر بأهلك .. و امضوا حیث تؤمرون

160- مسؤولیت سرپرست خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 6 - 3

3- خیرخواهی برای اعضای خانواده و تربیت دینی آنان ، تکلیفی بایسته برعهده سرپرست و مدیر خانواده

قوا .. أهلیکم نازًا

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که مصداق اصلی تلاش برای حفاظت اعضای خانواده از دوزخی شدن آنان، تربیت دینی آنان و گزینش راه و روش خیرخواهانه در این راستا است.

161- مسیر هجرت خانواده لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 65 - 10، 6

6- حضرت لوط (ع) و خاندانش ، مأمور شدند تنها به سوی مکانی که تعیین خواهد شد ، حرکت کنند و حق انتخاب مکان دیگری را نداشتند .

فأسر بأهلك .. و امضوا حیث تؤمرون

10- « قال أبو جعفر (ع) : ... « فلما جاء آل لوط المرسلون » ... قالوا ... « فأسر بأهلك » یا لوط إذا مضى لك من یومک هذا سبعة أيام و لیالیها « بقطع من اللیل » إذا مضى نصف اللیل « ... و امضوا » من تلک اللیلة « حیث تؤمرون » ... ;

امام باقر (ع) فرمود: هنگامی که فرشتگان خدا به سوی خاندان لوط آمدند .. گفتند: ... ای لوط! پس از گذشت هفت شبانه روز از این تاریخ، در نیمه های شب خانواده خود را از این سرزمین بیرون ببر ... و در آن شب به هر جا که فرمانتان داده اند بروید...».

162- مشاوره در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 6 - 14

ص: 57

14 - شیردادن دایگان، به نوزادان زنان مطلقه، تنها در صورت ضرورت و با مشورت و هم فکری پدر و مادر آنان، شایسته و بجا است.

و اتمروا بینکم بمعروف و إن تعاسرتم فسترضع له أختی

163- مشورت در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 233 - 26، 27

26 - جواز گرفتن فرزند از شیر قبل از دو سال، به شرط رضایت، مشورت و توافق پدر و مادر

فان ارادا فصالا عن تراض منهما و تشاور فلا جناح علیهما

چون حدّ کمال شیر دادن دو سال است، بنابراین «فصال» پس از دو سال طبیعی است و نیاز به مشورت و توافق ندارد؛ لذا مراد از «فصال» در آیه شریفه، «فصال» قبل از دو سال است.

27 - جدا کردن طفل از شیر مادر، باید پس از مشورت با صاحب نظران و توافق والدین صورت گیرد.

فان ارادا فصالا عن تراض منهما و تشاور فلا جناح علیهما

در برداشت فوق، «فصال» حمل شده بر «فصال» از شیر مادر، نه از هر شیری؛ یعنی توافق می کنند که مادر دیگر شیر ندهد و برای تکمیل مدّت شیر، کودک را به دایه ای بسپارند.

164- مقامات خانواده ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 73 - 7

7- ابراهیم (ع) و خانواده او، دارای منزلت و مقامی والا در پیشگاه خداوند

رحمت الله و برکتہ علیکم اهل البیت

165- مقامات خانواده محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 132 - 11

11 - خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله) در پیشگاه خداوند، از مقامی والا برخوردار بودند.

وأمر أهلک بالصلوه

ص: 58

166- مکر علیه خانواده صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 50 - 1

1 - مکر و حيله مخالفان صالح پیامبر علیه وی و خانواده اش

قالوا تقاسموا بالله لنبیتته و أهله . . . و مکروا مکراً

متعلق «مکروا» حذف شده و تقدیر آن با توجه به آیه قبل چنین است: «و مکروا به و بأهله مکراً؛ آنان علیه او و خانواده اش خدعه کردند».

167- ملاک روابط خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 39 - 8

8- توحید و پرهیز از شرک، باید حاکم بر مجموعه روابط فردی، خانوادگی و اجتماعی باشد.

و لاتجعل مع الله إلهاً اخر

ذکر مجموعه تعالیم فردی، خانوادگی و اجتماعی در بین دو نهی از شرک، (آیه 22 و این آیه) می تواند مشعر به حقیقت یاد شده باشد.

168- ملاک مشاوره در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 6 - 9

9 - توجه به مصالح و منافع نوزادان و نیز رعایت موازین شرعی و عقلی، باید اساس و مبنای مشاوره و هم فکری مردان و زنان مطلقه باشد.

و أتمروا بینکم بمعروف

«معروف» اسم برای هر کاری است که از نظر عقل و شرع، حسن و خوبی آن شناخته شده باشد (مفردات راغب).

169- ملائکه و خانواده لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15- فرشتگان ، از لوط (ع) و خاندانش خواستند که به هنگام خروج از دیارشان ، از حرکت باز نایستند و به سوی خانه و کاشانه باز نگردند .

ص: 59

و لایلتفت منکم أحد

170- منشأ نجات خانواده لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 170 - 2

2- نجات لوط (ع) و همه کسانش ، به اراده خداوند و در پی استمداد وی برای رهایی از مکافات عمل قومش

ربّ نجّنی و أهلی ممّا یعملون . فنجّینه و أهله أجمعین

171- منشأ نجات خانواده نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 28 - 4

4- نجات نوح (ع) و خاندان و همراهان او از شر ستمگران ، به اراده خداوند

فقل الحمد لله الذی نجّنا من القوم الظلمین

172- منیت خانواده لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 65 - 2

2- حضرت لوط (ع) به نظارت و مراقبت بر خروج خاندانش از شهر برای در امان ماندن از عذاب الهی ، مأمور گردید .

فأسر بأهلک . . و اتّبع أدبرهم

مقصود از به دنبال خاندان رفتن (و اتّبع أدبارهم) می تواند کنایه از مراقبت و نظارت از خروج آنان باشد که مبادا کسی به شهر برگردد و از رفتن منصرف شود. جمله بعدی (و لایلتفت منکم ...) مؤید همین مطلب است.

173- ناپایداری روابط خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 15 - 5

5 - خداوند ، آگاه به وجود نشیب و فراز در مراحل حیات دنیوی و اخروی انسان و ناپایدار ماندن محفل های خانوادگی و خوش گذرانی های دنیامداران

بلی إنّ ربّه کان به بصیرًا

ص: 60

هر چند ضمیر در «رَبّه» و «به»، به منکر معاد برمی گردد؛ ولی محتوای آیه شریفه، به جنبه انسان بودن آنان مربوط است.

174- ناسازگاری در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 35 - 2

2- لزوم تلاش برای حفظ خانواده و سالم سازی محیط آن و پیشگیری از بروز ناسازگاری زن و شوهر

و ان خفتم شقاق بینهما فابعثوا حکماً من اهلہ و حکماً من اهلها

175- نجات خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 81 - 13،26،27

13- نجات لوط (ع) و خانواده اش در گرو خروج آنان از دیار قوم لوط بود .

فأسر بأهلک بقطع من الیل

26- «عن أبي جعفر (ع) : . . . « فلما جاء آل لوط المرسلون . . . قالوا : . . . « فأسر بأهلک » یا لوط إذا مضی لک من یومک هذا سبعه ایام و لیالیها « بقطع من الیل » إذا مضی نصف الیل . . . » ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: . . . هنگامی که فرشتگان خدا به سوی خاندان لوط آمدند . . . گفتند: . . . ای لوط! از این تاریخ پس از گذشت هفت شبانه روز نیمه شب خانواده خود را از این سرزمین بیرون ببر . . .».

27- «عن أبي جعفر (ع) : . . . إن الله تعالی لما أراد عذابهم (قوم لوط) . . . بعث إلیهم ملائکه . . . وقالوا للوط : أسر بأهلک من هذه القریه اللیل . . . فلما إنتصف الیل سار لوط بیناته . . . » ;

از امام باقر روایت شده است: . . . هنگامی که خداوند اراده کرد قوم لوط را عذاب کند، فرشتگانی را به سوی آنان فرستاد . . . آنان به لوط گفتند: امشب خانواده خود را از این آبادی بیرون ببر . . . چون شب به نیمه رسید، لوط دختران خود را از آبادی بیرون برد . . .».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 59 - 2

2- مأموران الهی، خاندان لوط (ع) را از عذاب نازل شده بر قوم وی نجات دادند .

إنا أرسلنا إلى قوم مجرمين . إلاء لوط إنا لمنجّوهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 65 - 1

1- فرشتگان ، از حضرت لوط (ع) خواستار خارج ساختن خاندانش از شهر در پاسی از شب ، جهت نجات از عذاب الهی شدند .

فأسر بأهلك بقطع من اليل

ص: 61

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 170 - 1

1 - استجابت دعای لوط (ع) مبنی بر نجات خود و کسان خود، از شر قوم زشتکارش از سوی پروردگار

ربّ نجّی و أهلی ممّا یعملون . فنجّینه و أهله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 171 - 1,4

1 - نجات همه خانواده لوط از عذاب الهی، به جز همسر پیر او

فنجّینه و أهله أجمعین إلاّ عجوزاً فی الغبرین

«عجوز» به معنای پیر زن و «عجوزاً» مستثنی از «أهله» است. «غبور» (مصدر «غابرین») نیز به معنای باقی ماندن است. بنابراین، «غابر» به کسی گفته می شود که همراهانش بروند و او باقی بماند.

4 - نجات لوط (ع) و اهلش از عذاب الهی، در گرو خروج آنان از شهر

فنجّینه و أهله أجمعین . إلاّ عجوزاً فی الغبرین

از واژه «الغابرین» استفاده می شود که بر جای ماندگان در شهر، گرفتار عذاب شدند و بیرون روندگان از شهر نجات یافتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 174 - 1,2

1 - نجات لوط (ع) و خاندانش - به جز همسر وی - و هلاکت قوم زشت کردارش، آیتی بزرگ و عبرت آموز برای دیگران

إنّ فی ذلک لأیه

«ذلک» به جریان نجات لوط(ع) و کسان وی و نیز هلاکت قوم فساد پیشه اش اشاره دارد. «آیه» در این جا معادل «عبره» است و نکره آمدن آن برای بیان عظمت واقعه و درسی می باشد که در آن نهفته است.

2 - هلاکت قوم فساد پیشه لوط و نجات وی و خاندانش - به جز همسر وی - نمودی از سنت مستمر الهی در یاری رسانی به حق و

سرکوب باطل

إنّ فی ذلک لأیه

نشانه و مایه عبرت بودن سرگذشت قوم لوط، در صورتی است که درباره دیگر امت ها قابل تکرار باشد و به تعبیر دیگر، سنتی مستمر به شمار آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 57 - 1

1 - نجات لوط (ع) و خانواده اش - به جز همسر وی - از عذاب نازل شده بر قوم لوط

فأنجیناه و أهله إلا امرأته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 134 - 1

ص: 62

1 - لوط (ع) و خاندان او، از عذاب نازل شده بر قوم شان نجات یافتند .

إذ نجّيناهم وأهله أجمعين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 34 - 3

3 - هلاکت تمامی قوم لوط با عذاب الهی؛ به جز شخص لوط (ع) و خاندان او

إنا أرسلنا عليهم حاصباً إلاّ آل لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 35 - 1

1 - نجات لوط (ع) و خاندان آن حضرت از مهلکه عذاب، نعمت و امتنان الهی بر ایشان

نجّيناهم... نعمه من عندنا

176- نجات خانواده لوط(ع) از عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 32 - 5

5 - ملائکه مأمور عذاب قوم لوط، به ابراهیم (ع) اطمینان دادند که لوط (ع) و اهل اش را، حتماً از عذاب نجات خواهند داد .

قالوا نحن أعلم بمن فيها لننجّيناهم وأهله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 33 - 14

14 - فرشتگان مأمور عذاب قوم لوط، به لوط (ع) اعلام کردند که او و خانواده اش، به جز همسرش را، از عذاب نجات خواهند داد .

إنا منجّوك وأهلك إلاّ امرأتك

177- نجات خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11- نوح (ع) از ناحیه خداوند به نجات خانواده خویش و سوار کردن آنان به کشتی موظف شد .

قلنا احمل فیها . . . أهلك

کلمه «أهل» در «أهلك» عطف بر «زوجین» و در حقیقت مفعول برای «احمل» است.

ص: 63

13- خداوند ، نوح (ع) را از سوار کردن کفرپیشگان خانواده اش بر کشتی نجات ، منع کرد .

احمل فیها .. أهلك إلا من سبق علیه القول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 46 - 13

13- اعمال صالح خانواده نوح (پرستش خدا و . . .) مایه نجات آنان از حادثه طوفان بود نه انتسابشان به حضرت نوح (ع) .

إنه لیس من أهلك إنه عمل غیر صلح

تصریح خداوند به این که «هلاکت فرزند نوح به خاطر اعمال ناصالحش بوده است» ، اشاره به این معنا دارد که: نجات دیگر اعضای خانواده نوح ، به خاطر انتسابشان به آن حضرت نبوده؛ بلکه منزه بودندشان از اعمال ناشایست ، مایه نجاتشان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 76 - 7

7- خداوند ، نوح (ع) و خاندانش را از غم شدید و اندوه بزرگ ناشی از انجام رسالت خویش نجات داد .

فنجینه و أهله من الكرب العظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 76 - 1,2

1 - نوح (ع) و خاندانش ، به عنایت خداوند از اندوه بزرگ نجات یافتند .

و نجینه و أهله من الكرب العظیم

2- نوح (ع) و خاندانش ، به لطف الهی از عذاب طوفان نجات یافتند .

و نجینه و أهله من الكرب العظیم

مقصود از «اندوه بزرگ» یا طوفان است و یا اذیت و آزار مردم کافر. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه نخست است.

178- نظام خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 4 - 3

3 - استقلال مالی زن در نظام خانواده

واتوا النساء صدقاتهنّ

179- نظام خانواده در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 64

3- مردسالاری ، در دوران جاهلی بر خانواده ها سایه افکنده بود .

وإذا بشر أحدهم بالأنثى ظلّ وجهه . . . يتوری من القوم من سوء ما بشر به أيمسكه

180- نعمت خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 56 - 2

2- بودن در کنار همسران خود و برخورداری از آرامش و موهبت های طبیعت ، از نعمت های الهی و دلپذیر برای همگان

فی شغل فکھون . هم و أزوجهم فی ظلل علی الأرائک متکئون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه درصدد بیان نعمت های الهی برای اهل بهشت و تشویق مردم به ایمان برای برخورداری شدن از این نعمت ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 43 - 5

5 - خانواده (زن و فرزند) ، نعمت و موهبت الهی

و وهبنا له أهله و مثلهم معهم

181- نعمت نجات خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 76 - 9

9- نجات نوح (ع) و خاندانش از غمی بزرگ ، از نعمت ها و الطاف الهی به آن حضرت

و لقد نادینا نوح . . . و نجّینه و أهله من الكرب العظیم

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های اعطا شده به حضرت نوح(ع) و امتنان بر ایشان است.

182- نعمتهای خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 35 - 1

1 - نجات لوط (ع) و خاندان آن حضرت از مهلكه عذاب ، نعمت و امتنان الهی بر ایشان

نَجِّينَهُمْ . . . نَعْمَةٌ مِنْ عِنْدِنَا

ص: 65

183- نقش اصالت خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 58 - 7

7- اصالت خانوادگی و نسبی ، در سعادت و کمال فرزندان نقش مؤثری دارد .

من ذرّیه آدم . . . من ذرّیه ابرهیم و اسرائیل

مطرح شدن پیامبران الهی در طول یک سلسله و ذریّه های مشخص نشان از نقش نسب و خانواده در کمال فرزندان دارد.

184- نقش خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 5 - 4

4- پدران و نیاکان و محیط خانوادگی و اجتماعی ، دارای نقشی مؤثر در باور های هر نسل

قالوا اتخذ الله ولداً . ما لهم به من علم و لا لأبائهم

ذکر «لأبائهم» اشاره به یکی از زمینه های اصلی گرایش ها و عقاید مردم عصر بعثت - که همان روحیه تقلید و دنباله روی از نیاکان است - دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 28 - 7

7- خانواده به ویژه پدر ، در رشد یا انحطاط اخلاقی فرزندان نقشی مؤثر دارد .

ما کان أبوک امرأ سوء و ما کانت أمک بغیاً

تعبیری که قوم مریم در باره پدر او به کار بردند، نفی همه پلیدی ها بود، حاکی از این که بدی های پدر - هرچه باشد - زمینه مناسبی برای فساد فرزندان خواهد شد و تأثیر رفتار مادر به آن گسترده نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 53 - 7

7- تأثیرپذیری انسان ، از خانواده و جامعه خویش

قالوا وجدنا اباؤنا لها عبدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 4 - 17

17 - نقش بنیادین خانواده در صلاح و فساد فرزندان

ص: 66

جمله «إِنَّهٗ كَانَ...» به منزله تعلیل برای «علا فی الأرض...» است؛ یعنی، فرعون بدان جهت که از خاندانی مفسد به وجود آمده و در میان آنها رشد کرده بود، خوی برتری طلبی را از آنان به ارث برده بود.

185- نقش سرپرست خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 56 - 5

5- نقش عمیق سرپرست خانواده در مصون داشتن آنان از فساد فراگیر جامعه

قالوا أخرجوا آل لوط من قريبتكم

عبارت «أخرجوا آل لوط» (خانواده لوط را از شهرتان بیرون کنید) نشان می دهد که در جامعه فاسدی چون جامعه قوم لوط، تنها خانواده ای که از فساد ایمن مانده بود، خانواده تحت سرپرستی لوط(ع) بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 6 - 5

5- سرپرست خانواده، دارای نقشی سازنده و سرنوشت ساز، در حیات معنوی و تربیت دینی اعضای خانواده

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا

186- نوح(ع) و نجات خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- هود - 11 - 41 - 1

1- نوح (ع)، پس از شروع طوفان و انجام مقدمات حرکت، از پیروان و خانواده اش خواست تا بر کشتی سوار شوند.

وقال اركبوا فيها

به نظر می رسد جمله «قال اركبوا...» عطف بر جملاتی مقدر باشد که به خاطر دخالت نداشتن آنها در هدفهای نقل ماجرا بیان نشده است؛ یعنی: قلنا احمل فيها... ففعل كذا وكذا وقال اركبوا فيها.... و لذا در برداشت «انجام مقدمات حرکت» آورده شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- نوح (ع)، براساس وعده خداوند به نجات افراد خانواده اش و التزام خداوند به وعده های خویش، خواستار نجات فرزندش شد.

إن ابني من أهلي وإن وعدك الحق

ص: 67

187- نهی به خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 65 - 4

4- خداوند حضرت لوط (ع) و خاندانش را از بازگشت به شهر خود - که در معرض عذاب بود - برحذر داشت .

فأسر بأهلك . . . ولا یلتفت منکم أحد

مقصود از التفات و توجه در آیه شریفه - به قرینه فرمان خروج از شهر (فأسر بأهلك) - بازگشتن و روی آوردن به شهری است که آنان در آن جا ساکن بودند.

188- نیازهای خانواده موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 7 - 6

6- قرار گرفتن خانواده موسی در شرایط نیاز به دلگرمی و امید

إذ قال موسی لأهله . . . سأتیکم منها بخبر... تصطلون

از تعبیر «إتی آنست ناراً» و «سأتیکم» - که جمله اول به صورت مؤکد به «إنّ» و جمله دوم به صورت مؤکد با حرف تنفیس آمده است - استفاده می شود که خانواده موسی در شرایط اضطراب آور و دلهره آمیزی قرار داشتند که موسی می بایست به آنان دلگرمی می داد و امید می بخشید.

189- نیازهای مادی خانواده شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 26 - 5

5- نیاز خانواده شعیب به اجیر کردن مردی جهت نگه داری گوسفندانشان

قالت إحدیهما یأبت استتجره

با توجه به آیات پیشین، مراد از «استتجره» استیجار برای نگه داری گوسفندان شعیب می باشد.

190- ورود ملائکه بر خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 61 - 1

1- فرشتگان مأمور عذاب قوم لوط ، به عنوان مهمان بر خاندان حضرت لوط (ع) وارد شدند .

وَتَبَّئَهُمُ عَنْ ضَيْفِ إِبرهیم . . . فما خطبکم ایها المرسلون . . . فلما جاءء آل لوط المرسل

ص: 68

الف و لام در «المرسلون» برای عهد ذکری است و اشاره به رسولانی دارد که نزد حضرت ابراهیم(ع) آمدند و عذاب قوم لوط را مطرح ساختند (قال فما خطبکم ایها المرسلون، آیه 57) و این نشان دهنده آن است که مهمانان ابراهیم(ع) بر لوط(ع) وارد شدند. گفتنی است که آیه 68 نیز مؤید این نکته است.

191- وعده نجات خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 45 - 5

5- نوح (ع) ، براساس وعده خداوند به نجات افراد خانواده اش و التزام خداوند به وعده های خویش ، خواستار نجات فرزندش شد .

إن ابني من أهلي وإن وعدك الحق

192- وقت نجات خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 34 - 4

4- نجات یافتن خاندان لوط ، از سرنوشت هلاکت بار قومشان به هنگام سحر

نجّینهم بسحر

193- هجرت خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 81 - 13

13- نجات لوط (ع) و خانواده اش در گرو خروج آنان از دیار قوم لوط بود .

فأسر بأهلك بقطع من الیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 171 - 4

4- نجات لوط (ع) و اهلش از عذاب الهی ، در گرو خروج آنان از شهر

فنجّینه و أهله أجمعین . إلاّ عجوزًا فی الغبرین

از واژه «الغابین» استفاده می شود که بر جای ماندگان در شهر، گرفتار عذاب شدند و بیرون روندگان از شهر نجات یافتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 69

1 - هلاکت قوم لوط ، پس از خروج وی و خاندان مؤمنش از شهر

فنجینه و أهله .. ثم دمرنا الأخرین

«تدمیر» (مصدر «دمرنا») مرادف «إهلاک» و به معنای نابود کردن و از میان برداشتن است؛ یعنی، «سپس دیگران را هلاک گردانیدیم».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 34 - 6

6 - خروج مخفیانه خاندان لوط ، تدبیری الهی ، برای دفع مزاحمت کافران نسبت به ایشان *

نجینهم بسحر

انتخاب لحظات تاریک سحر برای خروج خاندان لوط، احتمال دارد از آن جهت باشد که خروج علنی، آنان را در معرض مزاحمت کافران قرار می داد.

194- هجرت خانواده موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 29 - 2

2- هجرت موسی (ع) به همراه همسر و فرزندانش از مدین ، پس از پایان یافتن مدت قراردادش با شعیب (ع)

فلما قضی موسی الأجل و سار بأهله

گرچه واژه «أهل» انصراف به زوجه دارد؛ لکن با توجه به تعبیر «امکثوا» (با خطاب جمع) معلوم می شود علاوه بر همسر حداقل دو نفر دیگر نیز - که به احتمال قوی فرزندانش بوده اند - او را همراهی می کردند.

195- هجرت شبانه خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 65 - 1,2,3,10,11

1- فرشتگان ، از حضرت لوط (ع) خواستار خارج ساختن خاندانش از شهر در پاسی از شب ، جهت نجات از عذاب الهی شدند .

فأسر بأهلک بقطع من الیل

2- حضرت لوط (ع) به نظارت و مراقبت بر خروج خاندانش از شهر برای در امان ماندن از عذاب الهی، مأمور گردید.

فأسر بأهلک . . . و اتبع أدبرهم

مقصود از به دنبال خاندان رفتن (و اتبع أدبرهم) می تواند کنایه از مراقبت و نظارت از خروج آنان باشد که مبدا کسی به شهر برگردد و از رفتن منصرف شود. جمله بعدی (و لایلتفت منکم...) مؤید همین مطلب است.

3- لوط (ع)، مأموریت یافت که هم زمان با خارج ساختن خاندانش از شهر، خود نیز در پی آنان حرکت کند.

ص: 70

فأسر بأهلك . . . و أتبع أدبرهم

10- « قال أبو جعفر (ع) : . . . « فلما جاء آل لوط المرسلون » . . . قالوا . . . « فأسر بأهلك » يا لوط إذا مضى لك من يومك هذا سبعة أيام و لياليها « بقطع من الليل » إذا مضى نصف الليل « . . . و امضوا » من تلك الليلة « حيث تؤمرون » . . . ;

امام باقر(ع) فرمود: هنگامی که فرشتگان خدا به سوی خاندان لوط آمدند . . . گفتند: . . . ای لوط! پس از گذشت هفت شبانه روز از این تاریخ، در نیمه های شب خانواده خود را از این سرزمین بیرون ببر . . . و در آن شب به هر جا که فرماتان داده اند بروید . . .».

11- « عن أبي جعفر (ع) : . . . إن الله تعالى لما أراد عذابهم (قوم لوط) . . . بعث إليهم ملائكة . . . و قالوا للوط : أسر بأهلك من هذه القرية الليلة . . . فلما انتصف الليل سار لوط ببناته . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود: . . . هنگامی که خداوند تعالی اراده کرد قوم لوط را عذاب کند، فرشتگانی را به سوی آنان فرستاد . . . آنان به لوط(ع) گفتند: امشب خانواده خود را از این قریه کوچ بده . . . چون شب به نیمه رسید آن حضرت به همراهی دخترانش کوچ کرد . . .».

196- همنشینی اخروی با خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 13 - 4

4- شادمانی از حضور بین خانواده و دودمان خویش در آخرت ، غیر قابل قیاس با دل خوشی به حضور بین آنان در دنیا است .

و ينقلب إلى أهله مسرورًا . . . إنه كان في أهله مسرورًا

آیه شریفه حضور فرح بخش بین خویشاوندان در آخرت را به عنوان پاداش یاد کرده و شادکامی بین خاندان در دنیا را ناپایدار و بی اثر در رفع مشکلات قیامت معرفی کرده است; تا تفاوت دو حالت نمودار گردد.

197- همنشینی دنیوی با خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 13 - 4

4- شادمانی از حضور بین خانواده و دودمان خویش در آخرت ، غیر قابل قیاس با دل خوشی به حضور بین آنان در دنیا است .

و ينقلب إلى أهله مسرورًا . . . إنه كان في أهله مسرورًا

آیه شریفه حضور فرح بخش بین خویشاوندان در آخرت را به عنوان پاداش یاد کرده و شادکامی بین خاندان در دنیا را ناپایدار و بی اثر در

رفع مشکلات قیامت معرفی کرده است؛ تا تفاوت دو حالت نمودار گردد.

ص: 71

2- خانه سازی

1- بنی اسرائیل و خانه سازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 87 - 5

5- خداوند ، فرمان داد تا بنی اسرائیل در بر پا کردن خانه های خود ، آنها را رو به روی هم بسازند .

و اجعلوا بیوتکم قبله

برداشت فوق مبتنی بر این است که لفظ «قبله» مصدر نوعی به معنای اسم فاعل باشد ؛ یعنی: اجعلوا بیوتکم متقابله.

2- تاریخ خانه سازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 82 - 3

3- وجود صنعت خانه سازی و سنگ تراشی در میان مردم حجر (قوم ثمود)

و كانوا ینحتون من الجبال بیوتاً ءامنین

3- خانه سازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 80 - 5

5- آفرینش دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) ، به گونه ای که از پوست آنها خانه و سرپناه سبک و قابل انتقال (برای عشایر و صحرانشین) ساخته شود ، به قدرت خداست .

ص: 72

والله... جعل لكم من جلود الأنعم بيوتاً تستخفونها يوم ظعنكم و يوم إقامتكم

4- خانه سازی در قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 74 - 10، 9

9- قوم ثمود در دشت های متعدد، قصر های بسیار بنا کردند و از کوه ها خانه های زیادی تراشیدند .

تتخذون من سهولها قصوراً و تحتون الجبال بيوتاً

«سهول» جمع سهل است و سهول الأرض به معنای زمینهای هموار می باشد که از آن به دشتها و صحراها تعبیر می شود. «الجبال» من الجبال بوده و در اصطلاح منصوب به نزع خافض است. بنابراین جمله «إذ... تحتون الجبال بيوتاً»، یعنی آنگاه که از کوهها خانه ها می تراشیدید.

10 - قوم ثمود مردمی متمدن و آگاه به شیوه های گوناگون در خانه سازی

تتخذون من سهولها قصوراً و تحتون الجبال بيوتاً

5- خانه سازی در کوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 74 - 9

9- قوم ثمود در دشت های متعدد، قصر های بسیار بنا کردند و از کوه ها خانه های زیادی تراشیدند .

تتخذون من سهولها قصوراً و تحتون الجبال بيوتاً

«سهول» جمع سهل است و سهول الأرض به معنای زمینهای هموار می باشد که از آن به دشتها و صحراها تعبیر می شود. «الجبال» من الجبال بوده و در اصطلاح منصوب به نزع خافض است. بنابراین جمله «إذ... تحتون الجبال بيوتاً»، یعنی آنگاه که از کوهها خانه ها می تراشیدید.

6- خانه سازی قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 82 - 3

3- وجود صنعت خانه سازی و سنگ تراشی در میان مردم حجر (قوم ثمود)

و كانوا ينحتون من الجبال بيوتاً آمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 73

1 - ثمودیان ، استاد در ساختن خانه در دل کوه با تراشیدن ماهرانه سنگ ها

و تتحتون من الجبال بیوتاً فرهین

«نَحْت» (مصدر «تحتون») به معنای تراشیدن و «فراهه» (مصدر «فارهین») به معنای مهارت و استادی است؛ یعنی، و با مهارت برای خود خانه هایی از کوه ها می تراشید؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 9 - 8، 4

4 - قوم ثمود با بریدن صخره ها ، میان درّه و دشت ، خانه های سنگی بنا کرده بودند .

و ثمود الذین جابوا الصخر بالواد

«صخر» (جمع «صخره») به معنای سنگ های بزرگ و سخت و «جَوْب» (مصدر «جابوا») به معنای پاره کردن و نیز پیمودن است. گفتنی است که اسناد آن به سنگ، با معنای پاره کردن سازگار است. «وادی» - که حرف آخر آن به دلیل آخر آیه بودن حذف شده است - به معنای فاصله بین کوه ها و تپه ها است. (قاموس)

8 - آگاهی قوم ثمود ، به نحوه بریدن سنگ های کوه و ایجاد خانه های سنگی

جابوا الصخر

7- خانه سازی قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 7 - 4

4 - قوم عاد ، مردمی متمدن و آشنا با فن ساختمان سازی

إرم ذات العماد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 8 - 2

2 - قوم عاد ، پیشرفته در فنّ خانه سازی و معماری

الَّتِي لَمْ يَخْلُقْ مِثْلَهَا فِي الْبَلَدِ

8- فلسفه خانه سازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 80 - 4

4- تأمین آرامش و آسایش ، فلسفه و حکمت ساختن خانه و منزل است .

ص: 74

و الله جعل لكم من بيوتكم سكناً

9- نعمت خانه سازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 74 - 11

11 - آمادگی زمین برای سکونت انسان ها و آگاهی آنان به خانه سازی ، از مواهب و نعمت های بزرگ الهی

و بؤاکم فی الأرض تتخذون من سهولها قصوراً و تحتون الجبال بیوتاً

10- ویژگیهای خانه سازی قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 82 - 7، 2، 1

1- اصحاب حجر با شکافتن کوه ها ، خانه های امنی برای خود در دل آن می ساختند .

و كانوا ینحتون من الجبال بیوتاً امنین

تراشیدن کوهها به منظور ساختن خانه به دو گونه قابل تصور است: 1- ساختن خانه های سنگی از بریده های کوهها در دامنه کوهها و یا در جای دیگر. 2- ساختن خانه از خود کوهها و در دل آنها. چنان که در سوره «نحل» (آیه 68) همین تعبیر به کار رفته است: (...أن اتخذی من الجبال بیوتاً).

2- اصحاب حجر با تراشیدن کوه ها ، از سنگ های آن برای خود خانه های امنی می ساختند .

و كانوا ینحتون من الجبال بیوتاً امنین

مقصود از تراشیدن کوهها به منظور ساختن خانه امن ممکن است ساختن خانه های سنگی به خاطر استحکام آن باشد.

7- امنیت ، هدف و مقصود تعیین کننده در کیفیت و نوع خانه سازی مردم حجر (قوم ثمود) بود .

و كانوا ینحتون من الجبال بیوتاً امنین

11- خانه همگانی

{خانه همگانی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - كعبه از آن تمامی مردم نه قشر و طایفه ای خاص

جعل الله الكعبه البيت الحرام قيماً للناس

ص: 75

1- آثار علاقه به خانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 13 - 13

13 - خانه و زندگی ، از جمله نگرانی انسان است و وابستگی به آنها ، باعث تزلزل در جهاد می شود .

يقولون إن بيوتنا عورة و ما هي بعورة

2- آداب حضور در خانه محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 53 - 15

15 - میهمانان پیامبر (صلی الله علیه و آله) پس از صرف غذا ، نباید به انتظار گفت وگو با اهل خانه آن حضرت ، مجلس را طولانی می کردند .

فانتشروا و لامستتسین لحديث

برداشت بالا ، بنابراین احتمال است که سرگرم شدن به گفت وگو ، مربوط به اهل خانه باشد و نه گفت وگو با هم . لازم به ذکر است که فراز «و إذا سألتموهنّ...» مؤید این برداشت است .

3- آداب ورود به خانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 189 - 7،8،12

7 - ورود از پشت خانه ها و نه از درب های ورودی ، از آداب حج در سنت های مردم عصر جاهلی

و ليس البر بأن تأتوا البيوت من ظهورها

بیان رسم جاهلیت، مبنی بر وارد شدن به خانه از پشت آنها و نه از درب ورودی - پس از ذکر حج - دلالت بر این دارد که سنت یاد شده از آداب حج در زمان جاهلیت بوده است.

8 - ورود حاجیان به خانه، از پشت آن و پرهیز از راه های متعارف، عملی نیکو در دیدگاه مردم عصر جاهلیت

و ليس البر بأن تأتوا البيوت من ظهورها

نقی نیکو از رسم یاد شده (لیس البر)، دلالت می کند که آن رسم در نزد مردم جاهلی، رسمی نیکو و ارجمند بوده است.

12 - ترک سنت جاهلی و ورود به خانه های از راه های متعارف آن، فرمان و توصیه خدا به مسلمانان

ليس البر . . . و أتوا البيوت من أبوابها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 27 - 10

10 - ورود افراد به خانه و محل سکونت خودشان به طور ناگهانی جایز است .

لا تدخلوا بيوتاً غير بيوتكم . . . لعلكم تدكرون

از قید «غیر بیوتکم» استفاده می شود که شرایط ورود به خانه افراد (مثل اذن ورود گرفتن و سلام کردن) مربوط به خانه های دیگران است و خانه های شخصی افراد چنین شرایطی را ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 37، 40

24 - سلام کردن به یکدیگر به هنگام ورود به خانه ها، توصیه خداوند به همه مسلمانان

فإذا دخلتم بيوتاً فسلموا على أنفسكم

37 - «عن أبي جعفر (ع) إذا دخل الرجل منكم بيته . . . إن لم يكن فيه أحد فليقل: السلام علينا من عند ربنا يقول الله «تحية من عند الله مبارکه طيبه» ;

از امام باقر (ع) روایت شده است: هر گاه شخصی از شما وارد خانه خود شود. .. اگر کسی در آن خانه نبود، بگوید: «السلام علينا من عند ربنا». خدا می فرماید: تحیه من عند الله مبارکه طيبه».

40 - «أبي الصباح قال : سألت أبا جعفر (ع) ، عن قول الله عزّوجلّ : فإذا دخلتم بيوتاً فسلموا على أنفسكم . . . » فقال : هو تسليم الرجل على أهل البيت حين يدخل ثمّ يردّون عليه ، فهو سلامكم على أنفسكم ؛

ابوالصباح از امام باقر(ع) پرسید: این که خداوند فرموده است: «فإذا دخلتم بيوتاً فسلموا على أنفسكم» مراد چیست؟ فرمود: مراد این است که شخص، هرگاه وارد خانه شود، بر اهل خانه سلام کند. پس آنان جواب سلام او را می دهند. پس آن سلام شما بر خودتان است».

4- آداب ورود به خانه دیگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 27 - 13، 12، 11، 9، 8، 6، 5، 4، 2، 1

ص: 77

1 - ورود ناگهانی و بدون آشنایی دادن و انس قبلی ، به محل سکونت و خانه دیگران ، ممنوع است .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا

برداشت یاد شده، براساس این مبنا است که «استئناس» (مصدر «تستأنسوا») از ماده «انس» (در مقابل وحشت) باشد. بر این اساس معنای آیه چنین می شود: شخص وارد شونده در ابتدا باید از راه اجازه خواستن و غیره با صاحب خانه مأنوس شود، آن گاه وارد خانه گردد تا موجب وحشت و اضطراب خود و دیگران نشود.

2 - ورود به خانه و محل سکونت دیگران ، بدون اطمینان از وجود صاحب آن و اجازه از او ، ممنوع است .

لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا

برداشت فوق، بر این مبنا است که «استئناس» (مصدر «تستأنسوا») استفعال از «آنس إذا أبصر» و به معنای استعلام و استکشاف باشد. بر این اساس معنای آیه چنین می شود: «وارد خانه کسی نشوید تا آن که از وضعیت و احوال صاحب خانه باخبر شوید که معمولاً این استعلام همراه با استیذان (اجازه خواستن) است».

4 - ورود به محل سکونت و خانه دیگران پیش از سلام کردن به اهل آن ، ممنوع است .

لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَ تَسَلَّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا

5 - اذن خواستن و سلام کردن ، از شرایط و آداب ورود به محل سکونت و خانه دیگران

لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَ تَسَلَّمُوا

6 - ورود به محل سکونت و خانه دیگران - هر چند با اجازه باشد - نباید همراه با تکلف ، تحمیل و احساس سنگینی برای صاحب آن باشد .

لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَ تَسَلَّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا

برداشت یاد شده از تعبیر «تستأنسوا» به جای «تستأذنوا» و دستور به سلام کردن - که پیام آور دوستی و صفا است - استفاده می شود.

8 - خودداری از ورود به محل سکونت و خانه دیگران ، بدون اجازه و سلام کردن ، به خیر و صلاح جامعه است .

لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا .. ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ

9 - به یاد سپردن ، پند پذیرفتن و عمل کردن به آن ، فلسفه بیان آداب ورود به محل سکونت و خانه دیگران از سوی خداوند است .

لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا .. لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

جمله «لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» تعلیل برای جمله ای محذوف مانند «أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ هَذَا» و با «أُرْسِدْتُمْ إِلَىٰ ذَلِكُمْ» است؛ یعنی، آنچه از این آیات

نازل کردیم به منظور به یاد سپردن، پند پذیرفتن و به کار بستن آن بود.

11 - « عن أبي أيوب إن النبي (صلى الله عليه وآله) . قال الإستيناس أن تدعوا الخادم حتى يستأنس أهل البيت . . . » ;

از ابویوب روایت شده است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: استیناس آن است که خادم را بخوانی تا اهل خانه را برای ورود تو با خبر سازد. «...».

12 - « عن أبي أيوب الأنصاري قال : قلنا يا رسول الله ما الإستيناس ؟ قال : يتكلم الرجل بالتسبيحه والتحميده والتكبيره و يتحنح على أهل البيت . . . » ;

از ابویوب انصاری روایت شده است که گفت: به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) گفتیم: «استیناس» چیست؟ فرمود: این است که شخص با تکلم به تسبیح، تمجید، تکبیر و صدا از سینه در آوردن بر اهل خانه [آنان را با خبر سازد]».

13 - « عن أبي عبد الله (ع) قال : الإستيناس ، وقع النعل و التسليم ;

از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: استیناس کوبیدن کفش بر زمین و سلام کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 28 - 3, 2, 1

1 - ورود به خانه و محل سکونت دیگران با علم به این که کسی در آن نیست ، ممنوع است .

فإن لم تجدوا فيها أحداً فلا تدخلوها

2 - ورود به خانه و محل سکونت دیگران به هنگام نیافتن کسی در آن ، با کسب مجوز شرعی یا قانونی ، جایز است .

فإن لم تجدوا فيها أحداً فلا تدخلوها حتى يؤذن لكم

مجهول آمدن فعل «یؤذن» - بدون ذکر فاعل (اجازه دهنده) - می تواند حاکی از این نکته باشد که برای ورود به خانه دیگران، یک نوع مجوزی لازم است؛ چه آن مجوز ناشی از قوانین متعارف باشد و چه از ناحیه شرع.

3 - مؤمنان در صورت مواجه شدن با بی میلی صاحب خانه و درخواست مراجعت ، باید عذر او را موجه دانسته و بازگردند .

فإن لم تجدوا فيها أحداً فلا تدخلوها حتى يؤذن لكم

5- آداب ورود به خانه محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 53 - 3

3 - خانه های پیامبر (صلی الله علیه و آله) - از جهت وارد شدن در آنها - همانند خانه های سایر مردم نیست و آداب خاصی دارد .

لا تدخلوا بيوت النبي إلا أن يؤذن لكم

6- آرامش در خانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 80 - 2, 1

1- خداوند ، خانه و منزل را ، مایه آرامش انسان قرار داد .

و الله جعل لكم من بيوتكم سكناً

2- برخوردارى انسان از آرامش در خانه خود ، از نعمت های خداوندی

و الله جعل لكم من بيوتكم سكناً

7- ابزار ساخت خانه های سبک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 80 - 5,6

ص: 79

5- آفرینش دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) ، به گونه ای که از پوست آنها خانه و سرپناه سبک و قابل انتقال (برای عشایر و صحرانشین) ساخته شود ، به قدرت خداست .

و الله .. جعل لكم من جلود الأنعم بيوتاً تستخفونها يوم ظعنكم و يوم إقامتكم

6- بهره‌وری انسان ، از پوست دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) برای ساختن سرپناه سبک و قابل انتقال ، از نعمت های الهی است .

و جعل لكم من جلود الأنعم بيوتاً

8- اتاقهای خانه محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 4 - 3

3 - خانه پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، دارای حجره های متعدد *

إنّ الذين ينادونك من وراء الحجرت

برداشت بالا- بدان احتمال است که مراد از «الحجرات» اتاق هایی بوده که در اطراف مسجد، به پیامبر(صلی الله علیه و آله) اختصاص داشته است و برخی از درون مسجد با صدای بلند آن حضرت را می خواندند.

9- اجازه ورود به خانه محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 53 - 16، 7

7 - اذن ورود به خانه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به هر صورتی به دست آید کافی است .

لا تدخلوا بيوت النبيّ إلاّ أن يؤذن لكم

مجهول آورده شدن فعل «يؤذن» می تواند اشاره به این نکته باشد که لازم نیست اذن، از سوی خود آن حضرت و با لفظ خاصی باشد، لذا چنان چه تحصیل رضایت به هر نحو شد، اذن تلقی می شود و ورود به خانه، جایز می گردد.

16 - وارد شدن بدون اجازه به خانه پیامبر (صلی الله علیه و آله) و به انتظار غذا نشستن بدون دعوت قبلی ، موجب اذیت آن حضرت بود و باید از آن پرهیز می شد .

لا تدخلوا بيوت النبيّ إلاّ أن يؤذن لكم إلى طعام غير نظرين إنيه و لكن إذا دعيتم ف

برداشت بالا بنابراین احتمال است که مشارالیه «ذککم» نهی «لاتدخلوا» و «غیر ناظرین» باشد.

10- اخراج مطلقه از خانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 1 - 13,24,26,27

ص: 80

13 - مردان، می توانند زنان مطلقه خود را در صورت ارتکاب عملی بسیار زشت و روشن (مانند زنا و...) از خانه های خویش بیرون کنند.

و لایخرجن إلا أن یأتین بفحشه مبیّنه

به هر عمل و گناهی که زشتی آن شدید و بزرگ باشد، «فاحشه» اطلاق می شود؛ مانند زنا در مورد زنان (برگرفته از قاموس المحيط و مفردات راغب).

24 - «عن سعدبن ابی خَلف قال : سألت أبا الحسن موسى بن جعفر (ع) : . . . أليس الله عزّوجلّ يقول : « لا تخرجهنّ من بیوتهنّ و لا یخرجن » قال : فقال إنّما عنی بذلك الّتی تطلّق تطیقه بعد تطلیقه فتلك الّتی لا تخرُج و لا تُخرج حتّی تطلق الثالثه فإذا طلقت الثالثه فقد بانت منه و لانفقه ل ها ، و المرأه الّتی یطلّق ها الرجل تطلیقه ثمّ یدع ها حتّی یخلوا أجل ها فهذا أيضاً یقعد فی منزل زوج ها و ل ها النفقه و السکنی حتّی تتقضی عدّت ها ؛

سعدبن ابی خلف گوید: از امام کاظم (ع) پرسیدم.. [و] گفتم: آیا خداوند عزّوجلّ فرموده: «لا تخرجهنّ و لایخرجن» حضرت فرمود: خداوند [در این دستور] زنی را قصد کرده که دو بار [به طلاق رجعی] طلاق داده می شود. این زن [نباید در زمان عدّه] از خانه خارج شود و نباید شوهر او را خارج کند تا این که طلاق سوم واقع شود. پس آن گاه که برای بار سوم، طلاق داده شد از شوهر جدا می شود و برای او نفقه نیست. و زنی که شوهر او یک بار طلاق داده و او را رها نموده تا این که عدّه اش تمام شود، او نیز در منزل شوهرش می نشیند [و نباید خارج شود] و حق نفقه و سکنی دارد تا عدّه اش تمام شود.

26 - «و سئل الصادق (ع) عن قول الله عزّوجلّ : « و اتقوا الله ربکم لا تخرجهنّ من بیوتهنّ و لایخرجن إلا أن یأتین بفاحشه مبیّنه » قال : إلا أن تزنی فتخرج و یقام علیها الحدّ ؛

از امام صادق (ع) درباره سخن خدای عزّوجلّ: «.. لا تخرجهنّ من بیوتهنّ إلا أن یأتین بفاحشه مبیّنه» سؤال شد فرمود: [زن در عدّه طلاق رجعی نباید از خانه خارج شود] مگر این که مرتکب زنا شود. در این صورت او را از خانه بیرون می برند و بر او حد جاری می گردد.

27 - «عن الرضا (ع) فی قول الله عزّوجلّ : « لا تخرجهنّ من بیوتهنّ و لایخرجن إلا أن یأتین بفاحشه مبیّنه » قال : إذاها لأهل الرجل و سوء خلقها ؛

از امام رضا (ع) درباره سخن خداوند عزّوجلّ «لا تخرجهنّ من بیوتهنّ و لایخرجن إلا أن یأتین بفاحشه مبیّنه» روایت شده که فرمود: [مراد از فاحشه مبیّنه] آزار دادن زن به خانواده شوهر و بد خلقی او است.

11- استحکام خانه های قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- خانه های مستحکم قوم عاد ، ناتوان از محافظت ایشان در برابر عذاب الهی *

فأصبحوا لآئيرى إلاّ مسكنهم

برداشت یاد شده در صورتی است که از برجای ماندن خانه های قوم عاد، استحکام آن خانه ها استفاده شود.

ص: 81

12- استیذان هنگام ورود به خانه دیگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 27 - 2،5

2- ورود به خانه و محل سکونت دیگران ، بدون اطمینان از وجود صاحب آن و اجازه از او ، ممنوع است .

لاتدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتی تستأنسوا

برداشت فوق، بر این مبنا است که «استئناس» (مصدر «تستأنسوا») استفعال از «أنس إذا أبصر» و به معنای استعمال و استکشاف باشد. بر این اساس معنای آیه چنین می شود: «وارد خانه کسی نشوید تا آن که از وضعیت و احوال صاحب خانه باخبر شوید که معمولاً این استعمال همراه با استیذان (اجازه خواستن) است».

5- اذن خواستن و سلام کردن ، از شرایط و آداب ورود به محل سکونت و خانه دیگران

لاتدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتی تستأنسوا و تسلّموا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 28 - 2

2- ورود به خانه و محل سکونت دیگران به هنگام نیافتن کسی در آن ، با کسب مجوز شرعی یا قانونی ، جایز است .

فإن لم تجدوا فيها أحداً فلا تدخلوها حتى يؤذن لكم

مجهول آمدن فعل «يؤذن» - بدون ذکر فاعل (اجازه دهنده) - می تواند حاکی از این نکته باشد که برای ورود به خانه دیگران، یک نوع مجوزی لازم است؛ چه آن مجوز ناشی از قوانین متعارف باشد و چه از ناحیه شرع.

13- اقامت طولانی در خانه محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 57 - 4

4- کسانی که وارد منزل پیامبر (صلی الله علیه و آله) شوند و اقامت خود را در حدّ آزاردهندگی آن حضرت ادامه دهند ، مورد لعن خداوند .

و لا مستنسين لحديث إن ذلكم كان يؤذي النبي... إن الذين يؤذون... ورسوله لعن

14- امنیت خانه مجاهدان غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 13 - 12

12 - خانه و کاشانه مجاهدان شرکت کننده در غزوه احزاب ، خلل ناپذیر و دارای استحکام بود .

يقولون إنّ بيوتنا عورة و ما هي بعورة

ص: 82

15- اهمیت آسایش در خانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 27 - 3

3 - اهتمام اسلام به حفظ امنیت و آسایش محیط خانه و پرهیز کردن از ایجاد مزاحمت و نا امنی در آن

لاتدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتی تستأنسوا

16- اهمیت امنیت در خانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 27 - 3

3 - اهتمام اسلام به حفظ امنیت و آسایش محیط خانه و پرهیز کردن از ایجاد مزاحمت و نا امنی در آن

لاتدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتی تستأنسوا

17- اهمیت عاریه اثاث خانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ماعون - 107 - 7 - 7

7 - « قال أبو عبد الله (ع) . . . قوله عز وجل « ويمنعون الماعون » قال : هو القرض يُقرضه والمعروف يصطنعه ومتاع البيت يعيره و منه الزكاه ;

امام صادق (ع) [درباره] سخن خدای عزوجل « ويمنعون الماعون » فرمود: ماعون، قرضی است که [انسان] به دیگری می دهد و کار نیکی است که [درباره دیگران] انجام می دهد و وسایل خانه است که عاریه می دهد و از [مصادیق] ماعون، زکات است.»

18- بنی اسرائیل و خانه سازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 87 - 5

5 - خداوند ، فرمان داد تا بنی اسرائیل در بر پا کردن خانه های خود ، آنها را رو به روی هم بسازند .

واجعلوا بیوتکم قبله

برداشت فوق مبتنی بر این است که لفظ «قبله» مصدر نوعی به معنای اسم فاعل باشد؛ یعنی: اجعلوا بیوتکم متقابله.

ص: 83

19- پلکان خانه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 33 - 3

3 - خداوند ، توانا بر مرفه ساختن زندگی کافران ، تا جایی که سقف خانه های خود را از نقره بسازند و دارای پلکان هایی باشند که بر آن بالا بروند .

لجعلنا. .. لیبوتهم سقفاً من فضة و معارج علیها یظہرون

20- تاریخ خانه سازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 82 - 3

3- وجود صنعت خانه سازی و سنگ تراشی در میان مردم حجر (قوم ثمود)

و كانوا ینحتون من الجبال بیوتاً ءامنین

21- تخریب خانه های بنی نضیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 2 - 18،19

18 - اقدام یهود بنی نضیر ، به تخریب خانه های خویش

یخربون بیوتهم بأیدیهم

19 - وحشت و هراس بنی نضیر ، مایه اقدام آنان به تخریب خانه هایشان

وقذف فی قلوبهم الرعب یخربون بیوتهم بأیدیهم

22- تخریب خانه های قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 7 - 3

3 - استحکام سرزمین عاد و عظمت ساختمان های آن ، مانع تأثیر عذاب الهی در تخریب و نابودی آن نبود .

کیف فعل ربّک . . . إرم ذات العماد

ص: 84

23- تلاوت آیات خدا در خانه همسران محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 34 - 8

8 - در خانه های همسران پیامبر ، آیات خدا و حکمت ، تلاوت می شده است .

و اذکرن ما یتلی فی بیوتکن من آیت الله و الحکمہ

24- تلاوت حکمت در خانه همسران محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 34 - 8

8 - در خانه های همسران پیامبر ، آیات خدا و حکمت ، تلاوت می شده است .

و اذکرن ما یتلی فی بیوتکن من آیت الله و الحکمہ

25- تمثیل به خانه عنکبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 43 - 8

8 - تمثیل بی بنیادی شرک به خانه عنکبوت ناشی از علم و برهان است .

مثل الذین اتّخذوا من دون الله اولیاء کمثل العنکبوت اتّخذت بیئاً . . . و تلك الأم

26- تملک خانه های یهود بنی قریظه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 27 - 9، 2، 1

1 - سرزمین ها و خانه ها و مال های یهود بنی قریظه ، در غزوه بنی قریظه ، به تملک مسلمانان درآمد .

و أورثکم أرضهم و دیرهم و أموالهم

2 - خداوند فراهم آورنده زمینه تملک اموال و خانه و سرزمین یهود بنی قریظه برای مسلمانان مدینه

وَأورثكم أرضهم وديارهم وأموالهم

9- قدرت مطلق خداوند ، عامل فروپاشی یهود بنی قریظه و به ارث رسیدن اموال و خانه ها و سرزمین شان به مسلمانان مدینه بود .

وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكُتُبِ... وَأَوْرَثَكُمْ أَرْضَهُمْ... وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ

ص: 85

27- توقف در کنار خانه دیگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 28 - 4

4 - توقف در کنار درب خانه و محل سکونت دیگران، به هنگام مواجه شدن با بی میلی صاحب آن و درخواست مراجعت، ممنوع است

وإن قیل لکم ارجعوا فارجعوا

28- تهیه اثاث خانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 80 - 8,9

8- به کار آمدن پشم، کرک و موی حیوانات در ساختن اثاثیه و لوازم زندگی، از نعمت های الهی است.

و من أصفوفها و أوبارها و أشعارها أثثاً و متعاً

9- پشم، کرک و موی دام ها (شتر، گاو و گوسفند) برای ساختن اثاثیه و لوازم زندگی، متناسب با زیست طبیعی انسان است.

جعل لکم من الأنعم... تستخفونها... أثثاً و متعاً

از اینکه خداوند پشم، کرک و موی دامها را در جهت تهیه اثاثیه و لوازم زندگی آفریده است، گویای متناسب بودن آنها با زیست طبیعی انسان می باشد؛ چون خداوند حکیم و داناست.

29- حفاظ خانه های محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 53 - 38

38 - خانه های پیامبر دارای پوشش و پرده بود.

و إذا سألتموهنّ متعاً فسنلوهنّ من وراء حجاب

30- خانه اسماعیل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

23 - مقام ابراهیم (ع) که نقش دو پای وی بر آن است و حجرالاسود و خانه اسماعیل نشانه هایی روشن در مسجدالحرام

فیه آیات بینات مقام ابراهیم

ص: 86

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از «ایات بیّنات» در آیه فوق فرمود: مقام ابراهیم حیث قام علی الحجر فآثرت فیہ قدماه و الحجر الاسود و منزل اسماعیل.

کافی، ج 4، ص 223، ح 1؛ تفسیر عیاشی، ج 1، ص 187، ح 99.

31- خانه داری مادر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 11 - 2

2- تدبیر امور خانه و سرپرستی اعضای آن برعهده مادر موسی

و قالت لأخته قصیه

در این فراز از زندگی موسی، تنها مادر وی مطرح است و سخنی از پدر او به میان نیامده است. این یا بدان جهت است که پدر موسی در قید حیات نبوده و یا نقش چندانی در سرپرستی امور خانه نداشته است. این نقش را مادر موسی ایفا می کرده است.

32- خانه سازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 80 - 5

5- آفرینش دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) ، به گونه ای که از پوست آنها خانه و سرپناه سبک و قابل انتقال (برای عشایر و صحرانشین) ساخته شود ، به قدرت خداست .

والله .. جعل لكم من جلود الأنعم بيوتاً تستخفونها يوم ظعنكم و يوم إقامتكم

33- خانه سازی در قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 74 - 10، 9

9- قوم ثمود در دشت های متعدد ، قصر های بسیار بنا کردند و از کوه ها خانه های زیادی تراشیدند .

تتخذون من سهولها قصوراً و تحتون الجبال بیوتاً

«سهول» جمع سهل است و سهول الأرض به معنای زمینهای هموار می باشد که از آن به دشتها و صحراها تعبیر می شود. «الجبال» من الجبال بوده و در اصطلاح منصوب به نزع خافض است. بنابراین جمله «إذ... تنحتون الجبال بیوتاً»، یعنی آنگاه که از کوهها خانه ها می تراشیدید.

10 - قوم ثمود مردمی متمدن و آگاه به شیوه های گوناگون در خانه سازی

تتخذون من سهولها قصوراً و تنحتون الجبال بیوتاً

ص: 87

34- خانه سازی در کوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 74 - 9

9- قوم ثمود در دشت های متعدد، قصر های بسیار بنا کردند و از کوه ها خانه های زیادی تراشیدند .

تتخذون من سهولها قصوراً و تحتون الجبال بیوتاً

«سهول» جمع سهل است و سهول الأرض به معنای زمینهای هموار می باشد که از آن به دشتها و صحراها تعبیر می شود. «الجبال» من الجبال بوده و در اصطلاح منصوب به نزع خافض است. بنابراین جمله «إذ... تحتون الجبال بیوتاً»، یعنی آنگاه که از کوهها خانه ها می تراشیدید.

35- خانه سازی قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 82 - 3

3- وجود صنعت خانه سازی و سنگ تراشی در میان مردم حجر (قوم ثمود)

و كانوا ینحتون من الجبال بیوتاً ءامنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 149 - 1

1 - ثمودیان، استاد در ساختن خانه در دل کوه با تراشیدن ماهرانه سنگ ها

و تحتون من الجبال بیوتاً فرهین

«نَحَتْ» (مصدر «تحتون») به معنای تراشیدن و «فراهه» (مصدر «فارهین») به معنای مهارت و استادی است؛ یعنی، و با مهارت برای خود خانه هایی از کوه ها می تراشید؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 9 - 8، 4

4- قوم ثمود با بریدن صخره ها، میان درّه و دشت، خانه های سنگی بنا کرده بودند .

«صخر» (جمع «صخره») به معنای سنگ های بزرگ و سخت و «جَوْب» (مصدر «جابوا») به معنای پاره کردن و نیز پیمودن است. گفتنی است که اسناد آن به سنگ، با معنای پاره کردن سازگار است. «وادی» - که حرف آخر آن به دلیل آخر آیه بودن حذف شده است - به معنای فاصله بین کوه ها و تپه ها است. (قاموس)

8 - آگاهی قوم ثمود ، به نحوه بریدن سنگ های کوه و ایجاد خانه های سنگی

36- خانه سازی قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 7 - 4

4- قوم عاد ، مردمی متمدن و آشنا با فن ساختمان سازی

إرم ذات العماد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 8 - 2

2- قوم عاد ، پیشرفته در فنّ خانه سازی و معماری

الَّتِي لَمْ يَخْلُقْ مِثْلَهَا فِي الْبَلَدِ

37- خانه نشینی همسران محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 33 - 1

1 - همسران پیامبر ، به ملازم بودن در خانه های خود ، موظف بودند .

ينساء النبيّ . . . و قرن في بيوتكنّ

«قرن» از مصدر «قرار» است که به معنای «قرار گرفتن و ثبات یافتن» است.

38- خانه نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 28 - 18

18 - « عن أبي شعيب الخراساني قال : قلت لأبي الحسن الرضا (ع) . . . قال : إنّ مسجد الكوفة بيت نوح . . . فيه دعوة نوح حيث قال : »

ربّ اغفر لي ولوالدي وللمن دخل بيتي مؤمناً « قال : قلت : من عني بوالديه ؟ قال : آدم وحوّاء ؛

ابوشعیب خراسانی از امام رضا(ع) روایت کرده . . . که فرمود: مسجد کوفه خانه نوح(ع) است ... دعای نوح در آن جا این بوده است که گفت: «ربّ اغفر لی ولوالدی و لمن دخل بیتی مؤمناً». ابوشعیب گفت: به امام(ع) عرض کردم: نوح(ع) از والدینش چه کسی را قصد کرده؟ فرمود: آدم و حوّا را».

39- خانه های اخروی مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 12 - 8

8 - وجود خانه های عالی و دلپذیر برای مؤمنان مجاهد در « جنّات عدن »

و مسکن طیبه فی جنّات عدن

« جنّات عدن »، می توان اسم خاص باشد و غیر از « جنّات تجری » به شمار آید، برآشت یاد شده برگرفته از این احتمال است.

40- خانه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 72 - 6

6 - وجود خانه های عالی و پاکیزه برای مؤمنان نیک کردار در « جنّات عدن »

و مسکن طیبه فی جنت عدن

« جنّات عدن » می تواند نامی خاص باشد و غیر از « جنّات تجری . . . » به شمار آید. برداشت فوق برگرفته از این احتمال است.

41- خانه های رفیع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 36 - 10، 14، 9، 2، 1

1 - مثل نور خدا، همانند چراغ دانی است دربرگیرنده چراغی پر فروغ و نورافشان که در خانه هایی است که به اذن خداوند، رتبه رفیع یافته اند و همواره مرکز یاد خدا هستند .

مثل نوره کمشکوه فیها مصباح المصباح فی زجاجه . . . فی بیوت اذن الله ان ترفع و یذک

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که «فی بیوت» متعلق به «مشکوه» و صفت برای آن باشد.

2 - خانه هایی که به اذن خداوند عظمت و رفعت یافته اند و همواره یاد خدا در آنها زنده است، مرکز نور و هدایت خدا هستند .

مثل نوره کمشکوه . . . یهدی الله لنوره من یشاء . . . فی بیوت اذن الله ان ترفع و یذک

برداشت یاد شده، بر این اساس استوار است که «فی بیوت» متعلق به «یهدی الله لنوره..» باشد.

9- تعلق اذن خداوند، بر رفعت و منزلت برخی از خانه ها و مکان ها

فی بیوت اذن الله أن ترفع

10 - منزل های عظمت یافته به اذن خداوند، محل تسبیح شبانه روزی مردمان شایسته است .

فی بیوت اذن الله أن ترفع . . . یسبح له فیها بالغدو و الأصل

14 - « عن أبي جعفر (ع) (فی قوله تعالی « فی بیوت اذن الله أن ترفع و یذکر فیها اسمه » (قال) هی بیوتات الأنبیاء والرسل

ص: 90

و الحکما و ائمه الهدی . . . ؛

از امام باقر(ع) روایت شده است که [درباره قول خدای تعالی] «فی بیوت أذن الله أن ترفع و يذكر فیهما اسمہ» فرمود: آن بیوت، خانه های پیامبران، رسولان، حکما و ائمه هدی است».

42- خانه های سنگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 80 - 5

5- اصحاب حجر (قوم ثمود) دارای خانه های سنگی و مستحکم بودند .

و لقد کذب أصحاب الحجر المرسلین

نام گذاری قوم ثمود به «اصحاب حجر» می تواند گویای برداشت فوق باشد. جمله «و كانوا ینحتون من الجبال بیوتاً...» در دو آیه بعد مؤید آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 82 - 1،2

1- اصحاب حجر با شکافتن کوه ها ، خانه های امنی برای خود در دل آن می ساختند .

و كانوا ینحتون من الجبال بیوتاً امنین

تراشیدن کوهها به منظور ساختن خانه به دو گونه قابل تصور است: 1- ساختن خانه های سنگی از بریده های کوهها در دامنه کوهها و یا در جای دیگر. 2- ساختن خانه از خود کوهها و در دل آنها. چنان که در سوره «نحل» (آیه 68) همین تعبیر به کار رفته است: (...أن اتخذی من الجبال بیوتاً).

2- اصحاب حجر با تراشیدن کوه ها ، از سنگ های آن برای خود خانه های امنی می ساختند .

و كانوا ینحتون من الجبال بیوتاً امنین

مقصود از تراشیدن کوهها به منظور ساختن خانه امن ممکن است ساختن خانه های سنگی به خاطر استحکام آن باشد.

43- خانه های سنگی قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- امنیت ، هدف و مقصود تعیین کننده در کیفیت و نوع خانه سازی مردم حجر (قوم ثمود) بود .

و كانوا ينحتون من الجبال بيوتاً آمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 9 - 4,5

ص: 91

4- قوم ثمود با بریدن صخره ها ، میان درّه و دشت ، خانه های سنگی بنا کرده بودند .

و ثمود الذین جابوا الصخر بالواد

«صخر» (جمع «صخره») به معنای سنگ های بزرگ و سخت و «جَوْب» (مصدر «جابوا») به معنای پاره کردن و نیز پیمودن است. گفتنی است که اسناد آن به سنگ، با معنای پاره کردن سازگار است. «وادی» - که حرف آخر آن به دلیل آخر آیه بودن حذف شده است - به معنای فاصله بین کوه ها و تپه ها است. (قاموس)

5- خانه های سنگی و مستحکم قوم ثمود ، بی ثمر در نجات آنان از عذاب الهی

الم تر کیف فعل ربّک . . . و ثمود الذین جابوا الصخر بالواد

44- خانه های فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 26 - 1

1- برجای ماندن مزارع بزرگ و خانه های بس مجلل ، از فرعونیان غرق شده در دریا

وزروع و مقام کریم

45- خانه های قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 84 - 3

3- عذاب الهی (صیحه) اصحاب حجر را در داخل خانه های سنگی و دژ های مستحکمشان درهم کوبید .

ینحتون من الجبال بیوتاً امنین . فأخذتهم الصیحه ... فما أغنی عنهم ما كانوا یکسبو

اصحاب حجر برای در امان ماندن از عذاب الهی، خانه های سنگی بنا کرده بودند؛ ولی این خانه ها آنان را از عذاب مصون نداشت و در دفع آن کارساز نبود (فما أغنی عنهم ..). حقیقت فوق بیانگر این نکته است که در وقت عذاب، آنان در همین خانه ها سُکنی داشته اند.

46- خانه های قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 25 - 5

5- خانه های خالی از سکنه ، تنها آثار برجای مانده از سرزمین قوم عاد پس از فرو نشستن عذاب

فأصبحوا لایری إلاّ مسکنهم

ص: 92

خانه های مرتفع سرزمین ارم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 7 - 2

2- « ارم » ، سرزمینی دارای ساختمان های مرتفع

إرم ذات العماد

«عماد»، به معنای ساختمان های بلند است و به یک ساختمان «عماده» گفته می شود. (مصباح)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 8 - 1

1 - ساختمان های مرتفع سرزمین ارم ، بی نظیر در تمام سرزمین ها تا عصر بعثت

الَّتِي لَمْ يَخْلُقْ مِثْلَهَا فِي الْبَلَدِ

47- خانه های مرتفع قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 8 - 3

3 - ساختمان های مرتفع و مستحکم قوم عاد ، سست و بی مقاومت در برابر عذاب الهی

كَيْفَ فَعَلَ رَبِّكَ .. الَّتِي لَمْ يَخْلُقْ مِثْلَهَا فِي الْبَلَدِ

48- خانه های منافقان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 13 - 20

20 - « عن عبد الله الحلبي عنه (ع) : إِنَّهُمْ قَالُوا « إِنَّ بَيْوتنا عوره ... » فَأَكْذَبَهُمُ اللَّهُ قَالَ : « و ما هي بعوره ... » و هي رفيعه السمك

حصينه ;

از عبدالله حلبی، از امام (ع) نقل شده که منافقان گفتند: خانه های ما بی حفاظ است. خداوند آنان را تکذیب کرد و فرمود: «و ما هی

بعوره...» و آن خانه ها، دارای دیوارهای بلند و محکم بود.»

49- خانه های همسران محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 93

2- همسران پیامبر، برای خود حجره و خانه مخصوص داشتند.

و قرن فی بیوتکن

اضافه «بیوت» به ضمیر «کُن» احتمال دارد به خاطر ملک بودن آن خانه ها برای همسران پیامبر باشد و احتمال دارد از باب سکونت آنها در آن خانه ها باشد.

50- خروج مطلقه از خانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 1 - 12,24,25

12 - زنان مطلقه، حق ندارند در ایام عدّه از خانه هایشان بیرون بروند.

و لایخرجن

24 - «عن سعدبن ابی خَلف قال : سألت أباالحسن موسى بن جعفر (ع) : . . . أليس الله عزّوجلّ يقول : « لا تخرجهنّ من بیوتهنّ و لایخرجن » قال : فقال إنّما عنی بذلك الّتی تطلق تطیقه بعد تطلیقه فتلك الّتی لا تخرج و لا تُخرج حتّی تطلق الثالثه فإذا طلقت الثالثه فقد بانت منه و لانفقه لها ، و المرأه الّتی یطلقها الرجل تطلیقه ثمّ یدعها حتّی یخلوا أجلها فهذا أيضاً یقعد فی منزل زوجها و لها النفقه و السکنی حتّی تنقضی عدّتها ؛

سعدبن ابی خلف گوید: از امام کاظم (ع) پرسیدم.. [و] گفتم: آیا خداوند عزّوجلّ فرموده: «لا تخرجهنّ و لایخرجن» حضرت فرمود: خداوند [در این دستور] زنی را قصد کرده که دو بار [به طلاق رجعی] طلاق داده می شود. این زن [نباید در زمان عدّه] از خانه خارج شود و نباید شوهر او را خارج کند تا این که طلاق سوم واقع شود. پس آن گاه که برای بار سوم، طلاق داده شد از شوهر جدا می شود و برای او نفقه نیست. و زنی که شوهر او یک بار طلاق داده و او را رها نموده تا این که عدّه اش تمام شود، او نیز در منزل شوهرش می نشیند [و نباید خارج شود] و حق نفقه و سکنی دارد تا عدّه اش تمام شود.

25 - «عن سماعه بن مهران ، قال : سألته عن المطلقه أين تعتد ؟ قال فی بیتهما لا تخرج و ان ارادت زیاره خرجت بعد نصف اللیل و لا تخرج نهراً و لیس لها أن تحجّ حتّی تنقض عدّتها ؛

سماعه بن مهران گوید: از امام [صادق (ع)] پرسیدم: زنی که طلاق داده شده در کجا عدّه نگه دارد (عدّه خود را در کجا بگذارد)؟ فرمود: در خانه اش و از آن خارج نشود، و اگر قصد زیارتی (دیداری) را داشت، بعد از نیمه شب خارج گردد و روز بیرون نرود. و برای او جایز نیست حج به جا آورد، تا این که عدّه او تمام شود.

51- خوردن از خانه برادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 3.10

3 - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

ص: 94

لیس علی الأعمی حرج . . . أن تأكلوا من . . . بیوت ءابائکم . . . أو بیوت أخوتکم

10 - استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج . . . أن تأكلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم . . . أو بیوت أخوتکم .

52- خوردن از خانه پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 3،10

3 - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج . . . أن تأكلوا من . . . بیوت ءابائکم . . . أو بیوت أخوتکم

10 - استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج . . . أن تأكلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم . . . أو بیوت أخوتکم .

53- خوردن از خانه خاله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 3،10

3 - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج . . . أن تأكلوا من . . . بیوت ءابائکم . . . أو بیوت أخوتکم

10 - استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج . . . أن تأكلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم . . . أو بیوت أخوتکم .

54- خوردن از خانه خواهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 3،10

3 - نابینایان، لنگ ها و مریضان، در استفاده از خوراکی های منازل پدر، مادر، برادر، خواهر، عمو، عمه، دایی و خاله خود، بدون هیچ اذنی، مجازاند.

لیس علی الأعمی حرج... أن تأكلوا من... بیوت ءابائکم... أو بیوت أخوتکم

10 - استفاده از خوراکی های منازل پدر، مادر، برادر، خواهر، عمو، عمه، دایی و خاله خود، بدون اذن خواستن، جایز است.

ص: 95

لیس علی الأعمی حرج . . . أن تأكلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم . . . أو بیوت أخوتکم .

55- خوردن از خانه خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 14,22

14 - استفاده از خوراکی های موجود در منازل خویشاوندان ، بدون اذن خواستن از ایشان ، از حقوق خویشاوندی است .

لیس علی الأعمی حرج . . . و لا علی أنفسکم أن تأكلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم . . .

مجاز بودن استفاده از خوراکی های منازل پدر، مادر، برادر، خواهر، عمو و . . . - که از خویشاوندان محسوب می شوند - و بدون هیچ اذنی از آنان، حاکی از حقی است میان آنان که باید رعایت شود.

22 - مسلمانان ، در عین مجاز بودن از تناول کردن خوراکی های منازل خویشاوندان و دوستان خویش ، می توانند با هم و یا جدا از آنان و بدون اذن ، غذا میل کنند .

لیس علی الأعمی حرج . . . و لا علی أنفسکم أن تأكلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم . . . أ

56- خوردن از خانه دایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 3,10

3 - نایبانیان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج . . . أن تأكلوا من . . . بیوت ءابائکم . . . أو بیوت أخوتکم

10 - استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج . . . أن تأكلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم . . . أو بیوت أخوتکم .

57- خوردن از خانه دوست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 4,13,15,22,39

4 - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازلی که کلید های آنها را در دست دارند و نیز از منازل دوستان خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج . . . أن تأكلوا من بیوتکم . . . أو ما ملکتم مفاتحه أو صدیقکم

13 - استفاده از خوراکی های منازل دوستان ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

ص: 96

لیس علی الأعمی حرج . . . أن تأكلوا من بیوتکم ... أو صدیقکم

15 - استفاده از خوراکی های موجود در منازل دوستان ، بدون اذن خواستن از ایشان از حقوق دوستی است .

لیس علی الأعمی حرج . . . ولا علی أنفسکم أن تأكلوا من بیوتکم ... أو ما ملکتم مفات

22 - مسلمانان ، در عین مجاز بودن از تناول کردن خوراکی های منازل خویشاوندان و دوستان خویش ، می توانند با هم و یا جدا از آنان و بدون اذن ، غذا میل کنند .

لیس علی الأعمی حرج . . . ولا علی أنفسکم أن تأكلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أ

39 - « عن أبي عبدالله (ع) في قول الله عزّوجلّ : « أو ما ملکتم مفاتحه أو صدیقکم » قال : هولاء الذین سمّی الله عزّوجلّ فی هذه الآیه تأکل بغیر إذنهم من التمر و المأدوم . . . فأما ما خلا ذالک من الطعام فلا ؛

از امام صادق(ع) درباره سخن خدای - عزّوجلّ - «أو ما ملکتم مفاتحه أو صدیقکم» فرمود: افرادی که خداوند - عزّوجلّ - در این آیه ذکر کرده است، بدون اجازه شان از خرما و نان خورشیشان بخورید. .. و غیر از آن، از بقیه طعام ها نمی توانید بدون اجازه بخورید».

58- خوردن از خانه عمو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 10،3

3 - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج . . . أن تأكلوا من ... بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم

10 - استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج . . . أن تأكلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم .

59- خوردن از خانه عمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 10،3

3 - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

ليس على الأعمى حرج . . . أن تأكلوا من . . . بيوت ءابائكم . . . أو بيوت أخوتكم

10 - استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

ليس على الأعمى حرج . . . أن تأكلوا من بيوتكم أو بيوت ءابائكم . . . أو بيوت أخوتكم .

ص: 97

60- خوردن از خانه فرزند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 2,9

2 - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های اهل خانه خود (فرزندان و همسر) بدون هیچ اجازه ای ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج ولا علی الأعرج حرج ولا علی المریض حرج . . . أن تأكلوا من بیو

برداشت فوق ، مبتنی بر این است که جمله «ولا علی أنفسکم أن تأكلوا من بیوتکم» عطف بر جمله پیشین باشد. گفتنی است مقصود از «بیوتکم» (خانه های خود) خانه همسر و فرزندان است که از افراد خودی هر شخصی محسوب می شوند.

9 - استفاده از خوراکی های اهل خانه خود (فرزندان و همسر) بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج . . . ولا علی أنفسکم أن تأكلوا من بیوتکم

61- خوردن از خانه مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 3,10

3 - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج . . . أن تأكلوا من . . . بیوت ءابائکم . . . أو بیوت أخوتکم

10 - استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج . . . أن تأكلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم . . . أو بیوت أخوتکم .

62- خوردن از خانه موکل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 36,39,11,4

4 - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منزلی که کلید های آنها را در دست دارند و نیز از منازل دوستان خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج . . . أن تأكلوا من بیوتکم . . . أو ما ملکتم مفاتحه أو صدیقکم

11 - استفاده از خوراکی های منزلی که کلید های آنها در دست انسان است ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج . . . أن تأكلوا من بیوتکم . . . أو ما ملکتم مفاتحه

12 - انبارداران و کسانی که وکیل افراد در نگه داری خوردنی ها و مواد غذایی اند ، می توانند بدون اذن خواستن از صاحبان آنها ، از آن خوردنی ها تناول کنند .

لیس علی الأعمی حرج . . . أن تأكلوا من بیوتکم . . . أو ما ملکتم مفاتحه

برخی از مفسران بر آنند که مقصود از «ما ملکتم مفاتحه» کسانی اند که وکیل و قیم دیگران در آب ملک و حیواناتی مانند گاو،

گوسفند و شتر می باشند. این افراد حق دارند بدون اذن خواستن، از خوراکی های موجود در انبارها و نیز از شیر و دیگر فراورده های حیوانات تحت حفاظت خود، به مقدار مصرف شخصی خود بهره گیرند.

36 - « عن أبي عبدالله (ع) في قول الله عزوجل: « أو ما ملكتكم مفاتحه » قال: الرجل يكون له وكيل يقوم في ماله فيأكل بغير إذنه؛

از امام صادق (ع) روایت شده است که در باره سخن خدای - عزوجل - «أو ما ملكتكم مفاتحه» فرمود: این مانند آن است که شخص، وکیلی دارد که اداره مال او در دست وی است. او می تواند بدون اجازه صاحب مال از آن بخورد».

39 - « عن أبي عبدالله (ع) في قول الله عزوجل: « أو ما ملكتكم مفاتحه أو صديقكم » قال: هؤلاء الذين سمى الله عزوجل في هذه الآية تأكل بغير إذنهم من التمر و المأدوم . . . فأما ما خلا ذلك من الطعام فلا؛

از امام صادق (ع) درباره سخن خدای - عزوجل - «أو ما ملكتكم مفاتحه أو صديقكم» فرمود: افرادی که خداوند - عزوجل - در این آیه ذکر کرده است، بدون اجازه شان از خرما و نان خورششتان بخورید. .. و غیر از آن، از بقیه طعام ها نمی توانید بدون اجازه بخورید».

63- خوردن از خانه همسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 2،9

2 - ناینیان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های اهل خانه خود (فرزندان و همسر) بدون هیچ اجازه ای ، مجازاند .

ليس على الأعمى حرج ولا على الأعرج حرج ولا على المريض حرج . . . أن تأكلوا من بيوتكم

برداشت فوق، مبتنی بر این است که جمله «و لا علی أنفسکم أن تأكلوا من بيوتكم» عطف بر جمله پیشین باشد. گفتنی است مقصود از «بیوتکم» (خانه های خود) خانه همسر و فرزندان است که از افراد خودی هر شخصی محسوب می شوند.

9 - استفاده از خوراکی های اهل خانه خود (فرزندان و همسر) بدون اذن خواستن ، جایز است .

ليس على الأعمى حرج . . . ولا على أنفسكم أن تأكلوا من بيوتكم

64- درب خانه های کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 34 - 1

1 - خداوند ، توانا بر مرفه ساختن کافران تا جایی که خانه های خود را مجلل و دارای درب ها و ورودی های متعدد بسازند .

لجعلنا لمن يكفر بالرحمن . . . و لبيوتهم أبوابًا

65- درب خانه های مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 25 - 16

16 - « عن علی (ع) ان رسول الله صلی الله علیه و آله نهی اهل مکه ان یؤاجروا دورهم ، و ان یعلقوا علیها أبواباً ، و قال : « سواء العاکف فیه و الباد » ؛

از حضرت علی(ع) روایت شده است که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) اهل مکه را از اجاره دادن خانه ها و گذاشتن درب برای آنها نهی کرد و فرمود: «سواء العاکف فیه و الباد».

66- درخواست خانه بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 11 - 3

3 - درخواست همسر فرعون از خداوند ، مبنی بر زیستن در جوار رحمت او و بنا کردن خانه ای در بهشت برای وی

إذ قالت ربّ ابن لی عندک بیتاً فی الجنّه

67- درخواست خانه طلایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 93 - 2، 1

1- ایجاد خانه ای از طلا برای خود ، معجزه مورد درخواست (معجزه اقتراحی) مشرکان مکه ، از پیامبر (صلی الله علیه و آله)

أو یکون لک بیت من زخرف

به قرینه سیاق آیات که در آنها معجزه های درخواستی مشرکان مطرح شده است مراد از «أو یکون لک بیت من زخرف» ایجاد خانه ای طلایی از طریق معجزه است.

2- مشرکان مکه ، ایمان خود را به پیامبر (صلی الله علیه و آله) منوط به ایجاد خانه ای از طلا به صورت معجزه آسا کردند .

قالوا لن نؤمن لک حتی . . . أو یکون لک بیت من زخرف

68- رفعت خانه تسبیح گویان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 37 - 3,4

3 - منازل رفعت یافته به اذن خداوند ، تنها شایسته مردان تسبیح گویی است که اشتغال به امور دنیا ، هیچ گاه آنان را از رابطه با خدا ، باز نمی دارد .

ص: 100

فی بیوت اذن الله أن ترفع . . . رجال لاتلهيهم تجره ولابيع عن ذكر الله وإقام ا

برداشت یاد شده، بر این اساس است که «فی بیوت» متعلق به «یسبح» و ظرف برای «رجال» باشد؛ یعنی، خانه هایی که در آن مردمانی وجود دارند که. . .

4- به اذن خدا خانه مردمان تسبیح گو، ذاکر، بر پا دارنده نماز و پرداخت کننده زکات، دارای مجد و عظمت است .

فی بیوت اذن الله أن ترفع و يذكر فيها اسمه يسبح له فيها . . . رجال لاتلهيهم تجر

69- رفعت خانه ذاکران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 37 - 3،4

3 - منازل رفعت یافته به اذن خداوند، تنها شایسته مردان تسبیح گوئی است که اشتغال به امور دنیا، هیچ گاه آنان را از رابطه با خدا، باز نمی دارد .

فی بیوت اذن الله أن ترفع . . . رجال لاتلهيهم تجره ولابيع عن ذكر الله وإقام ا

برداشت یاد شده، بر این اساس است که «فی بیوت» متعلق به «یسبح» و ظرف برای «رجال» باشد؛ یعنی، خانه هایی که در آن مردمانی وجود دارند که. . .

4- به اذن خدا خانه مردمان تسبیح گو، ذاکر، بر پا دارنده نماز و پرداخت کننده زکات، دارای مجد و عظمت است .

فی بیوت اذن الله أن ترفع و يذكر فيها اسمه يسبح له فيها . . . رجال لاتلهيهم تجر

70- رفعت خانه مؤدیان زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 37 - 4

4- به اذن خدا خانه مردمان تسبیح گو، ذاکر، بر پا دارنده نماز و پرداخت کننده زکات، دارای مجد و عظمت است .

فی بیوت اذن الله أن ترفع و يذكر فيها اسمه يسبح له فيها . . . رجال لاتلهيهم تجر

71- رفعت خانه نمازگزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- به اذن خدا خانه مردمان تسبیح گو، ذاکر، بر پا دارنده نماز و پرداخت کننده زکات، دارای مجد و عظمت است .

فی بیوت اذن الله أن ترفع ويذكر فيها اسمه يسبح له فيها .. رجال لا تلهيهم تاجر

ص: 101

72- زمینه تخریب خانه های بنی نصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 2 - 20

20 - یهودیان بنی نصیر ، خود زمینه ساز تخریب خانه هایشان به دست مسلمانان

یخربون بیوتهم بأیدیهم و ایدی المؤمنین

در آیه شریفه، فعل «یخربون» به خود یهود بنی نصیر نسبت داده شده است و مؤمنان مجری تخریب معرفی شده اند. از این مطلب، استفاده می شود که اقدام مؤمنان به تخریب خانه های بنی نصیر، معلول حرکت های توطئه آمیز خود یهود بنی نصیر بوده است.

73- سستی خانه عنکبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 41 - 6، 2، 1

1 - دوست گیرندگان غیر خدا ، همانند عنکبوت اند که خانه ای بس سست و بی بنیاد ، برای خود ساخته است .

مثل الذین اتّخذوا من دون الله اولیاء کمثل العنکبوت اتّخذت بیئاً

2 - انتخاب کنندگان ولی و کارسازی غیر از خدا ، همانند عنکبوت اند که برای خود خانه ای بی بنیاد ، بنا کرده است .

مثل الذین اتّخذوا من دون الله اولیاء کمثل العنکبوت اتّخذت بیئاً

6 - خانه عنکبوت ، بی بنیاد و سست ترین خانه ها است .

وإنّ أوهن البیوت لبیت العنکبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 42 - 3

3 - تشریح بی بنیادی شرک - همانند بی بنیادی خانه عنکبوت - برخاسته از علم خداوند است .

مثل الذین اتّخذوا من دون الله اولیاء کمثل العنکبوت اتّخذت بیئاً .. إنّ الله

74- سستی خانه های قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 8 - 3

3 - ساختمان های مرتفع و مستحکم قوم عاد ، سست و بی مقاومت در برابر عذاب الهی

کیف فعل ربّک . . . الّتی لم یخلق مثلها فی البلد

ص: 102

75- سقف نقره ای خانه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 33 - 3

3 - خداوند ، توانا بر مرفه ساختن زندگی کافران ، تا جایی که سقف خانه های خود را از نقره بسازند و دارای پلکان هایی باشند که بر آن بالا بروند .

لجعلنا .. لیبوتهم سقفاً من فضّه و معارج علیها یظہرون

76- سلام هنگام ورود به خانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 24,37,40

24 - سلام کردن به یکدیگر به هنگام ورود به خانه ها ، توصیه خداوند به همه مسلمانان

فإذا دخلتم بیوتاً فسلموا علی أنفسکم

37 - « عن أبي جعفر (ع) إذا دخل الرجل منكم بيته . . . إن لم يكن فيه أحد فليقل : السلام علينا من عند ربنا يقول الله « تحية من عند الله مبارکه طيبه » ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: هر گاه شخصی از شما وارد خانه خود شود .. اگر کسی در آن خانه نبود، بگوید: «السلام علينا من عند ربنا». خدا می فرماید: تحیه من عندالله مبارکه طيبه».

40 - « أبي الصباح قال : سألت أبا جعفر (ع) ، عن قول الله عزّوجلّ : فإذا دخلتم بيوتاً فسلموا علی أنفسکم . . . » فقال : هو تسليم الرجل علی أهل البيت حين يدخل ثمّ یردون علیه ، فهو سلامکم علی أنفسکم ;

ابوالصباح از امام باقر(ع) پرسید: این که خداوند فرموده است: «فإذا دخلتم بيوتاً فسلموا علی أنفسکم» مراد چیست؟ فرمود: مراد این است که شخص، هرگاه وارد خانه شود، بر اهل خانه سلام کند. پس آنان جواب سلام او را می دهند. پس آن سلام شما بر خودتان است».

77- سلام هنگام ورود به خانه دیگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 27 - 4,5

4 - ورود به محل سکونت و خانه دیگران پیش از سلام کردن به اهل آن ، ممنوع است .

لا تدخلوا بيوتاً غير بيوتكم حتى تستأنسوا و تسلموا على أهلها

5- اذن خواستن و سلام کردن ، از شرایط و آداب ورود به محل سکونت و خانه دیگران

ص: 103

لاتدخلوا بيوتاً غير بيوتكم حتى تستأنسوا و تسلموا

78- صرف غذا در خانه محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 53 - 6,10,15,16,24

6 - مؤمنان ، در صورتی که وارد خانه پیامبر (صلی الله علیه و آله) شدند ، نباید منتظر صرف غذا در آنجا باشند .

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَاتَدْخُلُوا بِيوتِ النَّبِيِّ إِلَّا أَن يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرِ نَظْرِينَ !

«إناء» در لغت به معنای «وقت و ساعت» است (مفردات راغب). مراد از «غیر ناظرین إناء» منتظر بودن برای فرارسیدن وقت غذا است.

10 - مؤمنان ، موظف بودند پس از صرف غذا در میهمانی پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، از خانه آن حضرت پراکنده شوند .

فإذا طعمتم فانتشروا

15 - میهمانان پیامبر (صلی الله علیه و آله) پس از صرف غذا ، نباید به انتظار گفت وگو با اهل خانه آن حضرت ، مجلس را طولانی می کردند .

فانتشروا و لا مستنسين لحديث

برداشت بالا ، بنابراین احتمال است که سرگرم شدن به گفت وگو ، مربوط به اهل خانه باشد و نه گفت وگو با هم . لازم به ذکر است که فراز «و إذا سألتموهنّ...» مؤید این برداشت است.

16 - وارد شدن بدون اجازه به خانه پیامبر (صلی الله علیه و آله) و به انتظار غذا نشستن بدون دعوت قبلی ، موجب اذیت آن حضرت بود و باید از آن پرهیز می شد .

لاتدخلوا بيوتِ النَّبِيِّ إِلَّا أَن يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرِ نَظْرِينَ إِنِيه و لكن إذا دعيتم ف

برداشت بالا بنابراین احتمال است که مشارالیه «ذلكم» نهی «لاتدخلوا» و «غیر ناظرین» باشد.

24 - فرمان به خروج از خانه پیامبر (صلی الله علیه و آله) پس از صرف غذا ، سخن و فرمان حق است .

فإذا طعمتم فانتشروا و لا مستنسين لحديث إن ذلكم كان يؤذي النَّبِيَّ فيستحيي منكم و

79- عاریه اثاث خانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - کسانی که از عاریه دادن لوازم منزل، دریغ ورزیده، احتیاجات مردم را نادیده می‌گیرند، گرفتار نفرین خدایند و عذاب جهنم، فرجام آنان است.

فویل... و یمنعون الماعون

«ماعون»، عنوان عامی برای اثاثیه منزل، از قبیل دیگ، تیر، و کاسه است (مصباح). این کلمه به معنای کار خیر و باران و آب و هر چیز نافع نیز می‌آید (قاموس). ریشه آن «مَعْن» (چیزی که کم و آسان باشد) است و برخی اصل آن را «معونه» (ابزار کمک دهنده) دانسته‌اند. (صحاح اللغه)

ص: 104

80- عبادت در شرق خانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 16 - 6

6- در آیین مریم (س)، شرق خانه و یا معبد، مکانی مناسب تر برای عبادت بود. *

إذ انتبذت من أهلها مكاناً شرقياً

است.

81- عظمت خانه های قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 7 - 3

3 - استحکام سرزمین عاد و عظمت ساختمان های آن، مانع تأثیر عذاب الهی در تخریب و نابودی آن نبود.

کیف فعل ربّک . . . إرم ذات العماد

82- فلسفه خانه سازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 80 - 4

4- تأمین آرامش و آسایش، فلسفه و حکمت ساختن خانه و منزل است.

والله جعل لکم من بیوتکم سکناً

83- قبول عذرخواهی صاحب خانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 28 - 3,6

3 - مؤمنان در صورت مواجه شدن با بی میلی صاحب خانه و درخواست مراجعت، باید عذر او را موجه دانسته و بازگردند.

فإن لم تجدوا فيها أحداً فلا تدخلوها حتی یؤذن لکم

6- پذیرفتن عذر صاحب خانه و تحمیل نکردن خود بر او و انصراف از ورود به خانه وی ، نشانه رشد و بالندگی است .

وإن قیل لکم ارجعوا فارجعوا هو اذکی لکم

«زکاه» (مصدر «أذکی») هم به معنای «نمو و رشد» و هم به معنای «طهارت و پاکی» است. برداشت فوق، مبتنی بر معنای

ص: 105

84- کیفیت حضور در خانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 58 - 5،7

5 - پدران و مادران ، حق ندارند با وضعیت و پوشش متناسب با خواب و خلوت (چون برهنگی و ...) در انظار فرزندانشان ظاهر شوند .

لیستندنکم ... و الذین لم یبلغوا الحلم منکم و من بعد صلوه العشاء ثلث عورت لکم

از این که فرزندان ممنوع شدند که بدون اذن، وارد اتاق و محل استراحت پدران و مادرانشان (در سه وقتی که نوعاً والدین در حال برهنگی و خلوت و متناسب با وضعیت خواب قرار دارند) شوند، می توان استفاده کرد که والدین هم نباید با چنین وضعیتی بر فرزندانشان وارد شوند. گفتنی است: مفهوم جمله «لیس علیکم و لا علیهم جناح؛ نه بر شما و نه بر آنان گناهی نیست» مؤید برداشت یاد شده است؛ زیرا معلوم می شود که در اوقات سه گانه، جناح (گناه) خواهد بود.

7 - زنان و مردان مؤمن ، حق ندارند با وضعیت و پوشش متناسب با خواب و خلوت ، در انظار خدمت کاران خویش ظاهر شوند .

لیستندنکم الذین ملکت ایمنکم ... من قبل صلوه الفجر ... و من بعد صلوه العشاء ثلث

85- گفتگو در خانه محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 53 - 15،11

11 - مؤمنان ، نباید میهمانی در خانه پیامبر (صلی الله علیه و آله) را طولانی می کردند و به گفتگو و مذاکره می پرداختند .

فإذا طعمتم فانتشروا ... و لا مستنسنین لحديث

15 - میهمانان پیامبر (صلی الله علیه و آله) پس از صرف غذا ، نباید به انتظار گفت وگو با اهل خانه آن حضرت ، مجلس را طولانی می کردند .

فانتشروا و لا مستنسنین لحديث

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که سرگرم شدن به گفت وگو، مربوط به اهل خانه باشد و نه گفت وگو با هم. لازم به ذکر است که فراز «و إذا سألتموهنّ...» مؤید این برداشت است.

86- لانه سازی بر روی خانه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 68 - 4

4- دامنه کوه ها ، بالای درختان و بنا ها و سایبان ها ، مکانی طبیعی و مناسب برای زندگی زنبور های عسل

ص: 106

و أوحى ربك إلى النحل أن اتخذى من الجبال بيوتاً و من الشجر و ممّا يعرشون

87- مسلمانان و خانه محمد(صلى الله عليه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

14 - احزاب - 33 - 53 - 18

18 - مسلمانان صدراسلام ، در ورود وقت و بیوقت به خانه پیامبر (صلى الله عليه و آله) و طولانی کردن میهمانی ، مراعات حال آن حضرت را نمی کردند .

يأئها الذين ءامنوا لاتدخلوا بيوت النبي . . . غير نظرين إنيه ... فإذا طعمتم فا

88- نابودی خانه قارون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

13 - قصص - 28 - 81 - 1

1 - اقدام خداوند به از میان برداشتن قارون و فرو بردن وی و خانه اش در درون زمین

فخسفنا به و بداره الأرض

89- نعمت خانه سازی

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

6 - اعراف - 7 - 74 - 11

11 - آمادگی زمین برای سکونت انسان ها و آگاهی آنان به خانه سازی ، از مواهب و نعمت های بزرگ الهی

و بوأكم فى الأرض تتخذون من سهولها قصوراً و تنحتون الجبال بيوتاً

90- نقش خانه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

9 - نحل - 16 - 80 - 1

1- خداوند ، خانه و منزل را ، مایه آرامش انسان قرار داد .

والله جعل لكم من بيوتكم سكناً

ص: 107

91- نقش خانه لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 70 - 6

6- منزل حضرت لوط (ع) ، محل مراجعه مردم از شهر ها و مناطق مختلف و اقوام گوناگون

قالوا أولم ننهك عن العلمين

«عالم» به معنای همه خلق و یا دسته ای از موجودات است. جمع آمدن آن (عالمین) برای بیان استغراق و شمول تمامی اصناف موجودات جهان است و مقصود از آن در این آیه، همه مردم از تمامی اقوام و قبایل دور و نزدیک است.

92- نهی از اجاره خانه های مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 25 - 16

16 - « عن علی (ع) ان رسول الله صلی الله علیه و آله نهی اهل مکه ان یؤاجروا دورهم ، و ان یعلقوا علیها أبواباً ، و قال : « سواء العاکف فیه و الباد » ؛

از حضرت علی (ع) روایت شده است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) اهل مکه را از اجاره دادن خانه ها و گذاشتن درب برای آنها نهی کرد و فرمود: «سواء العاکف فیه و الباد».

93- ورود به خانه از پشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 189 - 24، 11، 9

9 - ورود به خانه از پشت آن و پرهیز از راه های متعارف ، نه از آداب حج است و نه رفتار نیکو برای حاجیان

و لیس البر بأن تأتوا البیوت من ظهورها

11 - مسلمانان صدر اسلام بر اساس سنت عصر جاهلی ، به هنگام حج از راه های متعارف به خانه ها وارد نمی شدند .

و لیس البر بأن تأتوا البیوت من ظهورها

از اینکه مسلمانان مورد خطاب قرار گرفته اند، معلوم می شود: گروهی از آنان تا پیش از نازل شدن آیه شریفه، به این سنت پایبند بوده اند.

24 - از امام باقر (ع) درباره آیه « لیس البر بأن تأتوا البيوت من ظهورها » روایت شده است : انه كان المحرمون لا يدخلون بيوتهم من أبوابها و لكنهم كانوا يتقبون في ظهر بيوتهم أي في مؤخرها نقباً يدخلون و يخرجون منه فنهوا عن التدن بذلك ;

[در جاهلیت] کسانی که برای مناسک حج مُحَرَّم می شدند، از درب خانه هایشان وارد آن نمی شدند؛ بلکه از حفره ای که در پشت خانه و در انتهای آن باز می کردند، رفت و آمد می نمودند و خداوند آنان را از پایبندی به این عمل نهی فرمود.

ص: 108

94- ورود به خانه دیگران در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 27 - 7

7- ورود ناگهانی و بدون سلام کردن و اذن خواستن ، به محل سکونت و خانه یکدیگر ، از رسوم و اخلاق جاهلیت پیش از اسلام بود .

لاتدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتی تستأنسوا و تسلّموا علی أهلها

95- ورود به خانه محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 53 - 18، 2، 1

1 - مؤمنان ، مجاز نیستند بدون اجازه ، وارد خانه های پیامبر (صلی الله علیه و آله) شوند .

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ

2 - مؤمنان ، تنها با اجازه ، مجاز به وارد شدن در خانه پیامبر (صلی الله علیه و آله) هستند .

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ

18 - مسلمانان صدر اسلام ، در ورود وقت و بیوقت به خانه پیامبر (صلی الله علیه و آله) و طولانی کردن میهمانی ، مراعات حال آن حضرت را نمی کردند .

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ . . . غَيْرِ نَظَرِينَ إِنَّهُ . . . فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْصَبُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 57 - 4

4 - کسانی که وارد منزل پیامبر (صلی الله علیه و آله) شوند و اقامت خود را در حدّ آزاردهندگی آن حضرت ادامه دهند ، مورد لعن خدایند .

و لا مستنسين لحديث إنّ ذلكم كان يؤذي النبي . . . إنّ الذين يؤذون . . . ورسوله لعن

96- ورود حاجیان به خانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- ورود حاجیان به خانه ، از پشت آن و پرهیز از راه های متعارف ، عملی نیکو در دیدگاه مردم عصر جاهلیت

ولیس البر بان تأتوا البیوت من ظهورها

نقی نیکی از رسم یاد شده (لیس البر)، دلالت می کند که آن رسم در نزد مردم جاهلی، رسمی نیکو و ارجمند بوده است.

ص: 109

97- ویرانی خانه دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 26 - 12، 13، 3

3- توطئه کنندگان علیه دین الهی، در داخل خانه های خود با فرو ریختن سقف خانه ها بر روی آنان، به هلاکت رسیدند.

قد مکر الذین من قبلهم فأتی الله بنیانهم من القواعد فخر علیهم السقف من فوقهم

ذکر قید «من فوقهم» پس از بیان «فخر علیهم السقف» (سقف بر آنها فرو ریخت) با اینکه ریزش سقف همواره از بالاست، می تواند برای بیان این منظور باشد که آنان در داخل خانه های خود، زیر آوار مدفون شدند.

12- «عن ابی جعفر (ع) فی قول الله: «فأتی الله بنیانهم من القواعد» قال: کان بیت غدر یجتمعون فیه؛

از امام باقر(ع) روایت شده است که درباره قول خدا «فأتی الله بنیانهم من القواعد» فرمود: [آن بنیان] خانه خیانتی بود که در آن اجتماع می کردند».

13- «عن ابی جعفر (ع) فی قوله: «قد مکر الذین من قبلهم فأتی الله بنیانهم من القواعد» فخر علیهم السقف من فوقهم و أتاهم العذاب من حیث لا یشعرون قال: بیت مکرهم ای ماتوا فألقاهم الله فی النار...؛

از امام باقر(ع) روایت شده است که درباره قول خدا «.. فأتی الله بنیانهم من القواعد...» فرمود: مقصود این است که خدا خانه مکرشان را ویران کرد؛ یعنی، مردند و خدا آنان را در آتش افکند».

98- ویرانی خانه های قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 52 - 4، 1

1 - خانه های ویران و خالی از سکنه ثمودیان، نشانه ای گویا از فرود آمدن کیفر الهی بر آنان

أنا دمرنهم وقومهم أجمعین . فتلك بیوتهم خاویه

«خواء» (مصدر «خاویه») به معنای ویرانی و نیز خالی از سکنه شدن است. در برداشت فوق هر دو معنا لحاظ شده است.

4 - خانه های ویران و خالی از سکنه ثمودیان، در بردارنده درس عبرتی بزرگ برای اهل فهم و دانش

فتلك بیوتهم خاویه .. إن فی ذلک لآیه لقوم یعلمون

واژه «آیه» در آیه یاد شده معادل «عبره» و تنکیر آن بیانگر بزرگی است؛ یعنی، «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ».

99- ویژگی خانه محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 53 - 3

3 - خانه های پیامبر (صلی الله علیه و آله) - از جهت وارد شدن در آنها - همانند خانه های سایر مردم نیست و آداب خاصی دارد .

لا تدخلوا بيوت النبي إلا أن يؤذن لكم

ص: 110

100- ویژگی خانه های قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 82 - 5,6

5- اصحاب حجر (قوم ثمود) در خانه های سنگی و مستحکم خود از هرگونه خطر احساس امنیت کامل می کردند .

و كانوا ينحتون من الجبال بيوتاً آمين

6- اصحاب حجر با پناه گرفتن در خانه های سنگی مستحکم ، به گمان باطل خود را از عذاب الهی در امان می پنداشتند .

و كانوا ينحتون من الجبال بيوتاً آمين

ساختن خانه های سنگی مستحکم، ممکن است در مقابل تهدید شدن به عذاب الهی باشد. دو آیه بعد (فما أغنى عنهم ما كانوا يكسبون) مؤید این برداشت است.

101- ویژگیهای خانه سازی قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 82 - 1,2,7

1- اصحاب حجر با شکافتن کوه ها ، خانه های امنی برای خود در دل آن می ساختند .

و كانوا ينحتون من الجبال بيوتاً آمين

تراشیدن کوهها به منظور ساختن خانه به دو گونه قابل تصور است: 1- ساختن خانه های سنگی از بریده های کوهها در دامنه کوهها و یا در جای دیگر. 2- ساختن خانه از خود کوهها و در دل آنها. چنان که در سوره «نحل» (آیه 68) همین تعبیر به کار رفته است: (...أن اتخذی من الجبال بيوتاً).

2- اصحاب حجر با تراشیدن کوه ها ، از سنگ های آن برای خود خانه های امنی می ساختند .

و كانوا ينحتون من الجبال بيوتاً آمين

مقصود از تراشیدن کوهها به منظور ساختن خانه امن ممکن است ساختن خانه های سنگی به خاطر استحکام آن باشد.

7- امنیت ، هدف و مقصود تعیین کننده در کیفیت و نوع خانه سازی مردم حجر (قوم ثمود) بود .

و كانوا ينحتون من الجبال بيوتاً آمين

102- ویژگیهای خانه محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 4 - 3

3 - خانه پیامبر (صلی الله علیه و آله)، دارای حجره های متعدد *

إِنَّ الَّذِينَ ينادونك من وراء الحجرت

ص: 111

برداشت بالا- بدان احتمال است که مراد از «الحجرات» اتاق هایی بوده که در اطراف مسجد، به پیامبر(صلی الله علیه و آله) اختصاص داشته است و برخی از درون مسجد با صدای بلند آن حضرت را می خواندند.

103- ویژگیهای خانه های قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 80 - 5

5- اصحاب حجر (قوم ثمود) دارای خانه های سنگی و مستحکم بودند .

و لقد كذب أصحاب الحجر المرسلين

نام گذاری قوم ثمود به «اصحاب حجر» می تواند گویای برداشت فوق باشد. جمله «و كانوا ينحتون من الجبال بيوتاً...» در دو آیه بعد مؤید آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 84 - 2

2- خانه های مستحکم و سنگی قوم ثمود - که به امید برقراری امنیت در برابر عذاب الهی ساخته شد - نتوانست آنان را حتی در برابر صدایی سهمگین امنیت بخشد .

فأخذتهم الصيحة .. فما أغنى عنهم ما كانوا يكسبون

104- یوسف (ع) در خانه عزیز مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 21 - 16، 14، 12

12- آسودگی و رفاه یوسف (ع) در خانه عزیز مصر

كذلك مكّنا ليوسف في الأرض

14- ورود یوسف به خانه عزیز مصر ، زمینه ساز تحقق یافتن وعده های الهی درباره او بود .

و كذلك مكّنا ليوسف في الأرض ولنعلّمه من تأويل الأحاديث

عبارت «لنعلّمه» عطف بر عبارتی مقدر است ؛ یعنی: مكّنا ليوسف لنفعل كذا ولنعلّمه .. ؛ مراد از لنفعل كذا، اموری است که خداوند

در ابتدای داستان یوسف بیان کرد مانند «رأيتهم لی ساجدين» و «كذلك یجتیبك ربك...».

16- آموزش تحلیل رخداد ها و تأویل رؤیاها ، هدف تقدیر الهی از کشاندن یوسف به خانه عزیز مصر

كذلك مكّنا لیوسف فی الأرض و لنعلّمه من تأویل الأحادیث

«لام» در «لنعلّمه» لام غایت است و بیانگر غرض و هدف متعلق می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 112

1- یوسف (ع) روزگار کودکی و نوجوانی را در خانه عزیز مصر به سر برد، تا به جوانی و رشد جسمی و عقلی رسید.

أكرمی مثنویه... ولما بلغ أشده

کلمه «أشدّ» چنان چه لسان العرب از سیبویه نقل کرده - جمع شدّه (توان و قدرت) است. بنابراین «أشدّ»؛ یعنی، توانها و قدرتهای متعدد که به مناسبت مورد، شامل توان جسمی و عقلی است.

ص: 113

4- خائنان

1- خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 141 - 8

8 - منافقان ، خائن به جبهه اسلام و مؤمنان و خوش خدمت به کافراند .

قالوا ألم نستحوذ عليكم و نمنعكم من المؤمنين

«استحوذ» به معنای غلبه و استیلا است و مراد از جمله «و ان كان للكافرين .. الم نستحوذ» - با توجه به سیاق آیه - این است که منافقان پس از پیروزی کافران به آنان می گویند: در هنگامه جنگ ما بر شما استیلا داشتیم ولی شما را نکشتیم، بر این اساس جمله «نمنعکم من المؤمنین» به این معنا خواهد بود که بین شما و اهل ایمان حائل شدیم و نگذاشتیم آنان نیز به شما دسترسی پیدا کنند، تا پیروزی برای شما حاصل شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 58 - 7

7 - پیمان شکنان و کسانی که در اندیشه شکستن پیمان های خویشند ، خائن و محروم از محبت خداوند هستند .

إن الله لايحب الخائنين

برداشت فوق بر این اساس است که جمله «إن الله .. » تعلیل برای «فانبذ إليهم» باشد ؛ یعنی کسانی که در صدد پیمان شکنی هستند، خائنانند و چون خداوند خائنان را دوست ندارد، تو ای پیامبر(صلی الله علیه و آله) موظف هستی معاهده آنان را لغو کنی تا راه برای نبرد با آنان باز شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 71 - 2

2 - اسیران جنگ بدر از خیانتکاران به دین خدا تا پیش از آن نبرد

وإن یزیدوا خیانتک فقد خانوا الله من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 52 - 10

10- زنان اشراف مصر و متهم کنندگان یوسف (ع) به خیانت ، از زمره خائنان بودند .

أن الله لایهدی کید الخائنین

مصدق مورد نظر برای «الخائنین» زلیخا و زنان اشراف و نیز درباریانی می باشند که تصمیم به زندانی کردن یوسف(ع) گرفتند (ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الآيات ليسجننه) آیه 35.

2- آموزش خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 110 - 4

4 - خداوند آمرزنده گناه خیانتکاران و حامیان آنان ، در صورت استغفار و توبه

هأنتم هؤلاء .. او یظلم نفسه ثم یتغفر الله یجدالله غفوراً رحیماً

با توجه به آیات قبل می توان گفت از مصادیق مورد نظر برای «من یعمل سوءاً» خیانتکاران هستند و حامیان آنان از مصادیق «یظلم نفسه» می باشند.

3- اغواگری خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 113 - 7

7- رهبران الهی در معرض توطئه و دسیسه های اغواکننده از سوی خائنان

ولا تجدل عن الذین یختانون أنفسهم .. و لولا فضل الله علیک و رحمته

4- توطئه خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 113 - 4,6,7

4- دسیسه ها و صحنه سازی های خائنان ، خطری در جهت به انحراف کشیدن دستگاه قضایی

لتحكم بين الناس بما اريك الله .. لهتم طائفه منهم ان يضلوك

آیه شریفه در حقیقت توصیه ای است به قاضیان که همواره مراقب توطئه گران و دسیسه بازان باشند تا مبادا آنان را به انحراف و خلاف حق بکشانند؛ چنانچه نسبت به پیامبر (صلی الله علیه و آله) در قصه طعمه بن ابی ایبرق چنین پنداری را داشتند.

ص: 115

6- فضل و رحمت الهی، مانع تأثیر دسیسه و زمینه سازی های خائن در قضاوت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

لتحكم بين الناس... و لولا فضل الله عليك و رحمته لهمت طائفه منهم

7- رهبران الهی در معرض توطئه و دسیسه های اغوا کننده از سوی خائن

و لا تجدل عن الذين يختانون أنفسهم... و لولا فضل الله عليك و رحمته

5- حفظ منافع خائن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 105 - 19

19 - قضاوت و داوری های به دور از معیار های تبیین شده در قرآن و سنت، تحکیم بخش اغراض و منافع خیانتکاران

إنا انزلنا إليك الكتب بالحق... بما اريك الله و لا تكن للخائنين خصيماً

6- حمایت از خائن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 105 - 16، 17، 18

16 - قاضی و دستگاه قضایی نباید در مسیر حمایت از خائن قرار گیرد.

و لا تكن للخائنين خصيماً

«خصيم» به کسی گفته می شود که از ادعایی طرفداری می کند، و مراد از «خائنین»، به قرینه «لتحكم بين الناس»، کسانی هستند که در محضر قاضی مدعی امر باطل هستند و حق با طرف مقابل آنهاست.

17 - پشتیبانی و حمایت از خائن، حرام است.

و لا تكن للخائنين خصيماً

بنابر اینکه مراد از «خائنین» مطلق کسانی باشند که مرتکب خیانت شده اند، نه خصوص کسانی که در محاکم قضایی حاضر می شوند و مدعی امری باطل هستند.

18 - حمایت از خائن، انحراف از حق است.

إنا انزلنا إليك الكتب بالحق لتحكم... و لا تكن للخائنين خصيماً

جمله «و لا- تكن . . .» بيان مصداقی از «بالحق» است. یعنی از مسائل حقی که خواست قرآن است، پرهیز کردن از حمایت خائنان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 107 - 13، 2، 1

1 - هشدار خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مورد دفاع از خائنان

لاتجدل عن الذین یختانون انفسهم

ص: 116

«جدال» هنگامی که به حرف «عن» متعدی شود، به معنای دفاع و طرفداری است.

2 - حرمت دفاع از خائن

و لا تجدل عن الذین یختانون انفسهم

13 - دفاع از خائنین ، خیانت و گناهی بزرگ است .

و لا تجدل عن الذین یختانون انفسهم إن الله لا یحب من کان خواناً اثیماً

مراد از «خواناً اثیماً» می تواند قاضیانی باشد که از خیانتکاران دفاع می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 109 - 4، 3، 2، 1

1 - دفاع از خائن ، عملی نکوهیده و مورد توبیخ خداوند

هأنتم هؤلاء جدلتم عنهم فی الحیوه الدنیا

کلمه «هؤلاء»، اشاره به خیانتکاران است.

2 - در روز قیامت ، هیچکس توان دفاع از خائن را در برابر خداوند ندارد .

هأنتم هؤلاء جدلتم .. فمن یجدل الله عنهم یوم القیمه

3 - تلاش برخی مسلمانان در صدر اسلام ، برای دفاع از خیانتکاران در پیشگاه پیامبر (صلی الله علیه و آله)

هأنتم هؤلاء جدلتم عنهم

با توجه به شأن نزول که در مورد ابن ابیرق و دیگران وارد شده است.

4 - تبرئه خیانتکاران در دنیا ، مانع گرفتاری آنان به عذاب اخروی نخواهد شد .

هأنتم هؤلاء جدلتم عنهم فی الحیوه الدنیا فمن یجدل الله عنهم یوم القیمه

7- خائنان اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 75 - 6

6- برخی از اهل کتاب ، تنها با اعمال زور و قدرت تن به بازگردانی امانت خواهند داد .

الّا ما دمت عليه قائماً

جمله «مادمت .. .»، کنایه از مطلب فوق است.

8- خائنان به اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 74 - 9

9- توبیخ منافقان ، به خاطر حرکت های خیانت آمیز علیه اسلام و پیامبر (صلی الله علیه و آله) با وجود برخورداری از تفضلات خدا و رسولش

ص: 117

و ما نقموا إلا أن أغنيهم الله ورسوله من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 32 - 5

5- مخالفت اهل کتاب با اسلام و پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مخالفتی خائنانه و نه از روی جهل و بی خبری *

إنّ الذین کفروا و .. من بعد ما تبین لهم الهدی

می توان گفت: مراد از «الذین کفروا..» به قرینه «تبین لهم الهدی» اهل کتاب است.

9- خائنان به محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 74 - 9

9- تویخ منافقان ، به خاطر حرکت های خیانت آمیز علیه اسلام و پیامبر (صلی الله علیه و آله) با وجود برخورداری از تفضلات خدا و رسولش

و ما نقموا إلا أن أغنيهم الله ورسوله من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 32 - 5

5- مخالفت اهل کتاب با اسلام و پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مخالفتی خائنانه و نه از روی جهل و بی خبری *

إنّ الذین کفروا و .. من بعد ما تبین لهم الهدی

می توان گفت: مراد از «الذین کفروا..» به قرینه «تبین لهم الهدی» اهل کتاب است.

10- خائنان به یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 52 - 10

10- زنان اشراف مصر و متهم کنندگان یوسف (ع) به خیانت ، از زمره خائنان بودند .

أن الله لا يهدي كيد الخائنين

مصدق مورد نظر برای «الخائنين» زلیخا و زنان اشراف و نیز درباریانی می باشند که تصمیم به زندانی کردن یوسف(ع) گرفتند (ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الآيات ليسجننه) آیه 35.

ص: 118

11- خائنان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 162 - 12

12 - دوزخ، جایگاه شوم ترک کنندگان جهاد، خیانتکاران و آنانکه پیامبر (صلی الله علیه و آله) را متهم به خیانتکاری می کنند.

انّ الذین تولّوا منکم . . . و ما کان لنبیّ ان یغلّ . . . کمن بآء بسخط من الله و م

12- خائنان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 161 - 6,7,8,11,16

6 - روز رستاخیز، عرصه حشر خیانتکاران به همراه آنچه (اموال و . . .) در آن خیانت کرده اند .

و من یغلل یأت بما غلّ یوم القیمه

در برداشت فوق، «باء» در «بما غلّ»، باء مصاحبت گرفته شده است.

7 - تجسم رفتار ناپسند خیانتکاران در روز رستاخیز

و من یغلل یأت بما غلّ یوم القیمه

برخی برآنند که مراد از «ما غلّ»، آن مالی که در دنیا مورد خیانت واقع شده، نیست؛ بلکه گناه خیانتکاری در قیامت تجسّم می یابد و خیانتکار همراه آن گناه مجسّم در صحنه قیامت حاضر می شود.

8 - رسوایی و مجازات خیانتکاران در قیامت

و من یغلل یأت بما غلّ یوم القیمه ثمّ توفّی کلّ نفس ما کسبت

11 - خیانتکاران، دریافت کنندگان کامل (بدون کم و زیاد) جزای رفتار ناپسند خویش، در روز رستاخیز

و من یغلل . . . ثمّ توفّی کلّ نفس ما کسبت و هم لایظلمون

16 - به مجازات رسیدن خیانتکاران در اموال امام در قیامت

و من یغلل یأت بما غلّ

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 205، ح 148؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 324، ح 2.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 109 - 6، 5، 2

2 - در روز قیامت، هیچکس توان دفاع از خائن را در برابر خداوند ندارد.

هأنتم هؤلاء جدلتم .. فمن يجدل الله عنهم يوم القيمة

5 - دادخواهی خداوند از خیانت پیشگان در قیامت

فمن يجدل الله عنهم يوم القيمة

6 - در قیامت، مانعی در برابر اجرای حکم الهی در مورد خائنان نخواهد بود.

فمن يجادل الله عنهم يوم القيمة ام من يكون عليهم وكيلا

13- خائنان گناهکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 108 - 1

1 - خیانت پیشگان گناهکار، علی رغم شرم از مردم، از خدا شرم و پروایی ندارند.

يستخفون من الناس ولا يستخفون من الله

چون «استخفاء» (پنهان سازی) از خداوند مقدور نیست تا نهی و یا مذمتی به فعل و یا ترک آن تعلق گیرد؛ بنابراین «استخفاء» می تواند کنایه از «استحیاء» (شرم کردن) باشد.

14- خائنان مگار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 107 - 5

5 - خطر بهره برداری خیانتکاران نیرنگ باز از دستگاه قضایی در جهت خواسته های خویش

لتحكم بين الناس . . . ولا تجدل عن الذين يختانون انفسهم

15- خائنان و قاضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 107 - 5

5 - خطر بهره برداری خیانتکاران نیرنگ باز از دستگاه قضایی در جهت خواسته های خویش

لتحكم بين الناس . . . ولا تجدل عن الذين يختانون انفسهم

16- خائنان و محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 113 - 3,6,8

3 - تلاش گروهی از خائنان برای به اشتباه انداختن پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در قضاوت

هانتم هؤلاء جدلتم عنهم فی الحیوه الدنیا .. لهتم طائفه منهم ان یضلوک

اگر چه ظاهر جمله شرطیه «لولا .. لهتم»، نفی تلاش است، ولی مراد از آن نفی تأثیر تلاش می باشد. یعنی تلاش آنان برای

ص: 120

لغزاندن پیامبر (صلی الله علیه و آله)، هیچگونه اثری نداشت و گویا اصلاً تلاشی در این جهت نکردند، این معنا با آیات قبل تأیید می شود.

6- فضل و رحمت الهی، مانع تأثیر دسیسه و زمینه سازی های خائن در قضاوت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

لتحكم بين الناس . . . و لولا فضل الله عليك و رحمته لهتم طائفه منهم

8- کسانی که در صدد گمراه ساختن و به اشتباه انداختن پیامبر (صلی الله علیه و آله) بودند، تنها خود را به گمراهی و اشتباه افکندند.

لهتم طائفه منهم ان يضلوك و ما يضلون الا انفسهم و ما يضرونك من شيء

17- خدا و مکر خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 52 - 9

9- خداوند نخواهد گذاشت مکر و حيله خيانتکاران به فرجام رسد و به ثمر نشیند.

و أن الله لا يهدى كيد الخائنين

18- ذلت خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 71 - 10، 8

8 - ذلت و ناکامی، فرجام خائنان به خدا

فقد خانوا الله من قبل فأمكن منهم

10 - علم و حکمت گسترده الهی، پشتوانه وعده الهی به ناکامی خائنان به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و دین الهی

فقد خانوا الله من قبل فأمكن منهم و الله علیم حکیم

19- شکست خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 71 - 10

10 - علم و حکمت گسترده الهی، پشتوانه وعده الهی به ناکامی خائنان به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و دین الهی

فقد خانوا الله من قبل فأمكن منهم والله عليم حكيم

20- شكست مكر خائن

جلد - نام سورہ - سورہ - آيہ - فيش

ص: 121

9- خداوند نخواهد گذاشت مکر و حيله خيانتکاران به فرجام رسد و به ثمر نشیند .

و أن الله لایهدی کید الخائنین

12- یوسف (ع) با تقاضای دادرسی در صدد بود به پادشاه مصر ثابت کند که خيانتکاران هرگز به پیروزی نمی رسند و مکرشان فرجامی ندارد .

ذلک لیعلم .. أن الله لایهدی کید الخائنین

چنان چه گذشت عبارت «أن الله لایهدی ..» عطف بر «أنی ...» است ; یعنی: «ذلک لیعلم أن الله ...». این بدان خاطر بود که عزیز و یا پادشاه بدانند که خداوند مکر خيانتکاران را به ثمر نمی نشاند.

21- صحنه سازی خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 113 - 4

4 - دسیسه ها و صحنه سازی های خائنان ، خطری در جهت به انحراف کشیدن دستگاه قضایی

لتحکم بین الناس بما اریک الله .. لهمت طائفه منهم ان یضلوك

آیه شریفه در حقیقت توصیه ای است به قاضیان که همواره مراقب توطئه گران و دسیسه بازان باشند تا مبدا آنان را به انحراف و خلاف حق بکشانند؛ چنانچه نسبت به پیامبر (صلی الله علیه و آله) در قصه طعمه بن ابی ایبرق چنین پنداری را داشتند.

22- عذاب اخروی خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 109 - 4

4 - تبرئه خيانتکاران در دنیا ، مانع گرفتاری آنان به عذاب اخروی نخواهد شد .

هأنتم هؤلاء جدلتم عنهم فی الحیوه الدنیا فمن یجدل الله عنهم یوم القیمه

23- عذاب خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11- لحظة مرگ ، لحظة آغاز عذاب منافقان و خيانتكاران به اسلام

فكيف إذا توفّتهم الملائكة يضربون وجوههم وأدبرهم

ص: 122

24- عقیده خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 108 - 2

2 - خیانت پیشگان گنهکار ، ناباور به نظارت و آگاهی خداوند بر اعمال انسانها

یستخفون من الناس ولا یستخفون من الله

پنهان سازی از خداوند نامعقول است. بنابراین جمله « و لا یستخفون من الله » می تواند اشاره به این معنا باشد که گناهکاران، در حقیقت خداوند را ناظر و آگاه به اعمال نمی دانند تا در صدد پنهان سازی اعمال ناروای خویش از او باشند.

25- فرجام خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 71 - 8

8 - ذلت و ناکامی ، فرجام خائنان به خدا

فقد خانوا الله من قبل فأمکن منهم

26- کفران خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 38 - 6

6 - خیانت کاران ناسپاس ، محروم از حمایت و محبت خداونداند .

إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ

27- کیفر خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 161 - 8

8 - رسوایی و مجازات خیانتکاران در قیامت

و من يغلل يأت بما غلّ يوم القيّمه ثمّ توفّي كلّ نفس ما كسبت

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

4 - نساء - 4 - 109 - 6

ص: 123

6- در قیامت، مانعی در برابر اجرای حکم الهی در مورد خائنان نخواهد بود.

فمن يجدل الله عنهم يوم القيمة ام من يكون عليهم وكيلا

28- مَبْغُوضِيَّةٌ خَائِنَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 107 - 7

7- خداوند، خیانتکاران گناهکار را دوست ندارد.

إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَانًا أَثِيمًا

29- مَحْرُومِيَّةٌ خَائِنَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 38 - 6

6- خیانت کاران ناسپاس، محروم از حمایت و محبت خداونداند.

إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ

30- مُحَمَّدٌ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَخَائِنَانِ)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 107 - 1

1- هشدار خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مورد دفاع از خائنان

لَا تَجِدُ لِلَّذِينَ يُخَتِّمُونَ لِنَفْسِهِمْ

«جدال» هنگامی که به حرف «عن» متعدی شود، به معنای دفاع و طرفداری است.

31- مَرِّجٌ خَائِنَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 27 - 11

11- لحظه مرگ ، لحظه آغاز عذاب منافقان و خیانتکاران به اسلام

فكيف إذا توفّتهم الملائكة يضربون وجوههم وأدبرهم

ص: 124

32- مؤاخذه خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 109 - 5

5 - دادخواهی خداوند از خیانت پیشگان در قیامت

فمن یجدل الله عنهم یوم القیمه

33- هشدار به خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 58 - 17

17 - هشدار خداوند به خیانتکاران در امانت و ستمگران در قضاوت

ان الله .. ان الله کان سمیعاً بصیراً

ص: 125

5- خبائث

1- آثار خبائث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 125 - 14

14 - ضيق صدر و تهی بودن قلب از ایمان، نشانه غلبه پلیدی بر آن است.

كذلك يجعل الله الرجس على الذين لا يؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 58 - 5

5- پاکیزگی و خلوص از پلیدی ها ، زمینه بهره گیری وافر از فیض الهی و خبائث و ناخالصی ها ، مانع آن

و البلد الطيب . . . و الذی خبث لا یخرج إلا نکدأ

با توجه به ذیل آیه (لقوم یشکرون) و آیات پس از آن که برخورد انسانها را با رسالت انبیا تشریح می کند، معلوم می شود بیان زمین مستعد و برکتهای آن و زمین نامستعد و بی ثمری آن، در حقیقت ترسیم حالت انسانها و استعداد دریافت معارف الهی است. یعنی تشبیه انواع انسانهاست از نظر دریافت معارف به انواع زمینها و دریافت باران رحمت.

2- خبائث خوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 173 - 3

3 - مردار ، خون ، گوشت خوک و حیوانی که برای بت ها ذبح شود ، یا به نام غیر خدا سر بریده شود ، از خوراکی های خبیث و پلید هستند .

كلوا من طيبت . . . إنما حرم عليكم الميتة . . . و ما أهل به لغير الله

ص: 126

3- خبائت خون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 173 - 3

3 - مردار ، خون ، گوشت خوک و حیوانی که برای بت ها ذبح شود ، یا به نام غیر خدا سر بریده شود ، از خوراکی های خبیث و پلید هستند .

كلوا من طيبت . . . إنما حرم عليكم الميتة ... و ما أهل به لغير الله

4- خبائت ذبیحه بی بسمله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 173 - 3

3 - مردار ، خون ، گوشت خوک و حیوانی که برای بت ها ذبح شود ، یا به نام غیر خدا سر بریده شود ، از خوراکی های خبیث و پلید هستند .

كلوا من طيبت . . . إنما حرم عليكم الميتة ... و ما أهل به لغير الله

5- خبائت قربانی بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 173 - 3

3 - مردار ، خون ، گوشت خوک و حیوانی که برای بت ها ذبح شود ، یا به نام غیر خدا سر بریده شود ، از خوراکی های خبیث و پلید هستند .

كلوا من طيبت . . . إنما حرم عليكم الميتة ... و ما أهل به لغير الله

6- خبائت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 125 - 15

15 - پلیدی بر کافران استیلا دارد.

يجعل الله الرجس على الذين لا يؤمنون

ص: 127

7- خبائث متجاوزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 58 - 9

9- متجاوزان و فسادگران ، مانند سرزمین خبیث کم بهره از فیض الهی و انسانهایی بی ثمرند .

إنه لا یحب المعتدین. و لا تقسدا... و الذی خبث

8- خبائث محرّمات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 115 - 16

16- اضطرار ، از میان برنده ممنوعیت شرعی محرّمات و نه قبیح و خبائث واقعی آنها *

إنما حرّم علیکم المیتة .. فمن اضطرّ... فإن الله غفور رحیم

تذکر به غفران و رحمت الهی، می تواند نشان دهنده بقای نوعی از قبیح و خبائث در فعل حرام اضطراری باشد.

9- خبائث مردار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 173 - 3

3- مردار ، خون ، گوشت خوک و حیوانی که برای بت ها ذبح شود ، یا به نام غیر خدا سر بریده شود ، از خوراکی های خبیث و پلید هستند .

کلوا من طیب... .. إنما حرم علیکم المیتة... و ما أهل به لغير الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 121 - 5

5- حیوانی که با نام خدا ذبح نشود، مظهر فسق است.

و لا تأکلوا مما لم یذکر اسم الله علیه و إنه لفسق

مرجع ضمیر «إنه» می تواند «ما» در «مما لم يذكر» باشد در نتیجه حیوان ذبح شده بدون نام خدا، خود فسق است.

10- خبائث مفسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 128

9- متجاوزان و فسادگران ، مانند سرزمین خبیث کم بهره از فیض الهی و انسانهایی بی ثمرند .

إنه لا يحب المعتدين. و لا تفسدوا ... و الذی خبث

11- خبائث موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 58 - 10

10 - پاکی طینت موجودات ، امری اصیل و خبائث آنها ، امری عرضی است . *

و البلد الطیب . .. و الذی خبث

توصیف زمین مستعد با وصف «الطیب» در مقابل توصیف زمین نامستعد با فعل «خبث»، می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد. زیرا وصف دلالت بر ثبوت دارد و فعل حاکی از حدوث است.

12- نشانه های خبائث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 125 - 12

12 - ضیق صدر (تنگ دلی و حق ناپذیری) نشانه تسلط پلیدی بر آدمی است.

و من یرد أن یضله . . . کذلک یجعل الله الرجس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 58 - 7

7 - ثمربخشی فراوان ، نشانه طیب بودن و کم ثمری ، نشانه خبائث

و البلد الطیب یخرج نباته یاذن ربه و الذی خبث لا یخرج إلا نکداً

خبایث

13- اجتناب از خبایث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 100 - 4,7,10,17

4 - ضرورت پرهیز از فریفتگی و دل بستگی به اشیاء پلید و ناپاک علی رغم زیادی شگفت برانگیز آنها

لا یستوی . . . و لو اعجبک کثره الخبیث

ص: 129

7- لزوم رعایت تقوا با پرهیز از ناپاکی ها و گرایش به پاکیها

لا یستوی الخبیث و الطیب . . . فاتقوا الله

10- تنها خردمندان زمینه دار دوری جستن از ناپاکی ها و گرایش به پاکیها

لا یستوی الخبیث و الطیب . . . فاتقوا الله یا ولی الالب

17- پرهیز از پلید و ناپاک و گرایش به پاکی ها ، زمینه نیل به فلاح و رستگاری

لا یستوی الخبیث و الطیب . . . لعلکم تفلحون

14- ارزش خبایث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- مائده - 5 - 100 - 1,3,5,8

1- هرگز بد ها و ناپاک ها به ارزش مساوی با خوب ها و پاک ها نخواهند رسید .

قل لا یستوی الخبیث و الطیب

3- پاکی و ناپاکی از جمله ملاک های حرمت و حلیت اشیاء

لا یستوی الخبیث و الطیب

5- پاکی و ناپاکی از جمله ملاک های ارزشگذاری اشیاء

قل لا یستوی الخبیث و الطیب و لو اعجبک کثره الخبیث

8- تنها خردمندان ، دانا به نابرابری پاک و ناپاک و واقف به ارزش برتر پاکیهایند گرچه اندک باشد .

لا یستوی الخبیث و الطیب . . . فاتقوا الله یا ولی الالب

توجه خطاب به صاحبان خرد با اینکه همگان وظیفه دار رعایت تقوا با گرایش به پاکیها و پرهیز از ناپاکیها هستند، می تواند اشاره به این باشد که شناخت پاکی از ناپاکی و درک ارزش برتر پاکیها هر چند از نظر مقدار اندک باشد، تنها از عهده صاحبان عقل و خرد ناب ساخته است.

15- استفاده از خبایث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - بهره‌گیری از محرّمات و چیزهای پلید و ناپاک، پیروی کردن از شیطان است.

كلوا مما فی الأرض حللاً طیباً ولا تتبعوا خطوت الشیطن

16 - واداشتن مردم به استفاده از حرام‌ها و پلیدی‌ها و نیز بازداشتن آنان از نعمت‌های حلال، نمودی از دشمنی شیطان با انسان است.

كلوا مما فی الأرض حللاً طیباً ولا تتبعوا خطوت الشیطن إنه لكم عدو

ص: 130

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 169 - 11

11 - پرهیز از نعمت های حلال و طیب ، استفاده از پلیدی ها و حرام خواری ، از کار های بد و ناپسند است .

كلو مما فى الأرض حلالا طيباً .. إنما يأمرکم بالسوء و الفحشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 172 - 5

5 - استفاده از خوراکی های خبیث (ناپاک و ناملایم با طبع) حرام است .

كلوا من طيبت ما رزقنكم

16- استفاده مسیحیان از خبایث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 157 - 19

19 - یهود و نصارا در پیش از اسلام ، مبتلا به بهره گیری از ناپاکی ها و پرهیز از برخی پاکی ها و پاکیزه ها

یحل لهم الطيبت و يحرم عليهم الخبيث

مراد از ضمیر «هم» در «لهم» و «عليهم» به قرینه «التوریه و الانجیل»، یهود و نصارا است.

17- استفاده یهود از خبایث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 157 - 19

19 - یهود و نصارا در پیش از اسلام ، مبتلا به بهره گیری از ناپاکی ها و پرهیز از برخی پاکی ها و پاکیزه ها

یحل لهم الطيبت و يحرم عليهم الخبيث

مراد از ضمیر «هم» در «لهم» و «عليهم» به قرینه «التوریه و الانجیل»، یهود و نصارا است.

18- انفاق از خبایث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 267 - 15

15 - انفاق از مال رَبَوِي ، مصداقی برای انفاق از اموال خبیث و مورد نهی خداوند

و لا تيمّموا الخبيث

ص: 131

كان النَّاس حين اسلموا عندهم مكاسب من الربا .. فكان الرجل يتعمّدها من بين ماله فتصدّق بها فنهاهم الله عن ذلك ...

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 149، ح 492؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 255، ح 6 و 7.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 268 - 14

14 - انفاق نکردن و نیز انفاق از اموال خبیث (غیر مرغوب) ، از مصادیق فحشا و زشتی

انفقوا من طیبات ما کسبتم .. الشّیطان یعدکم الفقر و یأمرکم بالفحشاء

جمله «یامرکم بالفحشاء»، تفسیری از وسوسه شیطان، مبنی بر ترک انفاق و نیز انفاق از مال خبیث است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 270 - 6

6 - ترک انفاق و یا انفاق را به ریا و منت و آزار آلودن و نیز انفاق کردن از خبیث و عمل نکردن به نذر ، ستمگری است .

لا تبطلوا صدقاتکم بالمنّ و الاذی .. انفقوا من طیبات ... و ما للظالمین من انصا

19- تحریم خبیث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 157 - 16، 18

16 - حکم به حلیت همه پاکیزه ها و تحریم همه ناپاکی ها ، از وظایف پیامبر (صلی الله علیه و آله) و از اهداف رسالت اوست .

و یحل لهم الطیبت و یحرم علیهم الخبیث

18 - امر به معروف و نهی از منکر ، حلال دانستن پاکیزه ها و حرام شمردن ناپاکی ها ، از علامت های موجود در تورات و انجیل برای شناسایی پیامبر اسلام

الذی یجدونه .. یامرهم بالمعروف ... و یحل لهم الطیبت و یحرم علیهم الخبیث

جمله های «یامرهم و .. » حال برای ضمیر مفعولی در «یجدونه» است و لذا می رساند که مفاد این جمله ها به عنوان صفات پیامبر

موعود در تورات و انجیل بیان شده است. بر این اساس می توان گفت که از اهداف بیان این ویژگیها در تورات و انجیل، راهنمایی اهل کتاب است به اموری که باید در شناسایی پیامبر موعود در نظر داشته باشند.

20- حرمت خبائث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 4 - 5

5 - خوردن خبائث ، حرام است .

احل لکم الطیب

ص: 132

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 157 - 17

17 - هر چیز طیب و پاکیزه ، حلال و هر چیز خبیث و ناپاک ، حرام است .

و يحل لهم الطيب و يحرم عليهم الخبيث

21- عوامل تشخیص خبایث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 100 - 9

9 - عقل و خرد ابزار شناخت پاکی ها و ناپاکی ها و دست یابی به ارزش برتر پاکیها

لايستوى الخبيث و الطيب . . . فاتقوا الله ياولى الالب

22- گرایش به خبایث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 100 - 12

12 - گرایش به ناپاکی ها و زشتی ها ، نشانه بی خردی و نادانی

لايستوى الخبيث و الطيب . . . فاتقوا الله ياولى الالب

ص: 133

1- آثار اعتماد به خبر فاسق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 6 - 6,7

6 - اعتماد به خبر فاسق ، بدون تحقیق و بررسی ، دربردارنده خطر برای جامعه

أَنْ تَصِيبُوا قَوْمًا بَٰجِهَلَةٍ

7 - ترتیب اثر دادن به خبر فاسق ، بدون تحقیق و بررسی ، عملی جاهلانه و ندامت بار است .

أَنْ تَصِيبُوا قَوْمًا بَٰجِهَلَةٍ فَتَصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ

2- آثار اهمیت خبر فاسق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 6 - 2

2 - وجوب بررسی صدق خبر فاسق ، منوط به مهم بودن آن است . *

إِنْ جَاءَكُم فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا

با توجه به این که «نبأ» به خبر مهم گفته می شود؛ می توان نتیجه گرفت که وجوب تبیین در خصوص اخبار مهم است؛ نه در مورد مطلق خبر، هر چند ناچیز باشد.

3- آگاهی در نقل خبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 134

18 - شرح و بیان وقایع ، باید از روی علم و آگاهی باشد .

أم کنتم شهداء إذ حضر یعقوب الموت

خداوند، ادعای یهود (وصیت یعقوب به ملازمت بر یهودیت) را با این جمله «أم کنتم . . .» (شما که حضور نداشتید ...) بی اساس دانسته است و این بدان معناست که: خبر و بیان وقایع باید از روی علم و آگاهی بوده تا شایسته پذیرش باشد.

4- بررسی خبر فاسق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 6 - 1

1 - مؤمنان ، موظف به بررسی درستی گزارش های شخص فاسق و اکتفا نکردن به صرف خبر دادن او

يأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن جَاءَكُم فَاسِقٌ بِنِبَأٍ فَتَبَيَّنُوا

5- بهترین خبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 67 - 2، 1

1 - رسالت پیامبراسلام و توحید الهی ، خبری پرفایده و بزرگ برای بشر

قل هو نبؤا عظیم

«نبأ» به خبری گفته می شود که دارای فایده بسیار باشد (مفردات راغب). در این که مقصود از این خبر چیست و ضمیر «هو» به چه چیز برمی گردد، میان مفسران چند دیدگاه وجود دارد: 1- برخی آن را رسالت انذارگری پیامبر(صلی الله علیه و آله) و توحید الهی می دانند که در ضمن آیه قبل از آن یاد شده است. 2- برخی دیگر آن را مربوط به بحث معاد می شمرند که در ضمن آیات 49 تا 64 از آن یاد گردیده است. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه نخست است.

2- قیامت و احوال خوبان و بدان و بهشتیان و دوزخیان ، خبری پرفایده و بزرگ

قل هو نبؤا عظیم

6- تبیین خبر های مفید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 67 - 5

5 - بیان اخبار و اطلاعات بزرگ و پرفایده ، بخشی از قلمرو موضوعات قرآن

قل هو نبؤا عظیم

ص: 135

7- حجیت خبر عادل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 6 - 3

3 - اخبار شخص عادل ، معتبر و بی نیاز از تبیین و تفحص

إن جاءكم فاسق بنيا فتبیّنوا

وصف «فاسق»، می رساند که «فسق مخبر» علت اصلی وجوب تبیین و تفحص است. بنابراین هر جا که مخبر عادل باشد، خبرش معتبر و بی نیاز از تبیین است.

8- حجیت خبر واحد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 122 - 16

16 - خبر واحد ، معتبر و حجت است .

لیتفقها فی الدین ولینذروا قومهم إذا رجعوا إلیهم لعلهم یحذرون

ترتیب اثر دادن جامعه به سخنان ارشادگران، مبتنی بر حجت بودن گفتار آنان است.

9- خبر از توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 67 - 4

4 - نقش حیاتی و سازنده اخبار و اطلاعات مربوط به توحید ، قیامت و رسالت پیامبراسلام برای بشر

قل هو نبؤا عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 68 - 1,3

1 - اخبار مهم و سودمند مربوط به توحید ، قیامت و رسالت پیامبراسلام ، از سوی مشرکان و کافران مورد بی اعتنایی و اعراض قرار می گرفت .

قل هو نبؤا عظيم . أنتم عنه معرضون

3- اخبار مربوط به توحيد ، قيامت و رسالت پیامبر اسلام ، درخور تأمل و تفکر

هو نبؤا عظيم . أنتم عنه معرضون

ص: 136

محکوم کردن روی گردانی از اخبار بزرگ و سودمند مربوط به قیامت و .. و بی اعتنایی به آنها، می رساند که انسان باید به تأمل و اندیشه در آنها پردازد و از آنها روی گردانی نکند.

10- خبر از رسالت محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 67 - 4

4- نقش حیاتی و سازنده اخبار و اطلاعات مربوط به توحید، قیامت و رسالت پیامبر اسلام برای بشر

قل هو نبؤا عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 68 - 3، 1

1 - اخبار مهم و سودمند مربوط به توحید، قیامت و رسالت پیامبر اسلام، از سوی مشرکان و کافران مورد بی اعتنایی و اعراض قرار می گرفت.

قل هو نبؤا عظیم . انتم عنه معرضون

3 - اخبار مربوط به توحید، قیامت و رسالت پیامبر اسلام، درخور تأمل و تفکر

هو نبؤا عظیم . انتم عنه معرضون

محکوم کردن روی گردانی از اخبار بزرگ و سودمند مربوط به قیامت و .. و بی اعتنایی به آنها، می رساند که انسان باید به تأمل و اندیشه در آنها پردازد و از آنها روی گردانی نکند.

11- خبر از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 67 - 4

4- نقش حیاتی و سازنده اخبار و اطلاعات مربوط به توحید، قیامت و رسالت پیامبر اسلام برای بشر

قل هو نبؤا عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - اخبار مهم و سودمند مربوط به توحید، قیامت و رسالت پیامبراسلام، از سوی مشرکان و کافران مورد بی‌اعتنایی و اعراض قرار می‌گرفت.

قل هو نبؤا عظیم . انتم عنه معرضون

3 - اخبار مربوط به توحید، قیامت و رسالت پیامبراسلام، درخور تأمل و تفکر

ص: 137

هو نبؤا عظیم . انتم عنه معرضون

محکوم کردن روی گردانی از اخبار بزرگ و سودمند مربوط به قیامت و .. و بی اعتنایی به آنها، می رساند که انسان باید به تأمل و اندیشه در آنها پردازد و از آنها روی گردانی نکند.

12- خبر فاسق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 6 - 5

5- روحیه فسق ، دارای تأثیر منفی در تشخیص ها و گزارش های فرد فاسق *

إن جاءكم فاسق بنیا فتبینوا

وصف «فاسق»، می رساند که عنوان فسق و روحیه بی پروایی فاسق، در ابعاد گفتاری و ادراکی وی تأثیر گذاشته و مانع از تشخیص درست و گزارش صحیح می باشد.

13- خبر ولید بن عقبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 7 - 5

5- تلاش برخی از مسلمانان ، برای واداشتن پیامبر (صلی الله علیه و آله) به پذیرش خبر « ولید » *

واعلموا أن فیکم رسول الله لو یطیعکم . . لعنتم

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل و بنابر این که مراد از فاسق در آیه قبل ولید بن عقبه باشد، برداشت بالا به دست می آید.

14- خبر های آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 8 - 1,3

1 - شیاطین ، ناتوان از شنود اخبار آسمان

لا یسمعون إلى الملائع الأعلى

3- شیاطین ، درصدد دست یابی به اطلاعات موجود در آسمان و اخبار مربوط به امور غیبی اهل زمین

بیش تر مفسران بر آنند که گوش فرا دادن شیاطین به سخنان موجودات والا مقامی چون فرشتگان، با هدف دست یابی به امور غیبی مربوط به اهل زمین و اطلاعات موجود در آسمان صورت می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 10 - 1

1 - برخی از شیاطین ، به صعود به آسمان نزدیک موفق شده و با سرعت و دزدانه به اطلاعات و اخبار ناچیزی دست خواهند یافت .

لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى .. إِلَّا مِنْ خَطْفِ الْخَطْفَةِ

«خَطْفَ» به معنای اختلاس و ربودن با سرعت است و «خطفه» - بر وزن «فعله» که دال بر «مرّه» است - مفعول مطلق و به معنای یک بار ربودن است. گفتمی است که در این آیه، کنایه از ربودن کم و ناچیز از اطلاعات و اخبار موجود در آسمان است.

15- خبر های غیبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 8 - 6

6 - اطلاعات و اخبار غیبی مربوط به اهل زمین ، در اختیار فرشتگان آسمان قرار دارد .

لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 6 - 11

11 - وجود خبر های غیبی و پیشگویی از آینده ، در قرآن

فلاتنسی

16- خبر های مفید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 67 - 4

4 - نقش حیاتی و سازنده اخبار و اطلاعات مربوط به توحید ، قیامت و رسالت پیامبر اسلام برای بشر

قل هو نبؤا عظیم

17- خبر هددهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 22 - 5، 3، 2

2 - مبادرت هدهد به طرح دلیل غیبت خود و ارائه اطلاعات جدید به سلیمان (ع)

ص: 139

فقال أحطت بما لم تحط به

3- هدهد، مدعی دستیابی به موضوعی خارج از قلمرو اطلاعات سلیمان

أحطت بما لم تحط به

«احاطه» در این جا کنایه از علم آمده است؛ یعنی، «علمت بما لم تعلم به؛ به چیزی دست یافتم که تو به آن دست نیافته ای».

5- هدهد، پیامدار خبری بزرگ و قطعی از سرزمین «سبا» برای سلیمان (ع)

و جئتک من سبا بنیا یقین

«نبا» به خبر مهم و شنیدنی گفته می شود؛ یعنی، «برای تو از سبا خبری قطعی آورده ام که بسیار مهم و شنیدنی است».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 23 - 1

1 - اخبار هدهد از فرمانروایی یک زن بر مردم سرزمین سبا

إنی وجدت امرأه تملکهم

«مُلک» (مصدر «تملکهم») به معنای حکومت و فرمانروایی است؛ یعنی، زنی را یافتم که بر آنان حکمرانی می کند.

18- زیان خبر فاسق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 6 - 10، 8

8 - نقش ویرانگر منابع خبری فاسد، در مناسبات و امنیت جوامع

إن جاءکم فاسق بنیا .. أن تصیبوا قومًا بجهله

از تعلیل «أن تصیبوا قومًا بجهاله» و متفرع شدن آن بر فسق مخبر، مطلب بالا نتیجه گیری می شود.

10 - جامعه صدر اسلام در معرض خطر، از ناحیه گزارش های برخی از افراد فاسق

إن جاءکم فاسق .. أن تصیبوا قومًا بجهله

با توجه به شأن نزول هایی که مفسران ذکر کرده اند، هشدار خداوند در آیه شریفه، هنگامی صورت گرفت که نشانه های خطر یاد شده در

جامعه به نوعی رخ نموده بود.

19- شرایط بررسی خبر فاسق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 6 - 2

2- وجوب بررسی صدق خبر فاسق ، منوط به مهم بودن آن است . *

إن جاءكم فاسق بنياً فتبينوا

با توجه به این که «نبا» به خبر مهم گفته می شود؛ می توان نتیجه گرفت که وجوب تبیین در خصوص اخبار مهم است؛ نه در

ص: 140

مورد مطلق خبر، هر چند ناچیز باشد.

20- شرایط نقل خبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 133 - 18

18 - شرح و بیان وقایع ، باید از روی علم و آگاهی باشد .

أم کنتم شهداء إذ حضر یعقوب الموت

خداوند، ادعای یهود (وصیت یعقوب به ملازمت بر یهودیت) را با این جمله «أم کنتم . . .» (شما که حضور نداشتید . . .) بی اساس دانسته است و این بدان معناست که: خبر و بیان وقایع باید از روی علم و آگاهی بوده تا شایسته پذیرش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 137 - 5

5 - انطباق دقیق با واقعیت و پرهیز از مبالغه، معیارهایی که باید در نقل خبر مراعات کرد.

زین لکثیر من المشرکین

21- شیوع خبر معجزه موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 39 - 5

5 - راه یافتن خبر معجزات موسی (ع) در میان توده مردم

وقیل للناس هل أنتم مجتمعون

خبر واحد

22- حجیت خبر واحد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 122 - 16

16 - خبر واحد، معتبر و حجت است .

لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ

ترتیب اثر دادن جامعه به سخنان ارشادگران، مبتنی بر حجت بودن گفتار آنان است.

ص: 141

7- خجلت

1- خجلت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 42 - 5

5 - انکار رسالت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) ، موجب سرافکنندگی و شرمساری در قیامت

یومئذ یوّد الذین کفروا و عصوا الرسول لو تسوّی بهم الارض

«الرسول» می تواند از باب تنازع، مفعول «کفروا» نیز باشد.

2- خجلت اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 12 - 1

1 - ندامت و سرافکنندگی مجرمان ، در صحنه قیامت ، منظره ای بس دیدنی و عبرت انگیز است .

و لو تری إذ المجرمون ناکسوا رءوسهم عند ربهم

«نکس الرأس» به معنای «پایین انداختن سر از شرمندگی و خجالت» است. لازم به گفتن است که جواب «لو» محذوف بوده و آن، چیزی

شبیبه «الرأیت شیئاً عجیباً و هو...» است.

3- خجلت اخروی مکذبان لقاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 12 - 3

ص: 142

3 - منکران لقاء الله در قیامت ، مردمانی سرافکنده و شرمسارند .

بل هم بلقاء ربهم كفرون . . . و لو ترى إذ المجرمون ناكسوا رءوسهم

4- خجلت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 14 - 11

11 - سرافکنندگی و شرمندگی ، از جمله عذاب های روز قیامت است .

و لو ترى إذ المجرمون ناكسوا رءوسهم . . فذوقوا بما نسيتم لقاء يومكم هذا

«هذا» می تواند مفعول فعل «ذوقوا» باشد و مشارالیه آن مضمون «ناکسوارءوسهم. .» باشد.

5- خجلت قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 65 - 1

1- بت پرستان ، در برابر استدلال محکم ابراهیم (ع) بر بطلان شرک ، سرافکنده و شرمسار شدند .

ثم نکسوا علی رءوسهم

«نکس» به معنای قلب و برگرداندن قسمت بالای شیء به پایین و برعکس است. جمله «نکسوا علی رءوسهم» تمثیل (از نوع تشبیه معقول به محسوس) و کنایه از افرادی است که از شدت شرمساری و سرافکنندگی، سر آنان به طرف پایین بدنشان قرار می گیرد.

6- خجلت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 42 - 11، 3، 2

2 - شرمساری و رسوایی بی اندازه کافران به خدا و منکران معاد در قیامت

ماذا علیهم لو امنوا . . . یومئذ یؤدّ الذین کفروا . . . لو تسوّی بهم الارض

به دلیل آیات گذشته، مراد از کفر، کفر به خدا و معاد است.

3 - صححه شهادت پیامبر (صلی الله علیه و آله) در قیامت ، موجب شرم و تأسف بی اندازه کافران

و جنابک علی هؤلاء شهیداً. یومئذ یوّد الذین کفروا... لو تسوی بهم الارض

«یومئذ» متعلق به «شهیداً» است. یعنی آن روز که پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر اعمال گواهی دهد.

11 - شرمساری و پشیمانی کافران در قیامت ، از کتمان حقانیت رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

ص: 143

و عصوا الرسول . . . ولا یکتُمون اللّٰه حدیثاً

مصدق مورد نظر از کتمان حدیث در آیه شریفه، به دلیل «کفروا و عصوا الرسول»، کتمان حَقَّائِیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) است.

7- عوامل خجالت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 42 - 5، 4

4 - عصیان از فرمان های پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، موجب سرافکنندگی و شرمساری مرگبار در قیامت

و عصوا الرسول لو تسوّی بهم الارض

5 - انکار رسالت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) ، موجب سرافکنندگی و شرمساری در قیامت

یومئذ یؤدّ الذین کفروا و عصوا الرسول لو تسوّی بهم الارض

«الرسول» می تواند از باب تنازع، مفعول «کفروا» نیز باشد.

ص: 144

8- خداپرستان

1- خداپرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 12 - 16

16 - از تبار نیکان و خداپرستان بودن ، از فضایل و کمالات آدمی

و کانت من القنتین

2- استقامت خداپرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - کافرون - 109 - 5 - 6

6 - روی گردانی مردم از عبادت خداوند ، نباید تزلزلی در خداپرستان ایجاد کند .

و لا أتم عبودن ما أعبد

جمله همخوان با «و لا أتم عبودن» این بود که گفته شود: «ما أنا عابد»؛ تغییر آن تعبیر به فعل مضارع «أعبد»، برای تصریح به وضعیت آینده و نفی تزلزل در عبادت است.

خداپرستی

3- ادعای خداپرستی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - کافرون - 109 - 3 - 6

ص: 145

6 - کافران ، خود را در اقدام به خداپرستی - در صورت سازش پیامبر (صلی الله علیه و آله) با آنان - پیش قدم معرفی کرده و زمان پیوستن پیامبر (صلی الله علیه و آله) به آنان را ، پس از مرحله پیوستن خود به پیامبر (صلی الله علیه و آله) قرار داده بودند .

لا أعبد ما تعبدون . و لا أنتم عبدون ما أعبد

در آیه قبل، پیامبر(صلی الله علیه و آله) عبادت آینده خود از معبودهای مشرکان را منتفی دانست؛ ولی در این آیه، عبادت کنونی مشرکان از خداوند را نفی کرد. می توان گفت: اختلاف دو تعبیر - که از فعلی بودن آیه قبل و اسمی بودن این آیه استفاده می شود - ناظر به ترتیبی است که مشرکان برای توافق با پیامبر(صلی الله علیه و آله)، پیشنهاد کرده بودند. آنان گفته بودند: یک سال ما بنده خدای تو می شویم؛ مشروط به این که سال بعد تو خدایان ما را پذیرا باشی.

4- اقوام پیشین و خداپرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 10 - 22

22- اقوام کافر گذشته ، دعوت انبیا را به خداپرستی تلاشی برای خارج کردن معبودهایشان از صحنه می دانستند و با آن به مخالفت بر می خاستند .

تریدون أن تصدّونا عمّا كان يعبد ءاباؤنا

5- خداپرستی آزر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 27 - 4

4 - اعتقاد پدر و قوم ابراهیم (ع) به پرستش خداوند در کنار پرستش بت ها و عناصر بی جان

براء ممّا تعبدون . إلاّ الذی فطرنی

برداشت یاد شده، براین پایه استوار است که «إلاّ» در استثنای متصل به کار رفته باشد.

6- خداپرستی قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 27 - 4

4 - اعتقاد پدر و قوم ابراهیم (ع) به پرستش خداوند در کنار پرستش بت ها و عناصر بی جان

براء ممّا تعبدون . إلاّ الذی فطرنی

برداشت یاد شده، براین پایه استوار است که «إلاّ» در استثنای متصل به کار رفته باشد.

ص: 146

7- خداپرستی قوم زکریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 11 - 13

13- قوم زکریا، مردمی خداپرست و اهل تسبیح و عبادت بودند.

فخرج علی قومه .. أن سبّحوا

8- خداپرستی مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 12 - 15

15 - مریم (س)، از تبار طاعت پیشگان و از نسل نیکان و خداپرستان

و کانت من القنّین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «من» در «من القانّین» نشویه باشد؛ یعنی، مریم (س) برآمده از قانتان بود.

9- دعوت به خداپرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 10 - 22

22- اقوام کافر گذشته، دعوت انبیا را به خداپرستی تلاشی برای خارج کردن معبودهایشان از صحنه می دانستند و با آن به مخالفت برمی خاستند.

تریدون أن تصدّونا عمّا کان یعبداً ابّاؤنا

10- شرایط خداپرستی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - کافرون - 109 - 3 - 1

1 - برخی از کافران عصر بعثت، مدعی آمادگی برای عبادت خداوند، در صورت اظهار آمادگی پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای عبادت معبود های آنان

و لا أنتم عبدون ما أعبد

خبر دادن پیامبر(صلی الله علیه و آله) از سر سختی کافران - پس از نفی کوتاه آمدن خود - بیانگر آن است که کافران در صورت سازش پیامبر(صلی الله علیه و آله) خود را برای عبادت خداوند آماده می خواندند.

ص: 147

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - کافرون - 109 - 5 - 2

2 - سازش خواهان کافر ، به رغم اظهار آمادگی برای پذیرش مشروط توحید ، هرگز اهل عبادت خداوند نبودند و حال و آینده آنان ، فرقی نمی کرد .

و لا أنتم عبدون ما أعبد

این آیه گرچه با آیه سوم ، عبارتی یکسان دارد؛ ولی در زمان با آن متفاوت است . در آیه سوم - به قرینه آیه قبل از آن - مراد زمان آینده است؛ ولی در این آیه - به قرینه آیه قبل از این - مراد زمان حال است .

11- شرایط خداپرستی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - کافرون - 109 - 5 - 1

1 - برخی از کافران عصر بعثت ، آمادگی خود را برای عبادت خداوند به صورتی مشروط ، به پیامبر (صلی الله علیه و آله) عرضه کردند .

و لا أنتم عبدون ما أعبد

12- فطرت خداپرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 24 - 7

7 - گرایش به پرستش آفریدگار هستی ، گرایشی فطری و طبیعی

فصدّهم عن السبیل

«السبیل» (آن راه) اشاره به همان راه طبیعی و فطری دارد که راهی یگانه است و در صورت نبود مانعی در آن ، انسان ها به خدای یگانه ره می برند و هدایت می یابند . همه انحراف ها نیز ناشی از موانعی است که شیطان در این طریق پدید می آورد .

ص: 148

9- خدا ترسان

1- آرامش اخروی خدا ترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 54 - 5

5- بی قراران از خوف مقام پروردگار ، دارای آرامش و آسایش در نعمت های بهشت

ولمن خاف مقام ربّه جنتان ... متکین علی فرش ... و جنى الجنتین دان

2- آسایش اخروی خدا ترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 54 - 4,5

4- شکوه ، جلال ، آسایش و تنعم ، جملگی جمع در بهشت خائفان از مقام پروردگار

ولمن خاف مقام ... متکین علی فرش ... و جنى الجنتین دان

5- بی قراران از خوف مقام پروردگار ، دارای آرامش و آسایش در نعمت های بهشت

ولمن خاف مقام ربّه جنتان ... متکین علی فرش ... و جنى الجنتین دان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 55 - 2

2- آسایش ، تنعم و بهره‌وری های خائفان مقام پروردگار در بهشت ، جلوه ای از ربوبیت عالی خداوند و نعمتی غیر قابل انکار و تکذیب

متکین ... فبأیء الآء ربکما تکذبان

ص: 149

3- آموزش خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 12 - 1

1 - خداترسان ، مشمول غفران عظیم خداوند و بهره مند از پاداش بزرگ او

إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ

تنکیر «مغفره»؛ دلالت بر تعظیم دارد.

4- انذار از خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 45 - 3

3 - تنها کسانی هشدارها و انذارهای پیامبر (صلی الله علیه و آله) را می پذیرند که دارای زمینه خشیت و هراس از گرفتاری های قیامت باشند .

إِنَّمَا أَنتَ مُنذِرٌ مِّنْ يَّخْشَاهَا

انذار پیامبر (صلی الله علیه و آله)، همگانی است و به طایفه خاصی نظر ندارد؛ اختصاص آن به «من یخشاها»، ناظر به تأثیرپذیری آنان و سود نبردن دیگران است.

5- اهمیت شخصیت خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 9 - 3

3 - افراد خداترس و نگران از ناکامی در تزکیه و درست کاری ، سزاوار ارج نهادن و دریغ نداشتن راهنمایی و ارشاد از آنان

جاءك... و هو يخشى

6- اهمیت همنشینی با خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 10 - 4

4- لزوم استقبال از همنشینی با خداترسان و دین پژوهان و پرهیز از بی‌اعتنایی به آنان

فأنت عنه تلّهی

ص: 150

7- ایمان خدا ترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 45 - 3

3 - تنها کسانی هشدارها و انذارهای پیامبر (صلی الله علیه و آله) را می پذیرند که دارای زمینه خشیت و هراس از گرفتاری های قیامت باشند .

إِثْمَانُ مَنْذَرٍ مِنْ يَخْشِيهَا

انذار پیامبر (صلی الله علیه و آله)، همگانی است و به طایفه خاصی نظر ندارد؛ اختصاص آن به «من یخشایا»، ناظر به تأثیرپذیری آنان و سود نبردن دیگران است.

8- باغهای اخروی خدا ترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 62 - 5، 1

1 - خائفان مقام پروردگار ، علاوه بر دو بوستان بهشت ، از دو بوستان دیگر نیز برخوردارند .

و لمن خاف مقام ربّه جنتان . . . و من دونهما جنتان

واژه «دون» - در «من دونهما» - در صورتی که به معنای «غیر» باشد بیانگر برداشت بالا خواهد بود.

5 - «عن أبي جعفر (ع) قال : . . . و أمّا قوله « و من دونهما جنتان » يقول من دونهما في الفضل و ليس من دونهما في القرب و هما لأصحاب اليمين و هي جنة النعيم و جنة المأوى . . . »

از امام باقر (ع) روایت شده: . . . اما این قول خداوند «و من دونهما جنتان» می فرماید: پایین تر از آن دو در فضیلت نه پایین تر در نزدیکی (مکانی) و آن دو بهشت برای اصحاب الیمین است و آن [معروف] به «جَنَّة النعیم» و «جَنَّة المأوی» می باشد.

9- بهشت خدا ترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 62 - 1

1 - خائفان مقام پروردگار ، علاوه بر دو بوستان بهشت ، از دو بوستان دیگر نیز برخوردارند .

ولمن خاف مقام ربّه جنتان . . . و من دونهما جنتان

واژه «دون» - در «من دونهما» - در صورتی که به معنای «غیر» باشد بیانگر برداشت بالا خواهد بود.

10- پاداش اخروی خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 40 - 2

ص: 151

2 - خداترسان دور از هواپرستی با حضور در صحنه قیامت ، کردار خویش را به یاد آورده و جزای آن را خواهند دید .

یوم یتذکر . . . و أمّا من خاف مقام ربّه و نهی النفس عن الهوی

11- پاداش خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 46 - 5

5 - بیمناکان از مقام پروردگار ، برخوردار از بهشتی در قبال عمل و بهشتی دیگر از فضل الهی *

و لمن خاف مقام ربّه جنتان

طبق نظر برخی از مفسران، تشبیه آمدن «جنتان» نظر به مطلب بالا دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 47 - 1

1 - پاداش بهشت به بیمناکان مقام پروردگار ، نعمتی انکارناپذیر و غیر قابل تکذیب

و لمن . . . جنتان . فبأیّ آلاء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 12 - 1

1 - خداترسان ، مشمول غفران عظیم خداوند و بهره مند از پاداش بزرگ او

إنّ الذین یخشون ربّهم بالغیب لهم مغفره و أجر کبیر

تکبیر «مغفره»؛ دلالت بر تعظیم دارد.

12- پاکی خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 14 - 2

2 - مردمان تذکرپذیر و اهل خشیت ، انسان هایی پاک ، ورستگارانند .

سیدگر من یخشی . . . قد اُفلح من تزکی

مصدق مورد نظر از «من تزکی» - به قرینه آیات پیشین - همان مصدق «من یخشی» است.

ص: 152

13- پیروزی خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 52 - 1

1 - خداترسان تقوا پیشه و اطاعت کنندگان از خدا و رسول، حتماً ظفرمند و کامیاب اند.

و من يطع الله و رسوله و يخش الله و يتقاه فأولئك هم الفائزون

14- تذکر اخروی خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 40 - 2

2 - خداترسان دور از هواپرستی با حضور در صحنه قیامت، کردار خویش را به یاد آورده و جزای آن را خواهند دید.

يوم يتذکر... و أمّا من خاف مقام ربّه و نهی النفس عن الهوی

15- ترک اعراض از خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 10 - 4

4 - لزوم استقبال از همشینی با خداترسان و دین پژوهان و پرهیز از بی اعتنایی به آنان

فأنت عنه تلّهی

16- تعدد باغهای اخروی خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 46 - 1

1 - بیمناکان دادگاه عدل الهی و حضور در محضر او، برخوردار از دو بوستان

و لمن خاف مقام ربّه جتّان

در صورتی که مراد از «مقام ربّه» محضر پروردگار در قیامت باشد، برداشت یاد شده به دست می آید.

17- تنزيه خدا ترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 153

12 - خداترسان ، از دل بستگی شدید به دنیا مبرا هستند .

وَأَثَرُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا .. وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ

18- حسن فرجام خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 22 - 18

18- آنان که از خدا ترسانند و از حساب سخت و ناگوار قیامت هراس دارند ، به فرجامی نیک خواهند رسید .

وَيُخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ .. أُولَئِكَ لَهُمْ عَقِيبٌ الدَّارِ

19- حق پذیری خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 18 - 9

9 - خداترسان و نمازگزاران ، بیشتر از دیگران ، حق پذیراند .

إِنَّمَا تَنْذِرُ الَّذِينَ يُخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ

20- خداترسان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 33 - 4، 1

1 - بهشت ، از آن بیم دارندگان از خداوند در نهان

وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ .. مِنْ خَشْيَةِ الرَّحْمَنِ بِالْغَيْبِ

بنابراین که «بالغیب» متعلق به «خشی» باشد، برداشت بالا به دست می آید.

4- بهشت پاداش آنان که با وجود محسوس نبودن خداوند ، همه جا وی را در نظر داشته و از او بیم دارند .

من خشی الرحمن بالغیب

بنابر این که «بالغیب» وصف برای «رحمان» باشد، برداشت بالا قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 46 - 5، 4، 2

2- بیم دارندگان از گناه و مخالفت پروردگار ، بهره مند از دو بهشت

ص: 154

و لمن خاف مقام ربّه جنتان

خوف از مقام پروردگار، می تواند کنایه از ترک گناه و پرهیز از مخالفت با فرمان پروردگار باشد. برداشت بالا بر پایه این احتمال است.

4- بیمناکان از مقام پروردگار، برخوردار از بهشتی مادی و بهشتی معنوی *

و لمن خاف مقام ربّه جنتان

تشبیه آمدن «جنتان» ممکن است اشاره به مطلب بالا داشته باشد؛ چه این که برخی از مفسران نیز بدان اشاره کرده اند.

5- بیمناکان از مقام پروردگار، برخوردار از بهشتی در قبال عمل و بهشتی دیگر از فضل الهی *

و لمن خاف مقام ربّه جنتان

طبق نظر برخی از مفسران، تشبیه آمدن «جنتان» نظر به مطلب بالا دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 50 - 2

2- دو بهشت خائفان از خدا، دارای تفاوت های بسیار و تنوع فراوان *

و لمن خاف .. جنتان ... ذواتا أفنان ... فیهما عینان تجریان

از این که پس از عبارت «و لمن خاف .. جنتان» اوصاف به گونه تشبیه آمده است، چنین استفاده می شود که تفاوت آن دو «جنت» اعتباری نیست؛ بلکه آن چشمه ای دارد و این چشمه ای دیگر؛ به خصوص اگر «أفنان» به معنای «انواع» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 51 - 1

1- چشمه های جاری در بهشت خائفان، نعمتی غیر قابل انکار و تکذیب ناپذیر

فیهما عینان تجریان . فبأیّء الآء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 54 - 4,5

4- شکوه، جلال، آسایش و تنعم، جملگی جمع در بهشت خائفان از مقام پروردگار

ولمن خاف مقام . . . متکین علی فرش ... و جنی الجنتین دان

5- بی قراران از خوف مقام پروردگار ، دارای آرامش و آسایش در نعمت های بهشت

ولمن خاف مقام ربّه جنتان . . . متکین علی فرش ... و جنی الجنتین دان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 55 - 2

2- آسایش ، تنعم و بهره‌وری های خانفان مقام پروردگار در بهشت ، جلوه ای از ربوبیت عالی خداوند و نعمتی غیر قابل انکار و تکذیب

متکین . . . فبأیّ الاء ربکما تکذبان

ص: 155

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 41 - 1

1 - بهشت ، تنها جایگاه نهایی برای خداترسان رهیده از هوای نفس

فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى

جمله «فَإِنَّ الْجَنَّةَ ..» به دلیل وجود «ال» جنس در خبر، دلالت بر حصر دارد.

21- خداترسان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 40 - 2، 1

1 - حاضران در قیامت ، به دو دسته متمایز طغیان گران و خداترسان دور از هوا و هوس ، تقسیم خواهند شد .

فَأَمَّا مَنْ طَغَى .. وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ

در ترکیب آیات حاضر، گفته شده است که جمله «فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَّةُ الْكُبْرَى» حاوی ادات شرط و فعل شرط است و تقسیم حاضران به دو دسته - که از جملات «فَأَمَّا مَنْ طَغَى .. وَأَمَّا مَنْ خَافَ...» استفاده می شود - جزای آن است.

2 - خداترسان دور از هواپرستی با حضور در صحنه قیامت ، کردار خویش را به یاد آورده و جزای آن را خواهند دید .

يَوْمَ يَتَذَكَّرُ ... وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 38 - 2

2 - انسان های پاک ، تذکر پذیر ، هدایت جو و خداترس ، در قیامت چهره ای نورانی خواهند داشت .

لَعَلَّه يَرْكَبِي . أَوْ يَذَّكَّرُ ... جَاءَكَ يَسْعَى . وَهُوَ يَخْشَى ... وَجْهَ يَوْمئِذٍ مَسْفُورَه

22- خداترسان و انذارهای محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 18 - 7

7- انذارها و اخطارهای پیامبر (صلی الله علیه و آله)، تنها در خداترسان و برپادارندگان نماز مؤثر بوده است.

إِنَّمَا تَنْذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ

23- خداترسان و دنیاطلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 156

12 - خداترسان ، از دل بستگی شدید به دنیا مبرا هستند .

و ءاثر الحيوه الدنيا . . . و أمّا من خاف مقام ربّه

24- رستگاری خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 14 - 2

2 - مردمان تذکرپذیر و اهل خشیت ، انسان هایی پاک ، و رستگارانند .

سیدّگر من یخشی . . . قد أفلح من تزکّی

مصدق مورد نظر از «من تزکی» - به قرینه آیات پیشین - همان مصدق «من یخشی» است.

25- زمینه ترس خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 10 - 6

6 - عاقبت اندیشان و اهل خشیت ، تأثیرپذیر از تذکرات و پند های قرآن

فذکر . . . سیدّگر من یخشی

26- سعادت خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 11 - 5

5 - خداترسان و پندپذیران ، سعادت‌منداند .

سیدّگر من یخشی . و یتجنّبها الأشقی

این آیه با آیه قبل، دارای «احتباك» (از وجوه بلاغت) است؛ یکی از «خشیت» سخن گفته و دیگری از «شقاوت» و بیان نقطه مقابل هر یک را به قرینه بودن دیگری موكول کرده است؛ بدین معنا که اهل خشیت، نقطه مقابل «شقاوت»؛ یعنی، سعادت را دارند و اهل «شقاوت» گرفتار نقطه مقابل «خشیت»؛ یعنی، گستاخی هستند.

27- سهولت تعليم خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 157

4- آگاه ساختن اهل خشیت به معارف قرآن، آسان و بی نیاز از تحمل رنج و ناراحتی است.

سنقرئک ... و نیسّرک لیسری . فذکر ... سیذکر من یخشی

28- شکوه اخروی خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 54 - 4

4- شکوه، جلال، آسایش و تنعم، جملگی جمع در بهشت خانفان از مقام پروردگار

و لمن خاف مقام .. متکین علی فرش ... و جنی الجنتین دان

29- صورت اخروی خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 38 - 2

2- انسان های پاک، تذکرپذیر، هدایت جو و خداترس، در قیامت چهره ای نورانی خواهند داشت.

لعلّه یزگی . او یذکر ... جاءک یسعی . و هو یخشی ... وجوه یومئذ مسفره

30- عبرت پذیری خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 26 - 2

2- تنها خداترسان از هلاکت و مجازات فرعون پند می گیرند و خود را از گرفتاری به فرجامی نظیر آن برحذر می دارند.

إنّ فی ذلک لعبره لمن یخشی

مراد از خشیت در «یخشی»، می تواند خشیت از خداوند باشد، جمله «و اهدیک الی ربک فتخشی» (در آیات پیشین) مؤید این احتمال است. اختصاص یافتن «عبرت» به «من یخشی» - با آن که هلاکت فرعون برای همگان درس عبرت است - بیانگر این نکته است که تنها، خداترسان از این عبرت بهره می گیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - عاقبت اندیشان و اهل خشیت ، تأثیر پذیر از تذکرات و پند های قرآن

فدگر . . . سیدگر من یخشی

ص: 158

31- علایق خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 56 - 4

4 - بهشتیان و خداترسان ، مجذوب همسران بهشتی خود

فیهنّ قصرت الطرف

مقصود از «طرف» می تواند نگاه همسران زنان بهشتی باشد؛ یعنی، زنان بهشتی چنان جذاب اند که نظر و چشم دیگران (همسران) را به خود مشغول می دارند.

32- فرجام اخروی خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 41 - 1

1 - بهشت ، تنها جایگاه نهایی برای خداترسان رهیده از هوای نفس

فإنّ الجنّه هی المأوی

جمله «فإنّ الجنّه ..» به دلیل وجود «ال» جنس در خبر، دلالت بر حصر دارد.

33- فضایل خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 33 - 1

1 - بهشت ، از آن بیم دارندگان از خداوند در نهان

وَأُزْلِفَتُ الْجَنَّةَ لِلْمُتَّقِينَ .. من خشی الرحمن بالغیب

بنابراین که «بالغیب» متعلق به «خشی» باشد، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 46 - 1,2,4,5

1 - بیمناکان دادگاه عدل الهی و حضور در محضر او، برخوردار از دو بوستان

و لمن خاف مقام ربّه جنتان

در صورتی که مراد از «مقام ربّه» محضر پروردگار در قیامت باشد، برداشت یاد شده به دست می آید.

2 - بیم دارندگان از گناه و مخالفت پروردگار، بهره مند از دو بهشت

ص: 159

و لمن خاف مقام ربّه جنتان

خوف از مقام پروردگار، می تواند کنایه از ترک گناه و پرهیز از مخالفت با فرمان پروردگار باشد. برداشت بالا بر پایه این احتمال است.

4- بیمناکان از مقام پروردگار، برخوردار از بهشتی مادی و بهشتی معنوی *

و لمن خاف مقام ربّه جنتان

تشبیه آمدن «جنتان» ممکن است اشاره به مطلب بالا داشته باشد؛ چه این که برخی از مفسران نیز بدان اشاره کرده اند.

5- بیمناکان از مقام پروردگار، برخوردار از بهشتی در قبال عمل و بهشتی دیگر از فضل الهی *

و لمن خاف مقام ربّه جنتان

طبق نظر برخی از مفسران، تشبیه آمدن «جنتان» نظر به مطلب بالا دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 62 - 1

1 - خائفان مقام پروردگار، علاوه بر دو بوستان بهشت، از دو بوستان دیگر نیز برخوردارند.

و لمن خاف مقام ربّه جنتان . . . و من دونهما جنتان

واژه «دون» - در «من دونهما» - در صورتی که به معنای «غیر» باشد بیانگر برداشت بالا خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 26 - 2

2 - تنها خداترسان از هلاکت و مجازات فرعون پند می گیرند و خود را از گرفتاری به فرجامی نظیر آن برحذر می دارند.

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِمَن يَخْشَى

مراد از خشیت در «یخشی»، می تواند خشیت از خداوند باشد، جمله «و أهدیک إلی ربّک فتخشی» (در آیات پیشین) مؤید این احتمال است. اختصاص یافتن «عبرت» به «من یخشی» - با آن که هلاکت فرعون برای همگان درس عبرت است - بیانگر این نکته است که تنها، خداترسان از این عبرت بهره می گیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بهشت ، تنها جایگاه نهایی برای خداترسان رهیده از هوای نفس

فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى

جمله «فَإِنَّ الْجَنَّةَ..» به دلیل وجود «ال» جنس در خبر، دلالت بر حصر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - تنها کسانی هشدارها و انذارهای پیامبر (صلی الله علیه و آله) را می پذیرند که دارای زمینه خشیت و هراس از گرفتاری های قیامت باشند .

إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ مِّنْ يَخْشَاهَا

انذار پیامبر (صلی الله علیه و آله)، همگانی است و به طایفه خاصی نظر ندارد؛ اختصاص آن به «من یخشاها»، ناظر به تأثیرپذیری آنان و سود

نبردن دیگران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 9 - 3

3 - افراد خداترس و نگران از ناکامی در تزکیه و درست کاری ، سزاوار ارج نهادن و دریغ نداشتن راهنمایی و ارشاد از آنان

جاءک ... و هو یخشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 10 - 1

1 - کسانی که عظمت خداوند را احساس کرده و از او هراس دارند ، در پذیرش موعظه های پیامبر (صلی الله علیه و آله) درنگ نمی کنند

سیدّگر من یخشی

«خشیت» ترسی است که آمیخته با احساس عظمت باشد(مفردات راغب). «سیدّگر» در اصل «سیتدگر» بوده است و حرف «سین» در آن بر نبود تأنی و تأخیر در پذیرش تذکر دلالت دارد.

34- مدح خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 35 - 3

3 - تمجید خداوند از دل هایی که با شنیدن نام او ، خشیت و ترس بر آنها عارض می شود .

الذین إذا ذکر الله وجلت قلوبهم

35- مصونیت اخروی خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 34 - 3

3 - بیم داران از خدا در دنیا ، ایمن از هر غم و اندوه ، در آخرت

من خشی الرحمن ... ادخلوها بسلم

36- مقامات خدا ترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهيم - 14 - 14 - 13

ص: 161

13- « عن ابن مسعود قال : لَمَّا نزلت . . . « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ » تلا رسول الله (صلى الله عليه وآله) على أصحابه فخرّفتي مغشياً عليه . . . فبشّره النبي (صلى الله عليه وآله) بالجنة فقال « ذلك لمن خاف مقامى و خاف وعيد » ;

ابن مسعود گفت: هنگامی که آیه «یاایها الذین آمنوا قوا أنفسکم . . .» نازل شد، رسول خدا(صلی الله علیه و آله) آن را برای اصحابش تلاوت کرد. پس جوانی بر زمین افتاد و از هوش رفت پس پیامبر(صلی الله علیه و آله) او را به بهشت بشارت داد و فرمود:... ذلك لمن خاف مقامى و خاف وعيد».

37- نعمتهای اخروی خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 54 - 5

5- بی قراران از خوف مقام پروردگار ، دارای آرامش و آسایش در نعمت های بهشت

و لمن خاف مقام ربّه جنتان . . . متکین علی فرش ... و جنی الجنّین دان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 55 - 2

2- آسایش ، تنعم و بهره‌وری های خائفان مقام پروردگار در بهشت ، جلوه ای از ربوبیت عالی خداوند و نعمتی غیر قابل انکار و تکذیب

متکین . . . فبأیء الآء ربکما تکذبان

38- نورانیت اخروی خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 38 - 2

2- انسان های پاک ، تذکر پذیر ، هدایت جو و خداترس ، در قیامت چهره ای نورانی خواهند داشت .

لعلّه یزگی . أو یدّکر ... جاءک یسعی . و هو یخشی ... وجوه یومئذ مسفره

39- ویژگیهای باغهای اخروی خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - دو بوستان عطا شده به خداترسان ، دارای دو چشمه همیشه جاری

ولمن خاف . . . جتّان ... فیهما عینان تجریان

ص: 162

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 52 - 1, 2

1 - دو بوستان عطا شده به خداترسان ، دارای دو گونه متمایز از هر نوع میوه

فیهما من کلّ فکّه زوجان

2 - دو بوستان خائفان از خدا ، هر یک دارای میوه هایی مخصوص به خود و متمایز از دیگری *

فیهما من کلّ فکّه زوجان

برداشت یاد شده بدین احتمال است که «زوجان» به معنای وجود دو نوع در دو بهشت باشد که در هر بهشت یک نوع از هر میوه وجود داشته باشد.

40- هدایت پذیری خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 10 - 1

1 - کسانی که عظمت خداوند را احساس کرده و از او هراس دارند ، در پذیرش موعظه های پیامبر (صلی الله علیه و آله) درنگ نمی کنند

سیدّگر من یخشی

«خشیت» ترسی است که آمیخته با احساس عظمت باشد(مفردات راغب). «سیدّگر» در اصل «سیتدگر» بوده است و حرف «سین» در آن بر نبود تأنی و تأخیر در پذیرش تذکر دلالت دارد.

41- هدایت خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 9 - 3

3 - افراد خداترس و نگران از ناکامی در تزکیه و درست کاری ، سزاوار ارج نهادن و دریغ نداشتن راهنمایی و ارشاد از آنان

جاءک ... و هو یخشی

42- همسران بهشتی خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 56 - 4

4 - بهشتیان و خداترسان ، مجذوب همسران بهشتی خود

فیهنّ قصرت الطرف

ص: 163

مقصود از «طرف» می تواند نگاه همسران زنان بهشتی باشد؛ یعنی، زنان بهشتی چنان جذاب اند که نظر و چشم دیگران (همسران) را به خود مشغول می دارند.

خداترسی

43- آثار خداترسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 40 - 14

14 - خداترسی ، مانع هواپرستی است .

و أمّا من خاف مقام ربّه و نهی النفس عن الهوی

ترتیبی که در ذکر خداترسی و نهی از هوای نفس مراعات شده، حاکی از ترتّب حقیقی آن دو است.

44- ادعای خداترسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 16 - 7

7 - شیطان ، مدعی خداترسی

قال . . . إني أخاف الله

45- خداترسی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 14 - 11

11- انبیا به دلیل ترس از مقام خداوند از حمایت های خداوند برخوردار شدند .

فأوحى إليهم ربهم لنهلكنّ الظلمين . ولنسكننكم الأرض ... ذلك لمن خاف مقامى و خ

46- خداترسی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 16 - 7

7 - شيطان ، مدعى خداترسى

قال . . . إني أخاف الله

ص: 164

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 17 - 2

2- اظهار خداترسی و نیز تبری شیطان در قیامت از پیروان خویش ، بی ثمر در نجات او از کیفر اخروی

قال إني بريء منك إني أخاف الله .. فكان عقبتهما أنّهما في النار

47- خداترسی عبدالله بن ام مکتوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 9 - 2، 1

1 - ابن ام مکتوم مسلمانی خداترس بود و خطر محرومیت از تزکیه او را نگران ساخته بود .

و هو یخشی

حذف بعضی از قیدهای کلام، گاهی به منظور تعمیم است تا مخاطب احتمالات گوناگونی را مد نظر داشته باشد. متعلق «خشیت» در این آیه گویا به همین منظور ذکر نشده است تا احتمالاتی از قبیل ترس از خدا، نگرانی از سلب توفیق تزکیه، ترس از فرجام خویش و نظایر آن را در ذهن شنونده ترسیم کند.

2 - خداترسی و حالت خشیت ، برانگیزاننده ابن ام مکتوم برای حضور در مجلس پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود .

و أمّا من جاءك یسعی . و هو یخشی

48- خداترسی موحدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 61 - 4

4 - موحدانِ بیمناک از پروردگار و روز قیامت ، پشتناز در انجام کار های نیک

و هم لها سبفون

«لها» متعلق به «سابقون» است که مفعول آن محذوف می باشد. پس تقدیر آن چنین می شود: «و هم سابقون غیرهم لها». «سبق» به معنای پیشی گرفتن است.

1- آثار خدانشناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 55 - 2,9

2 - شناخت ربوبیت الهی ، مستلزم روی آوری انسان به دعا به درگاه اوست .

إن ربکم اللّٰه الذی .. ادعوا ربکم تضرعاً

بیان ضرورت دعا پس از بیان ربوبیت خداوند و تدبیر جهان هستی از سوی او می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

9 - توجه به ربوبیت خداوند ، برانگیزنده آدمی به دعا به درگاه او

ادعوا ربکم

هدف از بیان ربوبیت خدا به انسانها، در ضمن دعوت آنان به دعا به درگاه او، ایجاد انگیزه دعا در ایشان است. یعنی باور به ربوبیت خدا همان و روی آوری به درگاه او همان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 56 - 7

7- هدایت و شناخت پروردگار ، موجب امیدواری به رحمت او و زداینده هرگونه یأس و ناامیدی

و من یقنط من رحمہ ربّہ إلا الضالّون

حضرت ابراهیم(ع) یأس از رحمت پروردگار را معلول گمراهی و نشناختن پروردگار دانست. بنابراین هدایت و شناخت پروردگار، می تواند موجب امیدواری به رحمت خدا و عامل از بین رفتن یأس شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 74 - 3

3 - معرفت درست در باره خدا ، زمینه ساز اعتقاد به قدرت و عزّت مطلق و نامحدود او

ما قدروا اللّٰه حقّ قدره إنّ اللّٰه لقویّ عزیز

2- آثار خدانشاسی ناقص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 74 - 1

1 - شرک ، اندیشه ای است برخاسته از عدم شناخت درست خدا .

ما قدروا الله حق قدره

«قدر» (مصدر «قدروا») به معنای اندازه گرفتن است. ضمیر فاعل در «قدروا»، به مشرکان بازمی گردد و «حق قدره» مفعول مطلق برای «قدروا» می باشد؛ یعنی، آنان که تدبیر امور جهان و از جمله انسان را در اختیار خدایان دیگری می پندارند، خدا را آن گونه که هست شناخته و گمان می کردند که خدا به تنهایی نمی تواند همه هستی را اداره کند. ندانستید که خدا، نیرومند و شکست ناپذیر است.

3- آثار خدانشاسی یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 86 - 14

14- معرفت ویژه یعقوب (ع) نسبت به خداوند و صفات او ، دلیل تضرعش به درگاه او و شکایت نبردش به غیر او .

إنما أشكوا بّي و حزني إلى الله و أعلم من الله ما لا تعلمون

جمله «أعلم من الله» به منزله تعلیل برای «إنما أشكوا ..» است ؛ یعنی ، دلیل اینکه من فقط به خدا شکایت می برم [و شما این گونه نیستید] آن است که من از صفات و ویژگیهای خدا ، چیزهایی را می دانم که شما نمی دانید.

4- اهتمام یوسف (ع) به خدانشاسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 37 - 3

3- یوسف (ع) با اشاره به خدادادی بودن دانش های ویژه اش ، هم بندگان خویش را به شناخت ربوبیت خدا برانگیخت .

ذلکما مما علمنی ربی

از اهداف یوسف (ع) در بیان این حقیقت که «این دانش را پروردگارم به من آموخته است» آن است که: هم بندگان زندانی خویش را با خدا و ربوبیت او آشنا کند. مخاطب قرار دادن آن دو نفر با حرف «کما» در «ذلکما» مؤید این هدف است.

5- اهمیت خدانشناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 77 - 5

5- شناخت خداوند (توحید) و پندآموزی و درس‌گیری، هدف و فلسفه نقل داستان‌ها و حوادث تاریخی در قرآن است.

و تَبْتَهُمُ عَنْ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ... إِنْ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِلْمُتَوَسِّمِينَ... إِنْ فِي ذَلِكَ لَآيَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ

6- تعقل در خدانشناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 67 - 19

19 - شناخت خردورزانه مبدأ و منت‌های آفرینش (خدا و معاد)، فلسفه خلقت انسان

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تَرَابٍ... لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

برداشت بالا به خاطر این نکته است که آیه شریفه، در صدد شناساندن خدا به عنوان مبدأ آفرینش انسان و مسأله معاد است که در آیه بعد از آن سخن به میان خواهد آمد (هو الذی یحیی و یمیت...).

7- توفیق خدانشناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - حمد - 1 - 5 - 17

17 - شناخت ربوبیت خدا بر تمام هستی و باور به رحمانیت و رحیمیت او و مالکیتش بر روز جزا، تنها با امداد الهی امکان‌پذیر است.

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ... إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ

شناخت ربوبیت خدا و... از تکالیفی است که می‌توان آن را از سوره حمد برداشت کرد. لذا آنها نیز متعلق «نستعین» می‌باشند؛ یعنی: نستعینک علی ان نعرف ربوبیتک و... .

8- خدانشناسی ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 76 - 10

10 - ابليس، آشنا به خدا و خالقيت او

خلقتنى من نار و خلقته من طين

ص: 168

9- خدائشناسی اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 13 - 8

8- شناخت ربوبیت خداوند، از عوامل ایمان اصحاب كهف بود.

ءامنوا برّهم

10- خدائشناسی اعراب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 1 - 12

12 - محبوبیت و عظمت خداوند نزد همگان، حتی اعراب در زمان جاهلیت

و اتّقوا الله الذی تساءلون به

درخواست مردم از یکدیگر با نام خدا (تورا به خدا چنین کن)، که مفهوم جمله «تساءلون به» می باشد، نشانه محبوبیت و عظمت نام خدا نزد مخاطبان است؛ که از جمله مخاطبان، اعراب دوران جاهلیت هستند.

11- خدائشناسی اعضای بدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 21 - 14، 8

8 - اعضا و جوارح آدمی، آگاه به وجود خداوند و قدرت و اقتدار او

قالوا أنطقنا الله الذی أنطق کلّ شیء

14 - آگاهی و شهادت اعضا و جوارح آدمی در قیامت به آفریدگاری خداوند و بازگشت همگان به سوی او

قالوا... و هو خلقکم أوّل مرّه و إلیه ترجعون

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که جمله «و هو خلقکم...» ادامه گفتار اعضا و جوارح انسان باشد.

12- خدائشناسی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 10 - 6

6- پی بردن از طریق پدیده ها به پدید آورنده (برهان اِنْ) ، از برهان های رسولان الهی برای اثبات وجود خداوند

أفی الله شكّ فاطر السموت و الأرض

ص: 169

نفی تردید از خالقیت خداوند نسبت به آسمانها و زمین، در حقیقت بدین جهت است که با توجه دادن مردم به پدیده بودن آسمانها و زمین، آنان واقف به نیازشان به پدید آورنده خواهند شد و این، عین استفاده از برهان اِن است.

13- خداشناسی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 172 - 4,5,6,10

4 - هر انسانی در نشئه شهود به گونه ای محسوس ربوبیت و وحدانیت خداوند را دریافت کرده است .

و أشهدهم علی أنفسهم أَلست بربکم قالوا بلی

5 - خداوند پس از شناساندن خود به انسان ها از آنان خواست تا بر ربوبیت خدا و عبودیت خویش گواه باشند .

و أشهدهم علی أنفسهم أَلست بربکم

6 - اعتراف انسان به ربوبیت خدا در نشئه شهود

أَلست بربکم قالوا بلی

10 - هیچ انسانی در روز قیامت نمی تواند مدعی غفلت از ربوبیت خدا در حیات دنیوی خویش باشد .

أشهدهم علی أنفسهم . . . أن تقولوا يوم القيمة إنا كنا هذا غفلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 173 - 1

1 - وجود نشئه شهود و آگاه شدن آدمی به ربوبیت و وحدانیت خدا در آن نشئه ، از میان برنده هر گونه عذر و بهانه ای برای روی آوری به شرک

و أشهدهم علی أنفسهم . . . أو تقولوا إنما أشرك ءاباؤنا

14- خداشناسی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 106 - 13

13 - اتصاف خداوند به قدرتی فراگیر و مطلق ، امری روشن برای انسانها

ألم تعلم أن الله كل شيء قدير

استفهام در جمله فوق استفهام تقریری است و این نوع استفهام در موردی به کار می رود که مخاطب مضمون جمله را پذیرفته و آن را باور دارد. از آنجا که مخاطب جمله فوق همه انسانها هستند؛ یعنی، «ألم تعلم أيها الإنسان»، معلوم می شود: همگان به قدرت مطلق خدا آگاه هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 170

2- انحصار حاکمیت خداوند بر تمام هستی ، حقیقتی روشن برای همگان

ألم تعلم أن الله له ملك السموت والأرض

استفهام تقریری در «ألم تعلم...» گویای برداشت فوق است. برای توضیح بیشتر به برداشت شماره 13 آیه قبل مراجعه شود.

15- خدانشناسی اهل انطاکیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - 15 - 36 - 7

7 - مردم انطاکیه ، به وجود خدا و رحمانیت او معتقد بودند . *

وما أنزل الرحمن من شيء

تصریح مردم انطاکیه به صفت رحمانیت خدا حاکی از اعتقاد آنان به این حقیقت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - 9 - 36 - 23

9 - مردم انطاکیه ، به وجود خدا و رحمانیت او معتقد بودند . *

إن یردن الرحمن بضراً

تصریح به صفت رحمانیت خدا از سوی مؤمن انطاکیه، می تواند حاکی از عقیده مردم آن دیار به این حقیقت باشد؛ زیرا اگر آنان بر این باور نبودند، استدلال به توانایی خداوند رحمان بر ضرر و گزند رساندن به انسان ها - به گونه ای که حتی معبودها از دفع آن ناتوان باشند - بی معنا و غیر کافی بود.

16- خدانشناسی اهل مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 84 - 7

7- مردم مدین ، به وجود خداوند معتقد بودند .

قال یقوم اعبدوا الله ما لکم من إله غیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 36 - 8

8 - مردم مدین ، به وجود خداوند معتقد بودند .

يقوم اعدوا الله

از دعوت حضرت شعیب(ع)، به عبادت خدا، استفاده می شود که اصل وجود خدا، برای مردم مدین، مسلم و مُحَرَز بوده است.

ص: 171

17- خدانشناسی اهل یقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 7 - 5

5- اهل یقین ، قادر به درک و شناخت ربوبیت یگانه خداوند بر نظام هستی

ربّ السموت و الأرض و ما بینهما إن کنتم موقنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 4 - 1

1 - آفرینش انسان و سایر جانداران ، دربردارنده نشانه هایی از خداوند برای جویندگان یقین

و فی خلقکم و ما بیثّ من دابّه ءایت

18- خدانشناسی برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 86 - 13

13- جهل و ناآگاهی فرزندان یعقوب به حقایقی درباره خداوند

و أعلم من الله ما لاتعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 91 - 7

7- یوسف (ع) و برادرانش به نقش بسزای خداوند در امور بشر و روند تاریخ ، معتقد بودند و بدان باور داشتند .

قد منّ الله علینا . . لقد ءثرک الله علینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 96 - 15

15- جهل و ناآگاهی فرزندان یعقوب به حقایقی درباره خداوند

ألم أقل لكم إني أعلم من الله ما لا تعلمون

ص: 172

19- خدانشناسی بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 160 - 1

1 - تنها بندگان مخلص خدا، عارف به حق خدا و توصیف کننده شایسته او هستند.

سبحن الله عما يصفون . إلا عباد الله المخلصين

«إلا» استثنای منقطع و به معنای «لکن» است. مستثنی منه نیز در برداشت بالا، ضمیر فاعلی «یصفون» دانسته شده است. گفتنی است مقصود و معنای «مخلصین» این است: «الذین أخلصهم الله لفسه و ولايته؛ کسانی که خداوند آنان را برگزیده و در اختیار خود گرفته و مطیع فرمان خویش ساخته است».

20- خدانشناسی پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 19 - 6

6 - پرندگان، دارای نوعی شعور و شناخت نسبت به انسان و خدا

و الطير محشوره كل له اواب

21- خدانشناسی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 73 - 12

12 - ساحران در پاسخ فرعون، خداوند را برتر از او و وصول به خدا را، ارجمندتر از آسایش دنیوی و پاینده تر از زندگانی در دنیا معرفی کردند.

إتما تقضى هذه الحيوه الدنيا . . والله خير و أبقى

22- خدانشناسی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 31 - 3

3- اعتقاد جنیان قبل از رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) به وجود خداوند

أجیبوا داعی اللّٰه

در عبارت «أجیبوا داعی اللّٰه» اصل وجود خداوند در نظر جنیان، یقینی تلقی شده و از آنان خواسته شده است تا به پیامبری که به سوی خداوند دعوت می کند، ایمان آورند.

ص: 173

23- خدانشناسی حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 86 - 8

8 - وجود نشانه های روشن و غیرقابل انکار الهی ، در نظام شب و روز برای جویندگان حقیقت

إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

عبارت «قوم یؤمنون»؛ یعنی، کسانی که دارای زمینه گرایش به حق اند و اگر حق را بیابند به آن ایمان می آورند.

24- خدانشناسی در آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 84 - 2

2 - نظام طبیعت ، بستری مناسب برای خدانشناسی و ره یافتن به توحید

قل لمن الأرض و من فیها

25- خدانشناسی در انسان های نخستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 19 - 5

5 - تاریخ شاهد دین داری و گرایش به خدا از روز آغازین پیدایش انسان

و ما كان الناس إلا أمه و حده فاختلّفوا

26- خدانشناسی در تاریخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 59 - 6

6 - باور به وجود خداوند ، باوری ریشه دار در عمق تاریخ بشر

يقوم اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

از اینکه نوح(ع)، قوم خویش را به عبادت خداوند دعوت کرد، معلوم می شود وجود خداوند برای آنان امری مسلم بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 174

6 - اعراف - 7 - 65 - 7

7 - باور به وجود خداوند ، باوری ریشه دار در تاریخ بشر

يقوم اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 73 - 7

7 - باور به وجود خداوند ، باوری ریشه دار در تاریخ بشر

قال يقوم اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 85 - 7

7 - باور به وجود خداوند ، باوری ریشه دار در تاریخ بشر

قال يقوم اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

27- خدانشناسی در طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 190 - 5،10،12

5 - آفرینش و پدیده های آن ، از منابع و زمینه های شناخت خداوند و صفات او

انّ في خلق السموات والارض و اختلاف الليل و النهار لايات

10 - صاحبان خرد ناب ، تنها دریابندگان نشانه های الهی در آفرینش

انّ في خلق السموات . . . لايات لاولی الالباب

آیات الهی در آفرینش وجود دارد، چه صاحب خردی باشد و یا نباشد. بنابراین «لاولی الالباب»، ناظر به بهره مندی از آن آیات است. یعنی

تنها خردمندان به نشانه بودن آنها پی می برند و دیگران از آن محرومند.

12 - اندیشه پیراسته از آلودگی ها و ناخالصی ها ، زمینه ساز درک آیات الهی در آفرینش

انّ في خلق السموات ... لايات لاولى الالباب

28- خداشناسی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 16 - 8

8 - اعتراف شیطان به ربوبیت خداوند بر هستی

کمثل الشیطن إذ قال .. إني أخاف الله ربّ العلمین

ص: 175

29- خدانشناسی طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 74 - 9

9- طبیعت و جهان مادی، آشنا با خدا و آگاه به مقام الوهیت است.

وإن منها لما يهبط من خشية الله

30- خدانشناسی عاقلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 4 - 9

9- تنها صاحبان عقل و فهم بر دریافت ربوبیت خدا و یکتایی او در تدبیر هستی توانایند.

إن في ذلك لآيت لقوم يعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جاثیه - 45 - 5 - 7، 2، 1

1 - رفت و آمد پی در پی شب و روز و تفاوت تدریجی ساعات آن دو، نشانه وجود خداوند نزد اهل اندیشه و تفکر

و اختلف الیل والنهار و... آیت لقوم يعقلون

«اختلاف...» ممکن است ناظر به آمد و شد روز و شب باشد. علاوه بر آن تغییر ساعات روز و شب در طی فصول سال را نیز افاده می کند. در برداشت بالا هر دو نکته مورد نظر است.

2 - ریزش باران از سمت آسمان و تأمین روزی خلق و حیات زمین در پرتو آن، آیتی خداوندی برای خردورزان

و ما أنزل الله من السماء... آیت

7 - نقش سازنده حرکت بادها در شرایط زیستی زمین، نشانه ای از خداوند برای اهل اندیشه

و تصریف الريح آیت لقوم يعقلون

31- خدانشناسی عقلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 190 - 6.8

6 - استدلال بر شناخت صفات خداوند از طریق برهان « اتی »

انّ فی خلق السموات و الارض و اختلاف الیل و النهار لآیات

ص: 176

برهان «ان» یا «اتی»، پی بردن از معلول به علت است و در آیه شریفه، پدیده‌ها و چگونگی آنها، که معلول خدا و صفات او هستند، نشانه و دلیل خداوند و صفات او معرفی شده است.

8 - ارزش عقل و نقش آن در شناخت خداوند

لایات لاولی الالباب

«لَبَّ» به معنای عقل خالص و بدور از وهم و خیال است که از آن می‌توان به خرد ناب تعبیر کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 8 - 7

7 - عقل و دل، دو ابزار کارآمد در وجود انسان برای دستیابی به معارف درست در باره خدا و صفات و افعال او

یجدل فی الله بغیر علم و لا هدی

32- خدانشناسی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 102 - 8

8- اعتقاد درونی فرعون به وجود پروردگاری برای آسمان‌ها و زمین *

قال لقد علمت ما أنزل هؤلاء إلا رب السموت والأرض

33- خدانشناسی فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 131 - 7

7 - بیشتر فرعونیان ناآگاه به نقش اراده خداوند در ابتلای آنان به سختی‌ها و ناخوشایندیها

ألا إنما ظنهم عند الله و لكن أكثرهم لا يعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 134 - 7

7- باور فرعونیان به وجود خدایی برای موسی ، مؤثر در جهان آفرینش و زندگی انسانها

ادع لئاریک بما عهد عندک

ص: 177

34- خدائشناسی فطری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 8 - 7

7- عقل و دل ، دو ابزار کارآمد در وجود انسان برای دستیابی به معارف درست در باره خدا و صفات و افعال او

یجدل فی الله بغیر علم ولا هدی

35- خدائشناسی قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 61 - 6

6- قوم ثمود ، به وجود خداوند معتقد بودند .

یقوم اعبدوا الله

36- خدائشناسی قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 50 - 6

6- قوم عاد ، به وجود خداوند معتقد بودند .

قال یقوم اعبدوا الله ما لکم من إله غیره

37- خدائشناسی قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 26 - 5

5- قوم نوح ، پیش از پیامبری آن حضرت ، به وجود خداوند معتقد بودند .

أن لاتعبدوا إلا الله

چنان چه قوم نوح به وجود خداوند معتقد نبودند ، ضروری آن بود که آن حضرت نخستین سخنانش را به اثبات آفریدگار جهان اختصاص

می داد و آن گاه مردمان را به پرستش او فرا می خواند.

ص: 178

38- خدائشناسی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 106 - 6

6 - خودشناسی و خدائشناسی کافران در تنگنای عذاب جهنم

فی جهنم خلدون... قالوا ربنا غلبت علينا شقوتنا... ضالین

39- خدائشناسی کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 43 - 7

7- کفرپیشگان عصر بعثت به خداوند اعتقاد داشته و شهادت او را پذیرا بودند .

قل کفی بالله شهیداً بینی و بینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - کافرون - 109 - 3 - 7

7- کافران ، از معبود پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، شناخت نادرست و تصویری در حد معبود های خویش داشتند .

ما تعبدون... ما أعبد

کلمه «ما» در معنایی اعم از عاقل و غیر عاقل به کار می رود، به کار نبردن کلمه «من» - که تصریح به عاقل بودن است - به جهت بیان این نکته است که مشرکان، معبود پیامبر (صلی الله علیه و آله) را در سطح معبودان خویش می پنداشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - کافرون - 109 - 5 - 7

7- کافران عصر بعثت ، از خداوند شناختی ناقص و در حد شناخت خدایان خویش داشتند .

ولا أنتم عبدون ما أعبد

کلمه «ما»، بیانگر برداشت یاد شده است.

40- خدائشناسی کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 18 - 7

7- کوه ها ، دارای نوعی شعور و شناخت نسبت به خداوند

یسبّحن بالعشیّ و الإِشراق

ص: 179

خداشناسی گروههای نُه گانه قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 49 - 2,3

2- فسادانگیزی گروه های نُه گانه مخالف صالح ، علی رغم اظهار اعتقادشان به خدا

يفسدون فی الأرض .. قالوا تقاسموا بالله

سوگند خوردن به خدا، حکایت از نوعی باور به خدا دارد.

3- اعتقاد سطحی و تقلیدی به خدا، بی تأثیر در صلاح و سازندگی انسان

يفسدون فی الأرض .. قالوا تقاسموا بالله

گروه های مزبور از یک سو به خدا سوگند می خورند و از سوی دیگر برای کشتن پیامبر خدا همدست می شوند و این نشانگر سطحی بودن ایمان آنان و بی ثمر بودن آن است.

41- خداشناسی متفکران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- رعد - 13 - 3 - 7

7- تنها صاحبان فکر و اندیشه دلالت هستی (زمین، کوهها، نهرها و...) را بر وجود خداوند و مدبر بودن او درمی یابند.

إن فی ذلک لآیت لقوم یتفکرون

42- خداشناسی مخلصین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 160 - 1

1 - تنها بندگان مخلص خدا، عارف به حق خدا و توصیف کننده شایسته او هستند.

سبحن الله عما یصفون . إلا عباد الله المخلصین

«إلا» استثنای منقطع و به معنای «لکن» است. مستثنی منه نیز در برداشت بالا، ضمیر فاعلی «یصفون» دانسته شده است. گفتنی است مقصود و معنای «مخلصین» این است: «الذین أخلصهم الله لنفسه و ولايته؛ کسانی که خداوند آنان را برگزیده و در اختیار خود گرفته و

مطیع فرمان خویش ساخته است».

43- خدائناسی مردم مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 180

10 - مریم - 19 - 88 - 2

2- شناخت مردم عصر بعثت از خداوند ، شناختی ضعیف و ناقص بود .

وقالوا اتخذ الرحمن ولداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 91 - 3

3- « رحمان » از اسامی و اوصاف خداوند ، و شناخته شده برای مردم عصر بعثت

أن دعوا للرحمن ولداً

44- خدانشناسی مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 116 - 3

3 - شناخت یهود و نصارا از خدا و صفات او ، شناختی ضعیف و ناقص

وقالوا اتخذ الله ولداً سبحانه

45- خدانشناسی مسیحیان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 118 - 10

10 - ضعف بینش و شناخت یهود ، نصارا و مشرکان عصر بعثت ، درباره خداوند

وقال الذين لا يعلمون لولا يكلمنا الله . . . كذلك قال الذين من قبلهم مثل قولهم

46- خدانشناسی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 57 - 2

2- مشرکان ، معتقد به وجود خداوند

و يجعلون لله البنات

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

10 - اسراء - 17 - 94 - 9

ص: 181

9- اصل وجود خدا و نیاز به رسالت ، امری پذیرفته شده حتی در بینش مشرکان

أبعث الله بشراً رسولاً

از اینکه مشرکان به جای انکار اصل رسالت به استبعاد نبوت بشر پرداختند، می توان استفاده کرد که اصل رسالت و نبوت برای آنان، امری محرز بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 24 - 4

4 - اعتقاد مشرکان به وجود خداوند

أم يقولون افتری علی الله

از این که مشرکان می گفتند: پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر خدا دروغ بسته است، استفاده می شود که آنان اصل وجود خدا را پذیرفته بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 9 - 3

3 - نشانه های عزت (قاهر بودن) و دانایی آفریدگار جهان ، غیر قابل انکار ، حتی برای مشرکان

ولئن سألتهم... ليقولنّ خلقهنّ العزيز العليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 28 - 5

5- اعتقاد مشرکان به حقیقتی برتر از معبود های خود ، به عنوان خدای هستی

اتّخذوا من دون الله قرباناً ءالهه

در معنای «قرباناً» و تقرب، این معنا نهفته است که باید طرفی وجود داشته باشد که به او تقرب جستند؛ یعنی، آلهه متعدد، تنها از آن جهت مورد پرستش قرار گرفته بودند که وسیله تقرب به خدای اصلی تلقی می شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 33 - 3

3- تردید مشرکان ، در امکان معاد ، در عین اعتقاد به وجود آفریدگار *

أولم يروا أنّ الله الذي خلق .. . بقدر على أن يحيي الموتى

با توجه به این که مخاطب آیه شریفه، مشرکان است و اصل وجود خداوند مسلم شمرده شده و صرفاً برای امکان معاد، برهان آمده است؛
مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 23 - 20

20 - مشرکان ، دارای پندار های نادرست و غلط از خداوند و صفات او

سبحن الله عمّا يشركون

ص: 182

47- خدائشناسی مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 62 - 4

4- مشرکان دوران جاهلیت ، باورمند به خداوند علی رغم اسناد امور ناروا به او

و يجعلون لله ما يكرهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 20 - 3

3 - مشرکان عرب جاهلی ، معتقد به خداوند رحمان و مرتبت والای او در مقایسه با دیگر خدایان

وقالوا لو شاء الرحمن ما عبدناهم

از این که مشرکان، عبادت دیگر خدایان را در گرو مشیت خدای رحمان دانسته اند، مطلب بالا استفاده می شود.

48- خدائشناسی مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 118 - 10

10 - ضعف بینش و شناخت یهود ، نصارا و مشرکان عصر بعثت ، درباره خداوند

وقال الذين لا يعلمون لولا يكلمنا الله . . . كذلك قال الذين من قبلهم مثل قولهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 42 - 2

2- باورداشت مشرکان صدراسلام ، به اصل وجود خدا و مقدس و محترم بودن او

و أقسموا بالله جهد أيمانهم

برداشت یاد شده از سوگند مشرکان به «الله» استفاده می شود.

49- خدائشناسی مشرکان مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 81 - 3,7

3 - باور مشرکان عصر بعثت به رحمانیت خدای هستی

قل إن کان للرحمن ولد

ص: 183

7- شناخت مشرکان عصر پیامبر نسبت به خداوند با نام « رحمان »

قل إن كان للرحمن

50- خدائشناسی مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 35 - 7

7- مشرکان مکه ، علی رغم عقیده به خدایان متعدد ، اظهار عقیده به خداوند کرده و قضای او را در عالم نافذ می دانستند .

وقال الذین أشركوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 38 - 2

2- مشرکان مکه ، معتقد به وجود خداوند بودند .

و أقسموا بالله جهد أيمانهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 52 - 10

10 - اعتقاد مشرکان مکه به وجود خداوند

إن كان من عند الله

از ظاهر جمله شرطیه بر می آید که اصل وجود خداوند برای مشرکان ، مسلم بوده است .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 9 - 2

2 - مشرکان مکه ، با نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و پیام توحیدی آن حضرت در ستیز بودند ، نه منکر وجود آفریدگار عزیز و دانای

جهان .

ولئن سألتهم .. ليقولنّ خلقهنّ العزیز العلیم

با توجه به آیات پیشین - که نوعی خطاب و عتاب نسبت به منکران پیامبر (صلی الله علیه و آله) دارد - برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 17 - 7

7 - مشرکان مکه ، خداوند را با نام «رحمان» می شناختند و یاد می کردند .

بما ضرب للرحمن مثلاً

بنابراین که واژه «رحمان» در آیه شریفه، به خاطر بار معنایی آن نیامده باشد؛ بلکه صرفاً نقل قول ساده ای از کلام عرب جاهلی باشد که به جای «الله» - یا هر صفت دیگر برای خداوند - کلمه «رحمان» را به کار می بردند.

ص: 184

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 87 - 1

1 - اعتقاد مشرکان مکه ، به خالقیت خداوند و توحید در آفرینش

و لئن سألتهم من خلقهم ليقولنَّ اللهَ فأنَّی یؤفکون

از آیه شریفه استفاده می شود که شرک مشرکان، در ناحیه خالقیت خداوند نبوده است؛ بلکه آنان در ربوبیت، تدبیر، کارگشایی امور و وساطت برای تقرب به خدا، گرفتار شرک بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 8 - 2

2- مشرکان مکه ، معتقد به وجود خداوند و در تلاش برای انکار رسالت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

أم یقولون افتریه

اتهام افترا و کذب به پیامبر (صلی الله علیه و آله) در زمینه آیات از سوی کافران، نمایانگر این حقیقت است که آنان، در بخشی از ادعاها و جوسازی های خویش، بر وجود خداوند صحه گذاشته بودند؛ لیکن رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و آیات وحی را انکار می نمودند.

51- خدانشناسی مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 31 - 26

26- مصریان زمان یوسف (ع) ، به خداوند و منزّه بودن او ، معتقد بودند .

حش لله

52- خدانشناسی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 13 - 5

5 - منافقان ، فاقد درک نسبت به مقام خداوند

لأنتم أشدَّ رهبة فی صدورهم من الله ذلک بأنهم قوم لا یفقهون

53- خدائناسی موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 116 - 11

ص: 185

11 - همه موجودات ، برخوردار از آگاهی و شعور به مقام خداوند هستند .

کل له قنتون

جمع بستن کلمه قانت به وسیله «ون» حکایت از آن دارد که: موجودات آسمانها و زمین - در ارتباط با خداوند - از شعور و آگاهی برخوردار هستند؛ زیرا صفت مذکر آن گاه این گونه جمع بسته می شود که موصوف از صاحبان عقل و شعور باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 41 - 3،10

3 - تمامی موجودات با شعور آسمان ها و زمین ، معترف به وجود خداوند و تنزیه گوی او از هر گونه نقص و ناروایی

ألم تر أن الله يسخّر له من في السموات والأرض

10 - همه موجودات عالم ، آگاه به شایستگی خداوند برای نیایش و تسبیح

كلّ قد علم صلاته و تسبیحه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 53 - 11

11 - علم حضوری و شهودی تمامی موجودات ، نسبت به پروردگار

أولم يكف بربك أنه على كل شيء شهيد

بنابراین که «شاهد» به معنای مشهود باشد، برداشت یاد شده قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 24 - 11

11 - همه موجودات جهان ، دارای نوعی ادراک نسبت به مقام آفریدگار خویش

يسبحّ له ما في السموات والأرض

چنانچه مراد از تسبیح، بیانی و گفتاری باشد - و نه صرفاً به زبان حال - برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - معرفت و شناخت خدا، سرشته در ذات همه موجودات هستی

يَسْبِحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که مراد از تسبیح در آیه شریفه، تسبیح نطقی باشد؛ نه تسبیح تکوینی

54- خدانشناسی موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 14 - 5

ص: 186

5- موسی (ع) پیش از نبوت و دریافت وحی نیز، عارف به خداوند و پذیرای ربوبیت او بود.

إِنِّي أَنَا رَبِّكَ .. إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا

دو جمله «إِنِّي أَنَا رَبِّكَ» و «إِنِّي أَنَا اللَّهُ» حکایت از آن دارد که موسی (ع) قبلاً این نام ها را می شناخته و بدان اعتقاد داشته است و در کوه طور به تطبیق «رب» و «الله» بر صاحب صدا پی برد.

55- خدانشناسی مؤمن آل فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 34 - 18

18 - مؤمن آل فرعون، برخوردار از معرفت عمیق نسبت به معارف الهی (مانند خدانشناسی، معاد، تاریخ و مسؤلیت پیامبران)

إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ مِثْلَ يَوْمِ الْأَحْزَابِ .. يَوْمِ التَّنَادِ ... كَذَلِكَ يَضِلُّ اللَّهُ مِنْهُ مَسْرَفٌ م

56- خدانشناسی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 99 - 15

15 - مؤمنان دارای زمینه لازم برای درک آیات خداوند در طبیعت هستند.

و هو الذی أنزل .. إن فی ذلکم لآیت لقوم یؤمنون

«ذلکم» اشاره به موارد مذکور در آیه، از قبیل نزول باران، رشد گیاهان، درختان میوه و تشابه و اختلاف آنها و .. است.

57- خدانشناسی مؤمنان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 10 - 5

5 - بهره مندی مؤمنان از کمال معرفت و شناخت خداوند در بهشت

جنت النعیم. دعویهم فیها سبحک اللهم

58- خدانشناسی ناقص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 17 - 21

21 - ادعای الوهیت برای غیر خدا ، نشانه ضعف شناخت نسبت به خداوند است .

ص: 187

الذین قالوا .. و لله ملک السموت و الارض

59- خدائشناسی ناقص کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 22 - 4

4 - شناخت و درک ناقص کافران و مشرکان ، از گستره علم الهی

ظننتم أنّ الله لا يعلم كثيراً ممّا تعملون

60- خدائشناسی ناقص مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 67 - 1

1 - مشرکان ، خدا را آن گونه که شایسته او است ، نشناخته و ارج ننهاده اند .

و ما قدروا الله حقّ قدره

بیشتر مفسران و اهل ادب جمله «و ما قدروا الله ..» را به معنای «ما عرفوا الله» و «ما عظموا الله» معنا کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 22 - 4

4 - شناخت و درک ناقص کافران و مشرکان ، از گستره علم الهی

ظننتم أنّ الله لا يعلم كثيراً ممّا تعملون

61- خدائشناسی ناقص یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 77 - 5

5 - یهودیان ، فاقد معرفت و شناخت لازم به خدا و صفات او

أو لا يعلمون أنّ الله يعلم ما يسرون و ما يعلنون

62- خدائشناسی نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 188

12 - نوح (ع)، آگاه به حقایق پوشیده از مردم درباره خداوند

و أعلم من الله ما لا تعلمون

برداشت فوق بر این اساس است که «من الله» به معنای «درباره خدا» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 33 - 9

9- پاسخ نوح (ع) به عذاب طلبی کفرپیشگان، پاسخی آمیخته با درس توحید و خداشناسی بود.

فأتنا بما تعدنا .. قال إنما يأتكم به الله إن شاء و ما أنتم بمعجزين

63- خداشناسی هابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 27 - 22

22 - هابیل، انسانی خداشناس، پرهیزگار، آگاه به معارف الهی و برخوردار از ادب و منطق در روابط اجتماعی

قال انما يتقبل الله من المتقين

تصریح نکردن هابیل به بی تقوایی قابیل، حاکی از ادب اوست و تبیین علت پذیرش و رد اعمال، حاکی از اندیشه منطقی و آشنایی او با معارف الهی است.

64- خداشناسی یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 86 - 12

12- یعقوب (ع) حقایق را درباره خدا و صفات او می دانست که بر دیگران پوشیده و مستور بود.

و أعلم من الله ما لا تعلمون

برداشت فوق، بر این اساس است که «من الله» به معنای درباره خدا باشد. بر این اساس مراد از «ما لا تعلمون» صفات و ویژگیهای خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 96 - 13

13- یعقوب (ع) حقایقی را درباره خدا و صفات او می دانست که بر دیگران پوشیده و مستور بود .

ألم أقل لكم إني أعلم من الله ما لا تعلمون

برداشت فوق بر این اساس است که «من الله» به معنای «درباره خدا» باشد. بر این اساس مقصود از «ما لا تعلمون» صفات و

ص: 189

ویژگیهای خداوند است.

65- خدانشناسی یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 91 - 7

7- یوسف (ع) و برادرانش به نقش بسزای خداوند در امور بشر و روند تاریخ، معتقد بودند و بدان باور داشتند.

قد منّ الله علينا .. لقد ائثرک الله علينا

66- خدانشناسی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 116 - 3

3 - شناخت یهود و نصارا از خدا و صفات او، شناختی ضعیف و ناقص

وقالوا اتخذ الله ولداً سبحانه

67- خدانشناسی یهود صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 118 - 10

10 - ضعف بینش و شناخت یهود، نصارا و مشرکان عصر بعثت، درباره خداوند

وقال الذين لا يعلمون لولا يكلمنا الله .. كذلك قال الذين من قبلهم مثل قولهم

68- دلایل خدانشناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 10 - 6

6- پی بردن از طریق پدیده ها به پدید آورنده (برهان إن)، از برهان های رسولان الهی برای اثبات وجود خداوند

أفي الله شكّ فاطر السموت والأرض

نفی تردید از خالقیت خداوند نسبت به آسمانها و زمین، در حقیقت بدین جهت است که با توجه دادن مردم به پدیده بودن آسمانها و زمین، آنان واقف به نیازشان به پدید آورنده خواهند شد و این، عین استفاده از برهان *إِنَّ* است.

ص: 190

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 19 - 5

5- نگرش دقیق به آفرینش ، راهی برای شناخت آفریدگار عالم است .

ألم تر أن الله خلق السموت والأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 33 - 10

10- دریا ها ، رودخانه ها ، خورشید ، ماه و شب و روز ، هر کدام آیتی مستقل برای خداشناسی و برطرف کننده نیازی از نیاز های انسان

و سخّر لكم الفلك . . . و سخّر لكم الأنهر . و سخّر لكم الشمس و القمر دائبين و

69- راههای خداشناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 242 - 5

5 - احکام الهی ، نشانه های خداوند برای شناخت او

بيّن الله لكم آياته

مراد از «آیات» (نشانه ها) احکام الهی است ؛ چون «کذلک» اشاره به احکام گذشته دارد؛ بنابراین هر حکم الهی، نشانی از او دارد.

70- روش خداشناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 10 - 4

4- توجه به مخلوق بودن پدیده های عالم ، تردیدی در وجود خداوند باقی نمی گذارد .

أفی الله شكّ فاطر السموت والأرض

استفهام در آیه، انکاری است؛ بنابراین معنا چنین می شود: شکی در اینکه خداوند خالق آسمانها و زمین است، نیست و چون اینها پدیده هستند به پدید آورنده نیاز دارند. بنابراین با عنایت و توجه عقلی، شکی در وجود خداوند باقی نمی ماند.

71- روش خدائناسی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 191

5- مأموریت یافتن هامان از سوی فرعون ، به تهیه آجر و ساختن برجی بلند جهت تحقیق وی درباره خدای موسی

فأوقد لی یهمن علی الطین فاجعل لی صرحاً لعلی أطلع إلی إله موسی

«صرح» به هر بنای بلند و برافراشته گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 37 - 15، 8، 4، 3

3- فرعون ، مدعی شد که به منظور اطلاع یافتن از خدای موسی (ع) در آسمان ها ، فرمان ساختن بنای بلند و رصدخانه را صادر کرده است .

أسبب السموت فأطلع إلی إله موسی

4- تصور نادرست فرعون ، از حقیقت خداوند و اعتقاد باطل وی به وجود او در آسمان ها و انحصار راه خدا شناسی در محسوسات

أسبب السموت فأطلع إلی إله موسی

از این که فرعون برای کسب اطلاع از خداوند، به کاوش در آسمان ها پرداخت، این مطلب به دست می آید که او خدا را موجودی می دانست که اولاً در آسمان ها جای دارد نه در زمین، ثانیاً از راه های محسوس آسمانی (أسباب السماوات) قابل شناخت است.

8- ساختن بنای بلند و رصدخانه ، به منظور اطلاع یافتن از خدای موسی (ع) ، رفتار زشتی بود که فرعون آن را زیبا و آراسته می یافت .

ابن لی صرحاً .. فأطلع إلی إله موسی ... و كذلك زین لفرعون سوء عمله

15- کار ساز نبودن مکر و حيله فرعون در ساختن بنای بلند ، به بهانه اطلاع یافتن از خدای موسی (ع) و اثبات دروغ گو بودن او

یهمن ابن لی صرحاً .. فأطلع إلی إله موسی ... و ما کید فرعون إلا فی تباب

برداشت یاد شده به این خاطر است که از مصادیق اصلی «کید فرعون» ساختن بنای بلند می باشد.

72- زمینه خدانشناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- مائده - 5 - 97 - 18

18 - جامعه قوام یافته در پرتو تعالیم دین ، جامعه ای آماده برای شناخت خداوند و صفات او

قیماً للناس . . . يعلم ما فی السموت و ما فی الارض و إنّ اللّٰه بکل شیء علیم

برداشت فوق بر این اساس است که «ذلک» اشاره به «قیماً للناس» باشد. یعنی هدف از اینکه خداوند می خواهد جامعه انسانی دارای ثبات باشد این است که زمینه خدانشناسی و علم انسانها به اسماء و صفات الهی فراهم آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 76 - 3

3- مطالعه در آثار گذشتگان و تمدن امت های پیشین و شناخت آنها (باستان شناسی) ، به منظور درس آموزی و خدانشناسی ، امری شایسته و بایسته

ص: 192

فأخذتهم الصيحة... فجعلنا عليها سافلها... إن في ذلك لآيت... وإنها لبسبيل م

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 77 - 4

4- فراز های یاد شده از ماجرای قوم لوط در قرآن، همگی پند دهنده و آموزنده درس های خداشناسی است.

و تبتهم عن ضیف ابرهیم... إن فی ذلک لآیت للمتوسمین... إن فی ذلک لآیه للمؤمن

73- زمینه خداشناسی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 12 - 3

3- نزول قرآن، موجب معرفت جن نسبت به جایگاه خداوند در جهان هستی و شناخت موقعیت ضعیف و پوچ خود

و انا ظننا ان لن نعجز الله فی الارض ولن نعجزه هربا

74- فطرت خداشناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 31 - 10

10 - « من زراه قال سألت أبا جعفر (ع) من قول الله « حنفاء لله غير مشركين به » ما الحنفيه قال : هي الفطره التي فطر الناس عليها ، فطر الله الخلق على معرفته ؛

زراه گوید: از امام باقر(ع) پرسیدم که [منظور از] «حنفیت» در قول خداوند «حنفاء لله غیر مشرکین به» چیست؟ فرمود: همان فطرتی است که خدا مردم را بر آن خلق کرده است. خدا خلق را بر معرفت خود، آفریده است.»

75- منشأ خداشناسی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 172 - 7

7- آگاهی انسان در نشئه حجاب به ربوبیت خداوند، برخاسته از آگاهی او در نشئه شهود است.

أشهدهم على أنفسهم... أن تقولوا يوم القيمة إنا كنا هذا غفلين

«أن تقولوا . . .» به تقدیر «لام» و «لا»ی نافیہ است. یعنی «لأن لا تقولوا» (ما مسأله اشهاد را عملی کردیم تا روز قیامت نگوید از ربوبیت خدا غافل بودیم). این تعلیل می رساند که اگر مسأله اشهاد نبود، حجت بر انسانها تمام نبود و خداوند آنها را به خاطر غفلت از ربوبیتش مؤاخذه نمی کرد. از لوازم این معنا آن است که آگاهی بالفعل انسانها نسبت به خدا به خاطر مسأله اشهاد می

باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 173 - 3

3 - در صورتی که واقعه اشهاد و اقرار به ربوبیت خدا تحقق نمی یافت ، آدمیان در حیات دنیا به ربوبیت و وحدانیت خدا آگاه نمی شدند .

و أشهدهم علی أنفسهم . . . أو تقولوا إنما أشركنا

خداجویی

76- آثار تداوم خداجویی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 33 - 7

7 - حفظ روحیه توبه و خداجویی تا پایان عمر ، شرط ره جویی به بهشت *

و أزلفت الجنة . . . و جاء بقلب منيب

تعبیر «جاء» می تواند اشاره به این نکته باشد که اگر کسی ، برهه ای از عمر را با قلب منیب بگذراند؛ ولی آن را در نهایت از دست داده و نتواند آن را در صحنه قیامت به همراه آورد ، برخوردار از بهشت نخواهد بود.

77- خداجویی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 33 - 6

6 - تقوایندگان و ره جویان به بهشت ، دارای قلبی خداجو و تائب

و أزلفت الجنة للمتقين . . . و جاء بقلب منيب

78- خداجویی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 33 - 6

6 - تقوایشگان وره جویان به بهشت ، دارای قلبی خداجو و تائب

وَأُزِلَّتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّعِينَ . . . و جاء بقلب منیب

ص: 194

79- فطرت خداجویی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 37 - 4

4 - خداجویی ، گرایش فطری در نهاد هر انسان است .

وإثمهم ليصدونهم عن السبيل

از این مطلب که شیاطین مانع بازگشت اعراض کنندگان از یاد خدا هستند، استفاده می شود که انسان ها - حتی غافلان و حق گریزان - زمینه و تمایل به روی آوردن به سوی خدا را دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 119 - 4

4 - انسان ، بر فطرت خداجویی و مسیر حق پویی است .

لاتخذن من عبادك نصيباً مفروضاً. و لاضلنهم

گمراه کردن، که از جمله «لاضلنهم» استفاده می شود، باید مسبوق به هدایت باشد تا گمراه کردن صدق کند و هدایت مسبوق به گمراهی نسبت به تمامی انسانها هدایت فطری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 67 - 2

2- تنگناهای زندگی و لحظه های خطرآفرین که هیچ امیدی به رهایی از آنها نیست ، بیدارگر فطرت خداجویی در نهاد انسان

و إذا مسَّكم الضَّرُّ . . . ضلَّ من تدعون إلاَّ إِيَّاه

ذکر گرفتاری در دریا در میان ابتلاهای فراوانی که ممکن است انسانها را گرفتار کند، به این جهت است که در تلاطم دریا امیدی برای نجات و رهایی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 65 - 4

4 - احساس خطر ، زمینه بیدار شدن فطرت خداجوی آدمی است .

فإذا ركبوا في الفلك دعوا الله مخلصين له الدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 33 - 7

7- فطرت خداجویی، قوی ترین گرایش در وجود انسان ها است.

و إذا مسّ الناس ضرّ دعوا ربّهم منيبين إليه

از این که انسان ها، در تماس با دشواری ها و مشکل ها، به خدا روی می آورند، نشان دهنده این گرایش قوی است.

ص: 195

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 3 - 13

13 - خداجویی ، امری نهفته در دل های مشرکان

أولياء ما نعبدهم إلا ليقربونا إلى الله زلفى

از این که مشرکان هدف از پرستش معبودهایشان را، تقرب به خدا دانسته اند، می توان مطلب بالا را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 53 - 10

10 - خداجویی ، گرایش فطری انسان ها است .

سنريهم . . . وفي أنفسهم حتى يتبين لهم أنه الحق

برداشت یاد شده بر این اساس است که ضمیر «أنه» به خدا بازگردد.

ص: 196

11- خدمات

1- اجاره خدمات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 32 - 11

11 - اجیر شدن و اجیر گرفتن و بهره‌وری انسان‌ها از توان یکدیگر ، امری مجاز و مشروع

لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سَخِرِيًّا

با توجه به واژه «سخریاً» (استخدام شده) و این که خداوند آن را فلسفه عمل خویش قرار داده، مطلب بالا برداشت می شود.

2- خدمات اجتماعی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 3 - 7

7 - رابطه با خدا ، اساس خدمات اجتماعی مؤمنان

الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ

تقدم نماز (رابطه فرد با خدا) بر زکات می تواند ناظر به مطلب یاد شده باشد.

3- خدمات انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 21 - 19

19 - تأمین سعادت جامعه در پرتو ایمان ، خدمات انبیا و تلاش عدالتخواهان است .

ص: 197

انّ الذّین یکفرون .. فبشرهم بعذاب الیم

نمود ایمان، انبیا و مصلحان در جوامع موجب رنج و بدبختی است، معلوم می شود وجود آنها زمینه ساز سعادت خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 48 - 8

8 - ایمان و عمل شایسته و رسیدن به امنیت خاطر، دستاوردهای رسالت انبیا

و ما نرسل المرسلین إلا .. فمن آمن وأصلح فلا خوف علیهم ولا هم یحزنون

4- خدمات جادوگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 113 - 6

6 - خدمت فن سحر و ساحران به حکومت های باطل

و جاء السحرة فرعون

5- خدمات عدالتخواهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 21 - 19

19 - تأمین سعادت جامعه در پرتو ایمان، خدمات انبیا و تلاش عدالتخواهان است.

انّ الذّین یکفرون .. فبشرهم بعذاب الیم

نمود ایمان، انبیا و مصلحان در جوامع موجب رنج و بدبختی است، معلوم می شود وجود آنها زمینه ساز سعادت خواهد بود.

6- زمینه خدمات متقابل در جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 32 - 8

8 - طبقات مختلف اجتماعی و تفاوت سطح زندگی آنان، در جهت گردش نظام اجتماعی و بهره‌وری انسان‌ها از نیروی خدماتی

یکدیگر است .

ورفعنا بعضهم .. بعضاً سخریاً

ص: 198

7- عوامل تاثیر خدمات دیگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 31 - 3

3 - دعا در اثر بخشی خدمات دیگران به پیشبرد اهداف نظراتشان ، مؤثر است .

أشدد به أزری

خواسته موسی از خداوند این بود که هارون(ع) را وسیله قوت یافتن او قرار دهد، چنین خواسته ای حاکی از این است که موسی(ع) می دانست دعای او در ثمر بخشی تلاش هارون بی اثر نیست.

8- یوسف(ع) و خدمات زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 50 - 12

12- یوسف(ع) به پاس خدمات زلیخا به او ، شکایتی علیه وی به پادشاه نکرد .

فسئله ما بال النسوه الّتی قطعن أیدیهنّ

با وجود اینکه زلیخا نیز همانند دیگر زنان اشراف در گرفتاریهای یوسف(ع) و متهم ساختن او نقشی بسزا داشت، ولی یوسف(ع) از او نام نمی برد و علیه او سخنی به پادشاه نمی گوید. به نظر می رسد دلیل این امر خدماتی است که زلیخا در عهد کودکی و نوجوانی یوسف(ع) برای وی انجام داده بود.

خدمتگزاران دینی

9- تشکر از خدمتگزاران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 99 - 14

14 - لزوم دعا و قدردانی رهبر جامعه اسلامی نسبت به انفاقگران و انجام دهندگان خدمات دینی

و یتخذ ما ینفق .. صلوت الرسول

از اینکه پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای انفاقگران دعا می کرد و این را خداوند به عنوان یک ارزش ذکر کرده است، برداشت فوق استفاده

می شود.

10- دعا برای خدمتگزاران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 99 - 14

ص: 199

14 - لزوم دعا و قدردانی رهبر جامعه اسلامی نسبت به انفاقگران و انجام دهندگان خدمات دینی

و يتخذ ما ينفق .. صلوات الرسول

از اینکه پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای انفاقگران دعا می کرد و این را خداوند به عنوان یک ارزش ذکر کرده است، برداشت فوق استفاده می شود.

ص: 200

12- خرافات

1- آثار ترویج خرافات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 6 - 4

4 - داستان های خرافی و سرگرمی های واهی ، ابزار کافران برای مبارزه با دین بود .

و من الناس من یشتری لهو الحدیث لیضلّ عن سبیل اللّٰه

2- آثار خرافات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 47 - 8

8 - اندیشه های خرافی ، مانع از درک واقعیت امور و تحلیل صحیح آنها

قالوا اطّیرنا بک و بمن معک . . . بل انتم قوم تفتنون

ثمودیان به جای درک ریشه واقعی مشکلات خود، آن را به وجود صالح(ع) و بدیمنی او نسبت می دادند؛ در حالی که تأثیر وجود فیزیکی یک فرد در سرنوشت یک ملت - آن هم به گونه ای که ثمودیان می پنداشتند - چیزی جز خرافه نبود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 23 - 3

3 - تأثیر عقاید و باور های خرافی نیاکان ، در گرایش های انحرافی آیندگان *

سمّیتموها انتم و اباؤکم

برداشت یاد شده بدان احتمال که ذکر «آباؤکم» اشاره به این داشته باشد که مشرکان، تحت تأثیر عقاید خرافی نیاکان خویش، به بت پرستی گرویدند.

ص: 201

3- آثار عقیده به خرافات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 80 - 11

11 - موهومات و عقاید خرافی از مشکلات تبلیغ توحید

و لا أخاف ما تشركون به

4- اجتناب از خرافات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 51 - 2

2 - ضرورت پرهیز از آلوده سازی دین خدا به امور باطل ، خرافی و بازدارنده از سعادت واقعی انسان

الذین اتخذوا دينهم لهواً ولعباً

5- استهزای خرافات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 92 - 4

4 - تمسخر مظاهر شرک و عقاید باطل و خرافی ، امری جایز است .

فراغ إلى ءالهم فقال ألا تأكلون . ما لكم لاتنطقون

6- اسلام و خرافات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 157 - 23

23 - دین اسلام احیاگر ارزش ها و پاکی ها و به دور از تکالیف شاق و خرافه های اسارتبار است .

یحل لهم الطيب و يحرم ... و يضع عنهم إصرهم والأغلال التي كانت عليهم

7- اهمیت مبارزه با خرافات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 143 - 3

3 - لزوم زدودن شبهات و مبارزه با خرافات، از طریق تبیین و توضیح کامل

ثمنیه ازوج من الضأن اثنین

ذکر تفصیلی مصادیق هشتگانه چهارپایان با ترسیم صورتهای گوناگون آن شاید به منظور قلع شبهه و تخریب کامل بنیان آن باشد.

8- بی حرمتی خرافات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 96 - 7

7 - مظاهر شرک و عقاید خرافی ، فاقد تقدس و حرمت

فقال ألا تأكلون . . . فراغ عليهم ضرباً باليمين . . . والله خلقكم وما تعملون

9- تبری از خرافات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 54 - 7

7- اعلام انزجار از عقاید باطل و خرافی ، گامی ضروری برای مبلغان دین

قال إني أشهد الله . . . أني بريء مما تشركون

10- خرافات در اهل انطاکیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 18 - 5

5 - جهان بینی و عقاید مردم انطاکیه ، متکی بر خرافات بود .

قالوا إنا تطيرنا بكم

تردیدی نیست که عقیده به فال، عقیده ای خرافی است و اعتقاد مردم انطاکیه به آن تا مرز سنگسار و شکنجه کردن پیامبران الهی، گویای حقیقت یاد شده است.

ص: 203

11- خرافات در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 36 - 1

1 - اعراب جاهلی ، مردمانی بودند کوه نظر ، خرافاتی و پیرو موهومات .

فما لکم کیف تحکمون. و ما یتبع اکثرهم إلا ظناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 39 - 4

4 - مشرکان ، گرفتار عقایدی خرافی و فاقد هرگونه برهان و دلیل

فلیأت مستمعهم بسلطن مبین . أم له البنت و لکم البنون

از ارتباط این آیه با آیه قبل ، مطلب بالا استفاده می شود. بدین معنا که این آیه، ارائه دهنده نمودی از بی برهانی کافران در اعتقادات خویش است.

12- خرافات در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 13 - 4

4- اطلاعات مردم عصر بعثت از اصحاب کهف و سرگذشت آنان ، اطلاعات غیر واقعی و آمیخته با خرافات بود .

نحن نقصّ علیک نبأهم بالحقّ

قید «بالحقّ» تعریضی است که به ناقلان سرگذشت اصحاب کهف و بیان کننده این که نقل آنان، آمیخته به اموری غیر واقعی و خرافی است.

13- خرافات در قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 80 - 10

10 - ترس موهوم و خرافی قوم ابراهیم از معبودهای پنداری خویش، از عوامل پافشاری آنان بر شرک خویش بود.

و لا أخاف ما تشرکون به

14- خرافات در مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 204

21 - رها ساختن مردم (یهود، نصارا و...) از تکالیف شاق و زنجیرهای خرافات، از نشانه‌های موجود در تورات و انجیل برای شناسایی پیامبر (صلی الله علیه و آله)

الذی یجدونه... یضع عنهم إصرهم والأغلال التي كانت عليهم

22 - یهود و نصارا در قبل از اسلام، مبتلا به تکالیفی مشقتبار و گرفتار در دام خرافات و بدعت‌های فراوان دینی بودند.

و یضع عنهم إصرهم والأغلال التي كانت عليهم

جمع آوردن «اغلال» حکایت از گستردگی بدعتها و خرافات دارد.

15 - خرافات در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 183 - 17

17 - خرافه گویی و جمود و تحجر یهود *

الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهْدُ الْبَيْنَا أَلَّا نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّىٰ يَأْتِينَا بَقَرِيَّانِ تَأْكُلُهُ النَّارُ

1 - ظاهر جمله «الآن تؤمن لرسول»، این است که خداوند به ما دستور داده به کسی که فلان معجزه خاص را ندارد، ایمان نیاوریم، هر چند حقیقتاً پیامبر باشد. چون نگفتند «الآن تؤمن لمدعی الرّساله»، و این معنا که به فرض نبوت، ایمان نیاورید اگر فلان معجزه خاص را نداشت، خرافه‌ای بیش نیست. 2 - بر فرض که چنین عهدی باشد، آنان باید بیندیشند که قربانی کذایی، معجزه‌ای است برای کشف صادق از کاذب، نه اینکه موضوعیت داشته باشد و اصرار به این معنا حاکی از جمود و تحجر یهود است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 157 - 22، 21

21 - رها ساختن مردم (یهود، نصارا و...) از تکالیف شاق و زنجیرهای خرافات، از نشانه‌های موجود در تورات و انجیل برای شناسایی پیامبر (صلی الله علیه و آله)

الذی یجدونه... یضع عنهم إصرهم والأغلال التي كانت عليهم

22 - یهود و نصارا در قبل از اسلام، مبتلا به تکالیفی مشقتبار و گرفتار در دام خرافات و بدعت‌های فراوان دینی بودند.

و یضع عنهم إصرهم والأغلال التي كانت عليهم

جمع آوردن «اغلال» حکایت از گستردگی بدعتها و خرافات دارد.

16- زمینه خرافات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 27 - 4

4 - ناباوری به معاد ، زمینه ساز پیدایش و رشد عقاید خرافی و انحرافی در دین

ص: 205

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ لَيَسْمُونَ الْمَلَائِكَةَ تَسْمِيَةَ الْأُنثَى

از این که عدم ایمان به آخرت، موضوع برای عقاید انحرافی و خرافی مشرکان قرار داده شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

17- زمینه گرایش به خرافات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 104 - 10

10 - احترام و اهمیت دادن به سنت های پیشینیان از عوامل گرایش جوامع به خرافات

ما جعل الله من بحيره... قالوا حسبنا ما وجدنا عليه اباؤنا

18- سرزنش عقیده به خرافات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 50 - 21

21 - نیندیشیدن درباره محدوده قدرت و وظایف پیامبران و خرافه گویی درباره آنان، مورد نکوهش خداوند

قل لا أقول لكم عندی خزائن الله... أفلاتتفكرون

19- عقیده به خرافات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 18 - 5

5 - جهان بینی و عقاید مردم انطاکیه، متکی بر خرافات بود.

قالوا إنا تطیرنا بکم

تردیدی نیست که عقیده به فال، عقیده ای خرافی است و اعتقاد مردم انطاکیه به آن تا مرز سنگسار و شکنجه کردن پیامبران الهی، گویای حقیقت یاد شده است.

20- قرآن و خرافات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- قرآن ، ارائه کننده دینی به دور از هر گونه باطل و مبرا از امور واهی و بازدارنده از سعادت انسان

الذین اتخذوا دینهم لهواً و لعباً .. و لقد جئتهم بكتب فصلنه

ص: 206

21- کتب آسمانی و خرافات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 21 - 5

5 - کتاب های آسمانی ، منادی توحید و پیراسته از عقاید و باور های خرافی و شرک آلود

وقالوا لو شاء الرحمن . . . أم ءاتینهم کتبًا من قبله

آیه شریفه پس از طرح عقاید شرک آلود و خرافی مشرکان می گوید: این اندیشه ها در هیچ یک از کتاب های پیشین نیامده است. از این نکته مطلب بالا استفاده می شود.

22- مبارزه با خرافات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 189 - 10

10 - مبارزه اسلام با آداب و رسوم نادرست و خرافی عصر جاهلیت

ولیس البر بأن تأتوا البیوت من ظهورها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 103 - 8

8 - لزوم مبارزه با اندیشه های خرافی و احکامی که به دروغ به خداوند نسبت داده می شود

ما جعل الله . . . و لكن الذین کفروا یفترون علی الله الکذب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 146 - 7

7 - روح دین الهی در صدد برداشتن موانع خرافی در راه استفاده از مواهب و نعمتهای الهی است.

وقالوا هذه أنعم و حرث . . . قل ءالذکرین حرم . . . و علی الذین هادوا حرمننا

محور بحث از آیه 138 تا 145 درباره تحریمهای خرافی و بی جای مشرکان است. آیه 146 بیان حکمی استثنایی است که همان تحریم برخی مواهب بر یهود است. از این حکم استثنایی، که به سبب تجاوزکاری یهود بر آنان وضع گردیده، این مطلب که روح ادیان الهی در

نقطه مقابل تحریمهای بی جا قرار دارد، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 157 - 20،21

20 - برداشتن تکالیف شاق ، گسستن زنجیر های جهل و خرافه و زدودن بدعت های دینی از وظایف پیامبر (صلی الله علیه و آله) در انجام

ص: 207

و يضع عنهم إصرهم والأغلال التي كانت عليهم

«إصر» به معنای عهد و پیمان سنگین و نیز به هر چیز دشوار و طاقت شکن گفته می شود. در آیه شریفه بدین مناسبت که در مقام بین تشریح احکام از سوی پیامبر (صلی الله علیه و آله) است، مراد از آن تکالیف مشقتباری است که امتهای گذشته بدانها پایبند بوده اند. غُلّ (مفرد اغلال) به معنای طوق و زنجیری است که به گردن و یا دستها بسته می شود و مراد از آن جهل و خرافه و بدعت و مانند اینهاست.

21- رها ساختن مردم (یهود، نصارا و...) از تکالیف شاق و زنجیرهای خرافات، از نشانه های موجود در تورات و انجیل برای شناسایی پیامبر (صلی الله علیه و آله)

الذی یجدونه .. یضع عنهم إصرهم والأغلال التي كانت عليهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 110 - 2

2- پیامبر (صلی الله علیه و آله) مأمور پیش گیری از خرافه پردازی کوتاه فکran درباره شخصیت اش است .

قل إنما أنا بشر مثلكم

فرمان «قل إنما...» - به قرینه ذیل آیه - از آن جهت صورت گرفته است که جلوی توهمات شرک آلود جاهلان گرفته شود و برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) رتبه ای خارج از پیامبری در نظر گرفته نشود، مانند آنچه مسیحیان درباره «مسیح» پنداشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 52 - 5

5- مبارزه با اندیشه های خرافی و شرک آلود، تبلور رشد و کمال ابراهیم (ع) بود .

ولقد آتینا إبرهیم رشده .. إذ قال لأبيه وقومه ما هذه التماثيل

; یعنی، اعطای رشد به ابراهیم (ع) هنگامی بود که او به پدر و قومش گفت. ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 151 - 1

1 - لزوم آگاهی بخشیدن به مردم درباره عقاید خرافی

ألا إنهم من إفكهم ليقولون

از به کار رفتن «ألا» - که برای تنبیه است - برداشت بالا استفاده می شود.

23- محمد (صلی الله علیه و آله) و خرافات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 110 - 2

2- پیامبر (صلی الله علیه و آله) مأمور پیش گیری از خرافه پردازی کوتاه فکران درباره شخصیت اش است .

ص: 208

قل إنما أنا بشر مثلكم

فرمان «قل إنما..» - به قرینه ذیل آیه - از آن جهت صورت گرفته است که جلوی توهمات شرک آلود جاهلان گرفته شود و برای پیامبر(صلی الله علیه و آله) رتبه ای خارج از پیامبری در نظر گرفته نشود، مانند آنچه مسیحیان درباره «مسیح» پنداشتند.

24- منشأ خرافات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 119 - 17، 9

9 - شیطان، رواج دهنده اندیشه ها و گرایش های خرافی در جامعه

ولا مرنهم فلیبتکن ءاذن الأنعم

17 - دوری شیطان از رحمت الهی، زمینه اغواگری و ترویج خرافه پرستی و فساد از ناحیه او

لعنه الله وقال... لاضلنهم ولا منینهم ولا مرنهم فلیبتکن ءاذن الأنعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 20 - 7

7 - حدس و گمان، سرچشمه اصلی باور های خرافی و جاهلانه

إن هم إلا یخرصون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 23 - 8

8 - شرک و باور های خرافی مشرکان، برخاسته از هوا و هوس و اغراض آلوده آنان

إن یتبعون إلا الظنّ و ما تهوی الأنفس

25- موانع خرافات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 103 - 16

16 - تعقل اكثریت مردم هر جامعه مانع رواج بدعت ها و خرافات در آن جامعه خواهد شد .

ولكن الذين كفروا يفترون على الله الكذب و اكثرهم لا يعقلون

ص: 209

26- موجبات نجات از خرافات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 104 - 4

4 - پیروی از قرآن و رسول خدا عامل رهایی از افکار و اندیشه های خرافی

ما جعل الله من بحيره .. تعالوا الى ما أنزل الله و إلى الرسول

ص: 210

1- آثار ذکر رویش درخت خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 29 - 3

3 - توجه به رویدن درختان زیتون و خرما و تأثیر آنها در تغذیه انسان ، زمینه ساز شناخت خدا و مانع کفر به او است .

ما أكفروه... و زیتوناً و نخلاً

2- ارزش خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 266 - 8

8 - خرما و انگور ، دارای ارزش ممتاز در میان دیگر میوه ها و از نمونه های بارز فراوانی ثمر *

له جنّه من نخیل و اعناب

از اختصاص به ذکر این دو میوه از میان سایر میوه ها، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 11 - 5

5- زیتون ، خرما و انگور دارای ارزشی ویژه

ینبت... و الزیتون و النخیل و الأعناب و من کلّ الثمرت

نامبردن از این سه میوه در بین انبوه میوه ها، می تواند به جهت ارزش ویژه این میوه ها از نظر خواص نسبت به میوه های دیگر باشد.

3- اهمیت خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 20 - 4

4- خرما، انگور و زیتون، اهمیت ویژه ای در تغذیه انسان دارند.

فَأَشْنَأْنَا لَكُمْ... مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَبٍ... وَشَجَرِهِ... صَبْغًا لِلْأَكْلِينِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 10 - 3

3- اهمیت نخل و خرما، در میان درخت ها و میوه ها

فَأَنْبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ... وَالنَّخْلَ بَاسِقَاتٍ لَهَا طَلْعٌ نَضِيدٌ

برداشت بالا با توجه به این نکته است که از میان همه درختان، «نخل» یاد شده است. البته بعید نیست که این انتخاب با توجه به جغرافیای سرزمین وحی صورت گرفته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 11 - 2

2- اهمیت خرما و درخت های نخل، در تغذیه آدمیان *

و النَّخْلَ بَاسِقَاتٍ... رِزْقًا لِلْعِبَادِ

از این که «النخل» به گونه مجزاً یاد شده است، اهمیت خرما در تغذیه خلق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 11 - 4

4- خرما، دارای اهمیتی ویژه برای تغذیه انسان در مقایسه با سایر میوه ها

فِيهَا فَكْهَةٌ وَالنَّخْلَ ذَاتَ الْأَكْمَامِ

در صورتی که واژه «فاکله» شامل خرما نیز بشود، مورد توجه قرار گرفتن دو مرتبه نخل ها، می توان مطلب بالا را به دست آورد.

4- اهمیت درخت خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 11 - 2

2- اهمیت خرما و درخت های نخل ، در تغذیه آدمیان *

و النخل باسقت .. رزقاً للعباد

از این که «النخل» به گونه مجزاً یاد شده است، اهمیت خرما در تغذیه خلق استفاده می شود.

ص: 212

5- باغهای خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 4 - 3

3- زمین جایگاه درختان خرما؛ درختانی که به یک ریشه روییده اند و درختانی که ریشه های جدا دارند .

وفي الأرض . . . نخيل صنوان وغير صنوان

«نخيل» (جمع نخل) و به معنای درختان خرماست. «صنوان» (جمع صنو) به چند درخت خرما گفته می شود که دارای یک ریشه باشند و به هر یک از آن درختان «صنو» می گویند.

6- پوشش خوشه های خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 11 - 5

5- پوشش زیبای خوشه های خرما توسط غلاف ، جلوه ای از رحمت گسترده خداوند

الرحمن . . . فيها فكهه و النخل ذات الأكمم

7- تشبیه به تنه درخت خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 7 - 2

2- قوم عاد بر اثر باد ، مانند تنه های پوک و افتاده درختان خرما از پای درآمدند .

فتری القوم فيها صرعی كأنهم أعجاز نخل خاویه

«صرعی» (مفرد «صرعی») به معنای چیز افکنده شده بر زمین و «أعجاز» به معنای ساقه های ریشه دار در زمین (تنه ها) است. «خاویه»؛ یعنی، شیء خالی و نیز به معنای شیء افتاده بر زمین آمده است.

8- تشبیه به خوشه خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 39 - 3

3- ماه ، پس از طی منزل های خود در 28 روز ، مانند شاخه خشکیده خرما می شود .

و القمر قدرنه منازل حتی عاد کالعرجون القديم

ص: 213

«عرجون» (از ماده «عرجن») به معنای شاخه خوشه خرما است که از درخت جدا شده باشد و پس از چندی زرد گشته و به شکل هلال درآمده باشد. گفتنی است صفت «قدیم» اشاره به پڑمردگی و کهنگی آن شاخه دارد.

9- تشبیه به درخت خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 20 - 2

2- اجساد قوم عاد، پس از عذاب، همانند نخل های ریشه کن شده از اعماق خاک

تنزع الناس كأنهم أعجاز نخل منقعر

«عجز» (مفرد «أعجاز») به معنای تنه و «منقعر» به معنای کنده شده از ریشه است (مختار الصحاح).

10- تنوع فرآورده های خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 67 - 3

3- درختان خرما و انگور، دارای محصولات و فرآورده های گوناگون

و من ثمرت النخيل والأعناب تتخذون منه سكرًا و رزقًا حسنًا

11- تهیه خمر از خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 67 - 4

4- تهیه شراب از خرما و انگور، در صدر اسلام رواج داشت.

و من ثمرت النخيل والأعناب تتخذون منه سكرًا

12- خالق درخت خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 29 - 1

1 - خداوند ، آفریننده زیتون و درخت خرما و رویاننده آن از زمین است .

فَأَنْبَتْنَا فِيهَا .. زَيْتُونًا وَنَخْلًا

ص: 214

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 32 - 1

1 - آب ، زمین ، دانه ها ، انگور ، سبزیجات ، زیتون ، نخل ، بوستان ، میوه و چراگاه ، آفریده های خداوند و در خدمت منافع انسان و دام های آنان است .

متعاً لكم ولأنعمكم

«متاعاً» اسم مصدر و جایگزین مصدر حقیقی «تمتعاً» (بهره رساندن) است (لسان العرب). این کلمه، مفعول له و بیانگر علت پیدایش نعمت هایی است که در آیات پیشین ذکر شد.

13- خرما از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 67 - 8

8- در فرآورده های خرما و انگور برای خردورزان ، آیت و نشانه ای از قدرت و ربوبیت خداوند است .

و من ثمرت النخيل و الأعناب تتخذون منه سكرًا و رزقًا حسنًا إن فی ذلك لأیه لقوم ی

14- خرما خوردن مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 26 - 1

1- حضرت عیسی (ع) در آغاز تولد خویش ، مادرش مریم (س) را به خوردن خرمای تازه و نوشیدن از آب نهر فرا خواند .

فنادیها من تحتها .. تحتك سریاً .. رطبًا جنیاً . فکلی واشربی

15- خوشه های درخت خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 11 - 3

3 - نخل ها با خوشه های پوشیده در غلاف ، دارای سهمی مهم در تأمین نیاز های خلق

و النخل ذات الأکمام

«کم» (مفرد «أکمام») به معنای کاسه یا غلاف میوه گفته می شود.

ص: 215

16- درختان خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 4 - 4

4- درختان انگور ، نخل های خرما و نیز سایر گیاهان علی رغم مشروب شدن از آبی با طبیعت واحد ، ثمرات و میوه های مختلف و گوناگون به بار می آورند .

جنات من أعنب وزرع و نخیل ... یسقی بماء وحد و نفضل بعضها علی بعض فی الأکل

17- زمینه رشد درخت خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 29 - 4

4- باران و زمین مناسب ، دو عنصر اصلی در رشد و باروری درختان زیتون و خرما است .

صبینا الماء ... ثم شققنا ... وزیتوناً و نخلاً

18- عبرت از خوشه های خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 10 - 6

6- چیش دانه های خرما در خوشه های انبوه نخل ، شایان تأمل و پندآموزی

لها طلع نصید

19- فرآورده های خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 67 - 2,5,8

2- درختان خرما و انگور و استحصال نوشیدنی از آنها ، مایه پند و عبرت است .

و من ثمرت النخیل و الأعنب تتخذون منه سکرًا

برداشت فوق، با توجه به معطوف بودن جمله «و من ثمرات..» بر جمله «وإن لكم في الأنعام لعبرة» است.

5- تمامی فرآورده های درخت خرما و انگور به جز مسکرات، خوب و پسندیده است.

و من ثمرت النخيل و الأعنب تتخذون منه سكرًا و رزقًا حسنًا

برداشت فوق، از مقابله «سكر» با «رزقًا حسنًا» قابل استفاده است. بدین معنا که تمامی فرآورده های خرما و انگور به جز مسکرات، روزی پسندیده تلقی شده است.

ص: 216

8- در فرآورده های خرما و انگور برای خردورزان ، آیت و نشانه ای از قدرت و ربوبیت خداوند است .

و من ثمرت النخيل والأعناب تتخذون منه سكراً ورزقاً حسناً إن في ذلك لآية لقوم ي

20- فواید خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 67 - 1,7

1- خداوند ، از میوه های درختان خرما و انگور ، نوشیدنیهایی برای انسان ، قرار داد .

نسقیکم ممّا . . . و من ثمرت النخيل والأعناب

«من ثمرات» جار و مجرور و - به قرینه «نسقیکم» مذکور در آیه قبل - متعلق به «نسقیکم» در تقدیر است. هم چنین بر جمله «و إن لکم فی الأنعام لعبره» عطف شده است.

7- فرآورده های درختان خرما و انگور ، از بهترین و سالم ترین فرآورده های خوراکی و نوشیدنی برای انسان

نسقیکم ممّا . . . و من ثمرت النخيل والأعناب تتخذون منه سكراً ورزقاً حسناً

اختصاص به ذکر یافتن فرآورده های درختان خرما و انگور، از میان مجموعه خوراکیها و نوشیدنیها، می تواند حاکی از نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 25 - 5,8,9

5- خرمای تازه (رطب) غذای مناسب برای زن ، پس از وضع حمل است .

و هزّی . . . تسقط علیک رطباً جنیئاً

توصیه شدن مریم به تکان دادن درخت و استفاده از «رطب»، بر مناسب بودن آن برای زنان، پس از زایمان دلالت دارد.

8- «عن أمير المؤمنين (ع) قال : . . . ما تأکل الحامل من شیء و لاتتداوی به أفضل من الرطب قال الله - عزّوجلّ - لمریم (ع) « و هزّی إلیک بجذع النخلة تساقط علیک رطباً جنیئاً . فکلی و اشربی و قرّی عیناً » . . . ;

از امیرالمؤمنان(ع) روایت شده است که فرمود: . . . زن باردار، بهتر از خرمای تازه، چیزی نمی خورد و خود را با چیزی بهتر از آن، مداوا نمی کند. خداوند - عزّوجلّ - به مریم فرمود: «و هزّی إلیک بجذع النخلة تساقط علیک رطباً جنیئاً . فکلی . . .»

9- «عن أمير المؤمنين (ع) قال : قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) : لیکن أول ما تأکل النفساء الرطب ، لأنّ الله تعالى قال لمریم : «

و هزّی إلیک بجذع النخله تساقط علیک رطباً جنیّاً. فکلی» ... ;

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: شایسته است اولین چیزی که زن بعد از زایمان می خورد خرما باشد، زیرا خدای تعالی به مریم فرمود: «و هزّی إلیک بجذع النخله تساقط علیک رطباً جنیّاً. فکلی»...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 26 - 2

2- خرمای تازه (رطب)، غذای مناسب برای زن، پس از وضع حمل است.

فکلی

ص: 217

توصیه شدن مریم به خوردن خرماى تازه، بر مناسب بودن آن برای زنان، پس از زایمان دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 148 - 3

3 - خرما ، بزرگ ترین منبع تغذیه و درآمد ثمودیان

و نخل طلعهها هضمیم

ذکر جداگانه نخل، با این که واژه «جَنَات» (در آیه قبل) شامل آن نیز می شود، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 35 - 4,5,7

4 - نقش اساسی خرما و انگور و فراورده های آن ، در تغذیه انسان

و جعلنا فیها جنّ -ت من نخیل و أعنب . . . لیأکلوا من ثمره

از اختصاص به ذکر یافتن خرما و انگور برای تغذیه انسان ها (از میان مجموعه میوه ها و محصولات باغ ها) برداشت یاد شده به دست می آید.

5 - هدف و فلسفه آفرینش خرما و انگور از سوی خداوند ، تغذیه انسان از فراورده های دست ساخته خود از آن درختان (مانند شیر ، عصاره ، کشمش و . . .) است .

لیأکلوا من ثمره و ما عملته أیدیهم

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که «ما» در «ما عملته» موصوله (به معنای الذی) باشد؛ یعنی، «و الذی عملته أیدیهم» (و آنچه دست های شان به عمل می آورد).

7 - خرما و انگور ، از غذا های آماده برای انسان ، بدون دخالت وی در آماده سازی آنها

لیأکلوا من ثمره و ما عملته أیدیهم

این برداشت مبتنی بر این احتمال است که ضمیر در «عملته» به «ثمر» بازگردد.

21- منشأ رویش درخت خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - خداوند ، آفریننده زیتون و درخت خرما و رویاننده آن از زمین است .

فَأَنْبَتْنَا فِيهَا .. زَيْتُونًا وَنَخْلًا

22- نعمت خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 218

3 - خرما و انگور، از نعمت های الهی برای بشر

و جعلنا فیها جنّات من نخیل و أعنب

23- نعمت درخت خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 29 - 2

2 - بهره مندی انسان از زیتون و از منافع گوناگون درخت خرما، نعمتی الهی و سزاوار سپاس گذاری است.

ما أكفروه... و زیتوناً و نخلاً

«زیتون»، میوه ای معروف (مصباح) و درختی معروف است و می تواند جمع «زیتونه» باشد که گاه بر درخت و گاه بر میوه آن اطلاق می گردد (لسان العرب). تعبیر «نخل» - به جای نام میوه آن - ممکن است ناظر به این باشد که انسان علاوه بر خرما، از اجزای دیگر نخل (از قبیل شاخ، برگ، تنه و لیف آن) نیز بهره می برد.

24- نقش خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 11 - 2

2- اهمیت خرما و درخت های نخل، در تغذیه آدمیان*

و النخل باسقت... رزقاً للعباد

از این که «النخل» به گونه مجزاً یاد شده است، اهمیت خرما در تغذیه خلق استفاده می شود.

25- نقش درخت خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 11 - 3

3 - نخل ها با خوشه های پوشیده در غلاف، دارای سهمی مهم در تأمین نیاز های خلق

و النخل ذات الأکمام

«کم» (مفرد «أکمام») به معنای کاسه یا غلاف میوه گفته می شود.

ص: 219

26- ویژگیهای درختان خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - عدد - 13 - 4 - 3

3- زمین جایگاه درختان خرما؛ درختانی که به یک ریشه روییده اند و درختانی که ریشه های جدا دارند .

وفی الأرض . . . نخیل صنوان و غیر صنوان

«نخیل» (جمع نخل) و به معنای درختان خرماست. «صنوان» (جمع صنو) به چند درخت خرما گفته می شود که دارای یک ریشه باشند و به هر یک از آن درختان «صنو» می گویند.

ص: 220

1- خروس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 260 - 27

27 - طاووس ، خروس ، کبوتر و کلاغ ، چهار پرنده ای که ابراهیم (ع) برگزید .

فخذ اربعه من الطير

امام صادق (ع): ... فاخذ ابراهيم الطاووس والديك والحمام والغراب ...

تفسیر قمی، ص 91؛ نورالثقلین، ج 1، ص 280، ح 1098.

2- خروس بازی در قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 29 - 17

17 - « عن الصادق (ع) (فی قوله تعالى) « و تأتون فی نادیکم المنکر » یعنی الخذف بالحصی و التصفیق بالحمام . . . و مناقره الديوک . . . و الجنق فی المجالس و لبس المعصفرات . . . »

از امام صادق (ع) درباره این سخن خدای تعالی « و تأتون فی نادیکم المنکر » روایت شده که فرمود : مقصود از « منکر » پرتاب سنگ ریزه در مجالس و کف زدن برای پرواز دادن کبوتر . . . و به جنگ وادار کردن خروس ها ... و شرطه در مجالس و پوشیدن لباس های معصفر (لباس هایی که با عصفرا، به رنگ زرد درآمده) است.»

ص: 221

15- خسارت

1- خسارت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 85 - 10، 6

6 - مسلمانان (کسانی که در برابر خدا تسلیم هستند) ، بهره مند از سعادت و مصون از زیان در آخرت

و من یتغ . . . و هو فی الاخره من الخاسرین

10 - تسلیم نبودن در برابر خداوند ، موجب زیان و خسران در آخرت

و من یتغ غیر الاسلام دیناً . . . و هو فی الاخره من الخاسرین

2- خسارت انفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 40 - 13

13 - پاداش عظیم خداوند ، جبران کننده خسارت های انفاق کنندگان

و ماذا علیهم لو . . . انفقوا . . . و ان تک حسنه یضاعفها و یؤت من لدنه اجراً عظیماً

جمله «یضاعفها و یؤت من لدنه اجراً عظیماً» می تواند پاسخی باشد به این توهم که انفاق، موجب خسارت مالی است.

3- خسارت به فرزندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 233 - 42، 32، 25، 22، 20، 19، 18، 17

ص: 222

17 - پدر و مادر ، حق ضرر زدن به فرزند خویش را ندارند . حتی بر فرض وقوع طلاق .

لا تضارّ والده بولدها و لا مولود له بولده

بنابراینکه «لا تضارّ» به صیغه معلوم باشد یعنی پدر و مادر ضرر نزنند.

18 - نباید مادر - حتی پس از طلاق - با امتناع از شیر دادن به فرزند ، موجب ضرر او شود .

لا تضارّ والده بولدها

19 - خودداری مادر از شیر دادن به کودک خویش ، از مصادیق بارز اضرار به فرزند

و الوالدات یرضعن . . . لا تضارّ والده بولدها

نهی از زیان رسانی به کودک پس از الزام مادر به شیر دادن، اشاره به این معناست که از مصادیق بارز ضرر به کودک، خودداری از شیر دادن به اوست.

20 - خودداری پدر از تأمین مخارج مادر ، موجب زیان کودک خویش

و علی المولود له زرقههّن . . . لا تضارّ . . . و لا مولود له بولده

نهی از زیان رسانی پدر به کودک خویش، پس از الزام او به تأمین مخارج مادر، اشاره به این معناست که امتناع از تأمین مخارج مادر نهایتاً منجر به زیان کودک خواهد شد.

22 - پدر نباید با محروم کردن همسر خود از تأمین مخارج حتی پس از طلاق او ، موجب ضرر فرزند شود .

لا تضارّ . . . و لا مولود له بولده

25 - وارثان پدر نباید به فرزند شیرخوار مورث با عدم رعایت حقوق وی ضرر بزنند .

لا تضارّ والده بولدها و لا مولود له بولده و علی الوارث مثل ذلک

جمله «و علی الوارث مثل ذلک»، تمامی تکالیفی را که پدر کودک باید نسبت به او رعایت کند، بر عهده وارث پدر گذاشته که از جمله، عدم اضرار به کودک (لا تضارّ والده بولدها و لا مولود له بولده) است.

32 - جلوگیری از ضرر و بی مهری به فرزند ، با پیش پرداخت اجرت دایه *

و ان اردتم . . . اذا سلّمتم

با در نظر گرفتن اینکه آیه در مقام دفع ضرر از کودک است؛ می توان گفت که پیش پرداخت اجرت دایه به جهت دفع ضرری است که در

اثر تأخیر أُجرت دایه، ممکن است متوجّه طفل گردد.

42- وارث پدر حق ندارد با جدا کردن طفل از مادر، به مادر زیان رساند.

و علی الوارث مثل ذلک

امام صادق (ع): ... لا ینبغی للوارث ان یضارّ المرأه فیقول لادع ولدها یأتیها ...

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 121، ح 384؛ نورالثقلین، ج 1، ص 228، ح 886.

4- خسارت به گواه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 282 - 48

48 - زیان رساندن به گواه و نویسنده مبادلات، فسق و انحراف از حقّ است.

ص: 223

و لا یضارّ کاتب و لا شهید و ان تفعلوا فانه فسوق بکم

بر مبنای مجهول بودن «لا یضار»

5- خسارت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 176 - 11

11 - بازگشت ضرر کفرورزی کافران ، به خود ایشان

انّهم لن یضربوا الله شیئاً یرید الله الاّ یجعل لهم حظّاً فی الاخره

جمله «یرید الله . . .»، دلالت بر جمله ای محذوف دارد: یعنی آنان به خدا ضرر نمی رسانند، بلکه به خود ضرر می رسانند؛ و آن، ضرر محرومیت از بهره اخروی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 177 - 6

6 - بازگشت ضرر انتخاب کفر ، به خود کافران

انّ الذّین اشتروا الکفر . . . لن یضربوا الله شیئاً و لهم عذاب الیم

جمله «و لهم عذاب الیم»، دلالت دارد بر این که کافران با کفر خویش به خودشان ضرر می زنند ؛ چرا که به «عذاب الیم» گرفتار می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 178 - 3

3 - ناتوانی کافران از درک سود و زیان و سرنوشت شوم خویش

و لا یحسبنّ الذّین کفروا انّما نملی لهم خیر لانفسهم انّما نملی لهم لیزدادوا اثماً

6- عوامل خسارت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 176 - 11

11 - بازگشت ضرر کفرورزی کافران ، به خود ایشان

انّهم لن يضرّوا الله شيئاً يريد الله ألا يجعل لهم حظّاً في الآخرة

جمله «یرید الله .. .»، دلالت بر جمله ای محذوف دارد: یعنی آنان به خدا ضرر نمی رسانند، بلکه به خود ضرر می رسانند؛ و آن، ضرر محرومیت از بهره اخروی است.

ص: 224

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 177 - 6,7

6 - بازگشت ضرر انتخاب کفر ، به خود کافران

انّ الذّین اشتروا الکفر . . . لن یضروا الله شیئاً و لهم عذاب الیم

جمله «و لهم عذاب الیم»، دلالت دارد بر این که کافران با کفر خویش به خودشان ضرر می زنند ؛ چرا که به «عذاب الیم» گرفتار می شوند.

7 - بازگشت ضرر ارتداد به خود مرتدان

انّ الذّین اشتروا الکفر بالایمان لن یضروا الله شیئاً

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از «الذّین . . .» کسانی باشد که پس از اختیار اسلام به کفر می گرایند.

ص: 225

16- خشکسالی

1- آثار خشکسالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 130 - 2

2- کم محصولی فاحش، بارزترین اثر خشکسالی ها و قحطی های تحمیل شده به فرعونیان

و لقد أخذنا آل فرعون بالسنين و نقص من الثمرت

خشکسالی و قحطی در پی دارنده مشکلات فراوانی است که از جمله آنها کم محصولی است. بنابراین ذکر بخصوص آن می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

2- بارش باران در خشکسالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 28 - 6

6- بارش باران، پس از خشکسالی و نومیدی انسان، نمودی از تقدیر الهی در معیشت انسان

و لكن ینزل بقدر ما یشاء .. ینزل الغیث من بعد ما قنطوا

3- ترس از خشکسالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 12 - 2

2- هراس مردم از خشکسالی و امید آنان به نزول باران، زمینه ساز پدید آمدن برق های آسمانی و نمایاندن آنها به ایشان است.

ص: 226

هو الذی یریکم البرق خوفاً و طمعاً

هر یک از دو کلمه «خوفاً» و «طمعاً» می تواند مفعول له حصولی باشد و می تواند مفعول له تحصیلی باشد. بر فرض نخست مفاد عبارت «هو الذی ...» چنین می شود: «چون هراس داشتید و نیز امیدوار بودید برقه‌های آسمانی را برای شما پدیدار می کنیم». و بر مبنای دوم مفاد «هو الذی ...» چنین می شود: «برای آنکه بهراسید و نیز امیدوار شوید، برقه‌های آسمانی را به شما می نمایانیم». برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

4- خشکسالی در مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 48 - 3

3- استفاده از ارزاق ذخیره شده در سال های آبادانی طی هفت سال خشکسالی ، از پیام های نهفته در رؤیای پادشاه مصر

ثم یأتی من بعد ذلک سبع شداد یا کلن ما قدمتم لهتنّ

ضمیر در «یا کلن» و «لهتنّ» به «سبع شداد» باز می گردد و مراد از «ما قدمتم لهتنّ» (آنچه برای آن سالها پیش فرستاده اید) ارزاق ذخیره شده در سالهای آبادانی است. بنابراین «یا کلن ...» ؛ یعنی، سالهای قحطی ذخایری را که در سالهای آبادانی تهیه دیده اید، می خورند.

5- زمینه خشکسالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 30 - 3

3- تأثیر گناه ، در گرفتار آمدن انسان ها به قحطی و خشکسالی

و هو الذی ینزل الغیث من بعد ما قنطوا . . . و ما أصبکم من مصیبه فیما کسبت أیدیکم

سیاق آیات ، می تواند بیانگر این نکته باشد که رحمت و قدرت الهی گسترده و فراگیر است و قحطی ها و خشکسالی ها بازتاب عملکرد خود انسان ها است.

6- عجز از دفع خشکسالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 30 - 3

3- هیچ کس و هیچ نیرویی ، توانایی مبارزه با خشکسالی و بازگرداندن آب های فرورفته در زمین به امر خداوند را ندارد .

قل أرءيتم إن أصبح ماؤكم غورًا فمن يأتيكم بماء معين

ص: 227

7- عذاب با خشکسالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 30 - 4

4- کافران لجوج و تکذیب گر، در معرض عذاب الهی (همچون خشکسالی)

قل أرءیتم إن أصبح ماؤکم غورًا فمن یأتیکم بماء معین

8- عوامل خشکسالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 11 - 3

3- کفر و گناه، از عوامل خشک سالی و سلب نعمت ها است .

استغفروا ربکم .. یرسل السماء علیکم مدرارًا

خشکی

9- خشکی نخل قصه مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 25 - 2

2- نخلی که مریم (س) در کنار آن وضع حمل نمود، میوه نداشت .

و هزّی إلیک بجذع النخله تسقط علیک رطبًا جنیًا

جمله «تساقط علیک..» گویای امتنان بر مریم (س) است، نه خبر از اثر طبیعی تکان دادن درخت، چرا که این موضوع نیازی به راهنمایی نداشت؛ بنابراین، پس از تکان دادن درخت بود که خرماي آن پدیدار گشته و فرو می ریخت. اضافه شدن کلمه «جذع» به کلام و نیز اسناد «تساقط» به «نخله»، خشک بودن درخت و خارق العاده بودن ریزش خرما را تأیید می کند.

10- صید خشکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 96 - 15، 10، 8، 7

7 - حرمت صید شکارهای خشکی برای محرم

و حرم علیکم صید البر ما دتمم حرماً

برداشت فوق بر این میناست که «صید» به معنای مصدری باشد در این فرض مراد از «صید البر»، «صید حیوان البر» خواهد

ص: 228

بود.

8 - حرمت خوردن شکار صحرائی در حال احرام هر چند شخص محرم آن را شکار نکند .

احل لکم صید البحر و طعامه . . . و حرم علیکم صید البر

در برداشت فوق کلمه «صید» به معنای اسم مفعول - حیوان شکار شده - گرفته شده است. و این معنا اعم از این است که خود محرم و یا شخص دیگری آن حیوان را شکار کند.

10 - صید حیوانات صحرائی و خوردن گوشت آنها در حال احرام بی تقوایی است .

و حرم علیکم صید البر ما دتمم حرماً و اتقوا الله

از مصادیق مورد نظر برای «تقوا» به قرینه «حرم علیکم . . .» پرهیز از صید در حال احرام است.

15 - پرندگان صحرائی که در دریا تخم می گذارند ولی در خشکی تکثیر نسل می کنند ، صید خشکی محسوب می شوند و شکارشان بر محرم ، حرام است .

و حرم علیکم صید البر ما دتمم حرماً

از امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: . . . و ما کان من طیر یكون فی البر و بیض فی البحر و یفرخ فی البر فهو من صید البر . . .

بحارالانوار، ج 99، ص 159، ح 57.

11- فلسفه خلقت خشکی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 22 - 2

2 - بستر خشکی ها و پهنه دریا ها ، در خدمت بهره‌وری بشر ، به عنایت و لطف خداوند

و علیها و علی الفلک تحملون

12- منشأ راهبانی در خشکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - راهیابی انسان ، در ظلمات بیابان و دریا ، به هدایت و تدبیر خداوند

أَمَّنْ يَهْدِيكُمْ فِي ظِلْمَتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ

13- نقش خشکی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 229

3 - تعدد دریا ها با حد فاصلی از خشکی ، نشانی دیگر از تدبیر خداوند

و جعل بین البحرین حاجزاً

مراد از «حاجزاً» (مانع) می تواند خشکی های موجود در میان دو دریا باشد؛ یعنی، این که زمین کاملاً پوشیده از آب نیست؛ بلکه خشکی هایی برای زیست و زندگی انسان و .. در آن تدارک دیده شده است. این امر نشانی دیگر از تدبیر و حضور خدا در اداره شئون زندگی انسان ها است.

خشکی ها

14- فلسفه خلقت خشکی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 22 - 2

2 - بستر خشکی ها و پهنه دریا ها ، در خدمت بهره‌وری بشر ، به عنایت و لطف خداوند

و علیها و علی الفلک تحملون

15- نقش خشکی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 61 - 3

3 - تعدد دریا ها با حد فاصلی از خشکی ، نشانی دیگر از تدبیر خداوند

و جعل بین البحرین حاجزاً

مراد از «حاجزاً» (مانع) می تواند خشکی های موجود در میان دو دریا باشد؛ یعنی، این که زمین کاملاً پوشیده از آب نیست؛ بلکه خشکی هایی برای زیست و زندگی انسان و .. در آن تدارک دیده شده است. این امر نشانی دیگر از تدبیر و حضور خدا در اداره شئون زندگی انسان ها است.

1- خشنودی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 170 - 12، 6، 1

1 - سرور و شادمانی کشته شدگان راه خدا، به آنچه خداوند از فضل خویش به آنان ارزانی داشته است.

فرحین بما اتیهم الله من فضله

6 - شادمانی و علاقه شهیدان نسبت به سعادت‌مندی دیگر مجاهدان و رسیدنشان به مقام کشته شدگان راه خدا

و یتبشرون بالذین لم یلحقوا بهم من خلفهم

12 - شادمانی شهیدان از نبودن هیچ ترس و اندوهی برای مجاهدان راه خدا پس از شهادت

و یتبشرون بالذین لم یلحقوا بهم من خلفهم الا خوف علیهم و لا هم یحزنون

استبشار به معنی شادمانی بر اثر دریافت بشارت است. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 171 - 7، 1

1 - شادمانی شهیدان از نعمت و فضل خاص الهی

یتبشرون بنعمه من الله و فضل

نکره بودن کلمه «بنعمه» و «فضل»، دلالت بر نعمت و فضلی ناشناخته برای انسانها دارد. بنابراین نعمت و فضلی خاص است.

7 - شادمانی شهیدان از اینکه خداوند اجر مؤمنان را تباه نمی سازد.

یتبشرون بنعمه .. ان الله لا یضیع اجر المؤمنین

جمله «ان الله»، عطف بر کلمه «نعمه» است؛ یعنی «یتبشرون بان الله لا یضیع».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 188 - 4، 2

2- شادمانی عالمان اهل کتاب از کتمان حقایق کتب آسمانی برای مردم

و اذ اخذ الله ميثاق... و لا تكتُمونه... لا تحسبنّ الذين يفرحون بما اتوا

برخی برآند که مراد از «الَّذِينَ»، اهل کتاب هستند؛ چنانچه در آیه قبل از آنان سخن رفت. و مراد از «ما اتوا» (آنچه را انجام دادند)، همان کتمان حقایق و پشت سر انداختن کتابهای آسمانی و ميثاق الهی است.

4- شادمانی عالمان اهل کتاب از بیان برخی حقایق کتاب های آسمانی (آنچه با دنیاخواهی آنان منافات نداشته)

لا تحسبنّ الذين يفرحون بما اتوا

مراد از «ما اتوا»، می تواند بیان حقایقی از کتاب باشد که به قرینه «و اشتروا به ثمناً»، با دنیاطلبی آنان برخوردی نداشته است.

2- آثار خشنودی منافقان متخلف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 83 - 10

10 - احساس رضایت و خوشحالی منافقان از شرکت نکردن در جنگ برای بار نخست، مایه طرد همیشگی آنان از سوی خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله) و محروم شدن دایمی از شرکت در جهاد

لن تخرجوا... و لن تقتلوا معی عدواً إنکم رضیتم بالعود أول مرّه

برداشت فوق بر این اساس است که «لن تخرجوا» و «لن تقتلوا» در مقام انشا و برای طرد منافقان باشد و جمله «إنکم رضیتم...» نیز برای تعلیل آن باشد.

3- بی ارزشی خشنودی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 63 - 16

16- ترک وظایف الهی به خاطر خوشایند کافران، مایه خسارت و تباهی است.

فما تزیدوننی غیر تخسیر

4- خشنودی اخروی اصحاب یمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - کسانی که نامه اعمالشان به دست راست آنان داده می شود، از زندگی پسندیده و رضایت مندی در آخرت برخوردار خواهند بود .

فأما من أوتى كتبه يمينه . . . فهو فى عيشه راضيه

ص: 232

5- خشنودی از ترک جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 87 - 1

1 - رضا و شادمانی منافقان از نرفتن به جهاد و ماندن در کنار ناتوانان و خانه نشینان

رضوا بأن یكونوا مع الخوالم

6- خشنودی از عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 188 - 1

1 - ناپسندی عجب و شادمانی انسان از اعمال خویش

لا تحسبنّ الذّین یفرحون بما آتوا .. فلا تحسبنّهم بمفازة من العذاب

7- خشنودی اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 188 - 2،4

2 - شادمانی عالمان اهل کتاب از کتمان حقایق کتب آسمانی برای مردم

و اذا اخذ الله میثاق ... و لا تکتمونه ... لا تحسبنّ الذّین یفرحون بما آتوا

برخی برآند که مراد از «الذین»، اهل کتاب هستند؛ چنانچه در آیه قبل از آنان سخن رفت. و مراد از «ما اتوا» (آنچه را انجام دادند)، همان کتمان حقایق و پشت سر انداختن کتابهای آسمانی و میثاق الهی است.

4 - شادمانی عالمان اهل کتاب از بیان برخی حقایق کتب آسمانی (آنچه با دنیاخواهی آنان منافات نداشته)

لا تحسبنّ الذّین یفرحون بما آتوا

مراد از «ما اتوا»، می تواند بیان حقایقی از کتاب باشد که به قرینه «و اشتروا به ثمناً»، با دنیاطلبی آنان برخوردی نداشته است.

8- خشنودی در برزخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 170 - 18

18 - وجود شادمانی، ترس و اندوه (حالات روحی) برای انسان در عالم برزخ

ص: 233

فرحين بما اتاهم الله من فضله .. الا خوف عليهم ولا هم يحزنون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

3 - آل عمران - 3 - 171 - 2

2 - وجود شادمانی (حالات روحی) برای انسان در عالم برزخ

يستبشرون بنعمه من الله و فضل

9- خشنودی شهیدان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

3 - آل عمران - 3 - 170 - 1,4,6,12

1 - سرور و شادمانی کشته شدگان راه خدا ، به آنچه خداوند از فضل خویش به آنان ارزانی داشته است .

فرحين بما اتاهم الله من فضله

4 - فضل الهی و عطایای بیش از استحقاق به شهیدان ، موجب شادمانی آنان

فرحين بما اتاهم الله من فضله

با توجه به معنای «فضل» (بخشش بیش از حد استحقاق و از روی عنایت)، برداشت فوق استفاده شده است.

6 - شادمانی و علاقه شهیدان نسبت به سعادت‌مندی دیگر مجاهدان و رسیدنشان به مقام کشته شدگان راه خدا

ويستبشرون بالذین لم يلحقوا بهم من خلفهم

12 - شادمانی شهیدان از نبودن هیچ ترس و اندوهی برای مجاهدان راه خدا پس از شهادت

ويستبشرون بالذین لم يلحقوا بهم من خلفهم الا خوف عليهم ولا هم يحزنون

استبشار به معنی شادمانی بر اثر دریافت بشارت است. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

3 - آل عمران - 3 - 171 - 1,7

1 - شادمانی شهیدان از نعمت و فضل خاص الهی

یستبشرون بنعمه من الله وفضل

نکره بودن کلمه «بنعمه» و «فضل»، دلالت بر نعمت و فضلی ناشناخته برای انسانها دارد. بنابراین نعمت و فضلی خاصّ است.

7- شادمانی شهیدان از اینکه خداوند اجر مؤمنان را تباه نمی سازد.

یستبشرون بنعمه .. انّ الله لا یضیع اجر المؤمنین

جمله «ان الله»، عطف بر کلمه «نعمه» است؛ یعنی «یستبشرون بان الله لا یضیع».

ص: 234

10- خشنودی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 168 - 3

3 - مسرت و خشنودی منافقان از سلامت خویش به دلیل عدم حضورشان در پیکار احد

الَّذِينَ قَالُوا لَأُخَافُهُمْ وَقَعَدُوا لَوْ أَطَاعُونَا مَا قَتَلُوا

اظهار تأسّف منافقان برای کشته های احد، دلالت بر مسرت و خشنودی از زنده ماندن خودشان دارد.

11- خشنودی ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 72 - 7

7 - خوشحالی به خاطر شرکت نجستن در جنگ به همراهی رسول خدا و مصون ماندن از پیامد های مصیبت بار آن ، شرک است .

فان اصابتكم مصيبه قال قد انعم الله عليّ اذ لم اكن معهم شهيداً

امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: ... ولو ان اهل السماء و الارض قالوا قد انعم الله عليّ اذ لم اكن مع رسول الله (صلی الله علیه و آله) لكانت بذلك مشركين ...

مراد از شرک خروج از اسلام نیست بلکه پیروی از شیطان است کما اینکه روایاتی در اصول کافی بیانگر این مطالب است.

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 257، ح 191؛ نورالثقلین، ج 1، ص 516، ح 398؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 393، ح 2، 3 و 4.

12- عوامل خشنودی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 170 - 4

4 - فضل الهی و عطایای بیش از استحقاق به شهیدان ، موجب شادمانی آنان

فرحين بما اتاهم الله من فضله

با توجه به معنای «فضل» (بخشش بیش از حد استحقاق و از روی عنایت)، برداشت فوق استفاده شده است.

13- عوامل خشنودی دریانوردان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 22 - 6

6 - وزش باد های فرح بخش و موافق ، مایه شادمانی دریانوردان سوار بر کشتی های بادبانی

حتى إذا كنتم فى الفلك وجرین بهم بريح طيبة و فرحوا بها

ص: 235

1- اجتناب از خشونت در سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 19 - 5

5- توصیه لقمان به فرزندش ، برای رعایت اعتدال در رفتار و پرهیز از گفتار خشن ، نمودی از حکمت وی است .

ولقد آتينا لقمن الحكمة . . . واذ قال . . . واقصد فی مشیک و اغضض من صوتک

2- خشونت آزر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 46 - 5

5- آزر با حضرت ابراهیم (ع) و عقاید توحیدی او ، علی رغم دعوت منطقی ، مستدل و عاطفی آن حضرت ، برخوردی خشن و غیر منطقی داشت .

لئن لم تنته لأرجمنک

در کلام آزر هیچ استدلال و پاسخی وجود ندارد. تنها وجه شاخص سخن او ارباب و تهدید است و حتی در خطاب به او هم کمترین عطفی نظیر «یابنی» در پاسخ «یاأبت» به کار نبرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 47 - 2، 1

1- ابراهیم (ع) پس از برخورد خشن و غیر منطقی آزر ، به بحث و گفت وگو با او در باره توحید و شرک پایان داد .

قال سلم علیک

از موارد کاربرد «سلام علیک» جایی است که طرف بحث می خواهد به بحث پایان دهد و دیگر آن را ادامه ندهد، مانند آنچه در

آیه «إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا» آمده است. در گفت و گوی حضرت ابراهیم(ع) با آزر نیز ظاهراً «سلام» از همین نوع باشد.

2- حضرت ابراهیم (ع) با وجود برخورد خشن و تهدید های آزر، با او گفتاری ملایم و برخوردی مهربانانه داشت.

قال سلم عليك سأستغفر لك ربّي

3- خشونت اخروی با مکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 13 - 1

1 - قیامت روز رانده شدن تکذیب گران، با شدت و خشونت به سوی آتش دوزخ

یوم یدعون إلی نار جهنم دعاً

«دع» (مصدر مجهول «یدعون») به معنای رانده شدن همراه با تندى و خشونت است و ضمیر «یدعون» به «مکذبین» بازمی گردد.

4- خشونت با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 86 - 16

16- انتخاب خوش رفتاری در مواجهه با کافران، بهتر از به کارگیری شدت و خشونت است.

وإما أن تتخذ فيهم حسناً

جمله «تتخذ فيهم حسناً» در بیان طریقه مقابل عذاب، تلقین کننده اختیار این شیوه از بین دو نوع برخوردی است که ذوالقرنین بین آن ها مخیر بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 18 - 3

3 - سرنوشت هلاکت بار فرعونیان و قوم ثمود، نمونه ای بارز از برخورد تند و قهرآمیز خداوند با کافران است.

إنّ بطش ربّك... فرعون و ثمود

5- خشونت جایز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 61 - 8

8 - اقدام های قاطع برای دفع فساد از جامعه ، با رعایت مراحل و شرایط ، روا و جایز است .

ص: 237

لئن لم ينته المنافقون . . . أينما تقفوا أخذوا وقتلوا تقتيلاً

6- خشونت در امر به معروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 19 - 13

13 - امر به معروف و نهی از منکر، با روش ناهنجار و داد و فریاد، نفرت انگیز و دارای تأثیر منفی است . *

و امر بالمعروف و انه عن المنکر . . . و اغضض من صوتک إن أنکر

احتمال دارد سفارش به روی نگرداندن از مردم و نیز رعایت اعتدال در رفتار و کاستن از صدا، پس از توصیه به امر به معروف و نهی از منکر، به این منظور باشد که در انجام امر به معروف و نهی از منکر، باید موازین یاد شده رعایت گردد و گرنه، همان گونه که صدای الاغ برای گوش ها ناهنجار است امر به معروف و نهی از منکر بدون رعایت موازین اخلاقی هم اثر منفی دارد.

7- خشونت در سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 19 - 8

8 - تلاش در غلبه بر دیگران با فریاد ناهنجار و خشن، تلاشی ابلهانه و به دور از منش انسانی است . *

و اغضض من صوتک إن أنکر الأصوت لصوت الحمیر

آیه، می تواند به واقعیت خارجی اشاره داشته باشد که معمولاً افراد بی منطق با جنجال آفرینی و سر و صدا، در پی غلبه دادن نظر خود هستند.

8- خشونت در نهی از منکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 19 - 13

13 - امر به معروف و نهی از منکر، با روش ناهنجار و داد و فریاد، نفرت انگیز و دارای تأثیر منفی است . *

و امر بالمعروف و انه عن المنکر . . . و اغضض من صوتک إن أنکر

احتمال دارد سفارش به روی نگرداندن از مردم و نیز رعایت اعتدال در رفتار و کاستن از صدا، پس از توصیه به امر به معروف و نهی از

منکر، به این منظور باشد که در انجام امر به معروف و نهی از منکر، باید موازین یاد شده رعایت گردد و گرنه، همان گونه که صدای الاغ برای گوش ها ناهنجار است امر به معروف و نهی از منکر بدون رعایت موازین اخلاقی هم اثر منفی دارد.

ص: 238

9- خشونت رهبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 159 - 7,9

7 - سنگدلی و خشونت رهبران ، موجب پراکندگی مردم از پیرامون آنان

و لو كنت فظًا غليظ القلب لانفضوا من حولك

«انفضوا» از «فض» به معنای تفرق و پراکندگی است.

9 - گرایش مردم به رهبران دینی ، در گرو مهربانی آنان و پرهیز از خشونت و سنگدلی

فبما رحمه من الله لنت لهم و لو كنت فظًا غليظ القلب لانفضوا من حولك

10- خشونت طلبی قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 24 - 3,5

3 - قوم ابراهیم ، برای رویارویی با خیرخواهی او برای آنان ، به خشونت متوسل شدند .

و ابرهیم إذ قال لقومه .. . ذلكم خير لكم ... فما كان جواب قومه إلا أن قالوا اقتل

5 - واکنش خشونت آمیز قوم ابراهیم به دعوت توحیدی او ، فراگیر و عمومی بود .

فما كان جواب قومه إلا أن قالوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 26 - 5

5 - حضرت ابراهیم (ع) ، در پی برخورد قهرآمیز قوم اش با او ، تصمیم گرفت به سرزمینی هجرت کند که در آن ، برای انجام رسالت اش ، آزادی عمل داشته باشد .

وقال إني مهاجر إلى ربي

مراد از «هجرت به سوی پروردگار» دستیابی به مکانی است که حضرت ابراهیم(ع) بتواند آنچه را برعهده او گذاشته است، بدون مزاحمت دشمنان اش، به انجام برساند.

11- زن و خشونت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 18 - 3

3- زن ، اساساً برای کار های دشوار و خشن و جدال و درگیری آفریده نشده است .

و هو فی الخصام غیر مبین

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که آیه شریفه به جهت مماشات و بازگویی باور مشرکان، این مطالب را مطرح نکرده باشد؛ بلکه

ص: 239

به عنوان یک واقعیت بدان پرداخته باشد.

12- سرزنش خشونت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 86 - 16

16- انتخاب خوش رفتاری در مواجهه با کافران ، بهتر از به کارگیری شدت و خشونت است .

وإِذَا أَنْ تَتَّخِذَ فِيهِمْ حَسَنًا

جمله «تَتَّخِذَ فِيهِمْ حَسَنًا» در بیان طریقه مقابل عذاب، تلقین کننده اختیار این شیوه از بین دو نوع برخوردی است که ذوالقرنین بین آن ها مخیر بود.

13- ناپسندی خشونت در سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 19 - 7

7 - خشونت و درشتی در سخن گفتن با مردم ، عملی بسیار زشت است .

و اغضض من صوتک إنّ أنکر الأصوت لصوت الحمیر

در آیه، به جای کاربرد تشبیه، از استعاره استفاده شده است. آوردن استعاره به جای تشبیه، برای مبالغه در مذمت و بیان ناهنجاری و مستهجن بودن آن است.

ص: 240

1- آثار اخروی خشیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 39 - 3

3 - پاکی ، تذکرپذیری ، هدایت جویی و خدا ترسی ، چهره انسان را در قیامت خندان و شادمان خواهد ساخت .

لعلّه یزگی . او یدگر ... جاءک یسعی . و هو یخشی ... ضاحکه مستبشره

2- آثار ترکی خشیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 33 - 3

3 - تمسک به رحمانیت خدا و کنار نهادن خشیت ، زمینه ساز انحراف و فروهستن وظایف *

من خشی الرحمن بالغیب

از ارتباط «أواب حفیظ» و «خشی» و وصف «الرحمان» مطلب بالا احتمال می رود.

3- آثار خشیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 74 - 17

17 - خشوع و خضوع در برابر خدا ، نشانه سلامت قلب از قساوت ها و کدورتهاست .

ثم قست قلوبکم ... فهی کالحجاره أو أشد ... و إن من منها لما یهبط من خشیه الله

ص: 241

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 154 - 4,5

4 - بهره مند شدن از پیام های الهی در تورات ، مخصوص کسانی است که از خدا بترسند و از غیر او نهراسند .

و فی نسخهها هدی و رحمه للذین هم لربهم یرهبون

روشن است که پیامهای خدا، از جمله پیامهای او در تورات، برای همه مردم است. بنابراین لام در «للذین» لام منفعت است؛ یعنی خدا ترسان از هدایتگری و رحمت آفرینی تورات بهره مند می شوند. «ربهم» متعلق به «یرهبون» است و تقدیم آن دلالت بر حصر دارد.

5 - خدا ترسان با به کار بستن پیام های آسمانی ، مشمول رحمت خدا خواهند شد .

و فی نسخهها هدی و رحمه للذین هم لربهم یرهبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 3 - 3

3- تعالیم قرآن ، تنها در کسانی مؤثر است که توجه به عظمت خداوند در دل آنان هراس افکنده است .

إلا تذکره لمن یخشی

«خشیت» ترسی است آمیخته با احساس عظمت (مفردات راغب). متعلق «یخشی» - به قرینه آیه بعد که عظمت نازل کننده قرآن را بیان کرده است - خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 52 - 4,2

2 - فرمان بری از خدا و رسول او و خدا ترسی و تقوای پیشگی ، از عوامل ظفرمندی و کامیابی است .

و من یطع الله و رسوله و یخش الله و یتقه فأولئک هم الفائزون

4 - اطاعت از خدا و رسول او ، خدا ترسی و تقوای پیشگی ، از نشانه های ایمان واقعی و اوصاف مؤمنان راستین

إنما کان قول المؤمنین إذا دعوا .. أن یقولوا سمعنا و أطعنا ... و من یطع الله

برداشت فوق، از ارتباط میان این آیه و آیه پیشین - که درصدد بیان اوصاف مؤمنان راستین است - به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 18 - 8

8 - خداترسی و نماز ، از زمینه های لازم برای تأثیرپذیری از انذارها و اخطارهای پیامبران

إِنَّمَا تَنْذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 29 - 14

14 - خداترسی ، تلاوت قرآن کریم ، برپاداشتن نماز و انفاق در نهان و آشکار ، از عوامل امیدواری به لطف و پاداش الهی

إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ . . . إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ

ص: 242

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 30 - 11

11 - خداترسی ، تلاوت قرآن ، برپاداشتن نماز و انفاق در نهان و آشکار ، از اسباب آمرزش گناهان و دریافت افتخار سپاس گزاری خداوند

إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ .. . إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ ... ويزيدهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - يس - 36 - 11 - 2

2 - آمادگی برای ایمان به قرآن و برخورداری از روح خشیت ، از زمینه های لازم برای تأثیرپذیری از انذارها و اخطارهای الهی

إِنَّمَا تَنْذِرُ مَنْ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 33 - 9

9 - دستیابی به «قلب منیب» در پرتو خشیت از خداوند ، در آشکار و نهان

من خشى الرحمن بالغيب و جاء بقلب منيب

بنابر این که تقدم لفظی «خشى الرحمان..» بر «جاء بقلب منيب» حکایت از تقدم رتبی داشته باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 34 - 3

3 - بیم داران از خدا در دنیا ، ایمن از هر غم و اندوه ، در آخرت

من خشى الرحمن .. ادخلوها بسلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 9 - 6، 2

2 - خداترسی و حالت خشیت ، برانگیزاننده ابن ام مکتوم برای حضور در مجلس پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود .

وَأَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَى . وَهُوَ يَخْشَى

6- حالت خشیت ، حالتی حرکت آفرین و وادارکننده انسان به تلاش در راه آموختن و کسب کمالات

وَأَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَى . وَهُوَ يَخْشَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 10 - 3

3- خشیت ، عاملی مؤثر در پیدایش پندپذیری برای انسان است .

سیدِّکَر من یخشی

ص: 243

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 12 - 4

4 - پذیرش تذکرات قرآن و خشیت و هراس در برابر خداوند ، مایه رهایی از آتش دوزخ

سیدّکّر من یخشی . و یتجنّبها الأشقی . الذی یصلی النار الکبری

4- آثار خشیت از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 49 - 7

7- خدا ترسی و نگرانی از قیامت ، زمینه ساز بهره مندی انسان از وحی و هدایت الهی

و ذکرًا للمتّقین . الذین یخشون ربّهم بالغیب و هم من الساعه مشفقون

خداوند، در آیه قبل، تقوای پیشگان را شایسته بهره مند شدن از نور و هدایت خود دانسته و در این آیه اوصاف آنان را بیان کرده است. از ارتباط میان دو آیه می توان برداشت یاد شده را استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 26 - 6

6 - ترس از خداوند و نگرانی از فرجام خویش ، پرهیز دهنده انسان از انکار معاد و باز دارنده او از طغیان گری و رویارویی با پیامبران

إنّ فی ذلک لعبره لمن یخشی

عبرت گرفتن از داستان فرعون، به معنای دوری از رفتار و عقاید او است که در آیات قبل نمونه های آن بیان شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بینه - 98 - 8 - 17، 14

14 - بهشت جاودان و نعمت های آن ، کسب رضایت خداوند و راضی شدن از او ، ویژه کسانی است که به عظمت خداوند ، پی برده و از او هراس دارند .

جنّ-ت عدن تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها أبداً رضی الله عنهم و رضوا عنه ذلک

«خشیت»، به معنای ترس آمیخته با احساس عظمت است. (مفردات)

17 - خشیت از خداوند ، شرط رضایت مندی او از مؤمنان دارای عمل صالح

رضی الله عنهم . . . ذلک لمن خشی ربّه

ص: 244

5- آثار خشیت پنهانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 33 - 5

5- مراقبت شدید بر ارزش ها و حدود الهی ، در گرو خشیت از خداوند ، حتی در نهان

أواب حفیظ . من خشى الرحمن بالغیب

برداشت یاد شده بنابر این نکته است که تعبیر «من خشى..» در مقام توصیف «أواب» و «حفیظ» باشد و علیت را برساند؛ یعنی، این خشیت عامل «أواب» و «حفیظ» بودن آنان است.

6- آموزش اهل خشیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 11 - 12

12- آموزش و اجر ارزشمند و پرب ها ، پاداش پیروان قرآن و خدا ترسان

من أتبع الذکر و خشى الرحمن بالغیب فبشره بمغفره و أجر کریم

7- ارزش خشیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 39 - 7

7- ترس از خدا ، همراه با تعظیم و بزرگداشت ، امری ارزش مند و بایسته است .

الذین یبلغون رسالت الله و یخشونه

«خشیه» در لغت، به معنای «ترس آمیخته با تعظیم» است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 18 - 11

11- ارزشمندی خدا ترسی و دوری از گناه در نهان و به دور از انظار و اطلاع یافتن دیگران

برداشت یاد شده از آمدن قید «بالغیب» به دست می آید؛ زیرا ترس از خدا در هر حال مطلوب است. بنابراین آمدن این قید، بیانگر اهمیت و ارزش والای خدا ترسی در خلوت می باشد.

8- ارزش خشیت پنهانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 49 - 3

3- خشیت و ترس آگاهانه و آمیخته با تعظیم در خلوت و نهان از پروردگار، از ارزش ها و اوصاف پسندیده است .

و ذكراً للمتقين . الذين يخشون ربهم بالغيب

برخی از اهل لغت گفته اند: «خشیت» به معنای ترس آمیخته با تعظیم است و این ترس نوعاً با آگاهی به چیزی است که از آن می ترسند (مفردات راغب). گفتنی است این معنا مناسب با آیه شریفه است؛ زیرا خداوند شایسته تعظیم است و تقواییشان نیز با آگاهی از مقام خداوند از او می ترسند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 33 - 1

1 - بهشت ، از آن بیم دارندگان از خداوند در نهان

و أزلفت الجنة للمتقين . . . من خشى الرحمن بالغيب

بنابراین که «بالغیب» متعلق به «خشى» باشد، برداشت بالا به دست می آید.

9- ارزش خشیت در خلوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 11 - 7

7- ارزشمندی و برتری ترس از خدا و دوری از گناه در خلوت ، بر ترس و تحفظ از نافرمانی خدا در انظار دیگران

و خشى الرحمن بالغيب

برداشت یاد شده، از مقید شدن ترس از خدا به «غیب» (نهان) به دست می آید.

10- ارزش خلاص در خشیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 11 - 7

7- ارزشمندی و برتری ترس از خدا و دوری از گناه در خلوت، بر ترس و تحفظ از نافرمانی خدا در انظار دیگران

و خشی الرحمن بالغیب

برداشت یاد شده، از مقید شدن ترس از خدا به «غیب» (نهران) به دست می آید.

ص: 246

11- اهمیت خشیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 3 - 6

6- لزوم خداترسی و هراس از فرجام مخالفت با تعالیم قرآن

إلا تذکره لمن یخشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 10 - 2

2 - لزوم خداترسی و تأثیرپذیری از پند های قرآن و هراس از فرجام ناهماهنگی با تعالیم آن

سنقرئک .. فذکر ... سیذکر من یخشی

12- بشارت به اهل خشیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 11 - 11

11 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) مأمور بشارت دادن پیروان قرآن و خداترسان به مغفرت و اجر ارزشمند و پر ب های الهی

من اتبع الذکر و خشی الرحمن بالغیب فبشره بمغفره و اجر کریم

13- پاداش اهل خشیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 11 - 12

12 - آمرزش و اجر ارزشمند و پر ب ها ، پاداش پیروان قرآن و خداترسان

من اتبع الذکر و خشی الرحمن بالغیب فبشره بمغفره و اجر کریم

14- پاداش خشیت پنهانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- بهشت پاداش آنان که با وجود محسوس نبودن خداوند ، همه جا وی را در نظر داشته و از او بیم دارند .

من خشى الرحمن بالغيب

بنابر این که «بالغیب» وصف برای «رحمان» باشد، برداشت بالا قابل استفاده است.

ص: 247

15- تأثیر قرآن در اهل خشیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 23 - 11، 8

8 - تأثیر عمیق و لرزه انداز قرآن ، بر اهل خشیت و خداترسان

کتبًا .. تقشعر منه جلود الذین یخشون ربهم

11 - تأثیر آرامش بخش و سرور آفرین قرآن ، در اهل خشیت و خداترسان

ثم تلین جلودهم وقلوبهم إلی ذکر الله

نرم شدن پوست ها و قلب ها (تلین جلودهم وقلوبهم)، کنایه از آرامش یافتن و سرور است. این مطلب در مقابل ترس و ناراحتی است که موجب لرزش پوست ها (اندام) و اضطراب دل ها می باشد.

16- خشیت از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 74 - 14، 10

10 - هراس جهان طبیعت از خداوند ، منشأی برای فعل و انفعالات آن

وإن منها لما یهبط من خشیه الله

14 - دل و قلب آدمی ، باید از هراس و خشیت خدا لرزان بوده و در مسیر او به حرکت در آید .

وإن منها لما یهبط من خشیه الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 21 - 3، 8

3- لزوم توجه به عظمت خدا و هراسیدن از او

و یخشون ربهم

8- خشیت از خدا و هراس از حساب سخت و ناگوار قیامت ، از نشانه های خردمندان است .

إنما يتذكر أولوا الألباب .. الذين ... يخشون ربهم و يخافون سوء الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 49 - 2، 1

1- خشیت و خداترسی ، در خلوت و دور از منظر مردمان ، از ویژگی های تقوایندگان است .

و ذكراً للمتقين . الذين يخشون ربهم بالغيب

برداشت یاد شده مبتنی براین است که «بالغیب» حال برای فاعل «بخشون» باشد.

ص: 248

2- تقوایندگان، از پروردگار خویش با آن که غایب و نهان از انظار آنان است، همواره در خشیت و خوف به سر می برند .

و ذكراً للمتقين . الذين يخشون ربهم بالغيب

برداشت یاد شده بر اساس این احتمال است که «بالغیب» حال برای مفعول «بخشون» باشد (ربهم); یعنی، در حالی که خداوند دور از انظار تقوایندگان است، آنان از او می ترسند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 28 - 5,6

5 - تنها عالمان راستین و اهل معرفت، خداترس و اهل خشیت اند .

ألم تر أن الله أنزل من السماء ماء .. و من الناس ... مختلف ألونه كذلك إنما ي

6 - خشیت و ترس از خدا، نشانه عالمان راستین و اهل معرفت است .

إنما يخشى الله من عباده العلماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 11 - 1

1 - انذارها و اخطارهای پیامبر (صلی الله علیه و آله)، تنها در افرادی که آماده پذیرش بودند و می خواستند از پیروان قرآن و اهل خشیت باشند، مؤثر بود .

إنما تنذر من اتبع الذكر و خشى الرحمن

در آیات گذشته، سخن از گروهی بود که هرگز آمادگی پذیرش ایمان و سخن حق را نداشتند؛ ولی در این آیه شریفه از گروه دیگری یاد می کند که در نقطه مقابل گروه اول قرار دارند که آماده پذیرش کلام حق (قرآن) بوده و از خدای رحمان می ترسند. گفتنی است مقصود از «ذکر» - طبق نظر بیش تر مفسران - قرآن است.

17- خشیت اولوا الالباب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 21 - 8

8- خشیت از خدا و هراس از حساب سخت و ناگوار قیامت، از نشانه های خردمندان است .

إنما يتذكر أولوا الألباب .. الذين ... يخشون ربهم و يخافون سوء الحساب

18- خشیت بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 28 - 13

13- لزوم بیم و هراس بندگان از خداوند ، هر چند دارای مرتبه ای والا باشند .

ص: 249

بل عباد مکرمون .. و هم من خشیتہ مشفقون

19- خشیت پنهانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 49 - 1

1- خشیت و خداترسی ، در خلوت و دور از منظر مردمان ، از ویژگی های تقوایپیشگان است .

و ذکراً للمتّقین . الذین یخشون ربّهم بالغیب

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که «بالغیب» حال برای فاعل «یخشون» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 33 - 9

9- دستیابی به «قلب منیب» در پرتو خشیت از خداوند ، در آشکار و نهان

من خشی الرحمن بالغیب و جاء بقلب منیب

بنابر این که تقدم لفظی «خشى الرحمن...» بر «جاء بقلب منیب» حکایت از تقدم رتبی داشته باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

20- خشیت صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بینه - 98 - 8 - 16

16 - مؤمنان دارای عمل صالح ، هراسان از فرجام خویش و نگران از کوتاهی در برابر عظمت خداوند

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت .. ذلک لمن خشى ربّه

ترس از خداوند، به معنای نگرانی و هراس از فرجام خویش هنگام روبه رو شدن با او است.

21- خشیت طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 74 - 10

10 - هراس جهان طبیعت از خداوند ، منشأی برای فعل و انفعالات آن

وإن منها لما يهبط من خشية الله

ص: 250

22- خشیت علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 28 - 5,6

5- تنها عالمان راستین و اهل معرفت، خداترس و اهل خشیت اند.

ألم تر أنّ الله أنزل من السماء ماء .. و من الناس ... مختلف ألونه كذلك إثمای

6- خشیت و ترس از خدا، نشانه عالمان راستین و اهل معرفت است.

إثما يخشى الله من عباده العلموا

23- خشیت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 74 - 14

14 - دل و قلب آدمی، باید از هراس و خشیت خدا لرزان بوده و در مسیر او به حرکت در آید.

وإن منها لما يهبط من خشية الله

24- خشیت متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 49 - 1,2

1- خشیت و خداترسی، در خلوت و دور از منظر مردمان، از ویژگی های تقوایپیشگان است.

وذكرًا للمتقين . الذين يخشون ربهم بالغيب

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که «بالغیب» حال برای فاعل «بخشون» باشد.

2- تقوایپیشگان، از پروردگار خویش با آن که غایب و نهان از انظار آنان است، همواره در خشیت و خوف به سر می برند.

وذكرًا للمتقين . الذين يخشون ربهم بالغيب

برداشت یاد شده بر اساس این احتمال است که «بالغیب» حال برای مفعول «بخشون» باشد (ربهم); یعنی، در حالی که خداوند دور از

انظار تقواییشگان است، آنان از او می ترسند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 33 - 2

2 - متقین ، در عین اعتقاد به رحمانیت خداوند ، بیمناک از مخالفت با او *

من خشى الرحمن بالغیب

ص: 251

از این که وصف «الرحمان» مفعول «خشی» قرار گرفته است، می توان به مطلب فوق ره برد؛ زیرا در نظر ابتدایی، وصف «منتقم، قهار و ..» متناسب با خشیت است و این که وصف «رحمت» به کار گرفته شده است، می رساند که رجای متقین آنان را به گناه نمی کشاند.

25- خشیت معصومان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 28 - 14

14- مقام عصمت ، مانع از خوف و هراس از خداوند نیست .

و هم بآمره یعملون . . . و هم من خشیته مشفقون

26- خشیت مقربان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 28 - 15

15- خشیت و ترس از خداوند ، از ویژگی های بندگان مقرب و از اوصاف پسندیده است .

بل عباد مکرمون . . . و هم من خشیته مشفقون

27- خشیت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 28 - 11

11- فرشتگان ، بر اثر ترس از خداوند ، هراسان و نگران اند .

و هم من خشیته مشفقون

برداشت یاد شده بر این اساس است که «مِن» برای تعلیل و سببیت باشد.

28- خشیت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 52 - 4

4- اطاعت از خدا و رسول او، خدا ترسی و تقوایبشگی، از نشانه های ایمان واقعی و اوصاف مؤمنان راستین

إِثْمًا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا... أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا... وَمَنْ يَطِعِ اللَّهَ

ص: 252

برداشت فوق، از ارتباط میان این آیه و آیه پیشین - که درصدد بیان اوصاف مؤمنان راستین است - به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 24 - 3

3 - وجود اختلاف اساسی میان دو انسان مؤمن خداترس و کافر خداگریز، از نظر شخصیت و سرنوشت

فویل للقسیه قلوبهم من ذکر اللّٰه .. أفمن یتقی بوجهه سوء العذاب یوم القیمه

«من») در آیه شریفه، اسم موصول بوده و مبتدا و خبر آن، جمله ای محذوف است و تقدیر کلام چنین می باشد: «أفمن یتقی بوجهه سوء العذاب .. کمن آمن منه». بنابراین می توان گفت آیه شریفه درصدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر و سرنوشت آنان در آینده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بینه - 98 - 8 - 16

16 - مؤمنان دارای عمل صالح، هراسان از فرجام خویش و نگران از کوتاهی در برابر عظمت خداوند

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت .. ذلک لمن خشى ربّه

ترس از خداوند، به معنای نگرانی و هراس از فرجام خویش هنگام روبه رو شدن با او است.

29- دعوت به خشیت از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 19 - 8، 2

2 - دعوت فرعون به خشیت از خداوند، از اهداف رسالت موسی (ع)

فتخشی

- دعوت فرعون به خشیت از خداوند، از اهداف رسالت موسی (ع)

8 - هدایت مردم به خداوند و بیان ربوبیت او و ایجاد حالت خداترسی در آنان، از نخستین اهداف پیامبران است.

فقل .. و اهدیک الی ربک فتخشی

- هدایت مردم به خداوند و بیان ربوبیت او و ایجاد حالت خداترسی در آنان، از نخستین اهداف پیامبران است.

30- زمینه خشیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 18 - 13

13 - اعتقاد به ربوبیت الهی ، مقتضی خشیت و خداترسی است .

الذین یخشون ربّهم

ص: 253

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 21 - 4,9

4 - آیات قرآن ، پیامدار خشیت از خدا برای خلق

لو أنزلنا هذا القرآن .. متصدّعا من خشية الله

9 - تفکر در آیات وحی ، زمینه ساز خشیت و خشوع انسان در برابر خداوند

لو أنزلنا هذا القرآن على جبل لرأيتنه خشعا متصدّعا من خشية الله .. لعلمهم

31- زمینه خشیت از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 21 - 4

4- باور به ربوبیت خداوند و توجه به آن ، زمینه ساز خشیت آدمی از اوست .

یخشون ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 19 - 3,4,5

3 - پیدایش حالت ترس از خدا و احساس عظمت او ، از آثار قرار گرفتن در طریق هدایت

و أهدیک إلی ربّک فتخشی

«خشیت» به ترسی گویند که با درک عظمت همراه باشد. (مفردات راغب)

4 - شناخت ربوبیت خداوند ، زمینه ساز پیدایش حالت ترس و خشیت در برابر او

و أهدیک إلی ربّک فتخشی

- شناخت ربوبیت خداوند، زمینه ساز پیدایش حالت ترس و خشیت در برابر او

5 - تزکیه و دوری از پلیدی و طغیان ، هموارسازنده راه هدایت و خشیت الهی

إنّه طعی .. أن تزگی . و أهدیک إلی ربّک فتخشی

- تزکیه و دوری از پلیدی و طغیان، هموارسازنده راه هدایت و خشیت الهی

32- عوامل خشیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 28 - 15، 12

12 - آگاهی و اعتقاد به عزت مندی و آمرزندگی خداوند، موجب خشیت و خداترسی است .

إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ

ص: 254

15 - « عن علي بن الحسين (ع) : . . . من عرف الله خافه . . . وقد قال الله « إنما يخشى الله من عباده العلماء » . . . » ;

از امام سجاده (ع) روایت شده است: . . . کسی که خدا را بشناسد از او می ترسد... خداوند فرمود: «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ»...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بینه - 98 - 8 - 15

15 - توجّه به ربوبیت خداوند ، مایه خداترسی و پیدایش هول و هراس در دل عاقبت اندیشان

ذلک لمن خشى ربّه

33- عوامل خشیت علمای راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 28 - 4

4 - مظاهر گوناگون و متنوع طبیعت ، جلوه عظمت خداوند و سبب خشیت عالمان راستین و اهل معرفت

ألم تر أنّ الله أنزل من السماء ماء . . . و من الناس . . . مختلف ألونه كذلك إِنَّمَا ي

یادآوری خداترسی اهل معرفت - پس از برشمردن پدیده های گوناگون طبیعت - می تواند ناظر به این حقیقت باشد که در آن پدیده ها، عظمت خدا چنان جلوه گر است که موجب خشیت عالمان و اهل معرفت می شود. واژه «خشیت» - که در مورد ترسی به کار می رود که همراه با تعظیم و ناشی از آگاهی باشد (مفردات راغب) - مؤید همین برداشت است. گفتنی است مقصود از علم در این آیه، آشنایی با علوم مادی همچون فیزیک، شیمی و ریاضی نیست؛ بلکه آشنایی با معارف و حقایق الهی است که از صاحبان آن به اهل معرفت و عالمان راستین تعبیر می شود.

34- فضایل اهل خشیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 23 - 17

17 - اهل خشیت و خداترسان ، بهره مند از هدایت الهی

كُتِبَ . . . تقشعرّ منه جلود الذين يخشون ربهم . . . ذلك هدى الله يهدى به من يشاء

از این که خداوند اهل خشیت را، کسانی معرفی کرد که تحت تأثیر قرآن قرار می گیرند، به دست می آید که یکی از مصادیق مورد نظر از «یهدی به من يشاء» همین گروه می باشد.

35- فضیلت خشیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 9 - 4

4 - ترس از خدا و نگرانی از دست نیافتن به تزکیه نفس ، ترسی به سزا و حالتی مطلوب در پیشگاه خداوند

و هو یخشی

36- محرومان از خشیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 26 - 9

9 - منکران معاد و فرعون صفتان عصر بعثت ، محروم از خشیت الهی و بی تفاوت در برابر عبرت های تاریخ

يقولون أءنا .. هل أتیک ... إن فی ذلک لعبره لمن یخشی

تصریح به «من یخشی» برای اشاره به نبود خشیت در وجود منکران معاد است.

37- مراتب خشیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 62 - 4

4 - ایمان و خوف از مقام ربوبی ، دارای مراتب و درجات

و لمن خاف مقام ربّه جنتان .. و من دونهما جنتان

برداشت یاد شده، از تفاوت پاداش ها و مراتب آن در بهشت، به دست می آید.

38- موانع خشیت از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 28 - 7

7 - بی پروایی و نترسیدن از خدا ، برخاسته از جهل و ناآگاهی نسبت به عظمت پروردگار است .

ألم تر أن الله أنزل من السماء ماء . . . إنما يخشى الله من عباده العلماء

ص: 256

39- نشانه های خشیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 52 - 3

3 - تسلیم حکم پیامبر بودن و پذیرش داوری بر مبنای تعالیم دین ، نشانه خدا ترسی ، تقوایبشگی و مطیع خدا و رسول بودن است .

إذا دعوا إلى الله ورسوله ليحكم بينهم أن يقولوا سمعنا وأطعنا .. و من يطع الله

برداشت یاد شده، از ارتباط میان دو آیه فوق استفاده گردیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 18 - 12

12 - نماز ، مظهر ایمان راستین و خداترسی است .

الذين يخشون ربهم بالغيب وأقاموا الصلوة

یاد کردن از برپایی نماز پس از خداترسی، می تواند به عنوان یکی از مصادیق و مظاهر این خداترسی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 29 - 2

2 - انس با قرآن و تلاوت پیوسته آن ، برپایی نماز و انفاق در نهان و آشکار ، از نشانه های خداترسی است .

إنما يخشى الله من عباده العلماء .. إن الذين يتلون كتب الله وأقاموا الصل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 23 - 9

9 - اثرپذیری عمیق و لرزه انداز قرآن ، نشانه وجود روح خشیت و خداترسی در انسان

كتبًا .. نقشعّر منه جلود الذين يخشون ربهم

وقتی تأثیرگذاری عمیق قرآن اختصاص به اهل خشیت داشته باشد (الذین یخشون ربهم)، استفاده می شود که هر کس از قرآن تأثیر پذیرفت و به لرزه درآمده، اهل خشیت خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 15 - 8

8 - ذکر نام خدا و روی آوردن به نماز ، نشانه پندپذیری از قرآن ، ترس از خداوند و مایه دوری از آتش دوزخ است .

سیدّگر من یخشی . و یتجنّبها الأشقی . الذی یصلی النار ... قد أفلح من ... فصلی

40- ویژگیهای خشیت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 257

12- ترس فرشتگان از خداوند ، آمیخته با تعظیم ، احترام و توجه ویژه به خداوند است .

و هم من خشیتة مشفقون

«خشیت» ترس توأم با تعظیم و احترام و «اشفاق» ترس آمیخته با عنایت است (مفردات راغب).

41- هدایت پذیری اهل خشیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 11 - 1

1 - انذار ها و اخطار های پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، تنها در افرادی که آماده پذیرش بودند و می خواستند از پیروان قرآن و اهل خشیت باشند ، مؤثر بود .

إنما تنذر من اتبع الذکر و خشی الرحمن

در آیات گذشته، سخن از گروهی بود که هرگز آمادگی پذیرش ایمان و سخن حق را نداشتند؛ ولی در این آیه شریفه از گروه دیگری یاد می کند که در نقطه مقابل گروه اول قرار دارند که آماده پذیرش کلام حق (قرآن) بوده و از خدای رحمان می ترسند. گفتنی است مقصود از «ذکر» - طبق نظر بیش تر مفسران - قرآن است.

ص: 258

1- آثار پیروی از خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 66 - 8

8- دریافت آموخته های خضر ، در دیدگاه موسی ، وابسته به پیروی از آن حضرت بود .

هل أتبعك على أن تعلمن

2- آثار سوراخ کشتی قصه خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 79 - 10

10- معیوب بودن کشتی حامل خضر و موسی (ع) ، عامل صرف نظر پادشاه غاصب از تصرف و مصادره آن شد .

فأردت أن أعيبها و كان وراءهم ملك يأخذ كل سفينة غصبا

3- احترام خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 69 - 4

4- موسی (ع) کمال ادب و متانت را در برابر معلم خویش (خضر) اظهار کرد .

هل أتبعك ... ستجدني ... و لا أعصي

موارد فراوانی از ادب و متانت در کلام موسی (ع) دیده می شود: الف) درخواست خود را با استفهام آغاز کرد (هل أتبعك); ب) مبدأ

علم خضر را به جهت تکریم، با صیغه مجهول آورد (عُلِّمْتُ؛ ج) علم او را رشد آفرین دانست (رشداً؛ د) تنها، بخشی از علم او را طلب کرد (مِمَّا عُلِّمْتُ؛ هـ) وعده صریح به صبر نداد، بلکه به صورت «ستجدنی إن شاء الله...» ذکر کرد؛ و) توصیه های او را به عنوان امر تلقی کرد و متعهد شد که با او در هیچ فرمانی مخالفت نکند. (المیزان، ج 13).

4- استمهال از خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 76 - 1

1- موسی (ع)، از خضر (ع) برای تجربه صبر در برابر کارهای غیرعادی آن حضرت خواستار آخرین فرصت شد.

قال إن سألتك عن شيء بعدها فلا تصحبنى

5- اطاعت از خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 69 - 2

2- موسی (ع) بر اطاعت کامل خود از خضر (ع) و سرپیچی نکردن از فرمان های او تأکید کرد.

ستجدنی إن شاء الله صابراً ولا أعصى لك أمراً

6- اعتراض به خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 71 - 5

5- موسی (ع) از عملکرد خضر (ع) در شکافتن بدنه کشتی، شگفت زده شد و به او اعتراض کرد.

قال أخرجتها لتغرق أهلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 74 - 5، 11

5- موسی (ع) نوجوان مقتول را، فردی بی گناه دانست و خضر (ع) را به جهت کشتن وی، به شدت مورد اعتراض قرار داد.

قال أقتلت نفساً زكّيةً بغير نفس لقد جئت شيئاً نكراً

«زکاه» به معنای «طهارت» و «صلاح» و «نمو» و «برکت» و «مدح» آمده است. (لسان العرب) در آیه، مراد از «زکیه»، توصیف نوجوان به طهارت و پاکی از گناه است.

11- «عن أبي عبد الله: . . . بينما العالم يمشي مع موسى إذا هم بغلام يلعب قال: «فوكزه العالم، فقتله. فقال له موسى:»

ص: 260

أقتلت نفساً زكياً بغير نفس لقد جئت شيئاً نكراً؟». قال: «فأدخل العالم يده فاقتلع كتفه فإذا عليه مكتوب: كافر مطبوع»؛

از امام صادق (ع) روایت شده: ... آن گاه که عالم (خضر) با موسی (ع) می رفت، ناگاه، به پسری برخوردند که بازی می کرد. امام فرمود: «پس آن عالم، مشتت بر وی زد و او را کشت. موسی (ع) به او گفت: «أقتلت نفساً زكياً بغير نفس...؟». امام فرمود: «پس آن عالم، دست برد و کتف پسر را بیرون آورد که بر آن نوشته شده بود «کافر مطبوع». (کافری که مهر کفر بر او زده شده است)».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 78 - 2

2- ناتوانی موسی (ع) از تحمل کارهای خضر (ع)، در پی سومین سؤال و اعتراض او، به اثبات رسید.

قال هذا فراق بيني وبينك سأبتيك بتأويل ما لم تستطع عليه صبراً

7- انقياد خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 82 - 17

17- همه کارهای شگفت خضر (ع)، به فرمان خداوند صورت گرفت و دیدگاه شخصی او در آن دخالتی نداشت.

رحمه من ربك و ما فعلته عن أمري

ضمیر مفعولی در «ما فعلته» به قرینه ذیل آیه، به جامع تمام ماجراها برمی گردد، نظیر «آنچه دیدی» یا «آنچه انجام دادم».

8- انقياد والدین نوجوان قصه خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 80 - 2

2- پدر و مادر جوان مقتول، به دست خضر، افرادی مؤمن و به دور از سرکشی و عصیان بودند.

فخشینا أن یرهقهما طغیناً و کفراً

«طغیان» یعنی «بی اندازه در معصیت پیش رفتن». (مفردات راغب).

9- اهالی شهر قصه خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- هيچ يک از مردم شهر ، حاضر به ميزبانی و اطعام موسی و خضر (ع) نشد .

استطعما أهلها فأبوا أن يضيّفوهما

ص: 261

«إباء» به معنای «امتناع و سرباز زدن» است.

10- اهمیت ملاقات موسی (ع) با خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 60 - 8

8- حضرت موسی (ع) ملاقات با حضرت خضر (ع) را آن اندازه مهم و با ارزش می دانست که حتی جستجو در زمانی طولانی را برای آن روا می دید .

لأبرح حتی . . . أو أمضی حقبًا

«حقب» به معنای «دهر و زمانی طولانی» است اهل لغت آن را هشتاد سال نیز دانسته اند و مراد از پیمودن آن نیز، همان رسیدن به مجمع البحرين بوده است؛ یعنی، حتی ابلغ مجمع البحرين بسیر قریب او اسیر آزماناً طویله.

11- ایمان والدین نوجوان قصه خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 80 - 2

2- پدر و مادر جوان مقتول ، به دست خضر ، افرادی مؤمن و به دور از سرکشی و عصیان بودند .

فخشینا أن یرهقهما طغینًا و کفرًا

«طغیان» یعنی «بی اندازه در معصیت پیش رفتن». (مفردات راغب).

12- بازسازی دیوار قصه خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 77 - 9،10،11،20

9- خضر (ع) دیوار در حال سقوط را ترمیم و بازسازی کرد .

یرید أن ینقص فأقامه

10- ترمیم دیوار مشرف بر ویرانی ، به دست خضر ، در برابر دیدگان مردم شهر انجام گرفت . *

حتی إذا أتیا أهل قریه . . . فأقامه

ورود بر اهل قریه و نیز وجود دیوار در متن شهر که از تعبیر «فوجدا فیها جداراً» استفاده می شود، ممکن است اشاره به این داشته باشد که مردم، ناظر رفتار خضر(ع) بوده اند.

11- خضر (ع) برای تعمیر دیوار و برپا داشتن آن ، از موسی (ع) کمک نطلبید .

فأقامه

ص: 262

مفرد آمدن «اقامه» ممکن است از آن جهت باشد که کار بازسازی دیوار، فقط به دست خضر(ع) صورت گرفته باشد؛ چه این که در موارد پیشین، «استطعما» به صورت تثنیه آمده و نقش هر دو را در طلب غذا نمایانده است.

20- «عن جعفر بن محمد (ع) : . . . فوجدنا فيها جداراً يريد أن يتقَصَّ ، فوضع الخضر يده عليه فأقامه ؛

از امام صادق(ع) روایت شده: (خضر و موسی(ع)) دیواری را یافتند که می خواست بیفتد. خضر، دست خود را بر آن نهاد و آن را راست کرد».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 82 - 3

3- خضر (ع) با وجود حضور نداشتن مالکان دیوار در آبادی ، به ترمیم آن پرداخته بود . *

فكان لغلمين يتيمين في المدينة

احتمال می رود که به کار رفتن واژه «المدينه» در این آیه، به جای واژه «القریه» که در آیات قبل آمده بود، اشاره به این جهت باشد که آن دو یتیم در آن آبادی حضور نداشته، بلکه در شهری دیگر اقامت داشته اند و آن شهر - چنان چه از حرف «ال» در «المدينه» استفاده می شود - برای خضر و موسی(ع) شناخته شده بود.

13- بی گناهی نوجوانان قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 74 - 5

5- موسی (ع) نوجوان مقتول را، فردی بی گناه دانست و خضر (ع) را به جهت کشتن وی ، به شدت مورد اعتراض قرار داد .

قال أقتلت نفساً زكّيةً بغير نفسٍ لقد جئت شيئاً نكراً

«زکاه» به معنای «طهارت» و «صلاح» و «نمو» و «برکت» و «مدح» آمده است. (لسان العرب) در آیه، مراد از «زکيه»، توصیف نوجوان به طهارت و پاکی از گناه است.

14- بیان راز عمل خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 70 - 4,5

4- خضر موسی (ع) را از این که آنچه انجام خواهد داد ، بی دلیل و حکمت نیست ، آگاه ساخت .

حتیٰ اُحدث لک منہ ذکرًا

5- خضر (ع) به موسیٰ (ع) وعده داد که در نهایت ، بخشی از اسرار کار خود را برای او تبیین خواهد کرد .

اُحدث لک منہ ذکرًا

«من» در «منه» برای تبعیض است و گویای این که خضر، تنها، به بیان گوشه ای از ویژگی های کردار خویش وعده داد.

ص: 263

15- بینش خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 67 - 1

1- خضر ، موسى (ع) را از تحمل همراهی با وی ، برای فراگیری علوم ویژه ، ناتوان دید .

هل أتبعك .. قال إنيك لن تستطیع معی صبراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 68 - 2

2- خضر (ع) بی اطلاعی موسی از زوایای کردار وی را ، دلیل ناتوانی موسی از تحمل عملکرد وی دانست .

إنيك لن تستطیع .. و كيف تصبر علی ما لم تحط به خبراً

16- پدر مالک دیوار قصه خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 82 - 5,6

5- خضر (ع) پدر مالکان دیوار را می شناخت و از نیکی و صلاح او در دوران زندگی اش با خبر بود .

و كان أبوهما صلحاً

6- صالح بودن پدر ، عامل حمایت خضر (ع) از منافع فرزندان یتیم او بود .

و أمّا الجدار فكان لغلمین یتیمین .. و كان أبوهما صلحاً

جمله «و كان أبوهما صلحاً» نشان علت تعمیر دیوار است.

17- پیروی از خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 70 - 3

3- خضر ، خواهان تعجیل نکردن موسی در فهم اسرار بود و او را بر متابعت بی چون و چرا از خود ، الزام نکرد .

حتّی أحدث لک منه ذکرًا

18- پیشگوی خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 264

1- خضر (ع) اعتراض موسی را دلیل صحت پیش بینی خویش از ناشکیبایی موسی (ع) دانست و پیش گویی خود را به وی یادآور شد .

قال ألم أقل إنك لن تستطيع معي صبرًا

19- تحقق پیشگویی خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- پیش بینی خضر (ع) در مورد ناشکیبایی موسی (ع) در برابر کار های او ، مطابق واقع بود .

لقد جئت شيئًا نكرًا . قال ألم أقل لك إنك لن تستطيع معي صبرًا

20- تعالیم خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- خضر موسی (ع) را از این که آنچه انجام خواهد داد ، بی دلیل و حکمت نیست ، آگاه ساخت .

حتی أحدث لك منه ذکرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16- خضر (ع) با توجه دادن موسی (ع) به تدبیر فراگیر الهی ، حفاظت اموال یتیمان را ، برخاسته از گستردگی ربوبیت خداوند دانست .

فأراد ربك

خضر(ع) با اضافه «رب» به ضمیر خطاب (ربك) به موسی(ع) این نکته را بیان داشته است که گرچه ترمیم دیوار، به تغذیه و تربیت جسم تو کمک نمی کند، ولی مالک و مدبر تو، مالک و مدبر یتیمان نیز هست.

21- موسی (ع) ، سرانجام ، به اسرار کار های شگفت خضر آگاه شد و توجیه و تأویل برخی حوادث را از او آموخت .

ذلک تأویل ما لم تسطع علیه صبرًا

«لم تسطع» در اصل «لم تستطع» بوده و حرف «تاء» برای تخفیف حذف شده است.

23- خضر (ع) پس از آموختن اسرار کارهای خود به موسی (ع)، وی را بر بی صبری در برابر آن، نکوهش کرد.

ذلک تأویل ما لم تسطع علیه صبراً

ص: 265

21- تعالیم قصه خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 60 - 3

3- حقایقی آموزنده، در سرگذشت ملاقات موسی (ع) و خضر (ع) وجود دارد.

و اذ قال موسی لفتیه لا ابرح

عالمی که موسی (ع) با او ملاقات کرده، بنابر آنچه که در روایات آمده است، حضرت خضر (ع) است و موسی (ع) نیز همان پیامبر معروف. گرچه در این موضوع آرای دیگری نیز ابراز شده، ولی به گفته علامه طباطبایی (ره) به دلیل یاد فراوان از موسی (ع) در قرآن، اگر غیر او مراد بود، قرینه ای در قرآن ذکر می گردید تا رفع التباس شود.

22- تعلم از خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 66 - 2

2- هدف موسی از همراه شدن با خضر، بهره‌وری از علم رشدآفرین وی بود.

هل أتبعك علی أن تعلمن ممّا علّمت رشدًا

«رشدًا» اگر مفعولٌ له باشد، مفاد آیه این است که: «پیروی من، به منظور رشد یافتن است» که اگر مفعولٌ به باشد، مراد این است که: «تورا پیروی می کنم بر این اساس که آنچه را رشد است، به من بیاموزی.»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 78 - 7

7- علمی که موسی (ع) در پی آموختن آن از خضر (ع) بود، علم تأویل و تحلیل حوادث و شناخت حقایق پشت پرده رخدادها بود.

هل أتبعك علی أن تعلمن ممّا علّمت .. سأنتبک بتأویل ما لم تستطع علیه صبرًا

23- توصیه های خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 67 - 2

2- خضر (ع) به موسی (ع) توصیه کرد به دلیل نداشتن قدرت تحمّل ، از همراه شدن با او صرف نظر کند .

إِنكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا

ص: 266

24- جدایی موسی (ع) و خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 73 - 8

8- مفارقت از خضر (ع) و بازماندن از یادگیری علوم او، برای حضرت موسی (ع) امری دشوار بود.

لا تَوَاخِذْنِي بِمَا نَسِيتُ وَلَا تَرَهَقْنِي مِنْ أَمْرِي عَسْرًا

مقصود از «امر» در «من امری» همان متابعت خضر (ع) و فراگیری دانش از او است. بنابراین، مفاد این قسمت آیه، آن است که بالغو رخصت همراهی، مرا در مورد کار و هدف ام به زحمت و سختی مینداز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 78 - 1,3

1- سومین تخلف موسی (ع) از عهد خویش با خضر (ع) (مطرح ساختن گرفتن مزد)، آغاز جدایی آن دو از هم بود.

قال لو شئت لَتَّخَذْتُ . . . قال هذا فراق بيني وبينك

در باره این که «هذا» اشاره به چیست، احتمالاتی وجود دارد، از جمله این که اشاره به قول موسی (ع) باشد؛ یعنی، هذا القول سبب فراق بیننا

3- خضر (ع)، پس از آخرین تخلف موسی، برای جدا شدن از او، دلیل موجه و عذر پذیرفته شده داشت.

بلغت من لدنّي عذراً . . . قال لو شئت لَتَّخَذْتُ عَلَيْهِ أَجْرًا . قال هذا فراق بيني وبين

25- جستجوی خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 60 - 1,2,4

1- موسی (ع) برای یافتن خضر، با عزمی راسخ و جدی، سفر خود را به مجمع البحرین آغاز کرد.

لا أُبْرِحُ حَتَّىٰ أَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ

«لا أُبْرِحُ» صیغه متکلم از «برح» و به معنای «دست بر نمی دارم» و تأکید بر پشتکار در انجام دادن کار است.

2- موسی (ع) در جستار تحقیقی خویش برای یافتن خضر، با خدمت کار خود (یوشع (ع)) همراه بود.

و إذ قال موسى لفتیه لأبرح

«فتی» به معنای جوان است. در تعبیرات قرآن، از غلام و خدمت کار نیز با این تعبیر یاد شده است. لازم به ذکر است که بنابر برخی از روایات مأثور، همراه و همسفر موسی (ع)، «یوشع بن نون» وصی آن حضرت بوده است.

4- تلاش موسی (ع) برای یافتن خضر (ع)، واقعه ای در خور یادآوری و توجّه است.

و إذ قال موسى لفتیه لأبرح

«إذ» مفعول برای «أذکر» در تقدیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 62 - 1,3

ص: 267

1- موسی (ع) و همسفرش، پس از توقف در مجمع البحرین، در جستجوی خضر (ع)، مجدداً به حرکت خویش ادامه داده و آن جا را پشت سر گذاشتند.

فلما بلغا مجمع بینهما... فلما جاوزا

موسی (ع) در سخن خود با یوشع، مجمع البحرین را هدف و مقصد نهایی خود اعلام کرد، ولی هنگام رسیدن به آن جا، از آن نیز گذشت. این حرکت و نیز گفتاری که در آیات بعد از موسی (ع) نقل شده است، نشانه آن است که آن دو نمی دانستند به محلّ مورد نظر موسی (ع) رسیده اند.

3- موسی و یوشع، در شبانگاه و صبح دم - پس از عبور از مجمع البحرین - برای یافتن خضر (ع) راه درازی پیمودند. *

ءاتنا غداءنا

بدان احتمال که احساس خستگی و گرسنگی موسی (ع) در طرف صبح، ناشی از راه پیمایی طولانی در شب باشد.

26- حکومت دوران خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 79 - 7

7- در زمان وقوع داستان موسی و خضر (ع)، حکومتی ستم گر و غاصب وجود داشته است.

و كان وراءهم ملك يأخذ كل سفينة غصبًا

«وراء» به هر مکان مستور و پوشیده ای گر چه روبه رو باشد، اطلاق می گردد. (قاموس) بنابراین، سلطان غاصب، یا پشت سر مساکین و در تعقیب کشتی داران بوده است و یا در پیش روی آنان بوده آن ها در مسیر خود با او برخورد می کردند.

27- خرابی دیوار قصه خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 77 - 8

8- موسی و خضر (ع) در آبادی، با دیواری مواجه شدند که در حال سقوط و خرابی بود.

فوجدا فیها جدارًا یرید أن ینقضّ

«إنقضاض» از ماده «قضض» به معنای «از هم پاشیدن» است (قاموس). به کار بردن فعل «یرید» که نوعاً در باره موجودات دارای اختیار به کار می رود، نوعی استعاره است؛ یعنی، به قدری دیوار در معرض افتادن بود که گویا خود بر خرابی و از هم پاشیدگی تصمیم گرفته

است .

28- خضر (ع) در کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 268

2- موسی و خضر (ع) در نخستین مراحل همراهی، سوار کشتی شدند.

فانطلقا حتی إذا ركبا فی السفینه

4- خضر (ع) پس از سوار شدن بر کشتی، در بدنه آن شکافی ایجاد کرد که سرنشینان آن در خطر غرق شدن قرار گرفتند.

حتى إذا ركبا فی السفینه خرقها

«خرق» به معنای «شکافتن و دریدن» است.

6- اقدام خضر به سوراخ کردن کشتی، دور از چشم سرنشینان کشتی بوده است.

خرقها قال آخرقتها لتغرق أهلها

روشن است که اگر سوراخ کردن کشتی، در دید مردم قرار داشت، خضر(ع)، مورد اعتراض آن ها قرار می گرفت و مانع او می شدند. از این که تنها، موسی(ع) اعتراض کرده، چنین بر می آید که این کار، از چشم دیگران به دور بوده است.

29- خضر (ع) در مجمع البحرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- موسی (ع) و همسفرش، پس از بازگشت به مجمع البحرين، با خضر (ع) ملاقات کردند.

فارتدا علی ءاثارهما قصصًا . فوجدا

30- خضر (ع) در ناصره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19- «عن جعفرین محمد (ع) : . . . « فانطلقا حتی إذا أتیا أهل قریه » و هی الناصره ؛

از امام صادق(ع) روایت شده: .. مقصود از قریه، در آیه شریف قریه ناصره است.»

31- خواسته های خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 70 - 3

3- خضر ، خواهان تعجيل نكردن موسى در فهم اسرار بود و او را بر متابعت بى چون و چرا از خود ، الزام نكرد .

حتّى أُحدث لك منه ذكراً

ص: 269

32- درخواست غذای خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 77 - 3

3- موسی و خضر (ع) با احساس گرسنگی، از مردم شهر، تقاضای طعام و خوراکی کردند.

استطعما أهلها

به قرینه «یصیّفوهما» مراد از استطعام، تهیه طعام برای ادامه سفر نبوده است، بلکه موسی و خضر(ع)، در همان هنگام، گرسنه بوده اند.

33- ذکر قصه خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 60 - 4

4- تلاش موسی (ع) برای یافتن خضر (ع)، واقعه ای درخور یادآوری و توجّه است.

و إذ قال موسی لفتیه لأبرح

«إذ» مفعول برای «أذکر» در تقدیر است.

34- راز عمل خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 68 - 1,2

1- موسی (ع) از اسرار نهفته در زندگی و عملکرد خضر (ع) و زوایای آن، اطلاع دقیقی نداشت.

و کیف تصبر علی ما لم تحط به خیراً

«إحاطه» (مصدر «لم تحط») یعنی: «به چیزی احاطه و وقوف کامل یافتن» و در آیه مورد بحث، با توجه به کلمه «خیراً» - که به معنای «علماً» و تمیز برای نسبت احاطه است - مراد، احاطه کامل علمی است.

2- خضر (ع) بی اطلاعی موسی از زوایای کردار وی را، دلیل ناتوانی موسی از تحمّل عملکرد وی دانست.

إنک لن تستطیع... و کیف تصبر علی ما لم تحط به خیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 78 - 4,6

4- خضر ، موسى (ع) را مطمئن ساخت كه اسرار كار هاى شگفت خویش را پیش از جدایی ، برای او بازگو خواهد كرد .

سَأْتَبِكُ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا

ص: 270

6- کار های به ظاهر غیر قابل توجیه خضر (ع) ، دارای باطن و حقیقتی درست بود .

سَأْتِبُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا

«تأویل» از ریشه «أول» و به معنای «بازگرداندن» است و در آیه، به معنای «مأل» است و مراد، حقایق و مصالحی است که کار خضر بر اساس آن انجام پذیرفته و باید ظاهر ناخوشایند کار خضر(ع) را به آن مصالح بازگرداند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 82 - 21،22

21- موسی (ع) ، سرانجام ، به اسرار کار های شگفت خضر آگاه شد و توجیه و تأویل برخی حوادث را از او آموخت .

ذَلِكْ تَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا

«لم تستطع» در اصل «لم تستطع» بوده و حرف «تاء» برای تخفیف حذف شده است.

22- رخداد های داستان خضر و موسی (ع) ، برخاسته از اراده خداوند و دارای تفسیری پیچیده و نیازمند آگاهی هایی ویژه است که از جانب او افاضه شود .

و ما فعلته عن أمري ذلک تأویل ما لم تستطع علیه صبرًا

35- رد درخواست غذای خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 77 - 4

4- هیچ یک از مردم شهر ، حاضر به میزبانی و اطعام موسی و خضر (ع) نشد .

استطعما أهلها فأبوا أن یضیفوهما

«إباء» به معنای «امتناع و سرباز زدن» است.

36- زمینه تعلم از خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 66 - 8

8- دریافت آموخته های خضر ، در دیدگاه موسی ، وابسته به پیروی از آن حضرت بود .

هل أتبعك على أن تعلمن

37- سرزنشهای خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 271

23- خضر (ع) پس از آموختن اسرار کارهای خود به موسی (ع)، وی را بر بی صبری در برابر آن، نکوهش کرد.

ذَلِك تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا

38- سوراخ کشتی قصه خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- خضر (ع) پس از سوار شدن بر کشتی، در بدنه آن شکافی ایجاد کرد که سرنشینان آن در خطر غرق شدن قرار گرفتند.

حَتَّى إِذَا رَكَبَا فِي الْسَفِينَةِ خَرَقَهَا

«خرق» به معنای «شکافتن و دریدن» است.

5- موسی (ع) از عملکرد خضر (ع) در شکافتن بدنه کشتی، شگفت زده شد و به او اعتراض کرد.

قَالَ أَخَرَقْتَهَا لِتُغْرَقَ أَهْلِهَا

6- اقدام خضر به سوراخ کردن کشتی، دور از چشم سرنشینان کشتی بوده است.

خَرَقَهَا قَالَ أَخَرَقْتَهَا لِتُغْرَقَ أَهْلِهَا

روشن است که اگر سوراخ کردن کشتی، در دید مردم قرار داشت، خضر (ع)، مورد اعتراض آن ها قرار می گرفت و مانع او می شدند. از

این که تنها، موسی (ع) اعتراض کرده، چنین بر می آید که این کار، از چشم دیگران به دور بوده است.

8- آسیب رساندن خضر (ع) به کشتی، امری بس ناروا و غیرقابل توجیه در نظر موسی (ع) بود.

لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا إِمْرًا

«إمر» به معنای «منگر عظیم» و نیز «منگر عجیب» آمده است. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- خضر (ع) با بیان آگاه نبودن موسی (ع) به راز معیوب ساختن کشتی، پندار وی را در مورد انگیزه آن کار، تخطئه کرد.

أخرقتها لتغرق أهلها .. ألم أفل إنك لن تستطيع معي صبراً

39- شرایط تعلم از خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 67 - 5

5- دستیابی به گوشه ای از دانش خضر و بندگان خاص خداوند، نیازمند صبر و تحمل فراوان است .

قال إنك لن تستطيع معي صبراً

هشدار خضر به موسی (ع) در حقیقت، بیان این نکته نیز هست که برای همراه شدن با خضر و کسب معارف از او، صبر پولادین

ص: 272

مورد نیاز است.

40- شرایط همنشینی با خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 78 - 10

10- برخورداری از علم تأویل و تحلیل حوادث و مصاحبت با عالمانی مانند خضر (ع)، نیازمند صبری برتر از صبر موسی (ع) و طاقتی افزون تر از طاقت او است.

سَأْتِبُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا

41- شگفتی عمل خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 67 - 3

3- کارهای خضر، برای دیگران، حتی فردی چون موسی (ع) غیر قابل تحمل و درک بود.

قال إنك لن تستطيع معي صبرًا

تأکید بر «معی» نشان می دهد که صرف تعلیم علوم مشکل آفرین نبوده است، بلکه همراه شدن با خضر - که مستلزم مشاهده رفتاری است که از علوم وی نشئت گرفته - غیر قابل تحمل بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 68 - 3

3- اعمال خضر (ع)، دارای ظاهری غیرمتعارف و زوایایی ناشناخته، حتی برای فردی مانند موسی (ع) بود.

و كيف تصبر على ما لم تحط به خبرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 71 - 5

5- موسی (ع) از عملکرد خضر (ع) در شکافتن بدنه کشتی، شگفت زده شد و به او اعتراض کرد.

قال أخرجتها لتغرق أهلها

42- شهر قصه خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 273

2- موسی و خضر (ع) در مسیر حرکت و سفر خویش ، به یک آبادی رسیدند و با اهل آن ملاقات کردند .

فانطلقا حتی إذا أتیا أهل قریه

در این که چه شهری در مسیر موسی و خضر(ع) قرار داشته، احتمالات گوناگونی ارائه شده است. از جمله آن ها شهر «ناصره» است که در ساحل دریا قرار داشته است این وجه را مجمع البیان از امام صادق (ع) روایت کرده است.

5- مردم شهری که موسی و خضر (ع) به آن وارد شدند ، مردمی دور از خوی مهمان دوستی و غریب نوازی ، دور بودند .

فأبوا أن یضیفوهما

43- صبر در همنشینی با خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 78 - 10

10- برخورداری از علم تأویل و تحلیل حوادث و مصاحبت با عالمانی مانند خضر (ع) ، نیازمند صبیری برتر از صبر موسی (ع) و طاقتی افزون تر از طاقت او است .

سأنتبک بتأویل ما لم تستطع علیه صبرًا

44- ظلم پادشاه قصه خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 79 - 7,8

7- در زمان وقوع داستان موسی و خضر (ع) ، حکومتی ستم گر و غاصب وجود داشته است .

و کان وراءهم ملک يأخذ کلّ سفینه غصبًا

«وراء» به هر مکان مستور و پوشیده ای گر چه روبه رو باشد، اطلاق می گردد. (قاموس) بنابراین، سلطان غاصب، یا پشت سر مساکین و در تعقیب کشتی داران بوده است و یا در پیش روی آنان بوده آن ها در مسیر خود با او برخورد می کردند.

8- مقارن با وقوع داستان موسی و خضر (ع) ، پادشاهی ، کلّیه کشتی های سالم را در آن منطقه ، مصادره می کرد .

و کان وراءهم ملک يأخذ کلّ سفینه غصبًا

مراد از «کلّ سفینه» - به قرینه «أن أعيبها» «کلّ سفینه صالحه» بوده است.

45- عبودیت خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 65 - 2,3

ص: 274

2- هدف موسی (ع) و همراه وی از سفر جستوجوگرانه خود، یافتن بنده ای از بندگان خاص الهی و دارای علم لدنی بود.

فارتدا... فوجدا عبداً من عبادنا... و علمنه من لدنا

واژه «وجدنا» بیان کننده یافتن چیزی است که موسی و همراه اش در جستجوی آن بودند و نه دیداری اتفاقی و غیر مترقبه. «لدنا» دلالت می کند که علم حضرت «خضر(ع)» دانش عادی و معمولی نبوده، بلکه از افاضات خاص ربّانی بوده است.

3- حضرت «خضر» (ع) بنده خاص خداوند و برخوردار از رحمت و عنایت ویژه الهی بود.

ءاتینه رحمه من عندنا

46- عذرخواهی از خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 73 - 2,7

2- موسی (ع) به دلیل تخلف از شرط همراهی با خضر (ع) و اعتراض ناروا به او، خود را سزاوار مؤاخذه دید و از خضر (ع) تقاضای چشم پوشی کرد.

قال لاتؤاخذنی بما نسیت

7- موسی (ع) عفو و عدم سخت گیری خضر بر او را به خاطر نسیان و تخلف از عهد خویش، تقاضا کرد.

قال لاتؤاخذنی بما نسیت و لاترهقنی من أمری عسراً

«إرهاق» به معنای «تحمیل کاری طاقت سوز بر دیگری» است. (قاموس) و مفاد «لاترهقنی...» این است که کاری دشوار (مانند جدا شدن و لغو رخصت همراهی) را بر من تحمیل مکن و مرا به زحمت مینداز. لازم به ذکر است که «عسراً» مفعول دوم برای «لاترهقنی» است.

47- عصمت خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 71 - 11

11- موسی (ع)، لغزش هایی نظیر غرق انسان ها بی گناه را، از جانب خضر (ع) منتفی نمی دانست.

أخرقتها لتغرق أهلها لقد جئت شيئاً إمرأ

48- علم خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 67 - 4

4- حضرت خضر (ع)، نسبت به خصوصیات روحی موسی (ع) از پیش، مطلع بود.*

ص: 275

قال إنك لن تستطيع معي صبراً

پیش بینی قطعی عدم تحمّل موسی از جانب خضر(ع) می تواند مستند به یکی از دو امر باشد: 1- اطلاع خضر از خصوصیات روحی و فکری موسی(ع) 2- این که اصولاً، تحمّل چنین علومی، برای غیر خضر ممکن نبوده است. برداشت فوق مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 69 - 5

5- موسی (ع) دارای اشتیاق فراوان به فراگیری علوم خضر بود .

قال ستجدني إن شاء الله صابراً و لا أعصي لك أمراً

49- علم غیب خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 79 - 14

14- خضر (ع) از برخی حوادث آینده، آگاه بود و در برابر آن احساس مسؤولیت می کرد .

و كان وراءهم ملك يأخذ كل سفينة غصبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 82 - 20

20- آگاهی خضر (ع) بر اسرار و حقایق امور عالم و نیز اطلاع او بر اراده خداوند در باره آنها، نمودی از علم لدنی وی بود .

و علمنه من لدنا علماً . رحمه من ربك و ما فعلته عن أمري

50- علم لدنی خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 65 - 2,8,9

2- هدف موسی (ع) و همراه وی از سفر جستوجوگرانه خود، یافتن بنده ای از بندگان خاص الهی و دارای علم لدنی بود .

فارتدا... فوجدنا عبداً من عبادنا... و علمنه من لدنا

واژه «وجداء» بیان کننده یافتن چیزی است که موسی و همراه اش در جستجوی آن بودند و نه دیداری اتفاقی و غیر مترقبه. «لدنا» دلالت می کند که علم حضرت «خضر(ع)» دانش عادی و معمولی نبوده، بلکه از افاضات خاص ربّانی بوده است.

8- حضرت خضر (ع) از علم مخصوص و موهبتی خداوند، (علم لدنی)، برخوردار بود.

وَعَلَّمَنَّهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا

«من لدنا» و «من عندنا» در معنا تفاوتی ندارند و هر دو، بر داشتن منشأ الهی، دلالت می کنند.

ص: 276

9- علم لدنی حضرت خضر (ع)، نمودی از رحمت خاص الهی به او است .

ءاتینه رحمه من عندنا و علمنه من لدنا علماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 66 - 3,4,6,7,9

3- موسی (ع) به «علم لدنی» حضرت خضر احساس نیاز می کرد .

هل أتبعك على أن تعلمن مما علمت رشداً

4- موسی (ع)، به محرومیت خود از علومی که نزد خضر بود، اعتراف داشت و در برابر مقام علمی و عملی او، متواضع و فروتن بود .

هل أتبعك على أن تعلمن مما علمت

اظهار آمادگی برای تبعیت، نشانِ خضوعِ موسی (ع) در برابر کردار خضر (ع)، و اظهار اشتیاق به آموختن، حاکی از تواضع موسی در برابر علم او است.

6- در دیدگاه موسی (ع)، خضر (ع)، - فردی تعلیم دیده، و علوم ویژه او، دانشی اکتسابی بود .

مما علمت

7- دانش ویژه خضر (ع)، برگرفته از تعلیم خداوندی بود .

علمنه من لدنا علماً .. مما علمت رشداً

9- علوم لدنی خضر، دامنه گسترده ای داشت .

تعلمن مما علمت

«من» در «مما» معنای تبعیض دارد. موسی (ع) با این تعبیر، می گوید: «من، خواهان آموختن بخشی از آن علوم گسترده توأم».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 82 - 20,22

20- آگاهی خضر (ع) بر اسرار و حقایق امور عالم و نیز اطلاع او بر اراده خداوند در باره آنها، نمودی از علم لدنی وی بود .

و علمنه من لدنا علماً . رحمه من ربك و ما فعلته عن أمري

22- رخداد های داستان خضر و موسی (ع) ، برخاسته از اراده خداوند و دارای تفسیری پیچیده و نیازمند آگاهی هایی ویژه است که از جانب او افاضه شود .

و ما فعلته عن امری ذلک تأویل ما لم تسطع علیه صبرًا

51- عمل به تکلیف خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 82 - 17

17- همه کار های شگفت خضر (ع) ، به فرمان خداوند صورت گرفت و دیدگاه شخصی او در آن دخالتی نداشت .

رحمه من ربك و ما فعلته عن امری

ص: 277

ضمیر مفعولی در «مافعلته» به قرینه ذیل آیه، به جامع تمام ماجراها برمی گردد، نظیر «آنچه دیدی» یا «آنچه انجام دادم».

52- عوامل محرومیت از همراهی با خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 76 - 2

2- موسی (ع) خود را در صورت سؤال مجدد (سومین تخلف) سزاوار محروم شدن از مصاحبت با خضر (ع) دانست .

قال إن سألتك من شيء بعد فلا تصحبني

53- عهد موسی (ع) و خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 73 - 3

3- تخلف موسی از عهد خویش با خضر (ع)، ناشی از فراموشی بود .

قال لا تؤاخذني بما نسيت

54- عهدشکنی با خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 77 - 18

18- سخن شکوه آمیز موسی (ع) به خضر (ع) در مورد نگرفتن مزد، سومین تخلف وی از پیمان خویش بود .

قال لو شئت لَتَّخَذْتُ عَلَيْهِ أُجْرًا

55- عهدشکنی با خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 78 - 1

1- سومین تخلف موسی (ع) از عهد خویش با خضر (ع) (مطرح ساختن گرفتن مزد)، آغاز جدایی آن دو از هم بود .

قال لو شئت لَتَّخَذْتُ . . . قال هذا فراق بيني وبينك

در باره این که «هذا» اشاره به چیست، احتمالاتی وجود دارد، از جمله این که اشاره به قول موسی (ع) باشد؛ یعنی، هذا القول سبب فراق
بیننا

ص: 278

56- غارتگری پادشاه قصه خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 79 - 1

1- هدف خضر (ع) از اقدام به معیوب ساختن کشتی، نجات دادن آن از غارت و مصادره سلطان غاصب بود.

أما السفینه . . فأردت أن أعیبها . . . يأخذ کلّ سفینه غصبًا

57- غضب کشتیها در دوران خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 79 - 8

8- مقارن با وقوع داستان موسی و خضر (ع)، پادشاهی، کلیه کشتی های سالم را در آن منطقه، مصادره می کرد.

وكان وراءهم ملك يأخذ كلّ سفینه غصبًا

مراد از «کلّ سفینه» - به قرینه «أن أعیبها» «کلّ سفینه صالحه» بوده است.

58- فضایل خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 65 - 3,8,9

3- حضرت «خضر» (ع) بنده خاص خداوند و برخوردار از رحمت و عنایت ویژه الهی بود.

ءاتینه رحمه من عندنا

8- حضرت خضر (ع) از علم مخصوص و موهبتی خداوند، (علم لدنی)، برخوردار بود.

وعلّمه من لدنا علّمًا

«من لدنا» و «من عندنا» در معنا تفاوتی ندارند و هر دو، بر داشتن منشأ الهی، دلالت می کنند.

9- علم لدنی حضرت خضر (ع)، نمودی از رحمت خاص الهی به او است.

ءاتینه رحمه من عندنا وعلّمه من لدنا علّمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 66 - 7,9,4,3

3- موسى (ع) به « علم لدني » حضرت خضر احساس نیاز می کرد .

هل أتبعك على أن تعلمن مما علمت رشداً

4- موسى (ع) ، به محرومیت خود از علومی که نزد خضر بود ، اعتراف داشت و در برابر مقام علمی و عملی او ، متواضع و فروتن

ص: 279

بود .

هل أتبعك على أن تعلمن مما علمت

اظهار آمادگی برای تبعیت، نشانِ خضوعِ موسی(ع) در برابر کردارِ خضر(ع)، و اظهار اشتیاق به آموختن، حاکی از تواضع موسی در برابر علم او است.

7- دانش ویژه خضر (ع) ، برگرفته از تعلیم خداوندی بود .

عَلَّمَنِي مِنْ لَدُنِّي عِلْمًا .. مِمَّا عَلَّمْتِ رَشَدًا

9- علوم لدنی خضر ، دامنه گسترده ای داشت .

تعلمن مِمَّا عَلَّمْتِ

«من» در «مِمَّا» معنای تبعیض دارد. موسی(ع) با این تعبیر، می گوید: «من، خواهان آموختن بخشی از آن علوم گسترده توأم».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 82 - 20

20- آگاهی خضر (ع) بر اسرار و حقایق امور عالم و نیز اطلاع او بر اراده خداوند در باره آنها ، نمودی از علم لدنی وی بود .

وَعَلَّمَنِي مِنْ لَدُنِّي عِلْمًا . رَحْمَةً مِنْ رَبِّي وَ مَا فَعَلْتَهُ عَنْ أَمْرِي

59- فقر مالکان کشتی قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 79 - 2

2- کشتی سوراخ شده به دست خضر (ع) ، در مالکیت گروهی از محرومان بود و تنها وسیله ارتزاق آنان به شمار می آمد .

فَكَانَتْ لِمَسْكِينٍ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ

60- فلسفه اعتراض به خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 71 - 7

7- قرار گرفتن سرنشینان کشتی در معرض غرق ، علّت اعتراض موسی (ع) به عمل خضر (ع) بود .

قال أخرجها لتغرق أهلها

61- فلسفه بازسازی دیوار قصه خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 280

1- خضر (ع) علت اقدام به بازسازی دیوار فرسوده را برای موسی (ع) تشریح کرد .

و أمّا الجدار .. ما فعلته عن أمری

4- هدف خضر (ع) از ترمیم دیوار فرسوده ، محفوظ داشتن گنج نهاده شده در زیر آن برای دو یتیم ساکن در شهر بود .

و أمّا الجدار فكان لغلمین یتیمین فی المدینة و كان تحته كنز لهما

6- صالح بودن پدر ، عامل حمایت خضر (ع) از منافع فرزندان یتیم او بود .

و أمّا الجدار فكان لغلمین یتیمین .. و كان أبوهما صالحاً

جمله «و كان أبوهما صالحاً» نشان علت تعمیر دیوار است.

62- فلسفه سوراخ کشتی قصه خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- هدف خضر (ع) از اقدام به معیوب ساختن کشتی ، نجات دادن آن از غارت و مصادره سلطان غاصب بود .

أمّا السفینة .. فأردت أن أعیبها ... يأخذ کلّ سفینة غضباً

13- عملکرد خضر (ع) در مورد کشتی ، مصداقی از تقدیم اهم ، به هنگام مزاحمت آن با امری مهم است .

و أمّا السفینة فكانت لمسکین .. يأخذ کلّ سفینة غضباً

63- فلسفه قتل نوجوان قصه خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11- « عن أبی عبد اللّٰه : ... بینما العالم یمشی مع موسی إذا هم بغلام یلعب قال : « فوکزه العالم ، فقتله . فقال له موسی : « أقتلت نفساً

زکیه بغیر نفس لقد جنّت شیئاً نکرأ ؟ » . قال : « فأدخل العالم یده فاقتلع کتفه فإذا علیه مکتوب : کافر مطبوع ;

از امام صادق (ع) روایت شده: .. آن گاه که عالم (خضر) با موسی (ع) می رفت، ناگاه، به پسری برخوردند که بازی می کرد. امام فرمود:

«پس آن عالم، مشتتی بر وی زد و او را کشت. موسی (ع) به او گفت: «أقتلت نفساً زکیه بغیر نفس...؟»، امام فرمود: «پس آن عالم، دست

برد و کتف پسر را بیرون آورد که بر آن نوشته شده بود «کافر مطبوع». (کافری که مهر کفر بر او زده شده است).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 80 - 1

1- هدف خضر (ع) از قتل نوجوان، مصون داشتن پدر و مادر وی از کفر و طغیان بود.

و أمّا الغلم .. فخشینا أن یرهقهما طغیناً و کفرًا

«إرهاق» یعنی: «وادر ساختن کسی بر کاری که انجام آن برای او دشوار و طاقت فرسا است». (قاموس).

ص: 281

1- هدف خضر (ع) از قتل نوجوان، فراهم ساختن زمینه ای مناسب برای دستیابی پدر و مادر وی به فرزندى پاک تر و مهربان تر بود.

فأردنا أن يبدلهم ربهم خيراً منه زكوه وأقرب رحماً

مراد از «زكاه» در آیه، طهارت و پاکی از گناه است و «رُحْم» و «رحمت» به یک معنا است. گرچه خضر(ع) در این سخن، پاکی و مهربانی را برای نوجوان مقتول انکار نکرده است، ولی ممکن است به تناسب گفته موسی(ع) که نوجوان مقتول را «نفس زکیه» خواند، سخن خود را در قالب اسم تفضیل آورده است، لکن در حقیقت، نوجوان مقتول، یا فاقد رحمت و پاکی بوده و یا آینده او به گناه و بی رحمی می انجامید.

64- فلسفه ملاقات موسی(ع) با خضر(ع)

19- «عن جعفر بن محمد (ع): ... ان موسى لما كلمه الله تكليماً... قال فى نفسه: «ما أرى أن الله، عزّوجلّ خلق خلقاً أعلم منى! «فأوحى الله، عزّوجلّ، إلی جبرئیل «یا جبرئیل! أدرك عبدی موسى قبل أن يهلك وقل له: إن عند ملتقى البحرين رجلاً عبداً فاتبعه و تعلم منه.»»

از امام صادق(ع) روایت شده:.. آن گاه که خداوند با موسی تکلم کرد... موسی در دل خود گفت: «نمی بینم که خدای عزّوجلّ، خلقی را آفریده باشد که از من اعلم باشد!». پس خدا به جبرئیل وحی کرد: «بندۀ ام، موسی را پیش از آن که هلاک شود، دریاب و به او بگو: در محل تلاقی دو دریا، مرد عابدی هست همراه اش برو و از او علم بیاموز».

65- قبول خواسته های خضر(ع)

1- موسی (ع) با پذیرش شروط خضر، همراه او حرکت کرد.

فانطلقا حتّى إذا ركبا فى السفینه

«انطلاق» به معنای «روانه شدن و حرکت کردن» است. «فاء» در «فانطلقا» دلالت دارد که موسی(ع) شرایط خضر را پذیرفت و خضر(ع) به همراهی وی رخصت داد.

66- قتل نوجوان قصه خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 74 - 11، 4

4- خضر (ع) بی درنگ، پس از مشاهده نوجوان، او را به قتل رسانید.

حَتَّى إِذَا لَقِيَ غُلَامًا فَقَتَلَهُ

ظاهر عطف به «فاء» در «فقتله» آن است که خضر(ع) بدون هیچ مقدمه ای، در پی برخورد با نوجوان، به کشتن او اقدام کرده است.

11- «عن أبي عبد الله: . . . بينما العالم يمشي مع موسى إذا هم بغلام يلعب قال: «فوكزه العالم، فقتله. فقال له موسى: «أقتلت نفساً زكية بغير نفس لقد جئت شيئاً نكراً؟». قال: «فأدخل العالم يده فاقتلع كتفه فإذا عليه مكتوب: كافر مطبوع»؛

از امام صادق(ع) روایت شده: . . . آن گاه که عالم (خضر) با موسی(ع) می رفت، ناگاه، به پسری برخوردند که بازی می کرد. امام فرمود: «پس آن عالم، مشتت بر وی زد و او را کشت. موسی(ع) به او گفت: «أقتلت نفساً زكية بغير نفس...؟». امام فرمود: «پس آن عالم، دست برد و کتف پسر را بیرون آورد که بر آن نوشته شده بود «کافر مطبوع». (کافری که مهر کفر بر او زده شده است)».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 75 - 4

4- خضر (ع) با اشاره به ناآگاهی موسی (ع) از انگیزه قتل نوجوان، اعتراض وی را ناموجه دانست و آن را نشانه درستی شناخت خویش از کم طاقتی و بی صبری موسی (ع) خواند.

لقد جئت شيئاً نكراً. قال ألم أقل لك إنك لن تستطيع معي صبراً

67- قصه خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 60 - 11، 6، 1

1- موسی (ع) برای یافتن خضر، با عزمی راسخ و جدی، سفر خود را به مجمع البحرين آغاز کرد.

لأبْرَحَ حَتَّىٰ أَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ

«لأبْرَحَ» صیغه متکلم از «برح» و به معنای «دست برنمی دارم» و تأکید بر پشتکار در انجام دادن کار است.

6- موسی (ع) از امکان دسترسی به خضر، در محل تلاقی دو دریا، مطلع بود.

لأبرح حتی أبلغ مجمع البحرين

11- داستان موسی و خضر (ع)، نمونه ای از مثال های متنوع قرآنی، در جهت هدایت مردم است.

و لقد صرفنا فی هذا القرءان للناس من کلّ مثل . . . و إذ قال موسی لفتیه لأبرح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 62 - 4

4- موسی (ع) بسیار مشتاق دیدار با خضر (ع) و ملاقات با او بود.

ص: 283

لأبرح حتى . . . آتانا غداءنا لقد لقينا من سفرنا هذا نصبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 63 - 7

7- شیطان، برای عدم ملاقات موسی و خضر (ع) تلاش می کرد.

فأتی نسیت . . . و ما أنسنیه إلا الشیطن أن أذکره

همسفر موسی با ادات حصر، فراموشی خود را، تنها، به شیطان منتسب کرد؛ یعنی، هیچ عامل دیگری در کار نبوده است. لذا این نتیجه به دست می آید که شیطان، به هر طریق، می خواسته که مانع ملاقات موسی و خضر (ع) شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 64 - 1,2

1- مسأله ماهی و حرکت غیرعادی آن در آب، نشانه ای برای جایگاه ملاقات موسی و خضر (ع) بود.

قال ذلک ما کتّا نبغ

«بغی» به معنای «طلب» است و «ذلک ما کتّا نبغ» یعنی: «آنچه پیوسته در طلب او بودیم، همان علامت و نشانه است.» یاء «نبغی» - در پایان سخن موسی (ع) - به منظور تخفیف کلام، حذف شده است.

2- حضرت موسی (ع)، از رخداد علانمی برای یافتن جایگاه حضرت خضر (ع) قبلاً مطلع بود.

قال ذلک ما کتّا نبغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 65 - 1

1- موسی (ع) و همسفرش، پس از بازگشت به مجمع البحرین، با خضر (ع) ملاقات کردند.

فارتدا علی ءاثارهما قصصًا . فوجدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 66 - 1,2,3,4,11

1- موسی (ع) از خضر (ع) برای همراه شدن با او، اجازه خواست .

قال له موسی هل أتبعك

2- هدف موسی از همراه شدن با خضر، بهره‌وری از علم رشدآفرین وی بود .

هل أتبعك علی أن تعلمن ممّا علّمت رشدًا

«رشدًا» اگر مفعولٌ له باشد، مفاد آیه این است که: «پیروی من، به منظور رشد یافتن است» که اگر مفعولٌ به باشد، مراد این است که: «تورا پیروی می‌کنم بر این اساس که آنچه را رشد است، به من بیاموزی.»

3- موسی (ع) به «علم لدنی» حضرت خضر احساس نیاز می‌کرد .

هل أتبعك علی أن تعلمن ممّا علّمت رشدًا

4- موسی (ع)، به محرومیت خود از علومی که نزد خضر بود، اعتراف داشت و در برابر مقام علمی و عملی او، متواضع و فروتن بود .

ص: 284

هل أتبعك على أن تعلمن مما علمت

اظهار آمادگی برای تبعیت، نشانِ خضوعِ موسی (ع) در برابر کردارِ خضر (ع)، و اظهار اشتیاق به آموختن، حاکی از تواضع موسی در برابر علم او است.

11- موسی (ع) همسفر خود را به همراهی با خضر (ع) و دریافت علوم او، وادار نکرد. *

هل أتبعك على أن تعلمن

در سفر با خضر، سخنی از همسفر موسی به میان نیامده است؛ ممکن است او در این سفر، از موسی جدا شده و یا به دلیل شخصیت برجسته موسی و خضر (ع) تنها، از آن دو، در آیات بعد یاد شده باشد. جمله «ذلک ما کتبا نبغ» در آیات قبل، احتمال دوم را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 67 - 1,2,3,4

1- خضر، موسی (ع) را از تحمّل همراهی با وی، برای فراگیری علوم ویژه، ناتوان دید.

هل أتبعك .. قال إنك لن تستطيع معي صبراً

2- خضر (ع) به موسی (ع) توصیه کرد به دلیل نداشتن قدرت تحمّل، از همراه شدن با او صرف نظر کند.

إنك لن تستطيع معي صبراً

3- کارهای خضر، برای دیگران، حتی فردی چون موسی (ع) غیر قابل تحمّل و درک بود.

قال إنك لن تستطيع معي صبراً

تأکید بر «معی» نشان می دهد که صرف تعلیم علوم مشکل آفرین نبوده است، بلکه همراه شدن با خضر - که مستلزم مشاهده رفتاری است که از علوم وی نشئت گرفته - غیر قابل تحمّل بوده است.

4- حضرت خضر (ع)، نسبت به خصوصیات روحی موسی (ع) از پیش، مطلع بود. *

قال إنك لن تستطيع معي صبراً

پیش بینی قطعی عدم تحمّل موسی از جانب خضر (ع) می تواند مستند به یکی از دو امر باشد: 1- اطلاع خضر از خصوصیات روحی و فکری موسی (ع) 2- این که اصولاً، تحمّل چنین علومی، برای غیر خضر ممکن نبوده است. برداشت فوق مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- خضر (ع) بی اطلاعی موسی از زوایای کردار وی را، دلیل ناتوانی موسی از تحمّل عملکرد وی دانست .

إتک لن تستطیع . . . و کیف تصبر علی ما لم تحط به خیرًا

3- أعمال خضر (ع)، دارای ظاهری غیرمتعارف و زوایایی ناشناخته، حتی برای فردی مانند موسی (ع) بود .

و کیف تصبر علی ما لم تحط به خیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 69 - 1,2,4,5

1- موسی (ع) به شکّیا بودن در برابر کارهای خضر و چیزهایی که از او فرا می گیرد، متعهد گردید .

ص: 285

قال ستجدنی إن شاء الله صابراً و لا أعصى لك أمراً

جمله «ستجدنی...» (تو مرا صابر خواهی یافت) حاکی از این است که موسی (ع) صبری را نوید می داد که آثارش مشهود باشد. این تعبیر، در مقایسه با «سأصبر» و نظایر آن، تأکید بیشتری دارد.

2- موسی (ع) بر اطاعت کامل خود از خضر (ع) و سرپیچی نکردن از فرمان های او تأکید کرد.

ستجدنی إن شاء الله صابراً و لا أعصى لك أمراً

4- موسی (ع) کمال ادب و متانت را در برابر معلم خویش (خضر) اظهار کرد.

هل أتبعك... ستجدنی... و لا أعصى

موارد فراوانی از ادب و متانت در کلام موسی (ع) دیده می شود: الف) درخواست خود را با استنهام آغاز کرد (هل أتبعك؛ ب) مبدأ علم خضر را به جهت تکریم، با صیغه مجهول آورد (عُلِّمت؛ ج) علم او را رشد آفرین دانست (رشداً؛ د) تنها، بخشی از علم او را طلب کرد (مِمَّا عُلِّمت؛ هـ) وعده صریح به صبر نداد، بلکه به صورت «ستجدنی إن شاء الله...» ذکر کرد؛ و) توصیه های او را به عنوان امر تلقی کرد و متعهد شد که با او در هیچ فرمانی مخالفت نکند. (المیزان، ج 13).

5- موسی (ع) دارای اشتیاق فراوان به فراگیری علوم خضر بود.

قال ستجدنی إن شاء الله صابراً و لا أعصى لك أمراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 70 - 3, 5, 2

1- خضر، با درخواست موسی (ع) در مورد همراهی با او، به صورت مشروط، موافقت کرد.

قال فإن اتبعتنی فلا تسألننی عن شیء

2- شرط خضر برای همراهی موسی (ع) با او، سؤال نکردن از چیزی قبل از توضیح خود او بود.

فلا تسألننی عن شیء حتی أحدث لك منه ذكراً

3- خضر، خواهان تعجیل نکردن موسی در فهم اسرار بود و او را بر متابعت بی چون و چرا از خود، الزام نکرد.

حتى أحدث لك منه ذكراً

5- خضر (ع) به موسی (ع) وعده داد که در نهایت، بخشی از اسرار کار خود را برای او تبیین خواهد کرد.

«من» در «منه» برای تبعیض است و گویای این که خضر، تنها، به بیان گوشه ای از ویژگی های کردار خویش وعده داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 71 - 1,2,3,4,5,6,7,8,10,11

1- موسی (ع) با پذیرش شروط خضر، همراه او حرکت کرد.

فانطلقا حتّی إذا ركبا فی السفینه

«انطلاق» به معنای «روانه شدن و حرکت کردن» است. «فاء» در «فانطلقا» دلالت دارد که موسی (ع) شرایط خضر را پذیرفت و خضر (ع) به همراهی وی رخصت داد.

2- موسی و خضر (ع) در نخستین مراحل همراهی، سوار کشتی شدند.

فانطلقا حتّی إذا ركبا فی السفینه

3- همسفر موسی (ع) (یوشع) با آغاز سفر موسی و خضر (ع)، از آنان جدا شد. *

فانطلقا حتّى إذا ركبا فى السفينه

در این آیه، نامی از همسفر قبلی موسی (یوشع) مطرح نیست. ممکن است گفته شود، او در ادامه سفر، حضور نداشته و رخصتی برای او صادر نگردیده بود. توجه به ضمائر تثنیه («فانطلقا»، «رکبا») گواهی روشن بر این نکته است.

4- خضر (ع) پس از سوار شدن بر کشتی، در بدنه آن شکافی ایجاد کرد که سرنشینان آن در خطر غرق شدن قرار گرفتند.

حتّى إذا ركبا فى السفينه خرقها

«خرق» به معنای «شکافتن و دریدن» است.

5- موسی (ع) از عملکرد خضر (ع) در شکافتن بدنه کشتی، شگفت زده شد و به او اعتراض کرد.

قال أخرقتها لتغرق أهلها

6- اقدام خضر به سوراخ کردن کشتی، دور از چشم سرنشینان کشتی بوده است.

خرقتها قال أخرقتها لتغرق أهلها

روشن است که اگر سوراخ کردن کشتی، در دید مردم قرار داشت، خضر(ع)، مورد اعتراض آن‌ها قرار می‌گرفت و مانع او می‌شدند. از این که تنها، موسی(ع) اعتراض کرده، چنین بر می‌آید که این کار، از چشم دیگران به دور بوده است.

7- قرار گرفتن سرنشینان کشتی در معرض غرق، علت اعتراض موسی (ع) به عمل خضر (ع) بود.

قال أخرقتها لتغرق أهلها

8- آسیب رساندن خضر (ع) به کشتی، امری بس ناروا و غیرقابل توجیه در نظر موسی (ع) بود.

لقد جئت شیئاً إمرأ

«إمرأ» به معنای «منگر عظیم» و نیز «منگر عجیب» آمده است. (لسان العرب).

10- کشتی سوراخ شده به دست خضر (ع) حامل مسافر بوده است.

أخرقتها لتغرق أهلها

11- موسی (ع)، لغزش‌هایی نظیر غرق انسان‌ها بی‌گناه را، از جانب خضر (ع) منتفی نمی‌دانست.

أخرقتها لتغرق أهلها لقد جئت شیئاً إمرأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 72 - 1,3

1- خضر (ع) اعتراض موسی را دلیل صحت پیش بینی خویش از ناشکیبایی موسی (ع) دانست و پیش گویی خود را به وی یادآور شد .

قال ألم أقل إنك لن تستطيع معي صبراً

3- خضر (ع) با بیان آگاه نبودن موسی (ع) به راز معیوب ساختن کشتی ، پندار وی را در مورد انگیزه آن کار ، تخطئه کرد .

أخرقتها لتغرق أهلها .. ألم أقل إنك لن تستطيع معي صبراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 73 - 1,2,3,7

1- موسی (ع) با به یاد آوردن گفتار خضر درباره ناشکیبایی وی ، به ناروا بودن اعتراض خود پی برد .

قال لا تؤاخذني بما نسيت

2- موسی (ع) به دلیل تخلف از شرط همراهی با خضر (ع) و اعتراض ناروا به او ، خود را سزاوار مؤاخذه دید و از خضر (ع)

ص: 287

تقاضای چشم پوشی کرد .

قال لاتواخذنی بما نسیت

3- تخلف موسی از عهد خویش با خضر (ع) ، ناشی از فراموشی بود .

قال لاتواخذنی بما نسیت

7- موسی (ع) عفو و عدم سخت گیری خضر بر او را به خاطر نسیان و تخلف از عهد خویش ، تقاضا کرد .

قال لاتواخذنی بما نسیت و لاترهقنی من امری عسراً

«إرهاق» به معنای «تحمیل کاری طاقت سوز بر دیگری» است. (قاموس) و مفاد «لاترهقنی...» این است که کاری دشوار (مانند جدا شدن و لغورخصت همراهی) را بر من تحمیل مکن و مرا به زحمت مینداز. لازم به ذکر است که «عسراً» مفعول دوم برای «لاترهقنی» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 74 - 1,2,4,5,11,12

1- خضر (ع) عذرخواهی موسی (ع) را پذیرفت و اجازه ادامه همراهی را به او داد .

فانطلقا

2- موسی و خضر (ع) پس از ماجرای کشتی ، از آن پیاده شده و در خشکی ، با نوجوانی برخورد کردند .

فانطلقا حتّی إذا لقیّا غلامًا

«غلام» یعنی «کسی که سبیل او تازه روئیده باشد». (معجم مقاییس اللغه).

4- خضر (ع) بی درنگ ، پس از مشاهده نوجوان ، او را به قتل رسانید .

حتّی إذا لقیّا غلامًا فقتله

ظاهر عطف به «فاء» در «فقتله» آن است که خضر(ع) بدون هیچ مقدمه ای، در پی برخورد با نوجوان، به کشتن او اقدام کرده است.

5- موسی (ع) نوجوان مقتول را ، فردی بی گناه دانست و خضر (ع) را به جهت کشتن وی ، به شدت مورد اعتراض قرار داد .

قال أقتلت نفسًا زکیّةً بغير نفس لقد جئت شیئًا نکرًا

«زکاه» به معنای «طهارت» و «صلاح» و «نمو» و «برکت» و «مدح» آمده است. (لسان العرب) در آیه، مراد از «زکیه»، توصیف نوجوان به

11- « عن أبي عبد الله : . . . بينما العالم يمشى مع موسى إذا هم بسلام يلعب قال : « فوكزه العالم ، فقتله . فقال له موسى : « أقتلت نفساً زكية بغير نفس لقد جئت شيئاً نكراً ؟ » . قال : « فأدخل العالم يده فاقتلع كتفه فإذا عليه مكتوب : كافر مطبوع ؛

از امام صادق(ع) روایت شده: . . . آن گاه که عالم (خضر) با موسی(ع) می رفت، ناگاه، به پسری برخوردند که بازی می کرد. امام فرمود: «پس آن عالم، مشتت بر وی زد و او را کشت. موسی(ع) به او گفت: «أقتلت نفساً زكية بغير نفس...؟». امام فرمود: «پس آن عالم، دست برد و کتف پسر را بیرون آورد که بر آن نوشته شده بود «کافر مطبوع». (کافری که مهر کفر بر او زده شده است)».

12- « عن أبي عبد الله (ع) : . . . و خرجا (موسى و خضر (ع)) على ساحل البحر فإذا غلام يلعب مع غلمان . . . فتورّكه العالم فذبحه ؛

از امام صادق(ع) روایت شده: . . . آن دو (موسى و خضر(ع)) در کنار ساحل دریا (از کشتی) بیرون آمدند، ناگهان به پسری برخوردند که با چند پسر دیگر بازی می کرد... پس آن عالم (یعنی خضر) آن پسر را بر زانوی خود گذاشت و ذبح اش کرد».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 75 - 4, 3, 2, 1

1- خضر (ع) برای دومین بار و با صراحتی افزون تر در مورد بی صبری و پرسش های بی جای موسی (ع)، به او تذکر و هشدار داد.

لقد جئت شیئاً نکرّاً . قال ألم أقل لک

در دومین تذکر، خضر(ع) عبارت «لک» آمده است. اضافه شدن این عبارت و تصریح به این که آن سخن در مورد شخص موسی(ع) صادر شده بود، گویای تأکید خضر(ع) بر موجه نبودن اعتراض موسی(ع) است.

2- خضر (ع) بر ناتوانی موسی (ع) از تحمّل کار های خضر برای سومین بار تأکید کرد .

قال ألم أقل لک إنک لن تستطیع معی صبراً

خضر(ع) یک بار، در آغاز برخورد با موسی(ع) و بار دیگر، پس از ماجرای کشتی و مرتبه سوم در پی قتل نوجوان، جمله ای را به موسی(ع) یادآور شد که حاوی چندین تأکید است. (إنک لن تستطیع...).

3- پیش بینی خضر (ع) در مورد ناشکیبایی موسی (ع) در برابر کار های او ، مطابق واقع بود .

لقد جئت شیئاً نکرّاً . قال ألم أقل لک إنک لن تستطیع معی صبراً

4- خضر (ع) با اشاره به ناآگاهی موسی (ع) از انگیزه قتل نوجوان ، اعتراض وی را ناموجه دانست و آن را نشانه درستی شناخت خویش از کم طاقتی و بی صبری موسی (ع) خواند .

لقد جئت شیئاً نکرّاً . قال ألم أقل لک إنک لن تستطیع معی صبراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 76 - 5, 4, 2, 1

1- موسی (ع) ، از خضر (ع) برای تجربه صبر در برابر کار های غیرعادی آن حضرت خواستار آخرین فرصت شد .

قال إن سألتک عن شیء بعدها فلا تصحبنی

2- موسی (ع) خود را در صورت سؤال مجدد (سومین تخلف) سزاوار محروم شدن از مصاحبت با خضر (ع) دانست .

قال إن سألتک من شیء بعدها فلا تصحبنی

4- موسی (ع) به ناتوانی خود از تحمّل کردار خضر (ع) و همراهی با وی پی برد .

قال . . . قد بلغت من لدنّي عذراً

5- موسی (ع) به معذور بودن خضر (ع) در جدا شدن از وی با مشاهده تخلف او از پیمان سکوت در برابر کار های آن حضرت ، اعتراف کرد .

قال إن سألتك . . . قد بلغت من لدنّي عذراً

جمله «قد بلغت من لدنّي عذراً» یعنی: «از دیدگاه من، به عذری قابل قبول جهت ترک مصاحبت دست یافتی.» این جمله، به قرینه «قد»، مربوط به «إن سألتك...» نیست، بلکه اعتراف موسی (ع) به این است ترک مصاحبت تو با من، هم اکنون نیز دلیل موجهی دارد، ولی طالب مهلتی دیگر هستم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 77 -

1,2,3,4,5,8,9,10,11,12,13,18,19,20,21

1- خضر (ع) درخواست مهلت موسی (ع) را پذیرفت و برای بار سوم ، به او فرصت همراهی داد .

ص: 289

إن سألتك عن شيء بعدها فلا تصحبنى . . فانطلقا

2- موسی و خضر (ع) در مسیر حرکت و سفر خویش ، به یک آبادی رسیدند و با اهل آن ملاقات کردند .

فانطلقا حتی إذا أتیا أهل قرية

در این که چه شهری در مسیر موسی و خضر(ع) قرار داشته، احتمالات گوناگونی ارائه شده است. از جمله آن ها شهر «ناصره» است که در ساحل دریا قرار داشته است این وجه را مجمع البیان از امام صادق (ع) روایت کرده است.

3- موسی و خضر (ع) با احساس گرسنگی ، از مردم شهر ، تقاضای طعام و خوراکی کردند .

استطعما أهلها

به قرینه «یضیفوهما» مراد از استطعام، تهیه طعام برای ادامه سفر نبوده است، بلکه موسی و خضر(ع)، در همان هنگام، گرسنه بوده اند.

4- هیچ یک از مردم شهر ، حاضر به میزبانی و اطعام موسی و خضر (ع) نشد .

استطعما أهلها فأبوا أن یضیفوهما

«إباء» به معنای «امتناع و سرباز زدن» است.

5- مردم شهری که موسی و خضر (ع) به آن وارد شدند ، مردمی دور از خوی مهمان دوستی و غریب نوازی ، دور بودند .

فأبوا أن یضیفوهما

8- موسی و خضر (ع) در آبادی ، با دیواری مواجه شدند که در حال سقوط و خرابی بود .

فوجدوا فیها جدارًا یرید أن ینقض

«إنقضاض» از ماده «قضض» به معنای «از هم پاشیدن» است (قاموس). به کار بردن فعل «یرید» که نوعاً در باره موجودات دارای اختیار به کار می رود، نوعی استعاره است؛ یعنی، به قدری دیوار در معرض افتادن بود که گویا خود بر خرابی و از هم پاشیدگی تصمیم گرفته است .

9- خضر (ع) دیوار در حال سقوط را ترمیم و بازسازی کرد .

یرید أن ینقض فأقامه

10- ترمیم دیوار مشرف بر ویرانی ، به دست خضر ، در برابر دیدگان مردم شهر انجام گرفت . *

حتى إذا أتیا أهل قرية . . فأقامه

ورود بر اهل قریه و نیز وجود دیوار در متن شهر که از تعبیر «فوجدا فیها جداراً» استفاده می شود، ممکن است اشاره به این داشته باشد که مردم، ناظر رفتار خضر(ع) بوده اند.

11- خضر (ع) برای تعمیر دیوار و برپا داشتن آن، از موسی (ع) کمک نطلبید.

فأقامه

مفرد آمدن «أقامه» ممکن است از آن جهت باشد که کار بازسازی دیوار، فقط به دست خضر(ع) صورت گرفته باشد؛ چه این که در موارد پیشین، «استطعما» به صورت تشبیه آمده و نقش هر دورا در طلب غذا نمایانده است.

12- خضر (ع) با وجود امکان دریافت اجرت جهت تعمیر دیوار، چیزی دریافت نکرد.

قال لو شئت لتخذت علیه أجرًا

مطرح ساختن گرفتن مزد از جانب موسی(ع) در شرایطی موجه است که امکان دریافت آن موجود باشد.

13- موسی (ع) از دست مزد نخواستن خضر (ع) در برابر کار خویش، با وجود نیاز آنان به اجرتی برای تهیه غذا ناخرسند و گلایه مند بود.

استطعما أهلها .. قال لو شئت لتخذت علیه أجرًا

ص: 290

آنچه خضر و موسی (ع) از مردم طلب کردند، غذا بود، آن هم به صورت مجانی، نه خرید - چون پولی برای خرید در اختیارشان نبود - لذا موسی (ع)، پایان گرفتن کار دیوار، موضوع گرفتن مزد را مطرح ساخت، تا به وسیله آن طعامی را خریداری کنند.

18- سخنِ شکوه آمیز موسی (ع) به خضر (ع) در مورد نگرفتن مزد، سومین تخلف وی از پیمان خویش بود.

قال لو شئت لتخذت عليه أجراً

19- « عن جعفر بن محمد (ع) : . . . « فانطلقا حتى إذا أتيا أهل قرية » و هي الناصره ;

از امام صادق (ع) روایت شده: .. مقصود از قریه، در آیه شریف قریه ناصره است.»

20- « عن جعفر بن محمد (ع) : . . . فوجدا فيها جداراً يريد أن ينقضّ ، فوضع الخضر يده عليه فأقامه ;

از امام صادق (ع) روایت شده: (خضر و موسی (ع)) دیواری را یافتند که می خواست بیفتد. خضر، دست خود را بر آن نهاد و آن را راست کرد.»

21- « عن أبي عبد الله (ع) : . . . فوجدا فيها جداراً يريد أن ينقضّ فأقامه قال : « لو شئت لتخذت عليه أجراً خبزاً نأكله فقد جُعنا » ;

از امام صادق (ع) روایت شده: .. خضر و موسی (ع) در آن آبادی دیواری را یافتند که می خواست بیفتد. خضر، آن را راست کرد. موسی (ع) گفت: « می خواستی برای این کار، مزدی بگیری (یعنی) نانی بگیری تا بخوریم زیرا گرسنه ایم.»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 78 - 4, 3, 2, 1

1- سومین تخلف موسی (ع) از عهد خویش با خضر (ع) (مطرح ساختن گرفتن مزد)، آغاز جدایی آن دو از هم بود.

قال لو شئت لتخذت . . . قال هذا فراق بيني و بينك

در باره این که «هذا» اشاره به چیست، احتمالاتی وجود دارد، از جمله این که اشاره به قول موسی (ع) باشد؛ یعنی، هذا القول سبب فراق بیننا

2- ناتوانی موسی (ع) از تحمل کار های خضر (ع) ، در پی سومین سؤال و اعتراض او ، به اثبات رسید .

قال هذا فراق بيني و بينك سأبتئك بتأويل ما لم تستطع عليه صبراً

3- خضر (ع) ، پس از آخرین تخلف موسی ، برای جدا شدن از او ، دلیل موجه و عذر پذیرفته شده داشت .

بلغت من لدني عذراً . . . قال لو شئت لتخذت عليه أجراً . قال هذا فراق بيني و بين

4- خضر ، موسی (ع) را مطمئن ساخت که اسرار کار های شگفت خویش را پیش از جدایی ، برای او بازگو خواهد کرد .

سَأْتِيكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 79 - 1،8،13

1- هدف خضر (ع) از اقدام به معیوب ساختن کشتی ، نجات دادن آن از غارت و مصادره سلطان غاصب بود .

أَمَّا السَّفِينَةُ .. فَأُردت أن أعيبها ... يأخذ كلّ سفينة غصبًا

8- مقارن با وقوع داستان موسی و خضر (ع) ، پادشاهی ، کلّیه کشتی های سالم را در آن منطقه ، مصادره می کرد .

و كان وراءهم ملك يأخذ كلّ سفينة غصبًا

مراد از «كلّ سفینه» - به قرینه «أن أعيبها» «كلّ سفینه صالحه» بوده است.

13- عملکرد خضر (ع) در مورد کشتی ، مصداقی از تقدیم اهم ، به هنگام مزاحمت آن با امری مهم است .

ص: 291

و أمّا السفینه فکانت لمسکین . . . يأخذ کلّ سفینه غصباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کھف - 18 - 80 - 1,4

1- هدف خضر (ع) از قتل نوجوان، مصون داشتن پدر و مادر وی از کفر و طغیان بود.

و أمّا الغلم . . . فخشینا أن یرهقهما طغیناً و کفرًا

«إرهاق» یعنی: «وادر ساختن کسی بر کاری که انجام آن برای او دشوار و طاقت فرسا است». (قاموس).

4- پدر و مادر نوجوان مقتول، در صورت زنده ماندن فرزندشان، ناخواسته و تحت تأثیر فرزند خویش قرار گرفته و ناخواسته به طغیان و کفر کشانده می شدند.

فکان أبواه مؤمنین فخشینا أن یرهقهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کھف - 18 - 81 - 1,8,9

1- هدف خضر (ع) از قتل نوجوان، فراهم ساختن زمینه ای مناسب برای دستیابی پدر و مادر وی به فرزندی پاک تر و مهربان تر بود.

فأردنا أن یدلھما ربّھما خیراً منہ زکوه و أقرب رحمًا

مراد از «زکاه» در آیه، طهارت و پاکی از گناه است و «رُحْم» و «رحمت» به یک معنا است. گرچه خضر(ع) در این سخن، پاکی و مهربانی را برای نوجوان مقتول انکار نکرده است، ولی ممکن است به تناسب گفته موسی(ع) که نوجوان مقتول را «نفس زکیه» خواند، سخن خود را در قالب اسم تفضیل آورده است، لکن در حقیقت، نوجوان مقتول، یا فاقد رحمت و پاکی بوده و یا آینده او به گناه و بی رحمی می انجامید.

8- «عن أبی عبداللّٰه (ع) فی قول اللّٰه: «فأردنا أن یدلھما ربّھما خیراً منہ . . .» قال: «إنّہ ولدت لھما جاریہ فولدت غلاماً فکان نبیاً.» ;

از امام صادق(ع) درباره این سخن خدا «فأردنا أن یدلھما ربّھما خیراً منہ. . .» روایت شده که فرمود: «همانا، برای آن دو (پدر و مادر مقتول) دختری متولد شد و آن دختر، پسری به دنیا آورد که پیامبر شد».

9- «عن أبی عبداللّٰه (ع): . . . [فی قول اللّٰه عزّوجلّ] «فأردنا أن یدلھما ربّھما خیراً منہ زکاه و أقرب رحمًا»: «أبدلھما اللّٰه به جاریہ ولدت سبعین نبیاً.» ;

از امام صادق(ع) [درباره این سخن خدای عزّوجلّ] «فأردنا أن یدلھما ربّھما خیراً منہ زکاه. . .» روایت شده: خداوند، به آن دو (پدر و

مادر مقتول) به جای او (مقتول) دختری داد که هفتاد پیغمبر از نسل او متولد شدند.».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 82 - 23، 21، 16، 5، 4، 3، 2، 1

1- خضر (ع) علّت اقدام به بازسازی دیوار فرسوده را برای موسی (ع) تشریح کرد .

و أمّا الجدار .. ما فعلته عن أمری

2- دیوار ترمیم شده به دست خضر (ع) در مالکیت دو پسر بچه یتیم بود .

و أمّا الجدار فكان لغلّمين یتیمین

ص: 292

3- خضر (ع) با وجود حضور نداشتن مالکان دیوار در آبادی، به ترمیم آن پرداخته بود. *

فكان لغلمین یتیمین فی المدینه

احتمال می رود که به کار رفتن واژه «المدینه» در این آیه، به جای واژه «القریه» که در آیات قبل آمده بود، اشاره به این جهت باشد که آن دو یتیم در آن آبادی حضور نداشته، بلکه در شهری دیگر اقامت داشته اند و آن شهر - چنان چه از حرف «ال» در «المدینه» استفاده می شود - برای خضر و موسی (ع) شناخته شده بود.

4- هدف خضر (ع) از ترمیم دیوار فرسوده، محفوظ داشتن گنج نهاده شده در زیر آن برای دو یتیم ساکن در شهر بود.

و أمّا الجدار فكان لغلمین یتیمین فی المدینه و كان تحته كنز لهما

5- خضر (ع) پدر مالکان دیوار را می شناخت و از نیکی و صلاح او در دوران زندگی اش با خبر بود.

و كان أبوهما صلحاً

16- خضر (ع) با توجه دادن موسی (ع) به تدبیر فراگیر الهی، حفاظت اموال یتیمان را، برخاسته از گستردگی ربوبیت خداوند دانست.

فأراد ربّك

خضر (ع) با اضافه «ربّ» به ضمیر خطاب (ربّك) به موسی (ع) این نکته را بیان داشته است که گرچه ترمیم دیوار، به تغذیه و تربیت جسم تو کمکی نکرد، ولی مالک و مدبر تو، مالک و مدبر یتیمان نیز هست.

21- موسی (ع)، سرانجام، به اسرار کارهای شگفت خضر آگاه شد و توجیه و تأویل برخی حوادث را از او آموخت.

ذلک تأویل ما لم تسطع علیه صبراً

«لم تسطع» در اصل «لم تستطع» بوده و حرف «تاء» برای تخفیف حذف شده است.

23- خضر (ع) پس از آموختن اسرار کارهای خود به موسی (ع)، وی را بر بی صبری در برابر آن، نکوهش کرد.

ذلک تأویل ما لم تسطع علیه صبراً

68- کفر نوجوان قصه خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 80 - 3

3- نوجوانی که خضر (ع) او را گشت، کافر بود.

وَأَمَّا الْغُلَمَ فَكَانَ أَبَواهُ مُؤْمِنِينَ

اختصاص وصف «مؤمن» به پدر و مادر نوجوان، گویای کافر بودن وی است و مؤثر بودن او در گرایش والدین خویش به کفر نیز، کافر بودن او را تأیید می کند.

69- کفرستیزی خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 80 - 1

ص: 293

1- هدف خضر (ع) از قتل نوجوان، مصون داشتن پدر و مادر وی از کفر و طغیان بود.

وَأَمَّا الْغُلَمَ . . . فَخَشِينَا أَن يَرِهَقَهُمَا طَغِينًا وَكُفْرًا

«إرهاق» یعنی: «وادار ساختن کسی بر کاری که انجام آن برای او دشوار و طاقت فرسا است». (قاموس).

70- گرسنگی خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 77 - 3

3- موسی و خضر (ع) با احساس گرسنگی، از مردم شهر، تقاضای طعام و خوراکی کردند.

استطعما أهلها

به قرینه «یصنّفوهما» مراد از استطعام، تهیه طعام برای ادامه سفر نبوده است، بلکه موسی و خضر(ع)، در همان هنگام، گرسنه بوده اند.

71- گلایه از خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 77 - 13

13- موسی (ع) از دست مزد نخواستن خضر (ع) در برابر کار خویش، با وجود نیاز آنان به اجرتی برای تهیه غذا ناخرسند و گلایه مند بود.

استطعما أهلها . . . قال لو شئت لَتَّخَذْتُ عَلَيْهِ أُجْرًا

آنچه خضر و موسی(ع) از مردم طلب کردند، غذا بود، آن هم به صورت مجانی، نه خرید - چون پولی برای خرید در اختیارشان نبود - لذا موسی(ع)، پایان گرفتن کار دیوار، موضوع گرفتن مزد را مطرح ساخت، تا به وسیله آن طعامی را خریداری کنند.

72- گنج قصه خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 82 - 26,27

26- «فی المجمع فی قوله: «وكان تحته كنز لهما» . . . وقيل: كان كنزاً من الذهب والفضة . . . رواه أبوالدرداء عن النبي (صلى الله عليه وآله) ;

در مجمع البیان درباره این سخن خدا: «وكان تحته كنز لهما» آمده است: كه آن گنج، از طلا و نقره بوده است. این قول را، ابوالدرداء، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) روایت کرده است.

27- «عن الرضا (ع) قال: كان في الكنز الذي قال الله «وكان تحته كنز لهما» لوح من ذهب فيه: بسم الله الرحمن الرحيم.

ص: 294

محمد رسول الله (صلى الله عليه و آله) . عجب لمن أيقن بالموت كيف يفرح و عجب لمن أيقن بالقدر ، كيف يحزن و عجب لمن رأى الدنيا و تقلبها بأهلها كيف يركن إليها و ينبغى لمن عقل عن الله أن لا يتهم الله ، تبارك و تعالى ، فى قضائه و لا يستبطنه فى رزقه ؛

از امام رضا(ع) روایت شده که فرمود: در میان آن گنجی که خداوند فرموده («و كان تحته كنز لهما») لوحی از طلا بود که بر آن نوشته شده بود: بسم الله الرحمن الرحيم. محمد(صلى الله عليه و آله)، رسول الله است. عجب دارم از کسی که یقین به مرگ دارد، چگونه شادی می کند و عجب دارم از کسی که به تقدیر الهی یقین دارد، چه گونه اندوهگین می شود. و عجب دارم از کسی که دنیا و دگرگونی های آن در مورد اهل اش را می بیند، چگونه به دنیا اعتماد می کند. سزاوار است برای کسی که از خدا، دانش و آگاهی گرفته، به او سوء ظن نداشته باشد و خداوند تبارک و تعالى، را در روزی رساندن اش، به کندی نسبت ندهد.».

73- مالک دیوار قصه خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 82 - 3

3- خضر (ع) با وجود حضور نداشتن مالکان دیوار در آبادی ، به ترمیم آن پرداخته بود . *

فكان لغلمين يتيمين فى المدينة

احتمال می رود که به کار رفتن واژه «المدينة» در این آیه، به جای واژه «القريه» که در آیات قبل آمده بود، اشاره به این جهت باشد که آن دو یتیم در آن آبادی حضور نداشته، بلکه در شهری دیگر اقامت داشته اند و آن شهر - چنان چه از حرف «ال» در «المدينة» استفاده می شود - برای خضر و موسی(ع) شناخته شده بود.

74- محافظت از گنج قصه خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 82 - 4،7

4- هدف خضر (ع) از ترمیم دیوار فرسوده ، محفوظ داشتن گنج نهاده شده در زیر آن برای دو یتیم ساکن در شهر بود .

و أما الجدار فكان لغلمين يتيمين فى المدينة و كان تحته كنز لهما

7- صلاح و نیکی پدر یتیمان ، مایه اراده خداوند بر دستیابی آنان به گنج نهفته خویش ، هنگام توان مندی بر بهره گیری از آن شد .

و كان أبوهما صلحاً فأراد ربك أن يبلغا أشدهما و يستخرجا كنزهما

اهل لغت، در این که کلمه «أشد» مفردی است که وزنی مانند وزن جمع دارد، یا جمعی است که از لفظ خود مفردی ندارد، اختلاف نظر دارند. برخی، آن را جمع («شده») دانسته اند (لسان العرب). در هر صورت، مراد، حدّ توان مندی جسمی و عقلی است.

75- محرومیت مالکان کشتی قصه خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 79 - 2

2- کشتی سوراخ شده به دست خضر (ع)، در مالکیت گروهی از محرومان بود و تنها وسیله ارتزاق آنان به شمار می آمد.

فكانت لمسكين يعملون في البحر

76- مزد بازسازی دیوار قصه خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 77 - 12,13,21

12- خضر (ع) با وجود امکان دریافت اجرت جهت تعمیر دیوار، چیزی دریافت نکرد.

قال لو شئت لَتَّخَذْتُ عَلَيْهِ أَجْرًا

مطرح ساختن گرفتن مزد از جانب موسی(ع) در شرایطی موجه است که امکان دریافت آن موجود باشد.

13- موسی (ع) از دست مزد نخواستن خضر (ع) در برابر کار خویش، با وجود نیاز آنان به اجرتی برای تهیه غذا ناخرسند و گلایه مند بود.

استطعما أهلها .. قال لو شئت لَتَّخَذْتُ عَلَيْهِ أَجْرًا

آنچه خضر و موسی(ع) از مردم طلب کردند، غذا بود، آن هم به صورت مجانی، نه خرید - چون پولی برای خرید در اختیارشان نبود - لذا موسی(ع)، پایان گرفتن کار دیوار، موضوع گرفتن مزد را مطرح ساخت، تا به وسیله آن طعامی را خریداری کنند.

21- «عن أبي عبد الله (ع) : . . . فوجدنا فيها جداراً يريد أن ينقض فأقامه قال : « لو شئت لَتَّخَذْتُ عَلَيْهِ أَجْرًا خَبْرًا نَأْكُلُهُ فَقَدْ جُعْنَا » ;

از امام صادق(ع) روایت شده: .. خضر و موسی(ع) در آن آبادی دیواری را یافتند که می خواست بیفتد. خضر، آن را راست کرد. موسی(ع) گفت: «می خواستی برای این کار، مزدی بگیری (یعنی) نانی بگیری تا بخوریم زیرا گرسنه ایم».

77- مسافران کشتی قصه خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 71 - 7,10

7- قرار گرفتن سرنشینان کشتی در معرض غرق ، علّت اعتراض موسی (ع) به عمل خضر (ع) بود .

قال أخرجتها لتغرق أهلها

10- کشتی سوراخ شده به دست خضر (ع) حامل مسافر بوده است .

أخرجتها لتغرق أهلها

ص: 296

78- مسافرت خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 71 - 3, 2, 1

1- موسی (ع) با پذیرش شروط خضر، همراه او حرکت کرد.

فانطلقا حتّی إذا ركبا فی السفینه

«انطلاق» به معنای «روانه شدن و حرکت کردن» است. «فاء» در «فانطلقا» دلالت دارد که موسی (ع) شرایط خضر را پذیرفت و خضر (ع) به همراهی وی رخصت داد.

2- موسی و خضر (ع) در نخستین مراحل همراهی، سوار کشتی شدند.

فانطلقا حتّی إذا ركبا فی السفینه

3- همسفر موسی (ع) (یوشع) با آغاز سفر موسی و خضر (ع)، از آنان جدا شد. *

فانطلقا حتّی إذا ركبا فی السفینه

در این آیه، نامی از همسفر قبلی موسی (یوشع) مطرح نیست. ممکن است گفته شود، او در ادامه سفر، حضور نداشته و رخصتی برای او صادر نگردیده بود. توجه به ضمائر تنبیه («فانطلقا»، «ركبا») گواهی روشن بر این نکته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 74 - 1

1- خضر (ع) عذرخواهی موسی (ع) را پذیرفت و اجازه ادامه همراهی را به او داد.

فانطلقا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 77 - 2

2- موسی و خضر (ع) در مسیر حرکت و سفر خویش، به یک آبادی رسیدند و با اهل آن ملاقات کردند.

فانطلقا حتّی إذا أتیا أهل قریه

در این که چه شهری در مسیر موسی و خضر(ع) قرار داشته، احتمالات گوناگونی ارائه شده است. از جمله آن ها شهر «ناصره» است که در ساحل دریا قرار داشته است این وجه را مجمع البیان از امام صادق(ع) روایت کرده است.

79- مسافرت موسی(ع) با خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 77 - 2

2- موسی و خضر (ع) در مسیر حرکت و سفر خویش ، به یک آبادی رسیدند و با اهل آن ملاقات کردند .

فانطلقا حتّی إذا أتیا أهل قریه

در این که چه شهری در مسیر موسی و خضر(ع) قرار داشته، احتمالات گوناگونی ارائه شده است. از جمله آن ها شهر «ناصره» است که در ساحل دریا قرار داشته است این وجه را مجمع البیان از امام صادق(ع) روایت کرده است.

ص: 297

80- مسؤولیت پذیری خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 79 - 14

14- خضر (ع) از برخی حوادث آینده، آگاه بود و در برابر آن احساس مسؤولیت می کرد.

و كان وراءهم ملك يأخذ كل سفينة غصبا

81- مسؤولیت خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 79 - 5

5- حمایت نهایی از محرومان و تلاش سرّی در جهت منافع آنان، از جمله وظایف خضر (ع) بود.

فأردت أن أعيبها و كان وراءهم ملك يأخذ كل سفينة غصبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 80 - 5

5- حمایت از ایمان مؤمنان و تلاش برای مصون داشتن آن از ضعف و زوال، از جمله مسؤولیت های خضر (ع) بود.

فخشينا أن يرهقهما طغيئا و كفرًا

82- معذوریت خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 76 - 5

5- موسی (ع) به معذور بودن خضر (ع) در جدا شدن از وی با مشاهده تخلف او از پیمان سکوت در برابر کار های آن حضرت، اعتراف کرد.

قال إن سألتك... قد بلغت من لدنّي عذراً

جمله «قد بلغت من لدنّي عذراً» یعنی: «از دیدگاه من، به عذری قابل قبول جهت ترک مصاحبت دست یافتی.» این جمله، به قرینه «قد»، مربوط به «إن سألتك...» نیست، بلکه اعتراف موسی (ع) به این است ترک مصاحبت تو با من، هم اکنون نیز دلیل موجهی دارد، ولی طالب

مهلتی دیگر هستم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 298

3- خضر (ع)، پس از آخرین تخلف موسی، برای جدا شدن از او، دلیل موجه و عذر پذیرفته شده داشت.

بلغت من لدنی عذراً... قال لو شئت لآخذت علیه أجراً. قال هذا فراق بینی و بین

83- معلم خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- دانش ویژه خضر (ع)، برگرفته از تعلیم خداوندی بود.

علمنه من لدنا علماً... مما علمت رشداً

84- مقامات خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- حصرت خضر، دارای مقام نبوت بود.*

ءاتینه رحمه من عندنا

بدان احتمال که مراد از «رحمه من عندنا» نبوت باشد. آوردن ضمیر جمع در «عندنا» که حاکی از نقش وسایط در رحمت مورد نظر است و نیز اطلاق «رحمت» بر «نبوت» در برخی آیات دیگر، این احتمال را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- خضر، دارای مرتبه ای برتر از موسی (ع) بود.*

إتک لن تستطیع معی صبراً

85- مکان ملاقات موسی (ع) با خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- مسأله ماهی و حرکت غیرعادی آن در آب ، نشانه ای برای جایگاه ملاقات موسی و خضر (ع) بود .

قال ذلک ما کتّٰ نبغ

«بغی» به معنای «طلب» است و «ذلک ما کتّٰ نبغ» یعنی: «آنچه پیوسته در طلب او بودیم، همان علامت و نشانه است.» . یاء

ص: 299

«نبغی» - در پایان سخن موسی (ع) - به منظور تخفیف کلام، حذف شده است.

2- حضرت موسی (ع)، از رخداد علانمی برای یافتن جایگاه حضرت خضر (ع) قبلاً مطلع بود.

قال ذلک ما کتا نبغ

86- مکان ملاقات موسی (ع) و خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 60 - 6

6- موسی (ع) از امکان دسترسی به خضر، در محل تلاقی دو دریا، مطلع بود.

لأبرح حتی أبلغ مجمع البحرين

87- ملاقات با خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 60 - 3

3- حقایقی آموزنده، در سرگذشت ملاقات موسی (ع) و خضر (ع) وجود دارد.

و إذ قال موسی لفتیه لأبرح

عالمی که موسی (ع) با او ملاقات کرده، بنابر آنچه که در روایات آمده است، حضرت خضر (ع) است و موسی (ع) نیز همان پیامبر معروف. گرچه در این موضوع آرای دیگری نیز ابراز شده، ولی به گفته علامه طباطبایی (ره) به دلیل یاد فراوان از موسی (ع) در قرآن، اگر غیر او مراد بود، قرینه ای در قرآن ذکر می گردید تا رفع التباس شود.

88- ملاقات خضر (ع) با اهل ناصره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 77 - 2

2- موسی و خضر (ع) در مسیر حرکت و سفر خویش، به یک آبادی رسیدند و با اهل آن ملاقات کردند.

فانطلقا حتی إذا أتیا أهل قریه

در این که چه شهری در مسیر موسی و خضر (ع) قرار داشته، احتمالات گوناگونی ارائه شده است. از جمله آن ها شهر «ناصره» است که

در ساحل دریا قرار داشته است این وجه را مجمع البیان از امام صادق (ع) روایت کرده است.

ص: 300

89- ملاقات خضر (ع) با نوجوان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 74 - 2

2- موسی و خضر (ع) پس از ماجرای کشتی، از آن پیاده شده و در خشکی، با نوجوانی برخورد کردند.

فانطلقا حتّی إذا لقیا غلامًا

«غلام» یعنی «کسی که سبیل او تازه روئیده باشد». (معجم مقاییس اللغه).

90- ملاقات موسی (ع) با خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 60 - 3

3- حقایقی آموزنده، در سرگذشت ملاقات موسی (ع) و خضر (ع) وجود دارد.

و إذ قال موسی لفتیه لأبرح

عالمی که موسی (ع) با او ملاقات کرده، بنابر آنچه که در روایات آمده است، حضرت خضر (ع) است و موسی (ع) نیز همان پیامبر معروف، گرچه در این موضوع آرای دیگری نیز ایراز شده، ولی به گفته علامه طباطبایی (ره) به دلیل یاد فراوان از موسی (ع) در قرآن، اگر غیر او مراد بود، قرینه ای در قرآن ذکر می گردید تا رفع التباس شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 62 - 4

4- موسی (ع) بسیار مشتاق دیدار با خضر (ع) و ملاقات با او بود.

لأبرح حتّی . . . اءاتنا غداءنا لقد لقینا من سفرنا هذا نصبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 63 - 7

7- شیطان، برای عدم ملاقات موسی و خضر (ع) تلاش می کرد.

فإتی نسیت . . . و ما أنسنیه إلاّ الشیطن أن أذکره

همسفر موسی با اادات حصر، فراموشی خود را، تنها، به شیطان منتسب کرد؛ یعنی، هیچ عامل دیگری در کار نبوده است. لذا این نتیجه به دست می آید که شیطان، به هر طریق، می خواسته که مانع ملاقات موسی و خضر(ع) شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 65 - 1

1- موسی (ع) و همسفرش، پس از بازگشت به مجمع البحرین، با خضر (ع) ملاقات کردند.

فارتدا علیء اثارهما قصصاً . فوجدا

ص: 301

91- ملاقات یوشع (ع) با خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 65 - 1

1- موسی (ع) و همسفرش، پس از بازگشت به مجمع البحرین، با خضر (ع) ملاقات کردند.

فارتدا علی ءاثارهما قصصاً . فوجدا

92- منشأ عمل خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 82 - 17

17- همه کار های شگفت خضر (ع)، به فرمان خداوند صورت گرفت و دیدگاه شخصی او در آن دخالتی نداشت.

رحمه من ربك و ما فعلته عن امری

ضمیر مفعولی در «ما فعلته» به قرینه ذیل آیه، به جامع تمام ماجراها بر می گردد، نظیر «آنچه دیدی» یا «آنچه انجام دادم».

93- منشأ قصه خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 82 - 22

22- رخداد های داستان خضر و موسی (ع)، برخاسته از اراده خداوند و دارای تفسیری پیچیده و نیازمند آگاهی هایی ویژه است که از جانب او افزوده شود.

و ما فعلته عن امری ذلک تأویل ما لم تسطع علیه صبراً

94- موانع غصب کشتی قصه خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 79 - 10

10- معیوب بودن کشتی حامل خضر و موسی (ع)، عامل صرف نظر پادشاه غاصب از تصرف و مصادره آن شد.

فأردت أن أعيبها و كان وراءهم ملك يأخذ كل سفينة غصبا

ص: 302

95- ناپسندی عمل خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 71 - 8

8- آسیب رساندن خضر (ع) به کشتی ، امری بس ناروا و غیر قابل توجیه در نظر موسی (ع) بود .

لقد جئت شیئاً إمرأ

«إمر» به معنای «منگر عظیم» و نیز «منگر عجیب» آمده است. (لسان العرب).

96- نبوت خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 65 - 6

6- حصرت خضر ، دارای مقام نبوت بود . *

ءاتینه رحمه من عندنا

بدان احتمال که مراد از «رحمه من عندنا» نبوت باشد. آوردن ضمیر جمع در «عندنا» که حاکی از نقش وسایط در رحمت مورد نظر است و نیز اطلاق «رحمت» بر «نبوت» در برخی آیات دیگر، این احتمال را تأیید می کند.

97- نسل والدین نوجوان قصه خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 81 - 8,9

8- «عن أبی عبداللّٰه (ع) فی قول اللّٰه : « فأردنا أن یبدلھما ربّھما خیراً منه . . . » قال : « إنّه ولدت لھما جاریہ فولدت غلاماً فکان نبیاً . » ;

از امام صادق(ع) درباره این سخن خدا «فأردنا أن یبدلھما ربّھما خیراً منه . . .» روایت شده که فرمود: «همانا، برای آن دو (پدر و مادر مقتول) دختری متولد شد و آن دختر، پسری به دنیا آورد که پیامبر شد».

9- «عن أبی عبداللّٰه (ع) : . . . [فی قول اللّٰه عزّوجلّ] « فأردنا أن یبدلھما ربّھما خیراً منه زکاه و أقرب رحماً » : « أبدلھما اللّٰه به جاریہ ولدت سبعین نبیاً . » ;

از امام صادق(ع) [درباره این سخن خدای عزّوجلّ] «فأردنا أن یبدلھما ربّھما خیراً منه زکاه . . .» روایت شده: خداوند، به آن دو (پدر و

مادر مقتول) به جای او (مقتول) دختری داد که هفتاد پیغمبر از نسل او متولد شدند.».

98- نشانه های مکان ملاقات با خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 303

1- مسأله ماهی و حرکت غیرعادی آن در آب، نشانه ای برای جایگاه ملاقات موسی و خضر (ع) بود.

قال ذلک ما کتبا نبغ

«بغی» به معنای «طلب» است و «ذلک ما کتبا نبغ» یعنی: «آنچه پیوسته در طلب او بودیم، همان علامت و نشانه است.» یاء «نبغی» - در پایان سخن موسی (ع) - به منظور تخفیف کلام، حذف شده است.

2- حضرت موسی (ع)، از رخداد علائمی برای یافتن جایگاه حضرت خضر (ع) قبلاً مطلع بود.

قال ذلک ما کتبا نبغ

99- نعمتهای خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 65 - 8

8- حضرت خضر (ع) از علم مخصوص و موهبتی خداوند، (علم لدنی)، برخوردار بود.

و علمنه من لدنا علماً

«من لدنا» و «من عندنا» در معنا تفاوتی ندارند و هر دو، بر داشتن منشأ الهی، دلالت می کنند.

100- نقش خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 80 - 8

8- خضر (ع) کارگزار اوامر الهی بود و نه مجری خواسته های شخصی خود.

فخشینا أن یرهقهما

ضمیر «نا» در «خشینا» می تواند اشاره به مطلب بالا داشته باشد. جمله «و ما فعلته عن امری» در آیات بعد نیز بر این نکته تصریح کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 81 - 2

2- خضر (ع) و همطرازان او، مجریان اراده خداوند هستند.

فأردنا أن يبدهما ربّهما

با این که گوینده سخن در «أردنا» فقط خضر(ع) بوده، ولی ضمیر جمع آورده شده است. به نظر می رسد که خضر(ع) می خواهد این نکته را تفهیم کند که او، در این تصمیم، مستقل نیست، بلکه اراده خداوند، پشتیبان کار است. از سوی دیگر «ربّ» را فاعل «بیدل» ذکر کرد تا نقش پردازِ اصلی صحنه را مشخص سازد و طولی بودن اراده خود با اراده خدا را بیان کند.

ص: 304

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 82 - 17

17- همه كار های شكفت خضر (ع) ، به فرمان خداوند صورت گرفت و دیدگاه شخصی او در آن دخالتی نداشت .

رحمه من ربك و ما فعلته عن امری

ضمیر مفعولی در «ما فعلته» به قرینه ذیل آیه، به جامع تمام ماجراها برمی گردد، نظیر «آنچه دیدی» یا «آنچه انجام دادم».

101- نقش نوجوان قصه خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 80 - 4

4- پدر و مادر نوجوان مقتول ، در صورت زنده ماندن فرزندشان ، ناخواسته و تحت تأثیر فرزند خویش قرار گرفته و ناخواسته به طغیان و كفر كشانده می شدند .

فكان أبواه مؤمنين فخشينا أن يرهقهما

102- والدین نوجوان قصه خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 80 - 1,4

1- هدف خضر (ع) از قتل نوجوان ، مصون داشتن پدر و مادر وی از كفر و طغیان بود .

و أمّا الغلم .. فخشينا أن يرهقهما طغيئاً و كفرًا

«إرهاق» یعنی: «وادر ساختن کسی بر کاری که انجام آن برای او دشوار و طاقت فرسا است». (قاموس).

4- پدر و مادر نوجوان مقتول ، در صورت زنده ماندن فرزندشان ، ناخواسته و تحت تأثیر فرزند خویش قرار گرفته و ناخواسته به طغیان و كفر كشانده می شدند .

فكان أبواه مؤمنين فخشينا أن يرهقهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 81 - 1

1- هدف خضر (ع) از قتل نوجوان، فراهم ساختن زمینه ای مناسب برای دستیابی پدر و مادر وی به فرزند پاک تر و مهربان تر بود.

فأردنا أن يبذلها ربهما خيراً منه زكوه وأقرب رحماً

مراد از «زکاه» در آیه، طهارت و پاکی از گناه است و «رُحِم» و «رحمت» به یک معنا است. گرچه خضر(ع) در این سخن، پاکی و مهربانی را برای نوجوان مقتول انکار نکرده است، ولی ممکن است به تناسب گفته موسی(ع) که نوجوان مقتول را «نفس زکیه» خواند، سخن خود را در قالب اسم تفضیل آورده است، لکن در حقیقت، نوجوان مقتول، یا فاقد رحمت و پاکی بوده و یا آینده او به

ص: 305

گناه و بی رحمی می انجامید.

103- وسعت علم خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 66 - 9

9- علوم لدنی خضر ، دامنه گسترده ای داشت .

تعلمن ممّا علّمت

«من» در «مّمّا» معنای تبعیض دارد. موسی(ع) با این تعبیر، می گوید: «من، خواهان آموختن بخشی از آن علوم گسترده توأم». .

104- وعده های خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 70 - 5

5- خضر (ع) به موسی (ع) وعده داد که در نهایت ، بخشی از اسرار کار خود را برای او تبیین خواهد کرد .

أُحدث لك منه ذكراً

«من» در «منه» برای تبعیض است و گویای این که خضر، تنها، به بیان گوشه ای از ویژگی های کردار خویش وعده داد.

105- هشدارهای خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 75 - 1

1- خضر (ع) برای دومین بار و با صراحتی افزون تر در مورد بی صبری و پرسش های بی جای موسی (ع) ، به او تذکر و هشدار داد .

لقد جئت شيئاً نكراً . قال ألم أقل لك

در دومین تذکر، خضر(ع) عبارت «لك» آمده است. اضافه شدن این عبارت و تصریح به این که آن سخن در مورد شخص موسی(ع) صادر شده بود، گویای تأکید خضر(ع) بر موجه نبودن اعتراض موسی(ع) است.

106- همراهی موسی (ع) با خضر (ع)

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

10 - کہف - 18 - 67 - 1,2

ص: 306

1- خضر ، موسی (ع) را از تحمّل همراهی با وی ، برای فراگیری علوم ویژه ، ناتوان دید .

هل أتبعك .. قال إنك لن تستطيع معي صبرًا

2- خضر (ع) به موسی (ع) توصیه کرد به دلیل نداشتن قدرت تحمّل ، از همراه شدن با او صرف نظر کند .

إنك لن تستطيع معي صبرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 70 - 1,2

1- خضر ، با درخواست موسی (ع) در مورد همراهی با او ، به صورت مشروط ، موافقت کرد .

قال فإن اتبعتنی فلا تسألننی عن شیء

2- شرط خضر برای همراهی موسی (ع) با او ، سؤال نکردن از چیزی قبل از توضیح خود او بود .

فلا تسألننی عن شیء حتّی أحدث لك منه ذکراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 71 - 1,2

1- موسی (ع) با پذیرش شروط خضر ، همراه او حرکت کرد .

فانطلقا حتّی إذا ركبأ فی السفینه

«انطلاق» به معنای «روانه شدن و حرکت کردن» است. «فاء» در «فانطلقا» دلالت دارد که موسی(ع) شرایط خضر را پذیرفت و خضر(ع) به همراهی وی رخصت داد.

2- موسی و خضر (ع) در نخستین مراحل همراهی ، سوار کشتی شدند .

فانطلقا حتّی إذا ركبأ فی السفینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 73 - 9

9- موسی بر همراهی با خضر (ع) مصرّ بود .

لاتواخذنی . . . و لاترهقنی من امری عسرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 74 - 1

1- خضر (ع) عذرخواهی موسی (ع) را پذیرفت و اجازه ادامه همراهی را به او داد .

فانطلقا

107- یتیمی مالک دیوار قصه خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 307

2- ديوار ترميم شده به دست خضر (ع) در مالکیت دو پسر بچه یتيم بود .

وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ

ص: 308

1- آثار قبول خط مشی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 18 - 5

5- مسلمان های ضعیف الایمان که خط مشی سیاسی منافقان را دارند، در صفوف آنان جا دارند .

و القائلین لإخوانهم

2- تاریخ خط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 28 - 7

7- وجود خط و فن کتابت در عصر سلیمان (ع)

اذهب بکتبی هذا

3- تبیین خط مشی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 55 - 4،5

4- ترسیم راه و روش صالحان، از اهداف تبیین آیات قرآن

و كذلك تفصل الأیت و لتستبین سبیل المجرمین

بیان راه و روش مجرمان، با بیان راه و روش مجرمان، با بیان راه و روش صالحان، که نقطه مقابل مجرمان است، ملازمه دارد و بیان

یکی از دو ضد، مآلاً بیان دیگری نیز خواهد بود. لذا برخی گفته اند جمله «و لتستبین» عطف بر جمله محذوف «لتستبین سبیل المؤمنین» است.

5- ترسیم راه و روش صالحان و مجرمان باید از محورهای اساسی تبلیغ باشد.

و كذلك تفصل الأیت و لتستبین سبیل المجرمین

چون در آیه ترسیم راه و روش مجرمان و صالحان به عنوان هدفی بارز برای تفصیل آیات بیان شده، می توان این پیام را در موضوع تبلیغ از آن دریافت کرد.

4- تبیین خط مشی مجرمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 55 - 3,5

3- روشن ساختن راه و روش مجرمان، از اهداف تفصیل و تبیین آیات قرآن

و كذلك تفصل الأیت و لتستبین سبیل المجرمین

5- ترسیم راه و روش صالحان و مجرمان باید از محورهای اساسی تبلیغ باشد.

و كذلك تفصل الأیت و لتستبین سبیل المجرمین

چون در آیه ترسیم راه و روش مجرمان و صالحان به عنوان هدفی بارز برای تفصیل آیات بیان شده، می توان این پیام را در موضوع تبلیغ از آن دریافت کرد.

5- خط در دوران سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 28 - 7

7- وجود خط و فن کتابت در عصر سلیمان (ع)

اذهب بکتبی هذا

6- خط مشی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - منافقان به هنگام پیروزی مسلمانان، خود را یاور آنان و به گاه غلبه کافران، خود را طرفدار و عامل پیروزی ایشان جلوہ می دهند.

الذین یتربصون بکم... قالوا ألم نستحوذ علیکم

ص: 310

«الذین یتربّصون»، بدل برای «الذین یتخذون» است و توضیح دهنده ویژگیهای منافقان.

3- رسیدن به دنیا و تأمین منافع شخصی، تعیین کننده خط مشی منافقان در برقراری روابط دوستی و اجتماعی است.

الذین یتربّصون بکم... ألم نستحوذ علیکم

4- شرکت منافقان در جنگ، تنها برای تأمین منافع شخصی و سهیم شدن در غنایم جنگی است.

الذین یتربّصون بکم فإن کان لکم فتح من الله... و نمنعکم من المؤمنین

ظاهراً مراد از جمله «الم نکن معکم» شرکت در جهاد و همراهی مسلمانان در جنگ است.

7- خط مشی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 107 - 10

10 - حب و بغض خداوند، باید تعیین کننده خط مشی مؤمنان باشد.

و لاتجدل... إن الله لایحب من کان خواناً ائیماً

چون جمله «ان الله...»، بیان علتی برای «لاتجدل» است و دلالت بر این دارد که دوستی و دشمنی خدا باید میزان حرکتها و توقفها قرار گیرد.

ص: 311

1- آثار خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 286 - 11

11 - خطا و نسیان ، از موانع رشد انسان *

رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 16 - 3

3 - ارتکاب هر عمل خطا و ناپسند ، ظلم به خویشتن است .

قال ربّ إني ظلمت نفسي فاغفرلي

2- آثار قتل خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 92 - 24

24 - قتل خطائی ، موجب دوری قاتل از رحمت خدا خواهد شد .

و ما كان لمؤمن ان يقتل مؤمناً الاّ خطا . . . توبه من اللّٰه

توبه به معنای بازگشت است و توبه خدا بر بنده به معنای بازگشت رحمت و لطف خداوند به بنده خویش است. بنابراین معلوم می شود در قتل خطائی نیز خداوند آدمی را از رحمت و لطف خویش دور می سازد تا اینکه کفّاره آن را بپردازد.

3- اقرار به خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 23 - 6

6 - اعتراف به خطا و اظهار تذلل و عبودیت به درگاه خداوند، از آداب استغفار است.

ربنا ظللنا أنفسنا و إن لم تغفر لنا و ترحمنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 91 - 8,9

8- تأکید و اقرار برادران یوسف به ارتکاب خطا در حق برادرشان یوسف (ع)

و إن کنا لخطئین

ص: 312

«إن» در جمله فوق به اصطلاح مخفّفه از متّله (إنّ) است. دلیل آن حرف «لام» در «لخاطّین» می باشد.

9- برادران یوسف در حضور او به گناه و خطای خویش اعتراف نموده و از رفتار گذشته خود اظهار ندامت کردند .

وإن کتّا لخطّین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 92 - 4

4- یوسف (ع) پس از اعتراف برادرانش به خطا ، هر گونه سرزنش آنان را از ناحیه خویش و دیگران ، ناروا شمرد .

لا تثریب علیکم الیوم

کلمه «تثریب» نکره است و پس از حرف نفی (لا) قرار گرفته است. از این رو شامل هر گونه ملامت می شود. یاد نکردن از فاعل (سرزنش کننده) دلالت بر عموم دارد ؛ یعنی، هیچ کس نه من و نه دیگری. جمله «لا تثریب علیکم الیوم» جمله ای خبری و در مقام انشا و دستور است ؛ یعنی، نباید شما ملامت شوید و یا نباید هیچ کس شما را ملامت کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 16 - 2

2- اعتراف صریح موسی (ع) در پیشگاه پروردگار ، به اشتباه خویش در قتل مرد قبطی و درخواست آمرزش از ساحت او و نجات از شرّ فرعونیان

قال ربّ إني ظلمت نفسي فاغفرلی

مقصود موسی (ع) از آمرزش در «اغفرلی» زدوده شدن پی آمد کار وی و رهایی از انتقام فرعونیان است.

4- اقسام خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 44 - 4

4- هفت جرم و راه خطا در دنیا وجود دارد که به جهنّم منتهی می شود .

إن جهنّم . . . لها سبعة أبواب لكلّ باب منهم جزء مقسوم

5- انبیا و خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 143 - 22,24

22 - موسی (ع) با مشاهده اثر تجلی خدا (انهدام کوه) تقاضای رؤیت خداوند را ناروا دانست و به درگاه الهی توبه کرد .

فلما أفاق قال سبحنك تبت إليك

24 - موسی (ع) بدون هیچ درنگ پس از دریافت حقیقت (ناشدنی بودن رؤیت خدا) آن را پذیرفت و بدان اعتراف کرد .

ص: 313

قال . . . و أنا أول المؤمنين

متعلق «المؤمنين» به قرینه فراهای قبل (بانک لاتری) است. کلمه «اول» در جمله «أنا أول المؤمنين» علاوه بر معنای مقدم بودن، معنای تأخیر نکردن را نیز می رساند. زیرا صحت این ادعا که شخص بخواهد اول مؤمن باشد، به این است که بی درنگ حقیقت رخ نموده را باور کند و به آن ایمان آورد، و گرنه این احتمال منتفی نیست که دیگری در این فاصله ایمان آورد و او نتواند اول مؤمن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 46 - 14

14- خداوند ، مراقب پیامبران و توجه دهنده آنان به خطاها و لغزشهایشان

إن ابني من أهلي . . . إنه ليس من أهلك . . . فلا تسئلن ما ليس لك به علم

6- انتساب خطا به دیگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 31 - 7

7 - مشرکان ، در قیامت خطا های خود را به یکدیگر نسبت خواهند داد .

ولو ترى إذ الظالمون موقوفون عند ربهم يرجع بعضهم إلى بعض القول

7- اندوه از خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 30 - 9

9 - موحدان راستین ، در خوف و هراس نسبت به سرنوشت اخروی خویش و اندوهناک از خطاها و لغزش های خود

إن الذين قالوا ربنا الله ثم استقموا. . . ألا تخافوا ولا تحزنوا

بنابراین نکته که نزول ملائکه در دنیا و یا به هنگام مرگ باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

8- ایمان و خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 3 - 8

8 - عدم تنافی ایمان و تقوا، با وجود بعضی از خطاها و کاستی های قابل غفران در زندگی فرد

الذین امتحن الله قلوبهم للتقوی لهم مغفره

ص: 314

نوید به مغفرت، در جایی مفید خواهد بود که لغزش و یا احتمال لغزش، وجود داشته باشد.

9- پشیمانی از خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 91 - 9

9- برادران یوسف در حضور او به گناه و خطای خویش اعتراف نموده و از رفتار گذشته خود اظهار ندامت کردند .

وإن كُنَّا لَخَطِيئِينَ

10- پیشگامان در ایمان و خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 10 - 7

7 - مؤمنان ، حتی پیشتازان ایمان (مهاجران و انصار) ، فاقد مصونیت از خطا و نیازمند غفران الهی

و الذين جاءوا من بعدهم يقولون ربنا اغفر لنا ولإخواننا الذين سبقونا بالإيمان

از تأیید خداوند نسبت به استغفار برای پیشتازان راه ایمان، به جا بودن این دعا و نیاز آنان استفاده می شود.

11- تقوا و خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 3 - 8

8 - عدم تنافی ایمان و تقوا، با وجود بعضی از خطاها و کاستی های قابل غفران در زندگی فرد

الذين امتحن الله قلوبهم للتقوى لهم مغفرة

نوید به مغفرت، در جایی مفید خواهد بود که لغزش و یا احتمال لغزش، وجود داشته باشد.

12- توبه از قضاوت خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 24 - 24

24 - لزوم توبه و بازگشت سریع از خطا هنگام رخ دادن کمترین اشتباه در داوری

فاستغفر ربّه و خرّ راکعًا و أناب

ص: 315

13- تهمت خطا به یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 95 - 1, 2

1- بستگان یعقوب باور به زنده بودن یوسف (ع) را خطای دیرینه یعقوب (ع) و اصرار بر آن را برخاسته از کژاندیشی می شمردند .

إنک لفی ضللک القدیم

مقصود فرزندان و بستگان یعقوب از خطای دیرینه وی (ضلالک القدیم) می تواند اعتقاد او به زنده بودن یوسف (ع) و یا برتر دانستن وی بر دیگر فرزندان باشد. هر چند بعید نیست که هر دو معنا نیز مراد باشد.

2- بستگان یعقوب با سوگند، وی را به کزروی و ارتکاب خطا در برتر دانستن یوسف (ع) و محبت بیش از حد به وی متهم کردند .

إنک لفی ضللک القدیم

14- حقیقت قتل خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 92 - 31

31 - قتل خطائی آن است که چیزی غیر از مقتول، هدف باشد، لیکن به اشتباه، مقتول هدف قرار گیرد .

و ما کان لمؤمن ان یقتل مؤمناً الاً خطاً . . . و من قتل مؤمناً خطاً

امام صادق (ع) فرمود: . . . و الخطأ من اعتمد شینا فاصاب غیره.

کافی، ج 7، ص 278، ح 2؛ نورالثقلین، ج 1، ص 530، ح 475.

15- خطا در ارزشگذاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 95 - 15

15- انسان، در ارزش گذاری ها و تعیین ارزش های برتر، دچار خطا می شود .

و لا تشترُوا .. ثمناً قليلاً إنما عند الله هو خير لكم إن كنتم تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 37 - 9

9- امکان خطا کردن انسان ، در ارزیابی ملموس ترین رفتار زشت و زیبای خویش

ص: 316

وقال فرعون يهمن ابن لي صرحًا .. كذلك زين لفرعون سوء عمله

برداشت یادشده با توجه به این نکته است که فرعون - باوجود مشاهده معجزات و شنیدن دلایل روشن و انکارناپذیر موسی(ع) - اقدام به کاری نابخردانه (ساختن بنایی بلند برای آگاهی از خدا..) کرده بود. خداوند نیز این اقدام را نمونه ای از کارهای زشت فرعون، دانسته است که در نظر او زیبا و پسندیده می نمود.

16- خطا در ارزیابی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 8 - 7

7- امکان خطاکردن انسان ، در ارزیابی رفتار خود و خوب و بد آن

أفمن زين له سوء عمله فرءاه حسنًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 37 - 9

9- امکان خطاکردن انسان ، در ارزیابی ملموس ترین رفتار زشت و زیبای خویش

وقال فرعون يهمن ابن لي صرحًا .. كذلك زين لفرعون سوء عمله

برداشت یادشده با توجه به این نکته است که فرعون - باوجود مشاهده معجزات و شنیدن دلایل روشن و انکارناپذیر موسی(ع) - اقدام به کاری نابخردانه (ساختن بنایی بلند برای آگاهی از خدا..) کرده بود. خداوند نیز این اقدام را نمونه ای از کارهای زشت فرعون، دانسته است که در نظر او زیبا و پسندیده می نمود.

17- خطاهای قابل بخشش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 43 - 10

10 - خطا و لغزش رهبر جامعه و فرماندهان نظامی ، قابل اغماض و بخشش

عفا الله عنك لم اذنت لهم حتى يتبين لك الذين صدقوا

18- خطاهای قبل از اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 192 - 5

5- در صورتی که کافران محارب ایمان آورند ، نباید بر خطاهای پیشیشان (کشتن مسلمانان ، فتنه انگیزی و . . .) مورد

ص: 317

مؤاخذة قرار گیرند .

فإن انتهوا فإن الله غفور رحيم

19- خطای آشکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 26 - 1

1 - اعراض از قرآن و روی آوردن به غیر آن ، شگفت آور و خطایی آشکار است .

فأین تذهبون

استفهام توییخی در آیه شریفه، علاوه بر سرزنش خطاکاران، بر تعجب از آن خطا نیز دلالت دارد.

20- خطای بزرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 37 - 2

2 - ایمان نیاوردن به خدای بزرگ و بی تفاوتی در برابر گرسنگی بینوایان ، خطایی بزرگ و نابخشودنی

إِنَّهٗ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ . وَلَا يَحِضُّ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ ... لَا يَأْكُلُهُ إِلَّا الْخِط

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که خداوند، از کسانی که ایمان نمی آوردند و ..، تعبیر به «خاطئون» کرده است.

21- خطای نابخشودنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 37 - 2

2 - ایمان نیاوردن به خدای بزرگ و بی تفاوتی در برابر گرسنگی بینوایان ، خطایی بزرگ و نابخشودنی

إِنَّهٗ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ . وَلَا يَحِضُّ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ ... لَا يَأْكُلُهُ إِلَّا الْخِط

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که خداوند، از کسانی که ایمان نمی آوردند و ..، تعبیر به «خاطئون» کرده است.

22- داود(ع) و خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 24 - 18،19،21،22،25

18 - استغفار داوود (ع) از پروردگار، در پی گمان به رخ دادن اشتباهی در داوری میان متخاصمان

ص: 318

19 - داوود (ع)، شیوه داوری خود درباره برادران متخاصم را خطا دانست .

قال لقد ظلمک بسؤال نعجتک . . . و ظنّ داود أنّما فتنّ - ه فاستغفر ربّه

در این که استغفار داوود(ع) درباره چه اشتباهی بود، میان مفسران چند دیدگاه وجود دارد؛ از جمله بهترین و موافق ترین آنها با آیه شریفه، مسأله نشنیدن دفاع برادر متهم و شتاب در داوری است. گفتنی است برخی از روایات مربوط به آیه، مؤید همین برداشت است (تفسیر برهان، ج 4، ص 45).

21 - به سجده افتادن داوود (ع) به درگاه خداوند پس از گمان خطا کردنش در داوری میان برادران متخاصم

و خرّ راکعاً

مقصود از «خرّ راکعاً» - مطابق نظر بیشتر مفسران - سجده است.

22 - انابه و توبه داوود (ع) به درگاه خداوند، پس از گمان خطا کردنش در داوری میان برادران متخاصم

و أناب

25 - «عن الرضا (ع) : . . . بعث الله عزّوجلّ إلى داود الملكين فتسوّرا المحراب فقالا - خصمان بغى بعضنا على بعض فاحكم بيننا بالحقّ إنّ هذا أخى له تسع وتسعون نعجه . . . فعجل داود (ع) على المدعى عليه فقال لقد ظلمك . . . و لم يسئل المدعى البيّنه على ذلك و لم يقبل على المدعى عليه فيقول له ما تقول فكان هذا خطيئه رسم الحكم ;

از امام رضا(ع) روایت شده که خداوند عزّوجلّ دو فرشته را فرستاد تا از دیوار محراب داوود بالا رفتند و بر او وارد شدند و گفتند: دو نفر هستیم که یکی بر دیگری ستم کرده است؛ پس بین ما به حق داوری کن. یکی از آنان گفت: این برادر من است که 99 میش دارد و... داوود در حکم عجله کرد و گفت: برادرت به تو ظلم کرده... و از مدعی بیّنه نخواست و به مدعا علیه هم نگفت تو چه می گویی؟ و این یک خطا در شیوه دادرسی بود».

23- ديه قتل خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 92 - 7,23,25,32,33,35

7 - خونب های قتل از روی خطا، باید به طور کامل تسلیم خانواده مقتول گردد .

و من قتل مؤمنا خطأ . . . و ديه مسلّمه الى اهله

در معنای کلمه «مسلمه» گفته شده است: «المدفوعه اليهم مؤفّره غير منقّصه». یعنی باید به طور کامل و بدون هیچ کاستی تسلیم شود. «مجمع البيان».

23 - قاتل در قتل خطائی، در صورت ناتوانی از آزادسازی برده با ایمان، باید دو ماه پیاپی روزه بگیرد.

فمن لم يجد فصيام شهرين متتابعين

25 - پرداخت خونبها، آزاد کردن برده مؤمن و یا گرفتن روزه، در قتل خطائی، زمینه پذیرش توبه قاتل از جانب خداوند

و من قتل مؤمناً خطاً .. توبه من الله

«توبه»، مفعول له است و بیانگر فلسفه احکام بیان شده در قتل خطائی. یعنی بنده ای را آزاد کنید یا روزه بگیرید و خونبها هم بدهید، تا خداوند رحمتش را شامل حال شما کند و توبه شما را بپذیرد.

32 - آزاد کردن بنده مؤمن در قتل خطائی، ادای حق خداوند و پرداخت دیه آن، ادای حق اولیای مقتول است.

ص: 319

و من قتل مؤمناً خطأً فتحرير رقبه مؤمنه و ديه مسلّمه الى اهله

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از آیه فوق فرمود: اما تحرير رقبه مؤمنه فقيما بينه و بين الله و اما الدية المسلّمه الى اولياء المقتول. . .

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 262، ح 217؛ نورالثقلین، ج 1، ص 530، ح 473.

33 - کافی نبودن آزادسازی کودک برده به عنوان کفاره کشتن مؤمن از روی خطا

و من قتل مؤمناً خطأً فتحرير رقبه مؤمنه

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از جواز آزاد نمودن کودک برده در کفاره فرمود: كلّ العتق يجوز فيه المولود الا في كفاره القتل فانّ الله عزّ و جلّ يقول: «فتحرير رقبه مؤمنه» یعنی بذالك مقررّة قد بلغت الحنث.

کافی، ج 7، ص 643، ح 15؛ نورالثقلین، ج 1، ص 531، ح 483.

35 - قاتل، معاف از پرداخت ديه مؤمن مقتول به قتل خطائی، در صورت مشرک بودن اولیای وی

فان كان من قوم عدولکم و هو مؤمن فتحرير رقبه مؤمنه

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: اذا كان من اهل الشرك فتحرير رقبه مؤمنه فيما بينه و بين الله و ليس عليه ديه . . .

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 263، ح 218؛ نورالثقلین، ج 1، ص 530، ح 474.

24- زمینه خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 64 - 11

11- نسیان، از آفات مدیریت و زمینه ساز بروز کاستی ها، خطاها و تخلفات است.

و ما ننزل إلا بأمر ربك . . . و ما كان ربك نسياً

به کسی که سیاست گذار و مدبّر امور کسی باشد «رب» گفته می شود (برگرفته از مصباح).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 19 - 13

13- همه انسان ها ، حتی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان واقعی ، در معرض خطا و لغزش و نیازمند غفران الهی

و استغفر لذنبک و للمؤمنین و المؤمنات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 28 - 2

2 - هیچ انسانی از خطا مصون نبوده و بر کیفر نشدن خویش اطمینان ندارد .

إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَأْمُونٍ

ص: 320

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 15 - 8

8 - غفلت از آزمایش بودن نعمت ها ، مایه خطا در تحلیل عوامل پیشرفت های اقتصادی

ابتلیه ربّه .. فبقول ربّي أكرمن

25- عصمت از خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 113 - 1,2

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، معصوم از گناه و مصون از خطا و لغزش

و لولا فضل الله عليك و رحمته لهتم طائفه منهم ان يضلوك

2 - فضل و رحمت خاص الهی بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، موجب مصونیت وی از خطا و لغزش

و لولا فضل الله عليك و رحمته لهتم طائفه منهم ان يضلوك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 6 - 14

14 - فرشتگان ، مصون از خطا و معصوم از گناه و نافرمانی اند .

لا يعصون الله ما أمرهم و يفعلون ما يؤمرون

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله «لا يعصون الله..» عصمت فرشتگان و «يفعلون ما يؤمرون» اشاره به مصونیت آنان از خطا در انجام وظایف داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 28 - 2

2 - پیامبران ، معصوم و مصون از خطا در ابلاغ کامل پیام های الهی به مردم

ليعلم أن قد أبلغوا رسلت ربهم

26- عفو از خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 153 - 12

12 - گذشت از گناه گوساله پرستان تائب و نادیده انگاشتن خطای آنان پس از بازگشت به توحید و پرستش خدای یکتا، توصیه خداوند به موسی (ع) *

إن ربك من بعدها لغفور رحيم

ص: 321

برداشت فوق با توجه به دومین احتمالی است که در توجیه خطاب به موسی (ع) ذکر شد. یعنی «ربک» اشاره به این معنا باشد که ای موسی تو نیز متخلق به اخلاق الهی باش و از خطاها و لغزشها درگذر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 42 - 16

16 - گذشت از خطاها در عین توانمندی بر انتقام و کیفر، کاری است شایسته و خداپسندانه.

أنا أدعوكم إلى العزيز الغفّـر

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که خداوند در عین این که عزیز و شکست ناپذیر است، با گذشت و آمرزنده نیز می باشد و همه بندگان گناه کارش را به توبه فرامی خواند؛ در حالی که توانایی هرگونه انتقام گرفتن از آنان را دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 14 - 10

10 - عفو، چشم پوشی و بخشودن دشمنی ها و خطا های مردمان، توصیه خداوند به مؤمنان

وإن تعفوا و تصفحوا و تغفروا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که آیه شریفه درصدد بیان یک اصل در برخورد با دیگران باشد؛ نه در خصوص برخورد با همسران و فرزندان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انفطار - 82 - 6 - 10

10 - بخشودن خطاها و بخشیدن عطاها، شیوه خداوند برای رشد و تربیت انسان ها است.

بربک الکریم

«الکریم» وصفی است که «ربک» را توضیح داده و گوشه ای از ربوبیت خداوند را برجسته کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 159 - 16، 13، 12

12 - گذشت از خطاکاران، و طلب آموزش برای ایشان و مشورت در امور اجتماعی، وظیفه پیامبر (صلی الله علیه و آله) نسبت به

فاعف عنهم و استغفر لهم و شاورهم فی الامر

13 - گذشت از خطای مردم و طلب آموزش برای آنان و نیز مشورت با مسلمانان در مسائل اجتماعی، نمودی از مهربانی و خُلق خوش پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و لو كنت فظًا غليظ القلب .. فاعف عنهم و استغفر لهم و شاورهم فی الامر

تقریب جمله «فاعف عنهم و ..» بر جمله های پیشین، که بیانگر خُلق خوش پیامبر (صلی الله علیه و آله) است، در حقیقت اشاره به مصادیق و نمونه هایی از خوی نیکوی پیامبر (صلی الله علیه و آله) دارد. گفتنی است که امر به عفو و ... به معنای ادامه دادن آن است.

16 - عفو از خطاکاران پیکار احد، تکلیف الهی پیامبر (صلی الله علیه و آله)

فاعف عنهم و استغفر لهم

به مقتضای ارتباط این آیه با آیات نبرد احد، از جمله افراد مورد نظر که پیامبر (صلی الله علیه و آله) موظف به نادیده گرفتن خطای آنان است،

خطاکاران نبرد احد می باشند.

27- عفو خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 63 - 8

8 - پیامبر (صلی الله علیه و آله)، موظف به چشمپوشی از خطای کسانی که از مراجعه به طاغوت، اظهار ندامت کردند.

ثم جاؤک یحلفون بالله ان اردنا الا احساناً .. فاعرض عنهم

کلمه «اعراض»، به قرینه «عظهم» (آنان را نصیحت کن)، به معنای اعراض از عقوبت و خطای آنان است، نه به معنای دوری از آنان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 38 - 2

2 - به کافران ستیزه گر عصر بعثت ابلاغ شد در صورت ترک مخاصمه علیه اسلام، از خطای گذشته آنها چشمپوشی خواهد شد.

قل للذین کفروا ان ینتھوا یغفر لهم ما قد سلف

درباره متعلق «ان ینتھوا» دو نظر ابراز شده است: یکی کفر و دیگری اعمالی که در آیه 36 مطرح شد؛ یعنی سرمایه گذاریها و شرارت‌های علیه اسلام. جمله «ان یعودوا» نظر دوم را تقویت می کند. گفتنی است بر این مبنا مراد از «یغفر لهم ...» انتقام نگرفتن از شرارت‌های گذشته کافران است.

28- عوامل خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 11 - 6

6- شتابزدگی انسان، عامل اشتباه وی در شناخت سود و زیان واقعی خود

و یدع الإنسان بالشرّ دعاء بالخیر و کان الإنسان عجولاً

جمله «و کان الإنسان عجولاً» در مقام تعلیل برای «و یدع الإنسان...» است؛ یعنی، چون انسان عجول است، شر و خیر و سود و زیان خویش را یکسان می بیند و به دنبال هر دو می شتابد.

29- فرجام خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 323

4- هفت جرم و راه خطا در دنیا وجود دارد که به جهنم منتهی می شود .

ان جهنم .. لها سبعة أبواب لكل باب منهم جزء مقسوم

30- فرصت اقرار به خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 39 - 2

2- توبه و اقرار به خطا ها ، تنها در فرصت زندگی دنیا دارای تأثیر است ; و نه در آخرت .

ولن ينفعكم اليوم إذ ظلمتم

31- قتل خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 92 - 27

27 - لزوم احتیاط برای حفظ نفوس و سعی در پیشگیری از وقوع قتل خطائی

و من قتل مؤمناً خطا .. توبه من الله

اگر چنین احتیاطی لازم و ضروری نبود، نباید خداوند به خاطر کاری که از اختیار انسان خارج است، وی را از رحمت خویش دور سازد.

32- قرآن و خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بینه - 98 - 2 - 11

11 - قرآن از خطا و انحراف ، منزّه و پیراسته است .

صحفاً مطهّره

33- کفاره قتل خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - ضرورت پرداخت خونبها - علاوه بر كفّاره - در صورت كشتن مؤمن از روی خطا

ص: 324

و من قتل مؤمنا خطأ .. و ديه مسلمه الى اهله

6 - كفاره كشتن مؤمن از روی خطا، آزاد کردن یک برده با ایمان است .

و من قتل مؤمنا خطأ فتحرير رقبه مؤمنه

12 - در قتل خطائی، اگر مقتول، مؤمن باشد، ولی خانواده اش از دشمنان مسلمانان، كفاره اش تنها آزادسازی برده ای با ایمان است .

فان كان من قوم عدولکم و هو مؤمن فتحرير رقبه مؤمنه

34 - امام، عهده دار آزادسازی برده ای مؤمن به عنوان كفاره قتل خطائی مسلمانی که در سرزمین شرک به دست مسلمین کشته شود .

فان كان من قوم عدولکم و هو مؤمن فتحرير رقبه مؤمنه

امام صادق (ع) در مورد وظیفه امام نسبت به مسلمانی که در سرزمین شرک به دست مسلمین کشته شده، فرمود: يُعتق مكانه رقبه مؤمنه و ذلك قول الله عزّ و جل: «فان كان من قوم عدولکم ..» .

من لا يحضره الفقيه، ج 4، ص 110، ح 1، ب 36 مسلسل 373؛ نورالثقلین، ج 1، ص 532، ح 485.

34- محمد (صلی الله علیه و آله) و خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 113 - 8، 3

3 - تلاش گروهی از خائنان برای به اشتباه انداختن پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در قضاوت

هانتم هؤلاء جدلتم عنهم فی الحیوه الدنيا .. لهتم طائفه منهم ان یضلوك

اگر چه ظاهر جمله شرطیه «لولا .. لهتم»، نفی تلاش است، ولی مراد از آن نفی تأثیر تلاش می باشد. یعنی تلاش آنان برای لغزاندن پیامبر (صلی الله علیه و آله)، هیچگونه اثری نداشت و گویا اصلاً تلاشی در این جهت نکردند، این معنا با آیات قبل تأیید می شود.

8 - کسانی که در صدد گمراه ساختن و به اشتباه انداختن پیامبر (صلی الله علیه و آله) بودند، تنها خود را به گمراهی و اشتباه افکندند .

لهتم طائفه منهم ان یضلوك و ما یضلون الا انفسهم و ما یضرونک من شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- پیامبر (صلی الله علیه و آله) از ترفند های لغزش آفرین مشرکان و کمترین تمایل به آنان ، در پرتو ثبات قدم اعطا شده به او از جانب خداوند ، در امان بود .

و لولا أن ثبتتک لقد کدت ترکن إلیهم شیئاً قليلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- هشدار خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) مبنی بر اینکه در صورت لغزش از مواضع اصولی خویش ، دچار کیفر دو چندان دنیوی و اخروی

ص: 325

خواهد شد .

إذا لأذقنك ضعف الحيوه و ضعف الممات

35- مصونیت از خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 6 - 8

8- آیات قرآن ، در طول زندگانی پیامبر (صلی الله علیه و آله) از خطا و کاستی مصون ماند .

سنقرنک فلا تنسی

درباره مفاد «إلا ما شاء الله» در آیه بعد، دو دیدگاه وجود دارد: 1. بیان حاکمیت مشیت خداوند که در نتیجه مراد، استثنای حقیقی نخواهد بود؛ بلکه تنها نشانگر آن است که «لاتنسی» هر چند مطلق است و هیچ استثنایی ندارد؛ ولی مشیت خداوند بر همه چیز حاکم است و نسیان و عدم نسیان پیامبر (صلی الله علیه و آله)، بیرون از مشیت او نیست. 2. حرف «إلا» در استثنای حقیقی به کار رفته است و بیانگر آن است که خداوند، بخشی از آیات را براساس مشیت خویش از یاد پیامبر (صلی الله علیه و آله) خواهد برد. برداشت یاد شده براساس نظر اول است.

36- ملائکه و خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 27 - 7

7- عصمت ملائکه از خطا و نافرمانی

لایسبقونه بالقول و هم بامرهم یعملون

تسلیم و منقاد بودن فرشتگان در برابر خداوند و نیز تنها به فرمان خدا عمل کردن، حاکی از عصمت آنان است.

37- موارد خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 47 - 4

4- درخواست امری نابه جا و غیر حکیمانه از خداوند ، لغزش و خطاست .

قال رب إني أعوذ بك أن أسئلك ما ليس لي به علم

استعاذه و پناه بردن به خداوند ، در موردی است که متعلق آن ، امری ناپسند و شرّ آفرین باشد.

ص: 326

38- موانع خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 77 - 6

6 - باور به علم مطلق الهی و آگاهی او به نهان و آشکار انسان ، بازدارنده وی از خطاها و لغزشها

أو لا يعلمون أن الله يعلم ما يسرون و ما يعلنون

جمله «أتحدثونهم .. . ليحاجوكم» در آیه قبل، رسای به این است که: پندار باطل یهود (محدود بودن علم خدا)، آنان را به لغزشها و گناهان پنهانی، بی پروا می کند. بنابراین، هدف از بیان علم مطلق الهی در رد آن پندار، این است که: انسانها بر اثر باور و توجه به آگاهی همه جانبه خدا از خطاها - چه در خفا و چه آشکار - از لغزشها باز ایستند.

39- مؤمنان و خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 10 - 7

7- مؤمنان ، حتی پیشتازان ایمان (مهاجران و انصار) ، فاقد مصونیت از خطا و نیازمند غفران الهی

و الذين جاءو من بعدهم يقولون ربنا اغفر لنا و لإخواننا الذين سبقونا بالإيمان

از تأیید خداوند نسبت به استغفار برای پیشتازان راه ایمان، به جا بودن این دعا و نیاز آنان استفاده می شود.

40- نوح(ع) و خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 46 - 8

8- محدودیت علم و آگاهی نوح (ع) و معصوم نبودن او از خطا و اشتباه

إن ابني من أهلي .. . إنه ليس من أهلك ... فلا تسئلن ما ليس لك به علم

41- يعقوب(ع) و خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - يوسف - 12 - 8 - 13

13- محبت فراوان یعقوب (ع) به یوسف (ع) و بنیامین ، خطا و لغزشی روشن از دیدگاه دیگر فرزندان او

إذ قالوا ليوسف وأخوه أحب . . . إن أبانا لفي ضلل مبين

ص: 327

42- خطاکار

برخورد کریمانه با همسران خطاکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 3 - 6

6 - برخورد کریمانه با همسران خطاکار خویش و به رخ نکشیدن همه اشتباهات آنان ، امری شایسته و بجا است .

عَرَفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ

43- عفو خطاکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 199 - 1

1 - خداوند پیامبرش را به پیشه ساختن عفو از خطاکاران فرمان داد .

خَذَ الْعَفْوُ

«أَخَذَ» (مصدر خذ) به معنای گرفتن و از چنگ ندادن است که به مناسبت مورد، کنایه از ملتزم شدن می باشد. بنابراین «خذ العفو» یعنی عفو و گذشت را از چنگ مده و بدان ملتزم باش.

44- خطاکاران

{خطاکاران}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 8 - 4

4 - فرعون ، هامان و سپاهیانشان مردمی خطاپیشه

إِنَّ فِرْعَوْنَ وَ هَمَانَ وَ جُنُودَهُمَا كَانُوا خَطِيئِينَ

45- آثار عفو از خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - عفو و گذشت کریمانه از خطاهای دیگران، زمینه ساز جلب غفران و آمرزش الهی است.

ولیعفوا ویصفحوا ألا تحبون أن یغفر الله لکم

ص: 328

46- آخرت فروشی خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 24 - 3

3 - خطاکاران، زندگانی اخروی خویش را فاقد توشه های لازم دیده و در حسرت فرصت های بر باد رفته بسر می برند.

بلیتتی قدمت لحياتی

47- آموزش خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 92 - 12

12- مغفرت و آموزش بندگان خطاکار، پرتوی از رحمت و مهربانی خداوند است.

يغفر الله لكم و هو ارحم الرحمين

48- ابراهیم (ع) و خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 75 - 1

1- ابراهیم (ع)، پیامبری بردبار که هرگز در مؤاخذة خطاکاران تعجیل نمی کرد.

إن ابرهیم لحليم

علل الشرايع، ص 550، ح 4، ب 340؛ نورالثقلین، ج 2، ص 384، ح 165.

49- ارزیابی عمل خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قارعه - 101 - 9 - 2

2- اعماق جهنم، تنها پناهگاهی است که خطاپیشگان را پس از سنجش اعمال آنان در آغوش خواهد گرفت.

تعبير «أُم»، کنایه از احاطه جهنم بر خطا پیشگان است؛ بسان مادری که طفل خود را در آغوش گرفته است.

50- استغفار برای خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 92 - 9

9- گذشت از خطاکاران و دعا برای آمرزش آنان ، خصلتی نیکو و از صفات محسنان است .

فإن الله لا يضيع أجر المحسنين .. لا تتريب عليكم اليوم يغفر الله لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 98 - 9

9- گذشت از خطاکاران و دعا برای آنان ، خصلتی نیکو و از صفات پیامبران الهی است .

ياأبانا استغفر لنا .. قال سوف أستغفر لكم ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 62 - 17

17 - پرداختن به امور مهم زندگی شخصی ، به جای حل و فصل مسائل اجتماعی ، با اذن رهبری ، خطایی است نیازمند به استغفار به درگاه الهی .

فإذا استذنونك لبعض شأنهم فأذن لمن شئت منهم واستغفر لهم الله

توصیه خداوند به طلب مغفرت کردن پیامبر(صلی الله علیه و آله) برای کسانی که به اذن او عرصه حل و فصل امور اجتماعی را ترک می کنند حاکی از این است که این عمل چون به اذن آن حضرت انجام گرفته جایز است؛ ولی در عین حال خطایی است که باید برای آن استغفار کرد.

51- بی ارزشی عمل خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قارعه - 101 - 8 - 5

5- کردار خطاپیشگان ، در قیامت سبک و بی ارزش خواهد بود .

فأما من ثقلت موزینه

52- بیش غلط خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 24 - 3

3 - خطاکاران ، زندگانی اخروی خویش را فاقد توشه های لازم دیده و در حسرت فرصت های بر باد رفته بسر می برند .

یلپتنی قدامت لحياتی

ص: 330

53- پشیمانی اخروی خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 24 - 1

1 - خطاکاران در قیامت، فرورفته در حسرت و پشیمان از ترک ذخیره سازی توشه آخرت

و جایء یومئذ بجهنّم . . . يقول یلیتني قدّمت لحياتي

54- پناهگاه خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قارعه - 101 - 9 - 2

2 - اعماق جهنم، تنها پناهگاهی است که خطاپیشگان را پس از سنجش اعمال آنان در آغوش خواهد گرفت.

فأمة هابیه

تعبیر «أم»، کنایه از احاطه جهنم بر خطاپیشگان است؛ بسان مادری که طفل خود را در آغوش گرفته است.

55- ترک رابطه با خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 118 - 10

10 - مبارزه منفی و تحریم روابط با خطاکاران، از روش های مؤثر و سازنده در برخورد با آنان

صاقت علیهم الأرض . . . و ظنوا أن لا ملجأ من الله إلا إلیه

برداشت فوق با توجه به شأن نزول آیه شریفه است که مسلمانان، با متخلفان از جنگ تبوک، قطع رابطه کردند.

56- تشبیه خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قارعه - 101 - 9 - 4

4 - تشبیه خطاپیشگان در قیامت، به جان باختگانی که تحمّل مرگ آنان برای مادرشان هلاکت آفرین است.*

فعل «هوی» در معانی مختلفی - از جمله «سَقَطَ» و «مات» - به کار رفته است (قاموس). بنابر معنای دوم، کلمه «هاویه»، به معنای «هالکه» خواهد بود نسبت دادن هلاکت به مادر کسی که میزان اعمال او سبک است، کنایه از عظمت سختی های وارد بر

وی است؛ به گونه ای که در آن موارد، مادران تاب تحمل چنین وضعی را برای فرزند خود نداشته و هلاک خواهند شد. در این صورت مرجع ضمیر «هی» در آیه بعد، عنوان «داهیه» (مصیبت بزرگ) خواهد بود که مفاد جمله «فَأُمَّه هَاوِيَه» است.

57- تفاوت صالحان و خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جاثیه - 45 - 21 - 11

11 - برابر پنداشتن افراد صلاح پیشه و خطاکار، حکمی ناروا است .

أم حسب . . . ساء ما يحكمون

58- تنبه اخروی خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 23 - 6

6 - خطاکاران در قیامت با مشاهده جهنم، فرصت های از دست رفته را به یاد آورده و متوجّه آثار و پیامد های کردار خویش می گردند .

یومئذ یتذکر الإنسان

«ال» در الإنسان»، ممکن است عهد ذکری و اشاره به انسانی باشد که در آیات پیشین، فریفته نعمت ها و شه کوه گزار تنگدستی ها معرفی شده است. هم چنین می تواند برای استغراق باشد و تذکر یافتن را به همه انسان ها تعمیم دهد. آیات بعد، احتمال نخست را تقویت می کند.

59- حسابرسی خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 11 - 6

6 - ربوبیت خداوند، مقتضی حسابرسی و مؤاخذه خطاکاران است .

إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمئذٍ لَّخَبِيرٌ

60- حسرت اخروی خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - خطاکاران در قیامت ، فرورفته در حسرت و پشیمان از ترک ذخیره سازی توشه آخرت

و جایء یومئذ بجهنم . . . یقول یلیتتی قدّمت لحياتی

61- حسرت خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 24 - 3

3 - خطاکاران ، زندگانی اخروی خویش را فاقد توشه های لازم دیده و در حسرت فرصت های برباد رفته بسر می برند .

یلیتتی قدّمت لحياتی

62- خطاکاران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قارعه - 101 - 9 - 2

2 - اعماق جهنم ، تنها پناهگاهی است که خطاپیشگان را پس از سنجش اعمال آنان در آغوش خواهد گرفت .

فأُمَّه هاویه

تعبیر «أُمَّ» ، کنایه از احاطه جهنم بر خطاپیشگان است؛ بسان مادری که طفل خود را در آغوش گرفته است.

63- خطاکاران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 37 - 1

1 - « غسلین » (خونابه و چرک) ، غذای مخصوص خطاپیشگان در قیامت

غسلین . لا یأکله إلاّ الخطون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 23 - 6

6 - خطاکاران در قیامت با مشاهده جهنم ، فرصت های از دست رفته را به یاد آورده و متوجّه آثار و پیامد های کردار خویش می گردند .

«ال» در الإنسان»، ممکن است عهد ذکری و اشاره به انسانی باشد که در آیات پیشین، فریفته نعمت ها و شه کوه گزار تنگدستی ها معرفی شده است. هم چنین می تواند برای استغراق باشد و تذکر یافتن را به همه انسان ها تعمیم دهد. آیات بعد، احتمال نخست

را تقویت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 24 - 1

1 - خطاکاران در قیامت ، فرورفته در حسرت و پشیمان از ترک ذخیره سازی توشه آخرت

و جایء یومئذ بجهنم .. یقول یلیتنی قدّمت لحياتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 26 - 1

1 - خداوند در قیامت ، خطاکاران را چنان به بند می کشد که از هیچ کس ساخته نیست .

و لایوثق وثاقه أحد

ضمیر «وثاقه» به «ربک» در آیات پیشین برمی گردد. «وثاق» اسم مصدر برای «ایثاق» (به بند کشیدن) است؛ نظیر عطا و اعطاء. این کلمه به معنای آنچه چیزی را با آن ببندند، نیز آمده است (مفردات راغب)، ولی این معنا با ترکیب آیه شریفه سازگار نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قارعه - 101 - 9 - 4

4 - تشبیه خطاپیشگان در قیامت ، به جان باختگانی که تحمّل مرگ آنان برای مادرشان هلاکت آفرین است . *

فأُمَّه هاویه

فعل «هوی» در معانی مختلفی - از جمله «سَقَطَ» و «مات» - به کار رفته است (قاموس). بنابر معنای دوم، کلمه «هاویه»، به معنای «هالکه» خواهد بود نسبت دادن هلاکت به مادر کسی که میزان اعمال او سبک است، کنایه از عظمت سختی های وارد بر وی است؛ به گونه ای که در آن موارد، مادران تاب تحمّل چنین وضعی را برای فرزند خود نداشته و هلاک خواهند شد. در این صورت مرجع ضمیر «هی» در آیه بعد، عنوان «داهیه» (مصیبت بزرگ) خواهد بود که مفاد جمله «فأُمَّه هاویه» است.

64- دعا برای خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 92 - 9

9- گذشت از خطاکاران و دعا برای آمرزش آنان ، خصلتی نیکو و از صفات محسنان است .

فإن الله لا يضيع أجر المحسنين . . . لا تثریب علیکم الیوم یغفر الله لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 98 - 9

9- گذشت از خطاکاران و دعا برای آنان ، خصلتی نیکو و از صفات پیامبران الهی است .

ص: 334

يٰۤاَيُّهَا اسْتَغْفِر لَنَا .. قَالَ سَوْفَ اسْتَغْفِر لَكُمْ رَبِّي

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

10 - مريم - 19 - 47 - 14

14- گذشت از خطاکاران و دعا برای آنان ، خصلتی نیکو و از صفات پیامبران است .

لَأَرْجَمَنَّكِ وَاهْجُرَنِي .. سَأَسْتَغْفِر لَكَ رَبِّي

65- دنیاطلبی خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

20 - فجر - 89 - 24 - 3

3 - خطاکاران ، زندگانی اخروی خویش را فاقد توشه های لازم دیده و در حسرت فرصت های بر باد رفته بسر می برند .

يَلِيْتَنِي قَدَمْت لِحَيَاتِي

66- روش برخورد با خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

7 - توبه - 9 - 118 - 10،18

10 - مبارزه منفی و تحریم روابط با خطاکاران ، از روش های مؤثر و سازنده در برخورد با آنان

ضَاقَات عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ .. وَظَنُوا أَن لَّا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ

برداشت فوق با توجه به شأن نزول آیه شریفه است که مسلمانان، با متخلفان از جنگ تبوک، قطع رابطه کردند.

18 - فراهم آوردن زمینه و شرایط مناسب توبه برای خطاکاران - پس از یک دوره مبارزه منفی - از روش های مؤثر و سازنده در اصلاح

آنان

وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خَلَّفُوا حَتَّىٰ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ .. ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

15 - يس - 36 - 20 - 13

13 - داشتن ملاطفت و برخورد محبت آمیز ، روشی پسندیده و بایسته در تبلیغ دین و برخورد با افراد خاطی و گناه کار

قال يقوم اتبعوا المرسلین

ص: 335

67- سبکی عمل خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قارعه - 101 - 8 - 5

5 - کردار خطاپیشگان ، در قیامت سبک و بی ارزش خواهد بود .

فأما من ثقلت موزینه

68- طعام خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 37 - 1

1 - « غسلین » (خونابه و چرک) ، غذای مخصوص خطاپیشگان در قیامت

غسلین . لایاکله إلا الخطون

69- عذاب خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 26 - 1

1 - خداوند در قیامت ، خطاکاران را چنان به بند می کشد که از هیچ کس ساخته نیست .

و لایوثق وثاقه أحد

ضمیر «وثاقه» به «رَبِّک» در آیات پیشین برمی گردد. «وثاق» اسم مصدر برای «ایثاق» (به بند کشیدن) است؛ نظیر عطا و اعطاء. این کلمه به معنای آنچه چیزی را با آن ببندند، نیز آمده است (مفردات راغب)، ولی این معنا با ترکیب آیه شریفه سازگار نیست.

70- عفو از خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 100 - 27

27- گذشت از خطاکاران پشیمان و تائب و یاد نکردن از خطاهای ایشان ، خصلتی نیکو و خلقی پسندیده است .

من بعد أن نزع الشيطان بينى وبين إخوتى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

12 - مؤمنون - 23 - 96 - 7

ص: 336

7 - « عن أبي عبدالله (ع) قال : بعث أمير المؤمنين (ع) إلى بشر بن عطار التميمي في كلام بلغه فمرّ به رسول أمير المؤمنين (ع) في بني أسد وأخذهم فقام إليه نعيم بن دجاجه الأسدي فأفلقته فبعث إليه أمير المؤمنين (ع) فأتوه به وأمر به أن يضرب فقال له نعيم : أما والله إنَّ المقام معك لذلل وإنَّ فراقك لكفر قال : فلما سمع ذلك منه قال له : يا نعيم قد عفونا عنك إنَّ الله - عزَّ وجلَّ - يقول : « ادفع بالتي هي أحسن السيئه » . . . » ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که امیرالمؤمنین(ع) به علت سخنی که بشر بن عطار تمیمی گفته بود [شخصی را] سراغ او فرستاده. فرستاده امام او را در بنی اسد یافت و بازداشت کرد. نعییم بن دجاجه اسدی برخاست و او را آزاد نمود. امیرالمؤمنین(ع) سراغ نعییم فرستاد و او را آوردند و دستور داد او را بزنند. نعییم گفت: به خدا ماندن با تو ذلت است و جدا شدن از تو کفر است راوی گوید: امام(ع) که این را از او شنید، فرمود: ای نعییم! تو را بخشیدم؛ زیرا خدای - عزَّوجلَّ - می فرماید: «ادفع بالتي هي أحسن السيئه»...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 43 - 4

4 - تنها انسان های صابر و شکیبا ، قادر به عفو و بخشش خطاکاران اند .

و لمن صبر و غفر إنَّ ذلك لمن عزم الأمور

ذکر صبر قبل از غفران، می تواند اشاره به این نکته داشته باشد که اگر روحیه شکیبایی نباشد؛ آتش انتقام در انسان شعلهور شده و مانع عفو و گذشت می شود.

71- عفو خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 92 - 9

9- گذشت از خطاکاران و دعا برای آمرزش آنان ، خصلتی نیکو و از صفات محسنان است .

فإن الله لا يضيع أجر المحسنين . . لا تثریب علیکم الیوم یغفر الله لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 98 - 9

9- گذشت از خطاکاران و دعا برای آنان ، خصلتی نیکو و از صفات پیامبران الهی است .

یأبانا استغفر لنا .. قال سوف أستغفر لکم ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 74 - 3

3- پذیرفتن عذرخواهی خطاکاران و قبول درخواست عفو و گذشت آنان ، از صفات اولیای الهی است .

لاتواخذنی بما نسیت .. فانطلقا

ص: 337

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 47 - 4

4- ابراهیم (ع) به هدایت شدن آزر، در عین اصرار و تعصب او بر بت پرستی امیدوار بود.

سأستغفر لك ربّي

ممکن است مراد ابراهیم(ع) از طلب مغفرت، طلب مقدمات مغفرت (ترک بت پرستی) باشد، زیرا آن حضرت از هدایت یافتن آزر ناامید نشده بود و لذا سعی در رام کردن او از طریق برانگیختن احساسات وی داشت.

72- قبول عذر خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 74 - 3

3- پذیرفتن عذرخواهی خطاکاران و قبول درخواست عفو و گذشت آنان، از صفات اولیای الهی است.

لا تَوَاخِذْنِي بِمَا نَسِيتُ .. فانطلقا

73- مؤاخذه خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عادیات - 100 - 11 - 6

6- ربوبیت خداوند، مقتضی حسابرسی و مؤاخذه خطاکاران است.

إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ

74- مهلت به خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 76 - 3

3- مهلت دادن به خطاکاران و فراموش کاران تا سه مرتبه، امری روا است.

قال إن سألتك عن شيء بعدها فلا تصحبنى

موسی(ع) در صورت تکرار ناشکیبایی برای بار سوم و عمل بر خلاف توصیه خضر، خود را مستحق جدایی و محرومیت از مصاحبت خضر(ع) دانست. بنابراین، می توان گفت که تا سه مرتبه مهلت دادن به افراد، کاری قابل قبول است.

ص: 338

75- هدایت خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 40 - 7

7 - در مقابله با بدی، تنها عفو و گذشت کارساز نیست؛ بلکه باید درصدد هدایت خطاکار برآمد. *

فمن عفا و أصلح

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «أصلح» توضیح و نتیجه «عفی» نباشد بلکه حامل پیام مستقل باشد.

76- خطای باصره

{ خطای باصره }

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 13 - 10،13

10 - امکان خطای چشم (حواس ظاهری)

یرونهم مثلهم رأی العین

13 - جلوه غیر واقعی تعداد نیروها در جنگ بدر، امدادی از سوی خداوند برای مؤمنان

یرونهم مثلهم رأی العین و الله یؤید بنصره من یشاء

77- خطای باصره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 44 - 4،8،1

1 - خداوند به هنگام رویارویی و شروع جنگ بدر، هر یک از دو سپاه ایمان و کفر را در نظر دیگری اندک نمایان ساخت.

وإذ یریکموهم إذالتقیم فی أعینکم قلیلا

4 - وقوع جنگ بدر با فرجام پیروزی مسلمانان در آن نبرد، هدف از تصرف خداوند در دید هر یک از دو سپاه و کم نمایاندن هر یک در

نظر دیگری

إذ يريكموهم إذالتقيتم في أعينكم قليلا . . ليقضى الله أمرا كان مفعولا

8 - کم نمایاندن هر یک از دو سپاه در جنگ بدر در نظر یکدیگر ، امری شایسته و بایسته به یاد داشتن

إذ يريكموهم إذالتقيتم في أعينكم قليلا و يقللكم في أعينهم

برداشت فوق مبتنی بر این است که «إذا» مفعول برای فعل مقدر «اذکروا» باشد.

ص: 339

1- آثار احساس خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 10 - 5

5- وجود پیوند عمیق روحی - عاطفی در مادر ، نسبت به فرزند خود و بروز آن به هنگام احساس خطر برای وی

و أصبح فواد أم موسى فرغا إن كادت لتبدي به لولا أن ربطنا على قلبها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 65 - 4

4- احساس خطر ، زمینه بیدار شدن فطرت خداجوی آدمی است .

فإذا ركبوا في الفلك دعوا الله مخلصين له الدين

2- آثار خطر مسافرت دریایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 67 - 1

1- لحظه های خطر آفرین سفر های دریایی ، زمینه بروز گرایش انسان به خدای یگانه و رویکرد به او و از یاد بردن غیر او

و إذا مسكم الضرّ في البحر ضلّ من تدعون إلاّ إياه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 65 - 1

1 - مشرکان به هنگام حادثه ای مخاطره آمیز در دریا ، خداوند را مخلصانه می خوانند .

فإذا ركبوا في الفلك دعوا الله مخلصين له الدين

3- آثار نجات از خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 67 - 10، 6

6- انسان ها پس از رهایی از خطر های مرگ آفرین ، خدا را فراموش می کنند و از حق روی گردان می شوند .

فلما نجَّكم إلى البرِّ أعرضتم

10- غفلت از یاد خدا در پی نجات از خطرات ، برخاسته از خصلت حق ناشناسی شدید انسان است .

فلما نجَّكم إلى البرِّ أعرضتم و كان الإنسان كفورًا

جمله «و كان الإنسان كفورًا» - که بیانگر یک خصلت عام همه انسانهاست - به منزله تعلیل برای مطالب قبل است.

4- احساس خطر اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 24 - 4

4- احساس خطر اشراف ، از پیام توحیدی نوح (ع)

يقوم اعبدوا الله ما لكم من إله غيره فقال المملؤا الذين كفروا من قومه ما هذا إ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 116 - 4

4- احساس خطر اشراف و زمامداران قوم نوح از گسترش دعوت وی

قالوا لئن لم تنته ينوح لتكونن من المرجومين

تهدید سران قوم نوح به سخت ترین مجازات همچون رجم، نشانگر نگرانی شدید آنان است.

5- احساس خطر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- قیامت، روز احساس خطر؛ حتی از نزدیک ترین خویشاوندان خود*

يفرّ المرء من أخيه

فرار از برادر، حاکی از خطری است که باقی ماندن در کنار او، آن را محتمل می سازد؛ چه خطری باشد که فرار از آن سودی نمی

ص: 341

بخشد (نظیر گذشت نکردن برادر از حقوقی که برادرش آن را پایمال کرده است) و چه خطری که توهمی بیش نیست (نظیر این گمان که اگر بماند به آتش او بسوزد).

6- احساس خطر رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 6 - 3

3- احساس خطر سران کفر و شرک، از دعوت پیامبر اسلام به توحید و نفی شرک و نفوذ آن حضرت در میان توده ها

و اصبروا علی ءالہتکم

فراخواندن مردم به پراکنده شدن از اطراف رسول خدا (صلی اللہ علیہ و آلہ) و پایداری بر آیین شرک، گویای برداشت یاد شده است.

7- احساس خطر رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 6 - 3

3- احساس خطر سران کفر و شرک، از دعوت پیامبر اسلام به توحید و نفی شرک و نفوذ آن حضرت در میان توده ها

و اصبروا علی ءالہتکم

فراخواندن مردم به پراکنده شدن از اطراف رسول خدا (صلی اللہ علیہ و آلہ) و پایداری بر آیین شرک، گویای برداشت یاد شده است.

8- احساس خطر فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 123 - 6،7

6- فرعون، ایمان ساحران را به موسی (ع)، خطری برای موقعیت و حکومت خویش احساس کرد.

إن هذا لمکر مکرتموه فی المدینہ لتخرجوا منها أهلها

7- فرعون با توطئه گر خواندن موسی (ع) و ساحران، براندازی حکومت فرعونیان و بیرون راندن ایشان را، از پایتخت مصر از اهداف توطئه آنان شمرد.

إن هذا لمکر... لتخرجوا منها أهلها

مراد از «أهلها» هم می تواند فرعون، درباریان و وابستگان به او باشد و هم می تواند مراد از آن تمامی ساکنان مصر باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 342

6- وحشت و احساس خطر فرعون ، هامان و قارون از گسترش آیین موسی و قوت گرفتن پیروان آن حضرت

قالوا اقتلوا أبناء الذين آمنوا معه

از فرمان فرعون و .. به قتل ایمان آورندگان به موسی(ع)، برداشت یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 22 - 3

3- رسالت موسی (ع) ، خطری جدی برای فرعون و تحریک کننده او به مقابله ای پی گیر در برابر آن

ثم ادبر يسعی

9- احساس خطر قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 25 - 6

6- وحشت و احساس خطر فرعون ، هامان و قارون از گسترش آیین موسی و قوت گرفتن پیروان آن حضرت

قالوا اقتلوا أبناء الذين آمنوا معه

از فرمان فرعون و .. به قتل ایمان آورندگان به موسی(ع)، برداشت یاد شده استفاده می شود.

10- احساس خطر متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 11 - 20

20- انگیزه اصلی متخلفان از سفر حدیبیه ، گریز از خطرات احتمالی و حفظ منافع دنیوی خود

قل فمن يملك لكم من الله شيئاً إن أراد بكم ضرراً أو أراد بكم نفعاً

11- احساس خطر مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - درماندگی ، اضطراب و احساس خطر مرگ ، عرصه ظهور فطرت توحیدی انسان و روی برتافتن از شرک

و جاءهم الموج من كل مكان . . . دعوا الله مخلصين له الدين

14 - مردم هنگام درماندگی و خطر مرگ ، به درگاه خدا دعا کرده و همراه با سوگند ، قول می دهند که جزو سپاسگزاران او

ص: 343

خواهند بود .

و ظنوا أنهم أحيط بهم دعوا الله مخلصين له الدين لئن أنجيتنا من هذه لنكوننّ من ال

15 - انسان های ناسپاس ، به هنگام احساس خطر مرگ (غرق شدن و . . .) با خدا پیمان مؤکد می بندند که : اگر از آن ورطه نجات یابند ، هرگز گرد گناه نگردند و به جرگه بندگان شاکر و سپاسگزارش پیوندند .

و ظنوا أنهم أحيط بهم دعوا الله . . . لئن أنجيتنا من هذه لنكوننّ من الشكرين

16 - در ماندگی ، اضطراب و احساس خطر مرگ ، عرصه بریده شدن امید انسان از غیر خدا

و ظنوا أنهم أحيط بهم دعوا الله مخلصين له الدين لئن أنجيتنا من هذه لنكوننّ من ال

17 - در ماندگی ، اضطراب و احساس خطر مرگ ، عرصه به خاطر آمدن کرده های زشت ، اظهار ندامت و شرمساری در پیشگاه خدا و پوزش طلبی انسان از آن خطا ها و ناسپاسیها

و ظنوا أنهم أحيط بهم دعوا الله . . . لنكوننّ من الشكرين

12- احساس خطر ملکه سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 32 - 5

5- احساس خطر جدی ملکه سبا از نامه سلیمان و تلاش وی برای تحکیم روابط در درون دربار

أفتونی فی امری ما کنت قاطعه امرًا حتّی تشهدون

در صورتی که کار مشاوره برای بلقیس امری معمولی بود، وی نیازی نداشته تا در خصوص این موضوع، بر شیوه مشاوره خود تأکید کند. احتمال می رود این تأکید از آن جهت باشد که موضوع را بسیار جدی و خطرناک تلقی کرده و با این سخنان سعی داشته تا دل درباریان را به دست آورد و آنان را با خود همراه سازد.

13- احساس خطر مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 18 - 8

8 - اقدام مؤمنان ، به بیعت رضوان ، علی رغم همه نگرانی ها و احساس خطر ها *

یبایعونک تحت الشجره فعلم ما فی قلوبهم

می توان گفت: مراد از «ما فی قلوبهم» - به قرینه «فأنزل السکینه» - نوعی اضطراب و نگرانی و احساس خطر نسبت به رخدادهای آینده آن سفر باشد.

ص: 344

14- احساس خطر نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 27 - 8

8 - نگرانی و احساس خطر نوح (ع) ، درباره به خطر افتادن ایمان مؤمنان و نسل های آینده جامعه ، از سوی کافران حق ناپذیر و گمراه گر قوم خود

إِنكُ إِن تذرهم يضلُّوا عبادك و لا يلدوا إلا فاجراً كَفَّارًا

15- احساس خطر هامان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 25 - 6

6 - وحشت و احساس خطر فرعون ، هامان و قارون از گسترش آیین موسی و قوت گرفتن پیروان آن حضرت

قالوا اقتلوا أبناء الذين ءامنوا معه

از فرمان فرعون و .. به قتل ایمان آورندگان به موسی (ع)، برداشت یاد شده استفاده می شود.

16- احساس خطر یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 14 - 3

3- فرزندان یعقوب با یادآور شدن کثرت نیرو و توان خویش ، نگرانی او (احساس خطر حمله گرگ ها به یوسف) را نابه جا شمردند .

أخاف .. قالوا لئن أكله الذئب و نحن عصبه

17- احساسات خطر برای بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 63 - 8

8- احساس خطر برای بنیامین ، دلیل یعقوب (ع) بر عدم موافقتش با مسافرت وی

جلوگیری می کرد. جمله «إنا له لحافظون» می رساند که از دلایل این امر، احساس خطر ب

ص: 345

18- امکان عذاب نجات یافتگان از خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 69 - 3

3- امکان بازگشت دوباره نجات یافتگان از خطر دریا به آن و گرفتار شدن به طوفان دریایی و غرق شدن

أم أمنتهم أن يعيدكم فيه تاره أخرى

19- انذار نجات یافتگان از خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 68 - 1

1- هشدار خداوند به حق ناسپاسان رهیده از خطرات و مشکلات ، به دچار شدن به خطرات و مهلکه های دیگر

فلما نج بكم إلى البرّ أعرضتم .. أفأمنتهم أن يخسف بكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 69 - 1

1- هشدار خداوند به حق ناسپاسان رهیده از خطر ، به دچار آمدن در همان مهلکه

أم أمنتهم أن يعيدكم فيه تاره أخرى

20- انسان پس از رفع خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 23 - 2

2- مردم پس از رهایی از اضطرار و خطر مرگ ، پیمان خود را با خدا می شکنند و به ناسپاسی و تجاوز از حق می پردازند .

لئن أنجيتنا من هذه لنكوننّ من الشكرين. فلما أنجيتهم إذا هم يبيغون في الأرض بغير ال

21- انسان های ناسپاس هنگام خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - انسان های ناسپاس ، به هنگام احساس خطر مرگ (غرق شدن و . . .) با خدا پیمان مؤکد می بندند که : اگر از آن ورطه نجات یابند ، هرگز گرد گناه نگردند و به جرگه بندگان شاکر و سپاسگزارش پیوندند .

وظنوا أنهم أحيط بهم دعوا الله . . . لئن أنجيتنا من هذه لنكوننّ من الشكرين

ص: 346

22- اهمیت پیش بینی خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 19 - 34

34- لزوم شناسایی خطرات احتمالی و آمادگی برای مقابله با آن و تلاش برای آسیب ندیدن از سوی دشمنان

و لا یشرعنّ بکم أحداً

23- اهمیت مصونیت از خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 37 - 8

8 - ایمن بودن از هر گزند و خطری ، مطلوب و پسندیده است .

و هم فی الغرفتء امنون

24- حاکمان هنگام خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 35 - 7

7- به تواضع نشستن حاکمان مستبد و زورمدار ، هنگام احساس خطر و اضطرار

فماذا تأمرون

مشورت خواهی از شخصی چون فرعون که می گوید «لئن اتّخذت إلهًا غیری. . .»، نشانگر حالت اضطرار و ناگزیری او است.

25- خطر اختلاف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 152 - 11

11 - جامعه ایمانی در معرض خطر سستی ، تفرقه و سرپیچی از رهبری صالح خویش ، پس از نیل به پیروزی

حتّی اذا فشلتم . . . من بعد ما اریکم ما تحبّون

26- خطر اختلاف بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 94 - 11

11 - بنی اسرائیل در خطر تشتت و تفرقه ، در صورت اقدام عملی و جدی هارون (ع) برای مقابله با گوساله پرستان

إتی خشیت أن تقول فرقت بین بنی إسرئیل

27- خطر ارتجاع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 144 - 8

8 - خطر واپسگرایی مردم صدر اسلام از مسیر رهبری ، پس از رحلت یا شهادت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و ما محمد الا رسول . . . افاین مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم

28- خطر ارتداد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 133 - 5

5 - امت ها ، در خطر ارتداد پس از مرگ پیامبرانشان

إذ حضر یعقوب الموت إذ قال لبنيه ما تعبدون من بعدی

29- خطر ارتکاب گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 35 - 11

11 - ضرورت فاصله گرفتن از محدوده گناه ، در صورتی که آدمی در خطر ارتکاب آن گناه باشد .

و لا تقربا هذه الشجرة فتكونا من الظلمین

30- خطر ازدیاد جمعیت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 4 - 10

ص: 348

10 - خطر آفرینی افزایش جمعیت قوم بنی اسرائیل و جوانان آن ، برای حکومت فرعون

یذبح أبناءهم

31- خطر استکبار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 88 - 6

6 - اشراف و بزرگان هر قوم در معرض استکبار و حق ناپذیری هستند .

قال المأذون استکبروا من قومه

32- خطر اغواگری ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 82 - 7

7 - همه انسان ها ، در معرض اغواگری ابلیس قرار دارند .

لأغویتهم أجمعین

33- خطر اغواگری شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 21 - 12

12 - مؤمنان نیز همچون دیگر مردمان ، در معرض پیروی از شیطان و گرفتار شدن به زشتی ها و ناپسندی ها (فحشا و منکرات) قرار دارند .

یأیها الذین ءامنوا لاتتبعوا خطوت الشیطن .. فإِنَّه یأمر بالفحشاء و المنکر

هشدار خداوند به مؤمنان از ارتکاب به فحشا و منکر و پیروی از شیطان، گویای حقیقت یاد شده است.

34- خطر التقاط در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15- معارف و حقایق الهی همواره در خطر مشوب شدن و آمیخته گشتن به اموری باطل است .

أنزل من السماء . . فاحتمل السيل زبداً رايياً و مما يوقدون . . زيد مثله

ص: 349

35- خطر انحراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 101 - 12

12 - معتقدان به مکاتب الهی، حتی عالمان دینی و دانایان به کتاب های آسمانی، در خطر انحراف و حق پوشی هستند.

نبد فريق من الذين أوتوا الكتب كتب الله وراء ظهورهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 77 - 4

4 - پیروان ادیان الهی در خطر غلو و انحراف از دین خویش

ياهل الكتب لاتغلوا فی دینکم

36- خطر انحراف در ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 120 - 22

22 - ادیان الهی، در خطر آمیخته شدن به افکار و اندیشه های برخاسته از هوا های نفسانی

لئن اتبعت أهواءهم

37- خطر انحراف در شهر نشینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 101 - 14

14 - شهرنشینی با وجود در پی داشتن فرهنگ بالاتر، خطر نفاق و پیچیده تر شدن در طریق انحراف را نیز در پی دارد.

الأعراب أشد کفراً و نفاقاً .. و من أهل المدینه مردوا علی النفاق

در آیه «97» با مذمت بادیه نشینان - به خاطر فرهنگ پایینشان - تلویحاً پیوستن به مجامع بزرگ را تمجید می کند و در این آیه، منافقان اهل مدینه را به مهارت داشتن در نفاق و زبر دست بودن بر بادیه نشینان متهم می کند؛ یعنی، در کنار آن ارزش، چنین ضد ارزشی بروز می کند.

38- خطر انحراف زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 6 - 4

4- زنان و مردان مؤمن ، همواره در معرض خطر انحراف و افتادن در ورطه گناه آتش افروز

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا

مطلب یاد شده، از خطاب به مؤمنان (یا ایها الذین آمنوا) استفاده می شود.

39- خطر انحراف مردان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 6 - 4

4- زنان و مردان مؤمن ، همواره در معرض خطر انحراف و افتادن در ورطه گناه آتش افروز

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا

مطلب یاد شده، از خطاب به مؤمنان (یا ایها الذین آمنوا) استفاده می شود.

40- خطر انعطاف پذیری رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 74 - 7

7- رهبران دینی ، در معرض خطر عقب نشینی از برخی مواضع اصولی خویش ، در برابر کافران

و لولا أن ثبتتک لقد کدت ترکن إلیهم شیئاً قليلاً

41- خطر انقراض جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 133 - 12

12 - خطر انقراض و نابودی نسل یک جامعه، هشدار خداوند به جوامع کافر ستم پیشه

إن يشأ يذهبكم . . . كما أنشأكم من ذريه قوم ءآخرين

ص: 351

42- خطر بدفهمی دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 5 - 8

8- دین و معارف الهی ، در معرض کج فهمی و تحریف معنوی با توطئه فریبکاران

و لا یغرنکم باللّٰه الغرور

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که فریب خوردن انسان به وسیله فریبکاران درباره خداوند و دین او، می تواند با تحریف معارف الهی و معرفی نادرست آن صورت پذیرد.

43- خطر بلایای طبیعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 68 - 7

7- انسان ها ، همواره در معرض خطرات ناشی از رخداد های طبیعی اند .

ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَٰهًا فَلَمَّا نَجَّكُمْ إِلَى الْبَرِّ . . . يَخْسِفُ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرْسِلُ

44- خطر بی احترامی به والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 23 - 13

13- پدران و مادران در سن پیری و سالخوردگی ، در معرض بی احترامی از سوی فرزندان هستند .

إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ . . . فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا

خطاب مطلق احسان به والدین، شامل هر والدینی در هر سن و سالی می شود. ذکر «إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ» ممکن است جهت یادآوری نکته یاد شده باشد.

45- خطر پیروی از بدعت گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 150 - 9

9 - خطر پیروی از تمایلات منحرفان و بدعتگذاران در کمین مؤمنان است.

و لا تتبع أهواء الذين كذبوا بآيتنا

گر چه «لا تتبع . . .» خطاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله) است، ولی روی سخن در حقیقت با همه مؤمنان است.

ص: 352

46- خطر پیروی از منحرفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 150 - 9

9- خطر پیروی از تمایلات منحرفان و بدعتگذاران در کمین مؤمنان است.

و لا تتبع أهواء الذين كذبوا بآيتنا

گر چه «لا تتبع . . .» خطاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله) است، ولی روی سخن در حقیقت با همه مؤمنان است.

47- خطر تجاوز تاتار ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 94 - 3

3- خطر هجوم یاجوج و ماجوج (مغول و تاتار) و تأمین امنیت ، عمده ترین مشکل مردم نواحی شمالی در زمان ذوالقرنین بود .

إنّ یاجوج و ماجوج مفسدون فی الأرض

48- خطر تجاوز ماجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 94 - 3

3- خطر هجوم یاجوج و ماجوج (مغول و تاتار) و تأمین امنیت ، عمده ترین مشکل مردم نواحی شمالی در زمان ذوالقرنین بود .

إنّ یاجوج و ماجوج مفسدون فی الأرض

49- خطر تجاوز مغولان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 94 - 3

3- خطر هجوم یاجوج و ماجوج (مغول و تاتار) و تأمین امنیت ، عمده ترین مشکل مردم نواحی شمالی در زمان ذوالقرنین بود .

إنّ یاجوج و ماجوج مفسدون فی الأرض

50- خطر تجاوز یا جوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 94 - 3

3- خطر هجوم یا جوج و مأجوج (مغول و تاتار) و تأمین امنیت ، عمده ترین مشکل مردم نواحی شمالی در زمان ذوالقرنین بود .

إِنَّ يَأْجُوجَ وَ مَأْجُوجَ مَفْسُدُونَ فِي الْأَرْضِ

51- خطر تحریف دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 5 - 8

8 - دین و معارف الهی ، در معرض کج فهمی و تحریف معنوی با توطئه فریبکاران

و لا یغرنکم باللّٰه الغرور

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که فریب خوردن انسان به وسیله فریبکاران درباره خداوند و دین او، می تواند با تحریف معارف الهی و معرفی نادرست آن صورت پذیرد.

52- خطر تزویر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 49 - 11، 9

9 - ضرورت هشیاری حاکمان و قاضیان نسبت به تزویر دسیسه گران ، برای منحرف ساختن آنان از حکم و داوری بر پایه تعالیم قرآن

و احذرهم ان یفتنوک عن بعض ما أنزل اللّٰه إلیک

11 - دست شستن از تعالیم و احکام قرآن بر اثر تزویر دسیسه گران ، در پی دارنده سختی ها و ناگواریها

و احذرهم ان یفتنوک عن بعض ما أنزل اللّٰه إلیک

«یفتنوک» ای: یوقعوک فی بلیه و شده ... (مفردات راغب) یعنی مبدا تو را با منصرف کردن از احکام الهی در عذاب و ناراحتی قرار دهند.

53- خطر تصرف در مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 34 - 2

2- مال یتیم وسوسه انگیز و زمینه ساز لغزش انسان با تصرف به ناحق در آن است .

ص: 354

و لا تقربوا مال الیتیم إلاّ بالتی هی أحسن

به کار رفتن واژه «لا تقربوا» (نزدیک نشوید) به جای «لا تأکلوا و لا تصرفوا» (نخورید و تصرف نکنید) ممکن است به این دلیل باشد که: اموال یتیمان به دلیل حامی جدّی نداشتن، در معرض دخل و تصرفهای عدوانی و حیف و میلهای به ناحق است.

54- خطر تضییع حقوق مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 188 - 11

11 - حاکمان و قاضیان ، در خطر رشوه خواری و تضییع حقوق مردم

و تدلّوا بها إلى الحکام لتأکلوا فریقاً من أموال الناس بالأثم

55- خطر تکبر ثروتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 15 - 7

7 - عجب و خودپسندی ، خطری در کمین ثروت مندان ؛ حتی کسانی که نعمت ها را وابسته به خداوند دیده و به ربوبیت او ایمان دارند .

رَبِّی أکرمن

واژه «رَبِّی»، نشانگر مؤمن بودن گوینده آن به ربوبیت خداوند است. بنابراین گرچه «الإنسان» مطلق است؛ ولی سخن درباره خداپرستان است.

56- خطر تکبر مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 15 - 7

7 - عجب و خودپسندی ، خطری در کمین ثروت مندان ؛ حتی کسانی که نعمت ها را وابسته به خداوند دیده و به ربوبیت او ایمان دارند .

رَبِّی أکرمن

واژه «رَبِّی»، نشانگر مؤمن بودن گوینده آن به ربوبیت خداوند است. بنابراین گرچه «الإنسان» مطلق است؛ ولی سخن درباره خداپرستان است.

57- خطر تهمت به ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 88 - 11

11 - لزوم هشیاری در برابر جعل و منتسب سازی عقاید انحرافی و ساختگی به پیامبران و مکتب آنان

هذا إلهکم وإله موسیٰ فنسی

نقل افترای سامریان به موسیٰ (ع) و مطرح ساختن عقاید انحرافی خویش، به عنوان عقاید موسیٰ (ع)، هشدار به همه، به ویژه پاسداران ادیان الهی است که همواره خطر جعل و دروغ بستن به پیامبران الهی، در مهم ترین بنیان های جهان بینی وجود دارد.

58- خطر تهمت به انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 88 - 11

11 - لزوم هشیاری در برابر جعل و منتسب سازی عقاید انحرافی و ساختگی به پیامبران و مکتب آنان

هذا إلهکم وإله موسیٰ فنسی

نقل افترای سامریان به موسیٰ (ع) و مطرح ساختن عقاید انحرافی خویش، به عنوان عقاید موسیٰ (ع)، هشدار به همه، به ویژه پاسداران ادیان الهی است که همواره خطر جعل و دروغ بستن به پیامبران الهی، در مهم ترین بنیان های جهان بینی وجود دارد.

59- خطر جادوگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فلق - 113 - 4 - 4

4 - پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در معرض خطر از سوی جادوگران و کسانی که با دمیدن در گره هایی مخصوص، درصدد آزار دادن آن حضرت بودند.

و من شرّ النّفّ-ثت فی العقد

60- خطر جنگ در دوران داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- مردمی که با داوود (ع) زندگی می کردند، در معرض هجوم نظامی دشمن قرار داشتند.

داود . . . و علمنه صنعه لبوس لکم لتحصنکم من بأسکم

آیه شریفه در مقام امتنان بر مردمی است که با داوود(ع) زندگی می کردند؛ زیرا مخاطب «کم» در این آیه آنان هستند. این امتنان

ص: 356

آن گاه صحیح است که آنان در معرض هجوم دشمن و مبتلا شدن به خطرات آن باشند.

61- خطر حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 16 - 4

4- مترفان و صاحبان مال و منال بیش از دیگران در معرض نافرمانی خدا و حق ناپذیری قرار دارند .

أمرنا مترفها ففسقوا فيها

برداشت فوق مبتنی بر این است که مفعول «أمرنا» کلمه محذوفی چون «بالطاعة» و .. باشد. بنابراین معنای آیه چنین می شود: ما مترفان جامعه را به طاعت و بندگی فرمان می دهیم، ولی آنان برخلاف انتظار راه فسق و نافرمانی پیشه می سازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 88 - 6

6 - اشراف و بزرگان هر قوم در معرض استکبار و حق ناپذیری هستند .

قال المأذون استكبروا من قومه

62- خطر حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 68 - 7

7- انسان ها ، همواره در معرض خطرات ناشی از رخداد های طبیعی اند .

ضلّ من تدعون إلاّ إياه فلما نجّكم إلى البرّ . . . يخسف بكم جانب البرّ أو يرسل

63- خطر در کشتی قصه یونس (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 141 - 2

2- وجود خطر برای کشتی حامل یونس (ع) و رفع آن ، با افکنده شدن یک نفر به دریا

إذ أبق إلى الفلك المشحون . فساهم فكان من المدحضين

ص: 357

64- خطر دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 63 - 1

1 - خداوند، نجاتبخش گرفتاران در تاریکیها و تنگناهای هول انگیز خشکی و دریاست.

قل من ینجیکم من ظلمت البر و البحر تدعونه

65- خطر دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 102 - 20

20 - حفظ آمادگی نظامی و تدارکاتی در برابر خطر هجوم دشمنان ، وظیفه مسلمانان

ووالذین کفروا لو تغفلون عن اسلحتکم و امتعتکم فیمیلون علیکم میله واحده

66- خطر دنیا طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 174 - 9

9 - دنیاگرایی خطری بزرگ برای عالمان دینی و آگاهان به کتب آسمانی

إن الذین یکتُمون ما أنزل اللّٰه من الکتب و یشترون به ثمناً قليلاً .. لهم عذاب الی

67- خطر دنیا طلبی محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 28 - 19

19- پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در صورت نزدیک شدن به رفاه مندان و بریدن از مؤمنان تهیدست، در خطر گرایش به جلوه های دنیا بود.

و لاتعد عیناک عنهم ترید زینه الحیوه الدنیا

68- خطر دین فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 44 - 36

ص: 358

36 - مسؤولان قضایی و عالمان دینی ، در خطر دین فروشی و سوداگری با آیات الهی

و لا تشتروا بایتی ثمنًا قليلا

69- خطر رشوه خواری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 188 - 11

11 - حاکمان و قاضیان ، در خطر رشوه خواری و تضييع حقوق مردم

و تدلوا بها إلى الحكام لتأكلوا فريقاً من أموال الناس بالآثم

70- خطر رفاه طلبی در مسلمانان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 131 - 4

4 - مسلمانان صدراسلام ، بر اثر مشاهده رفاه کافران ، در خطر توجه به زر و زیور دنیا بودند .

و لا تمدنّ عینیک إلى ما متّعنا به أزواجًا منهم

این آیه گرچه خطاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله) است؛ ولی ممکن است مراد از آن، تربیت مسلمانان باشد و در صورتی که شخص آن حضرت مراد باشد، این خطر برای دیگر مسلمانان قوی تر خواهد بود.

71- خطر ریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 80 - 10

10 - اعمال انسان ، همواره در معرض آمیخته شدن به ناخالصیهاست .

ربّ أدخلنی مدخل صدق و أخرجنی مخرج صدق

از اینکه خداوند به پیامبرش امر می کند که «برای کسب اخلاص و صداقت از او استمداد بطلبید» استفاده می شود که اعمال آدمی در معرض ابتلا به ریاست.

72- خطر سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 8 - 11

ص: 359

11 - انسان ، در معرض انواع گرفتاری ها و مصیبت ها

و إذا مسّ الإنسان ضررٌ .. ثمّ إذا خوّله نعمه منه نسي ما كان يدعوا إليه من قبل

73- خطر سنگساری اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 20 - 1

1- اصحاب كهف ، خود را در صورت اسارت به دست كافران ، محكوم به سنگ سار و یا مجبور به پذیرش آیین شرک می دیدند .

إنّهم إن يظهروا عليكم يرجموكم أو يعيدوكم في ملّتهم

«مَلَّة» به معنای دین و آیین است و جمله «يعيدوكم في ملّتهم» یعنی: شما را به دین و آیین خود، برمی گردانند.

74- خطر شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 51 - 6

6 - هشدار خداوند به مؤمنان در مورد خطر گرایش آنان به کفر و شرک

الم تر الى الذين اوتوا نصيباً من الكتب يؤمنون بالجبت والطاغوت

مخاطب قرار دادن مؤمنان و سپس بیان سرنوشت شرک آلود اهل کتاب، تعریضی به مخاطبان است که چنین خطری شما را نیز تهدید می کند و هشیار باشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 22 - 5

5- همه انسان ها ، در معرض خطر شرکند .

لا تجعل مع الله إلهاً آخر

برداشت فوق مبتنی بر این است که «لا تجعل» خطاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز باشد. بنابراین از اینکه پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز مخاطب این هشدار قرار گرفته است، معلوم می شود که ابتلای به شرک خطری است همگانی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- انسان ، همواره در معرض ابتلا به شرک و نیازمند به هشدار است . *

لا تجعل مع الله إلهاء اخر . . . وقضى ربك ألا تعبدوا إلا إياه . . . لا تجعل مع ال

تأکید بر پرهیز از شرک در این مجموعه آیات (آیه 22 - 38) که درباره مباحث مختلف خانوادگی و اجتماعی است بیانگر این نکته است که احتمال لغزش انسانها زیاد است و باید به آنها توجه داده شود.

ص: 360

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 59 - 3

3 - شرک ، خطری جدی در مسیر انسان ها است .

و الذین هم برّهم لایشركون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 213 - 3

3 - ابتلای به شرک ، خطری جدی در مسیر عقیده و عمل انسان

فلا تدع مع الله إلهًا آخر

نهی الهی - آن هم در ظاهر خطاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله) - نشانگر آن است که اصولاً انسان در معرض چنین خطری قرار دارد؛ زیرا وقتی آن حضرت مورد هشدار قرار گیرد، تکلیف دیگران روشن است.

75- خطر شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 98 - 5

5 - حضور شیاطین ، خطر آفرین برای انسان

و أعوذ بک ربّ أن یحضرون

از آیه فوق استفاده می شود: در آنجا که شیاطین حضور دارند، انسان بیشتر در معرض خطر قرار می گیرد و آنجا که آنها حضور ندارند، ایمن تر است.

76- خطر شیاطین انس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ناس - 114 - 6 - 3

3 - خطر وسوسه گران جن و انس ، بزرگ و سزاوار چاره اندیشی است .

من الجنّه و الناس

77- خطر شياطين جن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 361

3 - خطر وسوسه گران جن و انس ، بزرگ و سزاوار چاره اندیشی است .

من الجنّه و الناس

78- خطر شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 36 - 18،22

18 - شیطان ، خطری در کمین انسان

و ائی اعیذها بک و ذریّتها من الشیطان الرجیم

22 - اجابت دعای همسر عمران ، در مورد حفظ مریم (س) و فرزندش از شرّ شیطان

و ائی اعیذها بک و ذریّتها من الشیطان الرجیم

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): . . . و قال عیسی (ع) فیما یتلّی علی ربه: و اعاذنی و امی من الشیطان الرجیم فلم یکن له علینا سبیل.

الدر المنثور، ج 2، ص 184.

79- خطر عبادت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 65 - 1

1 - هشدار خداوند به یکایک پیامبران در باره گرایش پیدا کردن به شرک و پرستش غیر او

و لقد أوحی إلیک و إلی الذین من قبلک لئن أشرکت لیحبطنّ عملک

مفرد آمدن خطاب در «أشرکت» و «عملک» - با آن که همه پیامبران مخاطب وحی الهی بودند - می رساند که این وحی به یکایک پیامبران به طور جداگانه و مستقل، ابلاغ شده است.

80- خطر عجب ثروتمندان

7- عجب و خودپسندی ، خطری در کمین ثروت مندان ؛ حتی کسانی که نعمت ها را وابسته به خداوند دیده و به ربوبیت او ایمان دارند .

رَبِّي أَكْرَمَن

واژه «رَبِّي»، نشانگر مؤمن بودن گوینده آن به ربوبیت خداوند است. بنابراین گرچه «الإنسان» مطلق است؛ ولی سخن درباره

ص: 362

خداپرستان است.

81- خطر عجب مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 15 - 7

7- عجب و خودپسندی، خطری در کمین ثروت مندان؛ حتی کسانی که نعمت‌ها را وابسته به خداوند دیده و به ربوبیت او ایمان دارند.

رَبِّي أكرمن

واژه «رَبِّي»، نشانگر مؤمن بودن گوینده آن به ربوبیت خداوند است. بنابراین گرچه «الإنسان» مطلق است؛ ولی سخن درباره خداپرستان است.

82- خطر عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 68 - 4

4- کفران کنندگان نعمت‌های الهی و حق‌ناسپاسان، در معرض عذاب‌های دنیوی چون بلعیده شدن به وسیله زمین و گرفتار شدن به طوفان‌شن

و كان الإنسان كفورًا. أفأمنتم أن يخسف بكم... أو يرسل عليكم حاصبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 69 - 2

2- انسان‌های ناسپاس و روی‌گردان از حق، هیچ‌گاه و در هیچ شرایطی، از عذاب و کیفر دنیوی خداوند، در دریا و خشکی در امان نیستند.

فلما نجّكم إلى البرّ أعرضتم... أم أمنتم أن يعيدكم فيه تاره أخرى

83- خطر عذاب دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 54 - 9

9- گنه کاران توبه ناپذير ، در معرض عذاب الهی در دنيا (عذاب استیصال)

وَأَنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلَمُوا لَهُ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ

ص: 363

84- خطر عذاب دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 74 - 4

4- کافران و روی گردانان از پذیرش آیات قرآن ، در خطر گرفتاری به سرنوشت هلاکت بار پیشینیان و ابتلا به عذاب های دنیوی

و إذا تتلى عليهم آياتنا .. و کم أهلکنا قبلهم من قرن

85- خطر عذاب دنیوی گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 75 - 13

13- گمراهان ، همواره در خطر گرفتاری به عذاب های الهی در دنیا

فلیمدد له الرحمن مدّاً حتّى إذا رآوا ما یوعدون إّما العذاب و إّما الساعه

تردید در «إّما العذاب و إّما الساعه» و نکره آوردن «مدّاً» و مبهم گذاشتن مقدار مهلت، این نتیجه را می دهد که هر یک از گمراهان، باید هر لحظه منتظر عذاب دنیوی و پایان مهلت در باره خود باشند.

86- خطر عذاب دنیوی معرضان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 74 - 4

4- کافران و روی گردانان از پذیرش آیات قرآن ، در خطر گرفتاری به سرنوشت هلاکت بار پیشینیان و ابتلا به عذاب های دنیوی

و إذا تتلى عليهم آياتنا .. و کم أهلکنا قبلهم من قرن

87- خطر عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 42 - 1

1- کافران ، در هر لحظه از شب و روز در معرض عذاب الهی اند .

قل من يكلوكم . . من الرحمن

برداشت یاد شده بنابراین است که مراد از «من الرحمان» «من بأس الرحمان و عذابه» باشد. آیه قبل - که در باره عذاب الهی است - شاهد و مؤید همین نکته است.

ص: 364

88- خطر عذاب کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 51 - 8

8 - مرفهان ناسپاس ، در معرض عذاب و سرنوشت هلاکت بار خویش اند .

والذین ظلموا من هؤلاء سیصیبهم سیئات ماکسبوا

89- خطر عذاب مرفهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 51 - 8

8 - مرفهان ناسپاس ، در معرض عذاب و سرنوشت هلاکت بار خویش اند .

والذین ظلموا من هؤلاء سیصیبهم سیئات ماکسبوا

90- خطر عذاب مسلمانان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 14 - 2

2 - مسلمانان صدراسلام ، به خاطر بی مبالاتی و خوش باوری در توطئه « افک » ، در معرض گرفتار شدن به عذابی سخت از سوی خدا قرار داشتند .

و لولا فضل الله علیکم . . . لمسکم فی ما أفضتم فیہ عذاب عظیم

91- خطر عصیان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 81 - 19

19 - انسان در معرض سرکشی ، در برابر خداوند است .

کذلک یتّم نعمته علیکم لعلکم تسلّمون

استعمال کلمه «لعل» که برای بیان توقع و صرف امکان و انتظار است، نشانگر آن است که اگر توجهی به نعمتهای فراوان خدا نباشد، تسلیم شدن انسانها در برابر او دور می نماید.

ص: 365

92- خطر عصیان انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 81 - 19

19- انسان در معرض سرکشی ، در برابر خداوند است .

كذلك یتّم نعمته علیکم لعلکم تسلّمون

استعمال کلمه «لعل» که برای بیان توقع و صرف امکان و انتظار است، نشانگر آن است که اگر توجهی به نعمتهای فراوان خدا نباشد، تسلیم شدن انسانها در برابر او دور می نماید.

93- خطر علمای مسیحیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 34 - 1

1 - خداوند ، از فساد مالی و انحراف بسیاری از احبار و راهبان (پیشوایان دینی یهود و نصارا) پرده برداشته و مؤمنان را نسبت به خطر آنان هشدار داد .

یأیها الذین ءامنوا إن کثیراً من الأحبار و الرهبان لیأکلون أموال الناس بالباطل

94- خطر علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 34 - 1

1 - خداوند ، از فساد مالی و انحراف بسیاری از احبار و راهبان (پیشوایان دینی یهود و نصارا) پرده برداشته و مؤمنان را نسبت به خطر آنان هشدار داد .

یأیها الذین ءامنوا إن کثیراً من الأحبار و الرهبان لیأکلون أموال الناس بالباطل

95- خطر غریزه جنسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 33 - 9

9- غریزه جنسی ، لغزشگاهی خطرناک برای آدمی است .

وإلاّ تصرف عنی کیدهنّ أصب إلیهنّ

ص: 366

96- خطر غفلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 103 - 2

2- انسان ، در معرض غفلت از سود و زیان واقعی خویش و نیازمند هشدار پیامبران (ع) است .

قل هل ننبئکم بالأخسرین أعملاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 63 - 1

1 - جان و دل آدمی ، در معرض خطر غفلت

بل قلوبهم فی غمره من هذا

«بل» حرف اضراب و برای انتقال از مطلبی (اوصاف مؤمنان راستین، نامه اعمال آنان و داوری عادلانه خدا درباره مردم) به مطلب دیگر (اوصاف کفار و منکران معاد) است. «غمره» به آبی که تمام قامت انسان را فراگیرد، گفته می شود و در این جا، استعاره از غفلت فراگیر است.

97- خطر غفلت از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 42 - 12

12 - سستی در یاد خداوند و غفلت از او ، خطری جدی برای رهروان و قیام کنندگان در راه خدا

اذهب أنت . . . و لاتنیا فی ذکری

98- خطر غفلت از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 16 - 1

1 - خداوند در وادی طوی ، خطر منکران قیامت را در بازداشتن موسی (ع) از توجه به قیامت ، به او گوشزد کرد و او را از فریب کاری آنان برحذر داشت .

فاعبدنی... فلا یصدّک عنها من لایؤمن بها

ضمیرهای «عنها» و «بها» به «الساعة» (در آیه قبل) برمی گردد.

ص: 367

99- خطر غلو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 171 - 5

5 - پیروان ادیان الهی، در معرض خطر غلو و گزافه گویی در دین

ياهل الكتب لاتغلوا فی دینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 77 - 4

4 - پیروان ادیان الهی در خطر غلو و انحراف از دین خویش

ياهل الكتب لاتغلوا فی دینکم

100- خطر فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 77 - 12

12 - موسی (ع)، از برخورد با نیروهای فرعون و بروز مشکلات دیگر در مسیر هجرت از مصر نگران بود.

أسر بعبادی .. لاتخف درگا و لاتخشى

«درک» به معنای ملحق شدن و رسیدن و نیز به معنای پی آمد است (قاموس). نفی هرگونه پی گیری و پی آمد و نیز اطمینان بخشیدن به موسی(ع) در مورد امنیت مسیر هجرت، نشان از وجود زمینه تعقیب شدن و نیز نگرانی های دیگر در این مسیر دارد.

101- خطر فقر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 53 - 4

4 - خطر فقر و بیچارگی برای مردم، در صورت حاکمیت یهود بر آنان

ام لهم نصیب من الملك فاذا لا یؤتون الناس نقیراً

برداشت فوق را فرمایش امام باقر (ع) تأیید می کند که در معنای «الملک» در آیه فوق فرمود: یعنی الامامه و الخلفه . . .

کافی، ج 1، ص 205، ح 1؛ نورالثقلین، ج 1، ص 490، ح 299.

ص: 368

102- خطر قتل موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 26 - 3

3 - اقدام بر قتل موسی (ع) ، کاری دشوار ، خطر آفرین و دارای بازتاب ناگوار در میان افکار عمومی در نظر فرعون

و قال فرعون ذرونی أقتل موسی

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که فرعون، در کشتن فرزندان ایمان آورندگان به موسی (ع) با کسی به مشاوره نپرداخت (اقتلوا أبناء الذین آمنوا معه)؛ ولی در کشتن موسی (ع) با مشاوران و درباریان خود به رایزنی پرداخت.

103- خطر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 196 - 4

4 - رهبران الهی ، حتی پیامبران ، در معرض خطر تأثیر منفی شکوه ظاهری و قدرت اقتصادی کافران

لا یغزّونک تقلّب الذّین کفروا فی البلاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 102 - 14، 15

14 - خطر شبیخون کافران ، دلیل به همراه داشتن اسلحه به هنگام نماز در میدان جنگ

و لیاخذوا حذرهم و اسلحتهم و الذّین کفروا لو تغفلون

15 - کافران ، در کمین و مترصد فرصت برای حمله و شبیخون به مسلمانان

و الذّین کفروا لو تغفلون عن اسلحتکم و امتعتکم فیمیلون علیکم میله واحده

جمله «و الذّین . . .» ، بیان یک اصل کلی است و همراه داشتن اسلحه به هنگام نماز برای پیشگیری، تنها یک مصداق از آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 9 - 7

7 - خطر و زیان منافقان برای جامعه اسلامی ، همانند خطر و زیان کافران است .

جهد الکفار و المنفقین و اغلظ علیهم

104- خطر کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 51 - 16

ص: 369

105- خطر کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 24 - 9

9- خطر نفوذ و تأثیرگذاری گروه های گناه پیشه و ناسپاس ، در رهبران جامعه ایمانی

و لاتطع منهم ءاثمًا أو کفورًا

106- خطر گرایش به شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 65 - 1

1 - هشدار خداوند به یکایک پیامبران در باره گرایش پیدا کردن به شرک و پرستش غیر او

و لقد أوحى إليك وإلى الذين من قبلك لئن أشركت ليحبطن عملك

مفرد آمدن خطاب در «اشرکت» و «عملک» - با آن که همه پیامبران مخاطب وحی الهی بودند - می رساند که این وحی به یکایک پیامبران به طور جداگانه و مستقل، ابلاغ شده است.

107- خطر گرگ در سرزمین کنعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 13 - 6

6- حمله گرگ ها به آدمیان در اطراف کنعان و مراتع آن ، خطری شایع و متوقع در عصر یعقوب (ع)

أخاف أن يأكله الذئب و أتم عنه غفلون

108- خطر گرگها در دوران یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 13 - 6

6- حمله گرگ ها به آدمیان در اطراف کنعان و مراتع آن ، خطری شایع و متوقع در عصر یعقوب (ع)

أخاف أن يأكله الذئب وأنتم عنه غفلون

ص: 370

109- خطر گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 8 - 3

3- خطر انحراف پس از هدایت ، برای همگان (حتی راسخین در علم)

و الراسخون فی العلم یقولون .. ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- مانده - 5 - 105 - 4,5

4- مسلمانان در صورت بی توجهی به احکام الهی در خطر گمراهی و گرایش های کفرآمیز

علیکم انفسکم لایضرکم من ضل

5- انسان همواره بر سر دو راهی هدایت و گمراهی

علیکم انفسکم لایضرکم من ضل إذا هتدیتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- اعراف - 7 - 175 - 7

7- انسان ها ، حتی عالمان هدایت یافته ، در خطر پیروی از شیطان و گام نهادن در مسیر گمراهی هستند .

فانسلخ منها فأتبعه الشیطن فکان من الغاوین

110- خطر گمراهی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 39 - 10

10- انسان ها ، در معرض اغواگری ابلیسند

لأغویبهم أجمعین

111- خطر گمراهی مهندین

4- گروهی از هدایت یافتگان ، بر طریق هدایت ثابت قدم نماندند و در زمره غضب شدگان و یا گمراهان قرار گرفتند .

صراط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم و لا الضالین

برداشت فوق بر این اساس است که «غیر المغضوب» صفت احترازی برای «الذین انعمت» باشد. بر این مبنا نعمت داده شدگان یعنی، هدایت یافتگان سه گروه می شوند: 1- راه یافتگانی که دست از هدایت شسته و از «مغضوبین» می شوند. 2- هدایت

یافتگانی که در بین راه گمراه شده و از «ضالین» می گردند. 3- هدایت پیشگانی که تا آخر بر صراط مستقیم پایدار می مانند.

5- هدایت یافتگان نیز در خطر قرار گرفتن در زمره غضب شدگان و یا گمراهان هستند .

صراط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم و لا الضالین

112- خطر گناه زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 6 - 4

4- زنان و مردان مؤمن ، همواره در معرض خطر انحراف و افتادن در ورطه گناه آتش افروز

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا

مطلب یاد شده، از خطاب به مؤمنان (یا ایُّها الذین آمنوا) استفاده می شود.

113- خطر گناه مردان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 6 - 4

4- زنان و مردان مؤمن ، همواره در معرض خطر انحراف و افتادن در ورطه گناه آتش افروز

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا

مطلب یاد شده، از خطاب به مؤمنان (یا ایُّها الذین آمنوا) استفاده می شود.

114- خطر گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 24 - 9

9- خطر نفوذ و تأثیرگذاری گروه های گناه پیشه و ناسپاس ، در رهبران جامعه ایمانی

و لا تطع منهم ءاثمًا أو کفورًا

115- خطر لغزش انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 55 - 10

10 - همه انسان ها در معرض گناه و لغزش اند .

ص: 372

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 18 - 3

3- انسان ها ، حتی متقین ، همواره در معرض لغزش و نیازمند استغفار مداوم

و بالأسحار هم یستغفرون

116- خطر مرگ یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 85 - 6

6- فرزندان یعقوب با سوگند به خدا ، خطر فرسوده شدن و به هلاکت رسیدنش را به او هشدار دادند .

قالوا تالله تفتوا تذاکر یوسف حتی تکون حرصاً أو تکون من الهلکین

حرف «تاء» برای قسم است و جمله «تفتوا تذاکر یوسف» به اعتبار غایتی که برای آن ذکر شده (حتی تکون حرصاً ..) جواب قسم است ؛ یعنی ، در حقیقت جواب قسم «تکون حرصاً...» می باشد.

117- خطر مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 11 - 14

14 - سفر پیامبر (صلی الله علیه و آله) به سوی مکه (قبل از صلح حدیبیه) ، سفری مخاطره آمیز و نگران کننده برای برخی مسلمانان

سیقول لک المخلفون من الأعراب .. یقولون بالسنتهم

عذرآوری «مخلفون» و رد عذر آنان از سوی خداوند، می رساند که عامل اصلی آنان از ترک سفر، نگرانی از سرنوشت آن بوده است. قرینه های تاریخی و نیز آیه بعد، مؤید این نکته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 12 - 1

1 - سفر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان در جریان حدیبیه ، سفری پرخطر و بی بازگشت در نظراعراب متخلف

بل ظننتم أن لن ينقلب الرسول و المؤمنون إلى أهلهم أبدًا

ص: 373

118- خطر مسافرت دریایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 65 - 10، 2

2 - سفر دریایی با کشتی ، خطر آفرین است و کشتی نشین ، احساس خطر می کند .

فإذا ركبوا في الفلك دعوا الله مخلصين له الدين

10 - مردم گرفتار در خطر دریا ، پس از رهایی از آن و رسیدن به خشکی ، به رغم دعای مخلصانه شان در هنگام خطر ، به خدا شرک میورزند !

فإذا ركبوا في الفلك دعوا الله .. فلما نجّهم إلى البر إذا هم يشركون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 43 - 6

6 - هیچ یک از سرنشینان کشتی ها در دریا ها ، امنیت کامل نداشته و امکان غرق شدن آنان به اراده الهی وجود دارد .

وإن نشأ نغرقهم فلا صريخ لهم ولا هم ينقذون

این آیه شریفه با آیه قبل ، درصدد بیان نعمت و آیت الهی می باشد؛ ولی در عین حال لحن هشدار دهنده نیز دارند که مبادا این نعمت ها موجب غرور بشر شود و آنان از آنها سوء استفاده کنند؛ که در این صورت ممکن است با قهر الهی دچار غرق و نابودی شوند.

119- خطر مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 51 - 10

10 - روابط و پیوند های یهود و نصارا با یکدیگر ، خطر و هشدار برای مسلمانان

لا تتخذوا اليهود والنصرى أولياء بعضهم أولياء بعض

از اینکه دوستی یهود و نصارا با یکدیگر ، دلیل بازداشتن مسلمانان از دوستی با آنان قرار گرفته است ، استفاده می شود که پیوند آنان ، پیوندی خطرناک برای مسلمین است .

120- خطر مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 172 - 7

7 - خطر هجوم مشرکین به مسلمانان ، پس از پایان جنگ احد *

الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ

زیرا دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای تجهیز نیرو، بیانگر آن است که خطر هجوم مجدد مشرکین وجود داشته است.

ص: 374

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 6 - 5

5 - خطر منافقان برای اسلام و گناه آنان نزد خداوند ، بیش از مشرکان *

و يعذب المنافقين و المنفقت و المشركين و المشركت

تقدم «المنافقين و المنافقات» بر «المشركين و المشركات»، ممکن است اشاره به مطلب بالا داشته باشد.

121- خطر مصیبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 8 - 11

11 - انسان ، در معرض انواع گرفتاری ها و مصیبت ها

و إذا مسّ الإنسان ضررٌ .. ثمّ إذا خوّله نعمه منه نسي ما كان يدعوا إليه من قبل

122- خطر منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 63 - 16

16 - لزوم دوری جستن از منافقین مخالفت کننده با حکم خدا و رسول (صلی الله علیه و آله) ، به دلیل نگون بختی و گرفتاری ایشان به عذاب الهی

و اذا قيل لهم تعالوا الى ما انزل الله و الى الرسول .. فاعرض عنهم

امام کاظم (ع) در بیان علت لزوم اعراض از منافقان فرمود: فقد سبقت عليهم كلمه الشقاء و سبق لهم العذاب . . .

کافی، ج 8، ص 184، ح 211؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 387، ح 3؛ نورالثقلین، ج 1، ص 509، ح 368؛ تفسیر عیاشی، ج 1، ص 255، ح 183.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 6 - 5

5 - خطر منافقان برای اسلام و گناه آنان نزد خداوند ، بیش از مشرکان *

و يعذب المنافقين و المنفقت و المشركين و المشركت

تقدم «المنافقين و المنافقات» بر «المشركين و المشركات»، ممکن است اشاره به مطلب بالا داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 4 - 10

ص: 375

10 - منافقان ، دشمنانی بس خطرناک اند .

هم العدو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 9 - 7

7 - خطر و زیان منافقان برای جامعه اسلامی ، همانند خطر و زیان کافران است .

جهد الكفار و المنفقين و اغلظ عليهم

123- خطر نفاق در شهر نشینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 101 - 14

14 - شهرنشینی با وجود در پی داشتن فرهنگ بالاتر ، خطر نفاق و پیچیده تر شدن در طریق انحراف را نیز در پی دارد .

الأعراب أشد كفراً و نفاقاً .. و من أهل المدینه مردوا علی النفاق

در آیه «97» با مذمت بادیه نشینان - به خاطر فرهنگ پایینشان - تلویحاً پیوستن به مجامع بزرگ را تمجید می کند و در این آیه، منافقان اهل مدینه را به مهارت داشتن در نفاق و زبر دست بودن بر بادیه نشینان متهم می کند؛ یعنی، در کنار آن ارزش، چنین ضد ارزشی بروز می کند.

124- خطر وسوسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 16 - 8

8- علم الهی به اعماق وجود آدمی ، هشداری به وی در تأثیرپذیری از وسوسه های نفس

و نعلم ما توسوس به نفسه و نحن أقرب إلیه من جبل الورد

تعبیر و «نحن أقرب...» - در پی «نعلم ما توسوس...» - می تواند از آن جهت باشد که آدمی با ناظر دیدن خدا، خود را از بند وسوسه های نفس رها می سازد.

125- خطر وسوسه انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ناس - 114 - 6 - 5,9

5 - پناه بردن به خداوند از خطر وسوسه جن و انس ، توصیه ای الهی به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

ص: 376

قل أعوذ . . من الجنّه و الناس

9- وسوسه جنیان برای انسان ها ، خطرناک تر از وسوسه هم نوعان شان است .

من الجنّه و الناس

تقدیم «الجنّه»، به جهت یکنواخت شدن آخر آیه های این سوره و یا ناظر به افزون تر بودن خطر وسوسه جنیان است. برداشت یاد شده، ناظر به احتمال دوم است.

126- خطر وسوسه جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ناس - 114 - 6 - 9، 5

5- پناه بردن به خداوند از خطر وسوسه جن و انس ، توصیه ای الهی به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

قل أعوذ . . من الجنّه و الناس

9- وسوسه جنیان برای انسان ها ، خطرناک تر از وسوسه هم نوعان شان است .

من الجنّه و الناس

تقدیم «الجنّه»، به جهت یکنواخت شدن آخر آیه های این سوره و یا ناظر به افزون تر بودن خطر وسوسه جنیان است. برداشت یاد شده، ناظر به احتمال دوم است.

127- خطر وسوسه های شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 117 - 14

14- زنان و مردان ، هر دو در خطر فریفته شدن به وسوسه های شیطانی اند .

فلا یخرجنکما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ناس - 114 - 6 - 10

10- انسان ، همواره در خطر وسوسه های شیطان است .

من الجنّه

«شیطان» - چنانچه در برخی از سوره های دیگر آمده است - از جنس جن است.

ص: 377

128- خطر هلاکت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 68 - 3

3- با امکان فرورفتن انسان در دل خاک و یا گرفتار طوفان های شن شدن ، احساس امنیت دائمی کردن بیجااست .

فلَمَّا نَجَّكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ .. أَمْ أَمَنْتُمْ أَنْ يُخَسِّفَ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ

«خسف» مصدر فعل «يخسف» در لغت به معنای فرو بردن و «البرّ» به معنای بیابان و خشکی در مقابل «بحر» (دریا) است.

129- خطر هلاکت ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 59 - 14

14 - جوامع ستم پیشه در معرض عذاب قهر الهی

و ما كُنَّا مَهْلِكِي الْقُرَىٰ إِلَّا وَ أَهْلِهَا ظَلْمُونَ

130- خطر هلاکت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 74 - 4

4- کافران و روی گردانان از پذیرش آیات قرآن ، در خطر گرفتاری به سرنوشت هلاکت بار پیشینیان و ابتلا به عذاب های دنیوی

و إذا تتلى عليهم آياتنا .. و كم أهلكننا قبلهم من قرن

131- خطر هلاکت معرضان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 74 - 4

4- کافران و روی گردانان از پذیرش آیات قرآن ، در خطر گرفتاری به سرنوشت هلاکت بار پیشینیان و ابتلا به عذاب های دنیوی

و إذا تتلى عليهم آياتنا .. و كم أهلكننا قبلهم من قرن

132- خطر هواپرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 378

7 - هواهای نفسانی و تمایلات اشخاص و گروه ها ، لغزشگاهی خطرناک برای حاکم و قاضی

وإن احکم بینهم بما أنزل اللّٰه و لا تتبع اهواءهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 56 - 5

5 - لغزیدن در دام هوسها و تمایلات مشرکان و منحرفان، خطری برای رهبران دین و همه موحدان

الذین تدعون من دون اللّٰه قل لا أتبع أهواءکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 26 - 14

14 - همه انسان ها ، حتی پیامبران ، در معرض افتادن در دام هوای نفس اند .

یداود .. فاحکم بین الناس بالحقّ و لا تتبع الهوی

توصیه به پرهیز از پیروی هوای نفس به داوود(ع)، گویای این حقیقت است که همه انسان ها، حتی پیامبران، در معرض چنین خطری قرار دارند؛ و گرنه چنین توصیه ای لغو خواهد بود.

133- خطر هوای نفس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 16 - 8

8- علم الهی به اعماق وجود آدمی ، هشدار به وی در تأثیرپذیری از وسوسه های نفس

و نعلم ما توسوس به نفسه و نحن أقرب إليه من حبل الوريد

تعبیر و «نحن أقرب ..» - در پی «نعلم ما توسوس...» - می تواند از آن جهت باشد که آدمی با ناظر دیدن خدا، خود را از بند وسوسه های نفس رها می سازد.

134- خطر یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - روابط و پیوند های یهود و نصارا با یکدیگر ، خطر و هشدار برای مسلمانان

لا تتخذوا اليهود والنصرى أولياء بعضهم أولياء بعض

از اینکه دوستی یهود و نصارا با یکدیگر، دلیل بازداشتن مسلمانان از دوستی با آنان قرار گرفته است، استفاده می شود که پیوند آنان، پیوندی خطرناک برای مسلمین است.

ص: 379

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 45 - 7

7- انسان ها بدون تمسک به ریسمان دین ، در معرض سقوط و ابتلا به خطر ها و آفت های علاج ناپذیراند .

قل إنا أنذرکم بالوحي

انذار و اخطار وحی بیانگر وجود خطر ها و آفت های بسیار بر سر راه انسان ها است. اگر آنان به این خطر ها و آفت ها را به درستی می شناختند و به علاج آنها می پرداختند، آمدن انذار و اخطار های الهی لغو می بود. بنابراین انذار الهی بیانگر این است که انسان بدون دین، با آفت ها و خطر های مهلکی روبه رو خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 23 - 5

5- انسان من های ایمان ، با خطر ها ، آسیب ها و دشواری های علاج ناپذیر روبه رو است .

إن أنت إلا نذیر

از این که پیامبر (صلی الله علیه و آله) به عنوان منذر و اخطارگر معرفی شده است، به دست می آید که بر سر راه انسان ها، خطر ها و آسیب های بسیاری وجود دارد که پیامبر (صلی الله علیه و آله) درباره آنها اخطار و هشدار می دهد و اگر انسان از رهنمودهای آن حضرت بهره نگیرد و به ایشان ایمان نیاورد، گرفتار آنها خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 6 - 3

3- انسان من های ایمان ، مواجه با خطر ها ، آسیب ها و دشواری های علاج ناپذیر است . *

لتنذر قومًا ما أنذرءاباؤهم

از این که خداوند قرآن را وسیله انذار و اخطار قرار داده است، به دست می آید که بر سر راه انسان ها، خطر ها و آسیب های بسیاری وجود دارد که پیامبر (صلی الله علیه و آله) به آنان اخطار و انذار کرده است و اگر انسان از رهنمودهای قرآن بهره نگیرد و به آن ایمان نیاورد، گرفتار آنها خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انسان من های تعالیم دین و پیامبر اسلام ، مواجه با خطر ها ، آسیب ها و دشواری های علاج ناپذیر است . *

و سواء علیهم ءانذرتهم أم لم تنذرهم

از انذار کردن رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) به دست می آید که بر سر راه انسان ها ، خطر ها ، آسیب ها و دشواری های بسیاری است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) به آنان انذار و اخطار می کند و اگر انسان از رهنمود های اسلام و پیامبر (صلی الله علیه و آله) بهره نگیرد و به آن ایمان نیاورد ، گرفتار آنها خواهد شد .

ص: 380

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 65 - 3

3 - انسان ، من های ایمان ، با خطر ها ، آسیب ها و دشواری های علاج ناپذیر رویه رو خواهد شد .

قل إنا منذر

از این که خداوند پیامبر(صلی الله علیه و آله) را منذر و اخطارگر معرفی کرد، روشن می شود که بر سر راه انسان ها، خطرها و آسیب های بسیاری وجود دارد و اگر انسان ها از رهنمودهای آن حضرت بهره نگیرند و به ایشان ایمان نیاورند، گرفتار آنها خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 70 - 4

4 - انسان ، من های ایمان ، با خطر ها ، آسیب ها و دشواری های علاج ناپذیر رویه رو خواهد شد .

إنا نذیر

از این که خداوند پیامبراسلام(صلی الله علیه و آله) را منذر و اخطارگر معرفی کرد، روشن می شود که بر سر راه انسان ها، خطرها و آسیب های بسیاری وجود دارد که اگر انسان ها از رهنمودهای آن حضرت بهره نگیرند و به ایشان ایمان نیاورند، گرفتار آنها خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 2 - 7

7 - انسان ، بدون رهنمود های وحی و دین الهی ، در معرض خطر ها و تهدید های جدی است .

إنی لکم نذیر مبین

انذار و اخطار پیامبران، دلیل وجود خطرها و تهدیدهای بسیاری در پیش روی بشر است. بنابراین اگر انسان، انذار و اخطارهای پیامبران را نادیده بگیرد، دچار خطرها و آفت های بسیاری خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 2 - 3

3 - انسان ، بدون بهره مندی از رهنمود های وحی و پیامبران الهی ، در معرض خطر ها و تهدید های جدی است .

قم فأنذر

انذار و اخطار پیامبران، دلیل وجود خطرها و تهدیدهای بسیاری در پیش روی بشر است. بنابراین اگر انسان، انذار و اخطارهای پیامبران را نادیده بگیرد، دچار خطرها و آفت های بسیاری خواهد شد.

136- شرک نجات یافتگان از خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 65 - 10

10 - مردم گرفتار در خطر دریا ، پس از رهایی از آن و رسیدن به خشکی ، به رغم دعای مخلصانه شان در هنگام خطر ، به خدا

ص: 381

شرک میورزند!

فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفَلَكَ دَعُوا اللَّهَ .. فَلَمَّا نَجَّيْهِمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يَشْرِكُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 66 - 5

5 - بازگشت رهیدگان از ناملایمات ، به شرک ، کفران نعمت های خدا است .

فَلَمَّا نَجَّيْهِمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يَشْرِكُونَ . لِيَكْفُرُوا بِمَا ءَاتَيْنَاهُمْ

137- شگفتی شرک نجات یافتگان از خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 33 - 14

14 - رویکرد افراد رهیده از سختی ها و ناملایمات به شرک ، به رغم توجه شان به خداوند ، به هنگام ابتلا ، امری غیر منتظره و ناشایست است .

ثُمَّ إِذَا أَذَاقَهُمْ مِنْهُ رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ بِرَبِّهِمْ يَشْرِكُونَ

«إِذَا» در عبارت «إِذَا فَرِيقٌ ..» فجاییه است. کاربرد آن، در جایی است که حادثه ای به صورت غیرمنتظره رخ بدهد. تکرار «رَبِّهِمْ» با این بیان که ذکر «رَبِّهِمْ» اِشعار به این نکته دارد که آنان به رغم این که خداوند، پروردگارشان است، چنان کردند، مؤید این مطلب است.

138- عوامل نجات از خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 63 - 1

1 - خداوند، نجاتبخش گرفتاران در تاریکیها و تنگناهای هول انگیز خشکی و دریاست.

قُلْ مَنْ يَنْجِيكُمْ مِنْ ظِلْمَتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ

139- غرق نجات یافتگان از خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 69 - 3

3- امکان بازگشت دوباره نجات یافتگان از خطر دریا به آن و گرفتار شدن به طوفان دریایی و غرق شدن

أم أمتم أن یعیدکم فیه تاره آخری

ص: 382

140- منافقان مدینه و خطر مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 16 - 2

2 - پیامبر (صلی الله علیه و آله)، موظف بود که عقیده منافقان مدینه را درباره حفظ جان از خطر مرگ، تصحیح کند.

إن یریدون إلاّ فرارًا... قل لن ینفعکم الفرار إن فررتم... وإذا لاتمتّعون إلاّ

141- منشأ نجات از خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 65 - 9

9 - نجات دهنده گرفتاران، از خطر، خداوند است.

فلما نجّیهم

142- ناپسندی شرک نجات یافتگان از خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 33 - 14

14 - رویکرد افراد رهیده از سختی ها و نامالایمات به شرک، به رغم توجه شان به خداوند، به هنگام ابتلا، امری غیر منتظره و ناشایست است.

ثمّ إذا أذاقهم منه رحمه إذا فریق منهم برّبهم یشرکون

«إذا» در عبارت «إذا فریق...» فجاییه است. کاربرد آن، در جایی است که حادثه ای به صورت غیرمنتظره رخ بدهد. تکرار «رّبهم» با این بیان که ذکر «رّبهم» اشعار به این نکته دارد که آنان به رغم این که خداوند، پروردگارشان است، چنان کردند، مؤید این مطلب است.

ص: 383

1- آثار خلافت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 39 - 7

7 - کفر ، ناسازگار با خلافت الهی انسان ها و به دور از شأن آنان

هو الذی جعلکم خلیف فی الأرض فمن کفر فعلیه کفره

از این که خداوند در آغاز، مسأله خلافت انسان ها را مطرح ساخته و آن گاه پی آمد کفر را به آنان یادآور شده است، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

2- خلافت آدم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 30 - 23، 26، 3

3 - فرشتگان پیش از خلقت و خلافت آدم (ع) ، آفریده شده بودند .

و إذ قال ربک للملئکه إنی جاعل فی الأرض خلیفه

23 - آدم (ع) و نسل او ، جانشین انسانهایی که پیش از آنان در زمین می زیستند .

إنی جاعل فی الأرض خلیفه

«خلیفه» به معنای، جانشین و جایگزین است و این معنا اقتضا می کند کسی که خلیفه به جای او آمده، در میان باشد و در آیه بیان نشده است که او کیست و لذا نظریه های مختلفی ایراد شده است، از جمله: انسانهایی که پیش از آدم (ع) و نسل او در زمین سکونت داشته اند. اطمینان فرشتگان به فسادگری بشر مؤید این احتمال است.

26 - داستان خلقت و خلافت آدم (ع) و محاوره خدا و فرشتگان درباره او ، داستانی آموزنده و شایان دقت

و إذ قال ربک للملئکه .. إنی أعلم ما لاتعلمون

کلمه «إذ» مفعول برای فعل مقدر «اذکر» می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 33 - 4,11

4 - آدم (ع) ، خلیفه خداوند ، واسطه ای برای رسیدن فیض الهی به فرشتگان

یأدم أنبئهم بأسمائهم فلما أنبأهم بأسمائهم

11 - فرشتگان در جریان خلقت و خلافت آدم (ع) ، امری را در ضمیر خویش پنهان می داشتند و از ابراز آن خودداری می کردند .

و أعلم ما تبءون و ما كنتم تكتمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 34 - 1,6

1 - خداوند پس از تعلیم حقایق هستی به آدم (ع) و اثبات لیاقت وی برای خلافت ، از فرشتگان خواست تا بر او سجده کنند .

و علم ءادم الأسماء كلها . . . و إذ قلنا للملائكة اسجدوا لآدم

6 - هدف از طرح خلافت آدم (ع) برای فرشتگان و اثبات فضیلت و برتری او ، ایجاد رغبت در فرشتگان برای اجرای فرمان الهی (سجده بر آدم (ع)) بود .

و إذ قال ربك للملائكة إني جاعل في الأرض خليفة . . . و إذ قلنا للملائكة اسجدوا لآدم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 39 - 3

3 - آدم (ع) و نسل او ، جانشین انسان هایی که پیش از آنان در زمین می زیستند .

هو الذي جعلكم خلائف في الأرض

3- خلافت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 55 - 6

6 - خداوند ، پیامبران و مؤمنان نیکوکار پیش از اسلام را ، خلیفه و جانشین خود در زمین قرار داده بود .

وعد الله الذين ءامنوا. .. كما استخلف الذين من قبلهم

4- خلافت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 385

1 - خداوند بعد از آفرینش آسمان ها و مواهب زمین ، به خلقت انسان پرداخت ، تا او را به منصب خلافت برساند .

خلق لكم ما فى الأرض . . . و إذ قال ربك للملكة إنى جاعل فى الأرض خليفة

با توجه به آیه 34 از همین سوره و آیات دیگری که درباره خلقت آدم (ع) است، می توان گفت: سخن خداوند با فرشتگان درباره آدم، قبل از خلقت وی بوده است. بنابراین «إنى جاعل فى الأرض خليفة» علاوه بر بیان خلافت آدم(ع) دلالت بر آفرینش او نیز دارد؛ یعنی: می خواهم [موجودی] بیافرینم و او را خلیفه قرار دهم.

4 - گفتگوی خدا و فرشتگان درباره خلقت و خلافت انسان

و إذ قال ربك للملكة . . . قالوا أتجعل فيها من يفسد . . . قال إنى أعلم ما لاتعلمون

5 - خداوند تقدیر خویش را بر خلقت و خلافت انسان در زمین ، به فرشتگان اعلام کرد .

و إذ قال ربك للملكة إنى جاعل فى الأرض خليفة

6 - خلافت انسان در زمین دارای نوعی ارتباط با فرشتگان

و إذ قال ربك للملكة إنى جاعل فى الأرض خليفة

از آن جایی که مسأله خلقت و خلافت انسان در زمین با فرشتگان در میان گذاشته شد، معلوم می شود وجود انسان در روی زمین ارتباط تنگاتنگی با فرشتگان دارد.

8 - فرشتگان با پیش بینی فسادگری انسان ، او را شایسته خلافت نمی دیدند .

قالوا أتجعل فيها من يفسد فيها و يفسك الدماء

16 - انسان دارای ارزش ها و استعدادهایی که وی را شایسته خلقت و زیننده خلافت می کرد .

إنى أعلم ما لاتعلمون

مقصود از «ما لاتعلمون» می تواند استعداد و قابلیت نهفته در انسان باشد. همچنین مراد از آن می تواند علوم و حقایقی باشد که بر فرشتگان مخفی بوده و شایستگی دریافت آن را نداشتند. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

20 - نا آگاهی فرشتگان به ارزش های والای انسان ، موجب شد تا فسادگری او برای فرشتگان جلوه گر شود و به خلقت و خلافتش معترض باشند .

أتجعل فيها من يفسد فيها . . . قال إنى أعلم ما لاتعلمون

23 - آدم (ع) و نسل او، جانشین انسانهایی که پیش از آنان در زمین می زیستند.

إني جاعل في الأرض خليفة

«خليفة» به معنای، جانشین و جایگزین است و این معنا اقتضا می کند کسی که خلیفه به جای او آمده، در میان باشد و در آیه بیان نشده است که او کیست و لذا نظریات مختلفی ایراد شده است، از جمله: انسانهایی که پیش از آدم (ع) و نسل او در زمین سکونت داشته اند. اطمینان فرشتگان به فسادگری بشر مؤید این احتمال است.

25 - انسان، شایسته دستیابی به مقام خلافت الهی است.

إني جاعل في الأرض خليفة

به قرینه آیات بعد که آدم (ع) - به عنوان نمونه ای از نوع انسان - برتر از فرشتگان و دارنده علم تمامی اسما معرفی شده و حقایق (غیب آسمانها و زمین) به وی تعلیم داده شده، این نظر تأیید می شود که مراد از خلافت، خلافت الهی است؛ چرا که او تنها موجودی معرفی شده که مظهر علم الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 386

10 - اعتراف فرشتگان به عالمانه و حکیمانه بودن آفرینش انسان و انتخاب او برای خلافت

إِنك أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ

از هدفهای فرشتگان در توصیف خداوند به علیم و حکیم بودن - پس از اظهار تشکیک در شایستگی انسان برای خلافت - اعتراف و اقرار به ارزش والای انسان و عالمانه و حکیمانه بودن آفرینش اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 39 - 3، 1

1 - خداوند، انسان ها را جانشین خود در زمین برای چگونه زیستن و هرگونه دخل و تصرف و بهره جستن از آن قرار داده است .

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْخَلْفَ فِي الْأَرْضِ

«خلافت» به معنای نیابت از غیر است (مفردات راغب). در این که مقصود از نیابت چیست، میان مفسران سه دیدگاه وجود دارد: 1- جانشینی انسان ها از خداوند در اداره زندگی خویش؛ 2- جانشینی انسان ها و ملت ها به جای یکدیگر و به ارث بردن تمامی دارایی ها و تمدن های پیشینیان. 3- جانشینی انسان های حاضر از انسان های پیش از خلقت آدم(ع). برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه نخست است.

3 - آدم (ع) و نسل او، جانشین انسان هایی که پیش از آنان در زمین می زیستند .

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْخَلْفَ فِي الْأَرْضِ

5- خلافت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 26 - 1

1 - خداوند، داوود (ع) را جانشین خود در تدبیر امور مردم قرار داد .

يَا دَاوُدَ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ

«خلیفه» به معنای کسی است که از ناحیه دیگری و به جای وی به تدبیر امور می پردازد و وقتی گفته شود: فلانی خلیفه خدا در زمین است؛ یعنی، خداوند تدبیر امور بندگانش را در زمین به او سپرده است (مجمع البیان، ذیل آیه).

6- خلافت در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 165 - 2, 1

1 - استقرار انسانهای هر عصر در زمین به جانشینی نسلهای گذشته، در اختیار خدا و به دست اوست.

و هو الذی جعلکم خلائف الأرض

«خلائف» جمع خلیفه (جانشین) است. اگر مخاطبان آیه انسانهای موجود در هر عصر باشند، مراد از جانشینی، جانشینی مردم هر

ص: 387

عصر از مردم عصر پیشین خواهد بود. و اگر مخاطبان همه انسانها باشند، مقصود از جانشینی انسانها، جانشینی آنان از انسانهای منقرض شده ای است که پیش از بنی آدم بوده اند. این احتمال نیز گفته شده که منظور جانشینی انسان از خداست.

2 - آمدن هر نسلی به جای نسل پیشین، پرتوی از ربوبیت خدا بر انسانهاست.

و هورب کل شیء... و هو الذی جعلکم خلیف الأرض

7- خلافت صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 55 - 20، 6

6 - خداوند ، پیامبران و مؤمنان نیکوکار پیش از اسلام را ، خلیفه و جانشین خود در زمین قرار داده بود .

وعد الله الذین ءامنوا.. . کما استخلف الذین من قبلهم

20 - عبادت خدای واحد و دوری از شرک ، دلیل و سبب وعده کردن خداوند به مؤمنان صدراسلام برای اعطای خلافت ، پیروزی و امنیت به آنان

وعد الله الذین ءامنوا.. . یعبدوننی لایشركون بی شیئاً

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله «یعبدوننی.. .» حال برای ضمائر غایب گذشته و یا جمله ای استینافیه بیانیه باشد؛ که در هر صورت بیانگر علت و دلیل اعطای خلافت پیروزی و امنیت به مؤمنان از سوی خداوند است.

8- خلافت لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 12 - 17

17 - « عن ابن عمر قال : سمعت رسول الله (صلى الله عليه وآله) يقول : حَقًّا أقول : لم يكن لقمان نبياً و لكن كان عبداً كثير التفكير حسن اليقين أحب الله فأحبته و منّ عليه بالحكمة . كان نائماً نصف النهار إذ جاءه نداء يا لقمان ! هل لك أن يجعلك الله خليفه في الأرض تحکم بين الناس بالحق فأجاب الصوت إن خيرني ربّي قبلت العافيه و لم أقبل البلاء و إن عزم عليّ فسمعاً و طاعه . . . فأعطى الحكمة ؛

عبدالله بن عمر می گوید: از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) شنیدم که می گفت: «به حق می گویم: لقمان، پیامبر نبود، لکن بنده ای بود اهل تفکر، دارای حسن یقین. خدا را دوست داشت و خدا نیز او را دوست داشت و با آموختن حکمت، او را مورد انعام خود قرار داد. در نیمه روز ، خوابیده بود که صدایی شنید: ای لقمان! آیا دوست داری که خداوند، تو را خلیفه خود در زمین قرار دهد تا در میان مردم، به حق قضاوت کنی؟ لقمان در جواب آن صدا گفت: اگر پروردگارم، مرا مخیر کرده من عافیت را انتخاب می کنم و نه گرفتاری را و اگر بر من

واجب می کند، پس سرا پا گوش و مطیع ام... در این جا به او حکمت داده شد».

ص: 388

9- خلافت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 55 - 6,20

6 - خداوند ، پیامبران و مؤمنان نیکوکار پیش از اسلام را ، خلیفه و جانشین خود در زمین قرار داده بود .

وعد الله الذین ءامنوا. .. کما استخلف الذین من قبلهم

20 - عبادت خدای واحد و دوری از شرک ، دلیل و سبب وعده کردن خداوند به مؤمنان صدراسلام برای اعطای خلافت ، پیروزی و امنیت به آنان

وعد الله الذین ءامنوا. .. یعبدوننی لایشرون بی شیئاً

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله «یعبدوننی. ..» حال برای ضمائر غایب گذشته و یا جمله ای استینافیه بیانیه باشد؛ که در هر صورت بیانگر علت و دلیل اعطای خلافت پیروزی و امنیت به مؤمنان از سوی خداوند است.

10- زمینه خلافت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 55 - 5

5 - ایمان و انجام اعمال صالح ، موجب شایستگی انسان برای خلافت در زمین و اداره زندگی بشر

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنهم فی الأرض

11- فلسفه خلافت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 31 - 2

2 - توان یادگیری حقایق هستی ، حکمت آفرینش انسان و راز لیاقت او برای خلافت در زمین

ینی جاعل فی الأرض خلیفه. .. و علم ءادم الأسماء کلها

12- فلسفه خلافت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

22 - عبادت خالصانه خداوند یکتا، فلسفه و هدف نهایی خلافت، حاکمیت و استقرار امنیت در زمین برای مؤمنان است.

وعد الله الذين آمنوا... ليستخلفنهم... وليبدلنهم من بعد خوفهم أمناً يعبدو

برداشت فوق، مبتنی بر این است که جمله «یبدوننی» استینافیه بیانیه باشد که همواره برای پاسخ گویی به سؤال مقدر است و

ص: 389

پاسخ گوی این سؤال مقدر باشد که اعطای خلافت و حاکمیت دین و امنیت به مؤمنان به چه هدفی است و فلسفه آن چیست؟ پاسخ آن، عبادت خالصانه و منزّه از شرک است.

13- ملائکه و خلافت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 30 - 15، 20، 8، 6

6 - خلافت انسان در زمین دارای نوعی ارتباط با فرشتگان

و إذ قال ربّك للملائكة إني جاعل في الأرض خليفة

از آن جایی که مسأله خلقت و خلافت انسان در زمین با فرشتگان در میان گذاشته شد، معلوم می شود وجود انسان در روی زمین ارتباط تنگاتنگی با فرشتگان دارد.

8 - فرشتگان با پیش بینی فسادگری انسان ، او را شایسته خلافت نمی دیدند .

قالوا أتجعل فيها من يفسد فيها و يفسك الدماء

15 - فرشتگان با توجه به حضورشان در هستی و لیاقتشان برای خلافت ، فلسفه ای برای خلقت و خلافت انسان نمی دیدند .

قالوا أتجعل فيها من يفسد فيها . . . و نحن نسيح بحمدك

جمله حالیه «و نحن نسيح . . .» گویای این مطلب است که: فرشتگان علاوه بر اینکه انسان را به خاطر فسادگری اش شایسته خلافت نمی دانستند، وجود خویش را برای احراز این مقام لایق دانسته و زمین را از خلافت انسان بی نیاز می شمردند.

20 - نا آگاهی فرشتگان به ارزش های والای انسان ، موجب شد تا فسادگری او برای فرشتگان جلوه گر شود و به خلقت و خلافتش معترض باشند .

أتجعل فيها من يفسد فيها . . . قال إني أعلم ما لاتعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 32 - 10

10 - اعتراف فرشتگان به عالمانه و حکیمانه بودن آفرینش انسان و انتخاب او برای خلافت

إني أنت العليم الحكيم

از هدفهای فرشتگان در توصیف خداوند به علیم و حکیم بودن - پس از اظهار تشکیک در شایستگی انسان برای خلافت - اعتراف و اقرار به ارزش والای انسان و عالمانه و حکیمانه بودن آفرینش اوست.

14- منشأ خلافت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 26 - 2

2 - مقام خلافت (تدبیر امور مردم به جای خدا) ، موهبتی است الهی که باید تنها از سوی خدا به فردی واگذار شود .

ص: 390

إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ

استناد تعیین خلیفه به خدا، همراه با تأکید (إِنَّا) گویای برداشت یاد شده است.

15- نعمت خلافت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 74 - 3

3- صالح (ع) از قوم خویش خواست تا نعمت خلافت و سکونت گزیدن در سرزمین حجر را نعمتی از جانب خدا بدانند و آن را همواره به خاطر داشته باشند .

و اذكروا اذ جعلكم خلفاء من بعد عاد و بوأكم في الأرض

16- وعده خلافت صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 55 - 1،2

1 - خلافت و جانشین خود قرار دادن در زمین ، وعده اُکید خداوند به مؤمنان نیکوکار

وعد الله الذين ءامنوا منكم و عملوا الصلحت لیستخلفنهم فی الأرض

«خلافت»، به معنای نیابت از غیر است (مفردات راغب). در این که خلافت و نیابت در آیه شریفه، از طرف چه کسی و یا چه کسانی است، میان مفسران چند نظریه وجود دارد: 1- برخی آن را خلافت و جانشینی از خدا در زمین می دانند. 2- عده ای دیگر آن را نیابت و جانشینی اقوام هلاکت شده و یا شکست خورده می شمارند که با هلاکت و یا شکست آنان مؤمنان نیکوکار جانشین آنها در اداره سرزمین هایشان می شوند. برداشت یاد شده، مبتنی بر نظریه نخست است.

2 - خلافت و سلطه در زمین و اداره آن ، وعده اُکید خداوند به مؤمنان دارای عمل صالح

وعد الله الذين ءامنوا منكم و عملوا الصلحت لیستخلفنهم فی الأرض

17- وعده خلافت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 55 - 1،2

1 - خلافت و جانشین خود قرار دادن در زمین ، وعده اُکید خداوند به مؤمنان نیکوکار

وعد الله الذين ءامنوا منكم و عملوا الصلحت لیستخلفنهم فی الأرض

«خلافت»، به معنای نیابت از غیر است (مفردات راغب). در این که خلافت و نیابت در آیه شریفه، از طرف چه کسی و یا چه کسانی است، میان مفسران چند نظریه وجود دارد: 1- برخی آن را خلافت و جانشینی از خدا در زمین می دانند. 2- عده ای دیگر

ص: 391

آن را نیابت و جانشینی اقوام هلاکت شده و یا شکست خورده می شمردند که با هلاکت و یا شکست آنان مؤمنان نیکوکار جانشین آنها در اداره سرزمین هایشان می شوند. برداشت یاد شده، مبتنی بر نظریه نخست است.

2 - خلافت و سلطه در زمین و اداره آن ، وعده اکید خداوند به مؤمنان دارای عمل صالح

وعد الله الذين ءامنوا منكم و عملوا الصلحت لیستخلفنهم فی الأرض

18- خلیفه خدا

{ خلیفه خدا }

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 30 - 25,30

25 - انسان ، شایسته دستیابی به مقام خلافت الهی است .

إنی جاعل فی الأرض خلیفه

به قرینه آیات بعد که آدم (ع) - به عنوان نمونه ای از نوع انسان - برتر از فرشتگان و دارنده علم تمامی اسما معرفی شده و حقایقی (غیب آسمانها و زمین) به وی تعلیم داده شده، این نظر تأیید می شود که مراد از خلافت، خلافت الهی است؛ چرا که او تنها موجودی معرفی شده که مظهر علم الهی است.

30 - امیر المؤمنین (ع) فرمود: «... قالت الملائکه : سبحانک « أتجعل فیها من یفسد فیها و یسفک الدماء و نحن نسبح بحمدک و نقصد لک »... فاجعله منّا فاننا لانفسد فی الأرض و لانسفک الدماء . قال جلّ جلاله... « إنی أعلم ما لاتعلمون » ائی ارید ان اخلق خلقاً بیدی اجعل ذریته انبیاء مرسلین و عباداً صالحین و ائمه مهتدین اجعلهم خلفائی فی ارضی...»

... ملائکه گفتند: پروردگارا منزهی تو «آیا قرار می دهی در زمین کسی را که فساد و خونریزی می کند و ما تسبیح و حمد تو را به جا می آوریم و تقدیست می کنیم». پس خلیفه را از ما قرار بده که ما نه در زمین فساد می کنیم و نه خونریزی می نماییم. خداوند جل جلاله فرمود: من چیزی را می دانم که شما نمی دانید؛ من اراده نموده ام که با دست خود خلقی را بیافرینم که از نسل او پیامبران مرسل، بندگان صالح و پیشوایان هدایت یافته به وجود آیند که آنان را جانشینان خود بر مخلوقاتم در زمین قرار بدهم».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 33 - 4,14

4 - آدم (ع) ، خلیفه خداوند ، واسطه ای برای رسیدن فیض الهی به فرشتگان

یأدم أنبئهم بأسمائهم فلما أنبأهم بأسمائهم

14 - از امام صادق (ع) روایت شده که: «إن الله تبارك و تعالی علّم آدم أسماء حجج الله كل ها . . . فقال: . . . « أنبئهم بأسمائهم فلما أنبأهم بأسمائهم » وقفوا على عظیم منزلتهم عند الله تعالی فعملوا أنهم أحق بأن يكونوا خلفاء الله في أرضه و حججه على بریته و قال لهم: « ألم أقل لكم إني أعلم غیب السماوات و الأرض و أعلم ما تبءون و ما كنتم تكتمون » . . . »

خداوند تبارك و تعالی اسامی تمام حجتهای خود را به آدم آموخت، پس [خطاب به آدم] فرمود: ملائکه را از اسامی آنان آگاه نما و چون آنان را از اسامی آگاه ساخت ملائکه به جایگاه بزرگ آنان در نزد خداوند واقف شدند و دانستند که آنان برای خلافت خدا در زمین و حجت بر مردمان سزاوارترند. و خداوند به ملائکه فرمود: «آیا به شما نگفتم من غیب آسمانها و زمین را می دانم و نیز می

دانم آنچه شما آن را آشکار می کنید و آنچه آن را پنهان می داشتید»...».

19- خلیفه خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 55 - 6,7, 1

1 - خلافت و جانشین خود قرار دادن در زمین ، وعده اکید خداوند به مؤمنان نیکوکار

وعد الله الذين ءامنوا منكم و عملوا الصلحت لیستخلفنهم فی الأرض

«خلافت»، به معنای نیابت از غیر است (مفردات راغب). در این که خلافت و نیابت در آیه شریفه، از طرف چه کسی و یا چه کسانی است، میان مفسران چند نظریه وجود دارد: 1- برخی آن را خلافت و جانشینی از خدا در زمین می دانند. 2- عده ای دیگر آن را نیابت و جانشینی اقوام هلاکت شده و یا شکست خورده می شمرند که با هلاکت و یا شکست آنان مؤمنان نیکوکار جانشین آنها در اداره سرزمین هایشان می شوند. برداشت یاد شده، مبتنی بر نظریه نخست است.

2 - خلافت و سلطه در زمین و اداره آن ، وعده اکید خداوند به مؤمنان دارای عمل صالح

وعد الله الذين ءامنوا منكم و عملوا الصلحت لیستخلفنهم فی الأرض

6 - خداوند ، پیامبران و مؤمنان نیکوکار پیش از اسلام را ، خلیفه و جانشین خود در زمین قرار داده بود .

وعد الله الذين ءامنوا. .. كما استخلف الذین من قبلهم

7 - خداوند ، کافران حاکم پیش از اسلام را ، شکست داد و پیامبران و مؤمنان نیکوکار را ، پیروز کرده و جایگزین آنان در سطح زمین قرار داد .

وعد الله الذين ءامنوا. .. كما استخلف الذین من قبلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 39 - 7, 1

1 - خداوند ، انسان ها را جانشین خود در زمین برای چگونه زیستن و هرگونه دخل و تصرف و بهره جستن از آن قرار داده است .

هو الذی جعلکم خلف فی الأرض

«خلافت» به معنای نیابت از غیر است (مفردات راغب). در این که مقصود از نیابت چیست، میان مفسران سه دیدگاه وجود دارد: 1- جانشینی انسان ها از خداوند در اداره زندگی خویش; 2- جانشینی انسان ها و ملت ها به جای یکدیگر و به ارث بردن تمامی دارایی ها و

تمدن های پیشینیان. 3- جانشنی انسان های حاضر از انسان های پیش از خلقت آدم(ع). برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه نخست است.

7- کفر، ناسازگار با خلافت الهی انسان ها و به دور از شأن آنان

هو الذی جعلکم خلائف فی الأرض فمن کفر فعليه کفره

از این که خداوند در آغاز، مسأله خلافت انسان ها را مطرح ساخته و آن گاه پی آمد کفر را به آنان یادآور شده است، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 393

1 - خداوند ، داوود (ع) را جانشین خود در تدبیر امور مردم قرار داد .

یداود إنا جعلنک خلیفه فی الأرض

«خلیفه» به معنای کسی است که از ناحیه دیگری و به جای وی به تدبیر امور می پردازد و وقتی گفته شود: فلانی خلیفه خدا در زمین است؛ یعنی، خداوند تدبیر امور بندگان را در زمین به او سپرده است (مجمع البیان، ذیل آیه).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 7 - 9

9 - انسان ، جانشین خداوند در زمین

جعلکم مستخلفین فیه

20- شؤون خلیفه خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 26 - 6

6 - قضاوت و داوری میان مردم ، از شؤون مقام « خلیفه الهی » است .

إنا جعلنک خلیفه فی الأرض فاحکم بین الناس بالحقّ

مأموریت داوود(ع) به داوری میان مردم، پس از انتصاب ایشان به مقام «خلیفه الهی»، گویای برداشت یاد شده است.

21- قضاوت خلیفه خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 26 - 6

6 - قضاوت و داوری میان مردم ، از شؤون مقام « خلیفه الهی » است .

إنا جعلنک خلیفه فی الأرض فاحکم بین الناس بالحقّ

مأموریت داوود(ع) به داوری میان مردم، پس از انتصاب ایشان به مقام «خلیفه الهی»، گویای برداشت یاد شده است.

1- آثار تفکر در خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 9 - 12

12- تفکر در چگونگی آفرینش انسان زداينده هرگونه تردید در حاکمیت اراده و قدرت خدا بر اسباب و علل طبیعت

هو علیٰ هین و قد خلقتک من قبل و لم تک شیئاً

2- آثار خلقت آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 2 - 5

5- قدرت خداوند بر آفرینش آسمان و برج های آن ، نشانه صداقت او در وعده آمدن قیامت است . *

و السماء ذات البروج . و الیوم الموعود

یاد کردن قیامت - پس از ذکر آسمان و برج های آن - ممکن است به این لحاظ باشد که توجه به آسمان، باور به قیامت را تقویت می کند.

3- آثار خلقت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 33 - 5

5- عارض نگشتن کم ترین ضعف و خستگی بر خداوند ، در نتیجه آفرینش آسمان ها و زمین

ص: 395

و لم يعى بخلقهنّ

مفاد جمله «لم يعى بخلقهنّ» راه نیافتن تعب و خستگی در ذات حق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 36 - 2

2- آفرینش آسمان ها و زمین ، نشانی از آفریدگار شایسته عبادت و اطاعت

أم خلقوا السموت والأرض

خداوند با این پرسش، کافران را به خالقیت خویش توجه داده است؛ تا از این طریق آنان دست از لجاج بردارند و به اطاعت و عبادت او بگردند.

4- آثار خلقت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 38 - 13

13 - انفکاک ناپذیری خلقت جهان از تدبیر و ربوبیت آن

ولئن سألتهم من خلق السموت والأرض ليقولنّ الله قل أفرءیتم ما تدعون من دون الل

مقصود از بیان مسأله ناتوانی معبودهای مشرکان، پس از اعتراف گرفتن از آنان به انحصار خالقیت به خداوند، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 15 - 13

13 - آفرینش انسان و هستی ، روشن ترین نشانه قدرت برتر الهی

أنّ الله الذی خلقهم هو أشدّ منهم قوّه

تکیه بر خالقیت خداوند در مقام بیان قدرت برتر او، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - آفریدن جهان و آگاهی از پدیده های آن و اسرار نهفته در دل آدمیان ، نشانه آسان بودن آفرینش مجدد انسان ها از جانب خداوند

خلق السموت . . . و الله علیم بذات الصدور . . . و ربّی لتبعثنّ . . . و ذلک علی الله

مطلب یاد شده، از ذکر آفرینش جهان به قدرت خداوند و آگاهی همه جانبه او در آغاز و سپس یاد کردن آسانی برپایی قیامت برای او، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 396

3- توانمندی خداوند بر ایجاد جهان هستی و اعاده آن، دلیل قدرت او بر مجازات سخت کافران

إِنَّهُ هُوَ بِيَدِيَّاءِ وَيُعِيدُ

حرف «إِنَّ» برای تعلیل است و مبنای آیه قبل را بیان می کند.

5- آثار خلقت ابتدایی موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 15 - 4

4- مشاهده خلقت نخستین موجودات و شک در قدرت خداوند برای آفرینش مجدد آنها، ناسازگار با یکدیگر

أَفَعِينَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ بَلْ هُمْ فِي لَبْسٍ مِنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ

از آیه شریفه، استفاده می شود که میان خلقت نخستین موجودات و اعاده آنها از نظر امکان، حکمی یکسان جاری است؛ اگر اولی ممکن شد دومی نیز ممکن است. حال ممکن شمردن یکی و محال شمردن دیگری، تناقض می باشد.

6- آثار خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 48 - 8

8- آفرینش نخستین انسان ها به دست خداوند، دلیل قدرت الهی بر آفرینش دوباره آنان پس از مرگ است.

لَقَدْ جِئْتُمُونَا كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ

تشبیه حضور آدمیان در قیامت به تولدشان در دنیا، ممکن است در جهت رفع استبعاد معاد و نیز توییح مشرکان به جهت انکار معاد باشد؛ یعنی، آن خلقت نخست، آیا دلیل وافی و کافی برای پذیرش معاد و قدرت خداوند بر محقق ساختن آن نبود؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 67 - 4

4- پدیدار ساختن انسان در صحنه هستی و آوردن او از عدم به وجود، دلیل قدرت خداوند بر احیای مجدد او و معاد

أَوَلَا يَذْكُرُ الْإِنْسَانَ . . . وَلَمْ يَكْ شَيْئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 5 - 10

10- آفرینش انسان از عناصر بی جانی چون: خاک، نطفه، علقه و مضغه، جلوه روشنی از توانایی خدا بر احیای مجدد انسان در روز رستاخیز است.

فإِنَّا خَلَقْنٰكُمْ مِنْ تَرَابٍ .. لَنَبِيِّنَ لَكُمْ

ص: 397

«لنبيّن لكم» مفعولٌ له برای «خلقناکم» و به تقدیر «لنبيّن لكم ان الله قادر على أن يحيى الموتى» است؛ یعنی، ما شما را از خاک و سپس از نطفه و سپس .. آفریدیم تا روشن سازیم که خدا، بر احیای دوباره شما توانا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 14 - 4

4 - آفرینش انسان ها و سیر تکوین آنان ، جلوه عظمت ربوبی خداوند است .

ما لكم لا ترجون لله وقارًا . وقد خلقكم أطوارًا

7- آثار خلقت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 15 - 13

13 - آفرینش انسان و هستی ، روشن ترین نشانه قدرت برتر الهی

أنّ الله الذي خلقهم هو أشدّ منهم قوّه

تکیه بر خالقیت خداوند در مقام بیان قدرت برتر او، بیانگر مطلب یاد شده است.

8- آثار خلقت برجهای آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 2 - 5

5 - قدرت خداوند بر آفرینش آسمان و برج های آن ، نشانه صداقت او در وعده آمدن قیامت است . *

و السماء ذات البروج . و اليوم الموعود

یاد کردن قیامت - پس از ذکر آسمان و برج های آن - ممکن است به این لحاظ باشد که توجه به آسمان، باور به قیامت را تقویت می کند.

9- آثار خلقت روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 62 - 6

6- آفرینش شب و روز و پدید آمدن روشنایی و تاریکی برای انسان ، سپاس برانگیز است .

و هو الذی جعل الّیل . . . لمن أراد أن یذکر أو أراد شکورًا

«شکور» مصدر و مرادف واژه «شکر» است.

ص: 398

10- آثار خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 33 - 5

5- عارض نكشتن كم ترين ضعف و خستگي بر خداوند، در نتیجه آفرینش آسمان ها و زمین

و لم يعى بخلقهنّ

مفاد جمله «لم يعى بخلقهنّ» راه نیافتن تعب و خستگی در ذات حق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 36 - 2

2- آفرینش آسمان ها و زمین، نشانی از آفریدگار شایسته عبادت و اطاعت

أم خلقوا السموت والأرض

خداوند با این پرسش، کافران را به خالقیت خویش توجه داده است؛ تا از این طریق آنان دست از لجاج بردارند و به اطاعت و عبادت او بگردند.

11- آثار خلقت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 62 - 6

6- آفرینش شب و روز و پدید آمدن روشنایی و تاریکی برای انسان، سپاس برانگیز است.

وهو الذی جعل الّیل . . لمن أراد أن یدّکر أو أراد شکورًا

«شکور» مصدر و مرادف واژه «شکر» است.

12- آثار خلقت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 15 - 2

2- آفرینش هر موجود ، خود گواه قدرت خداوند بر آفرینش مجدد آن ، پس از مرگ و نابودی

أفعمینا بالخلق الأول

ص: 399

13- آثار ذکر خلقت آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 32 - 3

3- توجه به آفرینش آسمان و نقش آن برای اهل زمین ، راهی برای رسیدن به توحید است .

أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ . . . وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 12 - 14

14 - توجه به آفرینش زمین و آسمان و مراحل آن ، عامل پی بردن انسان به قدرت و علم نامحدود خداوند

أَنْتُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ . . . ذَلِكَ تَقْدِيرَ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ

14- آثار ذکر خلقت آسمانها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 99 - 1

1- توجه به خلقت آسمان ها و زمین ، عاملی برای پی بردن به قدرت خداوند در آفرینش دوباره انسانها

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ . . . قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ

15- آثار ذکر خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 67 - 3

3- توجه انسان به آفرینش و آمدن او از عدم به صحنه وجود ، زمینه استبعاد معاد و انکار آن را از بین می برد .

أَوَّلًا يَذُكُرُ الْإِنْسَانَ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلٍ وَ لَمْ يَكُ شَيْئًا

مقصود از عدم و نیستی، الزاماً عدم مطلق نیست؛ بلکه می تواند عدم نسبی باشد؛ یعنی، انسان قبلاً نبوده و الآن وجود دارد، گرچه مواد و عناصر او در قالب موجوداتی دیگر از قبل نیز وجود داشته باشد. این احتمال نیز هست که جمله «لم یک شیئاً» ناظر به دورانی باشد که عناصر انسان، در قالب هیچ موجودی آفریده نشده بود.

4- توجه به پیدایش انسان و آفریده شدن وی از عناصری بی جان (خاک ، نطفه ، علقه و مضغه) ، زدااینده هر گونه تردید در امکان برپایی رستاخیز و قدرت خدا بر بخشیدن حیات دوباره به مردگان

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنٰكُمْ . . . ثُمَّ مِّنْ مَّضْغَةٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 16 - 4,5

4 - توجه انسان به چگونگی خلقت خویش و مرگ و رستاخیز ، زمینه ساز گرایش وی به ایمان و رو کردن به ارزش های دینی و الهی

ثم إنكم يوم القيمة تبعثون

در آیات نخستین این سوره، سخن از مؤمنان راستین و صفات ارزشی آنان بود. اکنون در این آیات - که سخن از خلقت شگفت انسان و مرگ و رستاخیز او است - می تواند رهنمودی باشد به انسان ها برای گرویدن به راه مؤمنان راستین.

5 - توجه به چگونگی خلقت نخستین انسان ، زداینده هر گونه تردید در امکان معاد و توانایی خدا بر احیای مجدد مردگان

ولقد خلقنا الإنسان .. ثم إنكم يوم القيمة تبعثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 82 - 5

5 - توجه به آفرینش انسان و استمرار مرگ و حیات در زمین ، زداینده هر گونه تردید و دو دلی نسبت به معاد و حیات مجدد انسان

و هو الذى أنشأ لكم السمع .. و هو الذى يحيى ويميت ... أفلا تعقلون ... قالوا أءذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - يس - 36 - 77 - 9

9 - توجه انسان به مبدأ پیدایش خود ، زمینه ساز ممکن دانستن معاد و تصدیق به آن

أولم ير الإنسان آتاً خلقه من نطفه فإذا هو خصيم مبين

یادآوری مبدأ پیدایش انسان در شرایطی که آیه شریفه و آیات بعد، در صدد اثبات معاد و رد شبهه منکران قیامت است، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 58 - 2

2 - توجه به کیفیت پیدایش انسان از منی در رحم ، آسان کننده مسأله پذیرش معاد و توانایی خداوند بر احیای مجدد مردگان

أفرءیتم ما تمنون

روی سخن در آیه شریفه با منکران معاد است و مفاد آن چنین می باشد: اگر شما به کیفیت پیدایش انسان از نطفه - که در رحم می ریزید - توجه می کردید، در قدرت و توانایی خداوند بر آفرینش مجدد انسان تردید نمی کردید و به انکار معاد نمی پرداختید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 8 - 4

4 - توجه به آفرینش انسان و تداوم نسل او در زمین ، زمینه ساز پذیرش معاد است .

عمّ یتساءلون . . . و خلقنکم أزوجًا

ص: 401

در آیه دو چیز به عنوان دلیل بر معاد ذکر شده است؛ خلقت انسان ها و زوجیت آنان؛ یعنی، چنین آفریده ای نمی تواند معاد نداشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 18 - 2

2- توجه به ماده اولیه خلقت انسان و سیر پیدایش وی ، مانع کفر به خداوند و قدرت او و زمینه ساز باور به معاد

قتل الإنسن ما أكفره . من أيّ شیء خلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 19 - 4,5

4- توجه انسان به پیدایش او از نطفه ای ناچیز ، بازدارنده وی از کفرورزی به خداوند و قدرت او و مایه باور به معاد است .

ما أكفره . . . من نطفه خلقه

5- توجه انسان به دوران نطفه بودن و ناتوانی های خویش در آغاز پیدایش ، از میان برنده احساس بی نیازی از رهنمود های خداوند است

أما من استغنى . . . من أيّ شیء خلقه . من نطفه خلقه

16- آثار ذکر خلقت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 6 - 6

6- توجه به آفرینش انسان از خون لخته و وابستگی تمام دانش های او به خداوند ، مایه ترک طغیان است .

خلق الإنسن من علق . . . علم الإنسن ما لم يعلم . كلاً إنّ الإنسن لیطغى

17- آثار ذکر خلقت دره ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 31 - 5

5- توجه به آفرینش کوه ها ، راه ها و دره ها ، راهی برای رسیدن به توحید است .

و جعلنا فی الأرض روسی . . . لعَلَّهم یهتدون

متعلق «یهتدون» در آیه ذکر نشده است؛ ولی به قرینه این که مخاطبان آیات شریفه مشرکان اند و این آیات در صدد اثبات توحید است، برداشت یاد شده قابل استفاده است.

ص: 402

18- آثار ذکر خلقت راهها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 31 - 5

5- توجه به آفرینش کوه ها ، راه ها و دره ها ، راهی برای رسیدن به توحید است .

و جعلنا فی الأرض روسی . . . لعلهم یهتدون

متعلق «یهتدون» در آیه ذکر نشده است؛ ولی به قرینه این که مخاطبان آیات شریفه مشرکان اند و این آیات در صدد اثبات توحید است، برداشت یاد شده قابل استفاده است.

19- آثار ذکر خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 99 - 1

1- توجه به خلقت آسمان ها و زمین ، عاملی برای پی بردن به قدرت خداوند در آفرینش دوباره انسانها

أولم یروا أن الله . . . قادر علی أن یخلق مثلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 12 - 14

14 - توجه به آفرینش زمین و آسمان و مراحل آن ، عامل پی بردن انسان به قدرت و علم نامحدود خداوند

أنتکم لتکفرون بالذی خلق . . . ذلک تقدیر العزیز العلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبا - 78 - 6 - 4

4 - توجه به آفرینش زمین و ویژگی های آن ، مایه پی بردن به قدرت خداوند و زمینه ساز پذیرش معاد است .

عن النبا العظیم . . . ألم نجعل الأرض مهذاً

20- آثار ذکر خلقت کوهها

5- توجه به آفرینش کوه ها ، راه ها و دره ها ، راهی برای رسیدن به توحید است .

و جعلنا فی الأرض روسی . . . لعلهم یهتدون

متعلق «یهتدون» در آیه ذکر نشده است؛ ولی به قرینه این که مخاطبان آیات شریفه مشرکان اند و این آیات در صدد اثبات توحید است، برداشت یاد شده قابل استفاده است.

21- آثار ذکر مراحل خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 18 - 5

5 - توجّه انسان به مراحل آفرینش خویش به دست خداوند ، بازدارنده او از کفران نعمت های الهی

ما أكفّره . من أيّ شیء خلقه

در برداشت یاد شده، مراد از کفر - در آیه قبل - کفران نعمت دانسته شده است.

22- آثار ذکر مراحل خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 30 - 3

3 - توجّه به مراحل پیدایش زمین و تحوّل آن به جایگاهی قابل استفاده جانداران ، مایه پی بردن انسان به قدرت خداوند و زمینه باور داشتن

معاد

ءأنتم أشدّ . . و الأرض بعد ذلك دحيها

23- آثار غفلت از خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 78 - 1

1 - فراموشی و بی توجهی به مبدأ پیدایش انسان ، عامل دور شمردن برپایی قیامت و حیات مجدد انسان ها

و ضرب لنا مثلاً ونسی خلقه

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که عبارت « و نسی خلقه » حال برای فاعل «ضرب» است؛ یعنی، در حالی که آفرینش خود را

فراموش کرد، مثلی در رد عقیده به قیامت برای ما آورد.

24- آثار مطالعه خلقت آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 6 - 2

2- تأمل و اندیشه در کیفیت آفرینش، زیبایی و اتقان بنای آسمان، زمینه ره جویی به حق

بل کذبوا بالحقّ .. أفلم ينظروا إلى السماء ... و ما لها من فروج

ص: 404

واژه «ینظر»، به معنای تأمل و نگاه از روی دقت و تحقیق است.

25- آثار مطالعه مراحل خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 9 - 6

6 - مطالعه در مراحل آفرینش زمین، زمینه ساز توجه انسان به یگانگی آفریدگار آن

قل أُنْتُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالذِّی خَلَقَ الْأَرْضَ فِی یَوْمِیْنٍ وَتَجْعَلُونَ لَهُ أُنْدَادًا

26- آسانی خلقت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 19 - 10

10 - ایجاد مستمر موجودات و برگرداندن آنها به حالت نخست، برای خداوند، آسان است.

یَبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ یُعِیدُهُ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ یَسِیرٌ

27- آغاز خلقت آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 30 - 4

4 - فراهم شدن شرایط زندگانی در زمین، با آغاز آفرینش آن و پیدایش آسمان و شب و روز هم زمان نبوده است.

وَالْأَرْضُ بَعْدَ ذَٰلِكَ دَحِیْهَا

فعل «دحاها» دلالت بر وجود زمین قبل از بسط آن دارد و قید «بعد ذلک»، نشانگر آن است که گسترش زمین و آمادگی آن برای زندگانی انسان، از دوران ایجاد آسمان و شب و روز مؤخر بوده است.

28- آغاز خلقت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 117 - 3

3 - آسمان ها و زمین (جهان هستی) را آغازی بوده است .

بدیع السموت و الأرض

ص: 405

29- آغاز خلقت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 30 - 1

1- جهان طبیعت (آسمان و زمین) در ابتدای خلقت، متراکم و به هم پیوسته بوده است.

أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا

«رتق» به معنای ضمّ و پیوستن است و «فتق» به معنای فصل و جدا شدن است. مقصود از رتق پیوستگی و با هم بودن آسمان و زمین در آغاز خلقت و مراد از «فتق» جدا شدن و دورگشتن آن دو از هم در دوره بعد است. گفتنی است که مقصود از رؤیت در «أولم یر» رؤیت قلبی و علمی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 117 - 3

3- آسمان ها و زمین (جهان هستی) را آغازی بوده است.

بَدِيعِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

30- آغاز خلقت روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 30 - 4

4- فراهم شدن شرایط زندگانی در زمین، با آغاز آفرینش آن و پیدایش آسمان و شب و روز هم زمان نبوده است.

وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحِيهَا

فعل «دحاها» دلالت بر وجود زمین قبل از بسط آن دارد و قید «بعد ذلک»، نشانگر آن است که گسترش زمین و آمادگی آن برای زندگانی انسان، از دوران ایجاد آسمان و شب و روز مؤخر بوده است.

31- آغاز خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 64 - 3

3- زمین ، در آغاز پیدایشش قابل سکونت و زندگی انسان نبوده است .

اللّٰهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ قَرَارًا

«جعل» در دو معنا استعمال شده است: خَلَقَ (آفرید) و صَيَّرَ (تبدیل کرد و به گونه ای دیگر در آورد). برداشت یاد شده مبتنی بر معنای دوم است.

ص: 406

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 30 - 4

4- فراهم شدن شرایط زندگانی در زمین، با آغاز آفرینش آن و پیدایش آسمان و شب و روز هم زمان نبوده است.

و الأرض بعد ذلك دحيها

فعل «دحاها» دلالت بر وجود زمین قبل از بسط آن دارد و قید «بعد ذلک»، نشانگر آن است که گسترش زمین و آمادگی آن برای زندگانی انسان، از دوران ایجاد آسمان و شب و روز مؤخر بوده است.

32- آغاز خلقت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 30 - 4

4- فراهم شدن شرایط زندگانی در زمین، با آغاز آفرینش آن و پیدایش آسمان و شب و روز هم زمان نبوده است.

و الأرض بعد ذلك دحيها

فعل «دحاها» دلالت بر وجود زمین قبل از بسط آن دارد و قید «بعد ذلک»، نشانگر آن است که گسترش زمین و آمادگی آن برای زندگانی انسان، از دوران ایجاد آسمان و شب و روز مؤخر بوده است.

33- ابلیس هنگام خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 31 - 2

2- ابلیس، به هنگام خلقت انسان، در میان فرشتگان بود و از زمره آنان به حساب می آمد.

و إذ قال ربك للملائكة إني خالق بشراً من .. فاذا سوّيته ... فقعدوا له سجدين .

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که استثنا متصل باشد و استثنا شدن ابلیس از فرشتگان، نه به خاطر این است که وی فرشته بود؛ بلکه از باب تغلیب، جزئی از آنها به شمار می آمد.

34- اتقان خلقت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 73 - 2

2 - آفرینش آسمانها و زمین، هدفدار و در نهایت استواری است.

وهو الذى خلق السموت والأرض

ص: 407

«حق» کاربرد معنایی بسیاری دارد، از آن جمله که قرینه ترکیب با جمله «خلق السماوات»، به معنای هدفداری و حکیمانه بودن آفرینش است، راغب نیز در مفردات به کاربرد این معنی برای «حق» تصریح کرده است.

35- اتقان خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 73 - 2

2 - آفرینش آسمانها و زمین، هدفدار و در نهایت استواری است.

و هو الذی خلق السموت والأرض

«حق» کاربرد معنایی بسیاری دارد، از آن جمله که قرینه ترکیب با جمله «خلق السماوات»، به معنای هدفداری و حکیمانه بودن آفرینش است، راغب نیز در مفردات به کاربرد این معنی برای «حق» تصریح کرده است.

36- ارزش خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 2 - 3

3 - تعلیم قرآن، نعمت و ارزشی فراتر از اصل خلقت انسان و نعمت های دیگر

عَلَّمَ الْقُرْآنَ . خَلَقَ الْإِنْسَانَ

سوره «الرحمان»، حاوی بیان انواع نعمت هایی است که خداوند به انسان عطا کرده است. از این که مسأله تعلیم قرآن، سرآغاز همه نعمت ها و حتی آفرینش انسان قرار گرفته، مطلب بالا استفاده می شود.

37- ارزش عنصر خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 14 - 2

2 - ماده ای کم ارزش، مبدأ آفرینش موجودی ارزشمند چون انسان

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَلٍ كَالْفَخَّارِ

نکره آمدن «صلصال» می تواند برای بیان کم ارزشی ماده ای باشد که خداوند از آن، موجودی والا و ارجمند به نام انسان را آفریده است.

38- ارزشمندی خلقت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 39 - 1

1- آفرینش آسمان ها و زمین ، آفرینشی بحق ، بایسته ، ارزشمند و هدفدار

و ما خلقنا السموت والأرض و ما بينهما لعبین . ما خلقنهما إلاّ بالحقّ

39- ارزشمندی خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 39 - 1

1- آفرینش آسمان ها و زمین ، آفرینشی بحق ، بایسته ، ارزشمند و هدفدار

و ما خلقنا السموت والأرض و ما بينهما لعبین . ما خلقنهما إلاّ بالحقّ

40- استمرار خلقت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 19 - 7

7- خلق و مرگ پدیده ها ، امری مدام و مستمر است .

كيف يبدئ الله الخلق ثم يعيده

41- اعجاز خلقت شتر صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 13 - 4

4- آفرینش ناقه صالح ، به طور غیرعادی و خارج از اسباب و علل طبیعی بود .

ناقه الله

از آن جا که همه موجودات، مملوک خدایند، اضافه «ناقه» به نام جلاله «الله»، بیانگر ویژگی آن است و از دخالت مستقیم خداوند، در

پیدایش آن حکایت دارد.

ص: 409

42- انسان در بدو خلقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 94 - 1

1 - انسان در پی مرگ، مانند آفرینش نخستین خویش، تنها نزد خداوند حضور می یابد.

و لقد جئتمونا فردی کما خلقنکم اول مره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 30 - 4

4 - انسانها در آغاز خلقتشان نه گرفتار گمراهیند و نه هدایتیابی آنان محقق است.

کما بدأکم تعودون. فریقا هدی و فریقا حق علیهم الضلله

قرآن ریشه گرایش به گمراهی و توفیق هدایتیابی انسانها را با جمله «انهم اتخذوا الشیاطین اولیاء من دون الله» به خود آنان نسبت داده و بدیهی است که آدمی در آغاز پیدایشش نه قدرت انتخاب دارد و نه می توان فعلی را - که بر آن مؤاخذه صحیح باشد - به وی نسبت داد. بنابراین تحقق هدایت یافتن و یا گمراه گشتن پس از این مرحله، یعنی مرحله قدرت انتخاب، تحقق می یابد.

43- انسان قبل از خلقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 28 - 5

5 - آدمی پیش از زندگی دنیوی خویش، موجودی مرده و فاقد حیات بود.

کنتم أموتاً فأحیکم

44- انسان ها در بدو خلقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 48 - 7

7- انسان ها، مانند زمان تولد، فاقد هرگونه مال و فرزند و عنوان و اعتبار، در صحنه قیامت حضور خواهند یافت.

لقد جئتمونا کما خلقنکم أول مره

تشبیه حضور انسان ها در قیامت به زمان تولد آنان، ممکن است از جهت همراه نداشتن امکانات مادی و خالی بودن از هرگونه عنوان و اعتبار باشد.

ص: 410

45- اهداف خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 8 - 6

6 - رسیدن انسان به هدف آفرینش خود، در گرو معاد او است.

عن النبأ العظيم... و خلقنکم

46- اهمیت خلقت آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 64 - 21

21 - تمجید و تحسین خداوند از خویش به خاطر آفریدن آسمان، زمین و انسان

اللّٰه الذی جعل لکم الأرض... و صورکم... فتبارک اللّٰه ربّ العلمین

جمله «فتبارک اللّٰه ربّ العالمین» دارای آهنگ تمجید و تحسین است.

47- اهمیت خلقت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 99 - 3

3- خلقت آسمان ها و زمین، به مراتب مهمتر از حیات دوباره انسان پس از مرگ است.

أولم یروا أن الله الذی خلق السموت و الأرض قادر علی أن یخلق مثلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 81 - 6

6 - آفرینش آسمان ها و زمین، بسی مهم تر و با عظمت تر از آفرینش مجدد انسان ها است.

أولیس الذی خلق السموت و الأرض بقدر علی أن یخلق مثلهم

شگفت آور بودن انکار معاد از سوی کافران - علی رغم مشاهده قدرت خدا بر خلق جهان طبیعت - می تواند ناشی از این حقیقت باشد

که آفرینش جهان طبیعت، بسی مهم تر و با عظمت تر از خلق مجدد یکی از پدیده های طبیعت (یعنی انسان) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 57 - 3

3- آفرینش جهان پهناور (آسمان ها و زمین) ، دلیل توانایی خداوند بر آفرینش مجدد و رستخیز انسان ها و جهان است .

لخلق السموت و الأرض أكبر من خلق الناس

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه در سلسله آیاتی قرار دارد که درباره اثبات معاد ورد دیدگاه مشرکان

ص: 411

است؛ چنان که در دو آیه بعد از آن بحث به میان آمده است.

48- اهمیت خلقت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 34 - 4

4- دو چیز ، معیار استحقاق معبودیت و سزاوار پرستش بودن است : « توانایی بر پدید آوردن جهان » و « قدرت بر برپا کردن دوباره آن »

قل هل من شركائكم من يبدؤا الخلق ثم يعيده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 57 - 3،4

3- آفرینش جهان پهناور (آسمان ها و زمین) ، دلیل توانایی خداوند بر آفرینش مجدد و رستخیز انسان ها و جهان است .

لخلق السموت و الأرض أكبر من خلق الناس

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه در سلسله آیاتی قرار دارد که درباره اثبات معاد و رد دیدگاه مشرکان است؛ چنان که در دو آیه بعد از آن بحث به میان آمده است.

4- آفرینش مجدد انسان ها در قیامت ، برای خداوند آسان تر از آفرینش آغازین جهان و انسان است .

لخلق السموت و الأرض أكبر من خلق الناس

49- اهمیت خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 14 - 8،9

8- تمجید و ستایش خداوند از خویش ، به خاطر آفرینش انسان

ثم أنشأه خلقاً اخر فتبارك الله أحسن الخلقين

9- آفرینش انسان ، آفرینشی بس مهم و ستایش برانگیز

ثم أنشأه خلقاً اخر فتبارك الله أحسن الخلقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 71 - 6

6 - اهمیت آفرینش انسان در مجموعه نظام هستی

بالمأ الأعلى إذ يختصمون . . . إذ قال ربك للملائكة إني خالق بشراً من طين

از مجموع آیات مربوط به آفرینش انسان و جهان به دست می آید که خداوند، تنها آفرینش انسان را با فرشتگان در میان گذاشت و

ص: 412

نه موجودات دیگر را. بنابراین از این نکته، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 72 - 14

14 - اهمیت آفرینش انسان در مجموعه نظام هستی

إذ قال ربّك للملائكة إني خالق بشراً من طين .. فقعدوا له سجدين

در میان گذاشتن و به اطلاع رساندن آفرینش انسان به ملائکه - پیش از آفرینش آدم(ع) - می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 75 - 5

5 - آفرینش انسان ، آفرینشی بس مهم و با عظمت و مورد توجه ویژه خداوند

ما منعك أن تسجد لما خلقت بيديّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 64 - 21

21 - تمجید و تحسین خداوند از خویش به خاطر آفریدن آسمان ، زمین و انسان

اللّٰه الذی جعل لكم الأرض .. و صورکم ... فتبارک اللّٰه ربّ العلمین

جمله «فتبارک اللّٰه ربّ العالمین» دارای آهنگ تمجید و تحسین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جاثیه - 45 - 4 - 2

2 - آفرینش انسان در مقایسه با سایر جانداران زمین ، دارای ویژگی ، امتیاز و اهمیت

وفی خلقکم و ما یبئ من دابّہ

از این که انسان به صورت مستقل و مقدم بر سایر جانداران یاد شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- آفرینش انسان ، از مایعی ناچیز و سیر متوازن و تکاملی وی در رحم ، نشانه توانایی خداوند بر برپایی قیامت و احیای مردگان

ألم نخلقكم من ماء .. فقد رنا فنعم القديرون

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که این آیات تا آخر سوره، درصدد اثبات برپایی قیامت باشد.

50- اهمیت خلقت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 413

1 - آفرینش مجموعه عالم (آسمان ها و زمین) ، در مقایسه با آفرینش انسان ها بزرگ تر و آفریدن آن سخت تر و مهم تر است .

لخلق السموت والأرض أكبر من خلق الناس

مقصود از «أكبر»، با عظمت تر، سخت تر و مهم تر بودن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 20 - 6

6 - انسان و آفرینش او ، مورد توجه و عنایت ویژه خداوند

والله جعل لكم الأرض بساطاً . لتسلکوا منها سبلاً فجاجاً

خداوند، کره زمین را به گونه ای آفریده که برای بشر قابل بهره‌وری باشد و نیز آن را در جهت مصالح و منافع او آفریده است. از این نکته می توان به برداشت یاد شده دست یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 20 - 3

3 - هدایت انسان به راه راست و آسان ساختن سلوک آن ، مهم تر از آفرینش اندام او است .

ثمّ السبيل

حرف «ثمّ» برای تراخی است و چنانچه جمله «ثمّ السبيل يّسره»، تفسیر جمله «قدّره» و بیان گوشه ای از تقدیرات الهی درباره انسان باشد؛ مراد تراخی رتبی خواهد بود؛ یعنی، آنچه بعد از ثمّ ذکر شده است، والاتر و ارجمندتر است.

51- اهمیت خلقت حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جاثیه - 45 - 4 - 2

2 - آفرینش انسان در مقایسه با سایر جانداران زمین ، دارای ویژگی ، امتیاز و اهمیت

و فی خلقکم و ما یبئ من دابة

از این که انسان به صورت مستقل و مقدم بر سایر جانداران یاد شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

52- اهمیت خلقت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 37 - 4

4 - خلقت خورشید شگرف تر و شایان توجه تر از آفرینش ماه *

و من ءایته .. الشمس و القمر

ص: 414

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تقدم نام خورشید بر قمر، اشاره به اهمیت بیشتر آن در منظومه شمسی و شناخت اجرام آسمانی باشد.

53- اهمیت خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 99 - 3

3- خلقت آسمان ها و زمین ، به مراتب مهمتر از حیات دوباره انسان پس از مرگ است .

أولم يروا أن الله الذي خلق السموت والأرض قادر على أن يخلق مثلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - يس - 36 - 81 - 6

6 - آفرینش آسمان ها و زمین ، بسی مهم تر و با عظمت تر از آفرینش مجدد انسان ها است .

أوليس الذي خلق السموت والأرض بقدر على أن يخلق مثلهم

شگفت آور بودن انکار معاد از سوی کافران - علی رغم مشاهده قدرت خدا بر خلق جهان طبیعت - می تواند ناشی از این حقیقت باشد که آفرینش جهان طبیعت، بسی مهم تر و با عظمت تر از خلق مجدد یکی از پدیده های طبیعت (یعنی انسان) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 57 - 3

3- آفرینش جهان پهناور (آسمان ها و زمین) ، دلیل توانایی خداوند بر آفرینش مجدد و رستاخیز انسان ها و جهان است .

لخلق السموت والأرض أكبر من خلق الناس

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه در سلسله آیاتی قرار دارد که درباره اثبات معاد ورد دیدگاه مشرکان است؛ چنان که در دو آیه بعد از آن بحث به میان آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 64 - 21

21- تمجید و تحسین خداوند از خویش به خاطر آفریدن آسمان ، زمین و انسان

اللّٰه الذی جعل لکم الأرض . . . و صوّرکم ... فتبارک اللّٰه ربّ العلمین

جمله «فتبارک اللّٰه ربّ العالمین» دارای آهنگ تمجید و تحسین است.

54- اهمیت خلقت ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 415

4- خلقت خورشید شگرف تر و شایان توجه تر از آفرینش ماه *

و من ءایته .. الشمس و القمر

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تقدم نام خورشید بر قمر، اشاره به اهمیت بیشتر آن در منظومه شمسی و شناخت اجرام آسمانی باشد.

55- برتری خلقت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 11 - 7

7 - آفرینش انسان از گل چسبنده، گواه برتری آفرینش جهان طبیعت بر آفرینش انسان و شاهد توانایی خدا بر احیای مجدد انسان ها از خاک است .

إِنَّا خَلَقْنَهُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ

برداشت فوق از آن جا است که جمله «إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ» تعلیل است برای آنچه مورد استفتا و استفهام در جملات قبل بود.

56- بهترین خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 14 - 10

10 - نوع خلقت انسان، برترین و بهترین شکل آفرینش برای او

ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 64 - 6

6 - انسان، برخوردار از بهترین شکل و شمایل و اندامی موزون

و صَوَّرَكُمُ فَاَحْسَنَ صَوْرَكُمْ

57- بی ارزشی عنصر خلقت انسان

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

20 - عبس - 80 - 18 - 3

ص: 416

3 - ماده اصلی در آفرینش انسان ، ماده ای پست و ناچیز بوده است .

من أی شیء خلقه

استفهام در این آیه، برای تحقیر است. نکره بودن کلمه «شیء» نیز به قرینه سیاق آیات - که مراحل تکامل انسان از مرحله نطفه تا مرحله حشر را بر می شمرد - مفید تحقیر است.

58- بینش پوچی خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 115 - 2

2- گزاف و بی هدف شمردن آفرینش انسان ، پنداری غلط و ناروا

أفحسبتم أنما خلقنكم عبثاً

59- پرسش از خلقت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 59 - 10,12

10 - انسان ها ، وظیفه دار سؤال کردن از افراد خبیر و آگاه در باره مبدأ و چگونگی آفرینش جهان هستی (آسمان ها ، زمین و ...)

الذی خلق السموت ... فسئل به خبیراً

برداشت یاد شده، مبتنی بر این مطلب است که «فا» در «فسئل به خبیراً» جواب برای شرط مقدر و تقدیر آن چنین باشد: «ان شئت تحقیق ما ذکر فسئل به خبیراً». گفتنی است در برداشت فوق، مرجع ضمیر «به» خلق و استوا و «خبیراً» مفعول برای «فسئل» دانسته شد.

12 - لزوم رجوع به افراد خبیر و آگاه در مسائل مربوط به معارف الهی ، همچون مبدأ و چگونگی آفرینش آسمان ها و زمین

الحيّ الذی لایموت ... الذی خلق السموت ... الرحمن فسئل به خبیراً

60- پرسش از خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 59 - 10,12

10 - انسان ها ، وظیفه دار سؤال کردن از افراد خبیر و آگاه در باره مبدأ و چگونگی آفرینش جهان هستی (آسمان ها ، زمین و ...)

الذى خلق السموت .. فسئل به خبيرًا

ص: 417

برداشت یاد شده، مبتنی بر این مطلب است که «فا» در «فسئل به خبیراً» جواب برای شرط مقدر و تقدیر آن چنین باشد: «إن شئت تحقیق ما ذکر فسئل به خبیراً». گفتنی است در برداشت فوق، مرجع ضمیر «به» خلق و استوا و «خبیراً» مفعول برای «فسئل» دانسته شد.

12 - لزوم رجوع به افراد خبیر و آگاه در مسائل مربوط به معارف الهی، همچون مبدأ و چگونگی آفرینش آسمان ها و زمین

الحیّ الذی لایموت .. الذی خلق السموت ... الرحمن فسئل به خبیراً

61- پوچ انگاری خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤنون - 23 - 116 - 1

1 - انکار معاد و بیهوده شمردن آفرینش انسان، اهانت به ساحت آفریننده جهان (خدا) است .

أفحسبتم أنّما خلقنکم عبثاً .. لا ترجعون . فتعلی اللّٰه

«تعالی» (مصدر «تعالی») به معنای والایی و بلند مرتبگی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 36 - 6

6 - پوچ انگاری خلقت انسان و بی هدف دانستن زندگی او، تأثیرگذار در انکار کردن معاد و ایمان نیاوردن به روز قیامت

أیحسب الإنسان أن یترک سدی

آیه شریفه در سلسله آیات مربوط به تکذیب معاد از سوی کافران قرار دارد. از این رو می تواند درصدد بیان علل تکذیب روز قیامت باشد؛ هم چنان که می تواند بیانگر نشانه های تحقق چنین روزی باشد.

62- تاریخ خلقت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 30 - 3

3 - فرشتگان پیش از خلقت و خلافت آدم (ع)، آفریده شده بودند .

وإذ قال ربّک للملئکة إنی جاعل فی الأرض خلیفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- آفرینش حوا، پس از آدم بود.

خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا

برداشت بالا بر اساس این دیدگاه است که «ثُمَّ» بر تراخی زمانی، دلالت کند.

ص: 418

63- تاریخ خلقت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 29 - 2

2 - آفرینش آسمان ها مقدم بر آفرینش زمین *

و من ءایته خلق السموت و الأرض

64- تاریخ خلقت ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 116 - 10

10 - سجده در برابر موجودی دیگر ، به فرمان خداوند و در جهت اطاعت او ، مجاز است و نشانه پرستش مسجود نیست .

و إذ قلنا للملئکه اسجدوا لأدم

65- تاریخ خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 27 - 3

3- جن قبل از خلقت انسان ، آفریده شده است .

و الجنّ خلقنه من قبل من نار السموم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 28 - 5

5- فرشتگان ، قبل از آفرینش انسان ، موجود بودند .

و إذ قال ربّک للملئکه إنی خلق بشرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 116 - 10

10 - سجده در برابر موجودی دیگر ، به فرمان خداوند و در جهت اطاعت او ، مجاز است و نشانه پرستش مسجود نیست .

وإذ قلنا للملائكة اسجدوا لآدم

ص: 419

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 56 - 6

6 - آفرینش جن ، قبل از آفرینش انسان ها *

و ما خلقت الجنّ و الإنس

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تقدم لفظی جن بر انس، دال بر تقدم خارجی باشد.

66- تاریخ خلقت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 27 - 3

3- جن قبل از خلقت انسان ، آفریده شده است .

و الجنّ خلقنه من قبل من نار السموم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 50 - 15

15- جن ، دارای پیشینه ای قدیم تر از آفرینش آدمیان است .

اسجدوا لأدم .. إلا إبليس كان من الجنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 56 - 6

6 - آفرینش جن ، قبل از آفرینش انسان ها *

و ما خلقت الجنّ و الإنس

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تقدم لفظی جن بر انس، دال بر تقدم خارجی باشد.

67- تاریخ خلقت حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- آفریش حوا، پس از آدم بود .

خلقکم من نفس وحده ثم جعل منها زوجها

برداشت بالا بر اساس این دیدگاه است که «ثم» بر تراخی زمانی، دلالت کند.

ص: 420

68- تاریخ خلقت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 37 - 3

3 - تقدم خلقت خورشید بر ماه *

و من آیته ... الشمس و القمر

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تقدم ذکر «شمس» بر «قمر» ناظر به مطلب بالا باشد.

69- تاریخ خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 3 - 24

24 - از امام باقر (ع) روایت شده که امیرالمؤمنین (ع) فرمود: «ان الله جلّ ذكره و تقدست اسمائه خلق الأرض قبل السماء...» ;

خدای جل ذکره... زمین را قبل از آسمانها آفرید...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 29 - 2

2 - آفرینش آسمان ها مقدم بر آفرینش زمین *

و من آیته خلق السموت و الأرض

70- تاریخ خلقت کلاغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 31 - 18

18 - وجود کلاغ در زمان حضرت آدم (ع)

فبعث الله غراباً

71- تاریخ خلقت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 31 - 2

2- پیدایش کوه ها ، پس از آفرینش زمین بوده است . *

ص: 421

و جعلنا فی الأرض روسی أن تمید بهم

ظاهر آن است که قرار دادن شیء در ظرفی فرع وجود ظرف است؛ بنابراین قرار دادن کوه ها در زمین بیانگر تأخر پیدایش کوه ها از پیدایش خود زمین است.

72- تاریخ خلقت ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 37 - 3

3 - تقدم خلقت خورشید بر ماه *

و من ءایته .. الشمس و القمر

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تقدم ذکر «شمس» بر «قمر» ناظر به مطلب بالا باشد.

73- تاریخ خلقت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 30 - 3

3 - فرشتگان پیش از خلقت و خلافت آدم (ع)، آفریده شده بودند .

و إذ قال ربك للملائكة إني جاعل فی الأرض خلیفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 28 - 5

5- فرشتگان، قبل از آفرینش انسان، موجود بودند .

و إذ قال ربك للملائكة إني خلق بشرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 116 - 10

10 - سجده در برابر موجودی دیگر، به فرمان خداوند و در جهت اطاعت او، مجاز است و نشانه پرستش مسجود نیست .

وإذ قلنا للملائكة اسجدوا لآدم

74- تداوم خلقت

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

ص: 422

8- آفرینش و ایجاد ، امری دائم و مستمر است .

خلق ... خلق ... خلقها ... و یخلق ما لاتعلمون

آوردن «یخلق» به صورت مضارع می تواند بیانگر این مطلب باشد که آفریدگاری خداوند عمل مستمری است و منحصر به آنچه در گذشته آفریده، نیست.

75- تداوم خلقت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 16 - 4

4 - خداوند ، همواره در حال افاضه فیض و آفرینش جدید

مَمَا یُخْلِی بَنَات

آمدن تعبیر «یخلق» - به جای «خلق» - می رساند که کار آفرینش همواره ادامه دارد.

76- تذکر خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 28 - 3، 2

2- پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، موظف به یادآوری قصه خلقت انسان

و اذ قال ربّک للملئکة انی خلق بشراً

«إذ» مفعول به برای «اذکر» مقدر است و به قرینه کاف «ربک» مخاطب فعل، پیامبر (صلی الله علیه و آله) است.

3- قصه خلقت انسان از گلی بد بو ، خشکیده و متغیر ، شایسته یاد و یادآوری

و اذ قال ربّک للملئکة انی خلق بشراً من صلصل من حمأ مسنون

77- تذکر خلقت زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- خداوند با توجه دادن زکریا (ع) به نوپدایی و آفرینش وی ، او را به امکان پیدایش یحیی (ع) از وی و همسر نازایش مطمئن ساخت .

هو علیٰ هین وقد خلقتک من قبل ولم تک شیئاً

ص: 423

78- تشابه خلقت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 46 - 6

6 - همگونی مرد و زن در اصل خلقت (نطفه)

وَأَنَّهُ خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى . من نطفه إذا تمنى

79- تشبیه به آغاز خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 29 - 13

13 - شباهت و همگونی معاد انسانها با آغاز آفرینش آنان

كما بدأكم تعودون

80- تشبیه به خلقت ابتدایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 48 - 7

7- انسان ها ، مانند زمان تولد ، فاقد هرگونه مال و فرزند و عنوان و اعتبار ، در صحنه قیامت حضور خواهند یافت .

لقد جئتمونا كما خلقنكم أول مره

تشبیه حضور انسان ها در قیامت به زمان تولد آنان، ممکن است از جهت همراه نداشتن امکانات مادی و خالی بودن از هرگونه عنوان و اعتبار باشد.

81- تشبیه به خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 55 - 5

5 - خروج مجدد انسان از زمین و حیات تازه او ، همانند آفرینش نخستین او از زمین خواهد بود .

«تاره أخرى»؛ یعنی، بار دیگر گفتنی است که مرتبه اول بیرون آمدن انسان از خاک، همان خلقت اولیه او از نطفه است و بار دوم زمانی است که پس از مرگ مجدداً از زمین برانگیخته خواهد شد. «تاره أخرى» اشاره به همین تشابه دارد تا استعبادها را نیز تلویحاً رد کرده باشد.

82- تشبیه به خلقت گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 17 - 1

1 - خداوند ، انسان را همچون نباتات از زمین آفریده است .

والله أنبتکم من الأرض نباتاً

83- تشبیه خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 28 - 1

1 - آفرینش نخستین انسان ها و زنده کردن مجدد آنان پس از مرگ ، برای خداوند همانند آفریدن یک تن است .

ما خلقکم ولابعثکم إلا کنفس وحده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 17 - 1

1 - خداوند ، انسان را همچون نباتات از زمین آفریده است .

والله أنبتکم من الأرض نباتاً

84- تشویق به مطالعه خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 36 - 4

4 - ترغیب خداوند ، به مطالعه درباره آفرینش انسان و هدف و فلسفه زندگی او

أیحسب الإنسان أن یتَرَک سُدًى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 1 - 3

3- ترغیب خداوند ، به مطالعه در مبدأ پیدایش انسان و نعمت وجود او در جهان هستی

هل أتى على الإنسان حين من الدهر لم يكن شيئاً مذكوراً

آغاز شدن سوره با طرح مسأله پیدایش انسان در برهه ای از زمان، می تواند به منظور جلب توجه انسان ها، به این مسأله و ترغیب

ص: 425

آنان به مطالعه درباره آن باشد.

85- تعقل در خلقت آسمان های هفتگانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 15 - 6

6 - اندیشه در چگونگی مبدأ آفرینش آسمان ها ، راهی برای شناخت خدا و اوصاف او است .

ألم تروا كيف خلق الله سبع سموات طباقاً

86- تعقل در خلقت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 15 - 7

7 - نوح (ع) ، قوم خود را به اندیشه و مطالعه درباره چگونگی و مبدأ آفرینش جهان ، به منظور پی بردن به عظمت خداوند تشویق و تحریض می کرد .

ألم تروا كيف خلق الله سبع سموات طباقاً

تعبیر «ألم تروا كيف...» می تواند برای تشویق و تحریض ادا شده باشد.

87- تعقل در خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 98 - 9، 7

7 - صاحبان درک از بیان آیات خداوند در زمینه کیفیت آفرینش انسان بهره می برند.

هو الذی أنشأکم .. قد فصلنا الأیت لقوم یفقهون

9 - تفکر در چگونگی آفرینش انسان، راهی برای رسیدن به توحید است.

و هو الذی أنشأکم .. قد فصلنا الأیت لقوم یفقهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - خداوند انسان کافر را به دلیل اندیشه نکردن در چگونگی مبدأ پیدایش خود سرزنش کرده است .

أولم ير الإنسان أنّ خلقناه من نطفه

برداشت یاد شده از لحن سرزنش آمیز آیه شریفه به دست می آید.

ص: 426

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 78 - 2

2- دقت و اندیشه در چگونگی پیدایش انسان ، زمینه ساز ممکن دانستن برپایی قیامت و حیات مجدد انسان ها

أولم ير الإنسن . . . و ضرب لنا مثلاً و نسی خلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 67 - 18

18 - چگونگی آفرینش انسان و سیر تحوّل آن ، بستری مناسب برای تعقل و خردورزی

هو الذی خلقکم من تراب . . . لعلکم تعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 14 - 3

3- پیدایش موجودی شعورمند و صاحب اراده از گلی خشکیده (چون انسان) ، شایان تأمل و درس آموزی است .

خلق الإنسن من صاصل

تذکر به مبدأ پیدایش انسان، ممکن است نظر به مطلب بالا داشته باشد؛ چه این که آیات سوره تماماً توحیدی است و در مقام نمایاندن ربوبیت یگانه حق می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 58 - 4

4- تشویق منکران معاد از سوی خداوند ، به مطالعه در فرایند پیدایش انسان از منی

أفرئتم ما تمنون

88- تعقل در خلقت چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 71 - 2

2 - تشویق خداوند به تأمل و اندیشه در جلوه های قدرت الهی در طبیعت (مانند شتر، گاو و گوسفند)

أولم يروا أنا خلقنا لهم مما عملت أيدينا أنعمًا

89- تعقل در خلقت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 427

4 - سرزنش شدن قوم نوح از سوی پیامبرشان ، به سبب نیندیشیدن درباره چگونگی آفرینش ماه تابان و خورشید فروزان

ألم تروا كيف خلق الله... و جعل القمر فيهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

5 - اندیشه در چگونگی آفرینش ماه و خورشید ، راهی برای شناخت خدا و اوصاف او

ألم تروا كيف... و جعل القمر فيهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

6 - نوح (ع) ، قومش را به اندیشه و مطالعه درباره چگونگی آفرینش ماه و خورشید ، به منظور پی بردن به عظمت خداوند تشویق و تحریض می کرد .

ألم تروا كيف... و جعل القمر فيهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

90- تعقل در خلقت روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 62 - 4

4 - تفکر در آفرینش شب و روز و جانشین شدن آن دو به جای یکدیگر ، آموزنده درس خداشناسی

و هو الذی جعل الّیل و النهار خلفه لمن أراد أن یدّکر

«تذکر» (مصدر «یدّکر») از نظر لغت به معنای یادآوردن چیزی است که فراموش شده است (لسان العرب); ولی این واژه در آیه شریفه - به گفته بیشتر مفسران - به معنای تفکر و تأمل برای درس آموختن و نتیجه گرفتن از آفرینش شب و روز است.

91- تعقل در خلقت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 62 - 4

4 - تفکر در آفرینش شب و روز و جانشین شدن آن دو به جای یکدیگر ، آموزنده درس خداشناسی

و هو الذی جعل الّیل و النهار خلفه لمن أراد أن یدّکر

«تذکر» (مصدر «یدّکر») از نظر لغت به معنای یادآوردن چیزی است که فراموش شده است (لسان العرب); ولی این واژه در آیه شریفه - به گفته بیشتر مفسران - به معنای تفکر و تأمل برای درس آموختن و نتیجه گرفتن از آفرینش شب و روز است.

92- تعقل در خلقت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - 15 - 36 - 71 - 2

2 - تشویق خداوند به تأمل و اندیشه در جلوه های قدرت الهی در طبیعت (مانند شتر، گاو و گوسفند)

ص: 428

أولم يروا أننا خلقنا لهم مما عملت أيدينا أنعمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 17 - 4,5

4 - شیوه آفرینش شتر ، شگفت آور و دارای زوایای درخور دقت و تحقیق است .

أفلا ينظرون إلى الإبل كيف خلقت

تکیه بر شناخت ویژگی های شتر، یا به جهت فایده های فراوان این حیوان برای مردم جزیره العرب است و یا این که شتر در بین حیوانات، کمالاتی بی نظیر دارد و می توان آیه شریفه را ناظر به هر دو نکته دانست.

5 - کشف و شناسایی ویژگی های شتر ، راهنمای فکری انسان برای اعتقاد به قدرت خداوند

أفلا ينظرون إلى الإبل كيف خلقت

93- تعقل در خلقت گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 71 - 2

2 - تشویق خداوند به تأمل و اندیشه در جلوه های قدرت الهی در طبیعت (مانند شتر ، گاو و گوسفند)

أولم يروا أننا خلقنا لهم مما عملت أيدينا أنعمًا

94- تعقل در خلقت گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 71 - 2

2 - تشویق خداوند به تأمل و اندیشه در جلوه های قدرت الهی در طبیعت (مانند شتر ، گاو و گوسفند)

أولم يروا أننا خلقنا لهم مما عملت أيدينا أنعمًا

95- تعقل در خلقت ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- سرزنش شدن قوم نوح از سوی پیامبرشان ، به سبب نیندیشیدن درباره چگونگی آفرینش ماه تابان و خورشید فروزان

ألم تروا كيف خلق الله... و جعل القمر فيهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

5- اندیشه در چگونگی آفرینش ماه و خورشید ، راهی برای شناخت خدا و اوصاف او

ألم تروا كيف .. و جعل القمر فيهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

6 - نوح (ع)، قومش را به اندیشه و مطالعه درباره چگونگی آفرینش ماه و خورشید، به منظور پی بردن به عظمت خداوند تشویق و تحریض می کرد.

ألم تروا كيف .. و جعل القمر فيهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

96- تعقل در خلقت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 164 - 21

21 - لزوم اندیشه و تفکر در آفرینش پدید ها برای رسیدن به توحید و درک رحمانیت و رحیمیت خداوند

إن في خلق السموت والأرض .. لأيت لقوم يعقلون

97- تعقل در عنصر خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 18 - 1

1 - خداوند، ترغیب کننده انسان ها به اندیشه و دقت در نخستین عنصر آفرینش خود

من أئی شیء خلقه

98- تفکر در خلقت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 11 - 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) مأمور توجه دادن کافران و مشرکان بر آفرینش انسان و جهان و ترغیب آنان به تأمل و تفکر درباره آنها

فاستفتهم أهم أشدّ خلقًا أم من خلقنا

استفتا و پرسش در آیه شریفه، برای ترغیب به تفکر و تأمل است؛ نه برای پرسش و استفتای حقیقی.

99- تفکر در خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 11 - 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) مأمور توجه دادن کافران و مشرکان بر آفرینش انسان و جهان و ترغیب آنان به تأمل و تفکر درباره آنها

ص: 430

فاستفتهم أهم أشدّ خلقاً أم من خلقنا

استفتا و پرسش در آیه شریفه، برای ترغیب به تفکر و تأمل است؛ نه برای پرسش و استفتای حقیقی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 35 - 1

1 - خداوند ، خواهان تأمل و اندیشیدن انسان درباره نحوه پیدایش خود

أم خلقوا من غير شيء

پرسش در آیه شریفه در حقیقت برای واداشته شدن انسان به اندیشه و تفکر صورت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 58 - 1

1 - فرایند پیدایش انسان از منی در رحم ، شایان مطالعه و تأمل

أفرءیتم ما تمنون

مراد از «امناء» (مصدر «تمنون») ریختن منی در رحم است؛ یعنی، آیا به منی - که آن را به صورت نطفه در رحم زن می ریزید - اندیشیده اید؟

100- تقدیر خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 23 - 4

4 - ستایش خداوند از خود ، در آفرینش انسان و اندازه گیری های دقیق در خلقت وی

فقدرنا فنعم القدرون

101- تکامل خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 1 - 2

2- پیدایش انسان در زمین ، دارای روند تکاملی بود و با پشت سر گذاشتن دورانی دراز ، به تدریج چهره انسانی یافت .

لم یکن شیئاً مذکوراً

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که مفاد جمله «لم یکن شیئاً مذکوراً» چنین باشد: انسان در برهه ای از زمان چیزی بود؛ ولی آن چیز هنوز قابلیت نام انسان را نداشت؛ بلکه به تدریج تکامل یافته و چهره انسانی پیدا کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 431

3 - مرحله پیدایش قیافه و سیما برای هر انسان ، پس از مراحل آفرینش ، تکمیل و تعدیل اعضای او است .

فی أیّ صورة ما شاء ربّک

جمله «فی أیّ صورة..» مستأنفه و بیانگر مرحله ای دیگر از مراحل پیدایش انسان است. برخی آن را تفسیر جمله «فعدلک» در آیه قبل، قرار داده و مرحله تعدیل و چهره پردازی را یکی دانسته اند.

102- تکامل خلقت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 50 - 4

4 - خداوند به هر موجودی ، خلقتی کامل و اعضا و ویژگی هایی متناسب با شأن او ، عطا کرده است .

الذی أعطی کلّ شیء خلقه

«خلق» ، به معنای ایجاد، یا تقدیر درست و یا هیئت و شکل است (مفردات راغب). معنای دوم و سوم رساننده نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 2 - 2

2 - خداوند ، آفریده های خویش را کامل و به دور از هرگونه کاستی و اضافات ، قرار داده است .

فسوّی

تسویه و تعدیل، به یک معنا است (مصباح) و اعتدال هر چیز، به دور ماندن آن از افراط و تفریط است.

103- جهش در خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 20 - 10

10 - تبدیل شدن خاک - پس از گذر از مراحل لازم - به انسان ، جهش گون و سریع است .

أن خلقکم من تراب ثمّ إذا أنتم بشر تتشرون

«إذا» فجاییه است و دلالت بر ناگهانی بودن می کند، لذا از آن، سرعت و حالت جهشی بودن به دست می آید.

104- حسن خلقت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 7 - 1,2,3,7

ص: 432

1 - خداوند ، همه آفریده های خود را ، به صورتی نیکو و شایسته پدید آورده است .

اللّٰه .. الذی أحسن کلّ شیء خلقه

2- آفرینش موجودات به صورتی نیکو و شایسته ، نشانه تدبیر و علم الهی است .

یدبّر الأمر .. علم ... الذی أحسن کلّ شیء خلقه

3- زیبا و نیکو آفریده شدن پدیده ها ، از جمله آیات الهی است .

اللّٰه الذی .. الذی أحسن کلّ شیء خلقه

7- خلقت موجودی شگفت مانند انسان از گلی بی شکل و فاقد حیات ، نمود آفرینش نیکوی خدا است .

أحسن کلّ شیء خلقه و بدأ خلق الإنسن من طین

105- حقانیت خلقت آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 44 - 5 - 1

1 - خداوند ، آسمان ها و زمین را ، به حق ، آفریده است .

خلق اللّٰه السموت و الأرض بالحقّ

5 - خلقت هدف دار آسمان ها و زمین ، نشانه و آیه بزرگ خدا برای مؤمنان است .

خلق اللّٰه السموت و الأرض .. إنّ فی ذلک لآیه للمؤمنین

106- حقانیت خلقت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 85 - 1

1- خداوند آسمان ها ، زمین و موجودات در فضا را بر اساس حق (حکیمانه و با مقصودی صحیح) آفرید .

و ما خلقنا السموت و الأرض و ما بینهما إلّا بالحقّ

یکی از موارد کاربرد واژه «حق» جایی است که کاری به مقتضای حکمت و بر اساس مصلحت انجام پذیرفته باشد (مفردات راغب).

برداشت فوق بر اساس این کاربرد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 39 - 3, 2, 1

1- آفرینش آسمان ها و زمین ، آفرینشی بحق ، بایسته ، ارزشمند و هدفدار

و ما خلقنا السموت و الأرض و ما بينهما لعین . ما خلقتهما إلاّ بالحقّ

2- آفرینش آسمان ها و زمین ، به دور از هرگونه پوچی ، بیهودگی و بطلان

و ما خلقنا السموت و الأرض . . . لعین ... إلاّ بالحقّ

ص: 433

3- حقانیت آفرینش جهان ، مستلزم وجود معاد

إن هی إلاّ موتتنا الأولى . . . ما خلقنهما إلاّ بالحقّ

از این که حقانیت آفرینش در مقام رد اندیشه منکران معاد مطرح شده، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 22 - 1

1 - آفرینش آسمان ها و زمین از سوی خداوند ، آفرینشی به حق و هدفدار

و خلق الله السموت و الأرض

«حق» به چیزی گفته می شود که براساس حکمت و فلسفه ای بایسته پدید آمده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 3 - 1

1- آفرینش آسمان ها و زمین و موجودات هستی ، آفرینشی بایسته و بحق

ما خلقنا السموت و الأرض و ما بینهما إلاّ بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 3 - 2

2- آفرینش جهان (آسمان ها ، زمین و . . .) ، براساس حق و هدفدار و به دور از بیهوده کاری است .

خلق السموت و الأرض بالحقّ

«حقّ» در مقابل باطل قرار دارد. یکی از معانی «باطل» عبث و بیهوده کاری است؛ یعنی، کاری که در آن هدف معقولی لحاظ نشود.

107- حقانیت خلقت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 44 - 3

3 - عالم ، حق و هدف دار خلق شده است .

خلق الله السموت و الأرض بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 3 - 11، 2

2- آفرینش جهان (آسمان ها، زمین و . . .)، براساس حق و هدفدار و به دور از بیهوده کاری است .

خلق السموت و الأرض بالحقّ

«حقّ» در مقابل باطل قرار دارد. یکی از معانی «باطل» عبث و بیهوده کاری است؛ یعنی، کاری که در آن هدف معقولی لحاظ

ص: 434

نشود.

11 - معاد و بازگشت انسان ها ، به پیشگاه عدل الهی برای کیفر و پاداش ، مقتضای آفرینش به حق و هدفمند جهان است .

خلق السموت و الأرض . . . وإليه المصير

ذکر معاد انسان ها - پس از بیان آفرینش جهان بر پایه حق و هدفمندی - می تواند گویای نکته یاد شده باشد.

108- حقانیت خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 85 - 1

1- خداوند آسمان ها ، زمین و موجودات در فضا را بر اساس حق (حکیمانه و با مقصودی صحیح) آفرید .

و ما خلقنا السموت و الأرض و ما بينهما إلا بالحقّ

یکی از موارد کاربرد واژه «حق» جایی است که کاری به مقتضای حکمت و بر اساس مصلحت انجام پذیرفته باشد (مفردات راغب). برداشت فوق بر اساس این کاربرد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 44 - 5، 1

1 - خداوند ، آسمان ها و زمین را ، به حق ، آفریده است .

خلق الله السموت و الأرض بالحقّ

5 - خلقت هدف دار آسمان ها و زمین ، نشانه و آیه بزرگ خدا برای مؤمنان است .

خلق الله السموت و الأرض . . . إن في ذلك لآيه للمؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 39 - 2، 1

1- آفرینش آسمان ها و زمین ، آفرینشی بحق ، بایسته ، ارزشمند و هدفدار

و ما خلقنا السموت و الأرض و ما بينهما لعبين . ما خلقنهما إلا بالحقّ

2- آفرینش آسمان ها و زمین ، به دور از هرگونه پوچی ، بیهودگی و بطلان

و ما خلقنا السموت و الأرض . . . لعین . . . إلا بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 22 - 1

1 - آفرینش آسمان ها و زمین از سوی خداوند ، آفرینشی به حق و هدفدار

و خلق الله السموت و الأرض

«حق» به چیزی گفته می شود که براساس حکمت و فلسفه ای بایسته پدید آمده باشد.

ص: 435

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 3 - 1

1- آفرینش آسمان ها و زمین و موجودات هستی ، آفرینشی بایسته و بحق

ما خلقنا السموت و الأرض و ما بينهما إلا بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 3 - 2

2- آفرینش جهان (آسمان ها ، زمین و . . .) ، براساس حق و هدفدار و به دور از بیهوده کاری است .

خلق السموت و الأرض بالحقّ

«حقّ» در مقابل باطل قرار دارد. یکی از معانی «باطل» عبث و بیهوده کاری است؛ یعنی، کاری که در آن هدف معقولی لحاظ نشود.

109- حقانیت خلقت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 3 - 1

1- آفرینش آسمان ها و زمین و موجودات هستی ، آفرینشی بایسته و بحق

ما خلقنا السموت و الأرض و ما بينهما إلا بالحقّ

110- حکمت خلقت چهار پایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 71 - 4

4- بهره مندی انسان ها ، فلسفه و حکمت آفرینش شتر ، گاو و گوسفندان

أولم يروا أنّا خلقنا لهم ممّا عملت أيدينا أنعمًا

گفتنی است از «لام» «لهم» (به کار رفته در معنای تعلیل) و نیز از این که آیه شریفه در مقام امتنان است، برداشت یاد شده به دست می آید.

111- خلقت آب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 7 - 10

ص: 436

10 - قبل از انسان ها ، پدیده های دیگری چون گِل (آب و خاک) آفریده شده بودند .

و بدأ خلق الإنسان من طين

112- خلقت آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 20 - 6

6 - خداوند ، آخرت را ، پس از دنیا ، پدید خواهد آورد .

ثم الله ينشئ النشأه الآخره

113- خلقت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 30 - 26

26 - داستان خلقت و خلافت آدم (ع) و محاوره خدا و فرشتگان درباره او ، داستانی آموزنده و شایان دقت

و إذ قال ربك للملائكه .. إني أعلم ما لاتعلمون

کلمه «إذ» مفعول برای فعل مقدر «اذکر» می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 31 - 1

1 - خداوند آدم (ع) را با استعداد فراگیری دانشهایی ویژه آفرید و تمامی حقایق و اسامی آنها را به وی آموخت .

و علم آدم الأسماء كلها

جمله «علم آدم» عطف بر جمله ای مقدر است که به خاطر وضوحش در کلام آورده نشده است. آن جمله به قرینه «إنی جاعل ...» می

تواند این گونه باشد: فخلق آدم جديراً للخلافه و ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 33 - 11

11 - فرشتگان در جریان خلقت و خلافت آدم (ع)، امری را در ضمیر خویش پنهان می داشتند و از ابراز آن خودداری می کردند .

و أعلم ما تبدون و ما کنتم تکتُمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 11 - 3,4

ص: 437

3 - خداوند، مبدأ و منشأ انسانها (آدم) را آفرید و سپس به او صورت انسانی عطا کرد.

و لقد خلقنکم ثم صورنکم ثم قلنا للملائکه اسجدوا لآدم

«خلقناکم» (شما را در گذشته آفریدیم)، خطاب به همه انسانهاست و چون همه انسانها پیش از فرمان سجده بر آدم آفریده نشده بودند، معلوم می شود آن جمله ناظر به آفرینش چیزی است که می توانسته مبدأ همگان باشد و به همین لحاظ آفرینش او آفرینش همه انسانها شمرده شده است فراز بعد (ثم قلنا ..) می رساند که آن چیز همان شد که به «آدم ابوالبشر» معروف است. قابل ذکر است که دلالت آیه بر این که خود آن مبدأ یاد شده آدم(ع) شده باشد به صورت احتمال مطرح است.

4 - خداوند پس از خلقت آدم(ع)، از فرشتگان خواست تا بر او سجده کنند.

ثم قلنا للملائکه اسجدوا لآدم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 29 - 11

11- دستور خداوند به فرشتگان برای سجده بر آدم (ع) پس از آفرینش او

و إذ قال ربّک للملائکه .. فإذا سوّیته و نفخت فیہ من روحی فقعوا له سجدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 8 - 4

4- آفرینش حضرت آدم (ع) با آفرینش نسل او، متفاوت است .

خلق الإنسن من طین . ثم جعل نسله من سلله من ماء مهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 69 - 2

2 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) از مجادله و گفت و گوی فرشتگان با خدا درباره آفرینش آدم، تنها از راه وحی آگاه بود .

ما کان لی من علم بالمأ الأعلى إذ یختصمون

مقصود از مجادله و خصومت در آیه شریفه - به قرینه دو آیه بعد (إذ قال ربّک للملائکه ..) - گفت و گوی فرشتگان با خدا درباره خلقت انسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 72 - 7

7- فرمان خداوند به فرشتگان برای سجده بر آدم (ع) پس از آفرینش او

فإذا سؤيته و نفخت فيه من روحي فقعوا له سجدین

114- خلقت آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 438

6 - خداوند ، آسمان در جهت منافع انسان ها برافراشته ساخت .

الذی جعل لکم .. السماء بناء

کلمه «بناء» در لغت عرب معنایی دارد که شامل: ساختمان، خیمه، چادر و مانند اینها می شود. اطلاق «بناء» بر آسمان از باب تشبیه است؛ یعنی: جعل لکم السماء کالبناء.

12 - آفرینش آسمان ، نزول باران ، به ثمر رسیدن میوه ها و پیدایش روزی برای انسان ها ، جلوه هایی از ربوبیت خداوند است .

اعبدوا ربکم .. الذی جعل لکم ... رزقاً لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - آفرینش آسمان های هفتگانه و مواهب زمین ، آفرینشی عالمانه است .

هو الذی خلق .. و هو بکل شیء علیم

12 - آفرینش موجودات زمین و آسمان های هفتگانه ، دلیل توانایی خدا بر زنده کردن مردگان است .

ثم یحییکم ثم إلیه ترجعون. هو الذی خلق لکم ... فسویهن سبع سموت

جمله «هو الذی ..» می تواند مرتبط با ذیل آیه قبل باشد و نیز می تواند با صدر آن آیه در ارتباط باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آفرینش آسمان ها و زمین ، حاوی نشانه هایی بر توحید و حاکمی از رحمانیت و رحیمیت خداوند است .

لا إله إلا هو الرحمن الرحیم. إن فی خلق السموت والأرض ... لآیت

آیه مورد بحث - به قرینه آیه قبل - در مقام استدلال بر توحید و رحمانیت و رحیمیت خداوند است و لذا مقصود از «آیات» در ذیل آیه، نشانه های توحید و رحمت گسترده خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - نظم کنونی آسمان ها و زمین در بقا ، همانند مرحله آغازین خود ، نیازمند به اراده و تدبیر خداوند است .

إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ . . . إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 6 - 16, 18, 20, 23

16 - آفریدن جهان هستی (آسمان ، زمین ، انسان و . . .) ، از اوصاف و نشانه های خدای حقیقی (الله)

خلق السموات والأرض . . . خلقكم من نفس واحدة . . . ذلكم الله

«ذلكم» اشاره به کسی است که اشیای ذکر شده را آفریده و صاحب اوصاف خلق و جعل است.

18 - آفرینش جهان (آسمان ، زمین ، خورشید ، ماه و انسان) جلوه ربوبیت خدا است .

خلق السموت و الأرض . . . خلقکم من نفس وحده . . . ذلکم اللّٰه ربکم

20 - آفرینش آسمان ها ، زمین ، خورشید ، ماه و انسان ، جلوه فرمانروایی مطلق خدا بر جهان هستی است .

خلق السموت و الأرض . . . له الملک

23 - آفرینش جهان (آسمان ، زمین و انسان) ، دلیل یکتایی خدا و پوچی معبود های دیگر

خلق السموت و الأرض . . . خلقکم من نفس وحده . . . لا إله إلا هو

برداشت بالا مبتنی بر این دیدگاه است که جمله «لا إله إلا هو» - که پس از بحث از خلقت جهان آمده است - به منزله نتیجه و جمع بندی آن بحث باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 64 - 13، 5

5 - ثبات زمین و قابل سکونت بودن آن برای بشر و برافراشته ساختن آسمان ، جلوه هایی از قدرت و ربوبیت بی همتای خداوند

ذلکم اللّٰه ربکم . . . اللّٰه الذی جعل لکم الأرض قرآراً

13 - آفرینش زمین ، آسمان ، انسان و روزی های او ، از اوصاف معبود و ربّ حقیقی

اللّٰه الذی جعل لکم الأرض . . . و صورکم فأحسن صورکم و رزقکم من الطیبّ ذلکم اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 11 - 7

7 - شکل گیری نظام آسمان ها و زمین ، براساس جاذبه ها و قوانین طبیعت *

قالتا أتینا طائعين

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «طوعاً» اشاره به حرکت طبیعی و «کرهاً» حکایت از حرکت قسری داشته باشد و آیه بیانگر حاکمیت حرکت طبیعی حلقه های تکوین در نظام آسمان ها و زمین باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 28 - 3

3 - هماهنگی اجزای آسمان ، با فاصله ای اندک پس از مرحله آفرینش و برافراشتن آسمان صورت پذیرفته است .

رفع سمکها فسویها

فاء در «فسواها»، برای تعقیب و حاکی از تأخر بدون فاصله تسویه است.

115- خلقت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 30 - 1

1 - خداوند بعد از آفرینش آسمان ها و مواهب زمین ، به خلقت انسان پرداخت ، تا او را به منصب خلافت برساند .

خلق لكم ما فی الأرض . . . واذ قال ربك للملائكة انی جاعل فی الأرض خلیفه

ص: 440

با توجه به آیه 34 از همین سوره و آیات دیگری که درباره خلقت آدم (ع) است، می توان گفت: سخن خداوند با فرشتگان درباره آدم، قبل از خلقت وی بوده است. بنابراین «إني جاعل في الأرض خليفة» علاوه بر بیان خلافت آدم (ع) دلالت بر آفرینش او نیز دارد؛ یعنی: می خواهم [موجودی] بیافرینم و او را خلیفه قرار دهم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 1 - 8، 2

2 - آفرینش آسمانها و زمین و پدیدآوردن نور و ظلمت به دست خداوند، دلیل اختصاص ستایش به اوست.

الحمد لله الذي خلق

«الذي خلق»، صفت «الله» و بیان وجه اختصاص حمد به اوست و این تعلیق، که به گفته اهل ادب تعلیق حکم «الحمد لله» بر وصف «الذي خلق» است، بیانگر انحصار شایستگی ستایش به آفریننده هستی است.

8 - پدیده ظلمت و نور در جهان، نظامی تابع آفرینش آسمانها و زمین

الحمد لله الذي خلق السموت . . . و جعل الظلمت و النور

در این آیه آفرینش آسمان و زمین با فعل «خلق» بیان شده، ولی درباره ظلمت و نور از فعل «جعل» استفاده شده است. توجیه این تفاوت، به گفته برخی از مفسران، تبعی بودن آفرینش نور و ظلمت نسبت به مجموعه هستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 73 - 3

3 - خداوند آسمانهای متعددی در این جهان آفریده است.

خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 54 - 1، 4

1 - خداوند، آفریدگار آسمانها و زمین و پروردگار راستین انسانهاست .

إن ربكم الله الذي خلق السموت و الأرض في ستة أيام

4 - خداوند پس از آفرینش آسمانها و زمین (نظام هستی) با استیلا بر عرش، به تدبیر امور آنها پرداخت .

16- « عن محمد بن مسلم قال : قال لی أبو جعفر (ع) : کان کل شیء ماءً و کان عرشه علی الماء ، فأمر الله عز ذکره الماء فاضطرم ناراً ثم أمر النار فحمدت فارفعت من خمودها دخان فخلق الله عز وجل السموات من ذلك الدخان و خلق الله عز وجل الأرض من الرماد . . . » ;

محمد بن مسلم گوید: امام باقر (ع) به من فرمود: همه چیز آب بود و عرش خدا بر آب قرار داشت؛ پس خدای عزّ ذکره به آب امر کرد، پس آن آب آتشی برافروخته شد، سپس آتش را امر کرد خاموش شود و خاموش شد، پس بر اثر خاموشی آتش دودی از آن برخاست؛ آن گاه خداوند آسمانها را از آن دود آفرید و زمین را از خاکستر آفرید . . .».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 2 - 11

11- آفرینش آسمان های متعدد و رفیع ، تسخیر خورشید و ماه ، از نشانه های توان و اقتدار خدا و یکتایی او در تدبیر هستی است .

یفصلّ الأیت

جمله های «الله الذی رفع السموت . . .» حاکی است که متعلق «آیات» اقتدار خداوند ، سلطه او بر هستی و تدبیر آفرینش است ؛ یعنی: «یفصلّ الآیات الداله علی قدرته و...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 19 - 13

13- آفرینش آسمان ها و زمین (عالم آفرینش) ، دلیل قدرتمندی خداوند بر تحقق وعده عذاب کافران و حبط عمل نیکشان

من ورائه جهنّم . . . مثل الذین کفروا برّهم أعمالهم کرماد اشتدّت به الريح ... ألم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 32 - 2

2- آفرینش آسمان ها و زمین دلیل و نشانه توحید خداوند است .

الله الذی خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 3 - 4,7

4- آفرینش حق مدار آسمان ها و زمین ، گواه وحدانیت خدا و نبود شریک برای او

أن أنذروا أنه لا إله إلا أنا فاتقون . خلق السموت و الأرض بالحق تعلی عمّا یشر

جمله «خلق السماوات و الأرض» به منزله تعلیل برای مضمون «لا إله إلا أنا» در آیه قبل است.

7- آفرینش آسمان ها و زمین (جهان هستی) دلیلی بر قدرت خداوند بر محقق ساختن وعده هایش

أتی أمر الله . . . خلق السموت و الأرض بالحق تعلی عمّا یشرکون

جمله «خلق السماوات . . .» می تواند به منزله تعلیلی برای روشن نمودن قدرت خداوند بر محقق ساختن وعده هایش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 51 - 1

1- شیاطین ، فاقد کمترین دخالت و نظارت در کار آفرینش آسمان ها و زمین و نیز خلقت خودشان اند .

ما أشهدتهم خلق السموت والأرض ولا خلق أنفسهم

«إشهاد» یعنی، دیگری را به شهادت و حضور خواندن. نفی شاهد گرفته شدن شیاطین در آفرینش آسمان ها و زمین و خلقت خود آن ها، کنایه از آن است که آنان، هیچ نقشی در الوهیت و تدبیر جهان نداشته اند تا در موقع آفرینش، به حضور فراخوانده شده و شاهد خلقت باشند.

ص: 442

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 30 - 8

8- اندیشیدن در پدیده های جهان خلقت ، از راه های دستیابی انسان به توحید و یگانگی خداوند

أولم ير الذين كفروا أنّ السموت .. أفلا يؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 59 - 7,8

7 - آفرینش جهان هستی (آسمان ها ، زمین و ...) جلوه ای از رحمانیت خداوند

الذی خلق السموت و الأرض .. الرحمن

برداشت فوق، بر این اساس استوار است که «الذی خلق» مبتدا و «الرحمان» خبر آن باشد؛ یعنی، آن کسی که جهان را آفرید، رحمان است و قهراً جهان، جلوه ای از رحمانیتش می باشد.

8 - آفرینش جهان هستی (آسمان ها ، زمین و ...) جلوه ای از حیات جاویدان خداوند

الحیّ الذی لایموت .. الذی خلق السموت و الأرض

برداشت فوق، بر این اساس استوار است که «الذی خلق» صفت برای «الحیّ» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 22 - 1,5

1 - آفرینش آسمان ها و زمین و گوناگونی زبان ها و رنگ های آدمیان ، از آیات الهی است .

و من ءایته خلق السموت و الأرض و اختلف ألستکم و ألونکم

5 - آیه بودن آفرینش آسمان ها و زمین و تفاوت زبان ها و رنگ های مردم ، برای دانشمندان قابل درک است .

و من ءایته خلق السموت و الأرض و اختلف ألستکم و ألونکم إنّ فی ذلک لآیت للعل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 10 - 1

1 - خداوند ، آسمان ها را بدون پایه و ستون آفریده است .

خلق السموت بغير عمد ترونها

«ترونها» احتمال دارد قید توصیحي برای «بغير عمد» باشد. در این صورت، معنای «خلق السماوات بغير عمد» این است که خداوند، آسمان ها را بدون ستون آفریده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 81 - 3

3- آفرینش آسمان ها و زمین ، دلیل و نشانه توانایی خداوند بر برپایی قیامت و آفرینش مجدد انسان ها

أولیس الذی خلق السموت و الأرض بقدر علی أن یخلق مثلهم

ص: 443

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 5 - 10

10 - آفرینش و تدبیر آسمان ها و زمین و پیدایش شب و روز و تسخیر خورشید و ماه ، جلوه های عزت و قدرتمندی خداوند است .

خلق السموت والأرض .. كلّ یجرى لأجل مسمیّ ألا هو العزیز

یادآوری عزت و قدرتمندی خداوند در پایان آیه شریفه و پس از یادآوری آفرینش آسمان، زمین و ..، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 38 - 2

2 - جهان (آسمان ها ، زمین و ..) ، مخلوق خدا و جلوه قدرت او است .

ولئن سألتهم من خلق السموت والأرض ليقولنّ اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 12 - 11، 1

1 - خداوند ، جهان آفرینش را به صورت هفت آسمان بیاراست و نظام بخشید .

فقضهنّ سبع سموت

11 - آفرینش و تدبیر آسمان ها و زمین ، جلوه ای از علم و قدرت الهی است .

ذلک تقدیر العزیز العلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 11 - 3، 2

2 - خلقت آسمان ها و زمین ، بدون هیچ گونه سابقه و الگوی پیشین

فاطر السموت والأرض

«فاطر» (از ماده «فطر») به معنای ابداع و آفرینش بدون سابقه نیز آمده است.

3 - آسمان ها و زمین ، پیش از شکل یافتن به وضع موجود به صورت توده ای واحد و متراکم بود .

«فطر» (مصدر «فاطر») به معنای دریدن و جدا کردن است. به کارگیری این ماده می تواند به این مطلب اشاره داشته باشد که آسمان ها، پیش از این که به شکل فعلی در آید به صورت یک توده فشرده و متراکمی بود و سپس با انفجار عظیم از هم جدا و متفرق شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 29 - 7، 1

1 - آفرینش آسمان ها و زمین و جانداران ، از نشانه های روشن خدا و قدرت او است .

و من ءایته خلق السموت و الأرض و ما بتّ فیهما من دابّه

7 - آفرینش آسمان ها ، زمین و موجودات زنده ، تنها بخشی از آیات الهی است .

ص: 444

با توجه به معنای «من» - که برای تبعیض است - به دست می آید که جهان هستی سرشار از آیات خداوند است و آفرینش آسمان ها و زمین تنها بخشی از آنها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 3 - 5

5- آفرینش بهینه آسمان ها و زمین و سایر موجودات ، نمود عزت و حکمت الهی است .

من الله العزيز الحكيم . ما خلقنا السموت والأرض و ما بينهما إلا بالحقّ

از ارتباط این آیه با ذیل آیه قبل (من الله العزيز الحكيم)، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 33 - 4

4- آفرینش توانمندانه آسمان ها و زمین از سوی خداوند ، دلیل قدرت او بر تجدید حیات مردگان

الله الذي خلق .. و لم يعى بخلقهنّ بقدر على أن يحيى الموتى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 38 - 6,3

3 - آفرینش آسمان ها و زمین ، نمودی از قدرت عظیم الهی

و لقد خلقنا السموت والأرض

به قرینه آیات پیشین - که بیان کننده قدرت قاهره الهی بود - و نیز به قرینه ذیل آیه (و ما مسنا من لغوب) طرح مسأله آفرینش آسمان و زمین برای نمایاندن قدرت الهی است.

6 - خلقت آسمان ها و زمین بدون کم ترین زحمت و دشواری ، نشان قدرت خداوند بر معاد

و لقد خلقنا .. و ما مسنا من لغوب

با توجه به این که سیاق عمده آیات پیشین، در اثبات معاد بود؛ طرح خالقیت خدا و آسان بودن خلقت برای او، می تواند بیانگر امکان معاد و دشوار نبودن آن باشد.

9- آفرینش آسمان ها و زمین و تدبیر امور آنها ، جلوه ای روشن و نشانه ای گویای از قدرت بی پایان خداوند

اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَوَاتٍ .. لتعلموا أنّ اللّٰهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

11 - آفرینش آسمان ها و زمین ، جلوه ای روشن و نشانه ای گویا از علم مطلق و همه جانبه خداوند است .

اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَوَاتٍ .. لتعلموا ... أنّ اللّٰهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا

14 - آفرینش آسمان ها و زمین و تدبیر امور آنها ، نشانه تحقّق وعده های خداوند به برپایی قیامت و وجود بهشت و جهنّم است .

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا .. جنّات تجري من تحتها الأنهار ... اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ

یادآوری خلقت آسمان ها و زمین و تدبیر امور آنها - پس از ذکر دو گروه دوزخیان و بهشتیان در آیات گذشته - می تواند اشاره به

مطلب یاد شده باشد.

116- خلقت آسمان های هفتگانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 3 - 4

4- آفرینش آسمان هفتگانه ، جلوه و نشانه فرمان روایی و قدرت مطلق و بی چون خداوند

بیده الملک .. الذی خلق سبع سموت طباقاً

جمله «الذی خلق سبع سماوات طباقاً» توضیح و تبیین دیگری برای آثار و جلوه های ملک و قدرت مطلق خداوند است.

117- خلقت آسمانها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 30 - 8

8- اندیشیدن در پدیده های جهان خلقت ، از راه های دستیابی انسان به توحید و یگانگی خداوند

أولم یر الذین کفروا أنّ السموت .. أفلا یؤمنون

118- خلقت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 17 - 27

27 - مالکیت و سلطنت مطلق خداوند بر هستی ، دلیل توانایی او بر هر نوع آفرینش (مانند آفرینش انسان بدون واسطه پدر)

لله ملک السموت و الارض و ما بینهما یخلق ما یشاء

بنابر اینکه «یخلق ما یشاء»، نتیجه ای باشد برای «لله ملک السموت و الارض»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 1 - 10

10 - توجه به آفرینش مجموعه جهان هستی به دست خداوند، زمینه ساز اعتقاد به توحید ربوبی است.

الحمد لله الذى خلق السموت و الأرض . . . ثم الذين كفروا بربهم يعدلون

جلد - نام سورہ - سورہ - آيہ - فيش

5 - انعام - 6 - 101 - 10

ص: 446

10 - آفرینش هستی بر اساس علم گسترده خداوند است.

خلق کل شیء و هو بکل شیء علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 34 - 5

5 - جهان آفرینش ، جهانی است حادث و ناپایدار .

قل هل من شركائکم من یدوؤا الخلق ثم یعیده

جمله «یبدؤا الخلق» مسبوق به عدم بودن پدیده های جهان را می رساند و «ثم یعیده» بیانگر این است که این جهان به سوی مرگ و انقراض در حرکت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 2 - 20

20- توان خداوند بر آفرینش هستی و تدبیر امور آن ، دلیل توانایی او بر ایجاد قیامت است .

الله الذی رفع السموت .. یفصل الأیت لعلکم بلقاء ربکم توقنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 3 - 1

1- خداوند ، گسترنده زمین و قرار دهنده کوه ها و رود ها در دل آن

و هو الذی مدّ الأرض و جعل فیها روسی و أنهرًا

«مدّ» به معنای گسترانیدن و پهن کردن است. «رواسی» (جمع راسیه) به معنای کوههای استوار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 85 - 7

7- حق بودن (هدفدار و حکیمانه بودن) نظام آفرینش ، مقتضی برپایی قیامت

و ما خلقنا السموت .. إلاّ بالحقّ و إن الساعه لآتیه

جمله «إن الساعة لأتية» به منزله نتیجه استدلال به آیه «و ما خلقنا السموات . . . إلا بالحق» است؛ یعنی، چون جهان بر اساس حق آفریده شده است، قهراً برپایی قیامت قطعی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 3 - 7

7- آفرینش آسمان ها و زمین (جهان هستی) دلیلی بر قدرت خداوند بر محقق ساختن وعده هایش

أتى أمر الله . . . خلق السموت و الأرض بالحق تعالى عمّا يشركون

جمله «خلق السماوات . . .» می تواند به منزله تعلیلی برای روشن نمودن قدرت خداوند بر محقق ساختن وعده هایش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 447

7- آفرینش جهان هستی (آسمان ها، زمین و...) جلوه ای از رحمانیت خداوند

الذی خلق السموت و الأرض .. الرحمن

برداشت فوق، بر این اساس استوار است که «الذی خلق» مبتدا و «الرحمان» خبر آن باشد؛ یعنی، آن کسی که جهان را آفرید، رحمان است و قهراً جهان، جلوه ای از رحمانیتش می باشد.

8- آفرینش جهان هستی (آسمان ها، زمین و...) جلوه ای از حیات جاویدان خداوند

الْحیّ الذی لا یموت .. الذی خلق السموت و الأرض

برداشت فوق، بر این اساس استوار است که «الذی خلق» صفت برای «الْحیّ» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 4 - 8، 12

8 - خلق و تدبیر جهان، نشأت یافته از مبدأ واحد است .

اللّٰه الذی خلق .. ثمّ استوی علی العرش

12 - یکتایی خدا در خلق و تدبیر عالم، دلیل وجود نداشتن سرپرست و یآوری برای انسان ها جز خود او است .

اللّٰه الذی خلق .. ما لکم من دونه من ولیّ و لا شفیع

احتمال دارد ذکر «ما لکم من دونه ..» پس از بیان یکتایی خداوند در آفرینندگی و تدبیر، به این منظور باشد که چون همه چیز در دست اقتدار او است، کسی جز او نمی تواند ولیّ و شفیع باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 13 - 8، 6

6- آفرینش جهان هستی چون انسان، دریا، خورشید و ماه، از نشانه های خدای حقیقی (اللّٰه)

و اللّٰه خلقکم من تراب .. ثمّ جعلکم أزواجًا ... و ما یمتوی البحران ... و سخر ال

«ذلکم» اشاره به کسی است که اشیای ذکر شده را آفریده و صاحب خلق و جعل می باشد.

8- آفرینش جهان (انسان ، دریا ، خورشید و ماه) ، جلوه ای از ربوبیت خدا است .

اللّٰهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ . . . وَ مَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ . . . وَ سَخَّرَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرَ . . . ذَلِكُمْ أَل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 41 - 3

3- نیازمندی ممکنات (جهان هستی) در بقا به خداوند ، همانند نیاز آنها در اصل وجود

إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ . . . إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ

این آیه هر چند درباره آسمان ها و زمین بحث کرده؛ ولی ممکن است به وجود این قانون عام در جهان هستی نیز اشاره داشته باشد که همه ممکنات، در اصل وجود و در بقای خود، به خداوند نیازمند می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 6 - 18، 16

ص: 448

16 - آفریدن جهان هستی (آسمان، زمین، انسان و...)، از اوصاف و نشانه های خدای حقیقی (الله)

خلق السموت و الأرض ... خلقکم من نفس وحده ... ذلکم الله

«ذلکم» اشاره به کسی است که اشیای ذکر شده را آفریده و صاحب اوصاف خلق و جعل است.

18 - آفرینش جهان (آسمان، زمین، خورشید، ماه و انسان) جلوه ربوبیت خدا است.

خلق السموت و الأرض ... خلقکم من نفس وحده ... ذلکم الله ربکم

23 - آفرینش جهان (آسمان، زمین و انسان)، دلیل یکتایی خدا و پوچی معبود های دیگر

خلق السموت و الأرض ... خلقکم من نفس وحده ... لا إله إلا هو

برداشت بالا مبتنی بر این دیدگاه است که جمله «لا إله إلا هو» - که پس از بحث از خلقت جهان آمده است - به منزله نتیجه و جمع بندی آن بحث باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 11 - 15

15 - آفرینش جهان و ایجاد نظام زوجیت، تجلی ربوبیت بی همتای خداوند

ذلکم الله ربی ... جعل لکم من أنفسکم أزواجاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 4 - 5

5- توانایی بر خلقت جهان و تدبیر امور آن، شرط شایستگی معبود برای پرستیده شدن

ماذا خلقوا من الأرض أم لهم شرك في السموت

در این آیه، به ناتوانی بت ها در امر خلقت و تدبیر جهان اشاره شده است و این خود می نمایاند که توانایی بر خلقت و تدبیر، ملاکی است که براساس آن، می توان معبود واقعی را از معبود دروغین، متمایز ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 38 - 5

5- آفرینش جهان، با همه گستردگی و عظمت آن، فاقد کم‌ترین خستگی و رنج برای خداوند

و لقد خلقنا... و ما مسنا من لغوب

«لغوب» به معنای تعب و خستگی می‌باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 36 - 3

3- توجه و ایمان به آفرینش هستی به وسیله خداوند، متقاضی گردن نهادن به دستورات او

أم خلقوا السموت و الأرض

خداوند، برای به اطاعت واداشتن کافران، آنان را به خالقیت خویش تذکر داده است؛ زیرا پذیرش خالقیت خداوند، مسلتزم اطاعت او است.

ص: 449

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 62 - 2,4

2- آفرینش نشأ نخستین (جهان فعلی) ، نشانی روشن از توانایی خداوند بر آفرینش نشأ دیگر (جهان آخرت)

و لقد علمتم النشأ الأولى فلولا تذکرون

4- انکار جهان آخرت - به رغم مشاهده قدرت خداوند در آفرینش نشأ نخستین (جهان فعلی) - نشانه غفلت و بی توجهی است .

و لقد علمتم النشأ الأولى فلولا تذکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 3 - 6

6- تشویق و ترغیب خداوند ، به نگاه ژرف در مبدأ پیدایش جهان و نظم و هماهنگی میان آنها

ما تری فی خلق الرحمن من تقوت ثم ارجع البصر هل تری من فطور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 2 - 6

6- آفریدن و نظام دادن به جهان هستی ، اقتضای ربوبیت خداوند است .

ربک . . . الذی خلق فسوی

119- خلقت آهن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 25 - 26

26- « عن أمير المؤمنين (ع) قال : . . . و قال : « و أنزلنا الحديد فيه بأس شديد » فإنزله ذلك خلقه إياه ؛

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است: خداوند می فرماید: . . . «و آنزلنا الحديد فيه بأس شديد» و مراد از «انزال حدید» خلقت آن است».

120- خلقت ابتدایی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آفرینش ابتدایی انسان ، خود گواه امکان معاد و احیای مجدد وی

أَمَّنْ يَبْدُوا الْخَلْقَ ثُمَّ يَعْبُدُ

سخن گفتن خداوند درباره «بدء» و پدید آوردن خلق در کنار مسأله معاد، می تواند از آن جهت باشد که به انسان یادآوری کند که اعاده حیات برای پدیدآورنده آن، کاری دشوار و نشدنی نیست.

ص: 450

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 27 - 13، 4

4 - آفرینش نخست انسان ، نشانه قدرت مندی خداوند بر باز آفرینی او در عالم آخرت است .

و هو الذی بیدؤا الخلق ثمّ یعیده

13 - آفرینش نخست انسان ها و باز آفرینی آنان پس از مرگ ، مقتضای حکمت و عزت خداوند است .

و هو الذی بیدؤا الخلق ثمّ یعیده . . . و هو العزیز الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 40 - 2

2 - آفرینش آغازین انسان ، از نطفه و علقه به همراه ساختاری معتدل و هماهنگ ، دلیل قدرت خداوند بر برپایی قیامت و احیای مردگان

الم یک نطفه من منی یمنی . . . فخلق فسوی . . . ألیس ذلک بقدر علی أن یحیی الموتی

121- خلقت ابتدایی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 11 - 3

3 - آفرینش نخستین انسان ، نشانه قدرت مندی خداوند بر باز آفرینی وی در عالم آخرت است .

اللّه بیدؤا الخلق ثمّ یعیده ثمّ إلیه ترجعون

این آیه، به قرینه آیه بعد - که درباره برپایی قیامت است - درصدد اثبات معاد از طریق توجه دادن به خلقت نخستین انسان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 28 - 3، 1

1 - آفرینش نخستین انسان ها و زنده کردن مجدد آنان پس از مرگ ، برای خداوند همانند آفریدن یک تن است .

ما خلقکم ولا بعثکم إلاّ کنفس وحده

3 - فاصله افتادن میان خلقت نخستین انسان و زنده کردن مجدد او پس از مرگ ، تأثیری در آن خلقت ندارد .

چنان چه مفسران گفته اند، مشرکان با تعجب سؤال می کردند که «چگونه امکان دارد که انسانی پس از سال ها مردن، مجدداً زنده شود؟». آیه در صدد پاسخ به آن پرسش است و تشریح می کند که خلقت نخستین و دوباره، همانند آفریدن یک تن است و فاصله ایجاد شده، تأثیری ندارد.

122- خلقت ابتدایی موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 15 - 3

3- نخستین وجود هر موجود ، برهان امکان معاد

أفَعِينَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ

تعبیر «أفَعِينَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ» کافران را به وجود فعلی موجودات توجه می دهد و همین توجّه را برای پی بردن به امکان معاد کافی می شمارد؛ زیرا آن کس که قادر بر خلق باشد، مرتبه نخست و مرتبه دوم برایش یکسان است.

123- خلقت ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 12 - 5

5 - آفرینش ابلیس از آتش موجب احساس برتری وی بر آدم (ع)

قال أنا خير منه خلقتني من نار و خلقته من طين

124- خلقت اخروی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 49 - 6

6- رستاخیز و معاد انسان ، آفرینشی نو و جدید است .

أءنَّا لمبعوثون خلقًا جديدًا

125- خلقت از آب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 45 - 13، 1

1 - خداوند ، [در آغاز] هر جاننداری را از آب آفرید .

وَاللّٰهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِّنْ مَّاءٍ

به حیوانات و جانداران روی زمین - چه بزرگ و قابل رؤیت باشند و چه کوچک و غیر قابل دیدن - «دابه» گویند (لسان العرب).

13 - آفرینش انواع جانداران از جسمی مایع ، جلوه ای از قدرت مطلق خداوند است .

وَاللّٰهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِّنْ مَّاءٍ .. یَخْلُقُ اللّٰهُ مَا یَشَاءُ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ

ص: 452

126- خلقت از آتش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 76 - 3

3- ابلیس، آفریده شدنش از آتش و آفرینش آدم از گل را، دلیل برتری و مهتری خود بر آدم معرفی کرد.

قال أنا خير منه خلقتني من نار و خلقته من طين

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله «خلقتني من نار...» در مقام تعلیل و تبیین برای جمله «أنا خير منه» می باشد.

127- خلقت از خاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 5 - 6,7

5- خاک، مبدأ نخستین آفرینش انسان

فإنا خلقناكم من تراب

6- قابلیت خاک برای پیدایش موجودات زنده از آن

فإنا خلقناكم من تراب

7- تحول خاک به نطفه، تبدیل نطفه به علقه و تکامل علقه به مضغه، روند آفرینش انسان

فإنا خلقناكم من تراب ثم من نطفه ثم من علقه ثم من مضغه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 6 - 2,4,6

2- آفرینش انسان از خاک، رشد مرحله به مرحله او در رحم، صعود تدریجی از طفولیت (مرحله ضعف جسمی و عقلی) به اوج جوانی و نزول تدریجی از اوج بتوانایی (جوانی) به حضيض ناتوانی (کهولت و پیری)، جلوه های ربوبیت خدا و یگانگی او

فإنا خلقناكم من تراب... لكيلا يعلم من بعد علم شيئاً... ذلك بأن الله هو الحق

4- آفرینش انسان و انواع گیاهان از بستر خاک مرده و بی جان، نمایشی است از قدرتمندی و توانایی خداوند بر احیای همه مردگان در روز رستاخیز.

فإننا خلقناكم من تراب. .. و ترى الأرض هامده... و أنه يحيى الموتى

جمله « و أنه يحيى. ..» عطف بر «أن الله هو الحق» و به تقدیر «و ذلك بأن الله يحيى الموتى» می باشد؛ یعنی، آن قدرت نمایی ها بدان سبب است که خداوند می تواند مردگان را زنده کند.

6- آفرینش انسان و رویاندن انواع گیاهان از بستر خاک مرده و بی جان ، نمودی از قدرت بی کران و نامحدود خداوند

و أنه على كل شيء قدير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 453

6 - آفرینش انسان و انواع گیاهان از بستر خاک مرده و بی جان ، یادآور رستاخیز و دلیلی گویا بر قطعی بودن برپایی آن .

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که «الساعة» به برپایی قیامت و «ذلک» در آیه قبل به خلقت انسان و ایجاد انواع گیاهان: إن کنتم فی ریب من البعث فإنّا خلقناکم من تراب. .. فإذا أنزلنا علیها الماء اهتزت وربت» اشاره داشته باشد.

8 - خلقت انسان و رویش انواع گیاهان از خاک بی جان ، نشانگر توانمندی خدا بر احیای مردگان در روز رستاخیز

فإنّا خلقناکم . . . و تری الأرض هامده ... و أنّ الله یبعث من فی القبور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 20 - 1,2,3,4,6,8,9,10

1 - از جمله آیات خداوند ، آفریدن انسان ها از خاک است .

و من آیته أن خلقکم من تراب

2 - خداوند ، پدید آورنده انسان ها از خاک است .

خلقکم من تراب

3 - خاک ، مبدأ پیدایش انسان ها است .

و من آیته أن خلقکم من تراب

4 - پدید آمدن انسان های زنده از دل خاک مرده ، نمودی از پدید آوردن موجود جان دار از موجود بی جان به دست خداوند است .

یخرج الحیّ من المیت . . . و من آیته أن خلقکم من تراب

6 - پدید آوردن موجودی زنده مانند انسان از دل خاک مرده ، از نشانه های توان مندی خداوند بر احیای مجدد انسان ها است .

و کذلک تخرجون . و من آیته أن خلقکم من تراب

از این آیه به بعد، چندین آیه، در صدد شمارش آیات الهی است. از میان آن آیات، ذکر مناسب ترین آیه با «و کذلک تخرجون» پس از آن، می تواند در ضمن بیان آیات الهی، اشاره به نکته فوق باشد.

8 - آفرینش انسان از خاک تا صورت آدمی ، مراحل مختلفی داشته است .

أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تَرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ

«ثُمَّ» حرف تراخی است و دلالت بر مهلت و مدت می کند و از طرفی «إِذَا» فجاییه است و دلالت بر ناگهانی بودن می کند. جمع بین این دو، به این است که میان خلق انسان از مبدأ خاک تا صورت انسانی، مراحل طی شده که چندان روشن و آشکار نبوده است.

9 - پدید آمدن موجودی زنده به نام انسان از خاک مرده، امری غیر منتظره و سزاوار تأمل است.

أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تَرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ

«إِذَا»ی فجاییه در آیه، می تواند حکایت از این حقیقت باشد.

10 - تبدیل شدن خاک - پس از گذر از مراحل لازم - به انسان، جهش گون و سریع است.

أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تَرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ

«إِذَا» فجاییه است و دلالت بر ناگهانی بودن می کند، لذا از آن، سرعت و حالت جهشی بودن به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 454

13 - آیه بودن آفرینش انسان از خاک ، برای متفکران ، قابل درک است .

و من ءایته أن خلقکم من تراب . . . إن فی ذلک لآیت لقوم یتفکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 67 - 4, 3, 2

2 - خاک ، مبدأ نخستین آفرینش انسان

خلقکم من تراب

3 - قابلیت خاک برای پیدایش موجودات زنده از آن

خلقکم من تراب

4 - تحوّل خاک به نطفه تبدیل نطفه به علقه و تکامل آن ، روند آفرینش انسان

خلقکم من تراب ثمّ من نطفه ثمّ من علقه ثمّ یخرجکم طفلاً

128- خلقت از دود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 11 - 2

2 - آسمان ، پیش از سامان یافتن و شکل گیری به صورت توده هایی از دود بود .

ثمّ استوی إلی السماء و هی دخان

129- خلقت از علقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 40 - 2

2 - آفرینش آغازین انسان ، از نطفه و علقه به همراه ساختاری معتدل و هماهنگ ، دلیل قدرت خداوند بر برپایی قیامت و احیای مردگان

ألّم یک نطفه من منیّ یمنی . . . فخلق فسوی . . . ألیس ذلک بقدر علی أن یحیی الموتی

130- خلقت از گل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 29 - 6

ص: 455

6- گِل بد بو ، سیاه و خشکیده به انضمام روح الهی ، آغاز پیدایش نخستین انسان

إني خلق بشراً من صلصل من حمأ مسنون . فإذا سوّيته و نفخت فيه من روحي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 61 - 7

7- ابلیس ، موجود خلق شده از گِل را از جنس خود پست تر و کم ارزش تر می دانست .

ءأسجد لمن خلقت طيناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 12 - 2,3

2- آفرینش نخستین انسان از عصاره گِل (خاک آمیخته با آب)

و لقد خلقنا الإنسان

سیاق آیات مورد بحث، نشان می دهد که مراد از «انسان»، نوع انسان است که شامل «حضرت آدم» و غیر او می شود. بنابراین مقصود از «خلق» در این آیه، آفرینش ابتدایی آدم است که از «گِل» آفریده شد. آیه بعد نیز، بیانگر آفرینش نسل آدم است که از نطفه آفریده شده و می شود.

3- آفرینش انسان از گِلی ناچیز و بی جان ، نمود عظمت و قدرت خیره کننده آفریدگار

و لقد خلقنا الإنسان من سلله من طين

نکره آوردن «سلاله» و «طین» ظاهراً برای تحقیر است؛ یعنی: به یقین ما انسان را از عصاره ای ناچیز از گِلی بی مقدار آفریدیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 13 - 3

3- آفرینش نسل آدم از نطفه پس از آفرینش خود وی از عصاره گِل

و لقد خلقنا الإنسان من سلله من طين . ثم جعلنه نطفه فی قرار مکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 71 - 4

4- گل ، خمیرمایه آفرینش انسان

إذ قال ربك للملائكة إني خالق بشراً من طين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 76 - 3

3- ابلیس ، آفریده شدنش از آتش و آفرینش آدم از گل را ، دلیل برتری و مهتری خود بر آدم معرفی کرد .

قال أنا خير منه خلقتني من نار و خلقته من طين

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله «خلقتني من نار. ..» در مقام تعلیل و تبیین برای جمله «أنا خير منه» می باشد.

ص: 456

131- خلقت از گِل چسبنده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 11 - 6,7

6 - آفرینش آغازین انسان از گِل چسبنده بود .

إِنَّا خَلَقْنَهُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ

«طین» به معنای «گِل» و «لازب» به معنای «چسبنده» است.

7 - آفرینش انسان از گِل چسبنده ، گواه برتری آفرینش جهان طبیعت بر آفرینش انسان و شاهد توانایی خدا بر احیای مجدد انسان ها از خاک است .

إِنَّا خَلَقْنَهُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ

برداشت فوق از آن جا است که جمله «إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ» تعلیل است برای آنچه مورد استفتا و استفهام در جملات قبل بود.

132- خلقت از گل خشک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 26 - 4

4- تبدیل گِل و لای بد بو و تیره رنگ به انسان ، از آیات خداوند است .

و لقد خلقنا الإنسان من صلصل من حمأ مسنون

133- خلقت از مایعات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 45 - 3

3 - خداوند ، موجودات جاندار را از انواع مایع های متناسب خود آفرید .

و الله خلق كل دابة من ماء

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که تکثیر «ماء» برای تنويع باشد. بر این اساس معنای «ماء» انواع جسم مایع است و مقصود این است که عنصر اولی و منشأ پیدایش حیات جانداران، از جسم مایع است و حیات هر جاندار از مایعی متناسب خود می باشد.

134- خلقت از منی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 6 - 2

2 - جسم انسان ، از آبی آفریده شده است که از مرد و زن یکباره تخلیه شده و از ظرف خود بیرون می جهد .

ماء دافق

این احتمال وجود دارد که مراد از «ماء دافق»، نطفه مرد و تخمک زن - هر دو - باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 8 - 2

2 - آفرینش انسان از منی ، برهان قدرت خداوند بر معاد و تجدید حیات انسان است .

خلق من ماء ... یخرج ... إینه علی رجعه لقادر

135- خلقت از نطفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 13 - 3

3 - آفرینش نسل آدم از نطفه پس از آفرینش خود وی از عصاره گل

و لقد خلقنا الإنسن من سلله من طین . ثم جعلنه نطفه فی قرار مکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 77 - 5

5 - آفرینش انسان از نطفه ، دلیل و نشانه توانایی خداوند بر برپایی قیامت و زنده کردن انسان

أولم یر الإنسن أآا خلقنه من نطفه

با توجه به آیات بعدی و نیز شأن نزول ها که این آیه و آیات بعدی را درباره فردی به نام «عاصب بنوائل» (از منکران معاد) دانسته است (مجمع البیان و دیگر تفاسیر)، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 46 - 3، 2، 1

1 - پیدایش زن و مرد ، از نطفه به اراده خدای یگانه

و أنه خلق .. الذکر و الأنثی . من نطفه

2 - پیدایش زوجین (نر و ماده) ، از آبی اندک (نطفه) ، شایان تأمل و درس آموزی

و أنه خلق الزوجین الذکر و الأنثی . من نطفه

«نطفه» در اصل به آب اندکی گفته می شود که ته ظرف باقی مانده باشد (قاموس المحيط).

3 - پیدایش انسان از آبی اندک (نطفه) ، نمودی از قدرت و ربوبیت الهی

ص: 458

وَأَنْ إِلَى رَبِّكَ الْمُنْتَهَى... وَأَنْهُ خَلَقَ... مِنْ نَظْفِهِ

از ارتباط این آیه با آیه «وَأَنْ إِلَى رَبِّكَ الْمُنْتَهَى»، مطلب بالا قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 40 - 2

2- آفرینش آغازین انسان، از نظفه و علقه به همراه ساختاری معتدل و هماهنگ، دلیل قدرت خداوند بر برپایی قیامت و احیای مردگان

أَلَمْ يَكْ نَظْفَهُ مِنْ مَنَى يَمَنَى... فَخَلَقَ فِسْوَى... أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَدْرِ عَلِيٍّ أَنْ يَحْيِيَ الْمَوْتَى

136- خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 30 - 16، 20، 4، 5

4- گفتگوی خدا و فرشتگان درباره خلقت و خلافت انسان

و إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰئِكَةِ... قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ... قَالَ إِنِّيْ أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ

5- خداوند تقدیر خویش را بر خلقت و خلافت انسان در زمین، به فرشتگان اعلام کرد.

و إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰئِكَةِ إِنِّيْ جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً

16- انسان دارای ارزش ها و استعدادهایی که وی را شایسته خلقت و زیننده خلافت می کرد.

إِنِّيْ أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ

مقصود از «ما لا تعلمون» می تواند استعداد و قابلیت نهفته در انسان باشد. همچنین مراد از آن می تواند علوم و حقایقی باشد که بر فرشتگان مخفی بوده و شایستگی دریافت آن را نداشتند. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

20- نا آگاهی فرشتگان به ارزش های والای انسان، موجب شد تا فسادگری او برای فرشتگان جلوه گر شود و به خلقت و خلافتش معترض باشند.

أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا... قَالَ إِنِّيْ أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اعتراف فرشتگان به عالمانه و حکیمانه بودن آفرینش انسان و انتخاب او برای خلافت

إِنك أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ

از هدفهای فرشتگان در توصیف خداوند به علیم و حکیم بودن - پس از اظهار تشکیک در شایستگی انسان برای خلافت - اعتراف و اقرار به ارزش والای انسان و عالمانه و حکیمانه بودن آفرینش اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 228 - 8

ص: 459

8 - خداوند ، آفریننده هر چیزی است که در رحم به وجود می آید . (خون ، جنین و . . .)

ما خلق الله في ارحامه

با توجه به لفظ «ما» که خود، جنین و . . . را شامل می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 1 - 10, 9, 5, 2, 4

2 - آفرینش انسان و تدبیر امور او به دست خداوند ، مقتضی تقوا و پروا از اوست .

اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ

جمله «الَّذِي خَلَقَكُمْ . . .» ، صفت برای «رَبَّكُم» و اشاره به علت لزوم رعایت تقواست . یعنی چون شما را خلق کرد و امور شما را تدبیر نمود، لازم است تقوا داشته باشید و احکام او را انجام دهید.

4 - خداوند ، آفریننده انسان ها از شخص واحد (آدم)

رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ

5 - آفرینش آدمیان از شخص واحد و نبودن امتیاز در خلقت آنان ، پرتویی از ربوبیت الهی نسبت به آنان

اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ

9 - تساوی مردم در اصل آفرینش و نبودن امتیاز در خلقت آنان ، موجب مسؤولیت تمامی آنان در برابر قوانین الهی

اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا

جمله «خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» ، علاوه بر بیان این حقیقت که تمامی انسانها از نسلی واحدند، به این معنا اشاره دارد که بین آنان در خلقت هیچگونه امتیاز و تبعیضی نیست و لذا همه موظف به رعایت تقوا هستند.

10 - خداوند ، گسترش دهنده مردان و زنان بسیار (نسل بشر) ، از یک زن و مرد (آدم و حوا)

خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ . . . وَ بَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَ نِسَاءً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 133 - 1

1 - خداوند ، توانا بر هلاکت تمامی انسان ها و آفرینش انسانهایی دیگر

ان یثأ یذهبکم ایها الناس و یأت باخرین و کان اللّٰه علی ذلک قدیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 17 - 27

27 - مالکیت و سلطنت مطلق خداوند بر هستی ، دلیل توانایی او بر هر نوع آفرینش (مانند آفرینش انسان بدون واسطه پدر)

للّٰه ملک السموت و الارض و ما بینهما یخلق ما یشاء

بنابر اینکه «یخلق ما یشاء»، نتیجه ای باشد برای «للّٰه ملک السموت والارض»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 2 - 8، 10، 11

2 - گلی مخصوص، خمیر مایه آفرینش انسان

ص: 460

هو الذی خلقکم من طین

نکره بودن «طین» دلالت دارد که گلی مخصوص برای آفرینش انسان به کار رفته است.

8- اراده و قضای الهی حاکم بر پیدایش و مرگ آدمی

هو الذی خلقکم . . . ثم قضی أجلا و أجل مسمى عنده

10- توجه انسان به آفرینش و مرگ خویش، زمینه شناخت ربوبیت یگانه خداوند

بربهم يعدلون. هو الذی خلقکم من طین ثم قضی أجلا . . . ثم أنتم تمترون

11- مطالعه در آفرینش انسان و مرگ و حیات وی، زداینده تردید در یگانگی خداوند

هو الذی خلقکم من طین ثم قضی أجلا . . . ثم أنتم تمترون

از جمله «ثم أنتم تمترون»، که بیان استبعاد هر گونه تردید در یگانگی خداوند پس از توجه به مضامین صدر آیه است، چنین برمی آید که بعد از این توجه، علی القاعده نباید تردیدی در توحید و اعتقاد بدان وجود داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- اعراف - 7 - 29 - 14

14- آفرینش نخستین انسان دلیلی بر امکان معاد

كما بدأکم تعودون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- اعراف - 7 - 172 - 2,3

2- خداوند پس از خلقت هر انسان، حقیقت وی را در ارتباط با ربوبیت الهی بر او آشکار می سازد .

و إذ أخذ ربک . . . و أشهدهم علی أنفسهم ألت بربکم

«أشهده علی کذا» یعنی او را حاضر کرد تا وجود امری یا تحقق فعلی را ببیند و بر آن آگاه شود تا به هنگام لزوم گواهی دهد. بنابراین «أشهدهم علی أنفسهم»، یعنی خداوند انسانها را به وجود خودشان حاضر کرد تا خود را ببینند. جمله «ألت بربکم» (آیا پروردگار شما نیستم)، بیان می دارد که مراد از شهود خویش، دیدن خود در ارتباط با ربوبیت خداوند است. یعنی خود را ببینند و دریابند که وجودشان وابسته به خداوند و ربوبیت اوست.

3 - هر یک از انسان ها پس از خلقتشان در حیات دنیا ، دارای دو نشئه وجودی هستند : نشئه شهود ارتباط خویش با خداوند و نشئه غیبت و محجوب بودن از خدا

و إذ أخذ ربك . . و أشهدهم علی أنفسهم

عطف «أشهدهم» بر «أخذ ربك» دلالت می کند که مسأله اشهاد و اقرار در همین حیات دنیوی انسان انجام گرفته است. یعنی هر یک از انسانهای موجود بالعیان ربوبیت خداوند را مشاهده کرده اند. و این در حالی است که عموم انسانها چنین شهود و علم حضوری را نسبت به پروردگار خویش ندارند. لذا می توان گفت انسان دارای دو جنبه است: جنبه ای که شاهد ربوبیت خدا بوده و جنبه ای که چنین شهودی برای او نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 26 - 4

4- تبدیل گِل و لای بد بو و تیره رنگ به انسان ، از آیات خداوند است .

ص: 461

و لقد خلقنا الإنسان من صلصل من حمأ مسنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 28 - 4، 1

1- خداوند ، تصمیم خود را مبنی بر آفرینش انسان ، به ملائکه اعلام کرد .

و إذ قال ربك للملائكة إني خلق بشراً

4- ربوبیت خداوند ، مقتضی بازگویی قصه خلقت انسان برای پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و إذ قال ربك للملائكة إني خلق بشراً من صلصل من حمأ مسنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 29 - 2، 1

1- خداوند ، اجزای انسان را متناسب و آن گونه که شایسته و سزاوار اوست ، آفریده است .

إني خلق بشراً .. فإذا سوّيته

«تسویه» به معنای قرار دادن شیء به گونه ای است که هر جزئی از آن، در جایگاه شایسته خود قرار گرفته باشد.

2- خداوند ، پس از پدید آوردن بدن انسان با اجزای متناسب از گل خشکیده ، در او روح دمید و او را حیات بخشید .

فإذا سوّيته و نفخت فيه من روحي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 4 - 9

9- آفرینش انسان از نطفه ، به صورت مجادله گری سخنور ، شاهد و گواه وحدانیت خداوند است .

تعلی عمّا يشركون . خلق الإنسان من نطفه فإذا هو خصيم مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 70 - 11

11- آفرینش و مرگ و اعطای دانش و سلب آن از انسان ، جلوه ای از علم و قدرت الهی است .

و الله خلقكم ثم يتوفّكم . . . إن الله علیم قدير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 37 - 9

9- آفرینش انسان از خاک و نطفه و معتدل ساختن او ، دلایلی روشن بر امکان برپایی معاد و کافی در رفع استبعاد قیامت است .

و ما أظنّ الساعه قائمه . . . أكفرت بالذی خلقك من تراب

پاسخ مرد مؤمن به ثروت مند مغرور، با جمله «أكفرت بالذی . . .» حکایت از آن دارد که انکار معاد از جانب او که با جمله «و ما أظنّ . . .» بیان شده بود، به جهت استبعاد تجدید حیات آدمی پس از مرگ بوده است، لذا مرد مؤمن، با یادآوری قدرت خداوند و بیان سابقه خاک و نطفه بودن آدمی، به رفع این استبعاد و بیان قدرت خداوند پرداخته است.

ص: 462

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 9 - 11

11- آفرینش انسان ، نمودی از قدرت خداوند است .

و قد خلقتک من قبل و لم تک شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 66 - 4

4- تجلی ربوبیت خدا در آفرینش و در مرگ و حیات مجدد انسان ها

و هو الذی أحیاکم ثم یمیتکم ثم یحییکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 12 - 3

3- آفرینش انسان از گلی ناچیز و بی جان ، نمود عظمت و قدرت خیره کننده آفریدگار

و لقد خلقنا الإنسن من سلله من طین

نکره آوردن «سلاله» و «طین» ظاهراً برای تحقیر است؛ یعنی: به یقین ما انسان را از عصاره ای ناچیز از گلی بی مقدار آفریدیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 79 - 2

2- گسترش تدریجی نسل بشر در روی زمین ، پس از پیدایش نوع آن

و هو الذی ذرأکم فی الأرض

برداشت فوق، با توجه به معنای «ذرأ» (پراکندن) استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 20 - 7،8،10

7- انسان ها ، در اصل خلقت ، همسان اند .

أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تَرَابٍ

8 - آفرینش انسان از خاک تا صورت آدمی ، مراحل مختلفی داشته است .

أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تَرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ

«ثُمَّ» حرف تراخی است و دلالت بر مهلت و مدت می کند و از طرفی «إِذَا» فجاییه است و دلالت بر ناگهانی بودن می کند. جمع بین این دو، به این است که میان خلق انسان از مبدأ خاک تا صورت انسانی، مراحل طی شده که چندان روشن و آشکار نبوده است.

10 - تبدیل شدن خاک - پس از گذر از مراحل لازم - به انسان ، جهش گون و سریع است .

أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تَرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ

«إِذَا» فجاییه است و دلالت بر ناگهانی بودن می کند، لذا از آن، سرعت و حالت جهشی بودن به دست می آید.

ص: 463

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 21 - 13

13 - آیه بودن آفرینش انسان از خاک ، برای متفکران ، قابل درک است .

و من ءایته أن خلقکم من تراب . . . إنّ فی ذلک لآیت لقوم یتفکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 27 - 2،4

2 - خداوند ، آغازکننده آفرینش انسان و بازآفریننده او پس از مرگ است .

و هو الذی بیدؤا الخلق ثمّ یعیده

«ال» در «الخلق» به قرینه «تخرجون»، در آیات قبل، می تواند عهد باشد و منظور از آن انسان است.

4 - آفرینش نخست انسان ، نشانه قدرت مندی خداوند بر باز آفرینی او در عالم آخرت است .

و هو الذی بیدؤا الخلق ثمّ یعیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 30 - 11

11 - خداوند ، انسان ها را با آفرینشی خاص و فطرتی واحد ، آفریده است .

فطرت اللّٰه الّتی فطر الناس علیها

«فطرت»، مصدری است که دلالت بر هیئت خاصی می کند. از آن جا که «فطر» به معنای «ایجاد و آفریدن» آمده است، مصدر آن دلالت بر نوع خاصی از آفرینش او می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 40 - 8

8 - آفرینش انسان ها و تأمین روزی آنان ، از آیات الهی است .

اللّٰه الذی خلقکم ثمّ رزقکم

1 - انسان ، در مرحله آغازین آفرینش ، آکنده از ضعف و ناتوانی است .

اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ

«من» در «من ضعف» ابتداییه است و ضَعْف در مقابل «قوّه» معنای شناخته شده ای دارد. آورده شدن «من ضعف» (از ضعف آفریده است) به جای عبارت ها و یا واژه گانی مانند «ضعیفاً» برای توجه دادن به این نکته است که انسان ها، در آغاز خلقت، آکنده از ضعف اند.

13 - آفرینش انسان و مراحل حیات وی ، امری عالمانه و از روی آگاهی است .

اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ .. و هو العليم القدير

14 - آفرینش انسان و حالات مختلف او در مدت عمر ، براساس مشیت خداوند است .

اللّٰه الذی خلقکم من ضعف .. یخلق ما یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 8 - 2,4

2- تکوّن وجود انسان ، تنها با بخشی از آب منی است .

و جعل نسله من سلله من ماء مهین

«سلاله» در لغت به معنای «جدا شده و کنده شده» است و مراد از «ماء مهین» منی است و «من» در «من ماء..» برای تبعیض و جزئیت است.

4- آفرینش حضرت آدم (ع) با آفرینش نسل او ، متفاوت است .

خلق الإنسن من طین . ثمّ جعل نسله من سلله من ماء مهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 4 - 4

4- خداوند ، ساختار وجودی انسان را ، شکل و سامان داده است .

ما جعل اللّٰه لرجل من قلبین فی جوفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 11 - 6,14

6- خداوند ، انسان ها را زوج زوج (زن و مرد) آفرید .

ثمّ جعلکم أزواجًا

14- آفرینش انسان در قالب مرد و زن و آگاهی از بارداری و زایمان زنان و مقدار عمر آدمی ، کاری آسان برای خداوند

واللّٰه خلقکم من تراب ثمّ من نطفه .. و ما یعمّر من معمر ولا ینقص من عمره إلاّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 13 - 6,8,10

6- آفرینش جهان هستی چون انسان، دریا، خورشید و ماه، از نشانه های خدای حقیقی (الله)

والله خلقکم من تراب... ثم جعلکم أزواجًا... و ما یستوی البحران... و سخر ال

«ذلکم» اشاره به کسی است که اشیای ذکر شده را آفریده و صاحب خلق و جعل می باشد.

8- آفرینش جهان (انسان، دریا، خورشید و ماه)، جلوه ای از ربوبیت خدا است.

الله خلقکم من تراب... و ما یستوی البحران... و سخر الشمس و القمر... ذلکم ال

10- آفرینش انسان، دریا، خورشید و ماه، جلوه ای از فرمانروایی مطلق خدا بر جهان هستی است.

والله خلقکم من تراب... و ما یستوی البحران... و سخر الشمس و القمر... له ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 28 - 1

ص: 465

1 - آفرینش انسان، جنبندگان و دام‌ها (شتر، گاو و گوسفند)، از نشانه‌های ربوبیت بی‌همتای خداوند

ألم تر أن الله... و من الناس و الدواب و الأنعم

«أنعام» جمع «نعم» (شتر) می‌باشد؛ ولی این واژه در مجموع شتر، گاو و گوسفند نیز به کار می‌رود؛ چنان‌که در آیه شریفه به همین معنا استعمال شده است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 77 - 4,5

4 - انکار معاد و ممکن ندانستن آن در عین آگاهی از مبدأ پیدایش انسان، امری شگفت‌آور است.

أولم ير الإنسن أنا خلقنه من نطفه

برداشت یاد شده از آن جا است که همزه در «أولم ير..» برای استفهام انکاری و تعجیبی است. گفتنی است مخاطب آیه شریفه - به قرینه آیات بعد - منکران قیامت است.

5 - آفرینش انسان از نطفه، دلیل و نشانه توانایی خداوند بر برپایی قیامت و زنده کردن انسان

أولم ير الإنسن أنا خلقنه من نطفه

با توجه به آیات بعدی و نیز شأن نزول‌ها که این آیه و آیات بعدی را درباره فردی به نام «عاصب بنوائل» (از منکران معاد) دانسته است (مجمع البیان و دیگر تفاسیر)، برداشت یاد شده به دست می‌آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 11 - 4,2

2 - ناچیز بودن آفرینش انسان در مقایسه با آفرینش جهان (آسمان‌ها، زمین و...)

فاستفتهم أهم أشدّ خلقًا أم من خلقنا

ضمیر جمع «هم» در «فاستفتهم» - به قرینه آیات پیشین - به کافران و مشرکان بازمی‌گردد و مقصود از «من خلقنا» آسمان‌ها، زمین، فرشتگان و دیگر موجودات آسمانی است.

4 - آفرینش جهانی سخت‌تر از آفرینش انسان، (آسمان‌ها، زمین و فرشتگان) گواه قدرت خداوند بر آفرینش مجدد انسان‌ها در قیامت و آسان و ممکن بودن آن برای او است.

فاستفتهم أهم أشدّ خلقًا أم من خلقنا

برداشت یاد شده از آن جا است که روی سخن آیه شریفه مشرکان اند؛ آنان که منکر معاد بوده و آفرینش مجدد انسان ها را از خاک، امری بعید و بسیار سخت و ناممکن می شمردند و «أءذا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أءنا لمبعوثون»، (آیه 16 همین سوره).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 71 - 1,5

1 - خداوند ، پیش از آفرینش انسان ، فرشتگان را از آن باخبر ساخت .

إذ قال ربك للملائكة إني خلق بشراً

5 - ارتباط داشتن آفرینش انسان با ملاأعلی (عالم فرشتگان)

بالملاأعلی إذ یختصمون . . . إذ قال ربك للملائكة إني خلق بشراً

گفتگوی خداوند با فرشتگان در ملاأعلی (عالم فرشتگان)، درباره آفرینش انسان، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

ص: 466

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 64 - 13، 8

8 - آفرینش انسان خوش اندام و سرشار از استعداد ها و کمالات ، جلوه ای از قدرت و ربوبیت بی همتای خداوند .

و صوّركم فأحسن صوركم

13 - آفرینش زمین ، آسمان ، انسان و روزی های او ، از اوصاف معبود و ربّ حقیقی

اللّٰه الذی جعل لكم الأرض . . . و صوّركم فأحسن صوركم و رزقکم من الطّیّب ذلکم اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 67 - 16

16 - آفرینش انسان و سیر تطور و تحوّل وی از خاک تا پیری و مرگ ، نشانه ای از قدرت و ربوبیت بی همتای خداوند است .

هو الذی خلقکم من تراب . . . و لتبلغوا أجلاً مسمّیّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 23 - 3، 1

1 - انسان ، پدیده ای است ساخته خداوند رحمان .

قل هو الذی أنشاکم

3 - پیدایش بشر و نعمت های نهفته در وجود او (قدرت شنوایی ، بینایی و تعقل) ، نشانه و جلوه قدرت خدای رحمان

الرحمن . . . هو الذی أنشاکم و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 24 - 6، 3

3 - پیدایش انسان و تکثیر نسل او در زمین ، نشانه و جلوه قدرت خداوند رحمان

الرحمن . . . قل هو الذی ذرأکم فی الأرض

6 - آفرینش بشر و تکثیر نسل او در زمین ، نشانه توانایی خداوند بر رستاخیز و حیات دوباره انسان ها در قیامت

قل هو الذي ذرأكم . . . وإليه تحشرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 36 - 5

5 - آفرینش انسان و هدفمندی زندگی او ، نشانه برپایی قیامت

و تذرون الآخره . وجوه یومئذ ناضره ... أیحسب الإنسان أن یترک سدی

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که این آیه، در سلسله آیاتی قرار دارد که درباره معاد و اثبات برپایی قیامت برای کیفر و پاداش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 467

1 - انسان در برهه ای از روزگار، وجود خارجی نداشت؛ بلکه موجودی حادث و نوآفریده است.

هل أتى على الإنسان حين من الدهر لم يكن شيئاً مذكوراً

«هل» در این آیه، برای استفهام تقریری است و مفاد آن اثبات مضمون جمله است؛ یعنی، «قد أتى على الإنسان». گفتمنی است که جمله «لم يكن شيئاً مذكوراً» به معنای «کان معدوماً» دانسته شده است. بر این اساس، مفاد آیه شریفه این است که انسان موجودی نوپیدا بوده و در برهه ای از زمان، وجود خارجی نداشته است.

4 - «عن حُمران قال: أباجعفر (ع) عن قول الله عزَّوجلَّ «هل أتى على الإنسان حين من الدهر لم يكن شيئاً مذكوراً» فقال: كان شيئاً و لم يكن مذكوراً...»؛

حمران گوید: از امام باقر(ع) از سخن خداوند عزَّوجلَّ «هل أتى على الإنسان حين من الدهر لم يكن شيئاً مذكوراً» سؤال کردم فرمود: انسان، موجود بود؛ ولی هنوز شایستگی نام انسان را نداشت».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انفطار - 82 - 7 - 6، 5

5 - آفرینش انسان و هماهنگ ساختن اجزای او، جلوه کرم خداوند است.

بربک الکریم . الذی خلقک فسویک فعدلک

6 - آفرینش، برخورداری از اعضای کامل و هماهنگی اندام با یکدیگر، سه مرحله پیاپی در سیر پیدایش انسان

خلقک فسویک فعدلک

ترتیب - که مفاد حرف «فاء» است - ممکن است «حقیقی» و یا «ذکری» باشد. برداشت یاد شده، براساس احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 5 - 9

9 - آفرینش نخست انسان، دلیل قدرت خداوند بر اعاده حیات او است.

لقد خلقنا الإنسان .. أیحسب أن لن یقدر علیه أحد

چنانچه در این آیه، سخن از قدرت خداوند بر معاد باشد، تعبیر «لقد خلقنا» در آیه قبل، برای رفع استبعاد معاد خواهد بود.

137- خلقت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 20 - 1

1- میراندن انسان ها و خلق انسانهایی جدید به جای آنان ، کار دشواری برای خداوند نیست .

إن یثأ یذهبکم و یأت بخلق جدید . و ما ذلک علی الله بعزیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 6 - 2,16,18,20,23

ص: 468

2 - همه انسان ها ، از نظر ریشه خلقت و نیز در حقیقت انسانی - بی هیچ امتیاز و تبعیضی - مشترک و برابراند .

خلقکم من نفس وحده

یادآوری خداوند به این که همه انسان ها از یک نفس آفریده شده اند، می تواند به منظور بیان حقیقت یاد شده باشد.

16 - آفریدن جهان هستی (آسمان ، زمین ، انسان و . . .) ، از اوصاف و نشانه های خدای حقیقی (الله)

خلق السموت و الأرض . . . خلقکم من نفس وحده ... ذلکم الله

«ذلکم» اشاره به کسی است که اشیای ذکر شده را آفریده و صاحب اوصاف خلق و جعل است.

18 - آفرینش جهان (آسمان ، زمین ، خورشید ، ماه و انسان) جلوه ربوبیت خدا است .

خلق السموت و الأرض . . . خلقکم من نفس وحده ... ذلکم الله ربکم

20 - آفرینش آسمان ها ، زمین ، خورشید ، ماه و انسان ، جلوه فرمانروایی مطلق خدا بر جهان هستی است .

خلق السموت و الأرض . . . له الملك

23 - آفرینش جهان (آسمان ، زمین و انسان) ، دلیل یکتایی خدا و پوچی معبود های دیگر

خلق السموت و الأرض . . . خلقکم من نفس وحده ... لا إله إلا هو

برداشت بالا مبتنی بر این دیدگاه است که جمله «لا إله إلا هو» - که پس از بحث از خلقت جهان آمده است - به منزله نتیجه و جمع بندی آن بحث باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 22 - 7

7 - قدرت خداوند بر آفرینش انسان ها ، تنظیم توانمندی های آنان ، هدایت تکوینی و نیز میراندن و به گور افکندن آنها ، دلیل قدرت او بر زنده ساختن آنان در قیامت است .

خلقه فقدّره . ثمّ السبیل یسّره . ثمّ أماته فأقبره . ثمّ إذا شاء أنشره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تین - 95 - 5 - 4

4- حاکمیت خداوند ، بر آغاز و فرجام انسان ها

لقد خلقنا الإنسان . . . ثمّ رددنه

138- خلقت اولیه انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 78 - 6

6- پیدایش انسان های نخستین ، دلیل و شاهد امکان زنده شدن مجدد آنان پس از مرگ و خاکستر شدن بدن ها

و ضرب لنا مثلاً و نسی خلقه قال من يحي العظم و هی رميم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 469

1 - آفرینش نخستین انسان ها ، دلیل و شاهد امکان برپایی قیامت و توانایی خدا بر احیای مجدد انسان ها

قل یحییها الذی أنشأها أول مره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 21 - 9

9 - خداوند ، خالق و آفریننده انسان ، برای نخستین بار و بدون سابقه و پیشینه

و هو خلقکم أول مره

مراد از «أول مره» زمانی است که آدمی وجود نداشت و خداوند او را آفرید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 57 - 3

3 - آفرینش نخستین انسان ها ، دلیل امکان حیات مجدد و رستاخیز دوباره آنان از سوی خداوند است .

نحن خلقنکم فلولا تصدقون

139- خلقت بدن انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 29 - 5

5- خلقت بدن انسان ، مقدم بر روح اوست .

إنی خلق بشرًا من صلصل من حمأ مسنون . فإذا سوّيته و نفخت فیہ من روحی

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که ذکر «نفخت» پس از ذکر تسویه بدن، ممکن است اشاره به تقدم خلقت بدن بر روح داشته باشد.

140- خلقت بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- بهشت اصحاب الیمین و حوریان آن ، از پیش آفریده شده است .

إِنَّا أَنشَأْنَهُنَّ إِنشَاءً

به کارگیری فعل ماضی «أنشأناهن» ، بیانگر مطلب یاد شده است.

ص: 470

141- خلقت تاریکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 1 - 2

2 - آفرینش آسمانها و زمین و پدید آوردن نور و ظلمت به دست خداوند، دلیل اختصاص ستایش به اوست.

الحمد لله الذى خلق

«الذى خلق»، صفت «الله» و بیان وجه اختصاص حمد به اوست و این تعلیق، که به گفته اهل ادب تعلیق حکم «الحمد لله» بر وصف «الذى خلق» است، بیانگر انحصار شایستگی ستایش به آفریننده هستی است.

142- خلقت تدریجی آدم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 9 - 2

2 - پس از آفریده شدن آدم (ع) با گل و متناسب شدن اندامش، در او روح دمیده شد.

و بدأ خلق الإنسن من طین . . . ثمّ سوّیه و نفخ فیہ من روحه

143- خلقت تدریجی آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 54 - 3

3 - آفرینش آسمان ها و زمین، آفرینشی تدریجی، در شش دوره و مرحله، بوده است.

خلق السموت و الأرض فی ستة أيام

مراد از «یوم» در آیه شریفه معنای متعارف آن (روز و یا شبانه روز) نیست، بلکه مقصود شش دوره و مرحله است. زیرا روز به معنای متعارف آن، پس از آفرینش آسمانها و زمین تحقق یافته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 7 - 14، 2

2 - آفرینش آسمان ها و زمین، تدریجی بوده و در شش روز (شش دوره) به انجام رسیده است.

مراد از «ایام» در آیه شریفه ، معنای متعارف آن (روزها یا شبانه روزها) نیست؛ بلکه مقصود ، دوره ها و مرحله هاست؛ زیرا روز به معنای متعارف آن ، پس از خلقت زمین قابل فرض است.

14- « عن الرضا (ع) قال : إن الله تبارک و تعالی . . . خلق السموات و الأرض فی ستة أيام . . . لیظهر للملائکه ما یخلقه منها شیئاً بعد شیء فیستدل بحدوث ما یحدث علی الله تعالی مرّه بعد مرّه . . . و أما قوله عزوجل : « لیبلوکم ائکم أحسن عملاً » فإنه خلقهم لیبلوهم بتکلیف طاعته و عبادته ، لا علی سبیل الإمتحان والتجربه لأنه لم یزل علیماً بکلّ شیء . . . » ;

از امام رضا(ع) روایت شده است که فرمود: همانا خدای تبارک و تعالی .. آسمانها و زمین را در شش روز آفرید ... تا آنچه را می آفریند برای ملائکه یکی پس از دیگری آشکار کند، که به وسیله حدوث پدیده ها تازه به تازه بر وجود خدا استدلال شود ... و اما قول خدای عزوجل «للیلوکم اَیکم أحسن عملاً»؛ یعنی، خدا انسانها را آفرید تا آنان را به وسیله تکلیف به طاعت و عبادت خود آزمایش کند. البته نه برای امتحان و کشف مجهول؛ زیرا از ازل به همه چیز آگاه بوده و هست ...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 4 - 4

4 - آفرینش آسمان ها و زمین ، آفرینشی تدریجی بود و در شش مرحله انجام پذیرفت .

خلق السموت و الأرض فی سته اَیام

واژه «یوم» (مفرد «اَیام») در معنای برهه ای از زمان (کوتاه یا بلند) نیز به کار می رود. بر این اساس «سته اَیام» (شش روز)، به معنای شش برهه بوده و بیانگر مطلب یاد شده است.

144- خلقت تدریجی آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 4 - 4

4 - آفرینش جهان ، به تدریج و در طی دوران هایی صورت گرفته است .

خلق السموت و الأرض و ما بینهما فی سته اَیام

«اَیام» جمع «یوم» است و یوم، به معنای «مقداری از زمان - از طلوع خورشید تا غروب آن -» و «مدتی از زمان» است (مفردات راغب). احتمال دارد مراد از «اَیام» دوران ها و یا مراحل مختلف باشد. در این صورت، دلالت بر تدریجی خلق شدن عالم می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 38 - 7، 8، 2

2 - شکل گیری نظام جهان ، دارای روندی تدریجی و طی دوره های متعدد

و لقد خلقنا .. فی سته اَیام

7 - معاد و برپایی قیامت ، چونان شکل گیری نخستین جهان روندی تدریجی خواهد داشت . *

و لقد خلقنا .. فی سته اَیام و ما مسنا من لغوب

با توجه به ارتباط این آیه با آیات پیشین - که در ارتباط با معاد بود - مطرح کردن «سِتّه اَیّام» می تواند اشاره به این داشته باشد که اگر شکل گیری جهان، به تدریج صورت گرفته، معاد نیز از روند تدریجی و قانونمند برخوردار است.

8 - شکل گیری تدریجی جهان، دارای ملاک های حکیمانه و نه معلول خستگی و محدودیت قدرت خداوند *

و لقد خلقنا السموت والأرض . . . و ما مسّنا من لغوب

برداشت بالا بدان احتمال است که بیان «ما مسّنا من لغوب» - در پی «سِتّه اَیّام» - نظر به این جهت داشته باشد که اصولاً در آفرینش، رنج و خستگی برای خداوند مطرح نیست و اگر کار آفرینش را در شش مرحله صورت داده است، دلایل دیگری دارد و به

ص: 472

سبب محدودیت قدرت او نیست.

145- خلقت تدریجی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 29 - 3

3- خلقت اولیه انسان ، به تدریج انجام گرفته است .

إِنِّي خَلَقْتُ بَشَرًا مِّنْ صَلْصَلٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ . فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُّوحِي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 9 - 3، 1

1 - آفرینش انسان از سوی خداوند ، تدریجی است .

بَدَأُ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ . . . ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ . . . ثُمَّ سَوَّيْتَهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُّوحِي

3- انسان در مراحل نخستین جنینی ، فاقد روح انسانی است و پس از شکل گیری اندام ، در او روح دمیده می شود .

جَعَلَ . . . مِنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ . ثُمَّ سَوَّيْتَهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُّوحِي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 14 - 2

2- آفرینش انسان ها به تدریج و با گذر از چند مرحله (همچون نطفه ، علقه ، مضغه و . . .) است .

وَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ أَطْوَارًا

«طور» (مفرد «أطوار») به معنای «مرّه» (یک دفعه) و «حال» آمده است. مقصود در این آیه می تواند مراحل و حالات گوناگونی باشد که در آفرینش بشر موجود است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 17 - 5

5- آفرینش انسان ، تدریجی و تکاملی است .

و الله أنبتكم من الأرض نباتاً

برداشت یاد شده، به سبب آن است که خلقت نباتات، دارای چنین خصوصیتی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 38 - 1

1 - تبدیل شدن نطفه به علقه ، از مراحل تکوین انسان و به صورت تدریجی است .

ألم یک نطفه . . . ثمّ کان علقه

با توجه به کاربرد «ثمّ» - که برای بیان فاصله زمانی است - مطلب یاد شده به دست می آید.

ص: 473

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 39 - 5

5- آفرینش انسان ، دارای روندی تدریجی و روبه تکامل

فخلق فسوی . فجعل منه الزوجین

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که حرف «فا» در «فخلق»، «فسوی» و «فجعل» برای ترتیب معنوی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 5 - 3

3- آفرینش انسان ، تدریجی است .

فلینظر الإنسن ممّ خلق

146- خلقت تدریجی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- اعراف - 7 - 54 - 3

3- آفرینش آسمان ها و زمین ، آفرینشی تدریجی ، در شش دوره و مرحله ، بوده است .

خلق السموت و الأرض فی سته آیام

مراد از «یوم» در آیه شریفه معنای متعارف آن (روز و یا شبانه روز) نیست، بلکه مقصود شش دوره و مرحله است. زیرا روز به معنای متعارف آن، پس از آفرینش آسمانها و زمین تحقق یافته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- هود - 11 - 7 - 14، 2

2- آفرینش آسمان ها و زمین ، تدریجی بوده و در شش روز (شش دوره) به انجام رسیده است .

خلق السموت و الأرض فی سته آیام

مراد از «آیام» در آیه شریفه ، معنای متعارف آن (روزها یا شبانه روزها) نیست؛ بلکه مقصود ، دوره ها و مرحله هاست؛ زیرا روز به معنای

متعارف آن ، پس از خلقت زمین قابل فرض است.

14- « عن الرضا (ع) قال : إن الله تبارك و تعالی . . . خلق السموات و الأرض فی سته أيام . . . لیظهر للملائکه ما یخلقه منها شیئاً بعد شیء فیسئدل بحدوث ما یحدث علی الله تعالی مرّه بعد مرّه . . . و أما قوله عزوجل : « لیبلوکم ائیکم أحسن عملاً » فإنه خلقهم لیبلوهم بتکلیف طاعته و عبادته ، لا علی سبیل الإمتحان والتجربه لأنه لم یزل علیماً بکلّ شیء . . . » ;

از امام رضا(ع) روایت شده است که فرمود: همانا خدای تبارک و تعالی . . . آسمانها و زمین را در شش روز آفرید . . . تا آنچه را می آفریند برای ملائکه یکی پس از دیگری آشکار کند، که به وسیله حدوث پدیده ها تازه به تازه بر وجود خدا استدلال شود . . . و اما قول خدای عزوجل « لیبلوکم ائیکم أحسن عملاً »؛ یعنی، خدا انسانها را آفرید تا آنان را به وسیله تکلیف به طاعت و عبادت خود آزمایش کند. البته نه برای امتحان و کشف مجهول؛ زیرا از ازل به همه چیز آگاه بوده و هست . . .».

ص: 474

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 4 - 4

4 - آفرینش آسمان ها و زمین ، آفرینشی تدریجی بود و در شش مرحله انجام پذیرفت .

خلق السموت و الأرض فی ستة ایام

واژه «یوم» (مفرد «ایام») در معنای برهه ای از زمان (کوتاه یا بلند) نیز به کار می رود. بر این اساس «سته ایام» (شش روز)، به معنای شش برهه بوده و بیانگر مطلب یاد شده است.

147- خلقت تدریجی موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 40 - 8

8- خلق و آفرینش گری خداوند ، مستمر بوده و همه موجودات را به یک باره خلق نکرده است .

إنما قولنا لشيء إذا أردناه أن نقول له كن فيكون

«إذا» برای ظرف زمان مستقبل است و بر وقوع متعلق امر «کن» در آینده دلالت دارد، و نیز فعل «نقول» و «فیکون» به جای «قلنا» و «کان» حاکی است که آفرینش گری خداوند در گذشته و به یک باره انجام نگرفته است؛ بلکه امری ادامه دار است.

148- خلقت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 27 - 6

6- خلقت جن از آتش ، از آیات خداوند است .

و الجن خلقنه من قبل من نار السموم

149- خلقت جنبندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 10 - 11

11 - خداوند ، از هر نوع جنبنده ای ، در زمین آفریده و در آن گسترانیده است .

وَبَتْ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ

ص: 475

150- خلقت جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 36 - 4

4- جهنم ، پیش از ظهور در صحنه قیامت ، آفریده شده و موجود است .

و برزت الجحیم

تعبیر «ظاهر شدن» - و نه آفریده شدن - حاکی از وجود سابق جهنم است.

151- خلقت چوب آتش زا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 72 - 3

3- آفرینش چوب آتش زنه ، نشانه ای از توانایی خداوند بر آفرینش مجدد انسان ها و برپایی قیامت

ءأنتم أنشأتم شجرتها أم نحن المنشون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 74 - 2

2- آفرینش انسان از منی ، بر آوردن دانه ها از دل خاک و رشد و نمو دادن آن ، فرو فرستادن باران از آسمان و ایجاد درخت آتش زنه برای بیابان گردان ؛ بیانگر مبرّا بودن ساحت او از نقص و کاستی

أفرئیتم ما تمنون .. فسبّح باسم ربّک العظیم

تفریع «فسبّح» بر مطالب آیات پیشین، نشانگر مطلب یاد شده است.

152- خلقت چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 28 - 1

1- آفرینش انسان ، جنبندگان و دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) ، از نشانه های ربوبیت بی همتای خداوند

ألم تر أن الله . . . ومن الناس و الدوابّ و الأنعم

«أنعام» جمع «نعم» (شتر) می باشد؛ ولی این واژه در مجموع شتر، گاو و گوسفند نیز به کار می رود؛ چنان که در آیه شریفه به همین معنا استعمال شده است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 71 - 1

1 - شتر، گاو و گوسفند، مخلوق خدا و جلوه هایی از قدرت او

ص: 476

أولم يروا أننا خلقنا لهم مما عملت أيدينا أنعمًا

«أنعام» به معنای شتر، گاو و گوسفند است و جمله «مما عملت أيدينا» کنایه از قدرت خدا می باشد. گفتنی است که آیه شریفه در مقام بیان جلوه های آن در طبیعت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 81 - 2

2- آفرینش دام ها و کشتی ها ، از نشانه ها و دلایل قدرت و ربوبیت بی همتای خداوند

اللّٰه الذی جعل لکم الأنعم . . . وعلیها وعلی الفلک تحملون . ویریکم ءایته

از مصادیق مورد نظر آیه شریفه برای آیات الهی، دام ها و کشتی ها (موضوع بحث آیه قبل) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 11 - 9

9- آفرینش چهارپایان و جفت قرار دادن آنها ، در خدمت منافع آدمی

جعل لکم . . . و من الأنعم أزواجًا

153- خلقت حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 35 - 3

3- حوا، قبل از سکونت آدم (ع) در بهشت، آفریده شده بود.

اسکن أنت و زوجک الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- نساء - 4 - 1 - 6,7

6- خداوند، آفریننده همسر اولین انسان (حضرت آدم)، از او

خلقکم من نفس واحده و خلق منها زوجها

برداشت فوق بر این مبناست که «من» نشویّه باشد ; یعنی: آفرینش حوّا از آدم نشأت گرفته است. صدر آیه که فرمود: «من نفس» و فرمود: «من نفسین» این معنا را تأیید می کند. مؤید برداشت فوق، فرمایش امام صادق (ع) است که فرمود: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ مِنَ الْمَاءِ وَالطِّينِ ... وَ خَلَقَ حَوًّا مِنْ آدَمَ

کافی، ج 5، ص 337، ح 4؛ نورالثقلین، ج 1، ص 434، ح 16.

7 - خداوند ، آفریننده همسر اولین انسان (حضرت آدم) از جنس او

و خلق منها زوجها

مؤید برداشت فوق، فرمایش امام باقر (ع) به نقل از رسول الله (صلی الله علیه و آله) است که درباره خلقت حوّا فرمود: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قَبِضَ

ص: 477

قبضه من طين فخلطها بيمينه .. فخلق منها آدم وفضلت فضله من الطين فخلق منها حوا.

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 216، ح 7؛ نورالثقلین، ج 1، ص 429، ح 6.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 189 - 3

3 - خداوند، همسر آدم (حوا) را از او آفرید.

جعل منها زوجها

برداشت فوق بر این اساس است که «من» در «منها» نشویه باشد. بر این مبنا «جعل منها زوجها» بیانگر این است که آدم(ع)، منشأ خلقت حوا بوده است.

154- خلقت حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 35 - 3

3- بهشت اصحاب الیمین و حوریان آن، از پیش آفریده شده است.

إِنَّا أَنشَأْنَهُنَّ إِنشَاءً

به کارگیری فعل ماضی «أنشأناهن»، بیانگر مطلب یاد شده است.

155- خلقت خاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 7 - 10

10 - قبل از انسان ها، پدیده های دیگری چون گل (آب و خاک) آفریده شده بودند.

وبدأ خلق الإنسن من طين

156- خلقت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 54 - 10

10 - خورشید و ماه و ستارگان ، آفریده های خداوند و مقهور امر و اراده او

خلق السموت . . و الشمس و القمر و النجوم مسخرت بأمره

کلمه «الشمس» و ما بعد آن، عطف به «السموت» است.

ص: 478

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 5 - 7

7- آفرینش خورشید و ماه و متفاوت قرار داده شدن آن دو در درخشندگی، جلوه های حکمت خدا و بر پایه حق و هدفی مشخص

هو الذی جعل الشمس ضیاء و القمر نوراً .. ما خلق الله ذلک إلا بالحق

«حق» در مقابل «باطل» (بیهوده) است؛ یعنی، خداوند ماه و خورشید را بیهوده و بی هدف نیافریده، بلکه آفرینش آنها بر پایه حق و هدف خاصی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 33 - 4

4- آفرینش شب و روز و خورشید و ماه، نشانی از توحید ربوبی است.

و هو الذی خلق الیل .. کلّ فی فلک یسبحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 61 - 10, 9, 5

5 - خداوند در آسمان ها خورشید آفرید .

و جعل فیها سراجاً

«سراج» به معنای چراغ است؛ ولی مقصود از آن در آیه شریفه - به قرینه آمدن «القمر» (ماه) - خورشید است؛ چنان که در آیه 16 سوره نوح به خورشید سراج گفته شده است (و جعل الشمس سراجاً).

9- آفرینش ستارگان، خورشید و ماه تابان، جلوه ای از برکات و خیرات خداوند.

تبارک الذی جعل فی السماء بروجاً .. وقمرًا منیرًا

10 - آفرینش ستارگان، خورشید و ماه تابان، از نشانه های قدرت خدا و یکتایی او

تبارک الذی جعل فی السماء بروجاً .. وقمرًا منیرًا

برداشت فوق، از آن جا است که آیه شریفه در ردیف سلسله آیاتی قرار دارد که در مقام محکومیت شرک و اثبات توحید و یگانگی خداوند است.

6 - آفرینش جهان هستی چون انسان ، دریا ، خورشید و ماه ، از نشانه های خدای حقیقی (الله)

والله خلقکم من تراب . . . ثم جعلکم أزواجًا . . . و ما یتوی البحران . . . و سخر ال

«ذلکم» اشاره به کسی است که اشیای ذکر شده را آفریده و صاحب خلق و جعل می باشد.

8 - آفرینش جهان (انسان ، دریا ، خورشید و ماه) ، جلوه ای از ربوبیت خدا است .

الله خلقکم من تراب . . . و ما یتوی البحران . . . و سخر الشمس و القمر . . . ذلکم ال

10 - آفرینش انسان ، دریا ، خورشید و ماه ، جلوه ای از فرمانروایی مطلق خدا بر جهان هستی است .

والله خلقکم من تراب . . . و ما یتوی البحران . . . و سخر الشمس و القمر . . . له ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 6 - 18,20

18 - آفرینش جهان (آسمان، زمین، خورشید، ماه و انسان) جلوه ربوبیت خدا است.

خلق السموت والأرض... خلقکم من نفس وحده... ذلکم اللہ ربکم

20 - آفرینش آسمان ها، زمین، خورشید، ماه و انسان، جلوه فرمانروایی مطلق خدا بر جهان هستی است.

خلق السموت والأرض... له الملك

157- خلقت در عالم ذر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 9 - 14

14- تمامی انسان هایی که بر روی زمین پدیدار می شوند، در گذشته آفریده شده اند. *

وقد خلقتک من قبل ولم تک شيئاً

جمله حالیه «و لم تک شيئاً» ممکن است ناظر به زمانی باشد که انسان ها آفریده نشده بودند، در این صورت «خلقتک من قبل» ناظر به عالم ذر خواهد بود؛ یعنی، در گذشته ما تو را از هیچ و بدون اسباب متعارف آفریدیم، حال چگونه از به وجود آمدن یحیی از پدر و مادری پیر و عقیم شگفت زده می شوی.

158- خلقت درخت آتش زا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 72 - 1,2

1 - ایجاد و آفرینش درخت آتش زنه، خارج از قلمرو توانایی بشر

ءأنتم أنشأتم شجرتها

2 - تنها خداوند، قادر بر آفرینش درخت آتش زنه

أم نحن المنشون

مسند محلی به «ال» «المنشون» مفید حصر است.

159- خلت دریا ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 13 - 10، 8، 6

ص: 480

6- آفرینش جهان هستی چون انسان، دریا، خورشید و ماه، از نشانه های خدای حقیقی (الله)

والله خلقکم من تراب... ثم جعلکم أزواجًا... و ما یستوی البحران... و سخر ال

«ذلکم» اشاره به کسی است که اشیای ذکر شده را آفریده و صاحب خلق و جعل می باشد.

8- آفرینش جهان (انسان، دریا، خورشید و ماه)، جلوه ای از ربوبیت خدا است.

الله خلقکم من تراب... و ما یستوی البحران... و سخر الشمس و القمر... ذلکم ال

10- آفرینش انسان، دریا، خورشید و ماه، جلوه ای از فرمانروایی مطلق خدا بر جهان هستی است.

والله خلقکم من تراب... و ما یستوی البحران... و سخر الشمس و القمر... له ال

160- خلقت روح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 72 - 15

15- «عن الأ-حول. قال: سألت أبا عبد الله (ع) عن الروح التي في آدم (ع) قوله: فإذا سوّيته و نفخت فيه من روحي» قال: هذه روح مخلوقه...;

احول گوید: از امام صادق(ع) از روح آدم(ع) در آیه «فإذا سوّيته و نفخت فيه من روحي» سؤال کردم، فرمود: این روح مخلوق و آفریده خدا است؛ [نه این که از خدا جدا شده باشد].».

161- خلقت روح انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 29 - 5

5- خلقت بدن انسان، مقدم بر روح اوست.

إني خلق بشرًا من صلصل من حمًا مسنون. فإذا سوّيته و نفخت فيه من روحي

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که ذکر «نفخت» پس از ذکر تسویه بدن، ممکن است اشاره به تقدم خلقت بدن بر روح داشته باشد.

162- خلقت روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 33 - 4

4- آفرینش شب و روز و خورشید و ماه ، نشانی از توحید ربوبی است .

و هو الذی خلق الّیل . . . کلّ فی فلک یسبحون

ص: 481

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 62 - 2,3,7

2- آفرینش شب و روز و پدید آمدن روشنایی و تاریکی ، بر اثر جانشین شدن آن دو به جای یکدیگر ، تنها به قدرت خدا است .

و هو الذی جعل الّیل و النهار خلفه

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: 1- معرفه بودن مبتدا و خبر (هو الذی جعل) بیانگر قصر می باشد. 2- آیه شریفه در مقام بیان قدرت خدا است.

3- آفرینش شب و روز و پدید آمدن روشنایی و تاریکی بر اثر جانشین شدن آن دو به جای یکدیگر ، از نشانه های قدرت خدا است .

و هو الذی جعل الّیل و النهار خلفه

7- آفرینش شب و روز ، تنها برای انسان های برخوردار از روح سپاس گزاری ، سپاس برانگیز است .

و هو الذی جعل الّیل . . . لمن أراد أن یدکر أو أراد شکورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 5 - 10,5

5- پیدایش مستمر روز و شب و نور و ظلمت ، از نشانه های قدرت مطلق و ربوبیت یگانه خداوند است .

یکور الّیل علی النهار و یکور النهار علی الّیل

10 - آفرینش و تدبیر آسمان ها و زمین و پیدایش شب و روز و تسخیر خورشید و ماه ، جلوه های عزت و قدرتمندی خداوند است .

خلق السموت و الأرض . . . کلّ یدجرى لأجل مسمّی ألا هو العزیز

یادآوری عزت و قدرتمندی خداوند در پایان آیه شریفه و پس از یادآوری آفرینش آسمان، زمین و ..، گویای برداشت یاد شده است.

163- خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 30 - 8

8- اندیشیدن در پدیده های جهان خلقت ، از راه های دستیابی انسان به توحید و یگانگی خداوند

أولم ير الذين كفروا أن السموت .. أفلا يؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 22 - 2

2 - آفریش زمین به گونه ای مناسب برای زندگانی ، پرتوی از ربوبیت خداوند است .

اعبدوا ربکم .. الذی جعل لکم الأرض فرشاً

«الذی جعل ..» صفت دوم برای «ربکم» در آیه قبل است.

ص: 482

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 164 - 3

3 - آفرینش آسمان ها و زمین ، حاوی نشانه هایی بر توحید و حاکمی از رحمانیت و رحیمیت خداوند است .

لا إله إلا هو الرحمن الرحيم. إن في خلق السموت والأرض ... لأيت

آیه مورد بحث - به قرینه آیه قبل - در مقام استدلال بر توحید و رحمانیت و رحیمیت خداوند است و لذا مقصود از «آیات» در ذیل آیه، نشانه های توحید و رحمت گستری خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 1 - 8، 2

2 - آفرینش آسمانها و زمین و پدیدآوردن نور و ظلمت به دست خداوند، دلیل اختصاص ستایش به اوست.

الحمد لله الذى خلق

«الذى خلق»، صفت «الله» و بیان وجه اختصاص حمد به اوست و این تعلیق، که به گفته اهل ادب تعلیق حکم «الحمد لله» بر وصف «الذى خلق» است، بیانگر انحصار شایستگی ستایش به آفریننده هستی است.

8 - پدیده ظلمت و نور در جهان، نظامی تابع آفرینش آسمانها و زمین

الحمد لله الذى خلق السموت ... و جعل الظلمت والنور

در این آیه آفرینش آسمان و زمین با فعل «خلق» بیان شده، ولی درباره ظلمت و نور از فعل «جعل» استفاده شده است. توجیه این تفاوت، به گفته برخی از مفسران، تبعی بودن آفرینش نور و ظلمت نسبت به مجموعه هستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 54 - 4، 1

1 - خداوند ، آفریدگار آسمان ها و زمین و پروردگار راستین انسانهاست .

إن ربكم الله الذى خلق السموت والأرض فى ستة أيام

4 - خداوند پس از آفرینش آسمان ها و زمین (نظام هستی) با استیلا بر عرش ، به تدبیر امور آنها پرداخت .

ثم استوى على العرش

16- « عن محمد بن مسلم قال : قال لي أبو جعفر (ع) : كان كل شيء ماءً و كان عرشه على الماء ، فأمر الله عز ذكره الماء فاضطرم ناراً ثم أمر النار فخمدت فارتفعت من خمودها دخان فخلق الله عز وجل السموات من ذلك الدخان و خلق الله عز وجل الأرض من الرماد . . . » ;

محمد بن مسلم گوید: امام باقر(ع) به من فرمود: همه چیز آب بود و عرش خدا بر آب قرار داشت؛ پس خدای عزّ ذکره به آب امر کرد، پس آن آب آتشی برافروخته شد، سپس آتش را امر کرد خاموش شود و خاموش شد، پس بر اثر خاموشی آتش دودی از آن برخاست؛ آن گاه خداوند آسمانها را از آن دود آفرید و زمین را از خاکستر آفرید . . .».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 19 - 13

13- آفرینش آسمان ها و زمین (عالم آفرینش) ، دلیل قدرتمندی خداوند بر تحقق وعده عذاب کافران و حبط عمل نیکشان

من ورائه جهنم .. مثل الذين كفروا برّبهم أعمالهم كرماد اشتدت به الريح ... ألم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 32 - 2

2- آفرینش آسمان ها و زمین دلیل و نشانه توحید خداوند است .

الله الذي خلق السموت والأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 19 - 2

2- کره زمین در بدو پیدایش ، دارای حجم گسترده ای نبوده است . *

والأرض مددنها

«مدّ» در لغت به معنای «بسط» و «جرّ» است و مراد از آن در آیه فوق، می تواند توسعه حجمی زمین باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 3 - 4,7

4- آفرینش حق مدار آسمان ها و زمین ، گواه وحدانیت خدا و نبود شریک برای او

أن أنذروا أنه لا إله إلا أنا فاتقون . خلق السموت والأرض بالحق تعلی عمّا یشر

جمله «خلق السماوات والأرض» به منزله تعلیل برای مضمون «لا إله إلا أنا» در آیه قبل است.

7- آفرینش آسمان ها و زمین (جهان هستی) دلیلی بر قدرت خداوند بر محقق ساختن وعده هایش

أتی أمر الله .. خلق السموت والأرض بالحق تعلی عمّا یشرکون

جمله «خلق السماوات ..» می تواند به منزله تعلیلی برای روشن نمودن قدرت خداوند بر محقق ساختن وعده هایش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 51 - 1

1- شياطين، فاقد كمتريں دخالت و نظارت در كار آفريش آسمان ها و زمين و نيز خلقت خودشان اند .

ما أشهدتهم خلق السموت والأرض و لا خلق أنفسهم

«إشهاد» يعنى، ديگرى را به شهادت و حضور خواندن. نفى شاهد گرفته شدن شياطين در آفريش آسمان ها و زمين و خلقت خود آن ها، كنايه از آن است كه آنان، هيچ نقشى در الوهيت و تدبير جهان نداشته اند تا در موقع آفريش، به حضور فراخوانده شده و شاهد خلقت باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 59 - 7,8

ص: 484

7- آفرینش جهان هستی (آسمان ها، زمین و...) جلوه ای از رحمانیت خداوند

الذی خلق السموت و الأرض .. الرحمن

برداشت فوق، بر این اساس استوار است که «الذی خلق» مبتدا و «الرحمان» خبر آن باشد؛ یعنی، آن کسی که جهان را آفرید، رحمان است و قهراً جهان، جلوه ای از رحمانیتش می باشد.

8- آفرینش جهان هستی (آسمان ها، زمین و...) جلوه ای از حیات جاویدان خداوند

الحیّ الذی لایموت .. الذی خلق السموت و الأرض

برداشت فوق، بر این اساس استوار است که «الذی خلق» صفت برای «الحیّ» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 22 - 5، 1

1- آفرینش آسمان ها و زمین و گوناگونی زبان ها و رنگ های آدمیان، از آیات الهی است .

و من ءایته خلق السموت و الأرض و اختلف ألستکم و ألونکم

5- آیه بودن آفرینش آسمان ها و زمین و تفاوت زبان ها و رنگ های مردم، برای دانشمندان قابل درک است .

و من ءایته خلق السموت و الأرض و اختلف ألستکم و ألونکم إنّ فی ذلک لآیت للعل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 41 - 2

2- نظم کنونی آسمان ها و زمین در بقا، همانند مرحله آغازین خود، نیازمند به اراده و تدبیر خداوند است .

إنّ اللّهُ یمسک السموت و الأرض .. إنّ أمسکهما من أحد من بعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 81 - 3

3- آفرینش آسمان ها و زمین، دلیل و نشانه توانایی خداوند بر برپایی قیامت و آفرینش مجدد انسان ها

أولیس الذی خلق السموت و الأرض بقدر علی أن یخلق مثلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 5 - 10

10 - آفرینش و تدبیر آسمان ها و زمین و پیدایش شب و روز و تسخیر خورشید و ماه ، جلوه های عزت و قدرتمندی خداوند است .

خلق السموت والأرض .. كلّ یجرى لأجل مسمّی ألا هو العزیز

یادآوری عزت و قدرتمندی خداوند در پایان آیه شریفه و پس از یادآوری آفرینش آسمان، زمین و ..، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 6 - 16,20,23

16 - آفریدن جهان هستی (آسمان ، زمین ، انسان و ..) ، از اوصاف و نشانه های خدای حقیقی (الله)

ص: 485

خلق السموت و الأرض . . . خلقکم من نفس وحده ... ذلکم اللّٰه

«ذلکم» اشاره به کسی است که اشیای ذکر شده را آفریده و صاحب اوصاف خلق و جعل است.

20 - آفرینش آسمان ها ، زمین ، خورشید ، ماه و انسان ، جلوه فرمانروایی مطلق خدا بر جهان هستی است .

خلق السموت و الأرض . . . له الملک

23 - آفرینش جهان (آسمان ، زمین و انسان) ، دلیل یکتایی خدا و پوچی معبود های دیگر

خلق السموت و الأرض . . . خلقکم من نفس وحده ... لا إله إلاّ هو

برداشت بالا مبتنی بر این دیدگاه است که جمله «لا إله إلاّ هو» - که پس از بحث از خلقت جهان آمده است - به منزله نتیجه و جمع بندی آن بحث باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 38 - 2

2 - جهان (آسمان ها ، زمین و ...) ، مخلوق خدا و جلوه قدرت او است .

ولئن سألتهم من خلق السموت و الأرض ليقولنّ اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 64 - 13

13 - آفرینش زمین ، آسمان ، انسان و روزی های او ، از اوصاف معبود و ربّ حقیقی

اللّٰه الذی جعل لکم الأرض . . . و صورکم فأحسن صورکم و رزقکم من الطّیبّ ذلکم اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 9 - 3

3 - زمین و چگونگی شکل گیری و آفرینش آن ، از نزدیک ترین و آشکارترین زمینه های توجه انسان به خالقیت خداوند

قل أنّکم لتکفرون بالذی خلق الأرض

از این که خداوند از میان همه نشانه ها و دلایل ، آفرینش زمین را به عنوان دلیل خالقیت و آفریدگاری خود یاد کرده است ، می توان مطلب

بالا را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 11 - 7، 1

1 - خداوند ، پس از آفرینش زمین به سامان دادن آسمان پرداخت .

ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ

«إستواء» (مصدر «إستوی») آن گاه که با «إلی» متعدی شود، به معنای آهنگ کردن است. «ثُمَّ» (در «ثُمَّ اسْتَوَىٰ») می تواند برای ترتیب خارجی و یا ترتیب ذکری باشد. برداشت بالا بر اساس احتمال اول است.

7 - شکل گیری نظام آسمان ها و زمین ، براساس جاذبه ها و قوانین طبیعت *

قَالَتْ أَتَيْنَا طَائِعِينَ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «طوعاً» اشاره به حرکت طبیعی و «کرهاً» حکایت از حرکت قسری داشته باشد و آیه

ص: 486

بیانگر حاکمیت حرکت طبیعی حلقه های تکوین در نظام آسمان ها و زمین باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 12 - 11

11 - آفرینش و تدبیر آسمان ها و زمین ، جلوه ای از علم و قدرت الهی است .

ذلک تقدیر العزیز العلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 11 - 2,3

2 - خلقت آسمان ها و زمین ، بدون هیچ گونه سابقه و الگوی پیشین

فاطر السموت و الأرض

«فاطر» (از ماده «فطر») به معنای ابداع و آفرینش بدون سابقه نیز آمده است.

3 - آسمان ها و زمین ، پیش از شکل یافتن به وضع موجود به صورت توده ای واحد و متراکم بود .

فاطر السموت و الأرض

«فطر» (مصدر «فاطر») به معنای دریدن و جدا کردن است. به کارگیری این ماده می تواند به این مطلب اشاره داشته باشد که آسمان ها، پیش از این که به شکل فعلی در آید به صورت یک توده فشرده و متراکمی بود و سپس با انفجار عظیم از هم جدا و متفرق شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 29 - 1,7

1 - آفرینش آسمان ها و زمین و جانداران ، از نشانه های روشن خدا و قدرت او است .

و من ءایته خلق السموت و الأرض و ما بتّ فیهما من دابّه

7 - آفرینش آسمان ها ، زمین و موجودات زنده ، تنها بخشی از آیات الهی است .

و من ءایته

با توجه به معنای «من» - که برای تبعیض است - به دست می آید که جهان هستی سرشار از آیات خداوند است و آفرینش آسمان ها و

زمین تنها بخشی از آنها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 3 - 5

5- آفرینش بهینه آسمان ها و زمین و سایر موجودات ، نمود عزت و حکمت الهی است .

من الله العزيز الحكيم . ما خلقنا السموت والأرض و ما بينهما إلا بالحقّ

از ارتباط این آیه با ذیل آیه قبل (من الله العزيز الحكيم)، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 33 - 4

ص: 487

4- آفرینش توانمندانه آسمان ها و زمین از سوی خداوند ، دلیل قدرت او بر تجدید حیات مردگان

اللّٰه الذی خلق .. و لم یعی بخلقهنّ بقدر علی أن یحیی الموتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 38 - 3,6

3- آفرینش آسمان ها و زمین ، نمودی از قدرت عظیم الهی

و لقد خلقنا السموت و الأرض

به قرینه آیات پیشین - که بیان کننده قدرت قاهره الهی بود - و نیز به قرینه ذیل آیه (و ما مسّنا من لغوب) طرح مسأله آفرینش آسمان و زمین برای نمایاندن قدرت الهی است.

6 - خلقت آسمان ها و زمین بدون کم ترین زحمت و دشواری ، نشان قدرت خداوند بر معاد

و لقد خلقنا .. و ما مسّنا من لغوب

با توجه به این که سیاق عمده آیات پیشین، در اثبات معاد بود؛ طرح خالقیت خدا و آسان بودن خلقت برای او، می تواند بیانگر امکان معاد و دشوار نبودن آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 12 - 11, 9

9- آفرینش آسمان ها و زمین و تدبیر امور آنها ، جلوه ای روشن و نشانه ای گویای از قدرت بی پایان خداوند

اللّٰه الذی خلق سبع سموت .. لتعلموا أنّ اللّٰه علی کلّ شیء قدير

11 - آفرینش آسمان ها و زمین ، جلوه ای روشن و نشانه ای گویا از علم مطلق و همه جانبه خداوند است .

اللّٰه الذی خلق سبع سموت .. لتعلموا ... أنّ اللّٰه قد أحاط بکلّ شیء علماً

14 - آفرینش آسمان ها و زمین و تدبیر امور آنها ، نشانه تحقق وعده های خداوند به برپایی قیامت و وجود بهشت و جهنم است .

أعدّ اللّٰه لهم عذاباً شدیداً .. جنّـت تجری من تحتها الأنهر ... اللّٰه الذی خلق

یادآوری خلقت آسمان ها و زمین و تدبیر امور آنها - پس از ذکر دو گروه دوزخیان و بهشتیان در آیات گذشته - می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

5- گستردگی و پهناوری کنونی زمین ، پس از گذشتن چندی از آفرینش نخستین آن بوده است .

والله جعل لكم الأرض بساطاً

«جعل» در چند معنا به کار می رود؛ از جمله آنها، تغییر دادن از صورت و حالتی به صورت و حالتی دیگر است (مفردات راغب). برداشت یاد شده مبتنی بر این معنا است.

164- خلقت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 21 - 2

2 - زنان ، همسان با مردان ، خلق شده اند .

أن خلق لكم من أنفسكم أزواجًا

از قید «من أنفسکم» استفاده می شود که خلق زنان، همسان مردان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 6 - 4

4 - زنان چونان مردان ، بی هیچ امتیاز و تبعیضی ، دارای نفس و حقیقت واحد انسانی اند .

خلقکم من نفس وحده ثم جعل منها زوجها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 11 - 8

8 - آفرینش زن و مرد از جنس واحد ، لطف الهی نسبت به آدمیان

جعل لكم من أنفسكم أزواجًا

آیه شریفه در مقام امتنان و ذکر نعمت های الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 46 - 6

6 - همگونی مرد و زن در اصل خلقت (نطفه)

وأنه خلق الزوجين الذكر والأنثى . من نطفه إذا تمنى

165- خلقت زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14- پدیدار شدن حیات بر روی زمین ، جلوه ای از قدرت لایزال خداوند است .

واضرب لهم مثل الحيوة الدنيا . . . و كان الله على كل شيء مقتدرًا

166- خلقت سایه دار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 489

1- آفرینش موجوداتی که خاصیت سایبانی برای انسان داشته باشد ، به قدرت خداست .

والله جعل لكم ممّا خلق ظللاً

167- خلقت ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 54 - 10

10 - خورشید و ماه و ستارگان ، آفریده های خداوند و مقهور امر و اراده او

خلق السموت . . و الشمس و القمر و النجوم مسخرت بأمره

کلمه «الشمس» و ما بعد آن، عطف به «السموت» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 61 - 10، 9، 4

4 - خداوند در آسمان ها ، ستارگانی را آفرید .

الذی جعل فی السماء بروجاً

9 - آفرینش ستارگان ، خورشید و ماه تابان ، جلوه ای از برکات و خیرات خداوند .

تبارک الذی جعل فی السماء بروجاً . . . وقمرًا منیرًا

10 - آفرینش ستارگان ، خورشید و ماه تابان ، از نشانه های قدرت خدا و یکتایی او

تبارک الذی جعل فی السماء بروجاً . . . وقمرًا منیرًا

برداشت فوق، از آن جا است که آیه شریفه در ردیف سلسله آیاتی قرار دارد که در مقام محکومیت شرک و اثبات توحید و یگانگی خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 63 - 7

7 - ناتوانی غیرخدا از پدید آوردن علایم راهنما (چون ستارگان) و عوامل نویدبخش و رحمت آفرین (چون باد و باران) به گستردگی پهنه زمین

أَمَّنْ يَهْدِيكُمْ فِي ظِلْمَتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ .. أءَلَهُ مَعَ اللَّهِ

از ارتباط «من یهدی» با «أءله مع الله» استفاده می شود که تنها خداوند، قادر به ایجاد عواملی است که انسان را در ظلمت های شب در سراسر زمین (خشکی و دریا) هدایت کند و باران رحمت را در پی بادهای مژده دهنده به دورترین نقاط برساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 12 - 17

17 - سامان دادن آسمان های هفتگانه ، تدبیر امور آنها و آفرینش ستارگان و نگهبانی از آسمان ها ، جلوه ای از ربوبیت خدا و

ص: 490

نشانه یکتایی او در تدبیر هستی است .

ذلک ربّ العلمین .. ففضهنّ سبع سموت

168- خلقت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 33 - 4

4- آفرینش شب و روز و خورشید و ماه ، نشانی از توحید ربوبی است .

و هو الذی خلق الّیل .. کلّ فی فلک یسبحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 62 - 3،7،2

2- آفرینش شب و روز و پدید آمدن روشنایی و تاریکی ، بر اثر جانشین شدن آن دو به جای یکدیگر ، تنها به قدرت خدا است .

و هو الذی جعل الّیل و النهار خلفه

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: 1- معرفه بودن مبتدا و خبر (هو الذی جعل) بیانگر قصر می باشد. 2- آیه شریفه در مقام بیان قدرت خدا است.

3- آفرینش شب و روز و پدید آمدن روشنایی و تاریکی بر اثر جانشین شدن آن دو به جای یکدیگر ، از نشانه های قدرت خدا است .

و هو الذی جعل الّیل و النهار خلفه

7- آفرینش شب و روز ، تنها برای انسان های برخوردار از روح سپاس گزاری ، سپاس برانگیز است .

و هو الذی جعل الّیل .. لمن أراد أن یدکر أو أراد شکورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 72 - 8

8- ناتوانی غیر خدا ، بر ایجاد شب ، در صورت اراده خدا بر ثابت قرار دادن روز

قل أرءیتم إن جعل اللّٰه علیکم النهار سرمدًا .. من إله غیر اللّٰه یأتیکم بلیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 5 - 10، 5

5 - پیدایش مستمر روز و شب و نور و ظلمت ، از نشانه های قدرت مطلق و ربوبیت یگانه خداوند است .

يَكُوِّرُ اللَّيْلُ عَلَى النَّهَارِ وَيَكُوِّرُ النَّهَارُ عَلَى اللَّيْلِ

10 - آفرینش و تدبیر آسمان ها و زمین و پیدایش شب و روز و تسخیر خورشید و ماه ، جلوه های عزت و قدرتمندی خداوند است .

خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ ... كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى أَلَا هُوَ الْعَزِيزُ

ص: 491

یادآوری عزت و قدرتمندی خداوند در پایان آیه شریفه و پس از یادآوری آفرینش آسمان، زمین و... گویای برداشت یاد شده است.

169- خلقت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 28 - 1

1 - آفرینش انسان، جنبندگان و دام‌ها (شتر، گاو و گوسفند)، از نشانه‌های ربوبیت بی‌همتای خداوند

ألم تر أنّ الله... و من الناس و الدّوابّ و الأنعم

«أنعام» جمع «نعم» (شتر) می‌باشد؛ ولی این واژه در مجموع شتر، گاو و گوسفند نیز به کار می‌رود؛ چنان‌که در آیه شریفه به همین معنا استعمال شده است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 71 - 1

1 - شتر، گاو و گوسفند، مخلوق خدا و جلوه‌هایی از قدرت او

أولم یروا أنّا خلقنا لهم ممّا عملت أیدینا أنعمًا

«أنعام» به معنای شتر، گاو و گوسفند است و جمله «مّمّا عملت أیدینا» کنایه از قدرت خدا می‌باشد. گفتنی است که آیه شریفه در مقام بیان جلوه‌های آن در طبیعت است.

170- خلقت شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 51 - 1

1- شیاطین، فاقد کمترین دخالت و نظارت در کار آفرینش آسمان‌ها و زمین و نیز خلقت خودشان اند.

ما أشهدتّهم خلق السموت والأرض و لاخلق أنفسهم

«إشهاد» یعنی، دیگری را به شهادت و حضور خواندن. نفی شاهد گرفته شدن شیاطین در آفرینش آسمان‌ها و زمین و خلقت خود آن‌ها، کنایه از آن است که آنان، هیچ نقشی در الوهیت و تدبیر جهان نداشته‌اند تا در موقع آفرینش، به حضور فراخوانده شده و شاهد خلقت باشند.

171- خلقت طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 39 - 5

ص: 492

5- پیدایش و کارایی مظاهر طبیعت ، متکی به مشیت و نیروی الهی است .

و لولا إذ دخلت جنتك قلت ما شاء الله لا قوة إلا بالله

172- خلقت ظلمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 5 - 5

5- پیدایش مستمر روز و شب و نور و ظلمت ، از نشانه های قدرت مطلق و ربوبیت یگانه خداوند است .

يَكْوَرُ اللَّيْلُ عَلَى النَّهَارِ وَيَكْوَرُ النَّهَارُ عَلَى اللَّيْلِ

173- خلقت عالمانه آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 29 - 11

11 - آفرینش آسمان های هفتگانه و مواهب زمین ، آفرینشی عالمانه است .

هو الذي خلق .. و هو بكل شيء عليم

174- خلقت عالمانه آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 86 - 5، 2

2- آفرینش جهان ، آفرینشی عالمانه و آگاهانه است .

إن ربك هو الخلق العليم

برداشت فوق بر این اساس است که «العليم» صفت برای «الخلق» باشد.

5- ربوبیت خداوند ، مقتضی آفرینش عالمانه جهان است .

إن ربك هو الخلق العليم

175- خلقت عرش

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

8 - ہود - 11 - 7 - 18، 17

17- « عن علی بن الحسین (ع) قال : إن الله عزوجل خلق العرش . . . من أنوار مختلفه فمن ذلك النور نور أخضر . . . و نور أصفر

ص: 493

... و نور أحمر ... و نور أبيض ... ؛

از امام سجاده (ع) روایت شده است که فرمود: ... همانا خدای عزوجل عرش را ... از نورهای گوناگون خلق کرد که از این نورها نور سبز بود ... و نور زرد ... و نور سرخ ... و نور سفید ...».

18- «عن علی (ع) ... خلق [الله] عرشه من نوره و جعله علی الماء ... و ذلك قوله: «وكان عرشه علی الماء ...»؛

از امام علی (ع) روایت شده است که فرمود: ... [خداوند] عرش خود را از نور خویش آفرید و آن را بر آب قرار داد ... و این است قول خدا که می فرماید: «وكان عرشه علی الماء ...».

176- خلقت عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 171 - 14، 17

14 - حضرت عیسی (ع)، مخلوق و مملوک خداست، نه خدا و فرزند خدا.

انما المسيح عیسی ابن مریم رسول الله و کلمته

برخی بر آنند که مراد از «کلمه الله» همان کلمه «کن» است که خداوند با آن مخلوقات را ایجاد می کند و از جمله با این کلمه، حضرت مسیح (ع) را ایجاد کرد.

17 - حضرت عیسی (ع)، نفخه الهی است که در حضرت مریم دمیده شد. *

انما المسيح عیسی ابن مریم رسول الله و کلمته القها الی مریم و روح منه

کلمه «روح» عطف بر «کلمته» است و به مقتضای عطف، «روح منه» می تواند به جمله «القها الی مریم» توصیف گردد؛ یعنی «... و روح منه القها الی مریم» و در این صورت - چنانچه برخی از مفسران گفته اند - «روح» به معنای نفخه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 17 - 13، 28

13 - مسیح (ع)، فاقد پدر

هو المسيح ابن مریم ... المسيح ابن مریم و امه

28 - خلقت ویژه حضرت مسیح (ع)، نباید موجب پیدایش شبهه الوهیت در مورد وی گردد.

لقد كفر الذين . . . يخلق ما يشاء

گویا جمله «یخلق ما يشاء»، در رد پندار کسانی است که به خاطر نحوه خاص آفرینش حضرت مسیح(ع)، قائل به الوهیت وی شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 60 - 6

6 - خداوند ، قادر به آفرینش انسان هایی فرشته صفت هم چون عیسی (ع) *

و لو نشاء ليجعلنا منكم ملئكة

گروهی از مفسران منظور از این آیه را، ایجاد انسان هایی فرشته صفت دانسته اند که در صدد رفع استبعاد مشرکان نسبت به

ص: 494

قدرت ویژه انسان هایی هم چون عیسی (ع) که می توانست مردگان را زنده کند و بیماران را شفا بخشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 61 - 3

3- آفرینش عیسی (ع) ، دلیلی بس روشن و آشکار بر امکان برپایی قیامت

و لَمَّا ضَرَبَ ابْنُ مَرْيَمَ . . . وَإِنَّهُ لَعَلِمَ لِّلسَّاعَةِ

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که مقصود از آیه شریفه این باشد که آفرینش شگفت عیسی (ع) به وسیله خداوند نشانگر قدرت و توانایی او بر برپایی قیامت است.

177- خلقت کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 81 - 2

2- آفرینش دام ها و کشتی ها ، از نشانه ها و دلایل قدرت و ربوبیت بی همتای خداوند

اللّٰهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْاَنْعَامَ . . . وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ . وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ

از مصادیق مورد نظر آیه شریفه برای آیات الهی، دام ها و کشتی ها (موضوع بحث آیه قبل) می باشد.

178- خلقت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 19 - 3

3- خداوند ، در زمین کوه های ثابت و استوار پدید آورد .

وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رُوسًا

«رواسی» (جمع راسیه) به معنای ثابت و استوار است و مراد از آن در این آیه، کوهها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 81 - 4

4- آفرینش کوه ها به گونه ای که قابل پناه گرفتن برای انسان باشد ، به قدرت خداست .

والله .. جعل لكم من الجبال أكنفاً

ص: 495

179- خلقت گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 28 - 1

1 - آفرینش انسان ، جنبندگان و دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) ، از نشانه های ربوبیت بی همتای خداوند

ألم تر أنّ الله... و من الناس و الدّوابّ و الأنعم

«أنعام» جمع «نعم» (شتر) می باشد؛ ولی این واژه در مجموع شتر، گاو و گوسفند نیز به کار می رود؛ چنان که در آیه شریفه به همین معنا استعمال شده است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 71 - 1

1 - شتر ، گاو و گوسفند ، مخلوق خدا و جلوه هایی از قدرت او

أولم یروا أنّا خلقنا لهم ممّا عملت أیدینا أنعمًا

«أنعام» به معنای شتر، گاو و گوسفند است و جمله «ممّا عملت أیدینا» کنایه از قدرت خدا می باشد. گفتنی است که آیه شریفه در مقام بیان جلوه های آن در طبیعت است.

180- خلقت گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 28 - 1

1 - آفرینش انسان ، جنبندگان و دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) ، از نشانه های ربوبیت بی همتای خداوند

ألم تر أنّ الله... و من الناس و الدّوابّ و الأنعم

«أنعام» جمع «نعم» (شتر) می باشد؛ ولی این واژه در مجموع شتر، گاو و گوسفند نیز به کار می رود؛ چنان که در آیه شریفه به همین معنا استعمال شده است (مفردات راغب).

181- خلقت ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - خورشید و ماه و ستارگان ، آفریده های خداوند و مقهور امر و اراده او

خلق السموت . . و الشمس و القمر و النجوم مسخرت بأمره

کلمه «الشمس» و ما بعد آن، عطف به «السموت» است.

ص: 496

182- خلقت ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 33 - 4

4- آفرینش شب و روز و خورشید و ماه ، نشانی از توحید ربوبی است .

و هو الذی خلق الیل .. کلّ فی فلک یسبحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 5 - 7

7 - آفرینش خورشید و ماه و متفاوت قرار داده شدن آن دو در درخشندگی ، جلوه های حکمت خدا و بر پایه حق و هدفی مشخص

هو الذی جعل الشمس ضیاء و القمر نوراً .. ما خلق الله ذلک إلا بالحق

«حق» در مقابل «باطل» (بیهوده) است ؛ یعنی ، خداوند ماه و خورشید را بیهوده و بی هدف نیافریده ، بلکه آفرینش آنها بر پایه حق و هدف خاصی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 61 - 10، 9، 7

7 - خداوند در آسمان ها ، ماه تابان را آفرید .

جعل فی السماء .. قمراً منیراً

9 - آفرینش ستارگان ، خورشید و ماه تابان ، جلوه ای از برکات و خیرات خداوند .

تبارک الذی جعل فی السماء بروجاً .. و قمراً منیراً

10 - آفرینش ستارگان ، خورشید و ماه تابان ، از نشانه های قدرت خدا و یکتایی او

تبارک الذی جعل فی السماء بروجاً .. و قمراً منیراً

برداشت فوق ، از آن جا است که آیه شریفه در ردیف سلسله آیاتی قرار دارد که در مقام محکومیت شرک و اثبات توحید و یگانگی خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 13 - 10، 8، 6

6 - آفرینش جهان هستی چون انسان ، دریا ، خورشید و ماه ، از نشانه های خدای حقیقی (الله)

والله خلقکم من تراب .. ثم جعلکم أزواجًا ... و ما یتوی البحران ... و سخر ال

«ذلکم» اشاره به کسی است که اشیای ذکر شده را آفریده و صاحب خلق و جعل می باشد.

8 - آفرینش جهان (انسان ، دریا ، خورشید و ماه) ، جلوه ای از ربوبیت خدا است .

الله خلقکم من تراب .. و ما یتوی البحران ... و سخر الشمس و القمر ... ذلکم ال

10 - آفرینش انسان ، دریا ، خورشید و ماه ، جلوه ای از فرمانروایی مطلق خدا بر جهان هستی است .

والله خلقکم من تراب .. و ما یتوی البحران ... و سخر الشمس و القمر ... له ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 497

18 - آفرینش جهان (آسمان، زمین، خورشید، ماه و انسان) جلوه ربوبیت خدا است .

خلق السموت و الأرض ... خلقکم من نفس وحده ... ذلکم اللّٰه ربّکم

20 - آفرینش آسمان ها، زمین، خورشید، ماه و انسان، جلوه فرمانروایی مطلق خدا بر جهان هستی است .

خلق السموت و الأرض ... له الملك

183- خلقت مراتع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 4 - 3

3 - آفرینش چراگاه ها، از جلوه های ربوبیت خداوند است .

ربّک ... الذی أخرج المرعى

184- خلقت مرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 21 - 2

2 - زنان، همسان با مردان، خلق شده اند .

أن خلق لکم من أنفسکم أزوجًا

از قید «من أنفسکم» استفاده می شود که خلق زنان، همسان مردان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 6 - 4

4 - زنان چونان مردان، بی هیچ امتیاز و تبعیضی، دارای نفس و حقیقت واحد انسانی اند .

خلقکم من نفس وحده ثم جعل منها زوجها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - آفریش زن و مرد از جنس واحد ، لطف الهی نسبت به آدمیان

جعل لکم من أنفسکم أزواجًا

آیه شریفه در مقام امتنان و ذکر نعمت های الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 498

6- همگونی مرد و زن در اصل خلقت (نطفه)

وَأَنَّهُ خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ . من نطفه إذا تمنى

185- خلقت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 64 - 7

7- وجود ملائکه و مراحل مقدماتی پیدایش آنها و کارهایی که از آنان صادر می شود ، همه مملوک خداوند و در احاطه قدرت او است .

*

له ما بین ایدینا و ما خلفنا و ما بین ذلک

گفته شده است: «ما بین ایدینا» (آنچه پیش روی ما است) اشاره به آثار وجودی ملائکه و «ما خلفنا» (آنچه پشت سر نهاده و از آن گذشتیم) اشاره به عناصر اولیه و مقدمات پیدایش آنها و «ما بین ذلک» (آنچه هم اکنون وجود دارد) اشاره به هستی آنان دارد. این توجیه و تفسیر با نوع ملائکه - که زمان و مکان درباره آنان بی معنا است - تناسب دارد.

186- خلقت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 29 - 12

12 - آفرینش موجودات زمین و آسمان های هفتگانه ، دلیل توانایی خدا بر زنده کردن مردگان است .

ثم یحییکم ثم إلیه ترجعون. هو الذی خلق لکم ... فسویهن سبع سموت

جمله «هو الذی . . .» می تواند مرتبط با ذیل آیه قبل باشد و نیز می تواند با صدر آن آیه در ارتباط باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 117 - 9

9 - خداوند ، در ایجاد اشیا بی نیاز از استخدام وسایط است .

إذا قضى أمراً فإنما يقول له كن فيكون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 164 - 13

13 - خداوند احیاء کننده زمین ، ایجاد کننده موجودات زنده در آن و منتشر سازنده آنها در سراسر گیتی است .

فأحيا به الأرض . . . و بث فيها من كل دابة

ص: 499

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 12 - 9

9 - آفرینش موجودات در جهت برخورداری آنها از رحمت خداوند

قل لمن ما فی السموت و الأرض قل لله كتب على نفسه الرحمة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 14 - 11، 10

10 - ایجاد و استمرار بقای موجودات به دست خداوند است.

فاطر السموت و الأرض و هو يطعم

11 - آفرینش و تأمین نیازمندیهای موجودات، از شؤون ولایت مطلقه الهی است.

قل أغیر الله أتخذ ولیا فاطر السموت و الأرض و هو يطعم و لا یطعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 95 - 4

4 - پدید آمدن موجود زنده از دل مردگان و مرده از دل زندگان، قانونی مستمر در طبیعت است.

یخرج الحی من المیت و مخرج المیت من الحی

جمله «یخرج الحی»، که جمله ای است فعلیه و با فعل مضارع آغاز شده، دال بر استمرار و تجدید است. همچنین جمله دوم (مخرج المیت ...)، که به صورت اسمیه آمده، دال بر دوام و ثبوت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 31 - 10

10 - پیدایش مستمر و بیوقفه موجودات جاندار از پدیده های بی جان و موجودات بی جان از پدیده های جاندار، از نشانه های ربوبیت خدا

و من یرج الحی من المیت و یرج المیت من الحی .. فسیقولون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 7 - 11

11- آفرینش موجودات و تأمین نیازمندی های جسمی و روحی آنان ، دلیل بر توحید ربوبی و خالقیت خداوند است .

خلق السموت .. . تعالى عما يشركون ... خلق الإنسان ... والأنعم خلقها لكم ... إن

آوردن کلمه «ربّ» بعد از بیان آفرینش آسمانها و زمین و آفرینش انسان و حیوانات از سوی خداوند، بیانگر توحید ربوبی است؛ کما اینکه اسناد آفرینش همه موجودات به خود بیان توحید در خالقیت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 12 - 4

ص: 500

4- وجود یافتن پدیده ها در عالم غیبت ، به فعلیت رسیدن علم الهی است .

ثم بعثهم لنعلم آی الحزین

روشن است که خداوند، بر همه چیز آگاه است و ابعاد زمان و مکان، مانعی در برابر علم الهی نیست. بنابراین، «لنعلم» باید معنایی داشته باشد که با این اصل کلی و مسلم تنافی نداشته باشد. یکی از وجوه این است که مراد از «علم» در «لنعلم» فعلیت یافتن علم خداوند باشد؛ یعنی، آنچه خداوند به واقع شدن آن عالم است، واقع شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 39 - 3

3- خداوند ، هر چه بخواهد ، وجود خواهد یافت .

ما شاء الله

«ما» در «ما شاء الله» موصول و مبتدا است و خبر آن «كائن» یا چیزی نظیر آن است. معنای جمله، چنین است: «آنچه را خدا خواسته است خواهد شد.»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 35 - 11

11- هیچ فاصله ای بین فرمان الهی بر تحقق چیزی و محقق شدن آن وجود ندارد .

يقول له كن فيكون

عطف «يكون» به وسیله «فاء» بر نبودن هیچ فصلی بین تعلق اراده الهی و تحقق مورد اراده، دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 50 - 6،11

6 - وجود حساب و اندازه ، در آفرینش موجودات

أعطى كلّ شيء خلقه

11 - خلقت همه موجودات هستی و هدایت آنها ، برهان ربوبیت خدا است .

ربّنا الذى أعطى كلّ شيء خلقه ثمّ هدى

تفصیل کلام موسی (ع)، به برهانی منطقی و محکم بازگشت دارد که صورت آن آن چنین است: «اللّٰهُ رَبُّ لَأَنَّهُ خَالِقٌ وَ هَادٍ».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 19 - 6

6 - فرایند پیدایش مستمر موجودات و بازگشت آنان به حالت قبلی ، نمودی از قدرت خداوند است .

کیف یبدئ اللّٰهُ الخلق ثمّ یعیده

عطف «یعید» بر فعل «یبدئ» نشان می دهد که تمام موجودات، پس از خلق شدن، باز به حالت سابق شان برمی گردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 20 - 3

ص: 501

3 - عرصه طبیعت ، مظهر قدرت نمایی خداوند در ایجاد پدیده ها است .

سیروا فی الأرض فانظروا کیف بدأ الخلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 27 - 1

1 - آفرینشِ نخستِ موجودات و بازگرداندن مجدد آنها ، تنها به دست خداوند است .

و هو الذی بیدؤا الخلق ثم یعیده

«خلق» حاصل مصدر و «ال» در آن، برای جنس است، بنابراین، دلالت بر همه پدیده ها می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 9 - 8

8 - احیای زمین مرده و فاقد حیات و پدید آوردن موجودات زنده در این کره ، دلیل قدرت خداوند بر احیای مجدد انسان ها در روز رستاخیز

والله الذی أرسل الريح .. فأحیننا به الأرض بعد موتها كذلك الشور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 81 - 10

10 - آفرینش انبوه پدیده های جهان و آگاهی همه جانبه از احوال آنها ، دلیل و شاهد توانایی خداوند بر احیای مجدد انسان ها در روز قیامت

أولیس الذی خلق السموت و الأرض بقدر علی أن یخلق مثلهم بلی و هو الخلق - ق العلیم

یادآوری آفرینش و علم گسترده خداوند، در پایان آیه و در شرایطی که آیه شریفه در مقام بیان توانایی خداوند بر احیای مجدد انسان ها است؛ می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 82 - 1، 2

1 - خداوند هر چیزی را اراده کند ، با گفتن « باش » و « به هستی درآ » ، آن را پدید می آورد .

إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ

2 - خداوند در آفرینش پدیده ها ، از هرگونه ابزار و وسایل و کمک و هم فکری ، بی نیاز است .

إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ

قصر در «إِنَّمَا أَمْرُهُ..» قصر اضافی است. این عبارت در مقابل عقیده منکران معاد ادا شده است؛ زیرا آنان تجدید حیات انسان ها از استخوان های پوسیده و پراکنده را، امری غیر ممکن می دانستند؛ چرا که بر این تصور بودند که جمع کردن استخوان های پوسیده و پراکنده و دمیدن حیات در آن، نیاز به ابزار، وسایل، کمک و هم فکری دیگران دارد و باید وقت و زمان بسیاری صرف شود و خداوند از انجام چنین کاری ناتوان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 502

1 - آفرینش آسمان ها و زمین و جانداران ، از نشانه های روشن خدا و قدرت او است .

و من ءایته خلق السموت و الأرض و ما بثّ فیهما من دابّه

7 - آفرینش آسمان ها ، زمین و موجودات زنده ، تنها بخشی از آیات الهی است .

و من ءایته

با توجه به معنای «من» - که برای تبعیض است - به دست می آید که جهان هستی سرشار از آیات خداوند است و آفرینش آسمان ها و زمین تنها بخشی از آنها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 49 - 5

5 - حاکمیت مطلق خداوند در جهان هستی ، پشتوانه اجرای مشیت وی در آفرینش موجودات

للّه ملک السموت و الأرض یخلق ما یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 12 - 3

3 - آفرینش انواع موجودات هستی ، نمودی از عزت و دانایی مطلق الهی است .

خلقهنّ العزیز العلیم . . . و الذی خلق الأزوج کلّها

«أزواج»، ممکن است به معنای «اصناف» باشد. ارتباط این آیه با دو آیه قبل، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 3 - 5

5 - آفرینش بهینه آسمان ها و زمین و سایر موجودات ، نمود عزت و حکمت الهی است .

من اللّه العزیز الحکیم . ما خلقنا السموت و الأرض و ما بینهما إلاّ بالحقّ

از ارتباط این آیه با ذیل آیه قبل (من اللّه العزیز الحکیم)، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 15 - 1

1- راه نیافتن عجز و خستگی در خداوند ، به خاطر آفرینش موجودات

أفَعِينَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ

از استفهام انکاری (أفَعِينَا بِالْخَلْقِ)، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 49 - 1

1 - خداوند ، اشیا را جفت (نر و ماده) آفریده است .

و من كلّ شيء خلقنا زوجين

ص: 503

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 50 - 2,4

2- بی نیازی خداوند به زمان ، برای خلق اشیاء

و ما أمرنا إلاّ وحده كلمح بالبصر

عبارت «كلمح بالبصر» (مانند چشم به هم زدن) ظاهراً اشاره به سرعت تحقق «امر» دارد؛ یعنی، به گونه ای است که میان فرمان و تحقق شیء هیچ فاصله ای نیست.

4- تحقق آفرینش اشیا و تقدیر و تنظیم آنها ، با صدور یک فرمان از جانب خداوند و بی نیاز از بازنگری *

إنّا كلّ شیء خلقناه بقدر . و ما أمرنا إلاّ وحده كلمح بالبصر

عبارت «و ما أمرنا» می تواند نظر به آیه قبل داشته باشد؛ یعنی، خلقت و اندازه گیری در دو مرحله صورت نمی گیرد؛ بلکه با یک فرمان هم آفرینش است و هم تقدیر و در این آفرینش و تقدیر تجدید نظر صورت نمی گیرد.

187- خلقت موجودات سایه دار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 48 - 7

7- پدید آمدن اجسام سایه دار و گردش آن سایه ها ، به دست خداوند است .

أو لم یروا إلی ما خلق الله من شیء یتفیؤا ظلله عن الیمین و الشمال

188- خلقت موجودات ظریف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 103 - 12

12 - عن أبی الحسن (ع) فی حدیث: .. انما قلنا اللطیف للخلق اللطیف و لعلمه بالشیء اللطیف او لا تری إلی اثر صنعه فی النبات اللطیف ... و من حیوان الصغار ... و ما هو اصغر منها ما لا یکاد تستبینه العیون

از ابوالحسن (امام رضا یا امام هادی علیهما السلام) روایت شده است: .. اطلاق وصف «لطیف» بر خداوند به سبب آن است که آفریننده اشیا بی لطیف است و به اشیا بی لطیف علم دارد. آیا نشانه آفرینش او را در گیاهان لطیف، حیوانات ریز و کوچکتر از آنها که به چشم نمی آید مشاهده نمی کنی ... ؟

189- خلقت نخستین آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 504

6- آسمان بسان خلقت نخستین خود، پس از در هم پیچیده شدن مجدداً شکل خواهد گرفت .

کما بدأنا أول خلق نعيده

برداشت برداشت یاد شده مبتنی بر این است که «نعیده» اشاره به آفرینش آسمان پس از در هم پیچیده شدن آن باشد و نه تمامی مخلوقات.

190- خلقت نخستین آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 104 - 5،7،10

5- خداوند، مخلوقات نابود شده در آستانه قیامت را، بسان آفرینش نخستین آنها باز خواهد آفرید .

کما بدأنا أول خلق نعيده

7- چگونگی پیدایش مجدد جهان، در آستانه برپایی قیامت، مانند آفرینش نخستین آن است .

کما بدأنا أول خلق نعيده

10- قدرت خداوند بر خلقت آغازین نظام آفرینش، نشانگر قدرت او بر آفرینش دوباره آن است .

یوم نطوی . . . إنا کنا فعلین

تشبیه «کما» می تواند برای اصل خلقت جهان و آفرینش مجدد آن باشد؛ یعنی، همان گونه که ما توانستیم جهان را در آغاز پدید آوریم، دوباره نیز می توانیم به وجود آوریم. گفتنی است جمله تأکیدی «إِنَّا كُنَّا فاعلین»، بیانگر این است که اصل آفریدن دوباره جهان، مورد انکار بوده و آیه شریفه در صدد بیان امکان آفرینش مجدد است.

191- خلقت نعمت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 29 - 11

11 - آفرینش آسمان های هفتگانه و مواهب زمین، آفرینشی عالمانه است .

هو الذی خلق . . . و هو بکل شیء علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 1 - 2

2 - آفرینش آسمانها و زمین و پدید آوردن نور و ظلمت به دست خداوند، دلیل اختصاص ستایش به اوست.

ص: 505

«الذى خلق»، صفت «الله» و بیان وجه اختصاص حمد به اوست و این تعلیق، که به گفته اهل ادب تعلیق حکم «الحمد لله» بر وصف «الذى خلق» است، بیانگر انحصار شایستگی ستایش به آفریننده هستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 5 - 5

5 - پیدایش مستمر روز و شب و نور و ظلمت ، از نشانه های قدرت مطلق و ربوبیت یگانه خداوند است .

یکوّر الیل علی النهار و یکوّر النهار علی الیل

193- دعوت به مطالعه خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 37 - 4

4 - فراخواندن خداوند ، به مطالعه درباره مبدأ و مراحل تکوین انسان

ألم یک نطفه من منی یمنی

194- دلایل خلقت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 1 - 15

15 - توانایی مطلق خداوند بر انجام هر کاری ، دلیل امکان آفرینش پدیده های نو و توسعه جهان طبیعت

یزید فی الخلق ما یشاء إنّ الله علی کلّ شیء قدير

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که جمله «إنّ الله علی کلّ شیء قدير»، تعلیل برای جمله «یزید فی الخلق ما یشاء» می باشد.

195- ذکر خلقت آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 9 - 5

5 - شگفت آور بودن انکار معاد و عالم آخرت ، با توجه به مخلوق خدا بودن آسمان و زمین

الذین لایؤمنون بالأخره . . . أفلم یروا إلی ما بین أیدیهم و ما خلفهم

استفهام در «أفلم» تعجیبی است و دلالت می کند بر این که کفر به آخرت و انکار معاد، با توجه به این که آسمان و زمین در

ص: 506

احاطه خدا قرار دارند، امر شگفت آوری است.

196- ذکر خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 28 - 3

3- قصه خلقت انسان از گلی بد بو، خشکیده و متغیر، شایسته یاد و یادآوری

و إذ قال ربك للملائكة إني خلق بشراً من صلصل من حمأ مسنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 71 - 3

3 - داستان آفرینش انسان و مجادله و گفتگوی فرشتگان با خداوند در این باره، شایان یاد و یادآوری است.

و إذ قال ربك للملائكة إني خلق بشراً

برداشت یاد شده بر این اساس مبتنی است که «إذ» متعلق به فعل مقدر همچون «أذكر» باشد.

197- ذکر خلقت انسان بر محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 28 - 4

4- ربوبیت خداوند، مقتضی بازگویی قصه خلقت انسان برای پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و إذ قال ربك للملائكة إني خلق بشراً من صلصل من حمأ مسنون

198- ذکر خلقت انسانها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تین - 95 - 7 - 4

4 - توجه به آفرینش نیکوی انسان ها و سقوط و انحراف برخی از آنان، دستاویزی برای تکذیب دین و کیفر های اخروی، باقی نمی گذارد

حرف «فاء» در «فما یكذبك» و نیز كلمه «بعد»، این آیه را بر آیات پیشین، تفریع کرده است؛ یعنی، آیا وجود کسانی که در «أحسن تقویم» بوده و خود را به «أسفل سافلین» سقوط داده اند؛ دلیل ضرورت دین برای پیشگیری از آن سقوط و ضرورت روز جزا، برای کیفر آن منحرفان نیست؟!

199- ذکر خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 9 - 5

5- شگفت آور بودن انکار معاد و عالم آخرت ، با توجه به مخلوق خدا بودن آسمان و زمین

الذین لایؤمنون بالأخره . . . أفلم یروا إلی ما بین یدیهم و ما خلفهم

استفهام در «أفلم» تعجیبی است و دلالت می کند بر این که کفر به آخرت و انکار معاد، با توجه به این که آسمان و زمین در احاطه خدا قرار دارند، امر شگفت آوری است.

200- ذکر عنصر خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 5 - 4، 1

1 - تحقیق درباره منشأ آفرینش انسان و توجه به عنصر اولیه جسم وی ، زمینه ساز باور به امکان احیای دوباره او است .

فلینظر الإنسن ممّ خلق

جمله «إنّه علی رجعه لقادر» - در آیات بعد - بیانگر آن است که آنچه از این آیه به بعد مطرح شده، آماده سازنده ذهن انسان برای باور به امکان معاد است.

4- لزوم تحقیق درباره منشأ آفرینش انسان و کشف عنصر اصلی در پیدایش جسم او

فلینظر الإنسن ممّ خلق

201- ذکر مبدأ خلقت انسانها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 39 - 4

4- توجه به مبدأ پیدایش بشر و سیر تکوین او ، راهنمای انسان ها به مسأله معاد

إنّا خلقنهم ممّا یعلمون

مطلب یاد شده، از یادآوری مسأله پیدایش بشر برای منکران قیامت استفاده می شود.

202- زمان خلقت آب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 508

4- پیش از آفرینش آسمان ها و زمین ، هستی منحصر به آب بود .

و کان عرشه علی الماء

«عرش» به معنای تخت پادشاه می باشد و در آیه، کنایه از سیطره و حکومت است و جمله «وکان عرشه علی الماء» به دلیل وجود «کان» به این معناست که: خداوند، آسمانها و زمین را آفرید در حالی که پیش از آن، بر آنها سیطره و حکومت داشت. این معنا می رساند که آب، پیش از آسمانها و زمین تشکیل دهنده هستی بوده است.

203- زمینه بینش پوچی خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 115 - 4

4 - انکار معاد ، مستلزم بیهوده شمردن آفرینش انسان

أَنتُمْ خَلَقْتُمْ عَبَثًا وَأَنْتُمْ عَلَيْنَا لَآتِرِجَعُونَ

204- زمینه خلقت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 7 - 10

10- آفرینش جهان و انسان و برآوردن نیاز های او ، مقتضای رأفت و رحمت پروردگار است .

خلق السموت ... تعلی عما یشرکون ... خلق الإنسن ... إن ربکم لرءوف رحیم

205- زمینه خلقت فرزند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 37 - 2

2 - تأثیر قرار گرفتن نطفه مرد (منی) در رحم زن ، در پیدایش و تکوین فرزند

ألم یک نطفه من منی یمنی

برداشت یاد شده را می توان از تعبیر «من منی یمنی» (از منی ریخته شده در رحم) استفاده کرد.

206- زمينه خلقت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 509

10 - ربوبیت خداوند ، مقتضی آفرینش موجودات و هدایت آفریده ها به کمال وجودی آنها است .

رَبَّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 80 - 7

7 - آمد و شد شب و روز و به وجود آمدن فصل های مختلف ، عامل پیدایش موجودات زنده و جریان مستمر مرگ و حیات در زمین

يَحْيَى وَيَمِيتُ وَلَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

ذکر «اختلاف شب و روز» پس از بیان مرگ و حیات می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

207- زمینه خلقت نیروهای آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 4 - 19

19 - علم و حکمت ازلی خداوند ، پشتوانه آفرینش قوای هستی و به کارگیری بهینه آن

وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا

تعبیر «وكان الله عليماً حكيماً» در پایان آیه شریفه، می رساند که فتح مؤمنان و انزال سکینه بر آنان و بهره گیری از جنود آسمان ها و زمین، در پرتو علم و حکمت ازلی صورت می گیرد؛ زیرا نفس تکوّن جنود و نیز بهره گیری از آنها در موارد مختلف، نیازمند علم و حکمت گسترده است.

208- زیبایی خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 3 - 5

5 - انسان ها ، از نظر ظاهر و باطن و صورت و سیرت ، زیبا و نیکو آفریده شده اند .

فأحسن صوركم

«صورت» عبارت است از هیئت هر شیئی که با آن، از دیگر اشیا جدا و ممتاز می گردد و شامل شکل ظاهری و هویت باطنی آن می شود

(اقتباس از مفردات راغب).

ص: 510

209- سختی خلقت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 57 - 1

1 - آفرینش مجموعه عالم (آسمان ها و زمین) ، در مقایسه با آفرینش انسان ها بزرگ تر و آفریدن آن سخت تر و مهم تر است .

لخلق السموت والأرض أكبر من خلق الناس

مقصود از «أكبر»، با عظمت تر، سخت تر و مهم تر بودن است.

210- سختی خلقت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 11 - 4

4 - آفرینش جهانی سخت تر از آفرینش انسان ، (آسمان ها ، زمین و فرشتگان) گواه قدرت خداوند بر آفرینش مجدد انسان ها در قیامت و آسان و ممکن بودن آن برای او است .

فاستفتهم أهم أشدّ خلقاً أم من خلقنا

برداشت یاد شده از آن جا است که روی سخن آیه شریفه مشرکان اند؛ آنان که منکر معاد بوده و آفرینش مجدد انسان ها را از خاک، امری بعید و بسیار سخت و ناممکن می شمردند و «أءذا میتنا و کنا ترابا و عظاما أءنا لمبعوثون»، (آیه 16 همین سوره).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 57 - 1

1 - آفرینش مجموعه عالم (آسمان ها و زمین) ، در مقایسه با آفرینش انسان ها بزرگ تر و آفریدن آن سخت تر و مهم تر است .

لخلق السموت والأرض أكبر من خلق الناس

مقصود از «أكبر»، با عظمت تر، سخت تر و مهم تر بودن است.

211- سختی خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 57 - 1

1 - آفرینش مجموعه عالم (آسمان ها و زمین) ، در مقایسه با آفرینش انسان ها بزرگ تر و آفریدن آن سخت تر و مهم تر است .

لخلق السموت والأرض أكبر من خلق الناس

مقصود از «أكبر»، با عظمت تر، سخت تر و مهم تر بودن است.

ص: 511

212- سوگند به خلقت آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 5 - 3

3 - سوگند خداوند ، به بنیان نهادن آسمان و آفرینش آن

و ما بنیها

حرف «ما» مصدری بوده و مفاد آیه شریفه، سوگند به «بناکردن آسمان» است. برخی «ما» را موصول دانسته اند؛ ولی یک نواختی سوگندها - که تمامی آنها سوگند به مخلوقات است - مؤید مصدری بودن آن است.

213- سهولت خلقت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 82 - 4

4 - آفرینش همه چیز برای خداوند ، امری سهل و آسان است .

إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ

برداشت یاد شده از آن جا است که آفرینش هر چیزی به صرف اراده کردن و خواستن خدا و بی هیچ ابزار و وسایلی، گویای این حقیقت است که آفریدن هر چیزی برای او، سهل و آسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 68 - 6

6 - آفرینش همه چیز برای خداوند ، امری سهل و آسان است .

فَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ

برداشت یاد شده، از آن جا است که آفرینش هر چیزی به صرف تقدیر و اراده آن و بی هیچ ابزار و کمکی، بیانگر این حقیقت است که برای خداوند متعال، آفریدن هر چیزی سهل و آسان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 50 - 3

3 - خلقت اشیاء و تحقق بخشیدن به آن ، امری سهل برای خداوند

إِنَّا كُلُّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ . وَ مَا أَمْرُنَا إِلَّا وَحْدَهُ كَلِمَةً بِالْبَصْرِ

برداشت یاد شده بر این احتمال است که عبارت «کلمه بالبصر» اشاره به سهولت داشته باشد.

214- شگفتی خلقت آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 512

3- آفرینش شگفت ، زیبا و متقن آسمان ، نشانی از قدرت خداوند بر احیای مجدد مردگان

ذلک رجع بعید . . . أفلم ينظروا إلى السماء فوقهم كيف بنینها

215- شگفتی خلقت از منی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 6 - 3

3 - آفرینش انسان از آب ، شگفت انگیز و نشانه قدرت خداوند بر معاد است .

علیها حافظ . . . خلق من ماء دافق

برداشت یاد شده، با توجه به ارتباط این آیه با جمله «إِنَّهٗ عَلِی رَجَعَه لِقَادِر» در آیات بعد است.

216- شگفتی خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 20 - 9

9 - پدید آمدن موجودی زنده به نام انسان از خاک مرده ، امری غیر منتظره و سزاوار تأمل است .

أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ

«إِذَا» ی فجاییه در آیه، می تواند حکایت از این حقیقت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 6 - 3

3 - آفرینش انسان از آب ، شگفت انگیز و نشانه قدرت خداوند بر معاد است .

علیها حافظ . . . خلق من ماء دافق

برداشت یاد شده، با توجه به ارتباط این آیه با جمله «إِنَّهٗ عَلِی رَجَعَه لِقَادِر» در آیات بعد است.

217- شگفتی خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 12 - 4

4 - زمین آفریده ای شگفت است و پیدایش شیار و رخنه در آن ، بر شگفتی اش افزوده است .

والأرض ذات الصدع

ص: 513

218- شگفتی خلقت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 17 - 4

4 - شیوه آفرینش شتر، شگفت آور و دارای زوایای درخور دقت و تحقیق است.

أفلا ينظرون إلى الإبل كيف خلقت

تکیه بر شناخت ویژگی های شتر، یا به جهت فایده های فراوان این حیوان برای مردم جزیره العرب است و یا این که شتر در بین حیوانات، کمالاتی بی نظیر دارد و می توان آیه شریفه را ناظر به هر دو نکته دانست.

219- شناخت مراحل خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 5 - 2

2 - شناخت مراحل آغازین خلقت انسان، زمینه ساز پی بردن به تحت مراقبت بودن وی و مایه شناخت قدرت خداوند بر ثبت کردار او است.

عليها حافظ . فلينظر الإنسن مم خلق

ارتباط دو آیه، با توجه به حرف «فاء» در «فلینظر»، بیانگر برداشت یاد شده است.

220- عبرت از خلقت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 36 - 4

4 - لجاجت و عناد، مانع درس آموزی کافران از آفرینش هستی

أم خلقوا السموت والأرض بل لا یوقنون

عبارت «بل لا یوقنون» بیانگر این نکته است که موضع گیری ناباورانه کافران درباره قرآن و پیامبر (صلی الله علیه و آله) برخاسته از یقین علمی آنان نیست؛ بلکه صرفاً از روی ستیزه جویی و لجبازی می باشد.

221- عبرت از خلقت جانداران

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

12 - نور - 24 - 45 - 8

ص: 514

8 - طبیعت (پیدایش انواع گوناگون جانداران از جسمی مایع و . . .) ، بستر مناسب برای عبرت آموزی و پندگیری

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ . وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ

جمله «و الله خلق...» عطف بر جمله «يقلب الله الليل...» است. این عطف می تواند به این مناسبت باشد که همان گونه که گردش و جابه جایی شب و روز مایه عبرت صاحبان بصیرت است آفرینش انواع جانداران نیز می تواند چنین تأثیری داشته باشد.

222- عبرت از خلقت روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 62 - 5

5- درس آموز بودن آفرینش شب و روز و نظم حاکم بر آن ، به تصمیم و اراده انسان برای درس آموختن بستگی دارد .

و هو الذی جعل الّیل والنهار خلفه لمن أراد أن یدّکر

آمدن فعل «أراد» در جمله «لمن أراد أن یدّکر» - که در این جمله به منزله قید است - می رساند که اراده و تصمیم انسان نقش اساسی در درس آموزی و عبرت گیری او دارد.

223- عبرت از خلقت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 62 - 5

5- درس آموز بودن آفرینش شب و روز و نظم حاکم بر آن ، به تصمیم و اراده انسان برای درس آموختن بستگی دارد .

و هو الذی جعل الّیل والنهار خلفه لمن أراد أن یدّکر

آمدن فعل «أراد» در جمله «لمن أراد أن یدّکر» - که در این جمله به منزله قید است - می رساند که اراده و تصمیم انسان نقش اساسی در درس آموزی و عبرت گیری او دارد.

224- عجز از خلقت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 4 - 4

4- ناتوانی بت ها و معبود های مشرکان ، از آفرینش موجودات زمینی و مشارکت در خلقت و تدبیر امور آسمان ها

ماذا خلقوا من الأرض أم لهم شرك في السموات

ص: 515

225- عظمت خلقت آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 27 - 1

1 - آسمان ، پدیده ای مقاوم تر از جسم انسان ها و آفرینش آن با عظمت تر از آفرینش آنها است .

ءأنتم أشد خلقاً أم السماء

استفهام در «ءأنتم» تقریری است و برای اعتراف گرفتن از مخاطب به کار می رود. «السماء» ممکن است اشاره به آسمان مشهود باشد و نیز ممکن است اسم جنس بوده و بر تمام آسمان ها قابل تطبیق باشد. «شدت»، به معنای صلابت و استحکام است. این وصف درباره جسم و غیر جسم به کار می رود. بنابراین تعبیر «أشد خلقاً» به معنای استحکام بیشتر در خلقت و یا دشوارتر بودن آفرینش [در نظر مخاطبان] است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 5 - 4

4 - ساختن آسمان ، کاری بزرگ و نشانه عظمت خداوند است .

و ما بنیها

تعبیر «و ما بناها» - سوگند به بانی باشد یا بنا - نشانگر عظمت هر دو است؛ زیرا عظمت هر یک، حاکی از عظمت دیگری است.

226- عظمت خلقت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 19 - 11

11- آفرینش آسمان ها و زمین دارای عظمتی بس فراتر از اعطای زندگی به انسان ها و میراندن آنان

ألم تر أن الله خلق السموات والأرض بالحقّ إن يشأ يذهبكم و يأت بخلق جدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 99 - 4

4- بی دقتی و جهل کافران به عظمت آفرینش آسمان ها و زمین ، زمینه ساز انکار حیات دوباره انسان از سوی آنان است .

أولم يروا أن الله الذي خلق السموت و الأرض قادر على أن يخلق مثلهم

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

15 - صافات - 37 - 11 - 3

3 - عظمت آفرینش آسمان ها ، زمین ، فرشتگان و دیگر موجودات آسمانی

أهم أشدّ خلقاً أم من خلقنا

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

ص: 516

1 - آفرینش مجموعه عالم (آسمان ها و زمین) ، در مقایسه با آفرینش انسان ها بزرگ تر و آفریدن آن سخت تر و مهم تر است .

لخلق السموت والأرض أكبر من خلق الناس

مقصود از «أكبر»، با عظمت تر، سخت تر و مهم تر بودن است.

227- عظمت خلقت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 11 - 2

2 - ناچیز بودن آفرینش انسان در مقایسه با آفرینش جهان (آسمان ها ، زمین و . . .)

فاستفتهم أهم أشدّ خلقاً أم من خلقنا

ضمیر جمع «هم» در «فاستفتهم» - به قرینه آیات پیشین - به کافران و مشرکان بازمی گردد و مقصود از «من خلقنا» آسمان ها، زمین، فرشتگان و دیگر موجودات آسمانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 57 - 1

1 - آفرینش مجموعه عالم (آسمان ها و زمین) ، در مقایسه با آفرینش انسان ها بزرگ تر و آفریدن آن سخت تر و مهم تر است .

لخلق السموت والأرض أكبر من خلق الناس

مقصود از «أكبر»، با عظمت تر، سخت تر و مهم تر بودن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 9 - 8

8 - جهان آفرینش ، جلوه ای از قدرت شکست ناپذیر و علم گسترده خداوند است .

خلقهنّ العزیز العلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- عظمت آفرینش آسمان ها و زمین ، نمایانگر قدرت مطلقه خداوند بر هر چیز ؛ علاوه بر قدرت او بر احیای مردگان

خلق السموت و الأرض . . . بلی إله علی کل شیء قدیر

از ارتباط بخش های این آیه، مطلب بالا استفاده می شود؛ زیرا در مرحله نخست از آفرینش آسمان ها و زمین، قدرت خداوند بر احیای مردگان استفاده شده است؛ ولی در مرحله بعد، نتیجه ای کلی تر (قدرت مطلقه الهی) مطرح گردیده است.

ص: 517

228- عظمت خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 75 - 5

5- آفرینش انسان ، آفرینشی بس مهم و با عظمت و مورد توجه ویژه خداوند

ما منعك أن تسجد لما خلقت بيدي

229- عظمت خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 19 - 11

11- آفرینش آسمان ها و زمین دارای عظمتی بس فراتر از اعطای زندگی به انسان ها و میراندن آنان

ألم تر أن الله خلق السموت و الأرض بالحقّ إن يشأ يذهبكم و يأت بخلق جديد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 99 - 4

4- بی دقتی و جهل کافران به عظمت آفرینش آسمان ها و زمین ، زمینه ساز انکار حیات دوباره انسان از سوی آنان است .

أولم يروا أن الله الذي خلق السموت و الأرض قادر على أن يخلق مثلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 11 - 3

3- عظمت آفرینش آسمان ها ، زمین ، فرشتگان و دیگر موجودات آسمانی

أهم أشدّ خلقاً أم من خلقنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 57 - 1

1 - آفرینش مجموعه عالم (آسمان ها و زمین) ، در مقایسه با آفرینش انسان ها بزرگ تر و آفریدن آن سخت تر و مهم تر است .

لخلق السموت و الأرض أكبر من خلق الناس

مقصود از «أكبر»، با عظمت تر، سخت تر و مهم تر بودن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 33 - 9

9- عظمت آفرینش آسمان ها و زمین ، نمایانگر قدرت مطلقه خداوند بر هر چیز ؛ علاوه بر قدرت او بر احیای مردگان

خلق السموت و الأرض . . . بلی إله علی کلّ شیء قدیر

از ارتباط بخش های این آیه، مطلب بالا استفاده می شود؛ زیرا در مرحله نخست از آفرینش آسمان ها و زمین، قدرت خداوند بر

ص: 518

احیای مردگان استفاده شده است؛ ولی در مرحله بعد، نتیجه ای کلی تر (قدرت مطلقه الهی) مطرح گردیده است.

230- عظمت خلقت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 3 - 4

4- آفرینش مرد و زن و جنس نر و ماده در دیگر مخلوقات، کاری بزرگ و نشانه عظمت خداوند است.

و ما خلق الذکر و الأُنثی

تعبیر «و ما خلق» - چه سوگند به خالق باشد و چه خلقت - بیانگر عظمت هر دو است؛ زیرا عظمت هر یک، حاکی از عظمت دیگری است.

231- عظمت خلقت مذکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 3 - 4

4- آفرینش مرد و زن و جنس نر و ماده در دیگر مخلوقات، کاری بزرگ و نشانه عظمت خداوند است.

و ما خلق الذکر و الأُنثی

تعبیر «و ما خلق» - چه سوگند به خالق باشد و چه خلقت - بیانگر عظمت هر دو است؛ زیرا عظمت هر یک، حاکی از عظمت دیگری است.

232- عظمت خلقت مرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 3 - 4

4- آفرینش مرد و زن و جنس نر و ماده در دیگر مخلوقات، کاری بزرگ و نشانه عظمت خداوند است.

و ما خلق الذکر و الأُنثی

تعبیر «و ما خلق» - چه سوگند به خالق باشد و چه خلقت - بیانگر عظمت هر دو است؛ زیرا عظمت هر یک، حاکی از عظمت دیگری است.

233- عظمت خلقت ملائکہ

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

ص: 519

3 - عظمت آفرینش آسمان ها ، زمین ، فرشتگان و دیگر موجودات آسمانی

أهم أشدّ خلقاً أم من خلقنا

234- عظمت خلقت موجودات آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - عظمت آفرینش آسمان ها ، زمین ، فرشتگان و دیگر موجودات آسمانی

أهم أشدّ خلقاً أم من خلقنا

235- عظمت خلقت مؤنث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - آفرینش مرد و زن و جنس نر و ماده در دیگر مخلوقات ، کاری بزرگ و نشانه عظمت خداوند است .

و ما خلق الذکر و الأنثی

تعبیر «و ما خلق» - چه سوگند به خالق باشد و چه خلقت - بیانگر عظمت هر دو است؛ زیرا عظمت هر یک، حاکی از عظمت دیگری است.

236- عنصر خلقت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - ابلیس، آفریده شده از آتشی خاص و آدم، آفریده شده از گلی مخصوص

خلقتنی من نار و خلقته من طین

نکره آمدن «نار» و «طین» حکایت از این دارد که آدم و ابلیس از گل و آتشی مخصوص آفریده شدند و چنانچه این معنا در نظر نبود، آن دو کلمه با «ال» جنس آورده می شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 61 - 10

10- حضرت آدم (ع)، از دو عنصر خاک و آب (گِل) آفریده شد.

ص: 520

«طین» در لغت به معنای «خاک آمیخته با آب (گل)» آمده است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 13 - 3

3 - آفرینش نسل آدم از نطفه پس از آفرینش خود وی از عصاره گل

و لقد خلقنا الإنسان من سلله من طین . ثم جعلنه نطفه فی قرار مکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 54 - 1

1 - آب ، خمیر مایه و عنصر نخستین آفرینش آدم (ع)

و هو الذی خلق من الماء بشراً

درباره کلمه «الماء» در آیه شریفه دو احتمال وجود دارد: 1- مقصود آب است که جزئی از ماده اولیه خلقت آدم می باشد. در این صورت مقصود از «بشراً» حضرت آدم خواهد بود. 2- مراد منی و نطفه است که در این صورت، مقصود از «بشراً» فرزندان آدم؛ یعنی، نوع انسان ها خواهد بود. برداشت برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 7 - 6

6 - آدم (ع) ، از گل آفریده شده است .

و بدأ خلق الإنسان من طین

با توجه به آیات قرآن و واقعیت تاریخی، مراد از «الإنسان» در آیه، آدم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 11 - 8

8 - آفرینش آدم (ع) از خاک و انسان از نطفه و در قالب زن و مرد ، از نشانه های قدرت خدا و یکتایی او است .

وَاللّٰهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تَرَابٍ ثُمَّ مِنْ نَظْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ اَزْوَاجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 76 - 3

3- ابلیس، آفریده شدنش از آتش و آفرینش آدم از گل را، دلیل برتری و مهتری خود بر آدم معرفی کرد.

قال أنا خیر منه خلقتنی من نار و خلقته من طین

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله «خلقتنی من نار..» در مقام تعلیل و تبیین برای جمله «أنا خیر منه» می باشد.

ص: 521

237- عنصر خلقت آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 11 - 2

2 - آسمان، پیش از سامان یافتن و شکل گیری به صورت توده هایی از دود بود.

ثم استوی إلى السماء و هی دخان

238- عنصر خلقت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 7 - 5

5- آب ماده اصلی برای آفرینش آسمان ها و زمین *

خلق السموات و الأرض فی سته أيام و كان عرشه علی الماء

برداشت فوق، مقتضای ارتباط میان دو جمله «خلق السموات . . .» و «كان عرشه علی الماء» است؛ یعنی، بیان این معنا که: پیش از آفرینش آسمانها و زمین، هستی منحصر به آب بود و خداوند بر آنها حاکمیت داشت، می تواند به این نکته اشاره داشته باشد که خداوند، آن آبهای پیشین یا قسمتی از آنها را به آسمان و زمین تبدیل کرد.

239- عنصر خلقت ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 12 - 12، 3

3 - ابلیس، آفریده شده از آتشی خاص و آدم، آفریده شده از گلی مخصوص

خلقتنی من نار و خلقته من طین

نکره آمدن «نار» و «طین» حکایت از این دارد که آدم و ابلیس از گل و آتشی مخصوص آفریده شدند و چنانچه این معنا در نظر نبود، آن دو کلمه با «ال» جنس آورده می شد.

12 - عن أبی عبدالله(ع): .. فإن أول من قاس إبلیس حین قال: « خلقتنی من نار و خلقته من طین» فقاس ما بین النار و الطین، و لو قاس نوریه آدم بنوریه النار عرف فضل ما بین النورین . . .

از امام صادق(ع) روایت شده است: .. اولین کسی که قیاس کرد ابلیس بود آنگاه که (خطاب به خداوند) گفت: «مرا از آتش آفریده ای و او (آدم) را از گل» و بین آتش و خاک قیاس کرد، اگر نورانیت آدم(ع) را با روشنایی آتش مقایسه کرده بود، تفاوت بین آن دو نور را در می یافت ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 61 - 8

8- ابلیس ، دارای خلقتی از غیر خاک

ص: 522

قال ءأسجد لمن خلقت طينًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

15 - ص - 38 - 76 - 3,4,9

3 - ابليس ، آفريده شدنش از آتش و آفرينش آدم از گل را ، دليل برتري و مهترى خود بر آدم معرفى كرد .

قال أنا خير منه خلقتني من نار و خلقته من طين

برداشت ياد شده از آن جا است كه جمله «خلقتني من نار. ..» در مقام تليل و تبين براي جمله «أنا خير منه» مى باشد.

4 - آتش ، مبدأ و عنصر اوليه خلقت ابليس

خلقتني من نار

9 - ابليس ، از عنصر و ماده اوليه خلقت خود و انسان آگاهى كامل داشت .

خلقتني من نار و خلقته من طين

240- عنصر خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

5 - اعراف - 7 - 12 - 12

12 - عن أبى عبدالله(ع): .. فإن أول من قاس إبليس حين قال: « خلقتني من نار و خلقته من طين» فقاس ما بين النار و الطين، و لو قاس

نوريه آدم بنوريه النار عرف فضل ما بين النورين

از امام صادق(ع) روايت شده است: .. اولين كسى كه قياس كرد ابليس بود آنگاه كه (خطاب به خداوند) گفت: «مرا از آتش آفريده اى و

او (آدم) را از گل» و بين آتش و خاك قياس كرد، اگر نورانيت آدم(ع) را با روشنايى آتش مقايسه كرده بود، تفاوت بين آن دو نور را در مى

يافت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

9 - حجر - 15 - 26 - 1,2

1- خداوند ، پديد آورنده انسان ها از گل خشكيده

و لقد خلقنا الإنسن من صلصل من حمأ مسنون

2- گل خشکیده، تیره رنگ، بد بو و متغیر، خمیر مایه اصلی آفرینش انسان

و لقد خلقنا الإنسان من صلصل من حمأ مسنون

«صلصال» در لغت به معنای صدای برخاسته از شیء خشک و «حمأ» گل سیاه و بد بو و «مسنون» به معنای متغیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 28 - 6

6- خداوند، انسان را از گلی خشکیده، سیاه، بد بو و متغیر آفریده است.

و إذ قال ربك للملائكة إني خلق بشراً من صلصل من حمأ مسنون

ص: 523

«صلصال» در لغت، به معنای صدای برخاسته از شیء خشک و «حماً» به معنای گِل سیاه و بد بو و «مسنون» به معنای متغیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 29 - 6، 2

2- خداوند، پس از پدید آوردن بدن انسان با اجزای متناسب از گِل خشکیده، در او روح دمید و او را حیات بخشید.

فإذا سوّيته و نفخت فيه من روحي

6- گِل بد بو، سیاه و خشکیده به انضمام روح الهی، آغاز پیدایش نخستین انسان

ینی خلق بشرًا من صلصل من حمًا مسنون . فإذا سوّيته و نفخت فيه من روحي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 33 - 7، 4، 2

2- ابلیس، از ماده اولیه خلقت انسان، آگاهی کامل داشت.

قال لم أكن لأسجد لبشر خلقته من صلصل من حمًا مسنون

4- ابلیس، با توجه به ماده اولیه خلقت انسان، او را شایسته مسجود شدن موجودی چون خود نمی دید.

قال لم أكن لأسجد لبشر خلقته من صلصل من حمًا مسنون

تعبیر «لم أكن لأسجد» به جای «لا أسجد» یا «لست أسجد»، می تواند بیانگر این نکته باشد که شیطان، مقام خود را برتر از آدم(ع) می دید.

7- خداوند، انسان را از گِلی خشکیده، سیاه، بد بو و متغیر آفریده است.

لبشر خلقته من صلصل من حمًا مسنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 5 - 7، 4، 5

4- توجه به پیدایش انسان و آفریده شدن وی از عناصری بی جان (خاک، نطفه، علقه و مضغه)، زداينده هر گونه تردید در امکان برپایی رستاخیز و قدرت خدا بر بخشیدن حیات دوباره به مردگان

يَأْتِيهَا النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَكُمْ . . . ثُمَّ مِنْ مَضْغَةٍ

5- خاک ، مبدأ نخستین آفرینش انسان

فإِنَّا خَلَقْنَكُمْ مِنْ تَرَابٍ

7- تحول خاک به نطفه ، تبدیل نطفه به علقه و تکامل علقه به مضغه ، روند آفرینش انسان

فإِنَّا خَلَقْنَكُمْ مِنْ تَرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عُلُقَةٍ ثُمَّ مِنْ مَضْغَةٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 6 - 6 - 4

4 - آفرینش انسان و انواع گیاهان از بستر خاک مرده و بی جان ، نمایشی است از قدرتمندی و توانایی خداوند بر احیای همه مردگان در روز رستاخیز .

ص: 524

فإنّا خلقناكم من تراب.. و ترى الأرض هامده... و أنّه يحيى الموتى

جمله «و أنّه يحيى..» عطف بر «أنّ الله هو الحقّ» و به تقدیر «و ذلك بأنّ الله يحيى الموتى» می باشد؛ یعنی، آن قدرت نمایی ها بدان سبب است که خداوند می تواند مردگان را زنده کند.

6 - آفرینش انسان و رویاندن انواع گیاهان از بستر خاک مرده و بی جان، نمودی از قدرت بی کران و نامحدود خداوند

و أنّه على كلّ شيء قدير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 7 - 6,8

6 - آفرینش انسان و انواع گیاهان از بستر خاک مرده و بی جان، یادآور رستاخیز و دلیلی گویا بر قطعی بودن برپایی آن.

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که «الساعة» به برپایی قیامت و «ذلک» در آیه قبل به خلقت انسان و ایجاد انواع گیاهان: إن كنتم فی ريب من البعث فإنّا خلقناكم من تراب.. فإذا أنزلنا عليها الماء اهتزت وربت» اشاره داشته باشد.

8 - خلقت انسان و رویش انواع گیاهان از خاک بی جان، نشانگر توانمندی خدا بر احیای مردگان در روز رستاخیز

فإنّا خلقناكم.. و ترى الأرض هامده... و أنّ الله يبعث من فی القبور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 12 - 2

2 - آفرینش نخستین انسان از عصاره گل (خاک آمیخته با آب)

و لقد خلقنا الإنسان

سیاق آیات مورد بحث، نشان می دهد که مراد از «انسان»، نوع انسان است که شامل «حضرت آدم» و غیر او می شود. بنابراین مقصود از «خلق» در این آیه، آفرینش ابتدایی آدم است که از «گل» آفریده شد. آیه بعد نیز، بیانگر آفرینش نسل آدم است که از نطفه آفریده شده و می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 13 - 3

3 - آفرینش نسل آدم از نطفه پس از آفرینش خود وی از عصاره گل

و لقد خلقنا الإنسان من سلله من طين . ثم جعلنه نطفه فى قرار مكين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

12 - فرقان - 25 - 54 - 2

2 - نطفه و منى ، خميرمايه و عنصر نخستين آفريش انسان

و هو الذى خلق من الماء بشراً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

14 - روم - 30 - 20 - 1,2,3,4,6

1 - از جمله آيات خداوند ، آفريدن انسان ها از خاك است .

ص: 525

و من آیته أن خلقکم من تراب

2- خداوند ، پدید آورنده انسان ها از خاک است .

خلقکم من تراب

3- خاک ، مبدأ پیدایش انسان ها است .

و من آیته أن خلقکم من تراب

4- پدید آمدن انسان های زنده از دل خاک مرده ، نمودی از پدید آوردن موجود جان دار از موجود بی جان به دست خداوند است .

يخرج الحي من الميت . . . و من آیته أن خلقکم من تراب

6- پدید آوردن موجودی زنده مانند انسان از دل خاک مرده ، از نشانه های توان مندی خداوند بر احیای مجدد انسان ها است .

و كذلك تخرجون . و من آیته أن خلقکم من تراب

از این آیه به بعد، چندین آیه، در صدد شمارش آیات الهی است. از میان آن آیات، ذکر مناسب ترین آیه با «و کذالک تخرجون» پس از آن، می تواند در ضمن بیان آیات الهی، اشاره به نکته فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 7 - 5,7,8

5- آغاز آفرینش انسان (آدم) ، از گِل است .

وبدا خلق الإنسن من طین

7- خلقت موجودی شگفت مانند انسان از گلی بی شکل و فاقد حیات ، نمود آفرینش نیکوی خدا است .

أحسن کلّ شیء خلقه و بدأ خلق الإنسن من طین

8- آفرینش انسان از گِل ، نشانه علم و تدبیر خدا است .

یدبّر الأمر . . . علم الغیب و الشّهده . . . و بدأ خلق الإنسن من طین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 9 - 8

8- انسان ، از دو عنصر (جسم و روح) است .

ثمَّ سوّيه و نفخ فيه من روحه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 11 - 2،8

2- خاک ، ماده و عنصر نخستین آفرینش انسان ها است .

والله خلقكم من تراب

8- آفرینش آدم (ع) از خاک و انسان از نطفه و در قالب زن و مرد ، از نشانه های قدرت خدا و یکتایی او است .

والله خلقكم من تراب ثمّ من نطفه ثمّ جعلكم أزواجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 526

6 - آفرینش آغازین انسان از گِل چسبنده بود .

إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ

«طین» به معنای «گِل» و «لازب» به معنای «چسبنده» است.

7 - آفرینش انسان از گِل چسبنده ، گواه برتری آفرینش جهان طبیعت بر آفرینش انسان و شاهد توانایی خدا بر احیای مجدد انسان ها از خاک است .

إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ

برداشت فوق از آن جا است که جمله «إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ» تعلیل است برای آنچه مورد استفتا و استفهام در جملات قبل بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 71 - 4

4 - گِل ، خمیرمایه آفرینش انسان

إِذْ قَالَ رَبِّكَ لِلْمَلٰئِكَةِ اِنِّيْ خَلَقْتُ بَشَرًا مِنْ طِينٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 76 - 5،9

5 - گِل ، مبدأ و عنصر اولیه خلقت انسان

خلقته من طین

9 - ابلیس ، از عنصر و ماده اولیه خلقت خود و انسان آگاهی کامل داشت .

خَلَقْتَنِيْ مِنْ نَّارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 67 - 2،4

2 - خاک ، مبدأ نخستین آفرینش انسان

خلقكم من تراب

4 - تحوّل خاك به نطفه تبدیل نطفه به علقه و تکامل آن ، روند آفرینش انسان

خلقكم من تراب ثم من نطفه ثم من علقه ثم يخرجكم طفلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 32 - 15

15 - خاك و عناصر آن ، ماده اصلی پیدایش انسان به اراده الهی

إذ أنشأكم من الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 527

3- پیدایش انسان از آبی اندک (نطفه) ، نمودی از قدرت و ربوبیت الهی

وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ . . . وَأَنَّهُ خَلَقَ . . . مِنْ نَظْفَةٍ

از ارتباط این آیه با آیه «وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ»، مطلب بالا قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 14 - 3،4،1

1 - انسان ، آفریده شده به اراده خداوند از گلی خشک همچون سفال

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ

«صلصال» به گل خشک و «فخّار» به سفال گفته می شود.

3- پیدایش موجودی شعورمند و صاحب اراده از گلی خشکیده (چون انسان) ، شایان تأمل و درس آموزی است .

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ

تذکر به مبدأ پیدایش انسان، ممکن است نظر به مطلب بالا داشته باشد؛ چه این که آیات سوره تماماً توحیدی است و در مقام نمایاندن ربوبیت یگانه حق می باشد.

4- آب و خاک ، دارای نقش عمده در شکل گیری وجود انسان

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که واژه «صلصال» گر چه به معنای گل خشکیده است؛ ولی به هرحال در آن آمیختگی خاک با آب مطرح است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 15 - 3

3- آفرینش انسان و جن ، دو موجود شعورمند ، از دو عنصر کاملاً متفاوت (خاک و آتش) ، نمود قدرت خداوند

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ . . . وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَّارِجٍ مِنْ نَارٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 16 - 1,2,3

1 - جلوه های ربوبیت الهی در آفرینش انسان از « خاک » و جن از « آتش » ، غیر قابل انکار و تکذیب ناپذیر است .

خلق الإنسن . . . و خلق الجنّ . . . فبأیّ ءالآء ربکما تکذبان

2 - تبدیل گلی خشکیده به موجودی چون « انسان » و شعله آتش به موجود زنده ای چون « جن » ، نمود ربوبیت یگانه خداوند

خلق الإنسن من صلصل کالفخار . . فبأیّ ءالآء ربکما تکذبان

3 - پیدایش خصلت های ویژه انسانی از مستی خاک و پیدایش موجود زنده دارای درک و شعورمندی چون جن از شعله آتش ، نعمت هایی شایان تأمل و قدرشناسی *

خلق الإنسن من صلصل . . فبأیّ ءالآء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 528

2 - انسان ، از عناصر زمینی آفریده شده است .

والله أنبتكم من الأرض

3 - خاک ، عنصر اصلی آفرینش آدم

والله أنبتكم من الأرض

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که مقصود از «أنبتكم» پیدایش اصل انسان ها (حضرت آدم(ع)) باشد. بر این اساس «الأرض» اشاره به عنصر خاکی آفرینش آدم خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 2 - 11، 4، 2، 1

1 - نطفه ، مبدأ پیدایش انسان

إنا خلقنا الإنسان من نطفه أمشاج

2 - آفرینش انسان از نطفه ، جلوه عظمت و قدرت خداوند

إنا خلقنا الإنسان من نطفه أمشاج

انتساب آفرینش انسان از نطفه به خداوند، با به کارگیری ضمیر متکلم مع الغیر، بیانگر مطلب یاد شده است.

4 - مبدأ پیدایش انسان ، آمیزه ای از نطفه مرد و زن است . *

من نطفه أمشاج

به گفته برخی از مفسران، مقصود از «أمشاج»، ممکن است اختلاط نطفه مرد و زن باشد.

11 - آفرینش انسان از نطفه ، دلیل قدرت خداوند بر آفرینش مجدد او در روز رستاخیز

هل أتى على الإنسان حين من الدهر لم يكن شيئاً مذكوراً . إنا خلقنا الإنسان من نطف

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است، موضوع آیه 5 این سوره تا پایان آن، درباره مسائل قیامت (مانند بهشت و جهنم و جایگاه کافران و خوبان و ..) است. ضمن آن که آیه پایانی سوره پیش - که درباره اثبات توانایی خداوند بر احیای مردگان بود - تأییدکننده همین مطلب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 20 - 4، 2

2- آفرینش انسان ها ، از مایعی پست و بی مقدار (نطفه)

ألم نخلقكم من ماء مهين

«مهین»، در معانی حقیر، ضعیف و قلیل به کار می رود (قاموس المحيط).

4- آفرینش انسان ها از مایعی پست و بی مقدار (نطفه) ، نشانه قدرت و عظمت خداوند

ألم نخلقكم من ماء مهين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 18 - 2

2- توجه به ماده اولیه خلقت انسان و سیر پیدایش وی ، مانع کفر به خداوند و قدرت او و زمینه ساز باور به معاد

ص: 529

قتل الإنسن ماأكفره . من أیّ شیء خلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 19 - 2,4

2 - انسان ها ، از نطفه آفریده شده اند .

من نطفه خلقه

4 - توجّه انسان به پیدایش او از نطفه ای ناچیز ، بازدارنده وی از کفرورزی به خداوند و قدرت او و مایه باور به معاد است .

ما أكفره . . . من نطفه خلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 6 - 1,2

1 - منی (نطفه مرد) ، عنصر اصلی در آفرینش جسم انسان

خلق من ماء دافق

«دَفَقَ الماء»؛ یعنی، آب به شدّت ریخت؛ این فعل به صورت لازم و متعدی استعمال می شود؛ برخی تنها متعدی بودن آن را پذیرفته و «دافق» را به معنای «مدفوق» یا «ذی دفق» معنا کرده اند(مصباح). آب جهنده گرچه می تواند بر منی مرد و تخمک زن تطبیق کند؛ زیرا هر دو از کیسه منی در مرد و تخمدان در زن بیرون می جهند؛ ولی انصراف عرفی آن به نطفه مرد است.

2 - جسم انسان ، از آبی آفریده شده است که از مرد و زن یکباره تخلیه شده و از ظرف خود بیرون می جهد .

ماء دافق

این احتمال وجود دارد که مراد از «ماء دافق»، نطفه مرد و تخمک زن - هر دو - باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 8 - 2

2 - آفرینش انسان از منی ، برهان قدرت خداوند بر معاد و تجدید حیات انسان است .

خلق من ماء . . . یخرج . . . إله علی رجعه لقادر

241- عنصر خلقت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 61 - 14

14- عناصر زمینی ، خمیرمایه خلقت انسان است .

هو أنشأكم من الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 55 - 1

ص: 530

1 - ماده خلقت انسان ها ، فراهم آمده از زمین و عناصر آن

جعل لكم الأرض .. منها خلقنكم

مرجع ضمیر در «منها» «الأرض» در آیات قبل است.

242- عنصر خلقت جانداران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 45 - 1,2,3,13

1 - خداوند ، [در آغاز] هر جاندار را از آب آفرید .

والله خلق كل دابة من ماء

به حیوانات و جانداران روی زمین - چه بزرگ و قابل رؤیت باشند و چه کوچک و غیر قابل دیدن - «دابه» گویند (لسان العرب).

2 - آب ، از عناصر نخستین پیدایش حیات حیوانی است .

والله خلق كل دابة من ماء

3 - خداوند ، موجودات جاندار را از انواع مایع های متناسب خود آفرید .

والله خلق كل دابة من ماء

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که تکثیر «ماء» برای تنويع باشد. بر این اساس معنای «ماء» انواع جسم مایع است و مقصود این

است که عنصر اولی و منشأ پیدایش حیات جانداران، از جسم مایع است و حیات هر جاندار از مایعی متناسب خود می باشد.

13 - آفرینش انواع جانداران از جسمی مایع ، جلوه ای از قدرت مطلق خداوند است .

والله خلق كل دابة من ماء .. يخلق الله ما يشاء إن الله على كل شيء قدير

243- عنصر خلقت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 27 - 1,7,8

1- خداوند ، جنیان را از آتش دارای باد های سوزان آفرید .

و الجانّ خلقنه من قبل من نار السموم

«سموم» در لغت به معنای باد سوزان است.

7- « عن النبي (صلى الله عليه وآله) قال: . . . هذه النار جزء من سبعين جزءاً من نار السموم التي خلق منها الجانّ و تلا هذه الآية: « و الجانّ خلقناه من قبل من نار السموم » ;

از رسول اکرم (صلى الله عليه وآله) روایت شده است که فرمود: این آتش (دنیا در حرارت و تأثیر) یک هفتادم از آتش سمومی است که جن از آن آفریده شده است و [رسول خدا (صلى الله عليه وآله)] این آیه را تلاوت فرمود: و الجانّ خلقناه من قبل من نار السموم».

ص: 531

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 15 - 3,4,1

1 - جن ، آفریده شده به اراده الهی ، از شعله های خالص و بدون دود آتش

و خلق الجنّ من مارج من نار

«مارج»، به معنای آتش خالص بدون دود است (قاموس المحيط).

3 - آفرینش انسان و جن ، دو موجود شعورمند ، از دو عنصر کاملاً متفاوت (خاک و آتش) ، نمود قدرت خداوند

خلق الإنسن من .. و خلق الجنّ من مارج من نار

4 - « عن الحسين بن علي (ع) كان علي بن أبي طالب (ع) بالكوفة في الجامع إذ قام إليه رجل . . . و سأله عن اسم أبي الجنّ فقال :

شومان و هو الذي خلق من مارج من نار . . . » ;

از امام حسین (ع) روایت شده که حضرت علی (ع) در جامع کوفه بود که مردی برخاست [و در ضمن چند سؤال از آن حضرت] از پدر

جن سؤال کرد؛ حضرت فرمود: پدر جن «شومان» نام داشت [و فرمود:] هو الذي خلق من مارج من نار. . .».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 16 - 2,3,1

1 - جلوه های ربوبیت الهی در آفرینش انسان از « خاک » و جن از « آتش » ، غیر قابل انکار و تکذیب ناپذیر است .

خلق الإنسن . . . و خلق الجنّ ... فبأىء الآء ربكما تكذبان

2 - تبدیل گلی خشکیده به موجودی چون « انسان » و شعله آتش به موجود زنده ای چون « جن » ، نمود ربوبیت یگانه خداوند

خلق الإنسن من صلصل كالفخار. . . فبأىء الآء ربكما تكذبان

3 - پیدایش خصلت های ویژه انسانی از مستی خاک و پیدایش موجود زنده دارای درک و شعورمندی چون جن از شعله آتش ، نعمت

هایی شایان تأمل و قدرشناسی *

خلق الإنسن من صلصل . . . فبأىء الآء ربكما تكذبان

244- عنصر خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- آب ماده اصلی برای آفرینش آسمان ها و زمین *

خلق السموت و الأرض فی سته آیام و کان عرشه علی الماء

برداشت فوق، مقتضای ارتباط میان دو جمله «خلق السموات . . .» و «کان عرشه علی الماء» است؛ یعنی، بیان این معنا که: پیش از آفرینش آسمانها و زمین، هستی منحصر به آب بود و خداوند بر آنها حاکمیت داشت، می تواند به این نکته اشاره داشته باشد که خداوند، آن آبهای پیشین یا قسمتی از آنها را به آسمان و زمین تبدیل کرد.

ص: 532

245- عنصر خلقت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 21 - 3

3 - زنان و مردان ، از یک جنس آفریده شده اند .

آن خلقکم من تراب .. خلق لکم من أنفسکم أزوجًا

246- عنصر خلقت گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 6 - 4,6

4 - آفرینش انسان و انواع گیاهان از بستر خاک مرده و بی جان ، نمایشی است از قدرتمندی و توانایی خداوند بر احیای همه مردگان در روز رستاخیز .

فإنّا خلقناکم من تراب.. و تری الأرض هامده... و أنّه یحیی الموتی

جمله «و أنّه یحیی..» عطف بر «أنّ الله هو الحقّ» و به تقدیر «و ذلك بأنّ الله یحیی الموتی» می باشد؛ یعنی، آن قدرت نمایی ها بدان سبب است که خداوند می تواند مردگان را زنده کند.

6 - آفرینش انسان و رویاندن انواع گیاهان از بستر خاک مرده و بی جان ، نمودی از قدرت بی کران و نامحدود خداوند

و أنّه علی کلّ شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 7 - 6,8

6 - آفرینش انسان و انواع گیاهان از بستر خاک مرده و بی جان ، یادآور رستاخیز و دلیلی گویا بر قطعی بودن برپایی آن .

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که «الساعة» به برپایی قیامت و «ذلک» در آیه قبل به خلقت انسان و ایجاد انواع گیاهان: إن کنتم فی ریب من البعث فإنّا خلقناکم من تراب.. فإذا أنزلنا علیها الماء اهتزّت وربّت» اشاره داشته باشد.

8 - خلقت انسان و رویش انواع گیاهان از خاک بی جان ، نشانگر توانمندی خدا بر احیای مردگان در روز رستاخیز

فإنّا خلقناکم .. و تری الأرض هامده... و أنّ الله یبعث من فی القبور

247- عنصر خلقت مرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 21 - 3

3 - زنان و مردان ، از یک جنس آفریده شده اند .

أن خلقكم من تراب . . . خلق لكم من أنفسكم أزواجًا

ص: 533

248- عنصر خلقت همسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 21 - 1

1 - آفرینش همسران از جنسی همگون، از آیات الهی است .

و من ءایته ان خلق لکم من انفسکم أزواجًا

249- عیسی (ع) و خلقت پرنده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 110 - 40

40 - کافران بنی اسرائیل پس از مشاهده معجزات عیسی (ع)، وی را ساحری زبردست معرفی کردند .

فقال الذین کفروا منهم ان هذا الا سحر مبین

در برداشت فوق «هذا» اشاره به مسیح(ع) گرفته شده است، بر این مبنا اطلاق سحر به آن حضرت از باب مبالغه و حاکی از این است که کافران وی را ساحری زبردست می پنداشتند به گونه ای که گویا خود آن حضرت، سحر است.

250- غفلت از کیفیت خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 16 - 5

5 - سرزنش تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خداوند، به خاطر نیندیشیدن آنان در اهمیت آفرینش خود از خاک و آتش

خلق الإنسن من صلصل . . . فبأیّ ءالاء ربکما تکذبان

251- غفلت از کیفیت خلقت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 16 - 5

5 - سرزنش تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خداوند، به خاطر نیندیشیدن آنان در اهمیت آفرینش خود از خاک و آتش

خلق الإنسان من صلصل . . . فبأيّ ءالاء ربكما تكذبان

ص: 534

252- فلسفه خلقت آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 64 - 4

4 - خداوند ، آسمان را در جهت منافع انسان ها برافراشته ساخت .

اللّٰه الذی جعل لکم . . . و السماء بناء

«بناء»، در لغت معنایی دارد که شامل: ساختمان، خیمه، چادر و مانند این ها می شود: اطلاق «بناء» بر آسمان از باب تشبیه است؛ یعنی، «جعل لکم السماء کالبناء».

253- فلسفه خلقت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 7 - 9

9- پدید آمدن نیکوکارترین انسان ها (انسان های کامل) از هدف های آفرینش آسمان ها و زمین است .

خلق السموت و الأرض . . . لیلوکم ائکم أحسن عملاً

«لیلوکم» متعلق به «خلق السموات . . .» است و بیانگر هدف آفرینش می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 12 - 12

12 - آگاه شدن بشر به قدرت و علم همه جانبه خداوند ، از حکمت های آفرینش آسمان ها و زمین

اللّٰه الذی خلق سبع سموت . . . لتعلموا أنّ اللّٰه علی کلّ شیء قدير و أنّ اللّٰه قد

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که «لام» در جمله «لتعلموا . . .» تعلیل برای عبارت «خلق سبع سماوات» است و این جمله بیانگر علت و فلسفه آفرینش آسمان ها و زمین است.

254- فلسفه خلقت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 10 - 5

5- بهره‌وری انسان از موهبت‌های طبیعی، هدف اصلی از خلقت هستی

الذی جعل لکم الأرض مهذاً و جعل لکم فیها سبلاً

به کار رفتن کلمه «لکم» و تکرار آن، می‌تواند اشاره به این نکته داشته باشد که هدف از آفرینش نعمت‌ها به‌وسیله خداوند، بهره‌وری انسان از آنها است.

ص: 535

255- فلسفه خلقت اسب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 8 - 2

2- اسب، استر و الاغ به منظور سوار شدن، زینت بودن و تجمل آفریده شده است.

و الخیل و البغال و الحمیر لتركبوها و زینه

256- فلسفه خلقت استر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 8 - 2

2- اسب، استر و الاغ به منظور سوار شدن، زینت بودن و تجمل آفریده شده است.

و الخیل و البغال و الحمیر لتركبوها و زینه

257- فلسفه خلقت الاغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 8 - 2

2- اسب، استر و الاغ به منظور سوار شدن، زینت بودن و تجمل آفریده شده است.

و الخیل و البغال و الحمیر لتركبوها و زینه

258- فلسفه خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 21 - 10

10 - هدف از آفرینش انسان ها، نایل شدن آنان به مرتبه تقواست.

خلقکم... لعلکم تتقون

برداشت فوق بر این اساس است که: «لعلکم...» - علاوه بر تعلقش به «اعبدوا» - به «خلقکم» نیز باشد.

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

1 - بقرہ - 2 - 30 - 1,30

1 - خداوند بعد از آفرینش آسمان ها و مواهب زمین ، به خلقت انسان پرداخت ، تا او را به منصب خلافت برساند .

خلق لکم ما فی الأرض . . . واذ قال ربّک للملئکة انی جاعل فی الأرض خلیفه

ص: 536

با توجه به آیه 34 از همین سوره و آیات دیگری که درباره خلقت آدم (ع) است، می توان گفت: سخن خداوند با فرشتگان درباره آدم، قبل از خلقت وی بوده است. بنابراین «إني جاعل في الأرض خليفه» علاوه بر بیان خلافت آدم (ع) دلالت بر آفرینش او نیز دارد؛ یعنی: می خواهم [موجودی] بیافرینم و او را خلیفه قرار دهم.

30 - امیر المؤمنین (ع) فرمود: «... قالت الملائكة: سبحانك «أتجعل في ها من يفسد في ها و يفسك الدماء و نحن نسبح بحمدك و نقديس لك»... فاجعله مثا فانا لانفسد في الأرض و لانفسك الدماء. قال جلّ جلاله... «إني أعلم ما لاتعلمون» ائی ارید ان اخلق خلقاً بیدی اجعل ذریته انبیاء مرسلین و عباداً صالحین و ائمه مهتدین اجعلهم خلفائی فی ارضی...»

... ملائکه گفتند: پروردگارا منزهی تو «آیا قرار می دهی در زمین کسی را که فساد و خونریزی می کند و ما تسبیح و حمد تو را به جا می آوریم و تقدیست می کنیم». پس خلیفه را از ما قرار بده که ما نه در زمین فساد می کنیم و نه خونریزی می نماییم. خداوند جل جلاله فرمود: من چیزی را می دانم که شما نمی دانید؛ من اراده نموده ام که با دست خود خلقی را بیافرینم که از نسل او پیامبران مرسل، بندگان صالح و پیشوایان هدایت یافته به وجود آیند که آنان را جانشینان خود بر مخلوقاتم در زمین قرار بدهم».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 31 - 2

2 - توان یادگیری حقایق هستی ، حکمت آفرینش انسان و راز لیاقت او برای خلافت در زمین

إني جاعل في الأرض خليفه... و علم آدم الأسماء كلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 56 - 4

4 - رسیدن به مرتبه و منزلت شاکران ، از وظایف اساسی انسان و هدف از خلقت اوست .

ثم بعثنكم من بعد موتكم لعلكم تشكرون

به نظر می رسد سپاسگزاری - که به عنوان هدف از «بعثناکم» بیان شده - در برابر خصوص حیات دوباره نباشد، بلکه به عنوان هدف برای اصل حیات و زندگی مطرح باشد؛ یعنی، خداوند صاعقه زدگان بنی اسرائیل را حیات بخشید و هدف آن بود که در حیات دنیوی سپاسگزار باشند و به منزلت شاکران نایل شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 179 - 2

2 - خداوند بسیاری از انسان ها و جنیان را برای ورود به دوزخ آفرید .

و لقد ذرأنا لجهنم كثيراً من الجن و الإنس

«ذرأاً» (مصدر ذرأنا) به معنای آفریدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 78 - 10

10- هدف از آفرینش انسان و اعطای نعمت (قوای ادراکی و ...) به او، شناخت خداوند و شکر اوست .

و الله أخرجكم من بطون ... و جعل لكم السمع ... لعلكم تشكرون

ص: 537

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 7 - 14، 4

4- تحقیق یافتن بهترین عمل و برترین عامل ، فلسفه آفرینش انسان و موهبت های پیرامون او است .

إِنَّا جَعَلْنَا .. لِنَبْلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنَ عَمَلًا

عبارت «لنبلوهم..» در تبیین علت و فلسفه آفرینش موهبت های زمین، به ایجاد زمینه برای تحقیق یافتن دو شاخصه اشاره کرده است:

1- بهترین عمل کننده از بین افراد انسان؛ 2- بهترین عمل از بین عمل ها.

14- « عن علی بن الحسین (ع) : . . . انّ الله عزّوجلّ . . . انما خلق الدنيا و خلق أهلها ، لیبلوهم فیها ایهم أحسن عملاً لآخرته ؛

از امام سجّاد(ع) روایت شده که فرمود: .. همانا، خدای، عزّوجلّ، ... دنیا و اهل آن را، تنها، برای این آفرید تا آنان را در آن بیازماید که کدام شان برای آخرت اش بهتر عمل می کند».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 35 - 4

4- حکمت و فلسفه خلقت انسان ، امتحان و آزمایش او است .

كلّ نفس ذائقة الموت و نبلوكم بالشرّ و الخیر فتنه

از ارتباط دو جمله «كلّ...» و «نبلوكم...» استفاده می شود که جمله اخیر پاسخ سؤال مقدری است که: اگر مرگ سرنوشت همگان است، پس چرا انسان ها آفریده شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 115 - 3

3 - بینش غلط نسبت به هدف آفرینش (بازگشت به سوی خدا) ، ریشه انحرافات بشر و عامل دوزخی شدن وی

قالوا ربّنا غلبت علينا شقوتنا .. أفحسبتم أنّما ... لا ترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 64 - 4

4 - هدف آفرینش انسان ، محدود به زندگی دنیوی وی نیست .

يبدؤا الخلق ثم يعيده

اعاده حیات می رساند که هدف از آفرینش، در همین زندگی زودگذر دنیایی تکمیل نمی شود و گرنه نیازی به اعاده آن نبوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 67 - 19، 17

17 - تعقل و خردورزی، غایت و هدف معنوی آفرینش انسان ها است .

هو الذی خلقکم من تراب .. لعلکم تعقلون

19 - شناخت خردورزانه مبدأ و منت های آفرینش (خدا و معاد)، فلسفه خلقت انسان

هو الذی خلقکم من تراب .. لعلکم تعقلون

ص: 538

برداشت بالا به خاطر این نکته است که آیه شریفه، در صدد شناساندن خدا به عنوان مبدأ آفرینش انسان و مسأله معاد است که در آیه بعد از آن سخن به میان خواهد آمد (هو الذی یحیی و یمیت ..).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 35 - 6

6 - خلقت انسان بدون هیچ هدف ارزشمند، امری نامعقول است.

أم خلقوا من غیر شیء

برداشت یاد شده بدان احتمال است که واژه «شیء»، کنایه از غایت و هدف باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 47 - 3

3 - تحقق هدف الهی از آفرینش انسان، منوط به برپایی قیامت *

وأنه خلق .. و أن علیه النشأه الأخری

از متفرع شدن «علیه النشأه الأخری» بر «خلق الزوجین»، می توان نتیجه گرفت که خلقت دنیوی مرد و زن، به تنهایی کافی نیست و برای تحقق هدف الهی، در خلقت اخروی آنان ضروری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 3 - 3

3 - فلسفه خلقت انسان، نهفته در مقام رحمانیت خداوند

الرحمن .. خلق الإنسن

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که وصف «الرحمان» مشعر به علیت باشد؛ یعنی، چون خداوند دارای رحمت گسترده است، رحمت او مقتضی است که فیض از خلق دریغ ندارد و نعمت وجود بر اندام آنان بپوشاند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 2 - 6

6 - کفر انسان ها به خداوند، برخلاف مسیر و فلسفه خلقت انسان و جهان و شگفت انگیز است.

هو الذی خلقکم فمنکم کافر و منکم مؤمن

تقریب «فمنکم کافر» بر موضوع آفرینش انسان از سوی خداوند (هو الذی خلقکم) و یادآوری آفرینش حق مدارانه جهان در آیه بعد، می‌رساند که کفر انسان‌ها به آفریننده خود، امری شگفت‌انگیز و بیرون از مسیر خلقت و به دور از انتظار است؛ زیرا انتظار از مخلوق (انسان)، این است که آفریننده خود را انکار نکند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 2 - 10، 16، 23

10 - تکامل و تعالی و داشتن دستاوردی بهتر، فلسفه و هدف آغازین خلقت بشر و برخوردار شدن از جزا و پاداش اخروی (بهشت برین)، فلسفه و هدف نهایی آفرینش او است.

ص: 539

لیلوکم ائکم أحسن عملاً

به مقتضای جمله «لیلوکم ائکم أحسن عملاً»، هدف از خلقت انسان و تقدیر مرگ و حیات برای وی، تکامل و داشتن دستاوردی بهتر در دنیا است؛ ولی چون پاداش و جایزه اصلی آن را در جهان آخرت دریافت می کند، بنابراین می توان گفت: تکامل، هدف مرحله اولی خلقت بشر و بهشت برین، هدف مرحله نهایی آفرینش او است.

16 - تلاش برای تکامل و بهتر شدن، در راستای هدف و فلسفه خلقت بشر و گناه و کوتاهی او، بیرون از آن است.

لیلوکم ائکم أحسن عملاً

جمله «لیلوکم ائکم أحسن عملاً» می رساند که هر تلاشی برای تکامل و بهتر شدن، در جهت هدف خلقت بشر است. بنابراین، هر گناه و کوتاهی ای که از بشر سرزند، خارج از دایره هدف خلقت است.

23 - «عن الرضا (ع): ... و أمّا قوله: « لیلوکم ائکم أحسن عملاً » فإنه عزّوجلّ خلق خلقه لیلوهم بتکلیف طاعته و عبادته ، لا علی سبیل الإمتحان و التجربه لانه لم یزل علیماً بکلّ شیء ...» ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: ... اما سخن خداوند: (لیلوکم ائکم أحسن عملاً) پس خداوند عزّوجلّ مخلوقاتش را آفرید تا آنان را بهوسیله تکلیف نمودن به طاعت و عبادت خود، آزمایش کند؛ ولی این آزمودن، برای تجربه اندوزی و آگاهی یافتن نبود؛ زیرا خداوند همیشه به تمام اشیا عالم بوده است...»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 39 - 6

6 - مطالعه در مبدأ و مراحل پیدایش انسان، موجب راه یابی به هدف آفرینش آدمی و فلسفه زندگی او

أیحسب الإنسان أن یتَرَک سُدًی . ألم یک نطفه ... فخلق فسوی . فجعل منه الزوجین الذکر

بیان سیر تکوین انسان - پس از طرح موضوع بی هدف نبودن زندگی بشر - می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 2 - 8

8 - آفرینش انسان از سوی خداوند، حکیمانه و هدفمند و به دور از پوچی و بیهودگی است.

إنّا خلقنا الإنسان من نطفه . . . نبتلیه

تأکید خداوند بر آزمایش شدن انسان از آغاز خلقت وی، می تواند برای نفی توهم پوچی و بی هدف بودن آفرینش انسان ها باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 7 - 14

14- « عن الرضا (ع) قال : إن الله تبارك و تعالی . . . خلق السموات و الأرض فی ستة أيام . . . لیظهر للملائکه ما یخلقه منها شیئاً بعد شیء فیستدل بحدوث ما یحدث علی الله تعالی مرّه بعد مرّه . . . و أما قوله عزوجل : « لیبلوکم أیکم أحسن عملاً » فإنه خلقهم لیبلوهم بتکلیف طاعته و عبادته ، لا علی سبیل الإمتحان و التجربه لأنه لم یزل علیماً بکلّ شیء . . . » ;

از امام رضا(ع) روایت شده است که فرمود: همانا خدای تبارک و تعالی . . . آسمانها و زمین را در شش روز آفرید . . . تا آنچه را می

ص: 540

آفریند برای ملائکه یکی پس از دیگری آشکار کند، که به وسیله حدوث پدیده ها تازه به تازه بر وجود خدا استدلال شود ... و اما قول خدای عزوجل «لیبلوکم اَیْکم اَحصن عملاً»؛ یعنی، خدا انسانها را آفرید تا آنان را به وسیله تکلیف به طاعت و عبادت خود آزمایش کند. البته نه برای امتحان و کشف مجهول؛ زیرا از ازل به همه چیز آگاه بوده و هست ...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 119 - 4,11

4- هدف از خلقت انسانها، هدایت کردن ایشان به طریق حق و نزول رحمت بر آنان است .

إِلَّا مِنْ رَحْمِ رَبِّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ

مشارالیه «ذلک» رحمتی است که از جمله «رحم ربک» استفاده می شود.

11- «عن أبي بصير عن أبي عبد الله (ع) قال: سألته عن قول الله عزوجل: ... «إِلَّا مِنْ رَحْمِ رَبِّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ» قال: خلقهم ليفعلوا ما يستوجبوا به رحمته فيرحمهم»

ابوبصیر گوید: از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند «إِلَّا مِنْ رَحْمِ رَبِّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ» سؤال کردم، فرمود: آنان را آفرید تا کارهایی را انجام دهند که مستحق رحمت الهی شوند و در نتیجه خداوند ایشان را مورد رحمت قرار دهد».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 46 - 6

6 - حیات آخرت، حیات اصلی و هدف نهایی برای بشر است .

إِنَّا أَخْلَصْنَهُمْ بِخَالصِهِ ذِكْرِي الدار

از ستایش شدن پیامبران به آخرت اندیشی و دنیاگریزی، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 56 - 9,1

1 - هدف خداوند، از آفرینش جن و انس، رسیدن آنان به مرتبه عبودیت و معرفت او است .

و ما خلقت الجنّ و الإنس إلا ليعبدون

واژه «لِيعْبُدُونَ» - به دلالت التزامی - اشاره به حقیقت معرفت دارد؛ زیرا اصولاً عبودیت واقعی و ستایش حق، جز در پرتو معرفت تحقق نمی یابد.

9 - « عن أبي بصير قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن قوله عز وجل : « وما خلقت الجنّ و الإنس إلا ليعبدون » قال خلقهم ليأمرهم بالعبادة ;

ابی بصیر می گوید: از امام صادق (ع) درباره سخن خدای عزوجل: «و ما خلقت الجنّ و الإنس إلا ليعبدون» سؤال نمودم، فرمود: خداوند آنان را آفرید تا آنها را به عبادت فرمان دهد».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 10 - 5

5 - تردید جن پس از ممنوع شدن از استراق سمع آسمان ، در شناخت تقدیر الهی درباره اهل زمین و خیر و رشد بودن آفرینش آنها *

ص: 541

وَأَنَا لَأَنْدَرِي أَسْرَّ أُرِيدُ بَمَنْ فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبَّهُمْ رَشِدًا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که ممنوعیت جن از استراق سمع آسمان، ظرف زمان برای پیدایش این سؤال باشد که خداوند، برای چه منظوری اهل زمین را آفرید؛ نه این که به چه هدفی آنان از استراق سمع، ممنوع شدند؟

260- فلسفه خلقت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 56 - 9، 1

1 - هدف خداوند، از آفرینش جن و انس، رسیدن آنان به مرتبه عبودیت و معرفت او است.

و ما خلقت الجنّ و الإنس إلاّ ليعبدون

واژه «ليعبدون» - به دلالت التزامی - اشاره به حقیقت معرفت دارد؛ زیرا اصولاً عبودیت واقعی و ستایش حق، جز در پرتو معرفت تحقق نمی یابد.

9 - «عن أبي بصير قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن قوله عزّوجلّ : « و ما خلقت الجنّ و الإنس إلاّ ليعبدون » قال خلقهم ليأمرهم بالعبادة ;

ابی بصیر می گوید: از امام صادق (ع) درباره سخن خدای عزّوجلّ: «و ما خلقت الجنّ و الإنس إلاّ ليعبدون» سؤال نمودم، فرمود: خداوند آنان را آفرید تا آنها را به عبادت فرمان دهد».

261- فلسفه خلقت جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 179 - 2

2 - خداوند بسیاری از انسان ها و جنیان را برای ورود به دوزخ آفرید .

و لقد ذرأنا لجهنم كثيراً من الجنّ و الإنس

«ذرأاً» (مصدر ذرأنا) به معنای آفریدن است.

262- فلسفه خلقت چشمه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 35 - 2

2 - خداوند ، چشمه ساران را به منظور بهره بردن انسان ها از آثار و فواید آنها آفریده است .

وفجرنا فيها من العيون . ليأكلوا من ثمره

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که ضمیر در «ثمره» به «تفجیر»؛ یعنی، مصدر «فجرنا» بازگردد. گفتنی است

ص: 542

براساس این احتمال، معنای «ثمر» میوه نیست؛ بلکه به معنای آثار و فواید است؛ چنان که به فایده و سود حاصل از تجارت، ثمره تجارت گفته می شود.

263- فلسفه خلقت چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 5 - 2

2- آفرینش دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) به منظور بهره گیری انسان از آنهاست .

و الأنعم خلقها لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 7 - 7,8

7- آفرینش دام ها ، در جهت منافع و بهره‌وری انسان ، نشانه ای از رأفت و رحمت خداست .

و الأنعم خلقها لكم . . . و لكم فيها جمال ... و تحمل أثقالكم ... إن ربكم لرهوف ر

8- خداوند با آفرینش دام ها ، زمینه های آسایش و رفع مشقت های آدمیان را فراهم ساخته است .

و الأنعم خلقها لكم . . . و تحمل أثقالكم ... إن ربكم لرهوف رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 80 - 5

5- آفرینش دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) ، به گونه ای که از پوست آنها خانه و سرپناه سبک و قابل انتقال (برای عشایر و صحرانشین) ساخته شود ، به قدرت خداست .

و الله . . . جعل لكم من جلود الأنعم بيوتاً تستخفونها يوم ظعنكم و يوم إقامتكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 54 - 2

2- شتر ، گاو و گوسفند ، برای انسان و در خدمت او است .

كلوا وارعوا أنعمكم

به شتر، گاو و گوسفند «أنعام» گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 71 - 4

4 - بهره مندی انسان ها ، فلسفه و حکمت آفرینش شتر ، گاو و گوسفندان

أولم يروا أنا خلقنا لهم مما عملت أيدينا أنعمًا

گفتنی است از «لام» «لهم» (به کار رفته در معنای تعلیل) و نیز از این که آیه شریفه در مقام امتنان است، برداشت یاد شده به

ص: 543

دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 72 - 3,5

3 - خداوند برخی از دام ها (چون شتر و گاو) را برای سوار شدن و حمل و نقل آفریده است .

فمنها ركوبهم

«من» در «فمنها» برای تبعیض است؛ یعنی، برخی از انعام که مقصود از آن شتر و گاو است.

5 - خداوند ، شتر ، گاو و گوسفند را برای تغذیه انسان آفرید .

و منها یاكلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 6 - 8

8 - بهره مندی انسان ها ، فلسفه آفرینش دام ها (شتر ، گاو ، گوسفند و بز)

و أنزل لكم من الأنعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 79 - 1,4

1 - خداوند ، دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) را به خاطر منافع و مصالح انسان ها آفریده است .

اللّٰه الذی جعل لكم الأنعم

لام در «لكم» برای تعلیل است؛ یعنی، به خاطر شما، «أنعام» (جمع «نَعَم») در اصل به معنای شتر است؛ ولی گاهی برای مجموع «شتر، گاو و گوسفند» به کار می رود. برداشت یاد شده بر اساس همین احتمال است.

4 - خداوند ، برخی از دام ها (چون شتر) را برای سوار شدن و برخی دیگر (مانند گوسفند) را به منظور خوردن انسان ها آفریده است .

الأنعم لتركبوا منها و منها تأكلون

5 - خداوند حوا را آفرید تا آدم (ع) در کنار او آرامش یابد .

لیسکن الیها

ضمیر در «الیها» به «زوج . . .» و ضمیر در «لیسکن» به «نفس واحده» برمی گردد، ارجاع ضمیر مذکر به «نفس واحده» به اعتبار معنا و مقصود از آن (آدم) است.

ص: 544

265- فلسفه خلقت حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 65 - 1

1 - همه موجودات زمین (جمادات، نباتات و حیوانات) در خدمت انسان و مسخر و رام شده برای بهره برداری او

ألم تر أنّ الله سخر لكم ما فى الأرض

266- فلسفه خلقت خشکی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 22 - 2

2 - بستر خشکی ها و پهنه دریا ها، در خدمت بهره‌وری بشر، به عنایت و لطف خداوند

وعلیها وعلی الفلک تحملون

267- فلسفه خلقت درخت آتش زا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 73 - 3

3 - حکمت ایجاد درخت آتش زنه از سوی خداوند، یاد آوری قدرت الهی، تداعی کردن روز رستاخیز و بیرون آمدن انسان ها از قبر ها است.

نحن جعلناها تذکره

ضمیر «جعلناها» می تواند به «نار» و یا به «شجره» برگردد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال دوم است؛ یعنی، ما آن درخت را مایه تذکار قرار دادیم تا انسان ها با دیدن آن، به یاد قدرت خداوند بیفتند و پی ببرند کسی که از چوب آتش را بیرون می آورد، قادر است که مردگان را نیز بار دیگر از گورها بیرون آورد.

268- فلسفه خلقت دریا ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 22 - 2

2- بستر خشکی ها و پهنه دریا ها ، در خدمت بهره‌وری بشر ، به عنایت و لطف خداوند

و علیها و علی الفلک تحملون

ص: 545

269- فلسفه خلقت راه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 15 - 7، 5، 4

4- نهر های آب و راه های زمین ، برای استفاده انسان ها آفریده شده است .

وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ .. وَأَنْهَرًا وَسَبِيلًا لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

5- آفرینش نهر ها و راه های طبیعی ، علامتهایی است برای راهیابی آدمیان

أَنْهَرًا وَسَبِيلًا لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ . وَعِلْمَت

احتمال دارد مراد از «لعلکم تهتدون» به قرینه بیان منافع کوهها و نیز «علامات» در آیه بعدی، راهیابی باشد.

7- غرض از خلقت کوه ها ، نهر ها و راه ها هدایت انسان ها است .

وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوْسَى .. وَأَنْهَرًا وَسَبِيلًا لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

برداشت مذکور، بنابراین نکته است که مراد از «تهتدون» هدایت معنوی باشد.

270- فلسفه خلقت روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 67 - 3، 1

1 - خداوند ، شب و روز را به خاطر انسان برقرار کرد .

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا

3 - خداوند ، شب را به منظور آرمیدن و روز را با هدف تلاش و تأمین معاش انسان ، برقرار کرده است .

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا

به قرینه «مبصرًا» لفظ «مظلمًا»، بعد از «الَّيْل» ; و به قرینه «لتسكنوا فيه» جمله «لتعملوا فيه»، بعد از لفظ «مبصرًا» مقدر است ; یعنی: هو الذي جعل لكم الليل مظلمًا، لتسكنوا فيه والنهار مبصرًا لتعملوا فيه.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - تلاش جهت به دست آوردن توشه زندگی ، هدف الهی از برقرار کردن روز برای بندگان

جعل لکم . . . النهار . . . لتبتغوا من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 61 - 7، 10، 4

4 - خداوند ، روز را به منظور توانایی بشر بر دیدن و تلاش برای تأمین روزی آفریده است .

اللّٰه الذی جعل لکم . . . و النهار مبصرًا

ص: 546

در جمله «و النهار مبصراً» به قرینه آمدن «لتسکنوا» در جمله پیش - کلمه «لتبصروا فیه» محذوف است.

7- آفرینش شب و روز برای تأمین نیازهای بشر، جلوه ای از ربوبیت خداوند و نشانه توانایی او بر برپا کردن قیامت

إِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ .. اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا

آیه شریفه، در صدد اثبات و ارائه نشانه های درستی و راستی برپایی قیامت است که در دو آیه قبل، با صراحت به آن تأکید شده است.

10- آفرینش شب و روز در راستای تأمین نیازها و منافع بشر، جلوه ای از فضل و احسان خداوند به او است.

اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ .. إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ

271- فلسفه خلقت روزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- اعراف - 7 - 32 - 3

3- هدف از آفرینش زینتها و روزیها، استفاده بندگان خداوند از آنهاست.

زينة الله التي أخرج لعباده

272- فلسفه خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- اعراف - 7 - 56 - 2

2- خداوند زمین را بدون فساد آفرید و آن را برای زندگانی انسان ها جایگاهی شایسته قرار داد.

بعد إصلاحها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- هود - 11 - 7 - 9

9- پدید آمدن نیکوکارترین انسان ها (انسان های کامل) از هدف های آفرینش آسمان ها و زمین است.

خلق السموات والأرض .. لئیلوكم أیکم أحسن عملاً

«لئیلوكم» متعلق به «خلق السموات ..» است و بیانگر هدف آفرینش می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 10 - 1

1 - زمین ، سامان یافته از سوی خدای رحمان ، در جهت منافع انسان

و الأرض وضعها للأنام

واژه «أنام» در یکی از این معانی استعمال شده است: انسان یا جن و انس و یا همه موجودات روی زمین. در برداشت یاد شده

ص: 547

معنای اول انتخاب شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 12 - 12

12 - آگاه شدن بشر به قدرت و علم همه جانبه خداوند ، از حکمت های آفرینش آسمان ها و زمین

اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَوَاتٍ .. لتعلموا أنّ اللّٰه على كلّ شيء قدير و أنّ اللّٰه قد

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که «لام» در جمله «لتعلموا..» تعلیل برای عبارت «خلق سبع سماوات» است و این جمله بیانگر علت و فلسفه آفرینش آسمان ها و زمین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 15 - 6

6 - آفرینش زمین و بستر مناسب بودن آن برای حرکت و روزی انسان ها ، جلوه علم و آگاهی خداوند بر احوال نهان و آشکار انسان ها

إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ .. هو الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا ... و كلوا من رزقه

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه، درصدد تبیین چگونگی علم خداوند بر احوال و ضمیر انسان ها است که در دو آیه قبل، از آن سخن به میان آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 20 - 3

3 - آفرینش زمین به صورت گسترده و پهناور ، به منظور میسر شدن راه های گشاده و روشن برای بشر است .

و اللّٰهُ جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ بَسَاطًا . لتسلکوا منها سبیلًا فجاجًا

برداشت یاد شده، از لام «لتسلکوا» - که برای غایت و یا تعلیل است - استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 26 - 3,4

3 - آفرینش زمین ، برای حیات و مرگ انسان ها ، جلوه قدرت و عظمت الهی است .

ألم نجعل الأرض كفاتاً . أحياءً و أمواتاً

4 - « حمّاد بن عيسى عن أبي عبد الله (ع) أنه نظر إلى المقابر ، فقال : يا حمّاد هذه كفاتُ الأموات و نظر إلى البيوت فقال : هذه كفاتُ الأحياء ثم تلا [هذه الآية] « ألم نجعل الأرض كفاتاً . أحياءً و أمواتاً » ;

حمّاد بن عيسى از امام صادق (ع) روایت کرده که آن حضرت، نگاهی به قبرستان انداخت و فرمود: ای حمّاد! این کفاتِ مردگان است و نگاهی به خانه ها انداخت و فرمود: این کفاتِ زنده ها است. سپس این آیه را تلاوت فرمود: «ألم نجعل الأرض كفاتاً . أحياءً و أمواتاً».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 6 - 5

ص: 548

5- آفرینش زمین، نعمتی الهی برای انسان‌ها و در جهت منافع حیاتی آنان است.

ألم نجعل الأرض مهدياً

«مهد» و «مهاده»، به معنای مکانی است که مهده و مهیا باشد (مفردات راغب). بنابراین جمله «ألم نجعل...»، حاکی از این است که خداوند زمین را به گونه‌ای قرار داده است که برای ادامه حیات بشر آماده باشد.

273- فلسفه خلقت زینت‌ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- اعراف - 7 - 32 - 10، 3

3- هدف از آفرینش زینتها و روزیها، استفاده بندگان خداوند از آنهاست.

زينة الله التي أخرج لعباده

10 - استفاده مؤمنان از زینتها و نعمتها، مقصود اصلی از آفرینش آنهاست.

قل هي للذين ءامنوا في الحيوه الدنيا

ذکر نکردن «لغيرهم» پس از «للذين ءامنوا»، علی‌رغم مقصود بودن آن، برای رساندن این معناست که زینتها و طیبات بالإصالة برای مؤمنان آفریده شده است.

274- فلسفه خلقت ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 97 - 1

1 - خداوند ستارگان را برای راهیابی انسان در ظلمتهای دشت و دریا قرار داده است.

وهو الذي جعل لكم النجوم لتهتدوا بها في ظلمت البر والبحر

275- فلسفه خلقت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- یونس - 10 - 67 - 3، 1

1 - خداوند، شب و روز را به خاطر انسان برقرار کرد.

هو الذی جعل لکم الّیل لتسکنوا فیه و النهار مبصراً

3 - خداوند ، شب را به منظور آرمیدن و روز را با هدف تلاش و تأمین معاش انسان ، برقرار کرده است .

هو الذی جعل لکم الّیل لتسکنوا فیه و النهار مبصراً

به قرینه «مبصراً» لفظ «مظلماً»، بعد از «الّیل» ; و به قرینه «لتسکنوا فیه» جمله «لتعملوا فیه»، بعد از لفظ «مبصراً» مقدر

ص: 549

است؛ یعنی: هو الذی جعل لکم الّیل مظلماً، لتسکنوا فیہ و النهار مبصراً لتعملوا فیہ.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 73 - 3

3 - تأمین نیاز انسان (نیاز وی به آسایش، پس از تلاش های روزانه) هدف الهی از برقرار ساختن شب

جعل لکم الّیل... لتسکنوا فیہ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 61 - 10، 7، 1

1 - خداوند، شب را به منظور آرامش و آرمیدن انسان ها آفریده است.

اللّٰه الذی جعل لکم الّیل لتسکنوا فیہ

7 - آفرینش شب و روز برای تأمین نیاز های بشر، جلوه ای از ربوبیت خداوند و نشانه توانایی او بر برپا کردن قیامت

إنّ الساعه لأتیة... اللّٰه الذی جعل لکم الّیل لتسکنوا فیہ و النهار مبصراً

آیه شریفه، درصدد اثبات و ارائه نشانه های درستی و راستی برپایی قیامت است که در دو آیه قبل، با صراحت به آن تأکید شده است.

10 - آفرینش شب و روز در راستای تأمین نیاز ها و منافع بشر، جلوه ای از فضل و احسان خداوند به او است.

اللّٰه الذی جعل لکم الّیل... إنّ اللّٰه لذو فضل علی الناس

276 - فلسفه خلقت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 144 - 1

1 - خداوند شتر و گاو نر و ماده را برای بهره برداری انسان آفریده است.

و هو الذی أنشأ... و من الإبل اثین و من البقر اثین قلء الذکرین حرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 5 - 2

2- آفرینش دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) به منظور بهره گیری انسان از آنهاست .

والأنعم خلقها لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 54 - 2

2- شتر ، گاو و گوسفند ، برای انسان و در خدمت او است .

كلوا وارعوا أنعمكم

ص: 550

به شتر، گاو و گوسفند «أنعام» گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 72 - 3,5

3 - خداوند برخی از دام ها (چون شتر و گاو) را برای سوار شدن و حمل و نقل آفریده است .

فمنها ركوبهم

«من» در «فمنها» برای تبعیض است؛ یعنی، برخی از انعام که مقصود از آن شتر و گاو است.

5 - خداوند ، شتر ، گاو و گوسفند را برای تغذیه انسان آفرید .

و منها يأكلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 79 - 1,3

1 - خداوند ، دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) را به خاطر منافع و مصالح انسان ها آفریده است .

اللّٰه الذی جعل لکم الأنعم

لام در «لکم» برای تعلیل است؛ یعنی، به خاطر شما، «أنعام» (جمع «نَعَم») در اصل به معنای شتر است؛ ولی گاهی برای مجموع «شتر، گاو و گوسفند» به کار می رود. برداشت یاد شده بر اساس همین احتمال است.

3 - خداوند ، شتران را به خاطر منافع و مصالح انسان ها آفرید .

اللّٰه الذی جعل لکم الأنعم

جمله «و علیها و علی الفلک تحملون» در آیه بعد، قرینه است براین که مقصود از «أنعام» می تواند تنها شتران (معنای اصلی این واژه) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 80 - 2,3,4

2 - تأمین خواسته ها و نیاز های بشر در سیر و سفر خویش ، از حکمت های آفرینش شتران

و لتبلغوا عليها حاجة في صدوركم

3- سوار شدن و تأمین خواسته ها و نیاز های بشر در سیر و سفر خویش ، حکمت اصلی آفرینش شتران

لترکبوا منها . . . و لتبلغوا عليها حاجة في صدوركم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که لام تعلیل تنها بر سر «لترکبوا» و «لتبلغوا. . .» آمده است؛ نه برای منافع دیگر و حمل و نقل.

4- دست یابی به خواسته ها و مقاصد مهم بشر (چون هجرت ، جهاد ، کسب دانش و . . .) از حکمت های آفرینش شتران *

و لتبلغوا عليها حاجة في صدوركم

تنوین «حاجه» برای تفخیم است و مقید شدن حاجت به «فی صدورکم» (حاجتی که در دل دارید) نشانگر این نکته است که شتران افزون بر تأمین نیازهای مادی و خوراکی بشر، وسیله ای مناسب برای دست یابی بشر (به ویژه بشر آن روز) به مقاصد و منافع مهم (چون هجرت، جهاد، کسب دانش و . . .) می باشند.

ص: 551

277- فلسفه خلقت طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 20 - 5

5 - حکمت آمیز بودن آفرینش طبیعت

والله جعل لكم الأرض بساطاً . لتسلکوا منها سبلاً فجاجاً

278- فلسفه خلقت عوامل طبیعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 57 - 13

13 - پی بردن انسان ها به قدرت خداوند و توجه همواره به آن ، از اهداف آفرینش نیرو های طبیعی در هستی است .

هو الذی یرسل الريح . . . لعلکم تذکرون

در برداشت فوق «لعلکم . . .» غایت برای «یرسل الريح» و جمله های پس از آن گرفته شده است. یعنی از اهداف آفرینش این اسباب و مسببات تذکر یافتن انسانهاست. قابل ذکر است که «تذکر» به معنای دریافتن و پیوسته در ذهن داشتن است.

279- فلسفه خلقت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 19 - 9

9- وجود زمین های هموار و پدیداری کوه ها ، برای ثبات و استقرار زمین و رویش گیاهان و پدیده های معدنی ، از آیات الهی است .

والأرض مددنها وألقینا فیها روسی و أنبتنا فیها من کلّ شیء موزون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 15 - 7

7- غرض از خلقت کوه ها ، نهر ها و راه ها هدایت انسان ها است .

وألقي فی الأرض روسی . . . وأنهرًا وسبلاً لعلکم تهتدون

برداشت مذکور، بنابراین نکته است که مراد از «تهدتون» هدایت معنوی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 7 - 4

ص: 552

4 - میخکوب شدن کوه ها در زمین ، نشان قدرت خداوند و ضرورت معاد

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ .. أَلَمْ نَجْعَلْ ... وَ الْجِبَالَ أَوْتَادًا

بیان آفرینش کوه ها، در پاسخ آنان که درباره معاد پرسش هایی را مطرح کرده بودند؛ گویای آن است که اگر معاد نباشد، برای پدیده هایی همچون زمین و کوه های آن توجیهی نمی توان یافت.

280- فلسفه خلقت گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 144 - 1

1 - خداوند شتر و گاو نر و ماده را برای بهره برداری انسان آفریده است.

و هو الذى أنشأ .. و من الإبل اثنتين و من البقر اثنتين قل الذکرین حرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 5 - 2

2- آفرینش دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) به منظور بهره گیری انسان از آنهاست .

و الأنعم خلقها لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 54 - 2

2 - شتر ، گاو و گوسفند ، برای انسان و در خدمت او است .

كلوا وارعوا أنعمكم

به شتر ، گاو و گوسفند «انعام» گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 72 - 5، 3

3 - خداوند برخی از دام ها (چون شتر و گاو) را برای سوار شدن و حمل و نقل آفریده است .

«من» در «فمنها» برای تبعیض است؛ یعنی، برخی از انعام که مقصود از آن شتر و گاو است.

5- خداوند، شتر، گاو و گوسفند را برای تغذیه انسان آفرید.

و منها یاکلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 79 - 1

1 - خداوند، دامها (شتر، گاو و گوسفند) را به خاطر منافع و مصالح انسانها آفریده است.

ص: 553

اللّٰهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَنْعَامَ

لام در «لکم» برای تعلیل است؛ یعنی، به خاطر شما، «أنعام» (جمع «نعم») در اصل به معنای شتر است؛ ولی گاهی برای مجموع «شتر، گاو و گوسفند» به کار می رود. برداشت یاد شده بر اساس همین احتمال است.

281- فلسفه خلقت گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 5 - 2

2- آفرینش دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) به منظور بهره گیری انسان از آنهاست .

و الأنعم خلقها لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 54 - 2

2 - شتر ، گاو و گوسفند ، برای انسان و در خدمت او است .

كلوا وارعوا أنعمكم

به شتر ، گاو و گوسفند «أنعام» گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 72 - 5

5 - خداوند ، شتر ، گاو و گوسفند را برای تغذیه انسان آفرید .

و منها يأكلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 79 - 1

1 - خداوند ، دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) را به خاطر منافع و مصالح انسان ها آفریده است .

اللّٰهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَنْعَامَ

لام در «لکم» برای تعلیل است؛ یعنی، به خاطر شما، «أنعام» (جمع «نعم») در اصل به معنای شتر است؛ ولی گاهی برای مجموع «شتر، گاو و گوسفند» به کار می رود. برداشت یاد شده بر اساس همین احتمال است.

282- فلسفه خلقت گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 54 - 1

ص: 554

1 - تغذیه انسان و چریدن دام های او از گیاهان و روئیدنی های زمین ، از هدف های خلقت نباتات

أزوجًا من نبات .. كلوا و ارعوا أنعمكم

«رعی» به معنای چرانیدن است. «ارعوا أنعمکم»؛ یعنی، دام های خود را به چرا ببرید تا از نباتات رویانیده شده تغذیه نمایند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 65 - 1

1 - همه موجودات زمین (جمادات ، نباتات و حیوانات) در خدمت انسان و مسخر و رام شده برای بهره برداری او

ألم تر أن الله سخر لكم ما فى الأرض

283- فلسفه خلقت ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 189 - 2

2- ایجاد تقویمی طبیعی و میزانی برای سنجش زمان ، از اهداف آفرینش ماه و پیدایش آن به صورت های مختلف

قل هی موقیت للناس

«مواقیت» (جمع میقات) است و میقات به زمان یا مکانی گفته می شود که برای انجام فعل تعیین می گردد. (لسان العرب)

284- فلسفه خلقت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 30 - 21

21- همه موجودات هستی دارای رمز و رازند و اعتراض به وجود هر یک از آنها نشانه جهل به حکمت وجودی آنهاست .

أتجعل فیها من یفسد .. قال إنی أعلم ما لاتعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 65 - 1

1 - همه موجودات زمین (جمادات ، نباتات و حیوانات) در خدمت انسان و مسخر و رام شده برای بهره برداری او

ألم تر أن الله سخر لكم ما فى الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 46 - 16، 14

14 - پدیده های عالم آفرینش ، برای برآوردن منظور و هدفی ، آفریده شده اند .

أن يرسل الرياح مبشّرات و ليديقكم . . . و لتبتغوا من فضله

ص: 555

16 - شکر و سپاس‌گزاری از خداوند ، هدف آفرینش پدیده های طبیعی است .

و من آیته أن یرسل الریاح . . . ولعلکم تشکرون

285- فلسفه خلقت نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 29 - 2

2- خداوند ، مواهب زمین را برای انسان ها و در راستای منافع آنان آفرید .

هو الذی خلق لکم ما فی الأرض جمیعاً

برداشت فوق با استفاده از لام انتفاع در «لکم» به دست آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 172 - 3

3- بهره وری مؤمنان از روزی ها و نعمت های خداوند ، مقصود اصلی از اعطای آنها به انسانهاست . *

یأیها الذین ءامنوا کلوا من طیب ما رزقکم

قرآن در توصیه به اهل ایمان - مبنی بر بهره‌گیری از نعمتها - (کلوا من طیب ما رزقکم) تصریح کرده که خداوند آن نعمتها را روزی ایشان قرار داده است ولی در توصیه به عموم مردم در آیه 168 (کلوا مما فی الأرض) بیان نداشت که خداوند امکانات زمین را روزی همگان قرار داده است. از مقایسه میان این دو تعبیر و تفاوت یاد شده می توان به برداشت فوق دست یافت.

286- فلسفه خلقت نعمت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 32 - 10

10 - استفاده مؤمنان از زینتها و نعمتها، مقصود اصلی از آفرینش آنهاست.

قل هی للذین ءامنوا فی الحیوه الدنیا

ذکر نکردن «لغیرهم» پس از «للذین ءامنوا»، علی رغم مقصود بودن آن، برای رساندن این معناست که زینتها و طیبات بالإصالة برای مؤمنان آفریده شده است.

287- فلسفه خلقت نهرها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 15 - 7، 5، 4

ص: 556

4- نهر های آب و راه های زمین ، برای استفاده انسان ها آفریده شده است .

وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ . . . وَأَنْهَرًا وَسَبَلًا لِّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

5- آفرینش نهر ها و راه های طبیعی ، علامتهایی است برای راهیابی آدمیان

أَنْهَرًا وَسَبَلًا لِّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ . وَعِلْمَت

احتمال دارد مراد از «لعلکم تهتدون» به قرینه بیان منافع کوهها و نیز «علامات» در آیه بعدی، راهیابی باشد.

7- غرض از خلقت کوه ها ، نهر ها و راه ها هدایت انسان ها است .

وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوْسِي . . . وَأَنْهَرًا وَسَبَلًا لِّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

برداشت مذکور، بنابراین نکته است که مراد از «تهتدون» هدایت معنوی باشد.

288- قانونمندی خلقت آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 16 - 1

1- آفرینش آسمان و زمین و موجودات فضا (جهان هستی) ، بیهوده و بازیچه نیست ؛ بلکه جهت دار و هدفمند است .

و ما خلقنا السماء والأرض و ما بينهما لعبين

«لعب» به معنای کاری است بی فایده که مقصود صحیح و مصلحتی در آن نباشد. «لعبین» نیز حال برای ضمیر «خلقنا» است؛ یعنی، ما جهان را به قصد بازیچه و سرگرمی نیافریدیم.

289- قانونمندی خلقت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 38 - 1

1- آفرینش آسمان ها و زمین و موجودات هستی ، به دور از بازیگری و اهداف پوچ

و ما خلقنا السموت والأرض و ما بينهما لعبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- خلقت آسمان ها و کهکشان ها ، براساس دقیق ترین قوانین و به دور از کم ترین کاستی

إلى السماء... وزینّها... و ما لها من فوج

ص: 557

290- قانونمندی خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 55 - 8

8 - آفرینش انسان ، هدف دار و برنامه ریزی شده است .

منها خلقنکم . . . و منها نخرجکم تاره آخری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 23 - 2

2 - آفرینش انسان و تقدیر و حسابگری های دقیق در اندام وی از سوی خداوند ، ستایش برانگیز است .

الم نخلقکم من ماء مهین . . . فقدردنا فنعم القدرون

291- قانونمندی خلقت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 8 - 5

5 - آفرینش انسان و تداوم بخشی به نسل او در زمین ، دارای هدفی مشخص

الم نجعل الأرض مهذاً . . . و خلقنکم أزواجاً

292- قانونمندی خلقت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 5 - 1

1 - حاکمیت نظم ، قانون مندی و هدفداری بر زوایای وجودی خورشید و ماه

الشمس والقمر بحسبان

«حسبان» معادل «حساب» است. نکره آمدن آن، بیانگر انجام گرفتن محاسبه ای دقیق در آفرینش خورشید و ماه است.

293- قانونمندی خلقت زمین

1- آفرینش آسمان و زمین و موجودات فضا (جهان هستی) ، بیهوده و بازیچه نیست ؛ بلکه جهت دار و هدفمند است .

و ما خلقنا السماء والأرض و ما بینهما لعین

ص: 558

«لعب» به معنای کاری است بی فایده که مقصود صحیح و مصلحتی در آن نباشد. «لاعین» نیز حال برای ضمیر «خلقنا» است؛ یعنی، ما جهان را به قصد بازیچه و سرگرمی نیافریدیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 38 - 1

1- آفرینش آسمان ها و زمین و موجودات هستی ، به دور از بازیگری و اهداف پوچ

و ما خلقنا السموت و الأرض و ما بینهما لعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 6 - 2

2 - زمین ، آفریده ای هدف دار است .

ألم نجعل الأرض مهذاً

سخن از آفرینش زمین و ویژگی های آن - پس از تهدید منکران معاد - گویای آن است که توجه به آفرینش زمین، برای رفع شبهه از معاد کافی است؛ زیرا نمی شود برای این زمین غایت و هدفی مورد نظر نباشد.

294- قانونمندی خلقت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 7 - 3

3 - آفرینش کوه ها ، دارای غایت و هدف است .

و الجبال أوتاداً

295- قانونمندی خلقت ماه (قمر)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 5 - 1

1 - حاکمیت نظم ، قانون مندی و هدفداری بر زوایای وجودی خورشید و ماه

الشمس و القمر بحسبان

«حساب» معادل «حساب» است. نکره آمدن آن، بیانگر انجام گرفتن محاسبه ای دقیق در آفرینش خورشید و ماه است.

ص: 559

296- قانونمندی خلقت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 21 - 4

4- همه پدیده های عالم، از نظر وجود و هستی و چگونگی خلقت، محدود و متناهی و از پیش تعیین شده اند.

وإن من شيء إلا عندنا خزائنه وما ننزله إلا بقدر معلوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 56 - 2

2 - هدف مندی کار خداوند، در آفرینش موجودات

و ما خلقت... إلا ليعبدون

از این که خداوند، برای آفرینش جن و انس، هدفی را معین کرده، استفاده می شود که فعل الهی، هدفدار است؛ و گرنه بیان یک مورد دلیلی نداشت.

297- قانونمندی خلقت موجودات فضا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 16 - 1

1- آفرینش آسمان و زمین و موجودات فضا (جهان هستی)، بیهوده و بازیچه نیست؛ بلکه جهت دار و هدفمند است.

و ما خلقنا السماء والأرض و ما بينهما لعبین

«لعب» به معنای کاری است بی فایده که مقصود صحیح و مصلحتی در آن نباشد. «لأعبین» نیز حال برای ضمیر «خلقنا» است؛ یعنی، ما جهان را به قصد بازیچه و سرگرمی نیافریدیم.

298- کیفیت خلقت آدم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 75 - 9

9- «عن محمد بن عبیده قال: سألت الرضا (ع) عن قول الله عز وجل لإبليس: «ما منعك أن تسجد لما خلقت بيدى؟» قال: یعنی

بقدرتی و قوتی ؛

محمد بن عبیدہ می گوید: از امام رضا (ع) از سخن خداوند کہ خطاب بہ ابلیس فرموده: «ما منعک أن تسجد لما خلقت بیدي» سؤال کردم، امام فرمودند: یعنی او را با قدرت و قوت خود آفریدم».

ص: 560

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 172 - 1

1 - خداوند با گرفتن هر یک از انسان ها از صلب پدرانشان ، آنان را به صحنه وجود آورد .

و إذ أخذ ربك من بنی ءادم من ظهورهم ذریتهم

«ذریه» به معنای نسل است. «ظهر» (مفرد «ظهور») به معنای پشت است که از آن به صلب تعبیر می شود. ضمیر در «ظهورهم» به بنی آدم بر می گردد و «من ظهورهم» بدل برای «من بنی ءادم» است. أخذ نسل بنی آدم از صلب آنان به معنای آفرینش نسل آدمی از صلب پدرانشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 29 - 3,5

3- خلقت اولیه انسان ، به تدریج انجام گرفته است .

إني خلق بشرًا من صلصل من حمأ مسنون . فإذا سوّيته و نفخت فيه من روحي

5- خلقت بدن انسان ، مقدم بر روح اوست .

إني خلق بشرًا من صلصل من حمأ مسنون . فإذا سوّيته و نفخت فيه من روحي

برداشت فوق ، مبتنی بر این احتمال است که ذکر «نفخت» پس از ذکر تسویه بدن ، ممکن است اشاره به تقدم خلقت بدن بر روح داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 67 - 6

6- « عن مالک الجهنی قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله تعالى «أولاً يذكر الإنسان أنا خلقناه من قبل و لم یک شیئاً» . . . فقال : « لا مقدراً و لا مکوناً ؛

از مالک جهنی نقل شده که گفت: از امام صادق (ع) در باره سخن خدای تعالی «أولاً يذكر الإنسان أنا خلقناه من قبل و لم یک شیئاً» سؤال کردم، فرمود: [انسان] نه در تقدیر خلقت بود و نه به وجود آمده بود».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - پیدایش انسان در زمین ، دارای روند تکاملی بود و با پشت سر گذاشتن دورانی دراز ، به تدریج چهره انسانی یافت .

لم یکن شیئاً مذکوراً

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که مفاد جمله «لم یکن شیئاً مذکوراً» چنین باشد: انسان در برهه ای از زمان چیزی بود؛ ولی آن چیز هنوز قابلیت نام انسان را نداشت؛ بلکه به تدریج تکامل یافته و چهره انسانی پیدا کرد.

ص: 561

300- کیفیت خلقت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 117 - 7،8

7 - آفرینش هر موجود در گرو تقدیر خدا و فرمان او به تحقق آن است .

إذا قضی أمراً فإنما يقول له کن فیکون

8 - فرمان خدا بر پدید آمدن هر چیز ، کافی در تحقق یافتن آن است .

فإنما يقول له کن فیکون

حصر در جمله «إنما يقول . . .» گویای برداشت فوق است.

301- مبدأ خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 26 - 1

1 - همه انسانها، فرزندان آدم(ع) و او مبدأ تکوین تمامی آنان است.

بینی ءادم

چون مخاطب قرآن همه انسانها هستند و نه قشری خاص، معلوم می شود نسبت بین کلمه بنی آدم و مردمان نسبت تساوی است ; یعنی از نظر مصداق متحد هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 4 - 5

5 - خدا، مبدأ پیدایش انسان است .

إنه یدئوا الخلق

مصداق مورد نظر از «الخلق» به قرینه جمله «لیجزی الذین آمنوا . . .» انسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - خداوند ، انسان ها را از یک تن (آدم (ع)) آفرید .

خلقکم من نفس وحده

مفسران بر این دیدگاه اند که مقصود از «نفس واحده» آدم ابوالبشر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 23 - 2

2 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مأمور توجه دادن مردم به مبدأ پیدایش بشر و نعمت های نهفته در وجود او

قل هو الذی أنشاکم و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده

ص: 562

302- مبدأ خلقت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 24 - 2

2 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مأمور توجه دادن مردم به مبدأ پیدایش انسان ها و تکثیر نسل او

قل هو الذی ذرأکم فی الأرض

303- مبدأ خلقت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 39 - 3

3 - تساوی زن و مرد ، از جهت مبدأ پیدایش و مراحل تکوین *

أیحسب الإنسان . . . ألم یک نطفه من منی یمنی ... فجعل منه الزوجین الذکر والأُنثی

تذکر به این حقیقت که انسان از منی آفریده شده و از آن ماده، زوجین (مرد و زن) پدید آمده است، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

304- مبدأ خلقت مرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 39 - 3

3 - تساوی زن و مرد ، از جهت مبدأ پیدایش و مراحل تکوین *

أیحسب الإنسان . . . ألم یک نطفه من منی یمنی ... فجعل منه الزوجین الذکر والأُنثی

تذکر به این حقیقت که انسان از منی آفریده شده و از آن ماده، زوجین (مرد و زن) پدید آمده است، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

305- متفکران و خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 21 - 13

13 - آیه بودن آفرینش انسان از خاک ، برای متفکران ، قابل درک است .

و من ءآيته أن خلقكم من تراب . . . إنّ في ذلك لآيت لقوم يتفكّرون

ص: 563

306- مجادله درباره خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 71 - 2

2 - مجادله و گفتگوی فرشتگان با خدا، در ملاً اعلی درباره آفرینش انسان

بالملاً الأعلی إذ یختصمون . . . إذ قال ربك للملئکه ائی خلق بشرًا

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که «إذ» ظرف زمان ماضی بوده و متعلق به «إذ یختصمون» باشد.

307- مدت خلقت آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 4 - 2

2 - آفرینش آسمان ها و زمین و موجودات میان آن دو، در شش روز (شش مرحله و دوره) انجام گرفته است .

خلق . . . فی ستة أيام

308- مدت خلقت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 3 - 6

6 - آفرینش آسمان ها و زمین در مدتی برابر شش روز

الذی خلق السموت و الأرض فی ستة أيام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 7 - 2

2- آفرینش آسمان ها و زمین، تدریجی بوده و در شش روز (شش دوره) به انجام رسیده است .

خلق السموت و الأرض فی ستة أيام

مراد از «ایام» در آیه شریفه، معنای متعارف آن (روزها یا شبانه روزها) نیست؛ بلکه مقصود، دوره ها و مرحله هاست؛ زیرا روز به معنای

متعارف آن ، پس از خلقت زمین قابل فرض است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 59 - 3

ص: 564

3- آفرینش آسمان ها و زمین در مدتی برابر شش روز

الذی خلق السموت و الأرض و ما بینهما فی سته آیام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 4 - 3,4

3- خداوند ، آسمان ها و زمین را در شش روز آفرید

خلق السموت و الأرض فی سته آیام

4- آفرینش آسمان ها و زمین ، آفرینشی تدریجی بود و در شش مرحله انجام پذیرفت .

خلق السموت و الأرض فی سته آیام

واژه «یوم» (مفرد «آیام») در معنای برهه ای از زمان (کوتاه یا بلند) نیز به کار می رود. بر این اساس «سته آیام» (شش روز)، به معنای شش برهه بوده و بیانگر مطلب یاد شده است.

309- مدت خلقت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 8 - 5

5- خداوند ، عالم را در مدت زمانی معین آفریده است .

ما خلق الله السموت و الأرض .. إلا بالحقّ و أجل مسّی

«أجل مسّی» در این آیه، احتمال دارد متعلق به «خلق» و «با»ی محذوف در آن، به معنای «فی» باشد. در این صورت، مراد، آفریدن در مدت معینی است.

310- مدت خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 3 - 6

6- آفرینش آسمان ها و زمین در مدتی برابر شش روز

الذی خلق السموت و الأرض فی سته آیام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 7 - 2

2- آفرینش آسمان ها و زمین ، تدریجی بوده و در شش روز (شش دوره) به انجام رسیده است .

خلق السموت و الأرض فی ستة أيام

مراد از «ایام» در آیه شریفه ، معنای متعارف آن (روزها یا شبانه روزها) نیست؛ بلکه مقصود ، دوره ها و مرحله هاست؛ زیرا روز به

ص: 565

معنای متعارف آن ، پس از خلقت زمین قابل فرض است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 4 - 2

2- آفرینش آسمان ها و زمین و موجودات میان آن دو ، در شش روز (شش مرحله و دوره) انجام گرفته است .

خلق ... فی سته آیام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 9 - 4

4 - خداوند ، آفریننده زمین در دوروز

خلق الأرض فی یومین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 4 - 4،3

3 - خداوند ، آسمان ها و زمین را در شش روز آفرید

خلق السموت و الأرض فی سته آیام

4- آفرینش آسمان ها و زمین ، آفرینشی تدریجی بود و در شش مرحله انجام پذیرفت .

خلق السموت و الأرض فی سته آیام

واژه «یوم» (مفرد «آیام») در معنای برهه ای از زمان (کوتاه یا بلند) نیز به کار می رود. بر این اساس «سته آیام» (شش روز)، به معنای شش برهه بوده و بیانگر مطلب یاد شده است.

311- مدت خلقت موجودات فضا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 4 - 2

2- آفرینش آسمان ها و زمین و موجودات میان آن دو ، در شش روز (شش مرحله و دوره) انجام گرفته است .

خلق... فی سته آیام

312- مراحل خلقت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 72 - 2

2- دمیده شدن روح الهی در آدم ، پس از سامان یافتن و تکمیل شدن اندام او

ص: 566

فإذا سوّيته و نفخت فيه من روحي

313- مراحل خلقت آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 12 - 14، 2

2- شکل گیری آسمان های هفتگانه در دو روز (دو مرحله) ، به اراده خداوند بود .

فقضهنّ سبع سموت فی یومین

14 - توجه به آفرینش زمین و آسمان و مراحل آن ، عامل پی بردن انسان به قدرت و علم نامحدود خداوند

أنتکم لتکفرون بالذی خلق . . . ذلک تقدیر العزیز العلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 38 - 1

1 - آفرینش آسمان و زمین و موجودات هستی ، بهوسیله خداوند در شش مرحله

و لقد خلقنا السموت و الأرض و ما بینهما فی ستة آیام

مراد از «یوم» در آیه شریفه، معنای متعارف آن (روز یا شبانه روز) نیست؛ بلکه مقصود شش دوره و مرحله است؛ زیرا روز به معنای متعارف آن پس از آفرینش آسمان ها و زمین تحقق یافته است.

314- مراحل خلقت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 29 - 9

9- خلقت آسمان ها در دو مرحله : مرحله ای مختلط ، نامتمایز و نامتعادل ؛ و مرحله تفکیک شده ، متمایز و متعادل

ثم استوی إلى السماء فسوین سبع سموت

مفرد آوردن کلمه «السماء» در جمله «ثم استوی إلى السماء» و ارجاع ضمیر جمع به آن در جمله «فسواهن» می تواند اشاره به این معنا باشد که: آسمانها پیش از هفتگانه شدن و تمایز یافتن به گونه ای مختلط بوده که هم اطلاق آسمان (به صورت مفرد) و هم اطلاق آسمانها (به صورت جمع) بر آن صحیح بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 54 - 3

3 - آفرینش آسمان ها و زمین ، آفرینشی تدریجی ، در شش دوره و مرحله ، بوده است .

خلق السموت والأرض فی ستة أيام

مراد از «یوم» در آیه شریفه معنای متعارف آن (روز و یا شبانه روز) نیست، بلکه مقصود شش دوره و مرحله است. زیرا روز به

ص: 567

معنای متعارف آن، پس از آفرینش آسمانها و زمین تحقق یافته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 3 - 7

7 - آفرینش آسمان ها و زمین ، در شش مرحله

الذی خلق السموت و الأرض فی سته آیام

کلمه «یوم» به معنای مقداری از زمان به کار می رود - کوتاه باشد یا بلند - بنابراین می توان گفت: «سته آیام» به معنای شش دوره و مرحله است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 59 - 4

4 - آفرینش آسمان ها و زمین در شش دوره و مرحله بوده است .

الذی خلق السموت و الأرض و ما بینهما فی سته آیام

کلمه «یوم»، در معنای مقداری از زمان به کار می رود (کوتاه باشد یا بلند). بنابراین می توان گفت: «سته آیام» به معنای شش دوره و مرحله است.

315- مراحل خلقت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 30 - 6

6- لزوم نگرش به تحولات پدیده های جهان خلقت ، در راستای راه یابی به توحید

أولم یر الذین کفروا أنّ السموت .. ففتقنهما و جعلنا من الماء کلّ شیء حیّ أفلا ی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 4 - 2,4

2- آفرینش آسمان ها و زمین و موجودات میان آن دو ، در شش روز (شش مرحله و دوره) انجام گرفته است .

خلق . . . فی سته ايام

4- آفرینش جهان، به تدریج و در طی دوران هایی صورت گرفته است .

خلق السموت و الأرض و ما بینهما فی سته ايام

«ایام» جمع «یوم» است و یوم، به معنای «مقداری از زمان - از طلوع خورشید تا غروب آن -» و «مدتی از زمان» است (مفردات راغب). احتمال دارد مراد از «ایام» دوران ها و یا مراحل مختلف باشد. در این صورت، دلالت بر تدریجی خلق شدن عالم می کند.

ص: 568

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 11 - 15، 5

5 - وجود فاصله زمانی بین آفرینش مبداء انسانها و اعطای صورت انسانی به او

و لقد خلقنکم ثم صورنکم

15 - عن أبي جعفر (ع) فی قوله: «و لقد خلقنکم ثم صورنکم»: اما «خلقناکم» فنطفه ثم علقه ثم مضغه ثم عظاما ثم لحما، و اما «صورناکم» فالعين و الأنف و الأذنين و الفم و الیدین و الرجلین

از امام باقر (ع) درباره آیه «و لقد خلقناکم»، روایت شده است: مراد از «خلقناکم» مراحل مختلف آفرینش یعنی نطفه، خون بسته، آنگاه مضغه (چیزی شبیه گوشت جویده) و بعد استخوان و سپس گوشت است. و مراد از «صورناکم» شکل گرفتن با چشم، بینی، دو گوش، دهان، دست و پا می باشد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 37 - 6، 7

6- آفرینش آدمی از خاک و سپس نطفه و تکامل آن به صورت انسانی کامل، سیر پیدایش انسان است .

بالذی خلقک من تراب ثم من نطفه ثم سوّیک رجلاً

جمله «خلقک من تراب» یا نظر به این دارد که خداوند، حضرت آدم (ع) را از خاک آفرید - بنابراین، اصل همه انسان ها خاک است - و یا این که نطفه از غذاهایی تولید می شود که از خاک گرفته شده است.

7- سیر تکاملی آفرینش انسان، از حسیض خاک تا اندام کامل و کارای یک مرد (انسان)، زمینه ای برای توجه او به خداوند است .

أکفرت بالذی خلقک من تراب ثم من نطفه ثم سوّیک رجلاً

«تسویه» به معنای «تعدیل» است (تاج العروس) و «سوّاک رجلاً» یعنی تو را به صورت و حالت یک مرد معتدل ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 10 - 8

8- لزوم تصفیه درونی و اعتلای روحی پدر، هنگام انعقاد نطفه فرزند

قال رب اجعل لي آية قال آيتك ألا تكلم الناس ثلاث ليال سوياً

نشانه ای که زکریا درخواست کرد، اگر برای تشخیص زمان انعقاد نطفه بوده، چنین درخواستی می تواند نشانه حساسیت خاص مسأله باشد و آن حضرت برای مراعات مسائلی خاص و نیز آدابی لازم، زمان آن را خواهان گردید تا با تهیه و تدارک مقدمات روحی لازم، اقدام به انجام مرحله انعقاد نطفه نماید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 5 - 37، 15، 8، 7

7- تحول خاک به نطفه، تبدیل نطفه به علقه و تکامل علقه به مضغه، روند آفرینش انسان

فإننا خلقنكم من تراب ثم من نطفه ثم من علقه ثم من مضغه

8- وجود فاصله زمانی، میان تحول خاک به نطفه، نطفه به علقه و علقه به مضغه

ص: 569

فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تَرَابٍ ثُمَّ مِنْ نَظْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عِلْقَةٍ ثُمَّ مِنْ مَضْغَةٍ

با توجه به، به کارگیری «ثُمَّ» که برای بیان فاصله زمانی است - برداشت فوق به دست می آید.

9- مَضْغَةٍ ، مرحله شکل گیری و ظهور تدریجی اعضا و جوارح جنین در رحم مادر است .

ثُمَّ مِنْ مَضْغَةٍ مَخْلُوقَةٍ وَغَيْرِ مَخْلُوقَةٍ

و صفت برای «مَضْغَةٍ» است و «غیر مخلقه» نیز عطف بر «مخلقه» می باشد. «تخلیق» (مصدر «مخلقه») به معنای تصویر و شکل دادن است. توصیف «مَضْغَةٍ» به «مخلقه و غیر مخلقه» می رساند که جنین در این مرحله، مرتباً شکلی را می پذیرد و صورتی را از دست می دهد و این روند تا ظهور کامل اعضا و جوارح ادامه می یابد.

15- وجود فاصله زمانی میان پایان یافتن مراحل رشد جنین در رحم و فرارسیدن زمان زایمان

و نَقَرَّ فِي الْأَرْحَامِ .. إِلَى أَجَلٍ مَسْمُومٍ ثُمَّ نَخَّرَ جِئِمَّ

عطف «نخج» بر «نقرّ .. إلى أجل مسموم» به وسیله «ثُمَّ» که برای تراخی در زمان است - می رساند که جنین پس از این که مراحل رشد خود را در رحم به پایان رساند، باید مدتی دیگر در رحم بماند تا زمان زایمان فرا برسد.

37- « عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ : حَدَّثَنَا رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) . . . أَنْ أَحَدَكُمْ يَجْمَعُ خَلْقَهُ فِي بَطْنِ أُمِّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا نَظْفَةً ، ثُمَّ يَكُونُ عِلْقَةً مِثْلَ ذَلِكَ ، ثُمَّ يَكُونُ مَضْغَةً مِثْلَ ذَلِكَ ؛

عبدالله بن مسعود می گوید: رسول خدا(صلی الله علیه و آله) به ما فرمود: . . . آفرینش هر یک از شما در شکم مادر [بدین گونه] کامل می شود که چهل روز «نطفه» است؛ سپس به قدر همین مدت «علقه» است؛ سپس به قدر همین مدت «مضغه» است. .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 6 - 2

2 - آفرینش انسان از خاک ، رشد مرحله به مرحله او در رحم ، صعود تدریجی از طفولیت (مرحله ضعف جسمی و عقلی) به اوج جوانی و نزول تدریجی از اوج بتوانایی (جوانی) به حسیض ناتوانی (کهولت و پیری) ، جلوه های ربوبیت خدا و یگانگی او

فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تَرَابٍ .. لَكَيْلَا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا ... ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤنون - 23 - 14 - 5,6,3,2,1

1 - نطفه ، پس از استقرار در رحم ، تبدیل به علقه (خون بسته) می شود .

ثم جعلناه نطفه في قرار مكين . ثم خلقنا النطفه علقه

«خلق» (مصدر خلقنا) در اینجا به معنای تصییر (از حالی به حالی دیگر در آوردن) است. و بدین جهت متعدی به دو مفعول، به کار رفته است. «علقه» نیز به خون غلیظ و بسته گفته می شود.

2 - پس از آن که نطفه در رحم به صورت علقه (خون بسته) در آمد، علقه به تدریج از حالت خون بودن خارج می شود و به صورت مضغه (پاره گوشتی بدون استخوان) در می آید.

فخلقنا العلقه مضغه

«مضغه» به پاره گوشت بدون استخوان گفته می شود.

3 - علقه، در رحم به صورت مضغه در می آمد، سپس مضغه تدریجاً به صورت استخوان بندی بدن جنین، تغییر شکل می دهد.

فخلقنا المضغه عظاماً

«عظم» مفرد «عظام» و به معنای استخوان است.

ص: 570

4- پس از شکل گیری و استخوان بندی بدن جنین ، استخوان ها با رویش گوشت پوشیده می شوند .

فكسونا العظم لحمًا

«كسو» (مصدر «كسونا») به معنای پوشانیدن است.

5- پیدایش حقیقتی روحانی و غیر مادی ، پس از مرحله شکل گیری کامل جنین

فكسونا العظم لحمًا ثم أنشأه خلقًا آخر

«إنشاء» (مصدر «أنشأنا») به معنای پدید آوردن است؛ ولی چون در این جا به دو مفعول متعدی شده است، به معنای تصویر (از صورتی به صورتی دیگر در آوردن) می باشد. ضمیر «ه» در «أنشأناه» به مضمون «فكسونا العظام لحمًا» (مرحله شکل گیری کامل جنین) باز می گردد.

6- رشد جنین و مراحل تکوین انسان در رحم ، جلوه ای از قدرت و توانایی عظیم خداوند

ثم خلقنا النطفه علقه .. ثم أنشأه خلقًا آخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 15 - 3

3- مرگ و انتقال از نشأه دنیا به آخرت ، حلقه ای از مراحل خلقت و تقدیر حیات انسان

ثم إنكم بعد ذلك لميئون

با توجه به این که آیات فوق، در مقام بیان سیر تکاملی آفرینش انسان می باشد، مسأله مرگ می تواند نه به عنوان صرفاً یک هشدار؛ بلکه به عنوان حلقه ای مرتبط با حلقه های پیشین باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 16 - 2

2- رستاخیز و حیات اخروی ، آخرین حلقه در سیر تحولی آفرینش انسان

ثم إنكم يوم القيمة تبعثون

این بخش از آیات، در مقام بیان سیر تکامل آفرینش انسان است. بنابراین مسأله رستاخیز، می تواند نه به عنوان صرفاً یک هشدار؛ بلکه به عنوان آخرین حلقه متصل به حلقه های پیشین باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 20 - 8

8 - آفرینش انسان از خاک تا صورت آدمی ، مراحل مختلفی داشته است .

أَن خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ

«ثُمَّ» حرف تراخی است و دلالت بر مهلت و مدت می کند و از طرفی «إِذَا» فجاییه است و دلالت بر ناگهانی بودن می کند. جمع بین این دو، به این است که میان خلق انسان از مبدأ خاک تا صورت انسانی، مراحل طی شده که چندان روشن و آشکار نبوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 72 - 5

ص: 571

5- گِل و روح ، آغاز و پایان سیر تکوین انسان

خلق بشرًا من طین . فإذا سوّيته و نفخت فيه من روحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 67 - 4

4 - تحوّل خاک به نطفه تبدیل نطفه به علقه و تکامل آن ، روند آفرینش انسان

خلقکم من تراب ثمّ من نطفه ثمّ من علقه ثمّ یخرجکم طفلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 58 - 1,3,5

1 - فرایند پیدایش انسان از منی در رحم ، شایان مطالعه و تأمل

أفرئیتم ما تمنون

مراد از «امناء» (مصدر «تمنون») ریختن منی در رحم است؛ یعنی، آیا به منی - که آن را به صورت نطفه در رحم زن می ریزید - اندیشیده اید؟

3 - منی و نطفه مرد ، عنصر اصلی و مادی پیدایش انسان در رحم

أفرئیتم ما تمنون

5 - نقش انسان در پیدایش جنین ، تنها رها کردن منی در رحم است ؛ و نه بیشتر از آن .

أفرئیتم ما تمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 59 - 1,3

1 - نقش انسان در پیدایش انسان از نطفه در رحم تنها ، ریختن منی در آن است ؛ و نه بیشتر از آن .

أفرئیتم ما تمنون . ءانتم تخلقونه

استفهام در «ءانتم. ..» انکاری است؛ یعنی، این شما نیستید که منی را به صورت انسان در می آورید؛ بلکه نقش شما تنها ریختن منی در

رحم است.

3- آفرینش انسان از منی در رحم، جلوه ای از عظمت و قدرت بی مانند خداوند

أم نحن الخلقون

به کارگیری ضمیر متکلم مع الغیر (نحن) در مسأله آفرینش انسان از منی در رحم، بیانگر عظمت آفرینش انسان و جلوه ای از قدرت برتر آفریننده آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 74 - 2

2- آفرینش انسان از منی، بر آوردن دانه ها از دل خاک و رشد و نمو دادن آن، فرو فرستادن باران از آسمان و ایجاد درخت آتش زنه برای بیابان گردان؛ بیانگر مبرّا بودن ساحت او از نقص و کاستی

أفرئیتم ما تمنون... فسبح باسم ربك العظيم

ص: 572

تفریع «فَسَبِّحْ» بر مطالب آیات پیشین، نشانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 14 - 3, 2

2- آفرینش انسان ها به تدریج و با گذر از چند مرحله (همچون نطفه، علقه، مضغه و...) است.

و قد خلقکم أطوارًا

«طور» (مفرد «أطوار») به معنای «مرّه» (یک دفعه) و «حال» آمده است. مقصود در این آیه می تواند مراحل و حالات گوناگونی باشد که در آفرینش بشر موجود است.

3- آفرینش بشر از سوی خداوند، در قالب اشکال مختلف و با حالات گوناگون

و قد خلقکم أطوارًا

کاربرد واژه «أطوار» در این آیه، ممکن است مانند کاربرد آن در جمله «الناس أطوار» باشد؛ یعنی، اصناف و حالات گوناگون.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 37 - 4, 1

1 - نطفه (منی) ، مبدأ و آغاز تکوین انسان

ألم یک نطفه من منی یمنی

4- فراخواندن خداوند، به مطالعه درباره مبدأ و مراحل تکوین انسان

ألم یک نطفه من منی یمنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 38 - 1

1 - تبدیل شدن نطفه به علقه، از مراحل تکوین انسان و به صورت تدریجی است.

ألم یک نطفه .. ثمّ کان علقه

با توجه به کاربرد «ثمّ» - که برای بیان فاصله زمانی است - مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 39 - 5

5 - آفرینش انسان ، دارای روندی تدریجی و روبه تکامل

فخلق فسوی . فجعل منه الزوجین

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که حرف «فا» در «فخلق»، «فسوی» و «فجعل» برای ترتیب معنوی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 2 - 6

6 - آفرینش انسان در رحم ، همراه با تحولات و دگرگونی های پی در پی

إنا خلقنا الإنسان من نطفه . . . نبتلیه

ص: 573

«إبتلا»، می تواند استعاره از انتقال از حالتی به حالت دیگر باشد. در این صورت آیه شریفه، به تبدیل نطفه به علقه، علقه به مضغه و... اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 6 - 23 - 77

6 - آفرینش انسان از مایعی بی مقدار و سیر تکاملی آن در رحم، جلوه قدرت خداوند

ألم نخلقکم . . . فقد رنا فنعم القدرون

برداشت یاد شده، با توجه به این مطلب است که خداوند، وصف «فنعم القادرون» را پس از طرح مسأله آفرینش بشر و تقدیر آن، مطرح فرموده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 12 - 21 - 80

12 - وجود نشانه های خداشناسی، در مراحل پیدایش تا مرگ انسان

ما أكفروه . من أی شیء خلقه . . . ثم أماته فأقبره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انفطار - 6 - 7 - 82

6 - آفرینش، برخورداری از اعضای کامل و هماهنگی اندام با یکدیگر، سه مرحله پیاپی در سیر پیدایش انسان

خلقک فسویک فعدلک

ترتیب - که مفاد حرف «فاء» است - ممکن است «حقیقی» و یا «ذکری» باشد. برداشت یاد شده، براساس احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انفطار - 3 - 8 - 82

3 - مرحله پیدایش قیافه و سیما برای هر انسان، پس از مراحل آفرینش، تکمیل و تعدیل اعضای او است.

فی أیّ صوره ما شاء ربّک

جمله «فی ائی صوره ..» مستأنفه و بیانگر مرحله ای دیگر از مراحل پیدایش انسان است. برخی آن را تفسیر جمله «فعدلک» در آیه قبل، قرار داده و مرحله تعدیل و چهره پردازی را یکی دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انفطار - 82 - 9 - 2

2 - ساختار وجودی انسان و مراحل پیدایش او ، فاقد زمینه آلودگی به کفر و گناه است .

الذی خلقک فسویک فعدلک . فی ائی صوره ما شاء رگبک . کلا

حرف «کلا» - به قرینه آیات پیشین - ممکن است برای رفع این توهم باشد که زمینه کفر و گناه، در وجود کافران و گنه کاران نهاده شده است؛ یعنی، با آن تسویه، تعدیل و ترکیب، جایی برای این توهم نمی ماند؛ بلکه علت گناه و کفر به خداوند را باید در تکذیب کیفرهای اخروی جست و جو کرد.

ص: 574

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 2 - 2

2 - انسان ، از خون لخته آفریده شده است .

خلق الإنسان من علق

«علق»؛ یعنی، مطلق خون یا خونی که به شدت سرخ است، یا خون غلیظ و یا جامد (قاموس). برخی آن را جمع «عَلَقَه» دانسته اند که به اعتبار جنس بودن «الإنسان»، وصف آن قرار گرفته است. (الدرّالمصون)

317- مراحل خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 54 - 3

3 - آفرینش آسمان ها و زمین ، آفرینشی تدریجی ، در شش دوره و مرحله ، بوده است .

خلق السموت و الأرض فی ستة أيام

مراد از «یوم» در آیه شریفه معنای متعارف آن (روز و یا شبانه روز) نیست، بلکه مقصود شش دوره و مرحله است. زیرا روز به معنای متعارف آن، پس از آفرینش آسمانها و زمین تحقق یافته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 3 - 7

7 - آفرینش آسمان ها و زمین ، در شش مرحله

الذی خلق السموت و الأرض فی ستة أيام

کلمه «یوم» به معنای مقداری از زمان به کار می رود - کوتاه باشد یا بلند - بنابراین می توان گفت: «سته أيام» به معنای شش دوره و مرحله است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 59 - 4

4 - آفرینش آسمان ها و زمین در شش دوره و مرحله بوده است .

الذی خلق السموت و الأرض و ما بینهما فی ستّه آیام

کلمه «یوم»، در معنای مقداری از زمان به کار می رود (کوتاه باشد یا بلند). بنابراین می توان گفت: «ستّه آیام» به معنای شش دوره و مرحله است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 9 - 5

5 - خدا، زمین را در دو مرحله و دوره آفرید . *

ص: 575

بالذی خلق الأرض فی یومین

لفظ «یوم» می تواند کنایه از دوره و مرحله باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 12 - 14

14 - توجه به آفرینش زمین و آسمان و مراحل آن ، عامل پی بردن انسان به قدرت و علم نامحدود خداوند

أنتکم لتکفرون بالذی خلق . . . ذلک تقدیر العزیز العلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 38 - 1

1 - آفرینش آسمان و زمین و موجودات هستی ، بهوسیله خداوند در شش مرحله

و لقد خلقنا السموت و الأرض و ما بینهما فی ستة آیام

مراد از «یوم» در آیه شریفه، معنای متعارف آن (روز یا شبانه روز) نیست؛ بلکه مقصود شش دوره و مرحله است؛ زیرا روز به معنای متعارف آن پس از آفرینش آسمان ها و زمین تحقق یافته است.

318- مراحل خلقت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 39 - 3، 2

2 - تحوّل نطفه به علقه و تکامل علقه به موجودی معتدل و هماهنگ از دو صنف زن و مرد ، روند آفرینش انسان

ألم یک نطفه من منی یمنی . ثم کان علقه فخلق فسوی . فجعل منه الذکر و الأُنثی

3 - تساوی زن و مرد ، از جهت مبدأ پیدایش و مراحل تکوین *

أیحسب الإنسان . . . ألم یک نطفه من منی یمنی . . . فجعل منه الزوجین الذکر و الأُنثی

تذکر به این حقیقت که انسان از منی آفریده شده و از آن ماده، زوجین (مرد و زن) پدید آمده است، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

319- مراحل خلقت کوه ها

4- آفرینش کوه های استوار ، ایجاد نعمت ها و تقدیر معیشت موجودات زمین در چهار روز (مرحله)

و جعل فیها روسی من فوقها . . . فی أربعه ایام

برداشت یاد شده براین اساس است که «فی أربعه ایام» ظرف برای مجموع عبارت های آیه باشد.

320- مراحل خلقت مرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 39 - 2,3

2 - تحوّل نطفه به علقه و تکامل علقه به موجودی معتدل و هماهنگ از دو صنف زن و مرد، روند آفرینش انسان

ألم یک نطفه من منی یمنی . ثمّ کان علقه فخلق فسوی . فجعل منه الذکر والأُنثی

3 - تساوی زن و مرد، از جهت مبدأ پیدایش و مراحل تکوین *

أیحسب الإنسان . . . ألم یک نطفه من منی یمنی . . . فجعل منه الزوجین الذکر والأُنثی

تذکّر به این حقیقت که انسان از منی آفریده شده و از آن ماده، زوجین (مرد و زن) پدید آمده است، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

321- مراحل خلقت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 38 - 1

1 - آفرینش آسمان و زمین و موجودات هستی، بهوسیله خداوند در شش مرحله

و لقد خلقنا السموت والأرض و ما بینهما فی ستّہ آیام

مراد از «یوم» در آیه شریفه، معنای متعارف آن (روز یا شبانه روز) نیست؛ بلکه مقصود شش دوره و مرحله است؛ زیرا روز به معنای متعارف آن پس از آفرینش آسمان ها و زمین تحقق یافته است.

322- مطالعه خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 20 - 9

9 - پدید آمدن موجودی زنده به نام انسان از خاک مرده، امری غیر منتظره و سزاوار تأمل است .

أن خلقکم من تراب ثمّ إذا أنتم بشر تنتشرون

«إذا»ی فجایبه در آیه، می تواند حکایت از این حقیقت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 46 - 2

2- پیدایش زوجین (نر و ماده)، از آبی اندک (نطفه)، شایان تأمل و درس آموزی

ص: 577

وأنه خلق الزوجين الذكر والأنثى . من نطفه

«نطفه» در اصل به آب اندکی گفته می شود که ته ظرف باقی مانده باشد (قاموس المحيط).

323- مطالعه خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 25 - 2

2- تشویق خداوند ، به مطالعه درباره زمین و چگونگی آفرینش آن برای انسان ها

ألم نجعل الأرض كفاتاً

324- مطالعه در خلقت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 99 - 2

2- تشویق و ترغیب آدمیان به تفکر درباره پیدایش آسمان ها و زمین ، جهت درک تحقق معاد

أولم يروا أن الله الذي خلق السموت والأرض قادر على أن يخلق مثلهم

325- مطالعه در خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 99 - 2

2- تشویق و ترغیب آدمیان به تفکر درباره پیدایش آسمان ها و زمین ، جهت درک تحقق معاد

أولم يروا أن الله الذي خلق السموت والأرض قادر على أن يخلق مثلهم

326- مطالعه مبدأ خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 39 - 6

6- مطالعه در مبدأ و مراحل پیدایش انسان ، موجب راه یابی به هدف آفرینش آدمی و فلسفه زندگی او

أیحسب الإنسان أن یترک سدی . ألم یک نطفه ... فخلق فسوی . فجعل منه الزوجین الذکر

بیان سیر تکوین انسان - پس از طرح موضوع بی هدف نبودن زندگی بشر - می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

ص: 578

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 40 - 5

5 - مطالعه در مبدأ و مراحل آفرینش انسان ، از راه های شناخت معاد و پی بردن به احیای مردگان

ألم یک نطفه من منی یمنی .. فخلق فسوی ... ألیس ذلک بقدر علی أن یحیی الموتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 20 - 5

5 - تشویق خداوند ، به مطالعه درباره مبدأ و سیر تکوین انسان ها

ألم نخلقکم من ماء مهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 23 - 8

8 - مطالعه و تأمل در آفرینش انسان و مبدأ پیدایش و سیر تکاملی آن ، موجب شناخت معاد و اثبات توانایی خداوند بر آن است .

ألم نخلقکم من ماء .. فقد رنا فنعم القدرون

از این که ماجرای خلقت انسان با استفهام تقریری (ألم نخلقکم ..) آغاز شده، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

327- مطالعه مراحل خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 39 - 6

6 - مطالعه در مبدأ و مراحل پیدایش انسان ، موجب راه یابی به هدف آفرینش آدمی و فلسفه زندگی او

أیحسب الإنسان أن یترک سدی . ألم یک نطفه ... فخلق فسوی . فجعل منه الزوجین الذکر

بیان سیر تکوین انسان - پس از طرح موضوع بی هدف نبودن زندگی بشر - می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 40 - 5

5 - مطالعه در مبدأ و مراحل آفرینش انسان ، از راه های شناخت معاد و پی بردن به احیای مردگان

ألم یک نطفه من منی یمنی . . . فخلق فسوی ... ألیس ذلک بقدر علی أن یحیی الموتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 20 - 5

5 - تشویق خداوند ، به مطالعه درباره مبدأ و سیر تکوین انسان ها

ألم نخلقکم من ماء مهین

ص: 579

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 23 - 8

8 - مطالعه و تأمل در آفرینش انسان و مبدأ پیدایش و سیر تکاملی آن ، موجب شناخت معاد و اثبات توانایی خداوند بر آن است .

ألم نخلقكم من ماء .. فقد رنا فنعم القديرون

از این که ماجرای خلقت انسان با استفهام تقریری (ألم نخلقكم ..) آغاز شده، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

328- مطالعه منشأ خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 5 - 4، 1

1 - تحقیق درباره منشأ آفرینش انسان و توجه به عنصر اولیه جسم وی ، زمینه ساز باور به امکان احیای دوباره او است .

فلينظر الإنسن مم خلق

جمله «إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ» - در آیات بعد - بیانگر آن است که آنچه از این آیه به بعد مطرح شده، آماده سازنده ذهن انسان برای باور به امکان معاد است.

4 - لزوم تحقیق درباره منشأ آفرینش انسان و کشف عنصر اصلی در پیدایش جسم او

فلينظر الإنسن مم خلق

329- معبودان باطل و خلقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 16 - 19

19 - مشرکان علی رغم سراغ نداشتن مخلوقی برای خدایان خویش ، به ولایت و تدبیر آنان معتقد بودند .

أفأخذتم من دونه أولياء .. أم جعلوا لله شركاء خلقوا كخلقه فتشبه الخلق عليهم

جمله «خلقوا كخلقه» صفت برای «شركاء» است. «خلق» در هر دو مورد («كخلقه» و «الخلق») مصدر و به معنای اسم مفعول (مخلوقات) است. «تشابه» (مصدر تشابه) به قرینه کلمه «علی» به معنای مشتبه شدن به خاطر مشابهت است. «أم» در جمله فوق أم منقطعه و حاوی استفهام انکاری است و می رساند که خود مشرکان نیز برای شرکا و معبودهای پنداری، آفرینشی را باور نداشتند تا با آفریده

های خدا مشتبه شود.

330- معبودان باطل و خلقت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 3 - 5

ص: 580

5- معبود های مشرکان ، هیچ نقشی در مرگ ، زندگی و برانگیختن پدیده های جهان ندارند .

ءالهه . . . و لایمکلون موتا و لاجیوه و لانشورا

331- ملانکه و خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 30 - 15,20

15 - فرشتگان با توجه به حضورشان در هستی و لیاقتشان برای خلافت ، فلسفه ای برای خلقت و خلافت انسان نمی دیدند .

قالوا أتجعل فیها من یفسد فیها . . . و نحن نسبح بحمدک

جمله حالیه «و نحن نسبح . . .» گویای این مطلب است که: فرشتگان علاوه بر اینکه انسان را به خاطر فسادگری اش شایسته خلافت نمی دانستند، وجود خویش را برای احراز این مقام لایق دانسته و زمین را از خلافت انسان بی نیاز می شمردند.

20 - نا آگاهی فرشتگان به ارزش های والای انسان ، موجب شد تا فسادگری او برای فرشتگان جلوه گر شود و به خلقت و خلافتش معترض باشند .

أتجعل فیها من یفسد فیها . . . قال إنی أعلم ما لاتعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 32 - 10

10 - اعتراف فرشتگان به عالمانه و حکیمانه بودن آفرینش انسان و انتخاب او برای خلافت

إنک أنت العلیم الحکیم

از هدفهای فرشتگان در توصیف خداوند به علیم و حکیم بودن - پس از اظهار تشکیک در شایستگی انسان برای خلافت - اعتراف و اقرار به ارزش والای انسان و عالمانه و حکیمانه بودن آفرینش اوست.

332- منافع خلقت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 20 - 3

3 - آفرینش شتر ، برافراشتن آسمان ، استوارسازی کوه ها و هموار ساختن زمین ، دارای منافی درخور توجه برای انسان ها است .

أفلا ينظرون إلى . . . وإلى الأرض كيف سطحت

آیه شریفه، گرچه توجه دادن انسان ها به مظاهر قدرت خداوند در زمین و آسمان است؛ ولی تکیه بر اوصاف یاد شده، نشانه سودمند بودن آنها به حال آنان است.

ص: 581

333- منشأ استبعاد خلقت عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 60 - 7

7 - بعید شمردن شیوه آفرینش عیسی (ع) ، نشأت یافته از بی توجهی به قدرت بی نهایت خداوند است .

و لَمَّا ضَرَبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا... إِنْ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا... وَ لَوْ نَشَاءُ لَجْعَلْنَا مِنْكُمْ م

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: الف) «لَمَّا ضَرَبَ ابْنُ مَرْيَمَ» نظر به جنبه خلقت عیسی (ع) دارد. ب) این آیه در مقام رفع استبعاد و انکار مشرکان مکه است که برای خداوندی که قادر به آفرینش تمامی انسان ها به صورت ملک است، خلقت عیسی (ع) بدون پدر امری ساده می باشد.

334- منشأ خلقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 43 - 4

4 - توجه به منشأ خلقت و روزی و مرگ انسان ، مقتضی رویکرد تمام عیار به دین است .

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ... فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ

احتمال دارد «فاء» در «فأقم» تفریع بر آیه «الذی خلقکم ..» باشد که در آن، خداوند، برخی از افعال خود را به عنوان نشانه، یادآوری کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 77 - 3

3 - نطفه انسان ، چیزی پست و بی ارزش

أُولَئِكَ يَرِ الْإِنْسَانَ أَنَّهُ خَلَقَهُ مِنْ نَظْفَةٍ

برداشت یاد شده از آن جا است که تنکیر «نطفه» بر تحقیر دلالت دارد.

335- منشأ خلقت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - آفریش آسمان ها و زمین ، مخصوص خداوند و غیر او فاقد کمترین تأثیر در آن

أم خلقوا السموت والأرض

ص: 582

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 11 - 3,5

3 - خداوند، مبدأ و منشأ انسانها (آدم) را آفرید و سپس به او صورت انسانی عطا کرد.

و لقد خلقنکم ثم صورنکم ثم قلنا للملئکه اسجدوا لآدم

«خلقناکم» (شما را در گذشته آفریدیم)، خطاب به همه انسانهاست و چون همه انسانها پیش از فرمان سجده بر آدم آفریده نشده بودند، معلوم می شود آن جمله ناظر به آفرینش چیزی است که می توانسته مبدأ همگان باشد و به همین لحاظ آفرینش او آفرینش همه انسانها شمرده شده است فراز بعد (ثم قلنا ..) می رساند که آن چیز همان شد که به «آدم ابوالبشر» معروف است. قابل ذکر است که دلالت آیه بر این که خود آن مبدأ یاد شده آدم (ع) شده باشد به صورت احتمال مطرح است.

5 - وجود فاصله زمانی بین آفرینش مبداء انسانها و اعطای صورت انسانی به او

و لقد خلقنکم ثم صورنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 70 - 1

1- آفرینش و مرگ انسان ها به دست خداوند است .

والله خلقکم ثم یتوفکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 9 - 10

10- پیدایش انسان در جهان به اراده خداوند و مسبوق به نیستی مطلق بوده است .

وقد خلقتک من قبل ولم تک شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 55 - 6

6 - آفرینش انسان از زمین و بازگشت دوباره او به آن و نیز رستاخیز و معاد او ، به اراده و خواست خداوند است .

خلقنکم ... نعیدکم ... نخرجکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤنون - 23 - 79 - 1

1 - پیدایش نسل انسان در گستره زمین ، تنها به اراده و تدبیر خداوند

و هو الذی ذرأکم فی الأرض و إلیه تحشرون

«ذره» (مصدر «ذرأ») به معنای پدید آوردن و پراکندن است. «تحشرون» - به قرینه «إلیه» - متضمن معنای «ترجعون» و «حشر» (مصدر مجهول «تحشرون») به معنای جمع و گردآوری شدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 583

3 - نطفه ، خمیر مایه و منشأ آفرینش انسان ها است .

خَلَقَكُمْ ... مِنْ نَظْفَةٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 77 - 2

2 - نطفه ، مبدأ پیدایش و خمیر مایه آفرینش انسان است .

أَوَّلَمْ يَرِ الْإِنْسَانَ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نَظْفَةٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 21 - 10

10 - آفرینش انسان به وسیله خداوند ، دلیل قدرت او بر اعطای نطق به اعضا و جوارح آدمی

قَالُوا أَنْطَقْنَا اللَّهَ ... وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 35 - 4، 2

2 - پیدایش انسان ، بدون هیچ علت و مبدأ پدیدآورنده ، امری محال و نامعقول است .

أَمْ خَلَقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ

«شیء» می تواند کنایه از علت فاعلی باشد. بنابراین «من غیر شیء»؛ یعنی، بدون علت و عامل پدیدآورنده.

4 - نقش خود انسان در پیدایش و خلقت خویش ، امری محال و نامعقول است .

أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ

در آیه شریفه دو فرض مطرح شده است: 1- این که پیدایش انسان بی علت باشد؛ 2- این که انسان معدوم، در پیدایش خویش نقش داشته باشد که هر دوی آنها محال عقلی است. از این رو آیه شریفه با استفهام انکاری ادا شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 46 - 1

1 - پیدایش زن و مرد ، از نطفه به اراده خدای یگانه

وَأَنَّهُ خَلَقَ .. الذَّكَرَ وَالْأُنثَى . من نطفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 3 - 2

2 - رحمانیت خداوند ، منشأ آفرینش انسان

الرحمن . خلق الإنسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 584

19 - نوح - 71 - 17 - 1

1 - خداوند ، انسان را همچون نباتات از زمین آفریده است .

والله أنبتكم من الأرض نباتاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 37 - 3

3 - تکوین انسان از مایه ای ناچیز (منی) ، از نشانه های قدرت خداوند بر برپایی قیامت

الم یک نطفه من منی یمنی

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که این آیه در سلسله آیاتی قرار دارد که درصدد بیان مسأله معاد و اثبات آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 40 - 2

2 - آفرینش آغازین انسان ، از نطفه و علقه به همراه ساختاری معتدل و هماهنگ ، دلیل قدرت خداوند بر برپایی قیامت و احیای مردگان

الم یک نطفه من منی یمنی .. فخلق فسوی ... أليس ذلك بقدر علی أن یحیی الموتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انفطار - 82 - 7 - 3

3 - خداوند ، قامت انسان را استوار ساخت و اعضای او را هماهنگ و متوازن قرار داد .

فعدلک

فعل «عَدَلَ»، در موردی به کار می رود که چیزی را به پا دارند تا به اعتدال درآید و استقامت یابد(مقایس اللغه). این فعل در مورد برقرار کردن توازن و تعادل نیز به کار می رود.(قاموس)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انفطار - 82 - 8 - 2

2 - سامان یافتن هر انسان در شکلی خاص ، حاصل ترکیب اجزای او با یکدیگر است .

337- منشأ خلقت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 98 - 2

2 - خداوند تمامی آدمیان و نژادها و تیره های مختلف آن را از یک شخص (آدم) آفریده است.

و هو الذی أنشأکم من نفس وحده

ص: 585

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 39 - 3

3 - آگاهی انسان ها ، از منشأ پیدایش بشر و سیر تکوین او

إِنَّا خَلَقْنَهُمْ مِّمَّا يَعْلَمُونَ

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که «من» در «مِمَّا» ابتدائیه باشد.

338- منشأ خلقت پسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 49 - 6

6 - دختر و یا پسر شدن فرزندان ، متکی به مشیت خداوندی است .

يَهَبُ لِمَن يَشَاءُ إِنثًا وَيَهَبُ لِمَن يَشَاءُ الذَّكَورَ

339- منشأ خلقت ناکستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 34 - 1

1 - خداوند ، باغ هایی از خرما و انگور در زمین آفریده است .

وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ

340- منشأ خلقت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 15 - 1

1 - جن ، آفریده شده به اراده الهی ، از شعله های خالص و بدون دود آتش

و خَلَقَ الْجَانَّ مِّنْ مَّارِجٍ مِّنْ نَّارٍ

«مارج»، به معنای آتش خالص بدون دود است (قاموس المحيط).

341- منشأ خلقت دختر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 586

6- دختر و یا پسر شدن فرزندان ، متکی به مشیت خداوندی است .

یهب لمن یشاء إنثاً و یهب لمن یشاء الذکور

342- منشأ خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 36 - 1

1 - آفرینش آسمان ها و زمین ، مخصوص خداوند و غیر او فاقد کمترین تأثیر در آن

أم خلقوا السموت و الأرض

343- منشأ خلقت عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 34 - 6

6- عیسی (ع) ، کلمه خداوند و پدیدار شده به فرمان او بود .

ذلک عیسی ابن مریم قول الحقّ

منصوب بودن «قول» ممکن است به جهت حال بودن آن باشد و نیز محتمل است که منصوب به فعل مدح محذوف باشد. براساس این دو احتمال، مراد از «قول الحقّ» گفتار خداوند در خلقت عیسی(ع) (فرمان «کن») است.

344- منشأ خلقت مراتع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 4 - 2

2 - توجّه به قدرت خداوند بر رویاندن گیاهان و به وجود آوردن چراگاه ها ، مایه منزّه دانستن او از هر عیب و نقص و پیراستن نام او ، از هر وصف ناروا است .

سیح اسم . . . و الذی أخرج المرعی

345- منشأ خلقت ملائکه

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

17 - زخرف - 43 - 19 - 4

ص: 587

4- آفرینش فرشتگان ، براساس رحمت الهی است .

هم عبد الرحمن

346- منشأ خلقت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 109 - 6

6- ربوبیت خداوند مایه پیدایش آفریده ها و ارائه رهنمود های او است .

لكلمت ربّی . . . كلمت ربّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 35 - 8،10

8- آفرینش هر موجود درگرو تقدیر خدا و فرمان او به تحقق آن است .

إذا قضی أمرًا فإِنَّمَا یقول له کن فیکون

10- فرمان خداوند بر پدیدار شدن چیزی ، برای تحقق یافتن آن کافی است .

إذا قضی أمرًا فإِنَّمَا یقول له کن فیکون

«إِنَّمَا» دال بر حصر است؛ یعنی برای تحقق یافتن موجودات، به چیزی جز فرمان الهی نیاز نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 35 - 5

5- پیدایش موجودات ، متکی به مبدئی بی نیاز و قائم به ذات است .

أم خلقوا من غیر شیء أم هم الخلقون

از مجموع آیه شریفه استفاده می شود که پدیده، نیازمند به علتی است که آن علت، خود پدیده و وابسته به غیر نباشد؛ زیرا در غیر این صورت پرسش انکاری همچنان باقی خواهد بود (چگونه معلولی بی علت پدید آمده است).

347- منشأ خلقت نخلستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 34 - 1

1 - خداوند ، باغ هایی از خرما و انگور در زمین آفریده است .

و جعلنا فیها جنّات من نخیل و أعنب

ص: 588

348- نعمت خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 2 - 3

3 - تعلیم قرآن، نعمت و ارزشی فراتر از اصل خلقت انسان و نعمت های دیگر

عَلَّمَ الْقُرْآنَ . خَلَقَ الْإِنْسَانَ

سوره «الرحمان»، حاوی بیان انواع نعمت هایی است که خداوند به انسان عطا کرده است. از این که مسأله تعلیم قرآن، سرآغاز همه نعمت ها و حتی آفرینش انسان قرار گرفته، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 3 - 5

5 - وجود انسان از سوی خداوند، خود نعمتی است الهی .

خَلَقَ الْإِنْسَانَ

از آیات بعدی استفاده می شود که خداوند در این آیات درصدد بیان نعمت های الهی برای بشر است. بر این اساس می توان گفت: این آیه، اصل وجود انسان را به عنوان نخستین نعمت الهی معرفی کرده است.

349- نقش خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 6 - 3

3 - خلقت ویژه انسان و برخورداری او از دانش و هنر نویسنده گی، دور ماندن او را از هر گونه انحراف تضمین نمی کند .

خَلَقَ الْإِنْسَانَ . . . عَلَّمَ بِالْقَلَمِ . . . كَلَّمَ

حرف «کلام» مانع پیدایش پنداری است که ممکن است با شنیدن آیات پیشین که درباره آفرینش انسان و علم او بود، برای مخاطب به وجود آید و انسان را از خطر هر انحرافی دور بداند.

350- نقش عنصر خلقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - تفاوت مبدأ و عنصر اولیه پیدایش موجودات و نوع آنها، ملاک برتری و مهتری آنان نیست .

قال أنا خير منه خلقتني من نار و خلقته من طين

از محکوم شدن ابلیس در داوری و استدلال، درباره برتری خود بر آدم، برداشت یاد شده استفاده می شود.

7 - شرافت و برتری انسان و دیگر موجودات، به خاطر عنصر و ماده اولیه آفرینش آنان نیست؛ بلکه به کمالات و اوصاف ناشی از آن عنصر و ماده اولیه بستگی دارد .

ص: 589

قال أنا خير منه خلقتني من نار و خلقته من طين

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که خداوند از یک سوی فرمان داد که ابلیس بر آدم(ع) سجده کند؛ که این کار نشانه فضیلت و برتری انسان است. از سوی دیگر برتری ابلیس بر آدم را به خاطر تفاوت عنصر و ماده اولیه آنان مردود شمرد. این حقیقت می رساند که فضیلت آدم(ع) بر ابلیس، به خاطر عنصر اولیه آفرینش او نبود؛ بلکه ناشی از کمالات و اوصاف ناشی از ماده گل و روح الهی او بوده است.

351- وقت خلقت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 36 - 20

20 - از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت شده که فرمود: « يوم الجمعة سيد الأيام . . . خلق الله فيه آدم واهبط فيه آدم إلى الأرض » ;

روز جمعه شریف ترین روزهاست . . در آن روز خداوند آدم را آفرید و در همین روز او را به زمین فرستاد».

352- ویژگی خلقت عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 171 - 12

12 - خلقت حضرت عیسی (ع) ، خلقتی خارق العاده و بدون پدر

انما المسيح عیسی ابن مریم رسول الله و كلمته القها إلى مریم

انتساب مسیح(ع) به مادرش مریم(ع) دلالت بر خلقت او بدون واسطه پدر دارد.

353- ویژگیهای خلقت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 6 - 3

3 - حوا، از جنس آدم (ع) و برابر با او، در اصل خلقت و در حقیقت و ویژگی های انسانی

خلقکم من نفس وحده ثم جعل منها زوجها

بیشتر مفسران بر این عقیده اند که مضمون آیه شریفه مانند مضمون آیه «و الله جعل لكم من انفسكم أزواجاً و جعل لكم من أزواجكم بنين و حفده. ..»، (نحل (16) آیه 72) است. مقصود از آن بیان آفرینش نوع انسان و چگونگی پیدایش نسل آدمی و تکثیر نوع بشر است؛ نه این که حوا از یک تن به نام آدم پدید آمده باشد و در نتیجه همه انسان ها از یک تن به وجود آمده باشند.

ص: 590

354- ویژگیهای خلقت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 38 - 2

2 - شکل گیری نظام جهان ، دارای روندی تدریجی و طی دوره های متعدد

و لقد خلقنا .. فی سته آیام

355- ویژگیهای خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 14 - 10

10 - نوع خلقت انسان ، برترین و بهترین شکل آفرینش برای او

ثم أنشأناه خلقاً اخر فتبارك الله أحسن الخالقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 64 - 6

6 - انسان ، برخوردار از بهترین شکل و شمایل و اندامی موزون

و صوركم فأحسن صوركم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 17 - 5

5 - آفرینش انسان ، تدریجی و تکاملی است .

والله أنبتكم من الأرض نباتاً

برداشت یاد شده، به سبب آن است که خلقت نباتات، دارای چنین خصوصیتی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 2 - 6

6- آفرینش انسان ، ممتاز و برتر از آفرینش سایر مخلوق ها است .

الذی خلق . خلق الإنسن من علق

آیه قبل، از خالقیت خداوند سخن گفت و در این آیه، خلقت انسان به عنوان نمونه ای از مخلوقات او اختصاص به ذکر یافته است. این عنایت خاص، نشانگر برجستگی ویژه خلقت انسان است.

ص: 591

356- ویژگیهای خلقت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 19 - 7

7 - خداوند ، در پی آفرینش انسان از نطفه ، او را توانمند و مهیا برای رسیدن به مصلحت های خویش قرار داد .

من نطفه خلقه فقدره

برخی از اهل لغت، ضمن بر شمردن معانی متعددی برای «تقدیر»، دقت و تفکر در متعادل ساختن امور و مهیا ساختن آنها را، از جمله معانی آن قرار داده اند (لسان العرب). «فاء» در «فقدره» گویای این است که مهیا شدن انسان برای مصالح خویش، از آثار و پیامدهای سیستم خلقت او است.

357- ویژگیهای خلقت حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 6 - 3

3- حوا، از جنس آدم (ع) و برابر با او، در اصل خلقت و در حقیقت و ویژگی های انسانی

خلقکم من نفس وحده ثم جعل منها زوجها

بیشتر مفسران بر این عقیده اند که مضمون آیه شریفه مانند مضمون آیه «و الله جعل لکم من انفسکم أزواجاً و جعل لکم من أزواجکم بنین و حفده. ..»، (نحل (16) آیه 72) است. مقصود از آن بیان آفرینش نوع انسان و چگونگی پیدایش نسل آدمی و تکثیر نوع بشر است؛ نه این که حوا از یک تن به نام آدم پدید آمده باشد و در نتیجه همه انسان ها از یک تن به وجود آمده باشند.

358- ویژگیهای خلقت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 16 - 1

1 - خداوند ، ماه را نورانی و خورشید را همچون چراغ فروزنده آفرید .

و جعل القمر فیهنّ نوراً و جعل الشمس سراجاً

359- ویژگیهای خلقت روح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 85 - 8

8- روح در پیدایش و وجود ، بی نیاز از اسباب و وسایط خلقت *

قل الروح من أمر ربّی

ص: 592

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از «أمر» کلمه «ایجاد» باشد که معنای «کن» است. بنابراین، نیازی به وسایط خلق و آفریدن ندارد.

360- ویژگیهای خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 64 - 2, 1

1 - خداوند، کره زمین را با ثبات و آرام قرار داد.

اللّٰهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ قَرَارًا

«قرار» می تواند مصدر «قَرَّ» (مرادف سَكَنَ وَ ثَبَّتَ) باشد. در این صورت قرار، مقابل اضطراب و لرزیدن و از اوصاف زمین به شمار می رود. هم چنین می تواند به معنای مستقر و جایی باشد که در آن ثبات و آرامش است؛ یعنی، «جعلها مستقرًا لكم». در این صورت مقصود آن است که زمین را به گونه ای قرار دادیم که جایی برای سکونت شما انسان ها باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر معنای نخست است.

2 - خداوند، زمین را به گونه ای آفریده که قابل سکونت و زندگی برای بشر باشد.

اللّٰهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ قَرَارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 15 - 1

1 - خداوند، زمین را برای انسان رام و قابل بهره برداری قرار داد.

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 20 - 2

2 - خداوند، زمین را به گونه ای آفرید که انسان بتواند در آن راه های وسیع برای خود بسازد.

لَتَسْلُكُوا مِنْهَا سَبِيلًا فِجَاجًا

برخی از مفسران، بر آنند که چون فعل «سلک» با «من» متعدی شده است، متضمن معنای اتخاذ است؛ یعنی، «لَتَتَّخِذُوا لَأَنْفُسِكُمْ مِنْهَا سَبِيلًا...».

361- ویژگیهای خلقت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 17 - 7

7 - آفرینش شتر ، با ویژگی های برجسته آن ، نشان قدرت خداوند بر اعاده انسان ها است .

ص: 593

أفلا ينظرون إلى الإبل كيف خلقت

با توجه به این که آغاز سوره با یاد قیامت شروع شده، این آیات نیز ناظر به معاد و امکان آن خواهد بود.

362- ویژگیهای خلقت طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 11 - 6

6- طبیعت به گونه ای آفریده شده است که نیاز های انسان را به خوبی تأمین می کند .

هو الذی أنزل من السماء ماء لكم .. ينبت لكم

تکرار «لکم» در دو آیه، هم چنین فعل «تسیمون» جملگی دلالت بر آن دارند که: این مجموعه برای منافع آدمی ایجاد گشته و در نتیجه با نیازهای او تناسب و هماهنگی دارد.

363- ویژگیهای خلقت عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 87 - 7

7- عیسی (ع) انسانی تکوین یافته بدون واسطه پدر

و ءاتینا عیسی ابن مریم

قرآن با تصریح به اینکه عیسی (ع) فرزند مریم (ع) است - بر خلاف آنچه متعارف است که انسان را به پدرش منسوب می کنند - اشاره به نکاتی دارد؛ از جمله، پیدایش عیسی (ع) بدون واسطه پدر و رد پندار ناروای یهودیان که او را به مردی نجار نسبت می دادند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 32 - 3

3- عیسی (ع) در برشمردن ویژگی هایش ، بر پیدایش خود بدون پدر تأکید ورزید .

ویراً بولدتی

عیسی (ع) در مورد نیکی کردن، تنها از مادر خود یاد کرد و ذکری از پدر به میان نیاورد تا در گفتار هم این مطلب را که مادرش پاکدامن است، تأیید کرده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 34 - 3،7

3- عیسی (ع)، بدون پدر تکوین یافته بود .

ذک عیسی ابن مریم

ص: 594

نسبت دادن عیسی (ع) به مادرش مریم - با توجه به غیر متعارف بودن انتساب به مادر - گویای برداشت یاد شده است.

7- در باره ماهیت حضرت عیسی (ع) (بشربودن و تکوین یافتن او بدون پدر) در طول تاریخ تردیدهایی ناروا وجود داشته است.

ذلک عیسی ابن مریم .. الذی فیه یمترون

«الذی» وصف است برای «عیسی» یا «قول الحق» و «إمترء» (مصدر «یمترون») به معنای شک و تردید کردن است. غایب ذکرشدن صیغه «یمترون» از آن حکایت دارد که کسانی غیر از مسلمانان در باره حضرت عیسی (ع) به عقایدی پای بند بودند که بر پایه یقین استوار نبود.

364- ویژگیهای خلقت ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 16 - 1

1 - خداوند ، ماه را نورانی و خورشید را همچون چراغ فروزنده آفرید .

و جعل القمر فیهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

365- هدفداری خلقت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 73 - 2

2 - آفرینش آسمانها و زمین، هدفدار و در نهایت استواری است.

و هو الذی خلق السموت و الأرض

«حق» کاربرد معنایی بسیاری دارد، از آن جمله که قرینه ترکیب با جمله «خلق السماوات»، به معنای هدفداری و حکیمانه بودن آفرینش است، راغب نیز در مفردات به کاربرد این معنی برای «حق» تصریح کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 19 - 1

1- خداوند ، آسمان ها و زمین را هدفمند و بر اساس حکمت آفرید .

ألم تر أن الله خلق السموت و الأرض بالحقّ

«حق» در برابر باطل (بیهوده) است و مراد از آن، این است که فاعل حق برای کارش هدفی پسندیده در نظر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 8 - 3

3 - آسمان ها و زمین و تمامی موجودات هستی ، آفریده هایی هدف دار و پیراسته از هرگونه باطل اند .

ما خلق الله السموت و الأرض و ما بينهما إلا بالحقّ

ص: 595

«باء» در «بالحق» برای «ملاسه» است و دلالت می کند که حق بودن آفرینش، وصف انفکاک ناپذیر آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 38 - 2

2- وجود معاد و حیات اخروی، معنادهنده به آفرینش آسمان ها و زمین و سایر پدیده های جهان

إِنَّ هَؤُلَاءَ لَيَقُولُونَ . . . و ما خلقنا السموت ... لعین

خداوند، پس از بیان عقیده باطل کافران در زمینه نفی معاد و در جهت تبیین ضرورت معاد، به هدف مند بودن آفرینش اشاره کرده است؛ یعنی، اگر زندگی در حیات دنیا خلاصه شود، آفرینش معنایی عالمانه و حکیمانه پیدا نخواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 39 - 1

1- آفرینش آسمان ها و زمین، آفرینشی بحق، بایسته، ارزشمند و هدفدار

و ما خلقنا السموت و الأرض و ما بینهما لعین . ما خلقنهما إلاّ بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جاثیه - 45 - 22 - 1

1 - آفرینش آسمان ها و زمین از سوی خداوند، آفرینشی به حق و هدفدار

و خلق الله السموت و الأرض

«حق» به چیزی گفته می شود که براساس حکمت و فلسفه ای بایسته پدید آمده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 3 - 2

2- آفرینش جهان (آسمان ها، زمین و ...)، براساس حق و هدفدار و به دور از بیهوده کاری است .

خلق السموت و الأرض بالحقّ

«حق» در مقابل باطل قرار دارد. یکی از معانی «باطل» عبث و بیهوده کاری است؛ یعنی، کاری که در آن هدف معقولی لحاظ نشود.

366- هدفداری خلقت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 5 - 2

2- آفرینش جهان (آسمان، زمین و...)، هدفدار و به دور از عبث کاری است.

خلق السموت والأرض بالحقّ

«حقّ» در مقابل باطل قرار دارد و باطل گاهی در معنای عبث به کار می رود. بنابراین حق به معنای هدفدار بودن است.

ص: 596

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 22 - 6

6 - برپایی قیامت، بخشی از اهداف الهی در آفرینش جهان

بالحقّ و لتجزی کلّ نفس بما کسبت

برداشت بالا بنابراین نکته است که «و لتجزی» عطف بر محذوف باشد؛ یعنی، آفرینش به حق هستی اهداف متعددی را دنبال می کند و از آن میان، تنها یک مورد ذکر شده است که جزای عادلانه مردم است و قیامت صحنه اصلی بروز و ظهور آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 3 - 2

2 - خداوند، در آفرینش جهان، دارای هدفی بایسته و به دور از کمترین کاستی و بیهودگی

ما خلقنا السموت و الأرض و ما بینهما إلاّ بالحقّ

اطلاق «الحقّ» - با همه گستردگی و شمول آن - بر آفرینش خداوند، می رساند که در آفرینش او، کمترین ضعف، سستی، بیهودگی و .. وجود ندارد؛ بلکه از همه جهات در نهایت حقانیت و کمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 38 - 8

8 - شکل گیری تدریجی جهان، دارای ملاک های حکیمانه و نه معلول خستگی و محدودیت قدرت خداوند *

و لقد خلقنا السموت و الأرض .. و ما مسّنا من لغوب

برداشت بالا بدان احتمال است که بیان «ما مسّنا من لغوب» - در پی «ستّه آیام» - نظر به این جهت داشته باشد که اصولاً در آفرینش، رنج و خستگی برای خداوند مطرح نیست و اگر کار آفرینش را در شش مرحله صورت داده است، دلایل دیگری دارد و به سبب محدودیت قدرت او نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 10 - 4

4 - آفرینش زمین و نظام هستی از سوی خدا، هدفمند است.

و السَّمَاءِ رَفَعَهَا و... و الأَرْضِ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ

خداوند متعال در این آیه، نمایانده است که اصولاً سامان یافتن زمین و شکل گیری آن از آغاز، بدان هدف صورت گرفته که زیستگاه آدمیان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 3 - 11، 2

2- آفرینش جهان (آسمان ها، زمین و...)، براساس حق و هدفدار و به دور از بیهوده کاری است.

خلق السموت و الأرض بالحقّ

«حقّ» در مقابل باطل قرار دارد. یکی از معانی «باطل» عبث و بیهوده کاری است؛ یعنی، کاری که در آن هدف معقولی لحاظ

ص: 597

نشود.

11 - معاد و بازگشت انسان ها ، به پیشگاه عدل الهی برای کیفر و پاداش ، مقتضای آفرینش به حق و هدفمند جهان است .

خلق السموت و الأرض . . . و إليه المصیر

ذکر معاد انسان ها - پس از بیان آفرینش جهان بر پایه حق و هدفمندی - می تواند گویای نکته یاد شده باشد.

367- هدفداری خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 35 - 6,7

6 - خلقت انسان بدون هیچ هدف ارزشمند ، امری نامعقول است .

أم خلقوا من غیر شیء

برداشت یاد شده بدان احتمال است که واژه «شیء»، کنایه از غایت و هدف باشد.

7 - هدفداری خلقت انسان ، مستلزم بعثت رسولان و هدایت آدمیان به سوی اهداف بایسته

أم خلقوا من غیر شیء

چنانچه عبارت «من غیر شیء» به معنای «من غیر غایه» باشد؛ از ارتباط مسأله هدفداری خلقت انسان با آیات پیشین - که درباره حقانیت رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و قرآن بود - مطلب بالا استفاده می شود.

368- هدفداری خلقت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 2 - 11

11 - خلقت انسان ، هدفمند و جهت دار است .

خلق الموت و الحیوه لیبلوکم ائیکم أحسن عملاً

369- هدفداری خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آفرینش آسمانها و زمین، هدفدار و در نهایت استواری است.

وهو الذى خلق السموت والأرض

«حق» کاربرد معنایی بسیاری دارد، از آن جمله که قرینه ترکیب با جمله «خلق السماوات»، به معنای هدفداری و حکیمانه بودن آفرینش است، راغب نیز در مفردات به کاربرد این معنی برای «حق» تصریح کرده است.

ص: 598

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 19 - 1

1- خداوند، آسمان ها و زمین را هدفمند و بر اساس حکمت آفرید .

ألم تر أن الله خلق السموت والأرض بالحقّ

«حق» در برابر باطل (بیهوده) است و مراد از آن، این است که فاعل حق برای کارش هدفی پسندیده در نظر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 8 - 3

3 - آسمان ها و زمین و تمامی موجودات هستی، آفریده هایی هدف دار و پیراسته از هرگونه باطل اند .

ما خلق الله السموت والأرض و ما بينهما إلا بالحقّ

«باء» در «بالحقّ» برای «ملايسه» است و دلالت می کند که حق بودن آفرینش، وصف انفکاک ناپذیر آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 38 - 2

2- وجود معاد و حیات اخروی، معنادهنده به آفرینش آسمان ها و زمین و سایر پدیده های جهان

إنّ هؤلاء ليقولون . . . و ما خلقنا السموت ... لعین

خداوند، پس از بیان عقیده باطل کافران در زمینه نفی معاد و در جهت تبیین ضرورت معاد، به هدف مند بودن آفرینش اشاره کرده است؛ یعنی، اگر زندگی در حیات دنیا خلاصه شود، آفرینش معنایی عالمانه و حکیمانه پیدا نخواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 39 - 1

1- آفرینش آسمان ها و زمین، آفرینشی بحق، بایسته، ارزشمند و هدفدار

و ما خلقنا السموت والأرض و ما بينهما لعین . ما خلقنهما إلا بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - آفرینش آسمان ها و زمین از سوی خداوند ، آفرینشی به حق و هدفدار

و خلق الله السموت و الأرض

«حق» به چیزی گفته می شود که براساس حکمت و فلسفه ای بایسته پدید آمده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 10 - 4

4 - آفرینش زمین و نظام هستی از سوی خدا ، هدفمند است .

و السماء رفعها و .. و الأرض وضعها للأنام

ص: 599

خداوند متعال در این آیه، نمایانده است که اصولاً سامان یافتن زمین و شکل گیری آن از آغاز، بدان هدف صورت گرفته که زیستگاه آدمیان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 3 - 2

2- آفرینش جهان (آسمان ها، زمین و...)، براساس حق و هدفدار و به دور از بیهوده کاری است.

خلق السموت و الأرض بالحقّ

«حقّ» در مقابل باطل قرار دارد. یکی از معانی «باطل» عبث و بیهوده کاری است؛ یعنی، کاری که در آن هدف معقولی لحاظ نشود.

370- هدفداری خلقت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 17 - 3

3- شتر، مخلوق خداوند و آفریده ای هدف دار است.

أفلا ينظرون إلى الإبل كيف خلقت

در آیه شریفه، گرچه سخن از آفریننده شتر به میان نیامده است؛ ولی سیاق آیات - که در مقام برشمردن نعمت های خداوند، توجّه دادن انسان به قدرت مندی او و ضرورت معاد می باشد - بیانگر این است که خداوند، آن را خلق کرده و آفریدن آن لغو نبوده است.

371- هدفداری خلقت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 8 - 3

3- آسمان ها و زمین و تمامی موجودات هستی، آفریده هایی هدف دار و پیراسته از هرگونه باطل اند.

ما خلق الله السموت و الأرض و ما بينهما إلا بالحقّ

«باء» در «بالحقّ» برای «ملاپسه» است و دلالت می کند که حق بودن آفرینش، وصف انفکاک ناپذیر آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 46 - 14

14 - پدیده های عالم آفرینش ، برای برآوردن منظور و هدفی ، آفریده شده اند .

أن يرسل الرياح مبشّرت و ليديقكم . . . و لتبتغوا من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 600

2- وجود معاد و حیات اخروی ، معنادهنده به آفرینش آسمان ها و زمین و سایر پدیده های جهان

إِنَّ هُوَ لَیَقُولُونَ . . . و ما خلقنا السموت ... لعین

خداوند، پس از بیان عقیده باطل کافران در زمینه نفی معاد و در جهت تبیین ضرورت معاد، به هدف مند بودن آفرینش اشاره کرده است؛ یعنی، اگر زندگی در حیات دنیا خلاصه شود، آفرینش معنایی عالمانه و حکیمانه پیدا نخواهد کرد.

ص: 601

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

